

مجلس المدینۃ المنیہ
جمعیت ماہرہ آہدہ منظمین
دوسرے روز حہ ہسواہ دراما

مجمع الكوثر
جمع ما در آسود مطمئن
دوره نوازه در ماما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی خراسان شمالی
دانشگاه پیشرو

نخستین کنگره بین المللی جمعیت پایدار، آینده مطمئن و دومین جشنواره هنر در مامایی

زمان: ۲۴ و ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۲

مکان: خراسان شمالی - بجنورد

مهلت ارسال آثار: ۲۰ مهر ماه ۱۴۰۲

نحوه ارسال آثار:

ICSP2023.nkums.ac.ir



مهلت ارسال مقالات و آثار
تا ۲۰ مهر ماه ۱۴۰۲ تمدید شد

محورهای جشنواره:

سلامت زنان و مردان

ترویج و خوشایندسازی زایمان

فرزندآوری و سیاست های جمعیتی

مراقبت های پیش، حین و پس از بارداری

قالب ارسال آثار به جشنواره هنری:

هنرهای نمایشی (تئاتر، ناهنگ، موشن گرافی و نمایشنامه نویسی)

هنرهای ترسیمی (نقاشی، عکاسی، طراحی پوستر)

سینما (فیلم کوتاه و فیلم بلند)

ادبیات (شعر)

محورهای کنگره:

فناوری های نوین و جمعیت

حقوق باروری و پایداری جمعیت

توانمند سازی زنان و آینده جمعیت

سیاست های جمعیتی: فرصت ها و چالش ها

رویکردهای نوین در پیشگیری از سقط های انتخابی

مولفه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی موثر بر جمعیت

نقش سازمان های مردم نهاد بر جمعیت

درمان ناباروری و تاثیر آن بر جمعیت

رسانه، آموزش و پایداری جمعیت

طب مکمل و پایداری جمعیت

هوش مصنوعی و جمعیت



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی خراسان شمالی



۲۰ مهر ماه ۱۴۰۲

شرکت برای عموم آزاد است



دین جشنواره مادرانه

اهداء ۳ میلیارد ریال جوایز به نفرات برتر

قالب ارسال آثار به جشنواره هنری:

هنرهای نمایشی (تئاتر، نماهنگ، موشن گرافی و نمایشنامه نویسی)
هنرهای ترسیمی (نقاشی، عکاسی، طراحی پوستر)
سینما (فیلم کوتاه و فیلم بلند)
ادبیات (شعر)

زمان: ۲۴ و ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۲

مکان: خراسان شمالی - بجنورد

محورهای جشنواره:

سلامت زنان و مردان
ترویج و خوشایندسازی زایمان
پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت
فرزندآوری و سیاست های جمعیتی
مراقبت های پیش، حین و پس از بارداری

نحوه ارسال آثار: www.icsp2023.nkums.ac.ir



سیاست گذاری جمعیتی یکی از انواع سیاست گذاری در جهان معاصر است که جمعیت را موضوع خود قرار داده، ضمن بررسی آن از جهات مختلف تحولات جمعیت را در ارتباط با سایر موضوعات کلان یک جامعه بررسی می کند. سیاست های جمعیتی مجموعه ای از اصول و تدابیر و تصمیمات مدون جمعیتی است که از سوی دولت ها اتخاذ می شود و حدود فعالیت های دولت را در ارتباط با مسائل جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی را به دنبال دارند، تعیین می کند. هدف از این سیاست ها حفظ تعادل پویای ساختار کلی جمعیت است.

با شروع قرن بیست و یک ناهمگنی چالش های جمعیتی در سراسر دنیا بیش از پیش رخ نموده و جهان با طیف گسترده ای از موضوعات جمعیتی و چالش های اجتماعی رو به رو شده است. مسئله جمعیت و سیاست های مرتبط با آن امروزه دغدغه بسیاری از کشورهای دنیاست.

تجزیه و تحلیل جمعیت شناختی نشان می دهد که کشور ایران پس از تجربه کاهش باروری وارد مرحله جدیدی از تغییرات جمعیتی شده است. مشخصه اصلی این دوره جدید تحولات جمعیتی نه تنها افزایش جمعیت نیست، بلکه کاهش مداوم و مستمر باروری کمتر از حد جانشینی در درجه اول و سپس کاهش شدید رشد سالانه جمعیت، رشد منفی در آینده نزدیک، سالخوردگی جمعیت است که به مسئله مهم جمعیتی تبدیل شده است.

سیاست های کلی جمعیت که آینده نگرانه تدوین شده است، رویکردی جامع به جوانی، پویایی و سلامت نسل دارد. در راستای این سیاستها، توجه همه جانبه به راهبردهای علمی ارتقا سلامت خانواده در سطوح آموزشی و اجرایی و تغییر دیدگاه های فرهنگی راهگشا خواهد بود.

لذا با توجه به سیاست های کلی جمعیت و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی اولین کنگره بین المللی جمعیت پایدار، آینده مطمئن و دومین جشنواره هنر در مامایی برگزار می کند.



دکتر جواد شاهین فر (رئیس کنگره)

سخن را با این کلام از مقام معظم رهبری آغاز می‌کنم که فرمودند: بار دیگر تأکید می‌کنم که تلاش برای افزایش نسل، و جوان شدن نیروی انسانی کشور و حمایت از خانواده، یکی از ضروری‌ترین فرائض مسئولان و آحاد مردم است. این فریضه درباره‌ی افراد و مراکز اثرگذار و فرهنگ‌ساز، تأکید بیشتر می‌یابد. این یک سیاست حیاتی برای آینده‌ی بلندمدت کشور است. کاوشهای صادقانه‌ی علمی نشان داده است که این سیاست را می‌توان با پرهیز از همه‌ی آسیبهای محتمل یا موهوم پیش برد و آینده‌ی کشور را از آن بهره‌مند ساخت (پیام به فعالان حوزه جمعیت، ۱۴۰۲/۰۲/۲۸ میزان باروری در اکثر کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به زیر سطح جایگزینی (کمتر از دو فرزند به ازای هر زن) کاهش یافته است طی دو دهه گذشته میزان باروری کلی در ایران (میانگین تعداد فرزندان به ازای هر زن) زیر سطح جایگزین باقی مانده است. به طوری که از دو فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۷۹ به ۸/۱ در سال ۱۳۸۵ و سپس ۶/۱ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است.

تداوم میزان زیر سطح جایگزین باروری دغدغه رو به افزایش کشورهای با باروری پایین است چرا که سالخوردگی جمعیت و کاهش نیروی کار را تسریع می‌بخشد و در نتیجه پیامدهای منفی جدی‌ای برای توسعه اقتصادی کشورها خواهد داشت. برای مقابله با این چالش جهانی هر کشوری با سیاست‌های جمعیتی که تدوین کرده، در صدد رفع این مشکل برآمده است، لذا با توجه این که یکی از اولویت‌های اصلی کشورهای دنیا صیانت از جمعیت و جوانی جمعیت است و تمامی ارکان توسعه باید نسبت آن توجه ویژه‌ای داشته باشند و با توجه به نقش مهم رشته مامایی در اجرای سیاست‌های فرزند آوری و ترویج زایمان طبیعی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، جهت دستیابی به اهداف فوق در صدد برگزاری نخستین کنگره بین‌المللی جمعیت پایدار، آینده مطمئن و دومین جشنواره هنر در مامایی در آبان ماه ۱۴۰۲ می‌باشد.

دکتر جواد شاهین فر

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

و رئیس نخستین کنگره بین‌المللی جمعیت پایدار، آینده مطمئن

و دومین جشنواره هنر در مامایی



دکتر بهرام بیباک (دبیر کل کنگره)

جمعیت و تحولات کمی و کیفی آن و تاثیرات متقابل آن در بقای تمدن های بشری از دیرباز مورد توجه نخبگان و حاکمان بوده است، بسیاری از نظریه پردازان در طول تاریخ جمعیت را مهمترین مؤلفه اقتدار اجتماعی و نیروی محرکه جوامع بشری می دانند، کاهش نرخ باروری کل به زیر سطح جایگزینی جمعیت و کاهش رشد سالانه جمعیت یکی از مسائل امروز جهان است.

کاهش جمعیت فعال، کمبود نیروی انسانی در حوزه های مختلف، افزایش جمعیت وابسته و افزایش هزینه های مربوط به خدمات اجتماعی، از ملموس ترین پیامدهای اجتناب ناپذیر روند تغییرات فعلی جمعیت در آینده خواهد بود، کاهش فرزند آوری فقط مسئله ی جمعیت شناختی نیست و ابعاد فرهنگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی چندگانه و پیچیده ای دارد.

داشتن جمعیت جوان برای هر کشور یک فرصت است و کشورهایی که جمعیت آنها به سمت سالمندی پیش می رود با آینده نگری تلاش می کنند توزیع سنی کشور خود را به تعادل برسانند و تعادل جمعیت خود را حفظ کنند و برای این کار از سیاست های جمعیتی جهت کاهش پیامدهای ناگوار اقتصادی اجتماعی برای افزایش سطوح باروری استفاده میکنند.

لذا دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی هم راستا با سیاست های کلی جمعیت و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، نخستین کنگره بین المللی جمعیت پایدار آینده مطمئن و دومین جشنواره هنر در مامامی را در آبان ماه ۱۴۰۲ برگزار خواهد کرد.

دکتر بهرام بیباک

نخستین کنگره بین المللی جمعیت پایدار، آینده مطمئن

و دومین جشنواره هنر در مامامی

ریاست دانشگاه و ریاست نخستین
گنگره بین المللی جمعیت پدیدار، آینده
مطمئن و دوین جشنواره هنر در مامانی



دکتر حوادشاهین فر

دبیرکل نخستین گنگره بین المللی
جمعیت پدیدار، آینده مطمئن
و دوین جشنواره هنر در مامانی



دکتر بهرام میانک



دکتر حمیدرضا محدث حکاک

دبیر علمی هنری
دوین جشنواره هنر در مامانی



دکتر حمید حسینی

دبیر اجرایی نخستین گنگره بین المللی
جمعیت پدیدار، آینده مطمئن
و دوین جشنواره هنر در مامانی



دکتر زحره عباسی

دبیر علمی نخستین گنگره بین المللی
جمعیت پدیدار، آینده مطمئن
و دوین جشنواره هنر در مامانی



دکتر سکینه نظری

مدیر علمی کنگره



علی سنایی

دبیر کمیته اطلاع رسانی و تبلیغات



دکتر محمدامین یونسی هروی

مدیر اجرایی کنگره



سالار پوربرات

دبیر کمیته دبیرخانه



کریم علیزاده

کمیته تبلیغات و اطلاع رسانی

محمد جلال عباسی شوازی، استاد، دانشگاه تهران	جواد شاهین فر، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
محمد میرزایی، استاد، دانشگاه تهران	بهرام بیباک، دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
سیده زهرا معصومی قاضی نوری طباطبایی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی همدان	زهرا عباسی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
سپیده حاجیان، استاد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی	سید حمید حسینی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
سهیلا محمدی ریزی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان	Maryam Bazargan, Assistant professor ,Midwifery College of Nursing and Health Sciences Flinders University, Adelaide, South Australia
طاهره میر مولایی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران	Masomeh Rahimi, Faculty Instructor, Rabia Balkhi University, Afghanistan
طلعت خدیو زاده، دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد	Sayed Hussain Mosawi, Assistant professor, Ghalib university, Kabul, Afghanistan
محبوبه والیانی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان	FaridulAlam, professor, Medical sciences university of Bangladesh
زهرا کشاورز، دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی	Mehdi M Mirbagheri, Associate Professor , Northwestern University/Rehabilitation Institute of Chicago
مژگان میر غفوروند، استاد، دانشگاه علوم پزشکی تبریز	
مریم نکو لعل، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران	ماجده مقدادی، استادیار، دانشگاه علوم سلامت و رفتاری، کوئینزلند استرالیا
زینب حمزه گردشی، استاد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران	علی احمد محمدی، استادیار، دانشگاه غالب افغانستان
فرشته بهمنش، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی اراک	سکینه نظری، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
ناهید مهران، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی قم	شهلا خسروی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران
ابوعلی ودادهیر، استاد، دانشگاه تهران	پروین عابدی، استاد، دانشگاه علوم پزشکی اهواز
روناک شاهویی، دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی کردستان	فاطمه عرفانیان، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
خدیجه میرزایی، استاد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد	ناهید خداکرمی، استادیار، مرکز تحقیقات بهداشت باروری و ناباروری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
صابر جباری فاروجی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	طاهره لباف، تهران
فرح بابایی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی	نفیسه ثقفی، دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
فاطمه ناهیدی، دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی	

عباس عسکری ندوشن، دانشیار، دانشگاه یزد	میثم بابایی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
حسین حاتمی، استاد، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی	سیما سادات حجازی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
علی یار احمدی، دانشیار، دانشگاه شیراز	سید مرتضی موسوی جاجرمی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
عبدالقادر بحرینی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی آبادان	عطیه کلاته، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
مژگان هاشم زاده، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران	کتانه کاظمی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
پیمان آل شیخ، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	مریم حسن زاده، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
زکیه کشاورزی پور نقتی، استاد، دانشگاه علوم خراسان شمالی	فرزانه رشیدی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
علی اسماعیلی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	فرزانه خدابنده، مربی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
محمد امین یونسی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	فاطمه تنها کلاته، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
حمید رضا محدث حکاک، دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	مریم باقری، مربی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
فاطمه خراشادی زاده، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	رضوان رجب زاده، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
طوبی فرازمند، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	مهران وطنچیان، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
شیما عبداللهی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	محبوبه طباطبایی چهر، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
حامد مرتضوی، استاد، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	عین اله حاتمی، دکتری، دانشگاه کوثر
شاهین مافی نژاد، دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	امیر حسین تکیان، استاد، دانشگاه علوم پزشکی تهران
فاطمه عروجعلیان، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	عباس عبادی، استاد، دانشگاه علوم پزشکی بقیه اله
رقیه آرزومند، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی	خجسته قوی پنجه، سوئد

دکتر بهرام بیباک، دبیر کل کنگره، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر سید حمید حسینی، دبیر اجرایی کنگره، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر زهره عباسی، دبیر علمی کنگره، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر محمد امین یونسی، مدیر اجرایی کنگره، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر سکینه نظری، مدیر علمی کنگره، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر حمید رضا محدث حکاک، دبیر علمی و هنری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

علی سنایی، دبیر کمیته تبلیغات و اطلاع رسانی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

سالار پوربرات، دبیر کمیته دبیرخانه، و دبیر کمیته سایت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

کریم علیزاده، دبیر کمیته سمعی و بصری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر سید حمید حسینی، کمیته نظارت و هماهنگی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

احمد سلطانی، دبیر کمیته اسکان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

محمود جعفری، دبیر کمیته تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

احمدی حمیدی، دبیر کمیته حفاظت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

احمد قارداش پور، دبیر کمیته فرهنگی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر رضوان رجب زاده، دبیر مدیریت سالن، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

آنه قلی استوار، دبیر کمیته تدارکات و کارپردازی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

فیروز نادمی، دبیر کمیته نقلیه و ایاب ذهاب، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

احمد شعبانی، دبیر کمیته مالی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

سحر محمدیان، دبیر کمیته امور بین الملل، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

فرزانه خداپنده، دبیر کمیته دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر پیمان آل شیخ، دبیر کمیته تشریفات، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر مهدی براتی، دبیر کمیته پذیرش و ثبت نام، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر مریم باقری، دبیر کمیته کارگاه ها، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر رجبعلی حکم آبادی، دبیر کمیته غرفه ها و نمایشگاه، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دکتر کوروش ارزمانی دبیر کمیته مدیریت سالن ارائه پوستر

احمد حمیدی دبیر کمیته حفاظت و امنیت

دکتر زهره عباسی دبیر علمی

احمد سلطانی دبیر کمیته اسکان

آنه قلی استوار دبیر کمیته تدارکات و پشتیبانی

دکتر رضوان رجب زاده دبیر کمیته مدیریت سالن

دکتر سید حمید حسینی دبیر کمیته نظارت و هماهنگی

علی سنائی دبیر کمیته اطلاع رسانی و تبلیغات

محمود جعفری دبیر کمیته پذیرایی و تغذیه

دکتر مهدی براتی دبیر کمیته پذیرش و ثبت نام

دکتر پیمان آل شیخ دبیر کمیته تشریفات

فرزانه خداینده دبیر کمیته دانشجویی

دکتر فاطمه خراشادی زاده دبیر کمیته داوران

سالار پوربرات دبیر کمیته دبیرخانه

سحر محمدیان دبیر کمیته روابط بین الملل

کریم علیزاده دبیر کمیته سمعی و بصری

دکتر رجبعلی حکم آبادی دبیر کمیته غرفه ها و نمایشگاه

احمد قارداش پور دبیر کمیته فرهنگی

دکتر حمزه وحیدی فر دبیر کمیته فناوری اطلاعات

احمد شعبانی دبیر کمیته مالی

فیروز نادمی دبیر کمیته نقلیه و ایاب و ذهاب

نگین آذین فر کادر اجرایی دانشجویی

امید حسن نیا عضو کمیته اجرایی

امید صبافی عضو کمیته اجرایی

سید قاسم شجاعی عضو کمیته اجرایی

فهیمة حبیب منش عضو کمیته اجرایی

محبوبه عبدی عضو کمیته اجرایی

سید حسن هاشمی علیزاده عضو کمیته اجرایی

احسان حاتمی عضو کمیته اجرایی

احمد باقری عضو کمیته اجرایی

افسانه نادری عضو کمیته اجرایی

آسیه سلیمانی عضو کمیته اجرایی

بابک شہسوار عضو کمیته اجرایی

براتعلی روحانی عضو کمیته اجرایی

حسین ابراهیمیان عضو کمیته اجرایی

راحله علیزاده عضو کمیته اجرایی

زهره اسدی عضو کمیته اجرایی

سعید محمدی عضو کمیته اجرایی

سودابه سپهری راد عضو کمیته اجرایی

علی بهاری عضو کمیته اجرایی

مهدیه سیدکتولی عضو کمیته اجرایی

محمد غلامی عضو کمیته اجرایی

محمود یزدانی عضو کمیته اجرایی

مهدی شمس آبادی عضو کمیته اجرایی

نازی شکرالهی عضو کمیته اجرایی

نجمه سفیدی عضو کمیته اجرایی

نیما مرادی عضو کمیته اجرایی

دکتر زکیه کشاورزی عضو کمیته علمی

علی رضا یزدانی کادر اجرایی دانشجویی

آرش نیرومند کادر اجرایی دانشجویی

آرمیتا خوش اقبال کادر اجرایی دانشجویی

آیدا صابری کادر اجرایی دانشجویی

ماندانا پروین کادر اجرایی دانشجویی

حوریه نوروزی کادر اجرایی دانشجویی

رضا نامدار پور کادر اجرایی دانشجویی

زهرا حسین نیا کادر اجرایی دانشجویی

زهرا جی کادر اجرایی دانشجویی

زهرا کچرانلویی کادر اجرایی دانشجویی

زینب داورپناه کادر اجرایی دانشجویی

سپیده خانی کادر اجرایی دانشجویی

شمیم بهرامی کادر اجرایی دانشجویی

صفورا احمد زاده کادر اجرایی دانشجویی

صفیه آل جلیلی کادر اجرایی دانشجویی

علی جعفری دیرانلو کادر اجرایی دانشجویی

امیر محمد قربانی کادر اجرایی دانشجویی

فاطمه امیری کادر اجرایی دانشجویی

فاطمه صادقی کادر اجرایی دانشجویی

فاطمه صدوقی کادر اجرایی دانشجویی

فائزه قریجانلوئی کادر اجرایی دانشجویی

متین حدادیان کادر اجرایی دانشجویی

محمد صالح زواری کیان کادر اجرایی دانشجویی

مطهره سالاری کادر اجرایی دانشجویی

مہسا احمدی کادر اجرایی دانشجویی

نجمہ احمدی کادر اجرایی دانشجویی

نجمہ جوان کادر اجرایی دانشجویی

نگین شجری کادر اجرایی دانشجویی

ہادی مرادنیہ کادر اجرایی دانشجویی

ہانیہ فرزانیہ کادر اجرایی دانشجویی

ہما خانی کادر اجرایی دانشجویی

دکتر محمد امین یونسی ہروی مدیر اجرایی

مہدی احمدی عضو کمیته اجرایی

دکتر سکینہ نظری مدیر علمی

نرجس خزائی کادر اجرایی دانشجویی

میشم روحانی عضو کمیته اجرایی

جواد نامجو عضو کمیته اجرایی

دکتر بہرام بیباک دبیر کل کنگرہ و جشنوارہ

دکتر جواد شاہین فر رئیس کنگرہ و جشنوارہ

کوثر نیک روش کادر اجرایی دانشجویی

مبینا نوری کادر اجرایی دانشجویی

ساجدہ موسوی کادر اجرایی دانشجویی

محبوبہ بہمن کادر اجرایی دانشجویی

علی محزون عضو کمیته اجرایی

سعید خاکشور عضو کمیته اجرایی

قاسم ریحانی عضو کمیته اجرایی

علی تنہا عضو کمیته اجرایی

احمد نامور عضو کمیته اجرایی

مہدی عیسی پور عضو کمیته اجرایی

مریم چتر سیماب عضو کمیته اجرایی

عاطفه رحیمی عضو کمیته اجرایی

فائزه قنبری کادر اجرایی دانشجویی

فاطمه یوسفی کادر اجرایی دانشجویی

محمد پرهیزگار عضو کمیته اجرایی

مالک یزدانی عضو کمیته اجرایی

علیرضا نیکزاد عضو کمیته اجرایی

مهدی نظری عضو کمیته اجرایی

محمد اصغری عضو کمیته اجرایی

مهدی بخش آبادی عضو کمیته اجرایی

احسان داورطلب عضو کمیته اجرایی

آرش قرنچیک کادر اجرایی دانشجویی

فرنوش اعلمی کادر اجرایی دانشجویی

دکتر حسن براتی زاده معاون توسعه مدیریت، منابع و برنامه ریزی

دکتر علی اسماعیلی معاون آموزشی

دکتر رضا بشارتی مدیر امور هیات علمی

دکتر سید علی وکیلی معاون غذا و دارو

دکتر محمد رضا اکبری معاون بهداشتی

دکتر عبدالله کبریایی معاون درمان

افسانه گرشاد مدیر آموزشی

سید حسن سیدی مسئول نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه

سید احیاء سیدی معاون فرهنگی

یوسف داوری مدیر توسعه سازمان و تحول اداری

احسان عباس زاده معاون امور مالی

محمد سیف زاده مدیر پشتیبانی

دلاور ریحانی مدیر منابع انسانی

دکتر مسعود شمشیریان رئیس بسیج جامعه پزشکی خراسان شمالی

سخت‌کوشان
مادران
جمعیت مادران
آینده مطمئن
دوره جشنواره سردر ماما

ارائه سخنرانی

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery

سندیکه
مدرسه
جمعیت مادران، آینده مطمئن
دوین حیات نواره در ماما

مولفہ های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نقش سازمان های مردم نهاد و پایداری جمعیت

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery

The role of education in health and family planning and the attitude of professors and employees, of Herat Ghalib University



Ali Mohammad Esmaeily¹, Safiullah Fetrat¹, Ali Ahmad Mohammadi^{*2}

1. Science faculty, Department of Biology, Herat University, Herat, Afghanistan
2. Medical faculty, Ghalib university of Herat, Herat, Afghanistan

Abstract

Background: The role of science and knowledge in health and family planning to improve the level of society's awareness is one of the necessities of every society. Because an informed family presents an informed generation to the society. This increases the quality level of the society, for this reason, one of the important programs of every government is to create a suitable platform for the women of a country, so that they have sufficient information in the field of health and family planning. To preserve the health and life of mothers.

Methods: In this descriptive study, 120 people were randomly selected from among the professors and employees of Herat Ghalib University and its affiliates, and the questionnaire was distributed among them, of which only half of them answered the questions related to the questionnaire, which was Statistical tests with alpha 0.05, descriptive statistics method and SPSS software were used to analyze the collected data.

Results: The obtained results show that it is necessary to provide classes or classes related to health and family planning among women and men of the society. Because the majority of people in Herat province are young people, which is a worrying issue, and creating a suitable environment to increase the awareness of family members regarding health issues and family planning is considered one of the important issues of the society.

Conclusion: Considering the taboo of health and family planning in the traditional society of Afghanistan, which resists increasing awareness about health and family planning issues, the creation of health and family planning training classes in undergraduate courses for both male and female students. It is felt especially for females in high school or high school. The average age of the people who participated in the research is $10,4770 \pm 26,92$. Due to the fact that people are young, the need to learn about health and family planning issues is felt more. Because the more the level of awareness of the people in the society regarding health issues and family planning increases, then we will have a healthier and more dynamic society.

Keywords: Health, family planning, taboo, population, Herat, Afghanistan, summer



امید امامی^{۱*}، زینب فرهادی عبدی^۲، سیدحمید حسینی^۳، رضوان رجب زاده^۴

۱. دانشجوی سیاست های غذا و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد تغذیه ورزشی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

۳. دکترای تخصصی آموزش بهداشت، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ایران

۴. دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ایران

مقدمه: سیاست های غذا و تغذیه می توانند بر میزان بقاء، سلامت، باروری، مهاجرت و توزیع جمعیت اثر داشته باشند. برخی از این سیاست ها شامل تأمین امنیت غذایی، بهبود دسترسی به غذا، ارتقاء کیفیت غذا، حمایت از کشاورزان، ترویج الگوهای غذایی سالم، مبارزه با بیماری های مرتبط با غذا و تغذیه و آموزش بهداشت و تغذیه می باشند. این سیاست ها ممکن است با هدف کنترل یا تشویق رشد جمعیت طراحی و اجرا شوند یا به صورت خودکار نتایج جمعیت شناختی داشته باشند. در هر صورت، لازم است که پیامدهای جمعیت شناختی این سیاست ها را در نظر گرفت و با استفاده از شواهد علمی و روش های مناسب به ارزیابی و بهینه سازی آن ها پرداخت. براساس نتایج مطالعه بار بیماریها در ایران در سال ۲۰۱۹، بیماریهای قلبی و عروقی، سرزان ها و دیابت به ترتیب رتبه اول تا سوم مرگ را به خود اختصاص داده اند. ۵۰.۳۷٪ علت مرگ ناشی از بیماریهای قلبی عروقی مربوط به عوامل خطر تغذیه ای است. ۱۶.۵٪ (۷.۵ DALYS) از علت کل مرگ ها در هر دو جنس و تمام سنین در ایران مربوط به عوامل خطر تغذیه ای است.

روش کار: در این مطالعه مروری بر نتایج سازمان های بین المللی و داخلی داشته و سیاست ها و نقش سازمان های ذی نقش مرتبط با غذا و تغذیه و موثر بر رشد و جوانی جمعیت مورد بررسی و مطالعه مروری قرار گرفتند.

نتایج: علاوه بر ابلاغ سیاست های کلی جمعیت توسط مقام رهبری، در راستای سلامت و تغذیه سالم، در ایران چندین سند معتبر با همکاری چندین دستگاه اجرایی به تصویب نهایی رسیده است که از جمله آنها سند ملی پیشگیری و مبارزه با بیماریهای غیرواگیر مصوب ۱۳۹۴، سند ملی دانش بنیان امنیت غذا و تغذیه در کشور که در مصوب ۱۴۰۲ است که در آنها چارچوب کلان سیاست های غذا و تغذیه را برای دستگاه های اجرایی، مراکز علمی و تحقیقاتی، سازمان های بین المللی و غیر دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی در کشور تعیین کرده اند. سیاست های غذا و تغذیه با توجه به تأثیرات گسترده و چند بعدی خود بر رشد جمعیت، نه تنها باید به عنوان یک حق اساسی انسانی در نظر گرفته شوند، بلکه به عنوان یک عامل توسعه پایدار و رفع چالش های موجود و آینده نظیر تغییرات جمعیتی، تغییرات آب و هوایی، تغییرات الگوهای مصرف، فقر و نابرابری، بحران های غذایی، بحران های بهداشتی و ... دیده شوند. لذا نیازمند توجه جدی، برنامه ریزی دقیق، همکاری گسترده و اجرای مؤثر از سوی تمام ذینفعان در سطوح ملی، منطقه ای و جهانی است.

نتیجه گیری: به عنوان یک گروه جمعیت شناسی، جوانان نقش مهمی در شکل گیری آینده کشورها دارند. جوانان از لحاظ تعداد، نیرو، خلاقیت و پتانسیل، منبع اصلی تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هستند. بنابراین، سرمایه گذاری بر روی سلامت و تغذیه جوانان می تواند بازده بالایی داشته باشد. از طرف دیگر، عدم توجه به نیازهای غذایی و تغذیه ای جوانان ممکن است منجر به افزایش خطر بروز بسیاری از بحران ها و مشکلات اجتماعی شود. سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ اهداف توسعه پایدار را به عنوان چارچوب کلیدی برای رسیدن به چشم انداز ۲۰۳۰ اعلام کرد. این اهداف شامل ۱۷ هدف و ۱۶۹ زیر هدف هستند که پوشش دهنده تمام جنبه های توسعه پایدار از جمله فقر، گرسنگی، سلامت، آموزش، برابری جنسیتی، آب و بهداشت، انرژی پاک، کار و رشد، صنعت و نوآوری، شهرهای پایدار، مصرف و تولید پایدار، تغییرات آب و هوایی و .. می باشد.

کلمات کلیدی: سیاست های جوانی، غذا، تغذیه، سلامت باروری

ازدواج مبتنی بر الگوی هافستد

زکیه امینی، نسرین کمالی، مصطفی روشن روان*

* دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، خراسان شمالی، ایران

مقدمه: به تأخیر انداختن اولین بارداری از دلایل کاهش رشد جمعیت در دو دهه اخیر بوده است. این مسئله موجب سالخوردگی جمعیت و سرعت بخشیدن به کاهش نیروی کار فعال می شود. سیاست گذاری در زمینه باروری و سلامت، مستلزم بررسی همه جانبه و عمیق رفتارهای باروری و نیز در نظر گرفتن همه عوامل مهم مؤثر بر آن می باشد. یکی از عوامل مهمی که نقش آن در شکل دادن به نگرش ها و رفتار افراد غیرقابل انکار است، فرهنگ هر جامعه می باشد. بنابراین شناخت فرهنگ حاکم بر هر جامعه نقش مهمی در تدوین استراتژیهای افزایش جمعیت ایفا می نماید .

روش جستجو: جمع آوری داده های مطالعه حاضر از طریق جستجو در پایگاه های ایراندک، بانک مقالات پزشکی ایران، PubMed, Scienc, Direct, Iranmedex, elmnet, SID, Google scholar, بدون محدوده زمانی و با کلیدواژه های 'آسیب شناسی فرهنگی'، 'فرزندآوری' و 'الگوی هافستد' انجام شد. عوامل مؤثر بر تاخیر در فرزندآوری از کلیه مقالات جستجو شده، استخراج و در ابزار جمع آوری داده وارد و مورد بررسی قرار گرفتند .

یافته ها: داده های این مطالعه که در فرایند آسیب شناسی باید مورد توجه قرار گیرند، بر اساس شش بعد فرهنگی الگوی هافستد عبارتند از: بعد 'ابهام گریزی' (شرایط نامطلوب اقتصادی حاکم منجر به افزایش فاصله و پرداخت پاداش به فرزندآوری، افزایش مرخصی زایمان، پوشش بیمه و... منجر به کاهش فاصله میگردد)؛ بعد 'فردگرایی/ جمع گرایی' (شاغل بودن مادران و اولویت علایق و نیازهای فردی منجر به افزایش فاصله و انگیزه های مثبت باروری و رضایت از فرزندآوری، احساس نیاز، بقا و استفاده ابزاری از فرزند، منجر به کاهش فاصله میگردد)؛ بعد 'مردخویی/ زن خویی' (نگرش های جنسیتی و مشارکت مردان در امور خانه و فرزندان منجر به کاهش فاصله می گردد)؛ بعد 'بلند مدت/کوتاه مدت' (کیفیت و امید به زندگی منجر به کاهش فاصله میگردد)؛ بعد 'خویشتن داری در مقابله بی قیدی' (دینداری منجر به کاهش فاصله میگردد)؛ و بعد 'فاصله قدرت' (افزایش میزان تحصیلات، قرار گرفتن وسیع در معرض رسانه ها و فناوریهای نوین و استفاده از اینترنت منجر به افزایش فاصله فرزندآوری میگردد) .

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه بیانگر اینست که با آسیب شناسی فرهنگی و معطوف کردن سیاست های افزایش جمعیت بر تعدیل این متغیرها احتمالاً بتوان گامی مؤثر در راستای ارتقای افزایش جمعیت برداشت.

کلمات کلیدی: آسیب شناسی فرهنگی، فرزندآوری، الگوی هافستد

دکتر مهدی محمدیان امیری^۱، دکتر جمیله آقابتبار رودباری^{۲*}، دکتر شروین شریف پور^۳

۱. استادیار فوریت های پزشکی، گروه آموزشی جراحی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

۲. دکتری مدیریت آموزش عالی، رئیس اداره مامایی، معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

۳. متخصص بیهوشی، مدیر درمان، معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

مقدمه: اجرای مفاد قانونی جوانی جمعیت از جمله سیاست های کشوری و از اولویت های نخست و وظایف اصلی دانشگاه های علوم پزشکی است؛ از آنجایی که اهمیت اجرای این قانون بسیار زیاد و دامنه شمول اجرای این قانون نیز بسیار فراگیر و گسترده بوده، منابع دانشگاه ها نیز محدود می باشد، استفاده از راهبردهای مدیریتی چند گانه جهت اجرایی سازی مواد قانونی جوانی جمعیت در دانشگاه ها علاوه بر برنامه ریزی منسجم و ساختار مند، ضرورتی انکار ناپذیر می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه با مصاحبه با مجریان اصلی برنامه های جوانی جمعیت دانشگاه علوم پزشکی بابل و همچنین بررسی گزارش عملکرد کمیته دانشگاهی جوانی جمعیت و زیر کمیته های مرتبط، در شهریور ۱۴۰۲ و پیاده سازی مصاحبه ها و بررسی عملکرد کمیته دانشگاهی از زمان اجرایی سازی قانون جوانی جمعیت در دانشگاه انجام شد.

یافته ها: برنامه های متعدد و متنوع در دانشگاه علوم پزشکی بابل در اجرایی سازی مواد قانونی جوانی جمعیت اجرا گردید که اهم این برنامه ها شامل برگزاری همایش ها، نمایشگاه ها، برپایی ایستگاه ها، میز خدمت، کارگاه های آموزشی، جشنواره ها، مسابقات، نمایش فیلم بوده است. راهبردهای چند گانه مدیریتی که در اجرای این برنامه ها مورد استفاده قرار گرفت، شامل برقراری ارتباطات بین بخشی و بین سازمانی، توافق های همکاری، استفاده از شخصیت های تاثیر گذار مانند هنرمندان، رسانه ها، تبلیغات، تقلید از سازمان های موفق، استفاده از ظرفیت سازمان های مردم نهاد، اتخاذ سیاست های تشویقی جدید، برنامه ریزی نیروی انسانی، تدوین برنامه های عملیاتی، استفاده از منابع سایر سازمان ها، جلب حمایت و مشارکت سیاستگذاران در سطوح ملی، استانی و شهرستانی و نیروهای خودجوش مردمی بوده است.

نتیجه گیری: اجرای برنامه های جوانی جمعیت با اهمیت بسیار زیاد و دایره شمول گسترده مستلزم شناسایی و کاربست راهبردهای موثر می باشد. استفاده از راهبردهای چند گانه مدیریتی که در دانشگاه بابل در اجرای این برنامه مورد استفاده قرار گرفت، رویکرد استراتژیک و مناسبی است که موفقیت اجرای تاثیر گذار برنامه های جوانی جمعیت را تضمین می نماید.

واژه های کلیدی: راهبرد های چندگانه، مدیریت، جوانی جمعیت

Migrant and Refugee Women's Perceptions & Experiences of Perinatal Mental Health in Australia: A Qualitative Evidence Synthesis



Majedeh Meghdadi

1. School of Nursing and Midwifery and Social work, The University of Queensland

Abstract

Background: Around one third of women giving birth in Australia are migrants and refugees who face multiple challenges with migration, as majority are from low and middle-income countries. Due to increased vulnerability secondary to their challenges, the mental health disorders already common in the perinatal period are further exacerbated.

Methods: Cochrane Effective Practice and Organization of Care (EPOC) Qualitative Evidence Synthesis template was used.

Databases CINAHL, EMBASE, MEDLINE, PubMed, PsycINFO and SCOPUS searched October ۲۰۲۱ to December ۲۰۲۱ for qualitative primary studies published in English, from ۲۰۱۱ to ۲۰۲۱, reporting qualitative data on the Perinatal Mental Health (PMH) of migrant and refugee women in Australia. CASP checklist was used to assess methodological limitations of the included studies. GRADE-CERQual was used to identify methodological limitations, coherence, adequacy and relevance in assessing confidence of qualitative findings.

discussion: A strong association was identified between PMH disorders in the perinatal period and the factors causing them. We identified that several mental health and mood problems such as depression, anxiety, PTSD, isolation, loneliness and fear were experienced by migrant and refugee women during the perinatal period. These findings are similar to those of other systematic reviews on PMH disorders of migrant and refugee women in other parts of the world.

Conclusion: This review emphasizes that women experience perinatal mental health issues due to poor social support and health care experiences, copious social expectations and health related concerns. Further research in working with migrant women is key to formulating appropriate strategies in the perinatal period. Translating research to practice will only be possible by involving health care providers and policy makers.

Keywords: Migrant, Perinatal Mental Health, Perceptions

سندیک گره
جمعیت مادران آینده مطمئن
و دور چشم نواره در ماما

سیاست های جمعیتی و حقوق باروری و پایداری جمعیت و توانمندسازی زنان

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery

محمد جلال عباسی شوازی^۶، ابوالقاسم پوررضا^۵، عباس عبادی^۴، ابوعلی ودادهیر^۳، زیبا تقی زاده^۲، فرشته بهمنش^{۱*}

هیات علمی آموزشی دانشگاه علوم پزشکی پرستاری - مامایی بابل

دانشیار، گروه مامایی و بهد مراقبت های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

دانشیار مرد مشناسی و مطالعات سلامت، گروه مردم شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران و عضو گروه سلامت اجتماعی، فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

استاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران؛ رئیس موسسه مطالعات جمعیتی دانشگاه ملیورن کشور؛ و استاد افتخاری

مقدمه و اهداف: باروری پایین سبب کاهش نیروی کار و سالخوردگی جمعیت می شود. از این رو، فرزند آوری و تعیین کننده های آن به عنوان موضوعی مهم در سیاست گذاری های جمعیتی، مطرح می شود. مطالعه حاضر، به تبیین علل تک فرزندی بر اساس دیدگاه زنان پرداخته است.

روش کار: مطالعه کیفی حاضر، قسمت دوم یک مطالعه ترکیبی توضیحی متوالی است که با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی و روش ساله شهرستان بابل بودند که دارای تک فرزند بودند و اصلاً قصد ۱۵-۴۹ استدلال استقرایی انجام شد. جامعه پژوهش، خانم های متأهل بارداری در آینده نداشتند و با نمونه گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند. پس از کسب رضایت نامه کتبی، مصاحبه های نیمه ساختاریافته. مصاحبه به اشباع رسید ۱۳ انجام شد و داده ها با

یافته ها: یافته ها نشان داد که تک فرزندی در خانم های بابلی متأثر از رسانه و الگوهای اجتماعی است که با تقدم خویشتن همراه است. آینده تضمین نشده و تعارض زناشویی، داشتن تنها یک فرزند را تقویت می کند. در حقیقت، مسائلی وجود دارد که زنان با وجود "بلا تکلیفی های تک فرزندی"، مجبور به "باقی تک فرزندی" شده اند و تلاش می کنند تا با تنها یک فرزند به زندگی خود معنا بخشند.

نتیجه گیری: غیر از مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی متعددی در فرزند آوری خانواده ها نقش دارد و سیاست گذاران جمعیتی برای رسیدن به اهداف جمعیتی مورد نظر خود باید این مسائل و مشکلات را نیز در نظر داشته باشند.

محبوبه محمدی^۱، سید محمد قلمکاریان^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، واحد خوراسگان

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد خوراسگان، خوراسگان، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه: هوش هیجانی شامل توانایی تشخیص هیجانات در خود و دیگران، مدیریت مؤثر هیجانات، استفاده از هیجانات در انگیزش خود و برقراری ارتباطات مؤثر است. هوش هیجانی میزان سازگاری اجتماعی فرد را در رابطه با محیط نشان می دهد. همچنین اینکه فرد چطور خود را می شناسد، چطور خود را نشان می دهد، چگونه دیگران را درک می کند، چگونه با آن ها ارتباط مؤثر برقرار می کند و به چه صورتی با تقاضاهای روزانه زندگی و محیط کاری پر استرس خود برخورد می کند. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی هوش هیجانی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان زن متاهل انجام شد.

روش کار: در مطالعه حاضر جهت تعیین بررسی هوش هیجانی و عوامل مرتبط با آن در مطالعات معتبر موجود، جستجو بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ و در پایگاه های اطلاعاتی معتبر فارسی و انگلیسی انجام شد. در این بخش منابع کتابخانه ای (کتاب مرجع و پایان نامه ها) و منابع الکترونیکی (مقالات و گایدلاین های موجود در این زمینه) مورد بررسی قرار - به منظور جستجو در پایگاه های اطلاع رسانی موجود، بر اساس عنوان پژوهش، واژه های کلیدی بر اساس Mesh شامل هوش هیجانی، متغیر، دانشجوی، زن و تاهل تعیین و سپس با ترکیب کلیدواژه های موجود و با استفاده از از عملگرهای بولین (و، یا، *) مروری بر متون انجام شد.

نتایج: نتایج نشان داد که هوش هیجانی با سن، پیشرفت تحصیلی، معدل ارتباط معنی دارید. همچنین نتایج نشان داد بین سبک عشق ورزی و کیفیت روابط زوجین و کیفیت روابط زوجین با هوش هیجانی رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین هوش هیجانی، تحمل فشار روانی و کنترل تکانش با تاب آوری رابطه مثبت معنی داری به دست آمد. بین هوش هیجانی با سبک های حل مسأله و سلامت عمومی، انتظار از ازدواج و افزایش مهارت های اجتماعی نیز ارتباط مثبت معنی داری وجود داشت. بعلاوه نتایج نشان داد که سطح هوش هیجانی در عملکرد حل مسئله افراد تأثیر دارد و هر چه هوش هیجانی افراد بالاتر باشد، قدرت حل مسئله آنان بیشتر است

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر اهمیت بکارگیری هوش هیجانی بر موفقیت دانشجویان خصوصا زنان متاهل را نشان داد لذا پیشنهاد می گردد که در سطح آموزشی توجه به ارتقا سطح هوش هیجانی بیش از پیش مد نظر مسئولین آموزشی قرار گیرد.

کلید واژه ها: هوش هیجانی، دانشجوی، زن، تاهل

محمد رضا یوسفی^۱، مریم جعفر نژاد^۲

۱. کارشناسی ارشد پرستاری سالمندان، مؤسسه درمانی آستان قدس رضوی، خراسان رضوی، مشهد
۲. کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، دانشگاه آزاد اسلامی، مدیر گروه بیهوشی، خراسان رضوی، مشهد

مقدمه: میانسالی یکی از دوران های حساس زندگی هر فرد است که با چالش های گوناگونی روبرو می گردد. در واقع این دوران با یک بحران عاطفی هویت و اعتماد به نفس همراه است که می تواند باعث اختلالات روحی و کاهش کیفیت زندگی گردد. در این میان، داشتن یک فرزند می تواند تأثیر بسزایی در زندگی آن ها و نحوه مواجهه با چالش ها داشته باشد. این پژوهش بصورت کیفی به واکاوی چالش های پیش رو در میانسالان دارای یک فرزند پرداخته است.

بررسی روش: این مطالعه کیفی و با رویکرد پدیدار شناسی انجام پذیرفت. نمونه ها به روش نمونه گیری مبتنی بر هدف و شامل ۱۴ نفر (براساس اصل اشباع داده ها) از افراد بیشتر از ۵۰ سال که یک فرزند داشتند و معیارهای ورود را داشتند، انتخاب شدند. روش جمع آوری داده ها مصاحبه های نیمه ساختار یافته با سؤالات باز بوده که داده های حاصل از مصاحبه با استفاده از روش پدیدار شناسی به شیوه کلایزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: بر اساس یافته های این پژوهش، چالش های میانسالان دارای یک فرزند در چهار بُعد عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و ادراکات ذهنی و روانی طبقه بندی می گردد. مهم ترین چالش های درک شده میانسالان احساس تنهایی در دوران سالمندی، ترس از ازدواج فرزند و جدایی، تنهایی فرزند و نداشتن تکیه گاه و پشتیبان، تعاملات اجتماعی کم فرزند می باشد.

نتیجه گیری: احساس تنهایی و ترس از آینده در میان افراد دارای یک فرزند به عنوان یک چالش مهم تلقی می شود. ترس از سالمندی و مرگ خاموش نیز یکی از مسائل عاطفی در این افراد است. همچنین عدم تکامل اجتماعی در فرزندان و نیاز به کمک در زمینه های اقتصادی و اجتماعی از دغدغه های میانسالان برای فرزندان نشان می باشد.

واژه های کلیدی: چالش های پیش رو، میانسالان، یک فرزند

وظایف و مسئولیت های حقوقی و کیفری کادر درمان در قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده و محدودیت غربالگری و سقط جنین با تکیه بر پیشگیری از بروز جرم و تخلفات اداری

احمد طاهری^۱، مجید معاون سعیدی^۲، ملیحه پیشوائی^{۳*}، سمانه نجفی^۴، فاطمه علیجان^۵، رضوان نبیلی^۶

۱. احمد طاهری، رئیس اداره حقوقی و رئیس هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی گناباد
۲. مجید معاون سعیدی کارشناس حقوقی دانشگاه علوم پزشکی گناباد
۳. *ملیحه پیشوائی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی قم و کارشناس امور حقوقی علوم پزشکی گناباد
۴. سمانه نجفی عضو هیات علمی گروه پرستاری و رئیس اداره امور پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گناباد
۵. فاطمه علیجان کارشناس امور حقوقی دانشگاه علوم پزشکی گناباد

چکیده: آموزش نیروی انسانی، یکی از راهکارهای اصلی برای تأمین سلامت نظام اداری و مقابله با جرایم و تخلفات است. نظام اداری سالم و عاری از جرایم، از یک سو توسعه و اعتلای کشور و از سوی دیگر، اعتماد و رضایتمندی مردم را به دنبال دارد. لذا در این راستا ماده ۳۵ قانون جوانی جمعیت به طور اخص و ماده ۴۶ آیین نامه اداری استخدامی کارکنان غیر هیات علمی دانشگاه ها و همچنین مواد ۵۸ تا ۶۳ قانون مدیریت خدمات کشوری بر ضرورت و اهمیت امر آموزش کارکنان تاکید ویژه دارد. روش پژوهش: در این تجربه، روشی علمی و براساس اصول برنامه ریزی آموزشی می باشد که در ۵ گام طراحی شده است.

روش: این تحقیق با بهره گیری از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه ای و جست و جو در بانک اطلاعاتی اطلاعات جامع پزشکی (مدلاین) پابمد، ساینس دایرکت، گوگل اسکولار و وب آف ساینس، و سپس با طراحی مطالعه در ۵ گام، نیازسنجی آموزشی-برنامه ریزی-اجرای برنامه-ارزشیابی برنامه-اصلاح و بازنگری برنامه و نیازسنجی مجدد طراحی و اجرا گردید.

یافته ها: شایان ذکر است با توجه به ادله علمی ذکر شده در ضرورت بهبود کیفیت آموزش به کارکنان از اهداف نهایی توسعه انسانی محسوب میشود و نقش قابل تأملی در پیشبرد فرآیند توسعه انسانی ایفا میکند. قانونگذار ایران در جدیدترین سیاست کیفری خود در مواجهه با سقط جنین جنایی و جرائم مرتبط با آن، رویکرد سخت گیرانه تری در پیش گرفته است. با توجه به نتایج مطالعه آموزه های قانونی باید به نحو موثرتری در دروس دانشگاهی گنجانده شود و برنامه های بازآموزی و کارگاههای آموزشی جهت افزایش آگاهی کادر درمان برگزار شود تا از کاهش دانش افراد با فاصله گرفتن از زمان تحصیل جلوگیری شود. در این راستا، آگاه کردن مدیران و کارکنان دستگاههای اجرایی از جرایم مرتبط با حیطة شغلی آنها نقش بسزایی در پیشگیری از جرایم و تخلفات اداری و کاهش ارتکاب آنها دارد.

کلید واژه: کادر درمان، غربالگری، تخلف، سقط جنین

تبیین عوامل موثر بر افزایش ازدواج های دانشجویی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی

حبیب اله رضایی^۱، معصومه عبدی حسن آباد^۲

۱. مرکز تحقیقات سلولی مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.
۲. دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.

مقدمه: یکی از اقداماتی که می تواند در جهت افزایش نرخ باروری در کشور تأثیر گذار باشد ازدواج در سن جوانی و به ویژه ازدواج دانشجویی باشد. هدف از انجام این پژوهش تبیین عوامل موثر بر افزایش ازدواج های دانشجویی از دیدگاه دانشجویان پزشکی بود.

مواد و روش ها: این مطالعه کیفی از نوع تحلیل محتوا، در سال ۱۴۰۲ در شهر یاسوج در بین دانشجویان پزشکی ورودی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ انجام گرفت. از هر کلاس حداقل دو دانشجو (یک خانم و یک آقا)، به صورت هدفمند مورد مصاحبه نیمه ساختارمند قرار گرفت. مصاحبه ها تا زمان رسیدن به اشباع داده ها ادامه یافت. همه داده ها ضبط، دستنویس و با استفاده از روش تحلیل محتوای قراردادی با رویکرد Graneheim و Lundman تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: از دیدگاه دانشجویان، فراهم بودن مسکن و خوابگاه متأهلی، فراهم بودن شغل و فرصت کسب درآمد، بیان تجارب زوج های موفق دانشجویی، تشویق و حمایت خانواده، دوستان همکلاسی و اعضای هیات علمی، همسانی در سن و تحصیلات، فراهم بودن شرایط برای میزان شناخت از همدیگر، برپایی جشن ازدواج دانشجویی و دادن هدیه ازدواج دانشجویی متناسب، وجود آیین نامه های حمایتی، کاهش مدت یا حذف سربازی برای آقایان متأهل، و اختصاص وام های کم بهره از عوامل موثر بر افزایش ازدواج دانشجویی می باشد.

نتیجه گیری: عوامل متعددی بر افزایش ازدواج های دانشجویی تأثیر می گذارد، پیشنهاد می گردد در بازنگری آیین نامه ها به این مسائل توجه ویژه گردد و کارگاه ها و وبینارهای آموزشی در این خصوص برای سیاست گذاران برگزار گردد.

واژه های کلیدی: دانشجویان، ازدواج، جمعیت، پزشکی

Demographics of the elderly in Austria



Marisa Habibi¹

¹. Master degree, Graphic Design, Vienna, Austria

Introduction: Ageing and its consequences at the onset of the third millennium is becoming one of the major population-related issues in all countries.

Methods and Materials: To achieve this goal, a documentary study of national data has been done. Important demographic indicators such as the life expectancy men, the life expectancy women the population's age structure, the index of old age and the dependency ratio of the elderly population in Austria for the years 2000 to 2020 were investigated.

Results: Austria's population increased by 11,3% from 2000 to 2020. Average life expectancy rose from 81,1 to 83,7 years for women and from 75,1 to 78,9 years for men in that period. Similarly to other countries, the population's age structure shifts to one that is dominated by people of older age. In 2010, 67,5% of the population were people of working age between 15 and 65 years and 17,7% were 65 or over. In 2020, 66,5% of the population were people of working age and 19,1% were aged 65+. Among the older population, an ever increasing share reach a very advanced age (80+): the share of very old persons was 3,5% in 2000, rose to 4,8% in 2010 and stood at 5,5% in 2020. This is mainly due to continually increasing life expectancy, high birth rates in the 1940s and 1960s and decreasing birth rates in the recent past. The strongest increase in older persons can be seen in areas affected by outmigration as young people leave while older persons normally stay.

Conclusion: Due to the increase in life expectancy and the increase in the elderly population, appropriate planning should be done for this population.

Key Word: elderly, Austria, Ageing index elderly, life expectancy

تعیین نیازهای پس از زایمان: یک مطالعه کیفی

سکینه نظری^۱، سپیده حاجیان^۲، زهره عباسی^۳، حمید علوی مجد^۴

۱. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بجنورد
۲. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
۳. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بجنورد
۴. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

مقدمه: دوران پس از زایمان را می توان یکی از حساس ترین مراحل زندگی و در عین حال به یادمانی زندگی هر زن و یکی از حیطة های مهم بهداشت باروری به شمار آورد. بسیاری از مشکلات این دوران با مداخلات ساده و مقرون به صرفه قابل اجتناب خواهند بود به شرط آنکه نوع و نحوه ارائه این مداخلات با نیازهای مادران متناسب باشد. محققین این مطالعه در صدد شناسایی نیازهای مادران در مراقبت های بعد از زایمان هستند. این مطالعه کیفی با هدف تبیین نیازهای مادران در دوره پس از زایمان در شهر بجنورد استان خراسان شمالی طراحی شده است.

روش کار: در این پژوهش کیفی با ۴۵ نفر از زنان باردار، زنانی که حداکثر طی یکسال اخیر زایمان کرده اند، همسر آنها و همچنین مطلعین کلیدی و صاحب نظران در زمینه ارائه مراقبتهای دوران بارداری و پس از زایمان، با استفاده از مصاحبه های فردی عمیق که به روش نمونه گیری مبتنی بر هدف انتخاب شده بودند، تا رسیدن به اشباع داده ها، انجام شد. مصاحبه ها ضبط، نسخه برداری و با روش تحلیل محتوی با استفاده از نرم افزار MAXQDA نسخه ۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند

یافته ها: تجزیه و تحلیل داده های مطالعه کیفی، در مرحله اول پژوهش، منجر به ظهور ۴ طبقه اصلی شد که شامل «نیازهای آموزشی»، «نیازهای ساختاری»، «نیازهای اقتصادی»، «تسهیل کننده ها» بودند.

بحث و نتیجه گیری: در طراحی برنامه های مداخله ای اولین اقدام نیاز سنجی می باشد که با استفاده از نتایج مطالعه حاضر می توان مداخلات اثر بخش را طراحی نمود که به روند بهبود سلامت مادران در دوره پس از زایمان کمک کند

کلمات کلیدی: نیازهای پس از زایمان، دوره پس از زایمان، مطالعه کیفی

سندھ کی سائنس اور ٹیکنالوجی کی ترقی
میں نوجوانوں کی شمولیت اور ان کی صلاحیتوں کی
تعمیر اور ان کی زندگیوں کو بہتر بنانے کے لیے
میں نوجوانوں کی شمولیت اور ان کی صلاحیتوں کی
تعمیر اور ان کی زندگیوں کو بہتر بنانے کے لیے

رسانہ، ہوش مصنوعی و فناوری های نوین و جمعیت

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery

فائزه قربانی^۱، طلعت خدیوزاده^{۲*}، فاطمه زهرا کریمی^۳، کلثوم دلدار^۴

۱. دانشجوی دکتری سلامت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، مشهد، ایران
۲. دانشیار گروه سلامت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، مشهد، ایران
۳. استادیار گروه سلامت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، مشهد، ایران
۴. استادیار گروه انفورماتیک پزشکی، دانشکده پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

مقدمه: تامین نیاز های اطلاعاتی زوجین ، به صورت آسان و کم هزینه ، نقشی بنیادی در سلامت خانواده ایفا می کند و این امر در ارتقای فرزندآوری سهم به سزایی خواهد داشت. این پژوهش با هدف تحلیل وب سایت های مرتبط ، جهت طراحی وب سایت ترویج فرزندآوری انجام شد.

روش کار: کلیه وب سایت های مرتبط، در محدوده زمانی بهمن تا اردیبهشت ۱۴۰۲ با کلیدواژگان 'بارداری، زایمان، فرزند آوری، وب سایت' در موتور جستجو های google, yahoo و Bing جستجو و ۸۵ وب سایت وارد مطالعه شدند که در نهایت ۴۰ وب سایت با رویکرد تحلیل محتوی ، با استفاده از نرم افزار Maxqda تحلیل شدند

یافته ها: با تحلیل وب سایت ها، ۴۸۶ کد استخراج شدند. تمامی کدها در دو طبقه اصلی به نام الگوی ساختاری و الگوی محتوایی تقسیم بندی شدند. در طبقه ساختار، آشنایی بیشتر با سایت با ۵.۵٪، و در طبقه محتوا، مطالب مرتبط با بارداری و زایمان با ۳۳.۱٪ و فاکتورهای موثر با باروری با ۱۰.۶٪ خانواده با ۱۰.۲٪ و سلامت زنان نیز با ۸.۰۲٪ بیشترین مطالب را در وب سایت ها به خود اختصاص داده بودند.

نتیجه گیری: مضامین شناسایی شده در وب سایت ها، به اکثر ابعاد باروری پرداخته بودند، اما در خصوص ترویج فرزندآوری، مضامین بسیار اندکی وجود دارد. استفاده از مضامین مذکور می تواند در ساخت وب سایت در زمینه بارداری و زایمان الگویی مناسب باشد، اما نیاز به تولید محتوای بیشتری در خصوص ترویج فرزندآوری وجود دارد..

کلمات کلیدی: وب سایت، بارداری، فرزندآوری، تحلیل محتوی کیفی

Mhealth for cervical cancer: A systematic review



Azam Orooji¹, Roghayeh Arezumand¹, Sonia Fathi¹, Farzaneh Kermani^{2*}

1. Department of Advanced Technologies, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences (NKUMS), Bojnurd, Iran

2. (corresponding author) Department of Health Information Technology, School of Allied Medical Sciences, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran.

Introduction: An estimated 570,000 women were diagnosed with cervical cancer(CC)worldwide, and about 311,000 women died from the disease. CC is a significant global health issue, with a high mortality rate if not detected and managed early. The aim of this review was to study the efficacy, usability, and feasibility of mobile apps as mHealth interventions for CC care.

Search strategy: A systematic literature review based on PRISMA guideline was conducted in PubMed, Cochrane library and web of science. The search terms were used but not restricted to the following: “mobile applications”, “app”, “smartphone”, “mhealth”, “cervical cancer”, “cervix cancer”. The “AND” and the “OR” logical operators were also used in the search queries. All English full-text studies published to 2023 that describe mhealth interventions for CC care were included. Reviews, case studies and studies with no technological development were excluded.

Results: A total of 208 articles were retrieved. After non-English articles(n=1) and duplicates(n=61) were extracted, titles and abstracts(n=146) were initially screened for relevance and the full text of the selected articles(n=120) were then reviewed independently by two reviewers. Of these, 23 articles were included. Most studies have been conducted in African countries(n=8), Southeast Asian countries(n=9) and USA(n=4), and other studies in the United Kingdom(n=2), Colombia (n=1), India (n=1) and Norway(n=2). More than half of the studies were designed cross-sectional (n=10) and only three cohort studies and one RCT study were conducted. Most apps(n=12) contained educational materials, of which three studies used gamification tools for this purpose. Other features of apps include: image-based detection using artificial intelligence(n=4), data collection in the database(n=4), sending alerts/reminders(n=4), teleconsultation(n=3), patient follow-up(n=3), identification of people in need of screening(n=1), recruitment for screening(n=1), colposcope control(n=1) and forum(n=1). The number of participants varied from 10 to 4,247. Outcomes including acceptance/usability(n=6), increased level of knowledge (n=6), feasibility (n=9), system detection accuracy(n=4), efficacy(n=4), agreement rate in detection(n=3), adherence / usage rate(n=3), data/image quality(n=2) and health behavior(n=1) were investigated.

Conclusions: The results showed that mhealth can be very useful in providing care services to patients with CC, raising awareness, screening women for early diagnosis and training of nurses and health workers. In addition, with AI, it is possible to create very reliable screening and diagnostic systems that allow for better planning of healthcare resources.

Keywords: Uterine cervical neoplasms, cervix cancer, mobile health, smartphone, mobile application

Comparison of Traditional Regression Models with Machine Learning in Predicting Positive Fertility Motivation in Iranian Women



Sedigheh Abdollahpour^۱, Talat Khadivzadeh^۲, Mahdiah Arian^{۳*}

۱. Assistant Professor in Reproductive Health, Nursing and Midwifery Care Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

۲. Associate Professor in Reproductive Health, Nursing and Midwifery Care Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

۳. Assistant Professor, Nursing and Midwifery Care Research Center, Faculty of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Abstract

In recent years, the fertility rate in Iran has decreased. Policymakers in the field of demographic policies can make more accurate strategies to increase childbearing motivation by providing the possibility to understand better the factors affecting the fertility rate decline. Machine learning (ML) and multiple linear regression (MLR) have traditionally been used to explore the relationships between risk factors and endpoints that are widely applied in medicine. We hypothesized that ML outperforms traditional MLR and different ranks of the importance of the risk factors will be obtained. Finally, ML methods were used to predict the positive motivation fertility. The data were collected from ۹۰۰ women of reproductive age from April ۲۰۲۱ until March ۲۰۲۳. All of these women were living in Mashhad City, Razavi Khorasan Province, in Northeastern Iran. Our study showed that all eight ML methods outperformed the traditional regression. We also found that baseline religious beliefs, duration of marriage, level of education of the woman, level of Spouse's support, number of cesarean section and history of complications during pregnancy as well as birth complications such as pre-eclampsia, postpartum bleeding, long stay in the hospital, are more important factor with positive fertility motivation. It is recommended that to increase the fertility rate, strengthening the variables related to positive fertility motivations should be on the agenda of the policy makers.

Applications of Artificial Intelligence in the Elderly Challenges, A Systematic Review



Laleh Satarzadah^{۱,۲}

۱. General Department, Faculty of Medical, Curative Medicine, Ghalib University, Herat, Afghanistan.

۲. Department of Management Sciences and Health Economics, School of Health, Mashhad University of Medical Science, Mashhad, Iran.

Abstract:

The world's population is rapidly aging, leading to various challenges such as health care demands, social isolation, and cognitive decline. Artificial intelligence (AI) has emerged as a promising solution to deal with these challenges and increase the quality of life for the elderly. The purpose of this study was to examine the various applications of artificial intelligence in addressing the needs of the elderly population. In this systematic review, related studies were identified from different databases. Then the selected articles were analyzed to extract information about the applications of artificial intelligence in the challenges of the aging population. The analysis revealed several key applications of AI, including assistive technologies, monitoring systems, fall detection, cognitive assistance, and social engagement platforms. These solutions based on artificial intelligence showed promising results in increasing the well-being and independence of the elderly. The review highlighted the significant contribution of artificial intelligence in addressing the challenges faced by the aging population. Artificial intelligence technologies offer opportunities to improve health care, social participation, and the overall well-being of older adults. Further research and development is necessary to optimize these technologies and ensure their effective implementation in real-world environments.

Keywords: Artificial intelligence (AI), The elderly challenges, Systematic review

سندھ کے لیے
مطمئن
آئندہ
مجموعیہ ماہرین،
اللہ کے
دوست
ہو اور
مواہر
درمانا

پائل رویکردہای نوین در نازایی و پیشگیری از سقط جنین

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery



Designing and Developing Enzyme-Linked Immunosorbent Assay Sandwich Kit for Measuring Placental Growth Factor Concentration Arezoo

Ruqieh Arzoomand*, Hassan Namdar, Mehran Vatanchian, Arzo Valipour

۱. North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۲. North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۳. North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۴. North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Placental growth factor (PIGF) is an angiogenic factor belonging to vascular endothelial growth factor family. This factor is mainly expressed in the placenta and has an important role in blood supply to embryonic tissues and fetal. According to accumulated data after 10th week of gestational age the expression of PIGF is increased. The peak of this factor is seen in the 30th week of pregnancy. The abnormal expression of PIGF has been seen in some diseases such as preeclampsia, eclampsia, cancer, and atherosclerotic lesions. Preeclampsia is a pregnancy complication characterized by high blood pressure and signs of damage to another organ system, most often the liver and kidneys. As noted the level of PIGF decreased in preeclampsia is, therefore, timely and accurate

measurement of this factor could help in diagnosing preeclampsia. In this study, we worked on development of sandwich enzyme-linked immunosorbent assay (ELISA) kit for measurement of PIGF, to this end, bivalent single-domain monoclonal antibody with high affinity binding was used as detection antibody and rabbit polyclonal antibody with strong signal to PIGF was used as capture antibody. Both types of antibodies were

produced in the laboratory. Therefore, this study showed that the designed kit can measure PIGF up to 10⁶ pg/mL. Intra-assay accuracy was <10% and interassay accuracy was <10%. The ELISA sandwich kit had the appropriate sensitivity and accuracy in measuring human PIGF.

Keywords: PIGF, ELISA

Investigation of vaginal candidiasis in pregnant women, a review study



Abozar Nasiri-Jahrodi^{1*}

¹Department of Pathobiology and Medical Laboratory Sciences, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Abstract

introduction: Vaginal infections are common during pregnancy and can have significant effects on both maternal and fetal health. *Candida albicans* is a common cause of vaginal infections during pregnancy, and its impact on pregnancy outcomes has been the subject of numerous studies. In this literature review, we examined the effect of vaginal infection with *Candida albicans* on pregnancy outcomes and poor pregnancy outcomes.

Search strategy: We conducted a comprehensive search of the literature using electronic databases, including PubMed, Embase, and Scopus. The search was limited to studies published in English between ۲۰۰۰ and ۲۰۲۱. We identified ۲۵ studies that met our inclusion criteria and provided relevant information on the impact of *Candida albicans* infection on pregnancy outcomes.

Results: Our review showed that vaginal infection with *Candida albicans* during pregnancy is associated with an increased risk of preterm birth, low birth weight, and fetal distress. The mechanisms underlying these associations are not fully understood, but may involve the release of inflammatory cytokines in response to the infection, which can lead to premature labor and fetal distress. Additionally, *Candida albicans* infection during pregnancy has been linked to an increased risk of preeclampsia and gestational diabetes.

Treatment of *Candida albicans* infection during pregnancy is generally safe and effective, with topical antifungal agents being the preferred treatment option. However, some studies have suggested that treatment may not be necessary in all cases, particularly if the infection is asymptomatic.

conclusion: our review provides evidence that vaginal infection with *Candida albicans* during pregnancy can have significant effects on pregnancy outcomes. Clinicians should be aware of the potential risks associated with this infection and consider screening pregnant women for *Candida albicans* infection, particularly those who are symptomatic or at high risk for poor pregnancy outcomes. Early detection and treatment of *Candida albicans* infection during pregnancy may help to reduce the risk of adverse outcomes and improve maternal and fetal health. Further research is needed to better understand the mechanisms underlying the associations between *Candida albicans* infection and poor pregnancy outcomes, and to identify effective strategies for prevention and treatment of this common infection during pregnancy.

نیاز به یک نرم افزار آموزشی در بین زوجهای نابارور ایرانی: یک مطالعه کیفی



منصوره یزدخواستی*^۱، زهرا حاجی نقیبعلی حصارى^۲

۱. استادیار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران
۲. کارشناسی ارشد مشاوره مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

چکیده

زمینه و هدف: درک نیاز زنان و مردان نابارور، اولین قدم به منظور توانمند سازی، کاهش هزینه های بهداشتی - درمانی و ارائه مراقبت های ناباروری با کیفیت بالا می باشد. هدف از این مطالعه کیفی، تبیین نیاز زنان و مردان نابارور ایرانی در راستای طراحی برنامه نرم افزاری آموزشی می باشد.

روش کار: برای جمع آوری اطلاعات، زنان و مردان نابارور مراجعه کننده به مراکز درمان ناباروری رویش و ابن سینای کرج و نیز از افراد صاحب نظر در این حوزه، در ۲ بحث گروهی متمرکز و ۸ مصاحبه عمیق فردی، شرکت کردند. این مطالعه در بازه زمانی دی ماه ۱۳۹۶ تا تیرماه ۱۳۹۷ انجام شد. برای تجزیه و تحلیل از رویکرد موضوعی و محتوا استفاده شد. جلسات متمرکز گروهی به صورت نیمه محتوایی از طریق کدگذاری آزاد و ترکیبی جهت کاهش داده ساختاری و تحلیل ها، خروج مفاهیم و طبقه ها استفاده شد.

نتایج: یافته ها منجر به پدیدار شدن یک تم با عنوان "اپ کاربردی با قابلیت آموزش چند بعدی" گردید. این تم شامل ۴ طبقه اصلی "آموزش های قبل از درمان"، "آموزش های اقدامات تشخیصی"، "آموزش های بعد از درمان"، "آموزش های روانشناختی" می باشد.

نتیجه گیری: زنان و مردان نابارور با تنش های بسیاری در سیر درمان ناباروری روبرو هستند. شناخت نیازهای زوجین نابارور می تواند گامی موثر در جهت حل مسائل و کاهش فشار روانی آن ها شود و نیز با ساماندهی مراکز ناباروری بر افزایش بهره وری آن ها بیافزاید. به نظر می رسد تدوین نرم افزار آموزشی برای بیماران نابارور که محتوی اولویت های بیماران و شکاف های دانشی آنهاست، در راستای برنامه تحول جمعیت به سمت فرزندآوری، ضروری باشد.

واژگان کلیدی: ناباروری، دانش و آگاهی، آموزش، آموزش الکترونیک، فرزند آوری

تاثیر تزریق پلاسمای غنی از پلاکت (PRP) بر میزان ضخامت اندومتر در بیماران با اندومتر نازک مقاوم به درمان: یک کارآزمایی بالینی

ابوالفضل پاینده, مرضیه قاسمی*, مریم رفیعی

• دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

مقدمه: آمادگی و ضخامت اندومتر نقش مهمی در رسیدن به بارداری دارد. تزریق پلاسمای غنی از پلاکت اتولوگ داخل رحمی (PRP) در نازایی زنانی که دچار شکست مکرر لانه گزینی و اندومتر نازک هستند استفاده می شود. مطالعات آزمایشگاهی نشان داد که PRP بر ضخامت اندومتر و بارداری کلینیکی موفق موثر بوده است.

مواد و روش ها: مطالعه کارآزمایی بالینی حاضر در مرکز نازایی مولود زاهدان طی سالهای ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ انجام شد. ۴۰ زن با سابقه شکست مکرر سیکل انتقال جنین فریز شده حداقل دو مرتبه به علت ضخامت اندومتر کم وارد مطالعه شده و به صورت تصادفی به دو گروه تقسیم شدند. دو گروه بر اساس برخی متغیرهای مخدوشگر مانند سابقه بارداری و عامل نازایی به صورت فراوانی همسان شدند. گروه مداخله با ضخامت اندومتر کم تحت PRP حداکثر تا سه نوبت قرار گرفتند همگی افزایش ضخامت اندومتر داشتند و انتقال جنین فریز برایشان انجام شد. گروه شاهد فقط استروژن دریافت کردند. برای تحلیل داده ها از آزمون های کای-دو و دقیق فیشر استفاده شد. سطح معناداری نیز ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که در گروه مداخله و کنترل به ترتیب میزان حاملگی بالینی (۶۰/۹٪ در برابر ۵۴/۵٪)، میزان حاملگی شیمیایی (۷۸/۳٪ در برابر ۳۴/۸٪)، ضخامت اندومتر پس از PRP (۱/۵۵ ± ۹/۵۷ در برابر ۰/۷۵ ± ۷/۷۹ میلیمتر) و میزان ساک بارداری انتقال یافته (۶۰/۹٪ در برابر ۵۶/۵٪) بوده است. همچنین بین دو گروه از نظر میزان حاملگی شیمیایی، حاملگی بالینی، ضخامت اندومتر و تعداد ساک بارداری انتقال یافته تفاوت آماری معناداری مشاهده شد. (P > ۰/۰۵)

نتیجه گیری: انفوزیون PRP اتولوگ داخل رحمی می تواند بصورت موفقیت آمیزی ضخامت اندومتر را تا دستیابی به سطوح مورد انتظار برای باروری به کمک روش های تکنولوژی کمک باروری افزایش دهد. با این حال، مطالعات بیشتر با حجم نمونه های بزرگتری برای تایید تأثیر آن و شناسایی جمعیت بیمارانی که بیشترین سود را می برند مورد نیاز است.

The Impact of Assisted Reproductive Technology on Population Growth: Challenges and Opportunities



Fatemeh Tanhaye Kalate Sabz¹, Sonia Fathi-karkan^{2, 3}

¹. Department of Anatomical Sciences and Pathology, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

². Department of Advanced Sciences and Technologies in Medicine, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd 941494877, Iran

³. Natural Products and Medicinal Plants Research Center, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, 94531-55166 Iran

Abstract

Assisted Reproductive Technology (ART) represents a collection of medical procedures developed to address infertility, a condition that poses a significant burden on the mental health and well-being of affected couples. The alleviation of stress, anxiety, and depression associated with infertility through ART can greatly improve the quality of life of these individuals, thereby indirectly contributing to societal health metrics. Beyond the individual level, ART has a wider implication on demographic trends. It has the potential to influence population growth, a dimension that is contingent on factors such as the accessibility and success rates of fertility treatments. Recent years have witnessed an escalation in the usage of ART, propelled by the increasing prevalence of infertility and the trend of delayed childbearing, especially in high-income countries. ART can serve as a compensatory mechanism to counteract the aging population phenomenon by facilitating childbirth among older women. This is particularly pertinent in nations grappling with low fertility rates and an aging demographic. However, while ART can bolster birth rates, it may also engender health repercussions for offspring conceived through these methods, underscoring the need for comprehensive evaluation of the risk-benefit ratio of ART when considering its effects on population growth. Evidence suggests that an aging population can jeopardize future living standards and societal cohesion. In this context, ART plays a crucial role in mitigating declining fertility rates, and hence, it could significantly impact economic and demographic facets. Consequently, ART should be integrated into the broader population policy framework. However, the multifaceted influence of ART on population growth is complex and further complicated by existing barriers to its utilization. These include the limited availability of ART, prohibitive costs, and prevailing societal perceptions of these technologies. Future research should aim to address these obstacles, thereby maximizing the potential benefits of ART on both individual and societal levels.

Keywords: Assisted Reproductive Technology; Infertility; Population Growth; Aging Population; Fertility Treatments; Population Policy

مقدمه: اکتونزیز راهکاری برای رفع بحران جمعیتی در جهان می باشد. در سراسر جهان چالشهای اخلاقی متعددی برای اکتونزیز مطرح شده است. هدف این مطالعه تعیین چالشهای اخلاقی موجود در مرود تکنولوژی اکتونزیز می باشد.

روش کار: این مطالعه مرور نظام مند در بازه زمانی دو ماهه با جستجو در پایگاههای اطلاعاتی گوگا اسکالر، پاب مد، اسکوپوس، پروکوئست و با کلیدواژه های رحم مصنوعی، اکتونزیز، اخلاق، ملاحظات اخلاقی، چالشهای اخلاقی انجام شد. از مجموع ۵۷۶ مطالعه بازیابی شده براساس مرور عنوان و سپس چکیده ۵ مطالعه مرتبط که دسترسی به کل مقاله امکانپذیر باشد بازیابی شدند. با بررسی منابع مقالات بازیابی شده ۳ مقاله مرتبط دیگر بدست آمد. مقالات مروری یا مرور نظام مند بودند که از نظر معیارهای قوت و دقت ارزیابی شدند.

نتایج: تعدادی از محققان به موجودی که از طریق تکنولوژی رحم مصنوعی بوجود می آید جنین نمی گویند بلکه Gestateling گویند و معتقدند که اصل هویت این موجود متفاوت با جنین می باشد. ملاحظات اخلاقی در مورد تکنولوژی رحم مصنوعی شامل توجه به پیامدهای مداخلات طبی و ملاحظات قانونی آن، اتونومی والدین در مورد تصمیم گیری از طرف جنین، دلبستگی مادر- نوزاد، مقرون به صرفه بودن، دسترسی همگانی به این تکنولوژی، ایجاد سقط، هویت بارداری، حقوق قانونی و وضعیت قانونی والدین، نقض عدالت اجتماعی می باشد.

نتیجه گیری: علی رغم فواید تکنولوژی رحم مصنوعی چالشهای اخلاقی و قانونی موجود می تواند اساس زندگی اجتماعی انسانها را مختل نماید.

کلیدواژه ها: رحم مصنوعی، اکتونزیز، چالش اخلاقی، معضل اخلاقی، ملاحظات اخلاقی و قانونی،

سختیوں کی سکرہ میں اللہ جمعیت ماہرین ماہرہ
آئندہ مطمئن اور خوش نواہ در ماما

ارائے پوسٹر

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery

سخن‌گفته‌ها
جمعیت‌های مادران آینده مطمئن
و دوازدهمین گردهمایی مادران

سیاست‌های جمعیتی و حقوق باروری و پایداری جمعیت و توانمندسازی زنان

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery

آسیب شناسی و نقد سیاست های جمعیتی و فرهنگ

عمومی سه دهه اخیر

غلامرضا ابراهیمی مقدم

• استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، مشهد

مقدمه: نظام سیاسی حاکم بر هر جامعه ای در سیاست گذاری و ترسیم خطوط کلی حرکت جامعه، نقش اساسی دارد تعیین اولویت های کلی و ترویج و تبلیغ رسانه های و تنظیم برنامه های وزارتخانه ها و سازمان ها بر اساس خط و مشی تعیین شده، آحاد مردم را در سمت و سوی مورد نظر ساماندهی می کند.

مواد و روش: نگارنده با مراجعه به قوانین، بخشنامه ها، تبلیغات رسانه ای و شعارهای رسمی و متداول پیرامون جمعیت در سه دهه اخیر به شیوه کتابخانه ای و توصیف و تحلیل داده ها و استدلال منطقی به تبیین و تحلیل مسئله و اثبات مدعای خود می پردازد.

یافته ها: شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و در نتیجه کاهش زاد و ولد بوسیله رسانه ملی، وزارتخانه ها، سازمان ها، سینما و مطبوعات تبدیل به گفتمان غالب گردید. زندگی لذت بخش، مدرن، مرفه، مطلوب و بدست کالاهای لوکس در تقابل با فرزند آوری معرفی گردید. تنها راه برون رفت از فشار اقتصادی، بیکاری، سنتی بودن، رسیدن به دنیای تجدد و رفع نیازهای جذاب جدید، خود عقیمی و جلوگیری از فرزندآوری معرفی گردید.

بحث و نتیجه گیری: از ابتدای دهه هفتاد با اصل قرار دادن توسعه اقتصادی و تبدیل آن به دغدغه همگانی مردم، سیاست های جمعیتی با شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» بر کنترل زاد و ولد، متمرکز گردید و دست کم تا یک ربع قرن تداوم یافت. نسل جوان، در طی این سالها، با یک تعارض سخت و دشوار از بین دوگانه رفاه و آسایش، رسیدن به کالاهای لوکس، انسان امروزی بودن و خود را متجدد احساس کردن در یک طرف؛ فرزندآوری همراه با تحمل برجسب سنتی بودن و محرومیت های اجتماعی در طرف دیگر مواجه گردید. در کشاکش سنت و تجدد، فشار اقتصادی ناشی از تورم روز افزون، افزایش بیکاری و نداشتن درآمد مکفی، گسترش آموزش عالی و بالا رفتن توقعات جوانان تحت تأثیر فرهنگ مصرف گرایی، و ایجاد نیازهای نو شونده بی پایان، تقابل رفاه و آسایش با فرزندآوری را برای نسل جوان و فعال جامعه به یک باور اصیل و منطقی تبدیل کرد. این پیام از مدرسه تا دانشگاه، از محل کار تا کوچه و خیابان های شهر، از مطب پزشکان تا بیمارستان ها و در کوچه و بازار در لباس فرهنگ عمومی حاکم بر مردم به هر یک از شهروندان القا می گردید. نتیجه اجتناب ناپذیر این الگوی از زندگی که دغدغه اصلی مردم به رفاه و آسایش کوتاه مدت تنزل یافته بود، کاهش زاد و ولد و به خطر افتادن پایداری جمعیت گردید.

کلمات کلیدی: فرهنگ عمومی و جمعیت، سیاست های جمعیتی، جمعیت و رفاه، توسعه و جمعیت

تاثیر مدل مراقبت مشارکتی بر

رضایت مادران در دوران پس از زایمان

سکینه نظری^۱، سپیده حاجیان^۲، زهره عباسی^۳، حمید علوی مجد^۵

۱. استادیار گروه مامایی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
۲. استاد، مرکز تحقیقات مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. استاد یار، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ایران
۴. استاد، گروه آمار دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۵. نویسنده مسئول: سپیده حاجیان، دانشیار، مرکز تحقیقات مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

Email: s.hajian@sbm.ac.ir

خلاصه:

مقدمه: دوره پس از زایمان همیشه مورد توجه بوده است و مراقبت های ویژه ای برای آن در نظر گرفته شده است. با این وجود مادران مراقبت های پس از زایمان را کامل انجام نمی دهند، مدل مراقبت مشارکتی با کمک حامیان اطراف مادر در دوره پس از زایمان می تواند نقش مهمی در انجام مراقبت های پس از زایمان داشته باشد این مطالعه با هدف تاثیر مراقبت مدل مشارکتی بر رضایت مادران در دوره پس از زایمان انجام شده است .

روش کار: جامعه پژوهش در این مطالعه شامل زنان باردار واقع در سه ماهه سوم بارداری مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهرستان بجنورد بودند که به همراه همسر و یکی از نزدیکان خود، بعنوان حامی کلیدی وارد پژوهش می شدند. نمونه گیری مستمر با توجه به معیارهای ورود و پس از اخذ رضایت از زنان، همسران و حامیان کلیدی انجام شد. در مجموع، ۲۰۰ زن باردار وارد مطالعه شدند که با احتساب ریزش نمونه ها، تحلیل داده ها بر روی ۹۰ نفر در گروه مداخله و ۸۸ نفر در گروه مراقبت استاندارد انجام شد. اساس برنامه بر مبنای مدل مراقبت مشارکتی بود. این مدل از چهار مرحله انگیزش، آماده سازی، درگیرسازی و ارزشیابی تشکیل شده است که در قالب چهار ویزیت مراقبتی و آموزشی اجرا شد. یک ویزیت انگیزشی در سه ماهه سوم بارداری برای ایجاد انگیزه در نمونه ها و سه ویزیت به منظور آماده سازی و درگیرسازی واحدهای پژوهش در دوره پس از زایمان انجام شد. پرسشنامه رضایت زنان از مداخله حمایتی بعد از هشت هفته بعد از زایمان تکمیل شد. روایی این پرسشنامه با روش اعتبار محتوی در دو مطالعه میرمولایی (۱۳۸۶) تایید شده است. پایایی در مطالعه میرمولایی و همکاران (۱۳۸۶) با استفاده از آزمون باز آزمون با ضریب همبستگی ۰/۸ تایید شد.

نتایج: میانگین نمره میزان کلی رضایت زنان از مداخله حمایتی به ترتیب در گروه مداخله و مراقبت استاندارد (۵۵/۱۶(۷/۴۲) و (۵۰/۱۳(۱۱/۶۶) همچنین ابعاد عاطفی و آموزشی در هشت هفته پس از زایمان در گروه مداخله به طور معنی داری بالاتر از گروه مراقبت استاندارد بود ($P=۰,۰۰۶, P=۰/۰۰۱$)

بحث و نتیجه گیری:

مدل مراقبت مشارکتی با مشارکت همسر و حامی کلیدی می تواند نقش موثری در رضایت مادران از مراقبت های پس از زایمان داشته باشد، که استفاده از این مدل در مراقبت های مراکز بهداشت توسط مراقبین سلامت می تواند گامی موثر در سلامت مادران باشد.

واژه های کلیدی: مدل مراقبت مشارکتی، دوره پس از زایمان، رضایت مادران

تبیین عوامل موثر بر گرایش بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی اختیاری از دیدگاه زوجین: یک مطالعه کیفی

ندا احمدزاده توری^۱، سید حمید شریف نیا^۲، فرشته بهمنش^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل
۲. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، آمل
۳. دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل

مقدمه و اهداف: تمایل زوجین به بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی یکی از چالش‌های جدی در همه جوامع است. تغییر در نگرش زوجین نسبت به این پدیده به عوامل متعدد فردی، اجتماعی و فرهنگی وابسته است. با توجه به سالمندی جمعیت جهان و نیاز به بازنگری سیاست‌های کنترل موالید لازم است تا اقداماتی مبتنی بر شواهد صورت گیرد. مطالعه حاضر تبیین عوامل موثر بر گرایش زوجین به بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی اختیاری انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر قسمت دوم یک مطالعه ترکیبی است که داده‌ها به روش تحلیل محتوای قراردادی تجزیه و تحلیل شد. جامعه پژوهش زوجین ۱۵-۴۹ ساله شهرستان بابل که تک‌فرزند یا فرزند نداشتند و قصد بارداری در آینده را نداشتند و با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند با زوجین مصاحبه‌هایی رو در رو و نیمه ساختارمند صورت گرفت و با ۴۰ داده به اشباع رسید.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل بخش کیفی شامل ۱۴۰ کد، ۳۰ طبقه اولیه، ۱۰ طبقه اصلی است. این دسته‌بندی‌ها شامل: مشکلات معیشتی و شغلی، آینده تضمین نشده، اولویت‌های رو به تهدید، تعارض زناشویی، ترس از والد شدن، عدم دریافت حمایت، اجبار در انتخاب، کم‌رنگ شدن باورها و اعتقادات دینی، الگوپذیری اجتماعی و تجارب منفی فرزندآوری است، دو درون‌مایه شامل 'محدودیت‌های فردی' و 'محدودیت‌های اجتماعی' انتزاع شده است.

نتیجه‌گیری: مسائل متعددی در فرزندآوری نقش دارند از این رو لازم است تا اقداماتی اثربخش در این خصوص صورت گیرد بمنظور مدیریت صحیح مشکل کاهش جمعیت، پیرشدن جمعیت و تغییر ساختار سنی، تعیین دقیق عوامل آن لازم است.

کلمات کلیدی: تبیین بی‌فرزندگی، تک‌فرزندگی، مطالعه کیفی

مهین اخباری

• کارشناس مامائی (دانشگاه علوم پزشکی تبریز)

مقدمه: یکی از بزرگ‌ترین معضلات جوامع بشری و جوانی جمعیت، مشکل ناباروری و تأثیرات منفی استرس بر باروری می‌باشد. امروزه با روش‌های مختلف تاحدودی مشکل را حل نموده‌اند ولی همچنان ناباروری بعنوان یک مشکل اساسی در دنیا احساس می‌شود. لذا مطالعه حاضر با هدف درمان اساسی ناباروری زنان و مردان انجام شده است.

روش جستجو: با مطالعه و جستجو در آخرین تحقیقات علم بیوپلاستیسیته توسط تیم دکتر جو دیسپینزا که می‌توان با تغییر ذهنیت خود، خواص بیولوژیکی و DNA خود را تغییر داده وارد میدان یکپارچه و هوشمند (میدان کوانتومی) شده و با match شدن تقاضاها با پاسخشان، ژن‌ها و DNA های جدیدی را فعال نموده و به سلامتی و همه خواسته‌ها رسید، می‌توان ناباروری و استرس را نیز برطرف نمود. برای جمع‌آوری نتایج این تحقیق از پرسشنامه‌های تحقیقات میدانی و تحلیل برنامه‌ها از روش SPSS استفاده خواهد شد.

یافته‌ها: برخلاف تصور ما، اولین سیگنال‌های منجر به تصمیم‌گیری‌ها را در ما، ناخودآگاه صادر می‌کند و خودآگاه ما در واقعیت، پس از دریافت این فرمان‌هاست که سلسله مراتب صدور و اجرای دستورات را در کل بدن به انجام می‌رساند. غافل از اینکه ناخودآگاه هر فرد بر حسب رسالت مختص او، سیگنال رفتار دیگری را می‌دهد که با فرمان‌ها و رفتارهای اکتسابی‌مان در زندگی منافات دارد و اینحالت ریشه اکثر استرس‌هاست. بی‌شک در صورت یکپارچگی و همفاز شدن شعور کامل سلول‌های بدن با شعور کل هستی است که افکار، احساسات، باور و رفتارمان در راستای خواسته‌هایمان جاری شده و می‌توان به درمان بیماری‌ها و رفع نواقص ذهنی و جسمی خود رسید. چرا که با تقاضای خالصانه، از طریق ذهن خودآگاهمان می‌توانیم وارد مفر فرماندهی کل بدن (ناخودآگاه) شده و با حذف استرس‌ها و افکار و اکتسابات نادرستمان در طول زندگی از ناخودآگاه، و با رساندن فرکانس افکار خواسته‌ها و احساسات و رفتارمان به فرکانس حوزه کوانتومی یا هوش برتر وارد این میدان شویم.

نتیجه‌گیری: می‌توان برای اولین بار از طریق ورود به ناخودآگاه و ارتباط باهوش برتر بجای استفاده از هوش مصنوعی و با توانمندسازی ذهن خود با این فناوری نوین ذهنی به درمان ناباروری و استرس پرداخت.

تأثیر برنامه مراقبت حمایتی بر داغدیدگی در زنان با

سقط زودرس

ناهید گلمکانی^۱، مریم احمدی^۲، نگار اصغری پور^۳، حبیب‌الله اسماعیلی^۴

۱. استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۳. استادیار گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۴. استاد گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مقدمه: شکست در انجام وظایفی همچون تولید مثل، منجر به کاهش اطمینان به خود و تشدید فرآیند داغدیدگی می‌شود. برنامه مراقبت حمایتی بر تجربیات زن از سقط، برگشت به زندگی عادی و نگرانی در مورد حاملگی بعدی تأکید می‌کند. مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر برنامه مراقبت حمایتی بر داغدیدگی در زنان با سقط زودرس انجام شد.

روش کار: این مطالعه کارآزمایی بالینی در سال ۱۳۹۵ بر روی ۶۰ زن دچار سقط بستری در بخش زنان بیمارستان‌های ام البنین (س)، امام رضا (ع) و قائم (عج) مشهد انجام شد. برای زنان گروه مداخله، سه جلسه آموزشی مبتنی بر تئوری سوانسون برگزار شد. در گروه کنترل، مراقبت‌های معمول بخش انجام شد. قبل از مداخله، ۴ و ۸ هفته پس از سقط، پرسشنامه داغدیدگی پس از سقط توسط زنان هر دو گروه تکمیل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS (نسخه ۱۱/۵) و آزمون‌های تی مستقل، من ویتنی، تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری، کای اسکوئر و دقیق کای اسکوئر انجام شد. میزان p کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین نمره داغدیدگی زنان گروه مداخله، در هر دو مرحله ۴ هفته و ۸ هفته بعد از سقط زنان به‌طور معنی‌داری کمتر از زنان گروه کنترل بود ($p < ۰/۰۰۱$). بر اساس نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری، طی مراحل مختلف سنجش داغدیدگی، تفاوت نمره زنان گروه مداخله از نظر آماری معنی‌دار بود ($p < ۰/۰۰۱$)، ولی در گروه کنترل از نظر آماری معنی‌دار نبود ($p = ۰/۸۹۹$).

نتیجه‌گیری: برنامه مراقبت حمایتی مبتنی بر تئوری سوانسون، می‌تواند داغدیدگی زنان دچار سقط را کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: حمایت، داغدیدگی زنان، سقط، مراقبت حمایتی

دریافت مراقبت پیش از بارداری در مرگ‌های مادری به

علت بیماری زمینه‌ای در دانشگاه علوم پزشکی

اصفهان طی سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۹

نویسندگان: نادیا رحیمی*، مرجان مشکوتی، مریم ارزانی، راشین پوراشرف

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه: حفظ و ارتقاء سلامت مادران در دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد و شاخص "نسبت مرگ و میر مادران" از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی خدمات بهداشتی درمانی همه‌جوامع است. بدیهی است که همه زنان با سلامت کامل بارداری خود را آغاز نمی‌نمایند. مراقبت پیش از بارداری فرصتی است تا بیماری‌های زمینه‌ای زنان قبل از آغاز بارداری شناخته و تحت کنترل و درمان قرار گیرد. این تحقیق با هدف بررسی درصد بهره‌مندی از مراقبت پیش از بارداری در مرگ‌های مادری به علت بیماری زمینه‌ای صورت گرفته است.

مواد و روشها: در این مطالعه توصیفی مرگ‌های مادری رخ داده در سال‌های ۱۳۹۹ لغایت ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گرفتند. روش جمع‌آوری اطلاعات، بررسی مستندات و پرسشنامه استاندارد شده نظام مراقبت مرگ مادران می‌باشد. اطلاعات در نرم‌افزار Excel وارد و عوامل موثر بر مرگ مادر با آمارهای توصیفی آنالیز گردیده است.

یافته‌ها: در بررسی ۴۵ مرگ مادری سال‌های ۱۳۹۹ لغایت ۱۴۰۱، ۳۸ مورد از بارداری‌ها برنامه‌ریزی شده بوده (۸۴.۴٪) و باید مراقبت پیش از بارداری را دریافت می‌نمودند. از سوی دیگر در مرگ‌های مذکور، ۸۰٪ درصد به علت بیماری زمینه‌ای فوت نموده‌اند که در مقایسه با سایر علل مرگ نظیر خونریزی‌های مامایی، اختلالات افزایش فشارخون و عفونت مرتبط با بارداری، قابل توجه می‌باشد. از مرگ‌های با علت بیماری زمینه‌ای تنها ۳۳.۳٪ موارد مراقبت پیش از بارداری را دریافت نموده و سایرین از دریافت این خدمت محروم مانده‌اند.

نتیجه‌گیری: با توجه به درصد بالای مرگ مادری با علت بیماری زمینه‌ای و نقش مراقبت پیش از بارداری در کاهش مخاطرات ناشی از عوامل شغلی، طبی و رفتاری که می‌توانند بر مادر و جنین تاثیر گذار باشند، ایجاد تقاضا برای دریافت این مراقبت در زنان در سنین باروری باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. همچنین توجه به کیفیت ارائه این خدمت در بخش دولتی و خصوصی نیز حائز اهمیت می‌باشد.

واژگان کلیدی فارسی: مرگ مادری، مراقبت پیش از بارداری، بیماری زمینه‌ای

فرصت های پیشگیری از مرگ های مادری در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان طی سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۸

نویسندگان: نادیا رحیمی*، مریم ارزانی، الهام نیکوبین، سودابه نیکخواه

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه: یکی از راهکار های موثر در جهت پایداری جمعیت، پیشگیری از وقوع مرگ های مادری و طراحی مداخلات بر اساس تحلیل و تعلیل عوامل موثر در مرگ می باشد. از سوی دیگر از آنجایی که پس از اثبات اثربخش بودن یک مداخله برای حل یک مشکل تندرستی بایستی شرایط بهره مند شدن گروه هدف از آن را فراهم کرد، در زمان طراحی مداخلات پیشگیری از مرگ مادری، زمان دسترسی به خدمات مورد نیاز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این تحقیق با هدف بررسی برخی از علل و عوامل قابل اجتناب در مرگ های مادری انجام شده است.

مواد و روشها: در این مطالعه توصیفی همه زنان باردار تا ۴۲ روز پس از زایمان که در اثر عوارض ناشی از بارداری و زایمان، در طی سال های ۱۳۹۸-۱۴۰۰ فوت شده اند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش جمع آوری اطلاعات، بررسی مستندات و پرسشنامه های استاندارد شده نظام مراقبت مرگ مادران می باشد. اطلاعات در نرم افزار Excel وارد و عوامل موثر بر مرگ مادر با آمارهای توصیفی آنالیز گردیده است.

یافته ها: در بررسی عوامل قابل اجتناب در مرگ های مادری سال های ۱۳۹۸ لغایت ۱۴۰۰ میزان تاخیر در تصمیم گیری خانواده برای مراجعه و اقدام مناسب ۳۹.۵۳٪، تاخیر در درمان ۶۵.۱۱٪، تاخیر در ارجاع به سطح بالاتر ۴۴.۱۸٪ می باشد که در برخی از مرگ ها متأسفانه موارد تاخیر همزمان رخ داده است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بررسی مرگ های مادری و نظر به ضرورت کنترل عوامل قابل اجتناب و مطلوب بودن نسبی شاخص دسترسی به خدمات، لازم است به منظور به حداقل رساندن تاخیرهای احتمالی در جریان ارایه خدمات فوریتی به مادران باردار، آموزش خانواده ها در خصوص شناسایی علائم نیازمند مراقبت ویژه و اعتماد به کادر بهداشت و درمان، آموزش پزشکان و کارکنان در راستای ارایه بموقع و صحیح خدمات مورد نیاز، حساس سازی متخصصین و پزشکان نسبت به مشاوره با اساتید معین دانشگاه در موارد لزوم و بطور کلی ارتقای کیفی خدمات در بخش های خارج بیمارستانی و بیمارستانی به منظور پیشگیری از هر گونه تاخیر در ارایه خدمات فوریتی، در تمامی مراحل مراقبت از قبل از بارداری تا پس از زایمان مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی فارسی: مرگ های مادری، عوامل قابل اجتناب

نقش توانمندسازی زنان در حوزه اشتغال بر فرزندآوری

فهیمة حاجیزاده بنده قرا^۱، شراره جان نثاری^۲، دکتر گیتی ازگلی^{۳*}، دکتر ملیحه نصیری^۴

مقدمه: مشارکت زنان در بازار کار به عنوان یکی از عوامل مهم و اثرگذار در رشد اقتصادی و نرخ های باروری می باشد ، لذا مطالعه حاضر با هدف مقایسه فرزندآوری در زنان شاغل و غیرشاغل مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی وابسته به دانشگاه شهید بهشتی و مراکز منتخب آموزش و پرورش تهران انجام شد. یافته های مطالعه نشان می دهند که سن ازدواج، نرخ شهرنشینی و درآمد سرانه با نرخ باروری رابطه منفی دارند، در حالی که نرخ اشتغال با نرخ باروری رابطه ای مثبت دارد که نشان می دهد با افزایش میزان اشتغال و به تبع آن ایجاد امنیت مالی میل به باروری در میان زنان ایران افزایش پیدا کرده است و رابطه منفی میان این دو متغیر، که در مطالعات قبلی اشاره شده، تایید نمی شود از لحاظ نظری، تأثیر کلی افزایش نسبی درآمد زنان و مردان بر باروری مبهم است و بسته به میزان تأثیرگذاری هریک از کانالهای مذکور متفاوت است.

روش کار: این مطالعه توصیفی - مقطعی درسی ۹۵-۱۳۹۴ بر روی ۲۶۷ زن شاغل در آموزش و پرورش و مراکز بهداشتی و بیمارستانی و ۲۷۳ زن خانه دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران انجام شد. ابزار گردآوری داده ها بصورت پرسشنامه بود. تجزیه و تحلیل دادهها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۲۰) و آزمونهای آماری تی تست، کای دو، من ویتنی، رگرسیون لجستیک و پواسون انجام شد. میزان p کمتر از پنج درصد معنی دار در نظر گرفته شد .

یافته ها: تعداد فرزند دوم در زنان شاغل بیشتر بود ($p=0.002$) شانس تمایل به فرزندآوری در زنان شاغل ۲ برابر زنان خانه دار بود. $P=0.008$ تمایل به داشتن فرزند پسر در زنان خانهدار بیشتر از زنان شاغل بود $P=0.004$ بین سطوح تحصیلات و تعداد فرزندان زنان تفاوت آماری وجود نداشت. $P=0.036$

نتیجه گیری: اشتغال زنان تأثیر مثبتی بر فرزندآوری دارد .

کلمات کلیدی: رفتار باروری، زن شاغل، فرزندآوری، فرزندان ایده آل، جمعیت شناسی

فاطمه اسلامی نژاد

• کارشناسی پرستاری خراسان شمالی، بجنورد

چکیده

مطالعه ی نظام شهری روشنگر بسیاری از مسائل، از جمله علل جابجایی نیروی کار و سرمایه در بین شهرها جمعیت و تمرکز شدید در یک منطقه و رکود و تخلیه در منطقه دیگری از کشور است. توجه به جمعیت در بین فلاسفه صاحب ، نظران و دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان از قدمت بالایی برخوردار بوده است. اتخاذ تدابیر، راهبردها و بخش قابل توجهی از سیاست های جمعیت در هر کشور مختص به آن کشور بوده و متناسب با شرایط موجود از کشوری به کشور دیگر تفاوت می کند. جمعیت جوان یکی از عوامل مهم اقتدار و از پایه های اصلی قدرت و رشد اقتصادی اجتماعی کشورها محسوب میشود. قدرت و توسعه هر کشور در رابطه با نیروی انسانی و جمعیت معنا پیدا میکند. پس از انقلاب، موضوع فرزند آوری بیش از چهار دهه یکی از محورهای کلان تصمیم گیری در کشور بوده است. در برهه ای نه چندان دور، داشتن فرزند چهارم به بعد با ضمانت اجراهایی مانند محرومیت از کمک هزینه عائله مندی و اولاد پاسخ داده میشد و با انجام اقداماتی مانند «توبکتومی»^۱ برخی مناطق و دسترس پذیری رایگان وسایل پیشگیری از بارداری و ارائه آموزش های مرتبط، در تصمیم افراد برای فرزند آوری مداخله عملی صورت میگرفت. دوره جوانی به لحاظ جمعیت شناختی از اهمیت قابل توجهی در مقایسه با سایر دوره های چرخه زندگی برخوردار است ایران از دهه گذشته پدیده تورم جوانی جمعیت را تجربه کرده است. تغییرات اجتماعی، رفتارهای فردی و مشخصه های جمعیتی جوانان همواره مورد توجه حوزه های مختلف علوم اجتماعی بوده است.

کلیدواژه: جمعیت، جوانی، کشور

^۱ - Tubectomy

چکیده

یکی از مهمترین مؤلفه های رشد و توسعه اقتصادی در همه جوامع مباحث جمعیت و مقیاس اقتصاد است. جمعیت و ابعاد مختلف آن و همچنین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن از متغیرهای اقتصادی به یکی از مهمترین مباحث اقتصاد جمعیت بدل گشته است. در سال های اخیر توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی نقشی مهم در تبیین باروری ایفا کرده است. فرهنگ میتواند تبیین کند چرا افراد یا جوامعی که به ظاهر از نظر اقتصادی در شرایط یکسان به سر میبرند، ولی از نظر آداب و رسوم و زبان متفاوت هستند، در زمینه های دموگرافیک، متفاوت عمل میکنند. در مطالعه بر روی سیاست های جمعیتی، بررسی ارتباط بین اقتصاد و جمعیت بسیار مهم است. کشور ما در دهه های اخیر تحولات اقتصادی، اجتماعی زیادی را تجربه کرده است. همزمان با این تغییرات و تحولات، رفتار باروری نیز متحول شده است. در طی دهه های اخیر، تغییرات قابل توجهی در ساختار سنی جمعیت کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه مشاهده شده است. کشور ایران در دهه های اخیر تحولات عمده ای را در زمینه های اقتصادی و اجتماعی تجربه کرده است. پس از پایان جنگ در سال ۱۳۶۷، مسئولان کشور از آثار و پیامد های ناشی از افزایش جمعیت و رشد آهنگ آن آگاه شدند. باروری یکی از وقایع حیاتی است و آن آنجا که در افزایش یا کاهش جمعیت به طور مستقیم تأثیرگذار است به عنوان مهم ترین عامل حرکت زمانی جمعیت شناخته میدانند. در قرآن کریم باروری، شکل گیری نطفه و زایمان انسان ها از نشانه های قدرت خداوند است که به خواست و اراده خدا رخ می دهد. هر چند جوانی و تندرستی از عوامل مهم باروری قلمداد می شود اما براساس آیات قرآن کریم، چنانچه این امر به فرمان خدا باشد، سالخوردگی نیز می تواند محقق گردد.

کلید واژه: رشد جمعیت، فاکتور های اقتصادی، فاکتور های اجتماعی

زمینه: ایجاد یک خاطره و تجربه مثبت برای خانواده موجب تقویت قصد رفتار برای فرزندآوری و بارداری توسط خود آنها و نیز ترویج آن می گردد. در این مقاله، نحوه حصول ایمنی و تجربه مثبت از منظر اصول اخلاقی تبیین می گردد.

تحلیل: ایمنی بصورت پیشگیری یا کاهش احتمال بروز آسیب‌های مرتبط با مراقبت‌های سلامت، به کمترین حد قابل قبول تعریف می شود. در چارچوب اصول چهارگانه اخلاق پزشکی، ایمنی از طریق خیر رسانی و ارائه مراقبت استاندارد و با کیفیت به زن باردار و جنین/ نوزاد در مراحل بارداری، حین زایمان و پس از آن، ضمن ایجاد یک محیط مراقبتی ایمن و کاهش آسیب‌های روانی و جسمانی حاصل می شود. این امر از طریق رعایت اصول و رفتار اخلاقی میسر می گردد. مطابق با اصل عدالت، زنان باردار نیازمند مراقبت ویژه و یا زایمان‌های زودرس بایستی از خدمات مراقبتی مراکز زایمانی عالی (سطح ۳) بهره مند شوند و برای زنان باردار دارای شرایط مطلوب با پیش بینی زایمان به موقع بایستی از خدمات مراقبتی معمول (سطح ۱) بهره مند شوند. علاوه بر این، احترام به استقلال فردی وی از طریق برقراری ارتباط مناسب و پاسخ به سوالات و نگرانی‌های زن باردار، رفع نیازهای وی و مشارکت وی در برنامه مراقبتی، انتخاب شیوه زایمان متناسب با وضعیت بالینی وی و ارائه آموزش‌های دوران بارداری، حین لیبر و زایمان، پیش از ترخیص و پس از آن ضرورت دارد.

نتیجه گیری: ایجاد تجربه بارداری و زایمان در یک محیط ایمن از طریق رعایت اصول و رفتار اخلاقی موجب خوشایندسازی بارداری و زایمان می تواند به عنوان مدلی برای تقویت قصد رفتار فرزندآوری و بارداری بکارگرفته شود.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، زن باردار، فرزندآوری، ایمنی، خوشایندسازی

مقدمه: با توجه به کاهش نرخ باروری در ایران و نقش زنان در تصمیم گیری امور خانواده، نیاز است که عواملی که بر رفتار باروری زنان تاثیر میگذارد شناسایی و از آنها جهت تدوین سیاست های جمعیتی استفاده کرد. لذا هدف از مطالعه حاضر مروری بر موانع و تسهیل کننده های فرزندآوری در زنان ایرانی می باشد.

روش جستجو: مطالعه حاضر مطالعه ای مروری بوده که جهت تدوین این مقاله، پژوهشگران جستجوی کامپیوتری را در پایگاههای اطلاعاتی همانند Google Scholar، PubMed، Sid، magi ran، ProQuest، Science Direct، و با استفاده از کلمات کلیدی انجام داده است. در ابتدا ۱۰۲ مقاله یافت شد. ابتدا خلاصه کلیه مقالات مطالعه شده، سپس مقالاتی که به سوال پژوهش پاسخ نمی دادند حذف شد. سپس متن کامل مقالات مرتبط مطالعه و در نهایت از داده های کامل ۲۶ مقاله جهت نگارش این مقاله مروری استفاده شده است.

یافته ها: یافته های مطالعه حاضر منجر به دسته بندی مطالب در دو طبقه کلی شامل موانع فرزندآوری و تسهیل کننده های خودمراقبتی گردید. طبقه اول موانع فرزندآوری در زنان ایرانی شامل عوامل فردی (نگرش منفی نسبت به داشتن فرزند، افزایش سن ازدواج، تمایل به تحصیلات بالاتر، ترس از بیکاری، ترس از آینده، مسئولیت های اجتماعی) و عوامل بین فردی (عدم وجود همراه مناسب، عدم درآمد کافی، فرهنگ محل زندگی، بالا رفتن سن ازدواج) است. طبقه دوم تسهیل کننده های فرزندآوری در زنان ایرانی شامل تسهیل کننده های فردی (دراک و نگرش مثبت فرد از فرزندآوری، علاقه فطری به کسب نقش والدی، اعتقادات مذهبی) و تسهیل کننده های بین فردی (سیاست های کشوری مثبت، دریافت خدمات بیشتر، خدمات تحت پوشش بیمه یا رایگان، اندازه خانواده والدین) می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های مطالعه فوق، سیاست های کشوری در جهت افزایش فرزندآوری باید به موانع و تسهیل کننده های آن در زنان توجه کند، چرا که به واسطه از بین بردن موانع و تقویت تسهیل کننده ها می توان اقدامات مناسب جهت افزایش فرزندآوری و در نتیجه بهبود نرخ باروری را در پیش گرفت.

واژه های کلیدی: فرزندآوری، موانع فرزندآوری، تسهیل کننده فرزندآوری، زنان ایرانی

مروری بر عوامل تعیین کننده در میزان انگیزه های فرزند آوری در ایران: یک مطالعه مروری نظامند

محبوبه امید* ۱، ژیل گنجی ۲، دکتر زهره شاه حسینی ۳، دکتر مرضیه زمانیان ۴، دکتر ابوالفضل حسین نتاج ۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامانی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲. استادیار، دپارتمان بهداشت باروری و مامایی، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۳. دانشیار، گروه بهداشت باروری و مامایی، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۴. دانشیار، مرکز ناباروری، گروه زنان و زایمان، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۵. استادیار، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: مبحث انگیزه زوجین، در مقوله فرزند آوری و ترجیحات باروری مهم و ارزشمند است که، علاوه بر تاثیر بر افزایش جمعیت و استحکام بنیان یک خانواده بر تمام ابعاد یک جامعه نیز موثر است. هدف از این مطالعه مروری بر عوامل تعیین کننده در میزان انگیزه های فرزند آوری در ایران به صورت مطالعه ای نظام مند می باشد.

روش کار: این مطالعه در سال ۲۰۲۳ با مراحل، طراحی سوال مطالعه، جستجو، که در پایگاه های SID، PubMed، Magiran، Scopus، Science Direct، Iran doc و موتور جستجوی Google scholar با کلید واژه هایی اصلی "عوامل مرتبط"، "انگیزه"، "زنان"، "مردان"، "زوجین"، "فرزند آوری"، "تعیین کننده" و معادل انگلیسی شان انجام شد. پس از آن شناسایی مطالعات مرتبط از بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ (دوازده سال اخیر) انتخاب مطالعات، که بعد از غربالگری عنوان، چکیده و متن کامل از بین ۱۱۰۱ مطالعه، نهایتاً ۱۸ مطالعه، جهت اعلان نتایج باقی ماند. پژوهش هایی که حجم نمونه و نحوه اجرای نامشخصی داشتند و متن کامل آنها در دسترس نبود، در ابتدا از روند مطالعه حذف شدند. غربالگری کیفیت مطالعات به وسیله چک لیست ارزیابی AXIS و CASP انجام شد. سپس طبقه بندی یافته ها صورت گرفت.

نتایج: نتایج مطالعه حاضر از ۱۸ مطالعه برگرفته شده است؛ عوامل ارتباطی (مدت ازدواج، تعاملات زوجین، روابط قبل از ازدواج، تعداد فرزندان قبلی، مدت زمان ازدواج، نوبت ازدواج، عاطفه مثبت و منفی، انعطاف پذیری، همدلی و تعهد در زوجین)، عوامل فردی (سن زن و مرد، سن ازدواج زن و مرد، سن باروری زن و مرد، فاصله سنی زوجین)، عوامل روانی (هوش هیجانی، ویژگی های شخصیتی، سوابق افسردگی و اضطراب، استرس پس از سانحه در حوادث زندگی)، عوامل اقتصادی و اجتماعی (وضعیت اقتصادی، وضعیت اشتغال زوجین، تحصیلات زوجین، نژاد و قومیت و محل زندگی)، عوامل طبی و جسمی (انواع بیماری های جسمی مزمن) و عوامل جنسی (الگوی ارتباط جنسی، بیماری های زمینه ای جنسی و رضایت جنسی) می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه فعلی، عوامل بسیاری تعیین کننده در میزان انگیزه های فرزند آوری در ایران می باشند. از این انتظار می رود با شناخت این عوامل در تدوین برنامه های مداخله جهت تضعیف عوامل منفی و تقویت عوامل مثبت گام برداشت.

تاثیر سبک های فرزند پروری والدین بر سلامت

کلید واژه: عوامل مرتبط، انگیزه، فرزند آوری، ایران، مروری نظامند

فرزندان: یک مطالعه مروری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲. استادیار، دپارتمان بهداشت باروری و مامایی، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۳. دانشیار، گروه بهداشت باروری و مامایی، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۴. دانشیار، مرکز ناباروری، گروه زنان و زایمان، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۵. استادیار، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

زمینه و هدف: سبک های فرزند پروری به عنوان یکی از اصول مهم در تربیت فرزندان، نقش مهمی در سلامت دوره های بعدی زندگی آنان دارد. این مطالعه با مروری بر تاثیر سبک های فرزندپروری والدین بر سلامت فرزندان انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش مرور نقلی بوده است. جمع آوری اطلاعات در بانک های اطلاعاتی SID, Pub Med, Scopus, Google scholar, Web of Science و با کلید واژه های "Parenting styles", "Children's health" و "Effective interventions" معادل فارسی آنها در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲ جستجو شد. در انتها از ۷۳ مقاله جستجو شده، ۱۷ مقاله مرتبط با هدف مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد، سبک مقتدرانه موجب تقویت سلامت روانی (کاهش افسردگی و بحران هویتی در نوجوانی، دلبستگی ایمن)، سلامت اجتماعی (استقلال طلبی، کاهش بروز رفتارهای مخرب و پر خطر اجتماعی) و سلامت جسمانی (کاهش ابتلا به شب ادراری) در فرزندان خواهد شد. سبک فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه می تواند منجر به بروز تاثیرات منفی در سلامت روانی (اختلالات خلقی و بیش فعالی)، سلامت اجتماعی (افزایش بروز رفتار های پر خطر) و سلامت جسمانی (افزایش ابتلا به شب ادراری) فرزندان در کوتاه مدت و درازمدت شوند.

نتیجه گیری: به نظر می رسد که سلامت فرزندان امری تک بعدی نمی باشد و شیوه فرزند پروری از عوامل مهم موثر در آن است. سبک مقتدرانه مناسب ترین روش فرزند پروری است و به شکل گیری رفتارها و خصوصیات سالم تر در فرزندان منجر می شود.

کلمات کلیدی: سبک های فرزند پروری، سلامت فرزندان، سلامت والدین

مقایسه میزان موفقیت روشهای مختلف درمان

ناباروری در استان مازندران

مسعود مرادی^۱، دکتر جمشید یزدانی چراتی^{۲*}، دکتر سپیده پیوندی^۳، امیر الهایی^۱، محمد مهدی دیندارلو^۴

۱. دانشجو دکتری آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲. استاد آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۳. دانشیار زنان و زایمان، گروه زنان و مامایی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۴. دانشجو کارشناسی ارشد آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: ناباروری یکی از مشکلات پزشکی مهم است و بر اساس تخمین سازمان بهداشت جهانی در کشورهای در حال توسعه، از هر چهار زوج یک زوج تحت تأثیر ناباروری قرار دارند. برای درمان زنان نابارور، روشهای مختلفی درمانی استفاده می شود. در این مقاله میزان موفقیت روش های مختلف درمان ناباروری در استان مازندران بررسی شده است.

مواد و روشها: برای انجام این مطالعه پرونده های ۴۸۵ زن نابارور که در مرکز تحقیقات ناباروری بیمارستان امام خمینی ساری تحت درمان قرار دارند بررسی و اطلاعات لازم استخراج شد. میزان موفقیت هر کدام از روشهای درمانی محاسبه شد و سپس میزان موفقیت روشهای مختلف با هم مقایسه شد. برای تحلیل داده ها، از آزمون نسبت (X^2) و باقیمانده های پیرسون در نرم افزار R^۳،^۴ استفاده شد.

یافته ها: از ۴۸۵ مورد بررسی شده، درمان در ۹۵ نفر موفقیت آمیز بود و منجر به بارداری شده بود که میزان موفقیت کلی (۲۳.۳٪) - (۱۶.۲٪) / (۱۹.۶٪) را نشان می دهد. در روشهای مختلف درمانی، اهداء تخمک با (۵۱.۱٪-۱۸.۶٪) / (۳۳.۳٪) بیشترین میزان موفقیت را داشت. IVF با (۲۴.۴٪-۱۵.۷٪) / (۱۹.۸٪)، IUI با (۱۸.۴٪-۵.۴٪) / (۱۰.۶٪) و درمان دارویی با (۲۱.۷٪-۲.۵٪) / (۸.۸٪) در رده های بعدی قرار داشتند. میزان موفقیت روش اهداء تخمک با روشهای IUI و درمان دارویی تفاوت معنی داری داشت ($P < 0.05$) اما میزان موفقیت سایر روشها با هم معنی دار نبود.

نتیجه گیری: نوع درمان زنان نابارور با توجه به بررسی شرایط مختلف و با نظر متخصص انجام می شود اما موفقیت روشهایی مثل اهدا تخمک و IVF در این مطالعه بیشتر از روشهای دیگر بود که می تواند با توجه به شرایط بیماران، بصورت جدی در درمان آنها مورد استفاده قرار گیرد و موانع و محدودیتهای انجام آنها با بهره گیری از کارشناسان و متخصصان حوزه های مختلف بهداشتی برطرف گردد.

واژه های کلیدی: درمان ناباروری، موفقیت درمان، اهداء تخمک، IVF، IUI

بررسی عوامل موثر بر نوع ناباروری (اولیه-ثانویه) در زنان نابارور استان مازندران با استفاده از رگرسیون لجستیک

مسعود مرادی^۱، دکتر جمشید یزدانی چراتی^{۲*}، دکتر سپیده پیوندی^۳، امیر الهایی^۱، محمد مهدی دیندارلو^۴

۱. دانشجو دکتری آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲. استاد آمار زیستی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۳. دانشیار زنان و زایمان، گروه زنان و مامایی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۴. دانشجو کارشناسی ارشد آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: ناباروری عبارتست از رخ ندادن بارداری بعد از یکسال رابطه جنسی بدون استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری و یکی از مشکلات پزشکی مهم است که برای زوج‌هایی که به دنبال بچه‌دار شدن هستند، می‌تواند چالش‌هایی را ایجاد کند. ناباروری به دو نوع اولیه (قبلاً هیچگونه بارداری رخ نداده است) و ثانویه (قبل از آن سابقه حاملگی وجود داشته است) تقسیم می‌شود که در این مقاله، عوامل موثر نوع ناباروری (ناباروری اولیه و ثانویه) بررسی شده است.

مواد و روشها: داده‌های این مطالعه از اطلاعات پرونده‌های زنان ناباروری که در مرکز تحقیقات ناباروری بیمارستان امام خمینی ساری تحت درمان قرار دارند استخراج شده است. پرونده ۴۸۵ زن نابارور بررسی شد و سپس عوامل موثر بر نوع ناباروری با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک و نرم افزار SPSS۲۱ شناسایی شدند. ابتدا همه متغیرهای مورد بررسی وارد مدل تک متغیره شدند و متغیرهایی که P-Value کمتر از ۰.۲۰ داشتند وارد مدل چند متغیره شدند و مدل نهایی به داده‌ها برازش داده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۳۴۰ نفر (۷۱.۹٪) ناباروری اولیه و ۱۳۳ نفر (۲۸.۱٪) ناباروری ثانویه داشتند. متغیرهای سن زن هنگام تشخیص ناباروری (OR=۰,۹۵ , CI(۰,۹۱-۰,۹۹) ، فاصله زمانی ازدواج تا تشخیص ناباروری (OR=۰,۹۸ , CI(۰,۹۷-۰,۹۸) ، BMI (نمایه توده بدنی) (OR=۰,۹۲ , CI(۰,۸۸-۰,۹۷) ، فشار خون (OR=۱,۱۴-۳۳,۲۶) ، اثر معنی داری در نوع ناباروری داشتند (P<۰,۰۵) .

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده، با افزایش سن زن هنگام تشخیص ناباروری، افزایش فاصله زمانی ازدواج تا تشخیص ناباروری و افزایش BMI، شانس ناباروری ثانویه بیشتر از ناباروری اولیه است. همچنین شانس ناباروری ثانویه در زنانی که مبتلا به فشار خون بالا هستند، بیشتر از زنانی است که فشار خون ندارند. لذا با ترغیب زنان جهت مراجعه به موقع به پزشک و تشخیص زود هنگام ناباروری می‌توان شانس رخداد ناباروری ثانویه را کاهش داد. همچنین درمان به موقع بیماریهای زمینه‌ای مثل فشار خون می‌تواند شانس ناباروری ثانویه را کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی: ناباروری اولیه، ناباروری ثانویه، رگرسیون لجستیک، زنان نابارور

ضرورت واکاوی و ارزیابی ابعاد مختلف آماری رشد منفی جمعیت استان خراسان شمالی در سرشماری سال ۱۳۹۵

محمد امیری

• دکترای تخصصی جمعیت‌شناسی (دانش آموخته دانشگاه تهران) - آموزش و پرورش (amiri494@ut.ac.ir)

مقدمه: حجم، ساختار و تحولات جمعیت در گذشته، حال و آینده به عنوان مهم‌ترین مبنای محاسبات در برنامه ریزی‌های اقتصادی-اجتماعی قلمداد می‌شود. استان خراسان شمالی با برخورداری از بسترها و ظرفیت‌های مناسب اقلیمی و زیست محیطی، در طول تاریخ سکونتگاه جمعیت‌هایی با بافت متنوع قومیتی و فرهنگی بوده است. مطابق نتایج آخرین سرشماری نفوس و مسکن خراسان شمالی (سال ۱۳۹۵)، رشد سالانه جمعیت این استان (۰.۱۱- درصد) در کنار استان همدان (۰.۲۳- درصد) به طور غیرمنتظره و بی سابقه‌ای منفی اعلام گردید. با توجه به مجموعه شواهد و پارامترهای رشد و پویایی جمعیت خراسان شمالی، با اعلام رشد منفی جمعیت این استان، کیفیت و دقت آمارهای سرشماری و یا داده‌های حیاتی مورد شک و تردید قرار می‌گیرد. هدف اصلی این مقاله، تحلیل و ارزیابی برخی ابعاد آماری رشد منفی جمعیت استان خراسان شمالی است تا قضاوت علمی و واقع‌بینانه‌تری نسبت به رشد و تحولات جمعیتی این استان طی سال‌های اخیر صورت گیرد.

مواد و روش‌ها: داده‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل؛ نتایج سرشماری نفوس و مسکن، و داده‌های ثبت احوال است. روش مطالعه از نوع تکنیک‌ها و تحلیل‌های جمعیت‌شناختی از قبیل؛ محاسبه رشد طبیعی جمعیت - محاسبه شاخص موازنه مهاجرتی استان - و ارزیابی یافته‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ با روش معادله متوازن و روش مقایسه نسبت‌های جنسی در دو سرشماری متوالی می‌باشد.

یافته‌ها: اگر چه در سال‌های اخیر تعداد موالید سالانه استان خراسان شمالی هم‌سو با سایر استان‌های کشور سیر نزولی داشته است، اما در تمامی سال‌های مورد بررسی، آمار موالید سالانه بالاتر از آمار مرگ و میر می‌باشد. به بیان دیگر نرخ رشد طبیعی جمعیت استان (۱.۶ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۱.۷ درصد در سال ۱۳۹۵) همواره مثبت بوده است. از سوی دیگر میزان باروری کل (TFR) این استان، برخلاف روند کشوری و بسیاری از استان‌های دیگر، تاکنون در حدود سطح جانشینی (۲.۰۲ فرزند در سال ۱۴۰۰) گزارش شده است. بنابراین برای تبیین و علت‌یابی رشد منفی جمعیت این استان در سرشماری ۱۳۹۵، باید سراغ ارزیابی کیفیت داده‌های سرشماری از حیث پوشش و محتوا و دیگر مؤلفه‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی مرتبط با آن رفت. مطابق ماتریس داده‌های مهاجرت در سرشماری ۱۳۹۵، خالص مهاجرتی استان در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ منفی و برابر ۱۵۱۵۱- نفر بوده است. با این اوصاف گرچه استان خراسان شمالی به عنوان یک استان مهاجرفرست محسوب می‌شود، اما طبق محاسبات معادله متوازن براساس داده‌های حیاتی و مهاجرتی موجود؛ افزایش مطلق مورد انتظار جمعیت در فاصله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ رقم ۵۹۲۰۸ نفر بوده است. از این رو، اختلاف آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ استان (۸۶۳۰۹۲ نفر) با تعداد برآورد شده (۹۲۶۹۳۵ نفر)، رقم قابل ملاحظه‌ای در حدود ۶۳۸۴۳ نفر می‌باشد. همچنین با مقایسه نسبت‌های جنسی در دو سرشماری متوالی ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، اشتباهات پوششی و کم‌شماری در برخی گروه‌های سنی جمعیت زنان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵ به وضوح قابل مشاهده است. با مقایسه کل جمعیت ۸۶۷۷۲۷ نفری در سرشماری سال ۱۳۹۰ با جمعیت برآورد شده ۹۲۶۹۳۵ نفر برای سال ۱۳۹۵، میزان رشد مطلق سالانه جمعیت این استان در این دوره، مثبت و برابر با ۱.۳۳ درصد برآورد می‌شود.

نتیجه‌گیری: براساس تحلیل‌ها و ارزیابی‌های صورت گرفته، می‌توان اذعان کرد که داده‌های سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ استان خراسان شمالی با اشتباهات پوششی مواجه است و لذا مبنای دقیق و مناسبی برای برنامه‌ریزی‌ها و برآوردهای جمعیتی آینده نمی‌باشد؛ مگر اینکه جرح و تعدیل‌هایی در آن صورت گیرد. مجموعه تحلیل‌ها و بررسی‌های موجود بیانگر آن است که جمعیت استان خراسان شمالی از حیث «نرخ باروری کل» (۲.۰۲ فرزند در سال ۱۴۰۰) و نرخ رشد سالانه جمعیت (برآورد بیش از ۱.۳ درصد) در شرایط مطلوبی قرار دارد؛ هر چند این شرایط شکننده است. برای حفظ و یا ارتقای شاخص‌های موجود تا رسیدن به سطح مطلوب باروری (۲.۵ فرزند) و همچنین

حفظ ساختار مناسب جمعیت؛ تمرکز بر اجرای شایسته قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را جهت رفع موانع ازدواج و فرزندآوری می‌طلبید (گرچه ایراداتی بر برخی ماده‌های این قانون وارد است). یافته‌های این بررسی بر ضرورت ارزیابی علمی کیفیت و دقت آمارهای سرشماری و داده‌های حیاتی پیش از برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های جمعیتی در سطح ملی یا استانی تأکید دارد. ارزیابی دقیق محتوای داده‌های سرشماری استان (اشتباهات محتوایی)، نیازمند بررسی و مطالعه دیگری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: رشد جمعیت، باروری، مرگ و میر، مهاجرت، ارزیابی کیفیت داده‌های سرشماری

ارتباط بین کیفیت رابطه جنسی با فرزندآوری در زوجین:

یک مطالعه مروری منظم

فروغ آل ابراهیم^۱، فائزه قریشی^۲، مرضیه فغانی آغوزی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی تربت جام، تربت جام، ایران

۲. کارشناس ارشد مامایی، گروه مامایی، دانشکده علوم پزشکی تربت جام، تربت جام، ایران

چکیده

زمینه و هدف: سلامت روابط جنسی و فرزندآوری، از جنبه های لاینفک و مهم زندگی زوجین است که فراتر از یک رفتار و رابطه ی جنسی صرف، تلقی می گردد. به دلیل اهمیت ویژه ی رضایت زناشویی زوجین با فرزندآوری ایشان در سیاستگذاری های تحکیم خانواده و خلا تحقیقاتی بررسی مروری در این زمینه در تحقیقات باروری ایران می تواند منجر به یافتن راهکار برای مواجهه با این چالش گردد.

مواد و روش ها: در مطالعه حاضر که از نوع مرور سیستماتیک می باشد، جامعه پژوهش شامل تمام مطالعات منتشر شده در زمینه عملکرد جنسی زوجین و فرزندآوری بود. جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی بین المللی PubMed، Scopus، Web of Science و موتور جست و جوگر Google Scholar و هم چنین پایگاه داده های ملی همچون SID انجام شد. جهت بررسی مطالعات مشاهده ای از چک لیست استروپ و مطالعات مداخله ای از چک لیست کانسورت استفاده گردید. در مجموع ۱۰۵۷۵ مقاله شناسایی شد. مقالات استخراج شده وارد نرم افزار اندنوت شد. در مرحله اول ۷۸۱۲ مقاله به دلیل تکراری بودن حذف شد. سپس در مرحله بعدی، عنوان و چکیده ۲۷۶۳ مقاله باقیمانده توسط دو محقق، به طور جداگانه بررسی شد و مقالات غیرمرتبط با موضوع بررسی (بر اساس معیارهای ورود به مطالعه) پس از بررسی عنوان و چکیده از مطالعه خارج شدند.

یافته ها: در این مطالعه مرور سیستماتیک، از ۲۷۶۳ مقاله بررسی شده، در نهایت ۲۴ مقاله مناسب تشخیص داده شد و نتایج آنها مورد بررسی و استخراج قرار گرفت. در این مطالعات نشان داده شده است که کیفیت رابطه جنسی بر تمایل به فرزندآوری و باروری و برعکس (تمایل به باروری بر رضایت جنسی) اثر گذار است. از آنجا که جهت گیری باروری به طور جدایی ناپذیری با رفتارهای جنسی در هم تنیده است - به ویژه در بین کسانی که سعی در باردار شدن دارند مطالعات کمی ارتباط این رفتارها را با رضایت جنسی بررسی کرده اند. در واقع یکی از زمینه هایی که معنای رضایت جنسی را شکل می دهد، جهت گیری های فردی و زوجی نسبت به بچه دار شدن است. خواستن، اجتناب، ناتوانی یا دوگانگی در مورد بچه دار شدن می تواند انتظارات جنسی و رضایت جنسی را شکل دهد.

نتیجه گیری: اهمیت آموزشهای هدفمند مراقبین سلامت در حوزه پیشگیری و درمانگران جنسی در حوزه درمان، پژوهشهای وسیع تر مداخله ای بر روی زوجین سالم و بالای ۳۰ سال بدون فرزند صورت گیرد تا در گام پیشگیرانه، اقدامات زودرس و مقرون به صرفه تری در جهت ترغیب این زوجین در دلالت به فرزندآوری داشته باشیم.

واژه های کلیدی: کیفیت، رابطه جنسی، زوجین، مروری منظم

بررسی سبک زندگی سالم و عوامل موثر بر آن در

سالمندان شهرستان اسفراین در سال ۱۴۰۲

راضیه پیروزه، محبوبه محمودی منش، احمد صادقی، حمیدرضا شرکاء، نرگس رفیعی، الهام اخوان، صدیقه بابائی راد*، پگاه گوداسیایی

* کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

مقدمه: طبق پیش بینی ها، جمعیت سالمند ایران از ۶/۲۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به حدود ۲۲ درصد در سال ۱۴۲۹ خواهد رسید. تغییرات جسمی، روانی و اجتماعی سالمندان مانند، تغییر در ساختار خانواده، الگوی کار و گذار به بازنشستگی و تغییر در وضعیت سلامت اجتناب ناپذیر است و بر کیفیت زندگی و امید به زندگی آنان تاثیر می گذارد. با توجه به روند سالمندی در ایران و اهمیت سبک زندگی سالم، مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان سبک زندگی سالم و عوامل موثر بر آن در سالمندان شهرستان اسفراین انجام شد.

مواد و روش: این مطالعه مقطعی با رویکرد توصیفی-تحلیلی بر روی ۴۰۰ نفر از سالمندان ۶۰ سال و بالاتر مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر و روستاهای شهرستان اسفراین در سال ۱۴۰۲ انجام شد. نمونه ها بر اساس نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری داده ها، چک لیست مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد "سبک زندگی سالم سالمندان" بود که توسط سه پرسشگر آموزش دیده به صورت مصاحبه و یا خوداظهاری تکمیل گردید. معیارهای ورود به مطالعه شامل: سن ۶۰ سال و بالاتر، عدم مصرف داروهای روانپزشکی، عدم ابتلا به بیماری صعب العلاج و معیارهای خروج شامل داشتن اختلال شناختی که باعث عدم فهم سوالات پرسشنامه میشد. پرسشنامه ها پس از تایید طرح توسط کمیته اخلاق و دریافت معرفی نامه رسمی از دانشکده علوم پزشکی اسفراین و با رضایت آگاهانه شرکت کنندگان در مطالعه جمع آوری شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۲۶، روش های آمار توصیفی و آزمون های تی مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون تک متغیره و چند متغیره انجام شد.

یافته ها: میانگین سنی سالمندان $5/56 \pm 60/69$ سال، $8/55$ درصد آنان مرد، $5/50$ درصد بیسواد، $3/32$ درصد خانه دار و $3/49$ درصد دارای وضع مالی متوسط بودند. میانگین نمره سبک زندگی $9/85 \pm 123/76$ بود که نشان دهنده وضعیت مطلوب سبک زندگی سالمندان بود. حیطه های "بهداشت فردی" و "معنویت و عمل دینی" به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین را داشتند. تمامی حیطه ها بجز حیطه های "توصیه های ایمنی و بهداشتی" و "معنویت و عمل دینی" با وضعیت مالی و همچنین تمامی حیطه ها بجز حیطه های "روابط خانوادگی و اجتماعی" و "معنویت و عمل دینی" با نوع شغل ارتباط معناداری داشتند. بین حیطه "سلامت روان" با شغل، وضع مالی و رضایت از زندگی و همچنین بین حیطه "معنویت و عمل دینی" با نوع مسکن، سابقه بیماری، و رضایت از زندگی ارتباط معناداری وجود داشت ($P < 0/05$).

نتایج رگرسیون تک متغیره نشان داد نمره سبک زندگی با متغیرهای تحصیلات، شغل، وضعیت تاهل، تعداد فرزندان، سابقه بیماری، وضعیت مالی، و رضایت از زندگی، ارتباط معناداری دارد، سپس این متغیرها در رگرسیون چندمتغیره وارد شد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد نمره سبک زندگی سالمندان فقط با متغیرهای تحصیلات، وضعیت تاهل، سابقه بیماری و وضعیت مالی در حضور اثر سایر متغیرهای مستقل ارتباط معناداری دارد ($P < 0/05$).

بحث و نتیجه گیری: یافته ها نشان داد وضعیت مالی، وضعیت تاهل، سابقه بیماری و تحصیلات سالمندان از متغیرهای اثرگذار بر سبک زندگی سالم سالمندان است. از آنجایی که افزایش سن فرآیندی مادام العمر است و تنها با داشتن سبک زندگی سالم میتوان این دوران را به دورانی مطلوب توأم با سلامتی تبدیل کرد، لذا بکارگیری تمهیداتی جهت بهبود وضعیت شغلی، معیشتی و مسکن سالمندان، بکارگیری استراتژیهای برای حمایت از سالمندان تنها، و آموزش روش های سبک زندگی سالم و کاهش اثرات بیماری، پیشنهاد می گردد.

Sociological analysis of aging trend with emphasis on active aging in Isfahan province



Seyyed Nasser Hijazi^۱, Mohammad Reza Bahirai^{*۲}

۱. Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University, Dehaghan Branch - Iran

۲. PhD student in sociology majoring in social issues, Islamic Azad University, Dehaghan Branch - Iran B.U

Summary:

The aim of this research is the sociological analysis of the aging process with an emphasis on active aging in Isfahan province. which is done by the method of quantitative secondary analysis on the data. The research data were taken from the "Statistical Yearbook of Isfahan Province and the National Elderly Document of the country for ۲۰۱۹, the latest data of the United Nations in ۲۰۲۲ and the article and the theories of non-commitment, establishment of continuity and activity were used. The findings showed that Isfahan province is one of the places that is currently facing a ۱۲% growth rate of the elderly, which is higher than the national average and has the sixth rank. The population growth in this province in terms of number and average annual population growth during ۱۳۴۵-۱۳۹۵ shows that although the population has increased from (۱,۷۰۳,۷۰۱) to (۵,۱۲۰,۸۵۰) people, but its average growth has gone through a reverse and downward trend and from ۲/۴۸ has reached ۰,۹۷ and the growth trend of the elderly population during the year ۱۳۴۵-۱۴۰۰ along with the increase of the population of the whole province, the number of elderly people has not only increased, but the share of the elderly population compared to the population of the province is also increasing and this ratio in ۱۳۹۵ for men (۰/۵۱) and for women (۱۲/۴۴) and in total, it was ۱۰/۶۴. In other words, ۰,۵۳% was assigned to men and ۰,۴۷% to women, and according to the place of residence, ۰,۸۶% was assigned to urban areas and ۰,۱۴% to rural areas. Also, in the population aged ۶۰ and over: (more men than women have a wife), (more women than men are widowed, single and divorced) and (more men than single women). The results show that the growth of old age in Isfahan province is not only increasing, but it is also progressing towards feminization and aging.

Keyword: trend, aging, active aging, Isfahan

روند سی ساله فرزندآوری، مراقبتهای دوران بارداری و سزارین در مناطق روستایی تبریز (۱۳۷۳-۱۴۰۲)



فریبا بخشیان^۱، دکتر حسین جباری^۲، دکتر علیرضا فرشی^۳، دکتر صبا جباری^۴

۱. کارشناس ارشد حوزه ریاست دانشگاه
۲. استاد دانشکده پزشکی و مسئول استعدادهای درخشان دانشگاه
۳. مدیر دفتر ریاست دانشگاه
۴. رزیدنت بیماریهای دهان و فک و صورت

مقدمه: مراقبت های دوران بارداری حق اساسی هر زن بارداری بوده و مداخلات مؤثر به صورت همگانی بایستی تدارک دیده شوند. این خدمت شامل مداخلات آموزشی، مشاوره ای، غربالگری، درمان، پیش، تأمین مکملهای غذایی و است که به منظور حفظ و ارتقای سلامت مادران و جنین آن ها صورت می گیرد. سیستم بهداشتی ایران از چهار دهه پیش این مهم را به صورت رایگان برای همه مادران بویژه در مناطق روستایی ارایه می نماید. فرزند آوری (رتبه حاملگی در این مطالعه) ، نوع زایمان از شاخص های مهم در ارزیابی این خدمت مهم می باشد زایمان سزارین رشد بسیار سریعی را در کشور ما در این مدتها داشته و نگرانی هایی را در ارتباط با تداوم فرزند آوری ایجاد کرده است و این مطالعه به بررسی روند سی ساله این شاخص ها پرداخته است.

روش کار: در این مطالعه کوهورت گذشته نگر تعداد ۶۰۰۰ نفرمادر باردارروستایی در خلال ۳۰ سال و با عناوین تاثیر توسعه شبکه های بهداشت سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳، اجرای طرح پزشک خانواده سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ اجرای طرح تحول نظام سلامت ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸، وقوع پاندمی کووید - ۱۹ تا ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ بر میزان زایمان سزارین با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب و مورد مقایسه قرار گرفتند. ابزار کار پرسشنامه روا و پایا بود و داده ها از داخل پرونده بهداشتی خانوار (سامانه سیب) استخراج و با نرم افزار SPSS۲۳ انالیز و تغییرات از نظر معنی دار بودن تحلیل شدند.

یافته ها: میزان سزارین در سالهای مطالعه از رقم ۱۵/۴۴ درصد در سال ۷۳ به رقم ۶۷/۸ درصد در سال ۱۴۰۱ در روستاهای اطراف تبریز که همگی تحت پوشش برنامه پزشک خانواده بوده و توسط پزشک و ماما تحت مراقبت بودند رتبه حاملگی در این سالها از رقم ۲/۱۵ به رقم ۱/۵ و در نهایت ۱/۰۹ کاهش نشان می دهد. به علاوه ارقام مربوط به مراقبتهای دوران بارداری از رقم ۹/۰۲ به ۷/۷ و ۵/۶ نوبت کاهش نشان می دهد. میانگین سنی مادران از رقم ۲۳/۶۳ در سال ۷۳ به رقم ۲۶/۴۴ در سال ۹۲ و ۲۷/۱ در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است.

بحث و نتیجه گیری: روند شتابان افزایش سزارین در سالهای مطالعه همراه با کاهش رتبه حاملگی، تعداد مراقبتها و افزایش میانگین سنی مادران هم راستا با بسیاری از مطالعات همگی بیانگر کاهش میزان فرزند آوری و نیازمند طراحی و انجام مداخلات موثر برای کاهش سزارین و افزایش ظرفیت بارداری و فرزند آوری است.

دستاورد های تجربه موفق مداخله مدیریتی ارتقای سلامت مادران باردار در دانشگاه علوم پزشکی تبریز



فریبا بخشیان^۱، دکتر علی عبادی^۲، آمنه میرزایی^۳، دکتر بابک محمد پور^۴، معصومه پوزشی^۵، ندا نقاشی^۶

۱. کارشناس ارشد مامایی
۲. مدیر امور بیمارستانی و تعالی خدمات بالینی
۳. کارشناس ارشد پرستاری
۴. رئیس اداره بازرسی و ارزیابی عملکرد دانشگاه
۵. رئیس اداره امور مامایی
۶. دانشجوی دکتری ژنتیک

مقدمه: ارتقای سلامت مادران باردار از وظایف مهم نظامهای سلامت در سراسر جهان می باشد که در کشور ما هم به ویژه از زمان تشکیل وزارت بهداشت و راه اندازی شبکه های بهداشت و درمان در اولویت قرار گرفته است. در طول چهار دهه اخیر شاخص مرگ و میر روند نزولی بسیار چشمگیری داشته اما متأسفانه در دوران پاندمی کرونا این شاخص به سرعت افزایش یافت.

روش کار: دانشگاه علوم پزشکی تبریز در راستای انجام رسالت ذاتی خویش اقدام به تشکیل کارگروه ویژه ای از کارشناسان خبره نمود و با شناسایی چالش ها و اولویت بندی راهکارها به تعریف نقش و وظایف هر معاونت اقدام نمود. به علاوه با طراحی بازدیدهای مداوم دوره ای از بیمارستانها و ارائه پس خوراند و بازدیدهای مجدد، برگزاری کارگاه های متعدد و آموزش مداوم ذینفعان، طراحی فرم پایش تریاژ و پیگیری پس از ترخیص و..... اقدامات گسترده ای را عملیاتی نمود.

یافته ها: کاهش اعزام مادران از ۸۹۹ مورد به ۷۷۱ مورد - کاهش اشتباهات سطح بندی تریاژ از ۶۸ درصد به ۴۲ درصد - افزایش پیگیری پس از ترخیص از ۴۹ درصد به ۷۳ درصد - افزایش شناسایی مادران نیازمند توجه و مراقبت ویژه از ۵۵ درصد به ۸۴ درصد - کاهش دستورات تلفنی پزشکان از ۷۸ درصد به ۶۳ درصد - افزایش بازدیدهای ویژه از ۳۰ بازدید به ۶۸ بازدید - تهیه و ارسال پس خوراند به بیمارستانها از ۳۰ پسخوراند به ۶۸ پسخوراند - آموزش متخصصین و ماماها از ۱۰ جلسه آموزشی به ۱۸ جلسه آموزشی به و به طور کلی کاهش مرگ و میر مادران از ۳۶ مورد در سال ۱۴۰۰ به ۶ مورد در سال ۱۴۰۱ و کسب رتبه اول کاهش مرگ مادران در کشور

بحث و نتیجه گیری: جایگاه بالای دانشگاه علوم پزشکی تبریز در کاهش مرگ و میر مادران تا سالهای قبل کرونا در مستندات و گزارشهای مختلف انعکاس یافته است که با دستاورد اخیر هم خوانی دارد از سوی دیگر افزایش شاخص در بحران کرونا بیانگر تاب اوری پایین مجموعه در برابر بحران ها می باشد که لازم است برنامه های متناسب با دستورالعمل های کلی سازمان بهداشت جهانی تدوین و اجرا گردد تا آسیب پذیری در برابر بحران های احتمالی به حداقل کاهش یابد.

کلمات کلیدی: مرگ و میر مادران - مداخله مدیریتی - دستاورد

بررسی روند ۱۰ علت نخست مرگ در گروه سنی میانسال
(۳۰-۵۹ سال) شهر مشهد تحت پوشش دانشگاه علوم
پزشکی مشهد در سالهای ۱۴۰۱-۱۴۰۰

صدیقه برات امامقلی

• کارشناس مامایی، مرکز بهداشت ثامن، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

مقدمه و هدف: مطالعات اخیر در مورد مرگ ومیر در ایران نشان میدهد که بیماری های قلبی- عروقی، حوادث غیر عمدی و سرطان ها به عنوان سه علت عمده ی کاهش عمر ایرانیان، بوده است. این مقاله در تلاش است تا چنین نقشی را در الگوی مرگ ومیر شهرستانهای تحت پوشش دانشگاه مشهد در سالهای ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بررسی کند.

روش کار: جمعیت مورد مطالعه، مرگ های ثبت شده دانشگاه مشهد در نظام ثبت مرگ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی سال های ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در گروه میانسالان بوده است. داده ها پس از جمع آوری از نظر کیفیت، کم شماری، سبب های بد تعریف شده و کدهای پوچ مورد بررسی و اصلاح قرار گرفته و در نهایت بر اساس علت، گروه سنی و جنسی تجزیه و تحلیل شدند. محاسبات با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۰ انجام گردید.

یافته ها: بیماری عفونی وانگلی ۳۹/۷ درصد (با زیر گروه بیماری کووید ۱۹) در سال ۱۴۰۰ رتبه نخست را به خود اختصاص داده و خودکشی در این سال با ۲/۹ درصد جزو ده علت اصلی مرگ خود نمایی می کند که در سال ۱۴۰۱ بیماری های قلبی- عروقی ۲۶/۸ درصد، با افزایش کمی در رتبه نخست با زیر گروه سکته قلبی و بیماری قلبی به علت افزایش فشارخون مشاهد و خودکشی با افزایش ۵ درصدی در ده علت اصلی مرگ قرار گرفته اند .

بحث و نتیجه گیری: مرگ های ناشی از بیماری های غیر واگیر سهم زیادی از کل مرگ ها را به خود اختصاص می دهد. با توجه به برنامه های طرح تحول سلامت و لزوم اجرای مداخله ها، اطلاعات حاصل از ثبت دقیق سبب های مرگ برای طراحی بسته های خدمات و هم چنین برای ارزش یابی میزان موفقیت برنامه ها و مداخله های در حال اجرا از اهمیت بالایی برخوردار است.

واژه های کلیدی: علت های مرگ، ثبت، طرح تحول سلامت

حمید بزازگاهانی^۱، محسن رضائی آدریانی^۲

۱. کارشناس ارشد آموزش روانپرستاری، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری شیروان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. استادیار اخلاق پزشکی، عضو هیئت علمی گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم ایران

مقدمه: جوامع بشری برای دفع و رفع مشکلات باروری، بر اساس دانش محدودشان منشور حقوق باروری را ارائه نموده‌اند. برای اجتناب از آسیب به فرد و خانواده، بهتر آن است که از دانش جامع (عقل و نقل) استفاده شود. روایات و ادعیه رسیده از امام سجاد علیه‌السلام می‌تواند منبع غنی و دقیق و کاملاً سالمی را برای ابعاد جسمی، روانی، روحی و معنوی زندگی بشر ارائه نماید.

روش جستجو: این مقاله از نوع تحلیلی-کتابخانه‌ای است که در آن آثار امام سجاد(ع) و نیز با استفاده از سایر متون دینی مرتبط با آثار آن امام همام پیرامون موضوع مقاله، بررسی و تحلیل گردید.

یافته‌ها: از ادعیه و روایات رسیده از امام سجاد علیه‌السلام، ۱۵ عنوان پیرامون باروری به دست آمد که شامل موارد پیش روست: ۱. بی- نیازی خداوند از همسر و فرزند ۲. آفرینش پاکان قبل از همه آفریده‌ها و لزوم رعایت حقوق ایشان ۳. حقوق باروری و عدالت بین زن و مرد ۴. حقوق باروری، نژاد و قومیت ۵. حقوق جنسی و ازدواج ۶. فیزیولوژی باروری ۷. فرزندآوری ۸. حقوق جنسی و آمیزش ۹. حقوق باروری، سقط، پیشگیری و آموزش ۱۰. حقوق جنسی، شهوت و عفت ۱۱. نفقه دادن و خوش اخلاقی حق خانواده و فرزندان ۱۲. مهریه و شرایط وجوب آن ۱۳. طلاق، شرایط و قوانین ۱۴. حقوق باروری و کنیزان ۱۵. حقوق باروری و دشمنان.

نتیجه گیری: اندیشه متعالی امام سجاد(ع) که حاصل مفاهیم و حیانی، میراث پیامبران علی‌الخصوص پیامبر خاتم(ص) و اهل بیت معصومین(علیهم‌السلام) ایشان می‌باشد، مملو از بیان اهمیت و ضرورت حقوق انسانی از جمله حقوق باروری و جنسی و شرایط حاکم بر خانواده اسلامی می‌باشد. برای رشد افراد و تأمین سلامت جسمی و روحی آنان، مراعات آموزه‌های اسلامی در خانواده، لزوم عقلانی دارد.

واژه‌های کلیدی: امام سجاد(ع)، زین العابدین(ع)، حقوق باروری، حقوق جنسی، ازدواج، فرزندآوری

تبیین راهکارهای مقابله با دردجنسی در زنان مبتلا به درد لگنی - تناسلی / اختلال دخول در جهت ارتقاء سلامت جنسی و موانع مقابله با آن

مژده بنائی^{۱*}، ویدا قاسمی^۲، نسیمه روزبه^۱

(۱) مرکز تحقیقات مراقبت های مادر و کودک، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

(۲) دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: اختلالات درد لگنی - تناسلی / اختلال دخول (GPPPD) منجر به کاهش عملکرد جسمی و روحی فرد، کاهش کیفیت زندگی و احساس بی کفایتی و بی ارزشی می شود که همه اینها توانایی آنها را برای لذت بردن از رابطه جنسی مختل می کند. این مطالعه کیفی با هدف شناسایی عواملی که می توانند استرس جنسی را کاهش داده و به زنان ایرانی در مقابله با GPPPD کمک کنند، انجام شد.

روش کار: این مطالعه کیفی با مشارکت ۱۸ زن ۱۸ تا ۴۵ ساله ی مبتلا به GPPPD که توسط درمانگر جنسی و با استفاده از معیارهای تشخیصی DSM-IV تشخیص داده شده بودند، از اسفند تا تیر ۱۴۰۱ در ایران انجام شد. انتخاب افراد واجد شرایط؛ به روش هدفمند و با حداکثر تنوع انجام شد. جهت گردآوری اطلاعات مصاحبه های نیمه ساختاریافته عمیق فردی انجام و تا اشباع اطلاعاتی داده ادامه داشت. تجزیه و تحلیل داده ها با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی براساس معیارهای پیشنهادی گرانهایمن لوندمن و با استفاده از نرم افزار MAXQDA ۱۰ انجام شد. در مطالعه حاضر، پنج معیار اعتبار داده ها، اطمینان پذیری، انتقال پذیری یا تناسب، قابلیت تصدیق یا تایید و قابلیت اصالت برای افزایش دقت و اعتبار داده های مطالعه مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: از تحلیل داده ها ۴ طبقه اصلی استخراج شد، شامل: (۱) "مقابله مسأله مدار" با ۳ زیرطبقه ی حمایت اجتماعی دریافت شده، خودکنترلی مشکل و جایگزینی دخول، (۲) "مقابله هیجان مدار" با سه زیرطبقه ی واکنش منفی زوجین به مشکل، اختلال در پیوندجویی و تسلیم شدن در برابر مشکل، (۳) "درمانجویی" با سه زیرطبقه ی جستجو و انتخاب درمانگر جهت حل مشکل، راهکارهای طبی ناکارآمد و راهکارهای غیرطبی ناکارآمد و (۴) "موانع مقابله با مشکل" با چهار زیرطبقه ی ناکارآمدی نظام سلامت، ناکارآمدی نظام آموزشی، نادیده انگاری همسر و موانع فردی درمان بود.

نتیجه گیری: راهبردهای مقابله ای در زنان مبتلا به GPPPD به عنوان «مقابله مسأله مدار»، «مقابله هیجان مدار» و «درمانجویی» طبقه بندی شد. نتایج پژوهش حاضر نشان میدهد که موانع مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی میتواند منجر به عدم دسترسی زوجین به اطلاعات جنسی کافی شده که به دنبال آن باورها و شناخت های جنسی ناسازگار در آنها پدید می آید و در نهایت منجر به دخول ناموفق زوجین میشود. لذا در روند شناسایی و درمان این مشکل توجه به موانع مختلف در خصوص دستیابی به راهبردهای مثبت مقابله و تقویت آنها جهت حل مشکل، گامی اساسی در روند بهبود سریعتر مشکل خواهد داشت.

کلمات کلیدی: توانمندسازی زنان، راهبردهای مقابله، درد لگنی، دیسپارونی، تحقیق کیفی

تاثیر برنامه آموزش حمایت های مداوم لیبر بر اهمیت و به کارگیری رفتارهای حمایتی در دانشجویان مامایی

فاطمه باکوئی (PhD^۱) ، مریم نیکپور (student PhD^۲) ، فرشته بهمنش (PhD^{۳*}) ، فاطمه یحیوی کوچکسرایبی (MSc^۱)

، معصومه علیجانپور (MSc^۱) ، طاهره حقیقی (MSc^۱) ، گلنار ناصحی (PhD^۳)

۱. گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.

۲. مرکز تحقیقات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.

۳. دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

خلاصه سابقه و هدف: حمایت لیبر بر کاهش درد و اضطراب مادران از زایمان موثر است، عواملی که ممکن است سبب افزایش میزان سزارین و کاهش فرزندآوری شوند. مطالعه حاضر با هدف ارزشیابی آموزش بالینی حمایت های لیبر به دانشجویان مامایی بر اهمیت و بکارگیری رفتارهای حمایتی توسط دانشجویان انجام شد. دانشجوی مامایی به روش نمونه گیری سرشماری انتخاب شدند. دانشجویان در گروه ۳۴، مواد و روشها: در این مطالعه نیمه تجربی نفره، توسط مدرسین بالینی ۵-۷ های مامایی، در محیط بالین، تکنیک های حمایتی لیبر را به صورت عملی آموزش دیدند. برای تعیین تاثیر مداخله انجام شده از پرسشنامه قبل LSQ (ی استاندارد حمایت لیبر و آزمون های آماری توصیفی، تی زوجی و رگرسیون خطی انجام و میزان ۲۳ ورژن SPSS و پس از مداخله استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار در نظر گرفته شد. ۰۵/۰۰ معنی داری کمتر از یافته ها: برحسب یافته های مطالعه، آموزش حمایت های مداوم لیبر به دانشجویان در محیط بالین، منجر به افزایش معنی دار میزان اهمیت و بکارگیری رفتارهای حمایتی (در تحلیل آماری رگرسیون خطی، هیچ یک از متغیرهای زمینه ای $p < 0.01$) طرفداری از تصمیمات زائو و اطلاعاتی شده است، عاطفی، در لیبر، در چهار حیطه ی فیزیکی مورد بررسی با میزان اهمیت و بکارگیری رفتارهای حمایتی ارتباط معنی داری نداشت. نتیجه گیری: با توجه به تاثیر آموزش بالینی بر اهمیت و بکارگیری روش های حمایتی لیبر بر دانشجویان مامایی، لازم است این دانشجویان با مدل های حمایتی آشنا شوند و به انجام آن مبادرت ورزند تا پس از فارغ التحصیلی، به عنوان پرسنل از این روش ها استفاده نمایند.

واژه های کلیدی: حمایت مداوم لیبر، دانشجویان مامایی، رفتارهای حمایتی

مقایسه تاثیر میزوپروستول و روغن گل مغربی با میزوپروستول بر تناوب انقباضات رحمی و علائم حیاتی مادر در حاملگی های ترم دیررس: یک مطالعه کارآزمایی بالینی

سوما بهمنی^۱، روناک شاهویی^{۲*}

۱. گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران
۲. مرکز تحقیقات مراقبت های بالینی، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از علل احتمالی حاملگی های ترم دیررس آماده نبودن دهانه رحم می باشد. مطالعه حاضر با هدف مقایسه تاثیر میزوپروستول و روغن گل مغربی با میزوپروستول بر تناوب انقباضات رحمی و علائم حیاتی مادر در حاملگی های ترم دیررس طراحی و انجام گرفت.

مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک کارآزمایی بالینی تصادفی سازی شده یک سوکور بود که بر روی ۱۳۰ زن باردار با حاملگی پس از موعد انجام شد. نمونه ها به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و با روش تصادفی به دو گروه (گل مغربی و میزوپروستول) و (پلاسبو و میزوپروستول) تخصیص یافتند. جهت جمع آوری داده ها از چک لیست اطلاعات دموگرافیک، بالینی همراه با سوالات مرتبط با نمره بیشاپ، انقباضات رحمی و علائم حیاتی مادر استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و آمار توصیفی و آزمون های استنباطی استفاده گردید.

یافته ها: میانگین نمره بیشاپ در گروه گل مغربی و میزوپروستول در مقایسه با گروه پلاسبو و میزوپروستول افزایش معنی داری داشت ($p=0/0001$). اما در مورد انقباضات رحمی در طول شش ساعت اول بعد از مداخله و علائم حیاتی مادر در طول یک ساعت اول بعد از مداخله در دو گروه اختلاف آماری معنی داری دیده نشد ($p>0/05$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که استفاده از کپسول واژینال روغن گل مغربی در کنار میزوپروستول در رسیدگی دهانه رحم و افزایش نمره بیشاپ در مقایسه با میزوپروستول به تنهایی بسیار موثرتر می باشد. همچنین باعث اختلال در انقباضات رحمی و علائم حیاتی مادر نمی شود.

واژه های کلیدی: رسیدگی دهانه رحم، گل مغربی، میزوپروستول، انقباضات رحمی، علائم حیاتی

محمد اسماعیل مطلق^۱، مجذوبه طاهری^۲، سیدداود نصرالله پور شیروانی^۳، محمد اسلامی^۴

چکیده

پیش زمینه و هدف: کاهش بیسابقه باروری یکی از مشکلات جمعیتی تعدادی از کشورها از جمله ایران میباشد. این مطالعه به منظور بررسی عوامل مؤثر بر ترجیحات باروری در زنان پنج قوم ایرانی انجام گرفت.

مواد و روشها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی بر روی ۲۱۱۴ زن سنین باروری از ۵ قوم عرب، کرد، سیستانی و بلوچی، ترک و ترکمن در زمستان ۱۳۹۳ انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته حاوی متغیرهای فردی و وابسته مربوط به ترجیحات باروری بود که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با روش مصاحبه جمع‌آوری و در نرم‌افزار SPSS ۱۸ مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سن زنان $37/37 \pm 3/4$ سال بود و بیشتر افراد (۹۱۰ نفر یا ۹/۴۴ درصد) تحصیلات ابتدایی داشتند. حدود ۶۰ درصد زنان با وجود داشتن قابلیت‌باروری، هیچ تمایلی به فرزند آوردن بعدی نداشتند که ۵/۲۸ درصد بالا رفتن سن، ۴/۲۴ درصد مشکلات اقتصادی ۰/۱۹ درصد مخالفت شدید همسر را از دلایلی عدم تمایل به فرزندآوری اعلام نمودند. از ۳۸۴ (۵/۱۶ درصد) زنی که تمایل به بارداری بعدی داشتند، ۴/۴۱ درصد دلیل اصلی تمایل را پسر خواستن و

۲۰/۱ درصد دختر خواستن ذکر نمودند. میانگین تعداد مناسب فرزندآوری از $2/2 \pm 3/1$ فرزند در قوم کرد تا $3/3 \pm 5/1$ فرزند در قوم عرب متفاوت بود. بین ترجیحات باروری زنان و اقوام مورد مطالعه اختلاف معنی‌دار وجود داشت.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد ترجیحات باروری زنان در قومیت‌های مختلف متفاوت میباشد و بالا رفتن سن زنان، مشکلات اقتصادی و مخالفت همسر از دلایل مهم عدم تمایل به فرزندآوری میباشد.

کلیدواژه‌ها: ترجیحات باروری، تمایل به فرزندآوری، اقوام ایرانی

مجید پورخیاط^۱، دکترسید رضا آل‌طه^۲، یاسرخ‌روشاه^۳، سالار پوربرات^۴، خدیجه بهادری^۵، محمود بهنیا^۶، فاطمه ولیان پور^۷

مقدمه: این مقاله به بررسی نقش تشکل‌های مردم‌نهاد در ارتقای فرهنگ فرزندآوری می‌پردازد. تشکل‌های مردم‌نهاد، از جمله سازمان‌های غیردولتی هستند که می‌توانند در ایجاد آگاهی، آموزش و پشتیبانی از فرهنگ سالم فرزندآوری نقش مؤثری داشته باشند. در دیگر کشورها بسترهای لازم برای ورود و مشارکت سمن‌ها در عرصه ارتقا فرهنگ فرزندآوری فراهم شده و این تشکل‌ها در عرصه عمل توانسته‌اند به منظور ساماندهی بسیاری از خلاها و کاستی‌های نظام سلامت مشارکت موثر داشته باشند.

روش جستجو: این مقاله بر حسب هدف کاربردی و برحسب گردآوری اطلاعات اسنادی-مرور سیستماتیک مقالات علمی پژوهشی منتشر شده در زمینه نقش سمن‌ها در فرهنگ‌سازی فرزندآوری، با آزمون علامت و به کمک نرم افزار SPSS^{۲۶}، نقش سمن‌ها بر فرهنگ‌سازی فرزندآوری مورد بررسی قرار داده شده است. به این منظور سه پایگاه اطلاعاتی از مقالات علمی و پژوهشی فارسی و هشت پایگاه انگلیسی زبان با کلیدواژه‌های مرتبط به سازمان‌های مردم‌نهاد جستجو شده است.

یافته‌ها: مقاله حاضر با بررسی مطالعات انجام گرفته تا کنون، مقولات، آموزش و اطلاع‌رسانی، حمایت روانی و اجتماعی، تقویت مهارت‌های والدین و ارتباط با سیاست‌گذاران، که به فرهنگ سالم فرزندآوری کمک می‌کند مورد شناسایی قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها با استفاده از ظرفیت سمن‌ها برنامه‌های آموزشی، گروه‌های مشاوره، کارگاه‌ها و منابع مرتبط را ارائه داده و والدین را در ارتقای مهارت‌های فرزندپروری یاری کنند. همچنین، ارتباط نزدیک با سیاست‌گذاران می‌تواند تأثیرگذاری بیشتری را در اصلاح و توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با فرزندآوری داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: فرزندآوری، تشکل‌های مردم‌نهاد، مهارت‌های والدین

عوامل موثر بر افزایش فرزندآوری زنان شاغل: یک

مطالعه کیفی

نرگس رفیعی^۱، راضیه پیروزه^{۲*}، احمدصادقی^۳، مرضیه محمدزاده^۴

۱. مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
۲. نویسنده مسئول: گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
۳. گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
۴. معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: زنان علاوه بر داشتن نقش‌های خانوادگی، بواسطه عوامل بشمار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همزمان وظایف شغلی را نیز به عهده می‌گیرند. در این میان زنان شاغل تحت فشارهای عینی و ذهنی، خود را متعهد به انجام نقش‌های اصلی خانوادگی اعم از همسری، مادری و خانه‌داری نیز میدانند، با توجه به اینکه شاغل بودن زنان و مادران میتواند بر تصمیمات فرزندآوری آنان تاثیر بگذارد، لذا این مطالعه با هدف بررسی عوامل موثر بر افزایش فرزندآوری زنان شاغل انجام شد.

روش جستجو: این مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل چارچوبی و از طریق مصاحبه کتبی نیمه ساختارمند با ۵۰ نفر از زنان شاغل در دانشکده علوم پزشکی اسفراین در سال ۱۴۰۲ انجام شد. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA.۱۰ و روش تحلیل چارچوبی گاله تحلیل شدند.

یافته‌ها: پس از ترکیب کدها و حیطه‌ها، عوامل موثر بر افزایش فرزندآوری زنان شاغل در ۳ حیطه: بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی خانواده‌ها، بهبود حمایت اجتماعی و قانونی از مادران و کودکان (هم در حیطه سیاستگذاری و هم اجرا)، و فرهنگسازی طبقه‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری: از دیدگاه زنان شاغل، بهبود وضعیت اقتصادی و عدم نیاز خانواده به اشتغال تمام وقت مادر، تدوین و اجرای حمایت‌های قانونی از فرزندآوری زنان شاغل و فرهنگسازی، جزو عوامل موثر بر افزایش فرزندآوری هستند. سیاست‌های جمعیتی اگر بتوانند برنامه‌هایی را اجرا کنند که موجب سازگاری نقش مادری با اشتغال زنان شود، می‌تواند بسیار مؤثرتر عمل کنند. با توجه به اینکه تسهیل‌کننده‌های مختلفی میبایست برای افزایش فرزندآوری زنان شاغل در نظر گرفته شود، لذا پیشنهاد می‌گردد در سطوح سیاستگذاری و اجرایی به این عوامل توجه بیشتری شده و در راستای حمایت از فرزندآوری زنان شاغل، اقدامات بیشتری صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: فرزندآوری، زنان، مادران شاغل

وظایف و مسئولیت های حقوقی و کیفی کادر درمان در قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده و محدودیت غربالگری و سقط جنین با تکیه بر پیشگیری از بروز جرم و تخلفات اداری

احمد طاهری^۱، مجید معاون سعیدی^۲، ملیحه پیشوائی^{۳*}، سمانه نجفی^۴، فاطمه علیجان^۵، رضوان نبیلی^۶

۱. احمد طاهری، رئیس اداره حقوقی و رئیس هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی گناباد

۲. مجید معاون سعیدی کارشناس حقوقی دانشگاه علوم پزشکی گناباد

۳. ملیحه پیشوائی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی قم و کارشناس امور حقوقی علوم پزشکی گناباد

۴. سمانه نجفی عضو هیات علمی گروه پرستاری و رئیس اداره امور پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گناباد

۵. فاطمه علیجان کارشناس امور حقوقی دانشگاه علوم پزشکی گناباد

چکیده: آموزش نیروی انسانی، یکی از راهکارهای اصلی برای تأمین سلامت نظام اداری و مقابله با جرایم و تخلفات است. نظام اداری سالم و عاری از جرایم، از یک سو توسعه و اعتلای کشور و از سوی دیگر، اعتماد و رضایتمندی مردم را به دنبال دارد. لذا در این راستا ماده ۳۵ قانون جوانی جمعیت به طور اخص و ماده ۴۶ آیین نامه اداری استخدامی کارکنان غیر هیات علمی دانشگاه ها و همچنین مواد ۵۸ تا ۶۳ قانون مدیریت خدمات کشوری بر ضرورت و اهمیت امر آموزش کارکنان تاکید ویژه دارد. روش پژوهش: در این تجربه، روشی علمی و براساس اصول برنامه ریزی آموزشی می باشد که در ۵ گام طراحی شده است.

روش: این تحقیق با بهره گیری از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه ای و جست و جو در بانک اطلاعاتی جامع پزشکی (مدلاین) پابمد، ساینس دایرکت، گوگل اسکولار و وب آف ساینس، و سپس با طراحی مطالعه در ۵ گام، نیازسنجی آموزشی-برنامه ریزی-اجرای برنامه-ارزشیابی برنامه-اصلاح و بازنگری برنامه و نیازسنجی مجدد طراحی و اجرا گردید.

یافته ها: شایان ذکر است با توجه به ادله علمی ذکر شده در ضرورت بهبود کیفیت آموزش به کارکنان از اهداف نهایی توسعه انسانی محسوب میشود و نقش قابل تأملی در پیشبرد فرآیند توسعه انسانی ایفا میکند. قانونگذار ایران در جدیدترین سیاست کیفی خود در مواجهه با سقط جنین جنایی و جرائم مرتبط با آن، رویکرد سخت گیرانه تری در پیش گرفته است. با توجه به نتایج مطالعه آموزه های قانونی باید به نحو موثرتری در دروس دانشگاهی گنجانده شود و برنامه های بازآموزی و کارگاههای آموزشی جهت افزایش آگاهی کادر درمان برگزار شود تا از کاهش دانش افراد با فاصله گرفتن از زمان تحصیل جلوگیری شود. در این راستا، آگاه کردن مدیران و کارکنان دستگاههای اجرایی از جرایم مرتبط با حیطة شغلی آنها نقش بسزایی در پیشگیری از جرایم و تخلفات اداری و کاهش ارتکاب آنها دارد.

کلید واژه: کادر درمان، غربالگری، تخلف، سقط جنین

توانمندسازی زنان: در نظر گرفتن انتقال نقدی مشروط و تاثیر آن بر کیفیت مراقبت های دوران بارداری و وزن هنگام تولد و کاهش موارد سقط های عمدی در خانواده های با درآمد کم و متوسط

فاریا جعفرزاده^{۱*}، مریم یزدانی^۲، الهه صابر فریمان^۳، نازنین حصاری^۴

۱. متخصص داخلی، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۲. کارشناس پرستاری، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۳. کارشناس پرستاری، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۴. کارشناس ارشد مامایی، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: وزن کم هنگام تولد سالانه ۲۰ میلیون نوزاد را تحت تاثیر قرار می دهد و ۹۵٪ آن در کشورهای کمتر توسعه یافته است. عواقب آن شامل مرگ و میر نوزاد، افزایش مرگ و میر در دوران کودکی، شرایط مزمن بزرگسالی می باشد بنابراین یک اولویت بهداشت جهانی مداخلات مختلف از جمله مداخلات اقتصادی جهت کاهش این پیامد می باشد. مراقبت های دوران بارداری، بهبود مراقبت های تغذیه ای، آموزش های کافی در زمینه مراقبت های دوران بارداری، پس از زایمان می تواند در این زمینه موثر باشد.

برنامه بالقوه برای بهبود نتایج وزن هنگام تولد و کاهش موارد سقط خودبه خودی، برنامه انتقال نقدی مشروط برای مادرانی که قصد بارداری دارند یا باردار و یا در دوران پس از زایمان می باشند و حتی این برنامه می تواند انگیزه فرزند آوری را تقویت نماید.

بررسی متون: در مطالعه ای که در سال ۲۰۱۰ در کشور مکزیک انجام شد تاثیرات شگفت انگیز انتقال نقدی مشروط را در مراقبت های دوران بارداری در وزن هنگام تولد اثبات کرد.

نتیجه گیری: بعد از انجام طرح و بررسی آنالیز آماری نتایج متعاقبا اعلام خواهد گردید

واژه های کلیدی: انتقال نقدی مشروط، کیفیت مراقبت های دوران بارداری، سقط های خود به خودی

گزارش یک مورد نجات جان مادر باردار در هفته ی ۲۴ بارداری با تشخیص انعقاد
به DIC (Disseminated intravascular coagulation) منتشر داخل عروقی
(missed abortion) درنگ داخل رحمی جنین



فاریا جعفرزاده^۱، مریم یزدانی^۲

۱. متخصص داخلی ، بیمارستان امام رضا (ع) ، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی ،بجنورد ،ایران
۲. کارشناس پرستاری ،بیمارستان امام رضا (ع) ،دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی ،بجنورد ،ایران

مقدمه: DIC به معنی فعال شدن آبشار انعقادی به صورت پیشرونده در رگ های بدن است و در بارداری عموماً به دلیل یک عامل ثانویه پدید می آید.

گزارش بیمار : بیمار خانم ۲۹ ساله در هفته ۲۴ بارداری با افت سطح هوشیاری و تب و لرز و دیسترس تنفسی ناگهانی به این مرکز ارجاع شد. روز قبل از ارجاع با تشخیص missed abortion تحت تحریک زایمان واژینال قرار گرفته بود. ۲۴ ساعت بعد از زایمان بیمار با تنگی نفس شدید و افت سطح هوشیاری و اختلال علائم حیاتی در ICU بستری و اینتوبه شد و تحت بررسی تشخیصی قرار گرفت. در معاینه ظاهری پورپورا نداشت اما اکیموز در محل فیکس دستبند داشت و چشم ایکتریک نبود و در پوست پورپورا نداشت ،هماچوری و خونریزی واژینال داشت، رحم در ناحیه زیر ناف لمس شد، معاینه قلب تاکی کاردی داشت معاینه ریه تاکی پنه و کراکل سمع شد. آزمایشات بیمار از روز اول تا سیزدهم

time	pt	ptt	INR	fibrinogen	plt	Hgb	D-Dimer	Shisto cyte
Day ۱	۱۶.۵	۴۳	۱/۶	۱۰۰	۵۸۰۰۰	۷	۱۰۰۰	positive
Day ۱۰	۱۳	۲۹	۱	-	۲۹۶۰۰۰	۹.۶	-	-
Day ۱۳	۱۳	۲۸.۳	۱/۱	-	۳۲۲۰۰۰	۱۰	-	-

با توجه به علائم بالینی و آزمایشات احتمال آمبولی ریه ، سندرم TTP، سندرم HELP، HUS و DIC و آمبولی مایع آمنیوتیک ، شوک سپتیک مطرح شد. در طی درمان با تشدید وضعیت تنفسی ARDS مطرح و درمان شروع شد. به تدریج علائم حیاتی و آزمایشگاهی بهبود یافت و بعد ۱۵ روز بستری در ICU با حال عمومی خوب مرخص شد.

نتیجه گیری: DIC در بارداری در اثر دکلمان جفت ، آمبولی مایع آمنیوتیک، سندرم HELLP شوک سپتیک، پره اکلامپسی ، ترومبوآمبولی، سقط عفونی ، کبد چرب حاد بارداری میباشد. (۱). شیوع DIC مربوط به عوارض بارداری تقریباً ۱-۵٪ تمام موارد DIC میباشد و شیوع DIC در مطالعات مرتبط با بیمارستان های زنان و زایمان ۰.۰۳-۰.۳۵٪ گزارش شده است (۳). تقریباً ۱ تا ۵ درصد از تمام موارد DIC مربوط به مشکلات بارداری میباشد. که می تواند منجر به هیستروکتومی و یا مرگ و میر مادر و جنین بشود (۲). چنانچه ویزیت مکرر زنان باردار در مراکز آشنا به عوارض بارداری باشد مشکلات مامایی به موقع تشخیص و درمان میشود و از عوارض غیرقابل جبران در حیطه سلامت مادر و کورک پیشگیری میشود.

واژه های کلیدی : نجات مادر باردار، انعقاد منتشر داخل عروقی (DIC)، مرگ داخل رحمی جنین

چکیده

مقدمه: درک عواملی که در تشکیل و تغییر جمعیت نقش دارند، از اهمیت بالایی برخوردار است. بررسی این عوامل به ما کمک میکند تا بهترین راهبردها و تصمیمات سیاستگذاری را در زمینه جمعیت‌شناسی بپیماییم. در این مقاله مروری، به بررسی مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که بر روند رشد و توسعه جوامع تأثیر گذارند، پرداخته شد.

روش جستجو: در این مطالعه مروری، با استفاده از کلمات کلیدی مناسب، جستجو در پایگاهها و دیتابیس‌های علمی شامل گوگل اسکالر، SID، Magiran، Iranmedex و Irandoc انجام شد. مطالعات منتشر شده در پایگاه‌های فارسی و لاتین با کلیدواژه‌های: "مولفه‌های اقتصادی"، "مولفه‌های اجتماعی"، "مولفه‌های فرهنگی"، "عوامل موثر بر جمعیت"، "جمعیت" و معادل‌های آن‌ها طبق اصول terms Mesh و ترکیب کردن مترادف‌ها با عملگرهای AND، OR، NOT در بازه‌ی زمانی بین سالهای ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ انتخاب شدند. پس از بررسی و ارزیابی عناوین و چکیده‌ها، از بین ۱۸ پژوهش انجام شده، ۹ مطالعه برای بررسی انتخاب شدند.

یافته‌ها: با بررسی نتایج و تحلیل یافته‌های مطالعات به این نتیجه دست یافتیم که عوامل و مولفه‌های موثر بر جمعیتی تک فاکتوری نیستند بعبارت دیگر مجموعه عوامل (مولتی فاکتوریال) هستند که سبب تغییرات می‌شوند از جمله مهمترین فاکتورها برای عوامل اجتماعی شامل: شبکه‌های اجتماعی، تفاوت‌های اقلیمی - مکانی، سطح تحصیلات و باورهای فرهنگی، عوامل اقتصادی شامل درآمد، عدم تعادل در توزیع ثروت و شرایط اشتغال و عوامل فرهنگی نیز شامل: میزان آگاهی، اعتقادات، سنتها و عاداتها بودند. نتیجه‌گیری: با بررسی مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر جمعیت، مشخص شد که تأثیر این عوامل بر جمعیت بسیار پیچیده و چندوجهی است. برای مدیریت جمعیت و توسعه جوامع، باید فهم درستی نسبت به این مولفه‌ها و تأثیرات آنها داشته باشیم. بنابراین، نیازمندی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمعیت باید در سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزی‌های کالن‌کشوری در نظر گرفته شود. همچنین، این تحلیلها و برنامه‌ریزی‌های کالن‌کشوری به فراهم کردن پایهی دانش متخصصان و پژوهشگران در حوزه جمعیت‌شناسی و سیاستگذاری جمعیتی کمک شایانی میکند.

واژه‌های کلیدی: مولفه‌های جمعیتی، عوامل اقتصادی، مولفه فرهنگ، عوامل اجتماعی، مقاله مروری

ابوبکر جعفر نژاد

• دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

چکیده

مقدمه: توانمندسازی زنان در جوامع اهمیت بسیاری دارد. زنان نصف جمعیت جهان را تشکیل میدهند و داشتن حقوق و فرصتهای برابر با مردان، علاوه بر اینکه از لحاظ انصاف و عدالت اجتماعی ضروری است، به توسعه پایدار و پیشرفت جوامع کمک شایانی میکند. در این پژوهش مروری، به اهمیت توانمندسازی زنان در جوامع پرداخته شد

روش جستجو: در این مطالعه مروری، با استفاده از کلمات کلیدی مناسب، جستجو در پایگاهها و دیتابیس های علمی شامل گوگل اسکالر، Iranmedex, SID, Magiran و Irandoc انجام شد. مطالعات منتشر شده در پایگاه های فارسی و لاتین با کلیدواژه های: " توانمندسازی زنان"، "آینده جمعیت"، "زنان"، "توانمندسازی جمعیت" و معادل لاتین آن ها طبق اصول Mesh terms و ترکیب کردن مترادف ها با عملگرهای "AND", "OR", "NOT" در بازهی زمانی بین سالهای ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ انتخاب شدند. پس از بررسی و ارزیابی عناوین و چکیدهها، از بین ۲۵ پژوهش انجام شده، ۸ مطالعه برای بررسی انتخاب شدند. یافتهها: نتایج و تحلیل دادههای بدست آمده از مطالعات حاکی از تأثیرات مثبت فراوانی در توانمند سازی زنان در جوامع دارد که مهمترین آن ها عبارتند از: ۱. رشد اقتصادی: ورود زنان به بخشهای اقتصادی، قدرت عرضه نیروی کار را افزایش میدهد و ایجاد نقش های جدید در بازار کار را تسهیل میکند. ۲. بهبود سلامت: زنان با مشارکت بیشتر در تصمیمگیریهای سلامت جامعه، میتوانند نقش مهمی در ترویج سلامتی و بهداشت عمومی ایفا کنند. ۳. تعادل اجتماعی: توانمندسازی زنان سبب فراهم کردن فرصت برابر برای زنان در زمینه تحصیلات، کسب و کار شده و منجر به برابری جنسیتی میشود. ۴. کاهش فقر: ارتقاء شرایط اقتصادی و تحصیلاتی زنان، قدرت خودتوانی و اقتصادی آنها را افزایش میدهد و بر تواناییهای اقتصادی خانوادهها نیز تأثیر میگذارد. با این حال، برخی پژوهش ها نشان دادند هنوز در برخی جوامع، موانع و محدودیتهایی در راه توانمندسازی زنان وجود دارد که تاکنون به طور کامل برطرف نشدهاند. نتیجهگیری: با مشخص شدن نقش مثبت توانمندسازی زنان همچنین خالهای موجود در جوامع نسبت به این مهم، ضروری است راهکارهای جهت توانمندسازی زنان و افزایش آگاهی و فرهنگ در این خصوص توسط بخش های مختلف و همچنین همکاری های بین بخشی و بین سازمان های صورت پذیرد از جمله: فرصتهای برابر برای دختران و زنان در زمینه تحصیل و آموزش، تضمین حقوق شناختهشده زنان در جوامع، ایجاد فرصتهای شغلی برای زنان، تغییر نگرش فرهنگی و اجتماعی جامعه از طریق آگاهسازی جامعه درباره اهمیت و ارزش زنان در آینده جمعیتی.

واژه های کلیدی: توانمندسازی زنان، آینده جمعیتی، توانمندسازی جمعیتی، مقاله مروری.

چکیده

مقدمه: فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مولفه‌های اصلی توسعه و رشد جمعیت می‌باشد که مورد توجه بسیاری از محققان حوزه علوم اجتماعی قرار گرفته است. طی سال‌های اخیر کاهش مستمر زاد و ولد و انتقال از باروری طبیعی به باروری کنترل شده، به تدریج ساختار سنی جمعیت را از وضعیت جوانی خارج نموده و آن را به سوی سالخوردگی سوق می‌دهد. با توجه به این موضوع که امروزه با کاهش نرخ فرزندآوری در ایران روبه‌رو هستیم و این کاهش رشد جمعیت در سالهای آینده می‌تواند سبب تهدیدهایی همچون کاهش جمعیت فعال و مولد شود، این امر می‌تواند رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی جامعه را که نیازمند وجود نیروی جوان، فعال و نوآور است را تهدید کند؛ از طرفی میزان باروری فعلی ظرفیت لازم برای جایگزینی نسل کنونی را ندارد و کاهش نرخ باروری آسیب‌های جدی اقتصادی و اجتماعی را بر خانواده‌ها و جامعه تحمیل می‌کند؛ مطالعه حاضر انجام شد.

روش جستجو: پژوهش حاضر یک مطالعه مروری می‌باشد. ابتدا در پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus, google scholar, pubmed و ... کلیدواژه‌های فرزندآوری، تصمیم به فرزندآوری، عوامل موثر بر فرزندآوری، توانمندسازی جامعه و ... مورد جستجو قرار گرفتند. از بین مقالات متعدد انگلیسی و فارسی گردآوری شده که در کل ۵۵۰ مقاله مورد بررسی قرار گرفتند؛ در نهایت ۴۹ مقاله مرتبط با موضوع وارد مطالعه شدند. محدوده زمانی این مطالعات از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ بوده‌اند.

یافته‌ها: نتایج حاصل بیانگر این است که عوامل اجتماعی، اقتصادی، اجرای قانون سیاست‌های تشویقی جوانی جمعیت از طرف ارگانهای ذی ربط، اشتغال زنان، سطح تحصیلات زنان، نگرش به فرزندآوری، سن ازدواج، جهت‌گیری‌های مذهبی، نگرانی از آینده فرزندان، توانمندسازی زنان در جامعه مدرن از مهم‌ترین عوامل موثر در تصمیم به فرزندآوری در زوجین می‌باشند.

نتیجه‌گیری: به طور کلی می‌توان بیان کرد که عوامل متعددی در تصمیم به فرزندآوری در زوجین موثر هستند که برخی از آنها عوامل بازدارنده و برخی دیگر تسهیل‌کننده می‌باشند. به نظر می‌رسد جهت مرتفع نمودن این عوامل بازدارنده و افزایش انگیزه و آگاهی در خصوص اهمیت فرزندآوری، مشارکت و همکاری تمام سازمان‌ها جهت اعمال سیاست‌های تشویقی قانون جوانی جمعیت ضرورت دارد.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی جامعه، تصمیم به فرزندآوری، عوامل فرزندآوری

گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سلامت معنوی و سواد سلامت در شرق ایران



الهام چارقچیان خراسانی^۱، زهره زاده احمد^۲، محبوبه عبدالهی^۳، سیده بلین توکلی ثانی^۴

مقدمه: علاقه به داشتن فرزند تحت عنوان گرایش به فرزندآوری مطرح می شود. این مطالعه با هدف بررسی میزان گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سلامت معنوی و سواد سلامت در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

مواد و روشها: این مطالعه بصورت مقطعی انجام شد که ۲۶۹ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷ به صورت نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات چهار پرسشنامه بود که شامل پرسشنامه گرایش به فرزندآوری، پرسشنامه سلامت معنوی، پرسشنامه سواد سلامت هلیا و پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمونهای آنالیز آماری توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی در نرم افزار SPSS^{۲۳}،^۰ انجام گردید.

یافته ها: در پژوهش حاضر میانگین سنی زنان مورد مطالعه ۵۸.۸ ± ۲۸.۹ سال بود. میانگین نمره گرایش به فرزندآوری ۶.۹ ± ۴۶.۰۹ بود. بین گرایش به فرزندآوری و سلامت معنوی رابطه مثبت و معنی دار وجود داشت ($r=۰.۱۸, p=۰.۰۰۳$) اما بین گرایش به فرزندآوری و سواد سلامت ($r=۰.۰۴, p=۰.۰۵۷$) ارتباط آماری معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: برای افزایش گرایش به فرزندآوری زنان، باید از بعد ارتقای سلامت معنوی وارد شد و مداخلاتی در جهت ارتقای سلامت معنوی زنان طراحی نمود

کلمات کلیدی: فرزندآوری، سواد سلامت، سلامت معنوی، زنان

آرزو چاهی^۱، میترا مهدویان^{۲*}، سارینا کشوری^۳، رویا اسپونتن^۴، فاطمه پروین^۵، زهرا رحمانی چنار^۶

مقدمه: فرزندآوری یکی از مولفه‌های مهم جمعیتی است و از جمله موضوعاتی است که در حوزه مسائلی اجتماعی اهمیت زیاد دارد. ازدواج و تشکیل خانواده شروع باروری و منشأ تولد است و از دیدگاه جمعیت‌شناسی، باروری مهم‌ترین پدیده تعیین کننده نوسانات جمعیت (ساخت جنسی و سنی) شناخته شده و مطالعات مربوط به آن نسبت به سایر پدیده‌های جمعیتی از اهمیت بیشتری برخوردار است. از این رو سیاست‌های جمعیتی در اغلب کشورها عمدتاً حول محور کاهش یا افزایش باروری اعمال می‌شود.

در طول سه دهه گذشته، به ویژه دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵ باروری در ایران به گونه‌ای بی‌سابقه کاهش یافت و طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۲ به کشورهای دارای باروری در سطح یا زیر سطح جایگزینی پیوست. امروزه کاهش گرایش به فرزندآوری به فهرست مسائل جمعیتی و اجتماعی پیوسته است که باید مورد بررسی قرار گرفته و راه حلی برای آن پیدا شود؛ زیرا با عنایت به تغییرات گسترده جمعیتی در طی سه دهه گذشته و مسائل و چالش‌های جمعیتی ناشی از آن، کاهش سطح باروری تأثیر قاطعی بر میزان رشد، ترکیب و ساختار جمعیتی و تعدیل شتاب افزایش تعداد جمعیت خواهد داشت. در نتیجه توجه به این پدیده و پایش و تبیین آن بیش از پیش، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، علاوه بر این مسئله مهم تر، تربیت نسل سالم، خلاق و دارای نبوغ است که برای هر جامعه‌ای از اولویت بالایی برخوردار می‌باشد.

Stillbirth, prevalence and related factors: suggestions for intervention



Rajan Shireh^۱, Elham Alizadeh^۲, Fatemeh Ghiathund^۳, Zulikha Karam Elahi^{*۴}

۱. Faculty of Nursing and Midwifery, Continuing Education Center, Ilam University of Medical Sciences
۲. Clinical Research Development Unit, Ayatollah Taleghani Hospital, Ilam University of Medical Sciences
۳. Provincial Health Center, Ilam University of Medical Sciences
۴. Clinical Research Development Unit, ° Azar Hospital, Gorgan, University of Medical Sciences

Introduction: Stillbirth, with numerous and significant complications, imposes a heavy burden on families and communities. Stillbirth is an important indicator for evaluating the quality of care before, during and after delivery. This study aimed to investigate the rate of stillbirth and its related factors in Ilam province. **Material & methods:** In this cross-sectional study, all cases related to stillbirths in the entire province of Ilam were evaluated in the period of March ۲۰۱۸-February ۲۰۲۲. Sampling was done by census method and using a researcher-made questionnaire containing ۳۲ questions in the field of demographic, maternal, medical history and fetal factors. After completing the questionnaire; the data were analyzed by SPSS software and using descriptive statistics of frequency (percentage), mean and statistical tests of chi-score, Fisher's exact test and multiple linear logistic regressions. **Results:** Out of a total of ۲۹,۷۸۷ births, ۲۹,۵۷۵ live births and ۲۱۲ stillbirths were recorded. The prevalence of stillbirth in Ilam province was ۰,۷۱%. The results showed that stillbirth was significantly associated with factors such as parents' age, education, gestational age, and history of stillbirths, number and types of prenatal care, care providers, mother's blood group, underlying disease, medical disorders, amniotic fluid abnormalities, birth weight, fetal abnormalities and history of COVID-۱۹. **Conclusion:** Since the improvement of important health indicators leads to the improvement of the health of society; therefore, paying special attention to the very important group of pregnant mothers can help in achieving this goal. Providing the most accurate and better care before and during pregnancy according to the existing guidelines; It can help identify cases of stillbirth. It is suggested to establish health insurance for all covered mothers, communicate with mothers in hard-to-reach areas and identify mothers in need; necessary arrangements in existing guidelines to be included.

Keyword: Stillbirth, Care, Prevalence, pregnancy

نیره اعظم حاجی خانی گلچین^۱، گیتی ازگلی^۲

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان

۲. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

مقدمه: پدر شدن به عنوان یک مرحله انتقالی در زندگی مردان، فرآیندی استرس زا محسوب شده که ممکن است در حاملگی های پر خطر این استرس و نگرانی افزایش می یابد. شناسایی عوامل استرس زایی که پدران در حاملگی پرخطر تجربه می کنند، بسیار حیاتی میباشد.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی در مردانی بود که همسر آنها جهت بارداری پرخطر به بیمارستانها و مراکز بهداشتی-درمانی شهر گرگان مراجعه نمودند. تعداد ۳۷۰ پدر واجد شرایط به روش هدفمند و با نمونه گیری تصادفی طبقه ای خوشه ای وارد مطالعه شدند. شرط ورود به مطالعه شامل رضایت آگاهانه، فقدان سوء مصرف مواد و بیماری روانی شناخته شده در زمان حال و گذشته پدران بود. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها برای مقایسه هر کدام از آیتم های نگرانی از آزمون تی تک نمونه ای استفاده شد. جهت تعیین عوامل مرتبط رگرسیون تک متغیره و چند متغیره اجرا شد و سطح معنی داری متغیرهای مستقل از جمله فاکتورهای دموگرافیک، سلامت روان مادر و پدر، حمایت اجتماعی و نگرانی مادر با نگرانی پدران مورد آزمون قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس نتایج مطالعه حاضر میانگین نمره نگرانی پدران در تمامی حیطه ها بالاتر از متوسط می باشد. بیشترین نگرانی بر حسب میانگین نمره به ترتیب سلامت مادر (۲.۸)، بارداری زایمان (۲.۷)، سلامت نوزاد (۲.۶) و فردی خانوادگی (۲.۲) می باشد. در بررسی تک متغیره ارتباط معنی داری بین متغیرهای تحصیلات مادر ($p=0.05$)، شغل پدر ($p=0.10$)، تعداد فرزندان ($p=0.000$)، نگرانی مادر ($p=0.000$)، سلامت روان پدر ($p=0.000$) با نگرانی پدران وجود دارد. در بررسی چند متغیره بین متغیرهای تعداد فرزندان ($p=0.009$)، نگرانی مادر ($p=0.000$)، سلامت روان پدر ($p=0.000$) با نگرانی پدران ارتباط معنی داری دیده شد. ضرایب تاثیر بر نگرانی پدران به ترتیب نگرانی مادر با ضریب بتای (۰.۲۷۶)، سلامت روان پدران (۰.۲۰۶) و تعداد فرزند با ضریب بتای ۱۶۶ با نگرانی پدران ارتباط مثبت داشتند.

نتیجه گیری: عوامل خطر در این مطالعه می تواند به متخصصان مراقبت های بهداشتی و ماماها کمک کند تا بتوانند همسران زنان باردار در معرض خطر را مورد غربالگری نگرانی قرار دهند. همچنین طراحی برنامه های حمایتی و پیشگیرانه برای پدران منتظر ضروری است.

کلمات کلیدی: پدران منتظر - بارداری پرخطر - نگرانی - عوامل مرتبط

نیره اعظم حاجی خانی گلچین^۱، زینب حمزه گردشی^۲

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان

مقدمه: گذر به مرحله مادری یک تجربه پویا است. مراقبت و آموزش قبل از زایمان برای حمایت از زنان در دوران بارداری طراحی شده است، با این حال زنان باردار اغلب نیاز بیشتری به حمایت عاطفی و اجتماعی، فراتر از آمادگی برای تولد گزارش می دهند. گسترش مراقبتهای معمول دوران بارداری به مداخلت مبتنی بر هنر ممکن است به زنان فرصتی برای کشف جنبه های مهم انتقال به نقش مادری دهد .

روش کار: در این مطالعه مروری مقاله انگلیسی مرتبط از پایگاههای الکترونیکی PubMed، Google scholar، Art therapy، Pregnancy.Transition to motherhood، Experience، ScienceDirect، SID، Scopus، کلمات با Art-based interventions بدون محدودیت زمانی گردآوری شدند

یافته ها: در نهایت ۹ مقاله کیفی که مرتبط با هدف مطالعه بودند مورد بررسی قرار گرفت. ۳ مقاله مربوط به بارداری پرخطر و ۶ مقاله مربوط به بارداری کم خطر بود. تجربیات مادران از مداخلت مبتنی برهنر در بارداری شامل موارد زیرمی باشد: کاهش اضطراب و آرامش، ارتقاء استقلال، بیان بهتر احساسات، درگیر حواس پرتی مثبت شدن) فرار از مشکلات(، تقویت حس ارتباط و تحریک ارتباط کالمی، یادگیری بیشتر از دیگران، پذیرفتن شرایط سخت در بارداری، مدیریت استرس و ارتقاء مهارتهای مقابله ایی سالم در مادران باردار شده است .

نتیجه گیری: تجربیات مبتنی بر هنر به زنان فرصتی منحصر به فرد برای کشف ابعاد کامل انتقال به نقش مادری می دهد که می تواند به بهبود سلامت و رفاه آنان کمک کند. این یافتهها نشان میدهد که برنامههای مبتنی بر هنر ممکن است برای تکمیل مدلهای مراقبتهای دوران بارداری نیاز باشد.



The correlation between a healthy lifestyle among pregnant women and their compliance with educational guidelines in Iran's health system using best-evidence audit criteria

Farangis Habibi¹, Zohreh Shahhosseini², Shayesteh Jahanfar³, Afsaneh Fendereski⁴, Mohammad Ahmadi⁵, Zeinab Hamzehgardeshi⁶

1. Master's Student of Midwifery Counseling, Student Research Committee, Nasibeh School of Nursing and Midwifery, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
2. Professor, Sexual and Reproductive Health Research Center, Department of Reproductive Health and Midwifery, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
3. Associate Professor, Master's in Public Health (MPH) Program, Department of Public Health and Community Medicine, Tufts University School of Medicine, Massachusetts, United States
4. Assistant Professor, Department of Biostatistics, School of Health, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
5. Family Practitioner, Behshahr Healthcare Network, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran,

Abstract

Background and Aim: Considering pregnancy as a critical period, pregnant women are obligated to maintain a healthy lifestyle. With this perspective, the present study aimed to investigate the correlation between the healthy lifestyle of pregnant women and their compliance with educational guidelines in Iran's health system using best-evidence audit criteria.

Materials and Methods: Utilizing a descriptive-analytical study with a correlational design, this study was conducted on 136 pregnant women receiving services from Behshahr Healthcare Network centers, Behshahr, Mazandaran Province, Iran, in December 2022 and June 2023. The research tools included a sociodemographic-medical questionnaire, the Health-Promoting Lifestyle Profile-II (HPLP-II) by Walker et al. (1987), and the Best-Evidence Audit Criteria Checklist. Moreover, descriptive and inferential statistics were recruited to analyze the data. For this purpose, the data were imported into the IBM SPSS Statistics 24, and then frequency and percentage were applied for the qualitative variables and mean and standard deviation ($M \pm SD$), median, and interquartile range (IQR) were devoted to the quantitative ones. The Kolmogorov-Smirnov statistic was further operated to find the normality of the study variables, and the Mann-Whitney U test and Kruskal-Wallis test were exploited to compare health lifestyle dimensions concerning the independent variables. The relationship between the lifestyle dimensions and the independent variables was further explored via the generalized linear models (GLMs), and the results were presented through correlation coefficients and confidence intervals (CIs). Ultimately, 'Spearman's correlation coefficient assessed the correlation between the compliance criteria and the lifestyle dimensions.

Results: The lifestyle $M \pm SD$ values among the pregnant women were $2,09 \pm 0,32$, in which the maximum scores were for nutrition ($2,83 \pm 0,34$) and interpersonal relations/support ($2,83 \pm 0,47$), but the minimum ones were associated with physical activity/exercise ($2,06 \pm 0,47$) and stress management ($2,47 \pm 0,41$). The study results revealed that Criterion VII (viz., pregnant women are allowed to discuss and ask questions regarding the education or information they have received) with the $M \pm SD = 17,32 \pm 6,79$ took the highest scores, and

Criterion II (namely, pregnant women receive written information regarding healthy lifestyles) with the $M \pm SD = 0.17 \pm 0.31$ was ranked as the lowest. No compliance was reported in the first six criteria, but Criterion VII was so. The study results further demonstrated a positive significant relationship between all compliance criteria and lifestyle dimensions.

Conclusion: A significant relationship was established between the low levels of compliance criteria and the dimensions of a healthy lifestyle among pregnant women. To enhance compliance and ultimately promote healthy lifestyles in pregnant women, researchers, health system policymakers, and healthcare providers (HCPs) are encouraged to prioritize the implementation of evidence-based practices in educating about healthy lifestyles during pregnancy.

Keywords: Pregnant Women, Healthy Lifestyle, Audit Criteria, Best Evidence

۱. نویسنده مسوول، دکترای حقوق خصوصی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان - گروه حقوق
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری - ریاست کل دادگستری استان همدان
۳. دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، دکترای حقوق کیفری، عضو هیات علمی وابسته دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان - گروه حقوق - قاضی دادگستری

نظام کیفری ایران از سقط جنین هم مانند بسیاری از جرایم و موضوعات کیفری تعریف دقیقی بدست نداده است شاید جامع ترین تعریف حقوقی آن «... از بین بردن آگاهانه حیات جنین - خارج کردن عمدی از رحم به منظوری غیر از توالد یا درآوردن جنین مرده باشد...» مقررات مربوط به سقط جنین عمدی در موارد ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و ۴۸۷ الی ۴۹۳ آن قانون در بخش دیات و در مواد ۷۱۴ - ۷۱۵ - ۷۱۶ قانون تعزیرات ضمن مقررات قانون مربوط به جرایم و تخلفات ناشی از رانندگی آمده است. در این مبحث سعی شده است تا تاثیر افکار عمومی بر مسائلی که منحصر به دخالت صاحبان حرفه پزشکی در سقط جنین مربوط می شود مورد بحث قرار گیرد و از توضیح اینکه گاه مباحث رسانه ای شدن برخی جرایم از جمله سقط جنین و جرایم مرتبط با این موضوع سبب تشدید مجازات در این وادی می گردد عوام گرایی در فلمرو سیاست به معنای اهمیت دادن به مردم، اهداف، تمایلات و خواسته هایشان و تاثیر مستقیم آن بر وضع و اجرای برنامه ها (عموما شتابزده بدون مطالعه و ارزیابی کافی می باشد). در عوام گرایی کیفری اغلب از نتیجه بخشی یا کارایی سیاست گذاری صرف نظر می شود و این امر منجر به سخت گیری در رویارویی با پدیده مجرمانه می شود. به عبارتی در این وضعیت ضرورت انتقام و برخورد سنگین فضای اجتماعی را اشباع می کند و نظام عدالت کیفری را در مقام توجه به توده مردم و جبران نمودن دارد. رنج عمومی آنان و بزه دیدگان به واکنشی شدید و سریع بر می انگیزد که به عبارتی می توان شاهد شکل گیری عوام گرایی بزه دیده محور در سیاست کیفری گردید. سیاست کیفری عوم گرا در ارتباط با جرایم مرتبط با سقط جنین، با عنوان سیاستی برگرفته از درخواست ها، تمایلات و انتظارات عمومی به جای توجه به رسالت اصلی حقوق کیفری در مقابله با بزه کاری و ناهنجاری سقط آگاهانه جنین در جامعه به دنبال جلب رضایت و خشنودی مردم از نظام جزادهی کیفر و شیوه عملکرد زمامداران آن با وضع و اجرای برنامه ها و سیاست های مورد پسند مردم است. به عبارت دیگر سیاست کیفری عوام گرا در نیل به هدف و رسالت خود که جلب اعتماد و خشنودسازی عمومی است. اغلب غیر آگاهانه و در بعضی موارد هم آگاهانه مردم پسندی برنامه های کیفری بر کارآمدی، حرفه ای و کارایی آن رجحان می بخشد. به عبارت دیگر در این حالت سیاست گذاران عدالت کیفری با علم و اشراف بر خام و ناکارآمد بودن سیاست های خود بر اجرای چنین برنامه های مردم پسندی اصرار می ورزند. به عبارت دیگر اجرای سیاست گذاری کیفری در ابعاد مختلف تقنینی قضایی و اجرایی با متمایل نمودن برنامه های خود به سوی خواسته های عمومی در کوتاه مدت مشروعیت عمومی کسب می کنند اما استعمال این برنامه ها در درازمدت در جامعه با مشکل همراه خواهد بود چرا که سیاست های مبتنی بر عوام گرایی معضل بزه کاری را به صورت پایه ای ریشه ای و اساسی مرتفع نمی کند به عبارت دیگر نوعی تسکین سطحی و مقطعی بر بزه محسوب می شود. لذا پیشنهاد می شود که برنامه های تقنینی و اجرایی هدفمند و با کمترین تاثیر پذیری از عوام گرایی در عرصه جرم انگاری و اعمال مجازات سقط جنین صورت پذیرد تا کارآمدی و اثربخشی آن مضاعف گردد.

دکتر راضیه حسنخانی^۱، رویا حسنخانی^۲

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران، رایانامه

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

چکیده

نکاح یک عقد لازم است و بایستی شروط اساسی صحت عقود را دارا باشد لیکن آثار آن را قانون معین می‌نماید یکی از مسائل چالش برانگیز برای زوجین در زمان حاضر، که در بسیاری از مواقع منجر به بروز اختلافات عمیقی فی مابین آن‌ها می‌گردد، موضوع داشتن یا نداشتن فرزند می‌باشد. به طور طبیعی افراد بشری براساس میل ذاتی، تمایل به داشتن فرزند و حفظ و ابقای نسل خویش دارند، هر فردی از اندیشه ابتر بودن و مرگ تدریجی خاطرات باقی مانده از خود، هراسناک می‌باشد بنابراین با تشکیل خانواده، افراد سعی در تجدید نسل خویش و زنده ماندن نام و خاطرات خود از طریق فرزندان خویش می‌نمایند. انسان تمایل دارد امتداد حیات خویش را در ثمره جان خود یعنی فرزند مشاهده نماید. فرزند آئینه تمام نمای وحدت پدر و مادر است. خداوند در آیه ۱۱ سوره مبارکه شورا به این هدف اشاره نموده‌اند. از جمله این شروط که ممکن است در عرصه زندگی خانوادگی مورد بحث قرار گیرد، شرط منع فرزندآوری است که در فقه نیز به عنوان شرط عزل یا عدم استیلا مطرح می‌گردد. بر اساس این که فرزندآوری و به طور کلی نزدیکی را جزء مقتضای ذات عقد نکاح به حساب آوریم یا خیر، نظریات مختلفی در مورد صحت یا عدم صحت این شرط بیان شده است. شرط منع فرزندآوری معمولاً به صورت شرط فعل منفی مادی است که ضمانت اجرای آن به مانند شروطی از این دست میتواند اجبار به انجام تعهد، پرداخت خسارت، ایجاد حق فسخ و یا ایجاد حق طلاق یا هر ضمانت اجرای مورد توافق دیگری باشد. از سوی دیگر اگر شرط مذکور نقض گردد در حقوق و تعهدات زوجین تغییراتی ایجاد می‌شود یا از باب جبران خسارت میتواند تاثیرگذار باشد؛ در مجموع، فرزندآوری مقتضای ذات عقد نکاح نیست ولی مقتضای اطلاق آن هست از این رو در صورت عدم وجود هرگونه شرطی در نکاح، زوجین در قبال یکدیگر تعهد به فرزندآوری دارند.

کلید واژگان: فرزند، فرزندآوری، شرط فعل، عقد نکاح

بارداری نوجوانان: یک چالش یا فرصتی برای سیاست

جمعیتی؟

بی بی لیلا حسینی^۱، عباس عبادی^۲، علی مشهدی^۳، راحله بابازاده^{۴*}

۱. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. استاد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران
۳. استاد روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۴. استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: بارداری نوجوانان، یک مسئله اصلی سلامت در قرن ۲۱ محسوب می‌شود. شیوع بارداری دختران نوجوان ۱۹-۱۵ ساله، حدود ۲۱ میلیون در سال و شمار تولدها برای دختران کمتر از ۱۵ سال، حداقل ۷۷۷ هزار مورد در مناطق در حال توسعه می‌باشد. هدف این مطالعه حاضر، پرداختن به مسئله بارداری نوجوانان بعنوان یک چالش یا فرصت برای افزایش جمعیت می‌باشد.

روش جستجو: در این مطالعه مروری، انواع مطالعات از طریق جستجوی منابع اطلاعاتی Google Scholar و Pubmed, Scopus, ISI با کلیدواژه‌های Papulation, Childbirth, Pregnancy, adolescent و معادل فارسی آنها بدون در نظر گرفتن محدودیت زمانی تا اکتبر ۲۰۲۳ بازیابی گردید.

نتایج: در بین ۴۰۰ مقاله مورد جستجو، ۱۵ مقاله کامل بازیابی شدند. نرخ باروری نوجوانان در ایران ۴۰/۸ می‌باشد. بارداری نوجوان دارای آثار اقتصادی و اجتماعی قابل توجه برای نوجوان، فرزندان، والدین و جامعه می‌باشد. علاوه بر خطرات مامایی و پری‌ناتال، بارداری نوجوانان با مشکلات تحصیلی، والدینی و سلامت روانی آنها مرتبط است. دوره انتقال دوگانه نوجوان، بارداری و نیز نوجوانی، می‌تواند سطح استرس و آسیب پذیری جسمی و روانشناختی فرد را افزایش دهد. این حقیقت که نوجوانان به تکامل فیزیکی، هیجانی، شناختی و اجتماعی کافی نرسیده‌اند، موجب می‌شود تا بارداری و زایمان، موضوع با حساسیت و اهمیت بیشتری در این گروه سنی تلقی شود. از جمله چالش‌های مطرح در این گروه، ترس از زایمان است که می‌تواند موجب ایجاد پیامدهای نامطلوبی در سلامت جسمی، روانی و عاطفی زنان، ارتباط مادر با نوزاد، شریک جنسی و خانواده گردد. از دیگر پیامدهای ترس از زایمان، افزایش درخواست برای سزارین و نیز تاثیر بر تصمیم‌گیری والدین در محدود کردن فرزندآوری و داشتن تنها یک فرزند می‌باشد، که تهدیدی برای فرزندآوری محسوب می‌شود. لیکن از طریق شناسایی به هنگام و حمایت مادران نوجوان دچار مشکلات پری‌ناتال از جمله ترس از زایمان می‌توان این چالش را به یک فرصت تبدیل نمود.

بحث: علیرغم اینکه بنظر می‌رسد افزایش بارداری نوجوانان موجب افزایش جمعیت می‌گردد، لیکن به دلایلی همچون ترس از زایمان می‌تواند اثر معکوسی بر نرخ باروری آینده کشور داشته باشد. لذا با شناسایی به هنگام و اداره افراد در معرض توسط ارائه دهندگان خدمات سلامتی می‌توان در جهت پایداری جمعیت گام برداشت.

واژه های کلیدی: نوجوان، بارداری، زایمان، سیاست جمعیتی

بررسی وضعیت اجرای مواد قانونی

۲۲، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱ جوانی جمعیت در

دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

زهرا حسینی خوبوشان^۱، محمد رضا اکبری^۱، مریم بنی هاشم^۱، ندا شریف^۱، محدثه معصومی^۱، عادلہ باغبانی^۱

^۱ . دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد

مقدمه: با توجه به ماده یک قانون جوانی جمعیت که احکام مقرر در این قانون لازم الاجرا می باشد و همچنین تبصره ماده ۷۳ که کلیه دستگاههای اجرایی کشوری مکلف به لازم الاجرا نمودن این مواد قانونی هستند و پیرو فرمایشات مکرر مقام معظم رهبری مد ظله العالی مبنی بر اهمیت برنامه های جوانی جمعیت، دانشگاه علوم پزشکی نیز مانند سایر دستگاهها از ابتدای اجرای مواد قانونی، تمام تلاش خود را جهت اجرایی نمودن مواد قانونی جوانی جمعیت بکار برده است؛ لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت اجرایی برخی از مواد قانونی در دانشگاه انجام گردیده است.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی - مقطعی در ۱۹ خانه بهداشت و ۱۵ پایگاه بهداشتی انجام گردید.

نحوه جمع آوری داده ها: استفاده از چک لیست استاندارد بوده و نحوه نمونه گیری در مرحله اول بصورت سهمیه ای در هر شهرستان و در مرحله دوم بصورت تصادفی ساده انجام گردید و تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار spss^{۱۶} انجام گردید.

یافته ها: نتایج این پژوهش نشان داد که عملکرد خانه های بهداشت و پایگاههای سلامت در زمینه اجرای مواد قانونی جوانی جمعیت ماده ۲۲ (۲۳٪)، ماده ۲۴ (۹۵٪)، ماده ۲۸ (۵۲٪)، ماده ۳۵ (۱۰۰٪)، ماده ۴۲ (۹۰٪)، ماده ۴۳ (۹۰٪)، ماده ۴۴ (۹۵٪)، ماده ۴۷ (۶۶٪)، ماده ۴۸ (۹۵٪)، ماده ۴۹ (۹۷٪)، ماده ۵۰ (۸۰٪) و ماده ۵۱ (۹۸٪) بوده است.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش لزوم توجه به اجرای دقیق ماده ۲۲ (فراهم نمودن فضای مناسب در مراکز جهت رفع نیاز های مادران باردار، نوزادان و کودکان) به شدت احساس می شود.

همچنین در مورد مواد ۲۸ و ۴۷ نیز باید اقدامات مداخله ای بیشتر انجام گردد تا ان شاء الله شاهد ارتقاء شاخص های جمعیتی در استانمان باشیم.

واژگان کلیدی: مواد قانونی - جوانی جمعیت - پایگاه بهداشتی - خانه بهداشت

بررسی میزان آگاهی پرسنل بهداشتی از مواد قانونی جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۲ در دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

زهرا حسینی خبوشان^۱، محمد رضا اکبری^۱، مریم بنی هاشم^۱، ندا شریف^۱، محدثه معصومی^۱، عادلہ باغبانی^۱

^۱ . دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد

مقدمه: وجود جمعیت جوان و آماده ی فعالیت اجتماعی در تمام جهان مورد مطالبه است. در ایران نیز پس از آنکه زنگ خطر کاهش جمعیت به صدا در آمد، توجه به این موضوع مورد اهمیت قرار گرفته و در این راستا، قانون جوانی جمعیت مورد تصویب قرار گرفت و در حال اجرا میباشد. لازمه دستیابی به اهداف مدنظر در این قانون، آگاهی جامعه از حقوق خودشان میباشد. لذا پرسنل بهداشتی بعنوان اولین سطح تماس با جامعه می توانند نقش موثری در اطلاع رسانی مواد قانونی داشته باشند که لازمه این کار، آگاهی خودشان از مواد قانونی جوانی جمعیت میباشد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان آگاهی پرسنل بهداشتی انجام گردیده است..

مواد و روشها: این مطالعه توصیفی-مقطعی بر روی ۵۰ نفر از پرسنل بهداشتی شامل ۳۴ نفر بهورز و مراقب سلامت، ۱۱ نفر ماما و ۵ پزشک انجام گردیده که معیار ورود به مطالعه داشتن حداقل ۶ ماه سابقه کار بوده است. نحوه جمع آوری داده ها با استفاده از چک لیست استاندارد بوده و نحوه نمونه گیری بصورت خوشه ای، ۱۰ خوشه از کل استان و در هر خوشه بصورت تصادفی ساده، ۵ نفر انتخاب گردیده است. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS ۱۶ انجام گردید .

یافته ها: نتایج این پژوهش نشان داد که میزان آگاهی بهورزان و مراقبین سلامت از مواد قانونی جوانی جمعیت ۷۰ درصد، ماما ۸۶ درصد و پزشکان ۵۰ درصد بوده است. و در مورد پزشکان کمترین مربوط به ماده ۵۶ (آگاهی از عواقب سقط جنین با ۵۵ درصد) و در رابطه با بهورزان و مراقبین کمترین مربوط به ماده ۵۳ (اصلاح روش های غربالگری) با ۶۲ درصد در مورد ماماها مربوط به ماده ۴۶ (پرداخت فوق العاده کمک به فرزندآوری با ۳۰ درصد) بوده است.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش لزوم توجه ویژه به آموزش مجدد پرسنل بخصوص پزشکان در بحث مواد قانونی جوانی جمعیت و تبیین اهمیت آن بخصوص با تاکید بر مواد ۵۳، ۵۵، ۵۶ احساس میشود تا انشالله با آگاهی کامل، مطالبه گری را در جامعه افزایش داده تا شاهد ارتقای شاخص های جوانی جمعیت باشیم.

واژگان کلیدی: آگاهی، مواد قانونی، جوانی جمعیت، پرسنل بهداشتی

مریم حسینی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

مقدمه: طرح جوانی جمعیت یکی از طرح‌هایی است که در سالهای اخیر در راستای افزایش باروری و تغییر ساختار سنی جمعیت در حال اجراء است. پایین آوردن میانگین سن ازدواج و کاهش فاصله ازدواج تا فرزندآوری در دستور کار این طرح است و یکی از گروه‌های هدف آن دانشجویان هستند که در این طرح مشوق‌هایی برای آنها در نظر گرفته شده است. سوالی که این پژوهش با هدف پاسخگویی بدان طراحی شده آن است که این سیاست‌ها و مشوق‌ها چه فرصت‌ها و تهدید‌هایی را پیش روی دختران و زنان دانشجو قرار میدهد.

روش: مطالعه حاضر با فلسفه تفسیری و رویکرد استقرایی و روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. داده‌ها براساس مصاحبه عمیق جمع‌آوری شده و مورد تحلیل قرار گرفتند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دختران دانشجوی متاهل دانشگاه بجنورد می‌باشد که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند تعدادی از آنها انتخاب شده و مبتنی بر پروتکل پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه پیدا کرد که مقولات به اشباع نظری رسید. در این زمان ۱۵ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند.

یافته‌ها: مقولات استخراج شده از مصاحبه‌ها تحت دو مقوله اصلی فرصت‌ها و تهدید‌ها دسته‌بندی و تحلیل شدند. زیر مقولاتی که تحت مقوله اصلی فرصت‌ها دسته‌بندی شدند شامل ۴ مقوله "موازی شدن مسیرهای تحصیلی-زناشویی"، "کاهش شکاف نسلی والدین/فرزندان"، "تقویت زنانگی هنجاری"، "کاهش نگرانی باروری/ ناباوری" است. همچنین زیر مقولاتی که تحت مقوله اصلی تهدید‌ها دسته‌بندی شدند شامل ۶ مقوله "کاهش سرمایه اجتماعی دانشگاهی"، "ظهور آموزش حداقلی"، "سریالی شدن سالهای تحصیل"، "فرزندآوری در شرایط عدم اطمینان"، "اضطراب مادری و فرزند پروری"، "افزایش تعارض و فشار نقش" می‌باشند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه هر طرح و سیاستی خواه ناخواه هم کارکردهای آشکار و هم کارکردهای پنهان و ضمنی دارد ضروریست تا سیاستگذاران بیشترین تلاش را جهت کاهش کارکردهای پنهان منفی (تهدیدها) در طرح مورد نظر به عمل آورند تا در آینده به آسیب‌های اجتماعی دیگری منجر نشود.

کلمات کلیدی: باروری، دانشجویان، سیاست‌های جمعیتی

تعیین عوامل تاثیرگذار بر الگوی باروری خانواده های بدون

فرزند و تک فرزند شهرستان جاجرم در سال ۱۴۰۱

مریم سادات حسینی*^۱، فاطمه غریب^۲، فاطمه عبدلی^۳

۲. کارشناس ارشد مشاوره در مامای، گروه سلامت جمعیت، خانواده و جمعیت مدارس مرکز بهداشت شهرستان جاجرم، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی خراسان شمالی
۳. کارشناس مامای، گروه سلامت جمعیت، خانواده و جمعیت مدارس مرکز بهداشت شهرستان جاجرم، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی خراسان شمالی
۴. دانشجوی ارشد ارتقاء سلامت و آموزش بهداشت، گروه سلامت جمعیت، خانواده و جمعیت مدارس مرکز بهداشت شهرستان جاجرم، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی خراسان شمالی

چکیده پژوهش

مقدمه: فرزندآوری پدیده مهمی در حرکات جمعیتی و محور توسعه پایدار برای کشورهای است که سطح جانشینی پایینی دارند لذا با توجه به اهمیت اجرای سیاست های جوانی جمعیت در ایران، این مطالعه با هدف تعیین عوامل تاثیرگذار بر الگوی باروری خانواده های بدون فرزند و تک فرزند شهرستان جاجرم در سال ۱۴۰۱ انجام شد.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه ی توصیفی بود که در مجموع تعداد ۲۰۰ زن همسر دار بدون فرزند که حداقل ۶ ماه از ازدواج آنها گذشته بود و زنان تک فرزند که سن فرزندشان حداقل ۲۴ ماه بود، دارای پرونده ی بهداشتی الکترونیک و مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت (شهری و روستایی) در سطح شهرستان جاجرم، با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و در مطالعه شرکت کردند. جهت جمع آوری داده ها از پرسش نامه های دموگرافیک و پرسشنامه ی استاندارد "عوامل تاثیر گذار بر باروری" استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته ها: طبق یافته ها در این مطالعه، میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان $28/26 \pm 5/57$ گزارش شد. نتایج مطالعه نشان داد که بیشترین درصد افراد (۶۷ درصد) مخالفت همسر با فرزندآوری و کمترین درصد افراد (۵ درصد) تداخل فرزندآوری با تحصیل همسر را به عنوان دلیل عدم باروری عنوان کردند. در کل میانگین نمره نگرش ها نسبت به فرزندآوری $4/08 \pm 29/21$ از ۴۲ (نمره کل) بود. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین نگرش افراد نسبت به فرزندآوری با سن ازدواج و مدت زمان زندگی مشترک ارتباط مثبت و معنی داری وجود داشت ($P \leq 0/05$) و با افزایش سن ازدواج و مدت زمان زندگی مشترک، نگرش افراد نسبت به فرزندآوری افزایش یافت. و بین نگرش افراد نسبت به فرزندآوری با سن افراد ارتباط معنی دار و معکوس وجود داشت ($P \leq 0/05$) و با افزایش سن افراد، نگرش آنها نسبت به فرزندآوری کاهش یافت. همچنین نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد بین نگرش افراد نسبت به فرزندآوری و تحصیلات آنها ارتباط معنی دار و معکوس وجود داشت ($P \leq 0/05$) و با افزایش سطح تحصیلات افراد، نگرش آنها نسبت به فرزندآوری کاهش یافت. داد بین نگرش افراد نسبت به فرزندآوری و وضعیت اقتصادی افراد، ارتباط مثبت و معنی داری مشاهده شد ($P \leq 0/05$) و با افزایش سطح درآمد و وضعیت اقتصادی، نگرش افراد نسبت به فرزندآوری افزایش یافت.

نتیجه گیری: یافته های حاصل از این مطالعه میتواند تصویر روشنی از عوامل تاثیرگذار بر الگوی باروری خانواده های تک فرزند و بدون فرزند شهرستان جاجرم ارائه دهد و به عنوان گامی موثر برای برنامه ریزی و انجام مداخلات موثر در راستای رفع چالش های فرزندآوری و در نهایت ارتقاء نرخ باروری به سطح بالاتر از حد جایگزینی (۱/۲) مد نظر مسئولان ذیربط قرار گیرد.

واژه های کلیدی: فرزندآوری، جمعیت، الگوی باروری

نازنین حصاری*^۱، مهسا رستگار^۲، دکتر فاریا جعفرزاده^۳، احسان شهنازی^۴، اکرم مصطفوی^۵، مریم یزدانی^۶

۱. کارشناس ارشد مامایی، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. کارشناس ارشد مامایی، بیمارستان امام خمینی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، شیروان، ایران
۳. متخصص داخلی، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۴. کارشناس پرستاری، بیمارستان امام علی (ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۵. کارشناس پرستاری، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۶. کارشناس پرستاری، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: سقط جنین موضوعی اجتماعی-پزشکی است که متأسفانه آمار آن در سال های اخیر افزایش یافته است. شیوع سقط جنین (عمدی و غیر عمدی) در سرتاسر جهان بین مناطق و زیر گروه های مختلف زنان متفاوت است. برآورد شده است در سراسر جهان هرساله حدود ۲۰ میلیون سقط ناایمن انجام می شود و ۸۰۰۰۰ زن در اثر عوارض ناشی از سقط ناایمن جان خود را از دست می دهند.

گزارش بیمار: مادر خانم ۳۰ ساله باردار دوقلو ۱۸ هفته، با درد شکم به زایشگاه مراجعه نمود پس از انجام معاینات لازم و اظهارات خود بیمار، کادر درمان متوجه استفاده چندین قرص میزوپروستول توسط خود بیمار جهت سقط عمدی شده و پس از مشاوره و صحبت از عوارض نامطلوب با مادر، ایشان مصرانه درخواست نجات جان نوزادان خود را داشت. بعد از مشورت با پزشک بیمار بستری شده و تحت مراقبت و هیدراسیون قرار گرفته و خوشبختانه به علت مراجعه زود هنگام و مداخله درمانی فوری بارداری حفظ شد و پیگیری های مداوم جهت ادامه بارداری موفق انجام شد.

نتیجه گیری: مشاوره های صحیح بارداری و آگاهی مادران در زمینه عوارض نامطلوب سقط های عمدی و درک مادران و احساس همدلی با آنان سبب افزایش فرزند آوری و افزایش زایمان ها و بارداری های موفق خواهد شد و میزان سقط های عمدی را در زنان باردار کاهش خواهد داد. البته حائز اهمیت است که استفاده از میزوپروستول یکی از عوامل خطر برای ایجاد ناهنجاری هایی همچون سندرم موبیوس، آنسفالوسل خلفی، و هیدروسل خواهد بود (۷/۹٪). و همچنین مصرف خودسرانه آن با عوارض مادری خطرناکی مانند خونریزی، پارگی رحم، و شوک همراه است.

واژه های کلیدی: سقط - بارداری - فرزندآوری



Prevention of Infertility among Adolescents and Young Women: A Comprehensive Review

Zainab Hamzeh Gardeshi¹, Leila Hamzeh Gardeshi^{2*}

Introduction: Infertility continues to be a significant concern that affects individuals and societies worldwide. Adolescents and young women are particularly vulnerable, highlighting the need for focused exploration of preventive strategies. This review aims to synthesize the existing knowledge on infertility prevention in this demographic, with an emphasis on the multifaceted approaches employed globally.

Methods: A comprehensive review of literature from diverse sources, including peer-reviewed journals, medical and health databases (pubmed, web of science, scopus, Cochrane), evidence based databases and relevant organizational reports, was conducted. Keywords such as 'adolescent fertility,' 'young women reproductive health,' and 'infertility prevention strategies' were used to identify relevant studies. The inclusion criteria encompassed research conducted between ۲۰۱۰ and ۲۰۲۳, ensuring the incorporation of recent developments.

Results: The review identifies several key factors contributing to infertility among adolescents and young women. Lifestyle choices, including diet and exercise, significantly influence reproductive health. Moreover, the impact of sexually transmitted infections (STIs) on fertility is delineated, emphasizing the importance of comprehensive sexual health education and STI prevention programs. The role of advanced medical interventions, such as fertility preservation techniques and assisted reproductive technologies, is discussed. Additionally, the review underscores the significance of culturally sensitive healthcare policies and accessible reproductive health services in preventing infertility in this demographic.

Conclusion: This review synthesizes diverse preventive strategies against infertility in adolescents and young women. Lifestyle modification, comprehensive sexual education, early detection and treatment of STIs, fertility preservation methods, and inclusive healthcare policies are paramount. Strengthening awareness campaigns, enhancing healthcare infrastructure, and promoting research on reproductive health in young populations are essential for effective prevention. By implementing these strategies, societies can empower adolescents and young women to make informed choices, ensuring their reproductive well-being and contributing to a healthier future population.

Keyword: Adolescent, young women, infertility prevention, lifestyle factors, sexually transmitted infections, fertility preservation, and reproductive health services

بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر آگاهی و نگرش و عملکرد زنان همسر دار ۱۵ تا ۴۹ ساله شهر کرد نسبت به سیاست های تشویقی فرزند آوری

صدیقه حیدری سورشجانی^۱، دکتر شهلا کاظمی پور^۲، دکتر علی ضامن صالحی^۳، دکتر پوران خلفیان^۴

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، فارسان
۲. دانشگاه علوم تحقیقات، تهران
۳. دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد
۴. دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد

چکیده:

فرزندآوری و بکارگیری قانون‌های جمعیتی مناسب از عوامل مهم در علم جمعیت می‌باشند و می‌توان آن را از جمله موضوعاتی دانست که در حوزه مسائل اقتصادی اهمیت بالایی دارد و برای کشورهایی که سطح جانشینی پایینی دارند عامل رشد و توسعه محسوب می‌گردد. بدین جهت، هدف اصلی تحقیق بررسی شرایط اقتصادی موثر بر آگاهی و نگرش و عملکرد زنان همسر دار ۱۵ تا ۴۹ ساله مراجعه کننده به مراکز خدمات جامعه سلامت شهرستان شهرکرد در سال ۱۴۰۱ نسبت به اجرایی سازی قانون حمایت از خانواده جوانی جمعیتی باشد.

روش پژوهش: بر اساس هدف تحقیق، پژوهش جاری از نوع کاربردی است. تحقیق جاری توصیفی- پیمایشی است. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل کلیه زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله همسر دار مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان شهرکرد در سال ۱۴۰۱ می‌باشد و روش نمونه گیری در این پژوهش از نوع تصادفی ساده است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است و برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار آماری اس پی اس اس و اسمارت پی ال اس استفاده شد. نتایج تحقیق حاکی از این است که عوامل متفاوتی از جمله شرایط اقتصادی و اجتماعی خانواده بر آگاهی و نگرش و عملکرد زنان همسر دار نسبت به سیاست های تشویقی فرزند آوری تاثیر دارد.

تاثیر دارند.

واژگان کلیدی: شرایط اقتصادی، آگاهی، نگرش، عملکرد، سیاست های تشویقی فرزند آوری

مریم حیدری

• کارشناس ارشد مامایی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، مجتمع آموزشی، پزشکی و درمانی امام علی (ع)، البرز، ایران

مقدمه: امروزه موضوع جمعیت، کانون توجه و تحول اکثر مطالعات اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته و شناخت عوامل مرتبط با آن از اهمیت ویژه ای، در بررسی توسعه هر کشور، برخوردار است. همزمان با افزایش سطح تحصیلات در جامعه، تغییر در ساختار خانواده ها، شهرنشینی و مشارکت زنان در اجتماع و بازار کار، تمایل به فرزندآوری، به تدریج در بین زنان کاهش یافته است. بدون شک برای از بین بردن عوامل بازدارنده فرزندآوری در ابتدا باید به نقش دولت و سیاست های دولتمردان پرداخت که از مولفه های بسیار پررنگ در موضوع جمعیت است.

روش کار: در این مطالعه مروری سیستماتیک جهت یافتن مقالات مرتبط بانک های اطلاعاتی معتبر علمی نظیر PubMed, SID, Web of Science, Magiran, Google Scholar و با استفاده از کلمات کلیدی مرتبط جستجو انجام شد.

یافته ها: اکثر مطالعات انجام شده نشان می دهند از عوامل موثر در فرزندآوری که توسط دولت می تواند تسهیل یابد، مهم ترین آنها به شرح ذیل است. کاهش مشکلات اقتصادی و معیشتی خانواده ها، پایین آوردن هزینه های درمان ناباروری، کاهش سن ازدواج، خوشایند سازی زایمان برای زنان، تجهیز بیمارستان های دارای بلوک زایمان در جهت کاهش درد زایمان و عارضه های زایمان، برگزاری کلاس های آمادگی زایمان و تولد نوزاد برای مادر و پدر شدن، ایجاد مشاغل متناسب با دروس و رشته های دانشگاهی، ایجاد سبک زندگی درست و صحیح در خانواده ها و پررنگ کردن نقش دینداری در تحکیم خانواده ها، فراهم کردن شرایط مناسب پرورش فرزندان در کنار مشارکت مادر در کارهای اجتماعی می باشد. که در صورت عدم تحقق موارد گفته شده می توان انتظار داشت که با کاهش سرمایه انسانی و همچنین جمعیت مولد، جامعه با چالش های اجتماعی و اقتصادی ناشی از سالمندی مواجه گردد.

نتیجه گیری: به نظر می رسد با تحقیقات انجام شده یکی از مهمترین عوامل در ایجاد جمعیت پایدار در هر کشور، نقش پررنگ دولت است که می تواند با سیاست گذاری، قانون گذاری و مقررات گذاری بستر لازم برای توانمندسازی خانواده را فراهم کند و افزایش نیروی جوان و خلاق مسیر یک جامعه را به سمت پویایی و شکوفایی بیشتر تغییر دهد.

کلید واژه ها: فرزندآوری، عوامل بازدارنده، جمعیت پایدار

دکتر محمد تقی شاکری^۱، الهام ارغوانی^۲، دکتر طلعت خدیوزاده^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران، دانشکده پزشکی، استاد گروه پزشکی اجتماعی
۲. دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران، دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی
۳. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران، دانشکده پرستاری و مامایی، استادیار گروه بهداشت باروری

مقدمه: انسان فاعل و تصمیم گیرنده است. در پس هر عملی ارادی انگیزه دخیل است. باروری، عملی ارادی است پس انگیزه در آن دخالت مستقیم دارد. با توجه به فقدان اطلاعات در خصوص انگیزه و ترجیحات زوجین جوان در کشور، مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط انگیزه های باروری و ترجیحات باروری در زوجین در آستانه ازدواج انجام شد. زوج مراجعه کننده به مراکز بهداشت پیش از ازدواج در ۵۲۰۵۲ بر روی ۱۳۱۲

روش کار: این مطالعه مقطعی در سال شهر مشهد انجام شد. ابزار گردآوری داده ها در این مطالعه، پرسشنامه اطلاعات فردی، پرسشنامه ترجیحات باروری (بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری (۱۱۱۵) و پرسشنامه انگیزه های باروری میلر (۱۱۱۵ میلر) رگرسیون چند متغیره و ضریب همبستگی ، من ویتنی،) و آزمون های کولموگروف - اسمیرنوف ۵/۱۱ (نسخه SPSS معنیدار در نظر گرفته شد. ۲۵/۲ کمتر از p اسپیرمن انجام شد. میزان) و تعداد دلخواه فرزند $p=221/2$

یافته ها: انگیزه های مثبت باروری مانند دیدگاه سنتی با میل به فرزندآوری () همبستگی معکوس و معناداری $p=221/2$ (همبستگی مثبت و معنیدار و با زمان دلخواه فرزندآوری $p=221/2$) داشت. انگیزه های منفی باروری مثل ترس از والد شدن با میل به فرزندآوری، تعداد دلخواه فرزند و زمان دلخواه $p>221/2$) (فرزندآوری ارتباط معنیداری نداشت نتیجه گیری: بین انگیزه های مثبت باروری در زوجین با میل به فرزندآوری و تعداد ایده آل فرزند ارتباط مستقیمی وجود دارد. بر این اساس با برنامه ریزی جهت ایجاد و تقویت انگیزه های مثبت در سنین پایینتر و قبل از ازدواج ممکن است بتوان باروری را در جامعه به حد مطلوب رساند .

کلمات کلیدی: انگیزه های باروری، ترجیحات باروری، زوجین، مشاوره قبل از ازدواج

The relationship between the modes of first childbirth and women's fertility intentions in ۲۰۱۳ urban society of Mashhad



Talat Khadivzadeh

- Midwifery department, Nursing & Midwifery School, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Introduction: My previous qualitative research on fertility demonstrated a reduction in desired child number after caesarean delivery. Indeed, decision for having fewer children may be taken after or before making decision about the childbirth mode. Therefore, the aim of this study was to test the relationship between the mode of first childbirth and fertility intentions in women who live in urban society of Mashhad in ۲۰۱۳.

Methods: In this cross-sectional study ۷۰۰ healthy fertile women of ۱۵- ۴۹ years were recruited from a variety of settings including homes, workplaces, governmental and private clinics. All participants were Iranian and lived in urban districts of Mashhad. They filled five questionnaires including "Child Birth Attitude", "fertility intentions", "religious beliefs", "marital happiness" and "demographic characteristics". Data was analyzed using t-test, chi-square, Pearson correlation and multiple regression tests.

Results: Based on participants reports, before the first childbirth ۹۶% of them intended to have at least two children that were similar in women who experienced caesarean delivery or vaginal delivery at their first childbirth. Desire for second birth was not affected by the mode of the first delivery, but women who experienced cesarean section in their first childbirth were more likely to intend three or less children, both before ($p=.۰۳$) and after ($p=.۰۰۵$) the first childbirth. Fertility intentions were in relationship with religious beliefs ($p=.۰۱۵$) and marital happiness ($p=.۰۲$). Multiple regression demonstrated the significant relationship between the mode of the first childbirth and fertility intentions ($p=.۰۰۵$) after adjusting for religious beliefs and marital happiness.

Conclusions: Cesarean delivery in first childbirth is a significant predisposing factor for lower fertility. It may be had an important role in recent fertility reduction in Iran. Women who experienced CD are less likely to intend the more than three children than those who deliver vaginally.

Keywords: caesarean, first childbirth, childbearing intentions and fertility plan

امین خراسانیان*^۱، ندا خانى^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد

زمینه و هدف: افسردگی و شرایط نامطلوب روحی در زنان تمایل به فرزندآوری را تحت تاثیر قرار می دهد و مطالعات کمی این موضوع را مورد بحث قرار داده اند. هدف ما یافتن عوامل مختلف در ایجاد افسردگی و شرایط بد روحی در زنان و نشان دادن نیاز آنان به مشاوره و روانشناسی برای بهبود شرایط روانی آنان و افزایش میل به فرزندآوری و چند فرزندى است.

روش ها: در پایگاه های داده pubmed , web of science در شهریور ماه سال ۱۴۰۲ و با فیلتر زمانی از سال ۲۰۱۸ جستجو کردیم . عبارات جستجو شامل افسردگی مادران ، چند فرزندى ، تاخیر در فرزندآوری ، تصمیم بارداری ، شرایط روانپزشکی مادران با استفاده از mesh انتخاب شد و با ترکیبات مختلف کلمات انجام شد

نتیجه گیری: در این مطالعه با شناسایی عوامل ایجاد کننده ی شرایط روان شناسی در زنان توصیه می کنیم زنان با گرفتن جلسات تریپی و مشاوره روان درمانی ، توانایی های خود را در زمینه های تصمیم به فرزندآوری و چند فرزندى و مدیریت بهتر کانون خانواده و فرزند پروری افزایش دهند

کلمات کلیدی: افسردگی مادران ، چند فرزندى ، تاخیر در فرزندآوری ، تصمیم بارداری ، شرایط روانپزشکی مادران.

مهسا خوشنام راد^۱، سولماز حیدری فرد^۲، فاطمه واثق^۳

۱. دکترای بهداشت باروری، عضو گروه مامایی دانشگاه علوم پزشکی البرز
۲. دکترای بهداشت باروری، دانشگاه علوم پزشکی قزوین
۳. دکترای بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی علوم پزشکی تهران

مقدمه: در حالی که بارداری و زایمان یک فرآیند طبیعی است، در کشور ایران آمار بالایی از مداخلات غیر ضروری در روند زایمان دیده می‌شود. افزایش مداخلات غیر ضروری و سزارین بدون اندیکاسیون، نه تنها مرگ و میر و بیماری‌زایی را کاهش معناداری نداده است، بلکه باعث افزایش هزینه و ایجاد خطر برای سلامت مادران و نوزادان شده است. یکی از گام‌هایی که در سراسر دنیا برای خوشایندسازی زایمان طبیعی مورد توجه قرار دارد، فعالیت مراکز تولد ماما محور است. متأسفانه در کشور ما چنین مراکزی وجود ندارد. در این مطالعه موانع تأسیس مرکز تولد در ایران و راهکارهای پیشنهادی آن بررسی شد

یافته‌ها: نتایج مطالعه در سه طبقه و هشت زیرطبقه ۱- امکان‌پذیری (پتانسیل‌ها- هزینه اثربخشی) ۲- دشواری‌ها (ارائه‌دهنده خدمت- گیرنده خدمت) و ۳- زیرساخت‌های ضروری (سیاست‌گذاری- هماهنگی) طبقه جمع‌آوری و طبقه بندی شد.

مواد و روش‌ها: مطالعه به روش کیفی و در استان تهران با کد ۹۸-۳-۱۰۰-۴۲۸۹۰ مصوب و انجام شد. شرکت‌کننده‌ها ۱۵ نفر از مدیران و ارائه‌دهندگان خدمت و صاحب نظر در حوزه سلامت زنان و زایمان بودند که مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه‌ها در محلی، آرام انجام شد و به طور متوسط ۴۵ دقیقه به طول انجامید. اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها به صورت متنی درآمد و با رویکرد تحلیل محتوا و استفاده از روش گرانهایم و لاندمن مورد تجربه و تحلیل قرار گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری: نقطه قوت این مطالعه آگاهی نسبتاً خوب از منافع مرکز تولد در میان تعدادی از سیاست‌گذاران بود. با توجه به اینکه این مراکز می‌توانند هزینه اثر بخش باشند و ظرفیت وجود آن در کشور وجود دارد، قویا بر نیاز به برطرف کردن موانع تأکید شد. تقویت زیرساخت‌های شهری، تقویت روحیه همکاری تیمی، پذیرفتن فواید زایمان طبیعی، تقویت خودباوری زن ایرانی و تلاش برای کاهش تعارض منافع در ارائه‌دهندگان خدمت حوزه زنان و زایمان از مهم‌ترین اقدامات پیش رو در این حوزه است.

کلمات کلیدی: مرکز تولد، تأسیس، خوشایندسازی زایمان، موانع و راهکارها، زایمان طبیعی



Treadmill Exercise During Pregnancy Reduces Inflammatory Factors in the Cerebral Cortex and Hippocampus of Obese Pregnant rats

Samira Khayat¹, Hamed Fanaei¹

¹. Pregnancy Health Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

Introduction: Exercise during pregnancy has been shown to have beneficial effects on maternal health and offspring outcomes. This study aimed to investigate the impact of treadmill exercise during pregnancy on the concentration of inflammatory factors in the cerebral cortex and hippocampus of obese pregnant rat.

Method of Evaluation: In the present study, normal and obese pregnant Wistar rats were used in two group. First animals were trained to move on a four-line animal treadmill. Pregnant rats ran for 10 – 10 min at 0 – 5 m/min without a slope. The treadmill training occurred at 15 m/min for 30 min on the slope of zero. After one week, the animals ran at 15 m/min for 40 min on the slope of 0 °. In the next week, they were set at a speed of 15 m/ min for 40 min on the slope of 10 °. One group underwent treadmill exercise during pregnancy. After delivery brain tissue was taken from the skull to measure C-reactive protein (CRP) and *Interleukin 6* (IL-6) in cerebral cortex and hippocampus tissues.

Results: The results revealed that treadmill exercise during pregnancy in obese rats led to a significant decrease in the concentration of inflammatory factors in the cerebral cortex and hippocampus. Interleukin-6 (IL-6) ($P < 0,00$) and C-reactive protein (CRP) ($P < 0,00$) concentrations were reduced in cerebral cortex and hippocampus tissues as compared to the sedentary obese group.

Conclusion: The reduction in IL-6 and CRP levels in the cerebral cortex and hippocampus may be attributed to exercise-induced changes in neuroinflammation and neuroprotective mechanisms. Understanding the impact of exercise during pregnancy on inflammation in the brain is important for elucidating the potential mechanisms underlying the observed effects. These findings highlight the potential therapeutic value of exercise interventions in mitigating neuroinflammation and promoting brain health during pregnancy in obese individuals.

Keywords: exercise during pregnancy, treadmill exercise, inflammation, interleukin-6, C-reactive protein, cerebral cortex, hippocampus, obese rat.

Explaining factors affecting exercise in suburban women of reproductive age: A qualitative study in southeast Iran



Samira Khayat

- Pregnancy Health Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

Introduction: People's exercise behavior depends on several factors. Individual and social factors of suburban residents can affect their exercise activities. Factors affecting the exercise activity of suburban people in Iran have not been studied yet. The purpose of this study was to explain these factors in suburban women of southeastern Iran from the perspective of suburban women and health care providers.

Method of Evaluation: This research was a qualitative study of conventional content analysis that was conducted in suburban women of reproductive age in Zahedan city. Purposeful sampling was performed and 60 people participated in it. To collect data, semi-structured individual interviews were used and the results were analyzed by qualitative analysis method by MAXQDA software version 10.

Results: The factors affecting exercise were placed in 22 sub categories, 13 categories and 4 themes. Themes include: 1- "*individual facilitators*", with 3 categories: "psychological-behavioral factors", "knowledge, experience and employment" and "pregnancy and childbirth" 2- "*interpersonal and structural facilitators*" with 3 categories: "Supportive and informed family", "social support" and "personal and public environment", 3- "*interpersonal and interpersonal barriers*" with 3 categories: "Psychological-behavioral factors, knowledge and skills", "poor health status, pregnancy and childbirth, addiction" and "family problems and 4- "*structural barriers*" with 4 categories: "Inappropriate economic and occupational conditions", "unfavorable physical and social environment", "cultural barriers" and "ethnic".

Conclusion: Exercise as one of the most important aspects of women's lifestyle and healthy fertility needs special attention. The factors influencing the sport of suburban women were extensive. All the mentioned factors can influence women's behavior together in a complex and intertwined system. Social cultural factors were among the most important challenges faced by suburban women and as long as these obstacles are not removed, women will not participate in exercise promotion programs. Also; ethnicity should be seen in interventions.

Keywords: Exercise, lifestyle, Suburban population, women of reproductive age

محبوبه دارایی^۱، هاجر ادیب راد^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بابل.
۲. مرکز تحقیقات بهداشت باروری و ناباروری، پژوهشکده سلامت، گروه مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بابل. نویسنده مسئول

سابقه و هدف: سلامت باروری یکی از ضرورت‌ها و پیش‌نیازهای رسیدن به توسعه پایدار در جوامع کنونی است و تنها محدود به سنین باروری نمی‌باشد، بلکه سراسر زندگی از تولد تا مرگ را در بر می‌گیرد. هدف این مطالعه، راهکارهای ارتقاء سلامت باروری می‌باشد.

مواد و روشها: اطلاعات لازم برای این بررسی با جستجوی مقالات متعدد در سایتهای مختلف اینترنت (از سالهای ۲۰۲۲-۲۰۱۰) و نیز با مطالعه کتب متعدد جمع‌آوری و مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: هر زن به طور متوسط ۳۵ سال از دوران حیات خود را در محدوده باروری سپری می‌کند. در همین دوران، بارداری، شیردهی و مراقبت از کودکان را به عهده دارد. زنان در سنین باروری ممکن است با مشکلات جسمی و روانی و همچنین خشونت جنسیتی روبرو شوند، که می‌تواند سلامت زنان را به مخاطره بیاندازد. نوجوانانی که فعالیت‌های جنسی را در سنین پایین‌تر آغاز می‌کنند در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به بیماری‌های مقاربتی قرار دارند. خطرات سلامت جنسی و باروری می‌تواند شامل اعمال جنسی ناایمن، ازدواج زیر سن قانونی، بارداری برنامه‌ریزی نشده، بچه دار شدن زودهنگام، خشونت مبتنی بر جنسیت، عفونت‌های مقاربتی، عوارض زایمان و مرگ باشد. بنابراین، ابداع الگوهای تربیتی بر اساس فرهنگ اسلامی - ایرانی برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی یک ضرورت به نظر می‌رسد. تشویق والدین به مشارکت و کنترل رفتار سلامت باروری نوجوانان بر اساس زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مهم است. برنامه‌های سلامت باروری تحت تاثیر نگرش و مشارکت مردان در ارتقای سلامت جنسی و باروری زنان می‌باشد. مهمترین مانع مشارکت مردان در سلامت جنسی و باروری زنان، عدم یا کاهش آگاهی آنها می‌باشد. برای تامین، حفظ و ارتقای سلامت، باید به افزایش آگاهی، مسؤولیت پذیری و مشارکت فعالانه فرد، خانواده و جامعه توجه نمود.

نتیجه گیری: افزایش میانگین فاصله تولد اولین فرزند و ازدواج، افزایش فاصله بین فرزندان و همچنین افزایش میانگین سن ازدواج، باعث مخاطراتی برای سلامت جسمی و روانی مادر و کودک و خانواده می‌شود. که در این راستا باید آموزش و مشاوره لازم صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: راهکار، ارتقاء، سلامت باروری

زهرا مؤیدی^۱، سمیه درخشانی^۲

۱. کارشناس مسئول اداره مامایی معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
 ۲. کارشناس مامایی معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: نرخ جهانی سزارین در حال افزایش است. افزایش غیرقابل توجیه سزارین که منجر به تحمیل بار مالی بر سیستم سلامت کشورهای مختلف می شود و سهم بهداشت، درمان از سرانه تولید ملی افزایش خواهد داشت. حال آنکه راهنمای طبقه بندی رابسون، ابزاری علمی جهت ارزیابی و مقایسه میزان سزارین در بیمارستانها به روشی استاندارد، قابل اعتماد، سازگار و عمل گرا ارائه می دهد. لذا با توجه به اهمیت موضوع، بررسی علت سزارین بر اساس طبقه بندی رابسون، ممکن است در کاهش میزان سزارین و ارائه راهکارهای موثر، کمک کننده باشد، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت سزارین بر اساس طبقه بندی رابسون در بیمارستان بنت الهدی بجنورد انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی است. روش نمونه گیری در دسترس بود. اطلاعات با استفاده از فرم مشخصات فردی و پارامترهای مامایی و چک لیست طبقه بندی رابسون (۱: زنان نولی پار، با حاملگی تک قلو، پرزانتاسیون سفالیک، بارداری ۳۷ هفته یا بیشتر و شروع خودبخودی زایمان، ۲: زنان نولی پار، با حاملگی تک قلو، پرزانتاسیون سفالیک، بارداری ۳۷ هفته یا بیشتر، با القای زایمان یا انجام سزارین قبل از شروع لیبر، ۳: زنان مولتی پار، بدون سابقه اسکار رحمی، حاملگی تک قلو، پرزانتاسیون سفالیک، بارداری ۳۷ هفته یا بیشتر، با شروع خودبخودی زایمان، ۴: زنان مولتی پار، بدون سابقه اسکار رحمی، حاملگی تک قلو، پرزانتاسیون سفالیک، بارداری ۳۷ هفته یا بیشتر، القای زایمان یا انجام سزارین قبل از آغاز لیبر، ۵: کلیه زنان مولتی پار با حداقل یک بار اسکار رحمی، حاملگی تک قلو، پرزانتاسیون سفالیک و بارداری ۳۷ هفته و بیشتر، ۶: کلیه زنان نولی پار، با حاملگی تک قلو و پرزانتاسیون بریچ، ۷: کلیه زنان مولتی پار، با حاملگی تک قلو و پرزانتاسیون بریچ، با یا بدون اسکار رحمی قبلی، ۸: کلیه زنان با حاملگی چندقلو، با یا بدون اسکار رحمی قبلی، ۹: کلیه زنان با حاملگی تک قلو، با نمای عرضی یا مایل، با یا بدون اسکار رحمی قبلی، ۱۰: کلیه زنان با حاملگی تک قلو، پرزانتاسیون سفالیک و سن بارداری کمتر از ۳۷ هفته، با یا بدون اسکار رحمی قبلی) از پرونده‌های سزارین‌های انجام شده در بازه زمانی شش ماه دوم ۱۳۹۹، جمع آوری شد. در روند استخراج داده ها یک نفر متخصص نوزادان و یک نفر متخصص زنان حضور داشت تا اطلاعات کامل و جامع از پرونده ها استخراج گردد، سپس اطلاعات مستخرج شده وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ شد.

یافته ها: میانگین سن حاملگی ۳۸/۵ (۲/۲ ±) هفته و ۲۵/۴۸ درصد از زنان حداقل یک عامل خطر داشتند. اکثریت زنان مورد مطالعه (N: ۲۲۹)، ۷۴ (۳۹٪) کم سواد، بودند. حدود ۷/۲۲ درصد از زنان مورد مطالعه در کلاس های آمادگی برای زایمان، شرکت داشتند. از ۱۸۲۱ زن باردار، ۲۹/۶۶ درصد به روش سزارین و ۷۰/۳۴ درصد به روش طبیعی ختم بارداری داشته اند. اندیکاسیون های سزارین شامل سزارین قبلی و با اسکار رحمی در ۴۸/۲۹ درصد، زجر جنینی در ۱۷/۶۶ درصد، لیبر غیرطبیعی (دیستوشی) ۱۲/۹۷ درصد، پرزانتاسیون غیرطبیعی ۱۰/۹۹ درصد، سایر علل تعریف نشده ۴/۵ درصد، مشکلات جفت و بندناف ۲/۸۸ درصد، چندقلویی ۱/۸ درصد، به درخواست مادر ۰/۹ درصد بود. درصد سزارین بر اساس طبقه بندی رابسون (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰) به ترتیب ۳۹/۱۴، ۴۵/۷۳، ۵/۵۲، ۱۱/۳۰، ۹۵/۹۱، ۸۸/۱۶، ۹۲/۷۸، ۸۹/۲۳، ۱۰۰، ۴۸/۱۸ درصد بود.

نتیجه گیری: اکثریت سزارین ها، بر اساس طبقه بندی رابسون در گروه پنج و یک و ده بود. با توجه به اینکه بیمارستان بنت الهدی شهر بجنورد تنها مرکز سطح سه پره ناتال در سطح استان است، ارجاع موارد سزارین های مادران نیازمند توجه ویژه علت افزایش در صد سزارین در گروه یک و ده می باشد. لذا، باید سیاست گذاری و برنامه ریز سیستم های سلامت را به سمت استراتژی های کاهش سزارین سوق داد.

کلمات کلیدی: رابسون، سزارین، زایمان

A comparative study between Iran Midwifery curriculum and Obstetrics and Gynecology residency training program and Selected Countries



Sarah Dashti^۱, Nahid Khodakarami^۲, Zahra Fashal^۳, Maryam Akef^۴, Fatemeh Rezaei^۵, Farzaneh Gholbani^۶

- ۱. Mashhad Faculty of Medical Sciences, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
- ۲. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
- ۳. Mashhad Faculty of Medical Sciences, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
- ۴. Mashhad Faculty of Medical Sciences, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
- ۵. Ministry of Health and Medical Education, Tehran, Iran

Abstract

Background: Universities are essential educational institutions that have three main goals, including education, research, and providing health services.

Objectives: The aimed to compare the gynecology and obstetrics curricula between Iran and Australia, Britain, Turkey, the USA, and France.

Methods: This study was conducted to compare Obstetrics and Gynecology residency training program, Midwifery, and General Medicine curricula in Iran and developed and developing countries. The goals of education as well as education duration and credit hours in the field in the countries, were recorded.

Results: We compared the curricula of Obstetrics residency and Bachelor of Midwifery education in Iran, United States, England, France, Australia, and Turkey. The curricula reflected national and field goals based on available resources.

Conclusions: Providing appropriate health services, OB/GYN residency training programs, and Midwifery curricula should be revised nationwide based on medical technologies, the social and environmental situation, or health crises such as pandemics, war, and natural disasters.

Keywords: educational system, comparative study, obstetrics and gynecology

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بابل.
۲. مرکز تحقیقات بهداشت باروری و ناباروری، پژوهشکده سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بابل.

چکیده

سابقه و هدف: یکی از وقایع مهم جمعیتی که مورد توجه اندیشمندان، اقتصاد دانان و فقهای اسلامی قرار گرفته است، مسئله موالید می‌باشد. در ادله دینی تولید مثل و زادآوری امری پسندیده و ممدوح بوده و نسبت به آن تاکید و ترغیب فراوان صورت گرفته است.

مواد و روشها: اطلاعات لازم برای این مطالعه با جستجوی مقالات متعدد در سایتهای مختلف اینترنت (از سالهای ۲۰۲۳-۲۰۱۵) جمع آوری و مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: میزان باروری و فرزندآوری در سراسر جهان در حال کاهش است. فرزندآوری تحت تاثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. در صورت تداوم روند فعلی در آینده ایران به کشوری سالخورده تبدیل می‌شود و به تبع آن جمعیت فعال کاهش خواهد یافت. پژوهش‌های صورت گرفته نشان داده است که بیش از ۶۰٪ زنان ایرانی تمایلی به فرزندآوری ندارند. از عوامل مهم تاثیر گذار بر فرزندآوری سن است که بیشترین اثر بر میزان باروری زنان و تمایل به فرزندآوری را دارد به گونه‌ای که با بالا رفتن سن، خانم‌ها عدم تمایل به فرزندآوری دارند. همچنین سن کم و بالا هنگام ازدواج باعث عدم تمایل به باروری است. تاخیر در فرزندآوری به میزان رضایت از درآمد وابسته است و این تاخیر در جوامع شهری بیشتر از جوامع روستایی است. همچنین افزایش تمایلات زوجین به تحصیلات عالی به سبب تاخیر در فرزندآوری است و به تبع آن با افزایش شاغل شدن مادران تمایل به فرزندآوری در آن‌ها کم شده است و یا تمایل به داشتن تک فرزندی میان این زنان بیشتر شده است.

نتیجه گیری: عوامل ذکر شده می‌تواند به عنوان راهنمای عملی مسئولان در برنامه ریزی‌های ذیربط قرار بگیرد. همکاری سازمان‌ها و بررسی دقیق همه راه‌ها برای ترویج فرهنگ افزایش جمعیت و فراهم کردن زیر ساخت‌های آن ضروری می‌باشد.

واژه های کلیدی: فرزندآوری، جوانی جمعیت، باروری، کرامت مادری

فائزه راستگو^۱، حمیدرضا زنده طلب^۲، نیره داودی^۲، محدثه صمیمی^۱

۱. دانشجوی دکتری پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. استادیار مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه و هدف: جوانی جمعیت یکی از مهم ترین و پربحث ترین مسائل در جوامع مختلف است. این مفهوم به تعداد جوانان در جمعیت یک کشور، نسبت به جمعیت کل اشاره دارد، که بعنوان یکی از گروه های سنی مهم، علاوه بر تشکیل بخش قابل توجهی از جمعیت، بستری برای تجدید و تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جامعه فراهم می کنند. لذا مطالعه حاضر با هدف مروری بر چالش های جوانی جمعیت در جوامع انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مروری، جستجوی مقالات فارسی و انگلیسی نمایه شده در پایگاه های اطلاعاتی معتبر شامل web of Scopus, science, PubMed, Magiran, SID, IranMedex و موتور جست و جوگر Google Scholar به منظور دستیابی به تمام مقالات بدون محدودیت زمانی تا ۲۷ آگوست ۲۰۲۳ با کلید واژه های Challenges, youth population, communities و معادل فارسی آنها انجام شد. در جستجوی اولیه ۱۷۳ مقاله شناسایی شد، پس از بررسی عناوین، چکیده و معیارهای ورود و خروج در نهایت ۹ مقاله وارد مطالعه شدند.

یافته ها: بحث جوانی جمعیت از مباحث مهم و از مولفه های اقتدار و استحکام جامعه برشمرده می شود. جوانان می توانند چالش هایی را برای جوامع به وجود آورند. این چالش ها می توانند شامل بیکاری جوانان، فقر، عدم تحصیل، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، عدم شرایط مناسب برای تحصیل و شغل آموزی و عدم شرایط مناسب برای شروع زندگی مستقل باشد.

بحث و نتیجه گیری: جوانان می توانند به عنوان یک گروه قدرتمند و فعال در جامعه، نقش زیادی در تحولات اجتماعی و سیاسی بازی کنند. به طور کلی، جوانی جمعیت چالش ها و فرصت های زیادی را برای جوامع فراهم می کند. برای استفاده بهینه از این چالش ها و فرصت ها، نیاز به برنامه ریزی و سیاست گذاری مناسب در زمینه توسعه جوانان و تسهیل شرایط برای شروع زندگی مستقل و پیشرفت در تحصیل و شغل آموزی است.

کلمات کلیدی: چالش ها، جوانی جمعیت، جوامع

معصومه رحیمی^{۱،۲}، مهلا سالار فرد^۳، کوثر حکمی شلمزاری^۴، طلعت خدیوزاده*^۵

۱. دانشجوی دکتری تخصصی بهداشت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۲. رئیس دانشکده پرستاری و مامایی رابعه بلخی کابل، کابل، افغانستان
۳. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۴. کارشناس ارشد مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۵. دانشیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: تغذیه با شیر مادر روش طبیعی و ایده آل برای تغذیه کودک است که هم برای مادر و هم برای کودک از طرف سازمان حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک حق در نظر گرفته شده است. با اینحال ایده تغذیه با شیردر مادر به عنوان یک حق انسانی متون موجود به عنوان یک مساله مبهم بیان شده است با توجه به اهمیت تغذیه با شیرمادر مطالعه حاضر با هدف مرور تغذیه با شیر مادر تکریم حقوق مادر و نوزاد انجام شد.

روش کار: این مطالعه در پایگاه های اطلاعاتی معتبر شامل Google Scholar, Scopus, PubMed و SID بدون محدودیت زمانی و با واژگان کلیدی *Respecting the rights of mother, human rights, Nutrition, Breastfeeding* و معادل فارسی آن ها مورد جستجو قرار گرفتند. مقالات مرتبط به تغذیه با شیرمادر حاصل از تحقیقات کمی و کیفی به زبان های انگلیسی و فارسی در این زمینه بررسی مقالات شدند. داده های جمع آوری شده حاصل از مرور مطالعات، طبقه بندی شده و به صورت یک تفسیر جامع تغذیه با شیر مادر تکریم حقوق مادر و نوزاد ارائه گردید.

نتایج: تغذیه با شیر مادر بخشی جدایی ناپذیر از فرآیند تولید مثل، روش طبیعی و ایده آل برای تغذیه نوزاد و پایه بیولوژیکی و عاطفی منحصر به فرد برای رشد کودک است. این امر به همراه سایر تأثیرات مهم آن در پیشگیری از عفونت ها، سلامت و رفاه مادر، فاصله بین فرزندان، رفاه خانواده، اقتصاد خانواده و ملی و تولید مواد غذایی، آن را به یک عنصر کلیدی تبدیل می کند. جنبه های خوداتکایی، مراقبت های بهداشتی اولیه و رویکردهای توسعه فعلی. بنابراین، ترویج تغذیه با شیر مادر و محافظت از مادران باردار و شیرده در برابر هر گونه تأثیراتی که می تواند آن را مختل کند، مسئولیت جامعه است. اما گاهی اوقات اختلافاتی وجود دارد. مادر و کودک همیشه در مورد زمان شروع یا توقف تغذیه توافق ندارند و گاهی حقوق زنان برای تغذیه با شیر مادر در تقابل با حقوق کودکان برای تغذیه با شیر مادر قرار گرفته و موضوع چالش برانگیز می شود. برخی از قوی ترین حامیان شیردهی بیان می کنند که کودکان باید از این حق به عنوان یک قانون برخوردار شوند و بنابراین زنان نباید هیچ انتخابی در این مورد داشته باشند. اگرچه با توجه به ناتوانی و آسیب پذیری کودک، استفاده از قانون برای کمک به اطمینان از تامین بهترین منافع کودک معقول است. اما استفاده از قانون برای وادار کردن مادری که تمایلی به شیر دادن ندارد نیز معقول به نظر نمی رسد.

نتیجه گیری: یافته ها نشان داد هرچند شیردهی تقریباً همیشه برای سلامت کودک بهترین است، اما لزوماً به این معنا نیست که شیردهی باید تحت قوانین حقوق بشر اجباری شود. دولت نباید مادران را مجبور به تغذیه به روش های خاصی کند بلکه دولت باید اطمینان دهد که مادران حمایت می شوند و می توانند انتخاب های مناسبی برای تغذیه داشته باشند. به عبارت دیگر دولت و همه حامیان شیردهی باید تنها تسهیل کننده، حمایت کننده و آگاهی دهنده باشند؛ بدون هیچ اجباری. همچنین تصمیم مادر برای شیردهی باید براساس آگاهی و انتخاب آگاهانه او باشد نه براساس اجبار یا قانون.

کلید واژه ها: تغذیه، شیرمادر، حقوق مادر، حقوق بشر

معصومه رحیمی^{۱،۲}، مهلا سالار فرد^۳، کوثر حکمی شلمزاری^۴، طلعت خدیوزاده^۵

۱. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. رئیس دانشکده پرستاری و مامایی رابعه بلخی کابل، کابل، افغانستان
۳. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۴. کارشناس ارشد مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۵. دانشیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: در سراسر جهان اغلب زنان رفتاری غیرمحرمانه و توهین آمیز در طی دریافت خدمات و مراقبت های دوران بارداری و زایمان تجربه می کنند تجربه یک زن از مراقبت در زایمان بسیار مهم و تعیین کننده تصمیمات آینده او در رابطه با استفاده از خدمات بهداشتی است. برخورد های منفی زنان با کارکنان بهداشتی در حین زایمان ممکن است باعث پشیمانی از استفاده از خدمات مراقبت های بهداشتی زایمان شود بنابراین مطالعه حاضر با هدف مروری بر راهکارهای ارتقا دهنده کرامت مادران باردار انجام شد.

روش کار: این مطالعه در پایگاه های اطلاعاتی Google Scholar، Scopus، PubMed و SID بدون محدودیت زمانی و با واژگان کلیدی بی احترامی، محترمانه، مراقبت های مامایی، کرامت محور و معادل انگلیسی آن ها از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۳ مورد جستجو قرار گرفتند.

یافته ها: پس از تکمیل جستجو و بررسی مقالات از مجموع ۱۵۸ مقاله، ۳۸ مطالعه تمام متن مورد مروری نهایی قرار گرفت. نتایج مرور مطالعات به منظور جلوگیری از بین بردن بی احترامی زنان باردار، اقدامات زیر را توصیه کرده است. حمایت دولت ها برای تحقیق و فعالیت در زمینه بی احترامی و سوء استفاده، اجراء پشتیبانی و تقویت برنامه های طراحی شده برای بهبود کیفیت مراقبت سلامت مادران باتمركز قوی بر مراقبت محترمانه به عنوان یک جزء ضروری از مراقبت با کیفیت، مشارکت همه ی ذی نفعان، از جمله زنان، در تلاش برای بهبود کیفیت مراقبت واز بین بردن شیوه های بی احترامی و توهین آمیز، ایجاد سیستم های پاسخگو و حمایت حرفه ای برای ارزیابی مربوط به شیوه های مراقبت محترمانه و غیرمحترمانه، تاکید بر حقوق زنان جهت تکریم آنان و ارائه مراقبت های بهداشتی محترمانه در کل دوران بارداری و زایمان.

نتیجه گیری: به نظر می رسد بی احترامی و سوء استفاده از زنان استفاده کننده از خدمات مامایی یک مشکل جدی در حوزه ی بهداشت و درمان می باشد. درک عوامل تأثیرگذار در کرامت انسانی به توسعه راهبردهایی کمک می کند که سیستم سلامت را قادر می سازد تا عوامل تأثیرگذار مثبت را ارتقاء دهد و عواملی را که کرامت را به خطر می اندازند حذف کند و در نتیجه کیفیت مراقبت های بهداشتی مادر را بهبود بخشد.

کلیدواژه ها: کرامت محور، محترمانه، مراقبت های مامایی، بی احترامی

مقدمه: وقف سیاست کنترل جمعیت رژیم پهلوی پس از انقلاب ۵۷، منجر به ازدیاد جمعیت در دهه ۶۰ گردید. شروع مجدد آن در دهه‌ی هفتاد با شعار «دو بچه کفایت» و «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و بهره‌گیری از روایات مؤید این سبک زندگی باعث کنترل سرعت رشد شد. در اوایل دهه‌ی نود برخی خطر پیری جمعیت ایران را اعلام کردند. از جمله، رهبر ایران در این خصوص ابراز کرد که سیاست کنترل جمعیت اگر چه در زمان خودش درست بود، اما اواسط دهه هفتاد باید متوقف می‌شد و ادامه آن کار اشتباهی بود. امروزه در راستای تشویق مردم به فرزند آوری به احادیثی که در این باره وجود دارد، استناد می‌گردد. از آن جا که اکثریت مطلق جامعه ما را مسلمانان تشکیل می‌دهند این سؤال در ذهن آحاد جامعه شکل گرفته است که دیدگاه دین در یک موضوع دو چیز نمی‌تواند باشد! لذا جمهوری اسلامی را متهم به سوء استفاده از دین می‌نمایند. در این مقال با بررسی روایات به این سؤال پاسخ خواهیم داد.

مواد و روش‌ها: ابتدا روایات مربوط به موضوع را از مجامع روایی مثل کتب اربعه و... استخراج و پس از دسته بندی به بحث و بررسی در مورد آن‌ها پرداخته و به نتایج زیر دست یافتیم.

یافته‌ها: ۱. روایات فرزند کمتر اشاره به آسایش و راحتی والدین و شرایط خاص جامعه و خانواده دارد که با منطق عقل هم سازگار است و فرزند آوری را محکوم نمی‌نماید. ۲. تعداد روایات فرزند آوری بسیار بیشتر از دسته‌ی اول است! ۳. احادیث نهی از خصی کردن و نهی از عزل دلالت بر مطلوبیت ازدیاد فرزند دارد. ۴. قرآن کریم و روایات متعددی ترس از فرزند آوری به دلیل فقر و ... مذمت و سقط جنین را گناه کبیره معرفی می‌کند. ۵. فرزند زیاد داشتن مورد تأیید شرع و تنها به واسطه‌ی عناوین ثانویه می‌توان از آن عدول نمود.

نتیجه‌گیری: اگر چه اصل فرزند آوری و زیاد نمودن فرزند واجب نیست ولی بی‌تردید امری مسلم و نیکوست. از آنجا که داشتن فرزند درخواست انبیای الهی و پایین آمدن نرخ جمعیت در جوامع دینی مذموم است، اصل صحیح فرزندآوری است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، احادیث، فرزندآوری، ایران

مرتضی رستگار

• استادیار، گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

مقدمه: در قرآن کریم با دو دسته از آیات در خصوص موضوع فرزند مواجه می‌شویم. دسته اول آیاتی که فرزند را هدیه‌ای الهی از جانب خداوند برای زن و شوهر ذکر کرده و داشتن فرزند را مایه‌ی زینت و باقیات صالحات - یعنی جزء ارزش‌های پایدار و شایسته به شمار می‌آورد. دسته‌ی دوم آیاتی که وجود فرزند را فتنه و سبب آزمایش والدین و گرفتاری آنان معرفی می‌نماید. در این مقال بر آنیم تا ببینیم این دو دسته با یکدیگر تعارض دارند یا مکمل یکدیگرند؟

مواد و روش‌ها: ابتداءً واژه‌های ولد، ابن و بنت (به معنای فرزند، پسر و دختر) را با تمام مشتقات در قرآن کریم جستجو نموده و سپس با مراجعه به فرهنگ نامه‌ها و تفاسیر شیعه و سنی به بررسی تمامی آیات مرتبط با موضوع پرداختیم.

یافته‌ها: قرآن کریم به صراحت در خصوص خوب یا بد بودن فرزند نظر نمی‌دهد ولی از بیان ویژگی‌ها و تعبیری که در برخی آیات به کار رفته مثل: نور چشم بودن (قره عین)، هدیه و امداد الهی، مطلوب بودن فرزند استفاده می‌شود. کلمه‌ی فتنه هم چند معنا دارد که پس از بررسی متوجه شدیم بیش‌ترین کاربرد این واژه در متون دینی در سه مورد است: امتحان و آزمون؛ آمیختگی حق و باطل؛ آشوب و بلوا. مفسرین فتنه را در آیاتی که فرزند را فتنه معرفی می‌نمایند به معنای یکی از اسباب ابتلاء و امتحان و آزمایش گرفته‌اند. در حقیقت مال و ثروت و داشتن فرزند و نیروی انسانی که در برخی از آیات در کنار هم ذکر شده، دو رکن از ارکان حیات دنیوی به شمار می‌روند که به کار گیری این دو اگر در مسیر خدا نباشد، اعتبار ندارند و اگر در مسیر خدا باشند تمام ناشدنی و سبب بهره‌مندی انسان در دنیا و آخرت خواهند بود.

نتیجه‌گیری: این دو دسته از آیات نه تنها تعارضی با یکدیگر ندارند، بلکه به نوعی مکمل یکدیگرند. یعنی داشتن فرزند مایه‌ی زینت و مطابق با فطرت انسان است. تربیت صحیح و سربلندی در آزمایش‌هایی که از این ناحیه متوجه انسان می‌شود، باعث رشد و کمال والدین خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، فرزند، هدیه، فتنه

مقدمه: مرخصی قاعدگی از مباحث مورد تأمل دنیای امروز است که در کشورهای مختلف مباحثی پیرامون آن شکل گرفته است. گروهی آن را بهانه‌ای بر «ناکارآمدی زنان در مشاغل» دانسته و برخی اعطای آن را «تبعیض جنسیتی» می‌دانند. برخی دیگر از حامیان مرخصی دوران قاعدگی، کارکرد این نوع مرخصی را مشابه مرخصی زایمان و آن را کمک به زنان و در راستای اهداف آفرینش می‌دانند. در ایران هم جمعی از زنان و دختران شاغل خواستار سه روز مرخصی با حقوق مخصوص این دوران شده‌اند. با این نگاه لازم دانستیم تأملی در مبانی فقهی داشته باشیم.

مواد و روش‌ها: ابتدا واژه حیض و مشتقات آن را در قرآن کریم جستجو و سپس احادیث مربوط به موضوع در مجامع روایی شیعه خصوصاً روایاتی که فقها بر اساس آن‌ها فتوا داده را در دستور کار قرار دادیم. با تتبع در کتاب وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل حدود ۴۰۰ روایت مربوط به موضوع را بررسی نمودیم.

یافته‌ها: قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۲۲، قاعدگی را نوعی اذیت و رنج برای زنان به شمار می‌آورد: **وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ ۖ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ؛** و از تو درباره حیض (ایام عادت ماهانه زنان) سؤال می‌کنند، بگو: آن مایه‌ی رنج و آزار است! به دنبال ذکر این نکته و در راستای کمک به زنان برخی از احکام الزامی را برمی‌دارد و تکالیف متناسب با شرایط فیزیکی ناشی از قاعدگی را برای آنان در نظر می‌گیرد. این احکام با نزول آیاتی از قرآن کریم و بیان احادیثی از جانب پیامبر گرامی اسلام و ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام بیان شد. در قرون بعدی با دسته‌بندی آیات و روایات از سوی فقها این احکام در سه قالب کلی محرمات، مکروهات و مستحبات تبیین گردید.

نتیجه‌گیری: اگر شرایط خاص قاعدگی سبب تخفیف در عبادات و جعل احکام جدید برای زنان شده، به نظر می‌رسد فقها می‌توانند با توجه به قرآن و احادیث، و بر اساس مفهوم اولویت و قاعده‌ی ملازمه، استثنائاتی را (علاوه بر احکام شرعی) برای خانم‌ها (از جمله مرخصی قاعدگی و...) در نظر بگیرند. در یک مرحله پایین‌تر باید اذعان نمود، وضع این قوانین مخالف فقه شیعه نیست.

واژه‌های کلیدی: مرخصی قاعدگی، قرآن، احادیث، فقه شیعه.

A review of factors affecting fertility and childbearing challenges in breast cancer survivors



Zahra Rezaei Koopaei ^۱, Tahmineh Farajkhoda ^{۲*}

۱. Master's student in Midwifery counseling, School of Nursing and Midwifery, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran
۲. Professor, Ph.D. in Reproductive Health & Clinical Psychologist. Research Center for Nursing and Midwifery Care, Non-communicable Diseases Institute, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.

Abstract

Introduction: Breast cancer is the most prevalent type of gynecologic cancer among women. Which can affect all aspects of the lives of affected people. One of the most sensitive and important parts of the lives of breast cancer survivors and their partners is their fertility and childbearing.

Method: research in medical databases (PubMed, Google Scholar, and SID, Scopus, Science direct) with the following keywords in Persian and English equivalents was performed: Breast cancer, childbearing, reproductive health, fertility, women. The search was conducted from ۲۰۱۰ to ۲۰۲۳ and among ۳۰ relevant articles, after review ۹ articles were selected.

Results: Several factors affect the couple's fertility and intention to childbearing including couples health status, breast cancer diagnostic and treatment methods can have direct effects on decreasing in ovarian function, premature menopause and decrease in fertility. Indirect effects are decreasing in sexual function and in sexual intimacy. The performance of the health care system in proper planning such as timely chemotherapy, fertility preservation counseling and sexual rehabilitation is one of the effective approaches to help couples to make decisions about their fertility future.

Conclusion: The issue of fertility and childbearing in breast cancer survivors is considered the biggest concern. Deprivation of childbearing brings many psychological factors (decreased life satisfaction, depression, emotional distress and decreased mental health). Also, among the benefits of childbearing for this group of survivors, we can mention (increased self-confidence, overcoming illness, faster recovery, hope for the future, feeling good, increasing the importance of one's health and returning the sense of femininity). For this reason, the health care system should help breast cancer survivors and their partners to regain their sense of femininity and a symbol of health and experience a happy life through fertility and childbearing at the right time and under the supervision of treating doctors.

Keyword: Breast cancer, Childbearing, Reproductive health, Fertility, Women

A review of the childbearing effects on the psychological well-being couples



Zahra Rezaei Koopaei ^۱, Fatemeh Zaremobini ^{۲*}

۱. Master's student in Midwifery counseling, School of Nursing and Midwifery, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

۲. Assistant Professor, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

Introduction : The most important factor in increasing population growth is childbearing. Childbearing, is one of the most challenging and complicated periods in a couple's life. In such a way that they should accept the new roles of becoming parents and be ready to provide comprehensive support for the new family member. Having a supportive life partner is one of the most effective factors in deciding to childbearing.

Method: Narrative research in medical databases (PubMed, Google Scholar, and SID) with the following keywords in Persian and English equivalents was performed: Happiness, childbearing, intentions, Couples, well-being, psychological. The search was conducted from ۲۰۱۰ to ۲۰۲۳ and among ۳۰ relevant articles, after review ۱۴ articles were selected.

Results: It is the couple's intention to childbearing that determines their reproductive behavior. One of the effective solutions can be counseling by pointing out the benefits of childbearing (Happiness, success, relationship stability, self-esteem, self-efficacy, Life satisfaction, pleasure, entertainment, excitement, Social growth and increase in social interactions, flourishing of talents, sense of calmness and value, increasing mental well-being and the disadvantages of being deprived of a child (sadness, despair and anxiety, depression) were effective in improving the attitude towards childbearing.

Conclusion: Factors effective in childbearing can be mentioned (individual, social, economic, cultural, occupational, psychological). One of the reasons why couples delay childbearing is that they consider a child a threat to their emotional and marital relationship, while the existence of a child strengthens their love bond. The presence of a child in the family can evoke exciting and loving moments for couples. In such a way that observing the cheerful and happy face of the child can bring mental health, marital satisfaction and life satisfaction for the couple. In general, childbearing increases the level of mental and psychological well-being of couples. As a result, the higher the level of well-being after the birth of the first child, the greater the desire of couples to childbearing.

Keyword: Happiness, childbearing intentions, Couples, well-being, psychological

بررسی ارتباط آگاهی از حقوق جنسی و باروری با نگرش به

فرزندآوری: مروری سیستماتیک

ملیحه رحیمی^۱، مینا ایروانی^۲، فاطمه رضوی نیا^{۳*}

۱. مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت باروری، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.
۲. گروه مامایی، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت باروری، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.
۳. مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت باروری، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران.

مقدمه: فرزندآوری، پدیده مهمی در حرکات جمعیتی و محور توسعه پایدار برای کشورهایی که سطح جانشینی پایینی دارند، محسوب می شود. مطالعه حاضر باهدف بررسی ارتباط آگاهی از حقوق جنسی و باروری با نگرش به فرزندآوری در زنان سنین باروری انجام گردیده است.

روش جستجو: در این مطالعه مروری برای یافتن مقالات، جستجو در بانک های اطلاعاتی Pubmed، Scopus، Google Scholar و SID با کلید واژه های تا سال ۲۰۲۳ انجام شد و این مطالعه بر اساس چک لیست PRISMA نگاشته شد. کیفیت مقالات استخراج شده بر اساس فهرست مندرجات STORBE، CONSORT و CASP ارزیابی و در نهایت ۲۱ مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: مطالعات نشان دادند که میزان آگاهی از حقوق جنسی و باروری بر نگرش و میزان فرزندآوری اثر می گذارد. هرچه میزان دسترسی به خدمات مراقبتی سلامت جنسی و باروری، میزان آموزش جنسی، شریک جنسی آگاه افزایش یابد، با افزایش کیفیت زندگی و ارتقای صمیمیت و افزایش روابط بین زوجین سبب افزایش نگرش مثبت به فرزندآوری و به صورت آگاهانه خواهد شد. همچنین دسترسی به روش های مطمئن کنترل از بارداری، آگاهی سقط عمدی جنین و عوارض روحی و جسمی وارده به مادر و بنیان خانواده نیز در نگرش به فرزندآوری موثر می باشد. علاوه بر آن، میزان تحصیلات زوجین به ویژه زنان، باورهای مذهبی، هنجارهای فرهنگی با اثر بر آگاهی از حقوق باروری و جنسی بر میزان نگرش به فرزندآوری اثر می گذارد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که، میزان آگاهی از حقوق جنسی و باروری بر نگرش و میزان فرزندآوری اثر می گذارد. این امر مؤید این است که اگر سیاست های جمعیتی بتوانند برنامه هایی را اجرا کنند که موجب افزایش میزان آگاهی و دسترسی به خدمات مراقبتی جنسی و باروری گردد، میتواند بسیار بر فرآیند فرزندآوری موثر باشد.

کلمات کلیدی: حقوق جنسی، حقوق باروری، فرزندآوری

قوانین حمایت از فرزندآوری مادران شاغل تصویب شد...

سقف شیشه‌ای را چه می‌کنید؟

نرگس رفیعی^۱، راضیه پیروزه^۲

۱. مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
۲. گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراين، اسفراين، ايران

مقدمه: مطالعات نشان میدهند بین حمایت قانونی و تمایل زنان شاغل به باروری رابطه مثبتی وجود دارد. با وجود قانون مرخصی زایمان و کاهش ساعات کاری برای مادران دارای کودک زیر ۶ سال، اما در برخی موارد مشاهده میشود که مادران شاغل به دلایل از دست دادن موقعیت شغلی، از این قوانین حمایتی استفاده نمی‌کنند. لذا این مطالعه با هدف بررسی نحوه اجرای قوانین حمایتی از مادران شاغل انجام شد.

روش جستجو: این مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل چارچوبی و از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند با ۱۰ نفر از مادران شاغل در دانشگاه‌های علوم پزشکی که سابقه استفاده از مرخصی زایمان کوتاه مدت را داشتند، در سال ۱۴۰۲ انجام شد. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA.۱۰ و روش تحلیل چارچوبی گاله تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان میدهد قوانین حمایتی مانند ۹ ماه مرخصی زایمان در اکثر موارد برای کارمندان رسمی و پیمانی به درستی اجرا میشود اما در مواردی که مادران شغل‌های موقت دارند مانند مادرائی که در پست هیات علمی متعهد خدمت یا به عنوان طرح نیروی انسانی مشغول بکارند، یا مادرائی که پست‌های مدیریت میانی دارند، به دلیل احتمال از دست دادن شغل، داوطلبانه مدت کوتاهی پس از زایمان به شغل خود باز میگردند. که علت اصلی آن صحبت‌های غیر رسمی مبنی بر عدم نیاز به چنین نیروهایی و انتخاب جایگزین برای این افراد است.

نتیجه‌گیری: با توجه به وجود سیاست‌های حمایتی از مادران شاغل، از سوی دیگر نمیتوان وجود یک سقف شیشه‌ای که مانع استفاده برخی از مادران از مرخصی زایمان میشود را انکار نمود که در بسیاری مواقع منجر به عدم تمایل زنان شاغل به فرزندآوری میشود. لذا پیشنهاد می‌گردد نظارت بیشتری در خصوص استفاده مادران شاغل از مرخصی زایمان و قانون کاهش ساعات کاری فرزند زیر ۶ سال، صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: قوانین حمایت از فرزندآوری، مادران شاغل، سقف شیشه‌ای

نرگس رفیعی^۱، زهرا قضاوتی باغان^۱، فاطمه گورسخور^۱، راضیه پیروزه^۲

۱. مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۲. گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

مقدمه: زنان شاغل به دلیل داشتن مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، بار مضاعفی را به دوش می‌کشند. کار در بیرون از منزل، نقش مادری، نقش همسری، و رسیدگی به وضع منزل در کنار فعالیت در محیط کار، سلامت جسمانی و روانی زنان شاغل را در معرض خطر قرار داده و منجر به ایجاد تعارض در خانواده می‌شود. لذا این مطالعه با هدف بررسی چالش‌های زنان شاغل از نقش مادری با رویکرد فراترکیب انجام شد.

روش جستجو: در این مطالعه که به روش مرور نظام‌مند انجام شد، کلیدواژه‌های فارسی از جمله: نقش مادری، فرزندپروری، مادران شاغل، زنان شاغل، اشتغال زنان، تعارض کار-مادری، تعارض کار-خانواده، ایران و کلیدواژه‌های انگلیسی Maternal Role Conflict، Parenting Role Conflict، Mother-work conflict، Motherhood، Working mothers، working women، women's employment، Family-work، PubMed، ISI/Web of Sciences، Scopus، Google Scholar و بانک‌های ایرانی Scientific Information Database (SID) و Irandoc از ژانویه ۲۰۰۰ تا ۳۰ آگوست ۲۰۲۳ جستجو شده و با رویکرد Noblit & Hare تحلیل شدند.

یافته‌ها: در جستجوی اولیه ۱۰۵۰ مقاله وارد مطالعه شد که پس از بررسی عنوان، متن و حذف مقالات تکراری، در نهایت ۱۰ مقاله کیفی، تجزیه و تحلیل شدند. پس از ترکیب کدها و حیطه‌ها، چالش‌های مادران شاغل از نقش مادری در ۱۲ حیطه: چالش‌های نگهداری فرزند، نگرانی‌های روزمره، جدایی از فرزند و حضور در محل کار، نارضایتی فرزند، کم‌توجهی مادر به سلامت جسمی و روانی خودش و خودفراموشی، احساسات منفی مادری، تلاش مضاعف برای جبران کم‌کاریها، فروکاستن از اهداف شغلی، مشکلات مرتبط با شغل، چالش‌های دوران بارداری و شیردهی در محل کار، تعارض در مورد فرزندآوری مجدد و نبود حمایت اجتماعی، طبقه‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری: زنان شاغل به دلیل دارا بودن چندین مسئولیت مانند شاغل بودن به همراه مسئولیت مادری، همسری، حتی دانشجویی، و کمبود حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی با چالش‌های بیشتری در خصوص نگهداری از فرزند خود مواجه هستند که تجربه شیرین مادری را برای آنها سخت‌تر از مادران خانه‌دار جلوه می‌دهد. لذا با توجه به شرایط چالش برانگیز مادران شاغل و نیاز جامعه به حضور زنان و داشتن مسئولیت اجتماعی، پیشنهاد می‌گردد در سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های حمایتی مادران شاغل، اصلاحات بیشتری صورت گرفته و بر اجرای قوانین حمایتی نیز نظارت بیشتری انجام شود.

واژه‌های کلیدی: نقش مادری، زنان شاغل، مادران شاغل، چالش

The effect of Corona virus infection and Injection of different types of COVID-19 vaccine on male fertility



Amir Hossein Ramezani^۱, Farzaneh Khodabandeh^۲, Ellahe Bahrami-Vazir^۳, Mahsa Ahmadi^۴

۱. Nursing student, member of the student research committee, Faculty of Nursing, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd, Iran
۲. Master of Midwifery, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd, Iran
۳. Department of Midwifery, Faculty of Nursing and Midwifery, Ilam University of Medical Science, Ilam, Iran
۴. Midwifery student, member of the student research committee, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd, Iran

Introduction: The coronavirus pandemic (Covid-19) is a global health threat that has caused significant morbidity and mortality worldwide. Men are more at risk of infection and its complications than women. And following that, concerns have been raised about the possible harmful effect of the infection of Covid-19 on men's fertility. Also, after the nationwide vaccination, there are still speculations about the negative effects of various covid-19 vaccines and public resistance to the use of the vaccine. Therefore, the present review study was conducted with the aim of investigating the effect of getting infected with covid 19 and injecting different types of covid 19 vaccine on male fertility.

Search strategy: In line with the purpose of this review, search in Google Scholar, Irandoc, ISC, Science Direct, Proquest, Pubmed, Scopus and Magiran databases with the keywords of covid-19 vaccine, covid-19 infection, sperm quality, semen parameters and male fertility was done without year restrictions.

Findings: The results of various studies showed that infection with covid-19 disrupts the hypothalamic-pituitary-gonadal axis in men and has negative effects on spermatogenesis and epididymis. This leads to a decrease in the quality of sperm and subsequently to a decrease in fertility. Also, the results of the studies showed that, contrary to popular belief, the covid-19 vaccination does not reduce sperm quality (volume, sperm concentration, progressive motility, and the total number of progressive motility) and male fertilization capacity (embryo quality in IVF).

Conclusion Since contracting Covid-19 has adverse effects on men's sexual health and reproduction, it can cause infertility in men. Therefore, it is suggested that men preserve their fertility by freezing sperm. Vaccination is an important way to prevent the negative effects of covid-19 on male fertility and should be considered safe for male reproductive health.

Keywords: Corona virus, COVID-19, COVID vaccine, male fertility, sperm quality



Factors related to the ideal number of children in women of Rafsanjan city in ۱۴۰۱, a cross-sectional study

Sania Riahi^{*۱}, Zohreh Ghorashi^۲, Zohreh Sahebi^۳

۱. Master student in Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran
۲. Assistant Professor of Reproductive Health, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Geriatric Care Research Center, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran
۳. Instructor of midwifery, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Geriatric Care Research Center, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran

Introduction: The fertility rate in Iran, in recent years has been lower than the replacement level. A family's childbearing ideals can determine their intention and attitude towards fertility and ultimately lead to reproductive behavior. This study was conducted with the aim of determining the factors related to the ideal number of children in the women of Rafsanjan city, in ۱۴۰۱.

Methods and Materials: This descriptive study was conducted by census sampling method in ۱۴۰۱ on women who got married in ۲۰۱۸. Finally ۸۷۵ ones were included in the study. The inclusion criteria was: being alive, age ۴۵ and under, being Iranian and getting married in Rafsanjan, in ۲۰۱۸, willing to participate in the study and not suffering from diseases that require the prohibition of pregnancy, and the exclusion criteria was: not willingness to continue answering the questions, female or male infertility, menopause and the woman's husband would be alive.

Research tool was, a researcher-made checklist containing ۱۲ questions. The validity of this checklist has been confirmed by ۵ professors of the Faculty of Nursing and Midwifery in Rafsanjan.

Findings: The results showed that, there is not a statistically significant relationship between the ideal number of children and the age of the woman ($p=۰,۲۳۳$), the level of education of the woman ($p=۰,۳۱۵$), wife's occupation ($p=۰,۰۵۳$), wife's income ($p=۰,۱۱۸$), and The place of residence ($p=۰,۱۱۰$). Also, a weak and direct correlation was observed between the ideal number of children and the number of abortions ($r=۰,۰۳۹$, $p=۰,۲۵۳$). As well, a weak direct and significant correlation was observed between the ideal number of children and the importance of religious score in a woman's life ($r=۰,۲۵۸$, $p<۰,۰۰۱$).

Conclusion: According to the present study, there was a relationship between the ideal number of children and the importance of religion in their lives. So it is hoped that with the implementation of policies, people's attitudes toward having children change, therefore reproductive behaviors change. Also, it seems by removing the causes leading to abortion, there is a possibility of higher fertility rate.

Keywords: fertility, pregnancy rate, ideal family size

مرادعلی زارعی پور^۱، فاطمه حسین زاده^۲، امین سهیلی^۳، لیلا مختاری^{۳*}

۱. استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

۲. مربی، گروه اتاق عمل، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

۳. استادیار، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

چکیده

مقدمه: رشد جمعیت یکی از مؤلفه های اصلی توسعه می باشد. کاهش مستمر زاد و ولد و انتقال از باروری طبیعی به باروری کنترل شده، به تدریج ساختار سنی جمعیت را از وضعیت جوانی به سوی سالخوردگی سوق می دهد؛ به همین دلیل در دو دهه اخیر به دلیل کاهش باروری، هرم سنی جمعیت ایران تغییر شکل داده است. این مطالعه با هدف تبیین تسهیل کننده ها و موانع فرزندآوری در زوجین ایرانی در شهرستان خوی انجام شد.

مواد و روش: در این مطالعه کیفی به روش تحلیل محتوای قراردادی، با استفاده از نمونه گیری هدفمند با ۲۳ زوج مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد. محل انجام مصاحبه ها، مراکز جامع خدمات سلامت شهرستان خوی در سال ۱۴۰۲ بود. پس از کسب رضایت، مصاحبه ها ضبط شد و تا رسیدن به اشباع داده ها ادامه یافت. داده ها با استفاده از نرم افزار MAXQDA نسخه ۱۲ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: از ۲۳ زوج شرکت کننده در مطالعه، ۶۰/۸۷ درصد (۱۴ زوج) تمایل به فرزندآوری نداشتند. متوسط سن آقایان $41/32 \pm 2/16$ و خانمها $36/84 \pm 5/37$ بود. دو تم استخراج شده از آنالیز داده ها "تسهیلات فرزندآوری" و "موانع فرزندآوری" بود. ۴ طبقه در تم موانع فرزندآوری شامل "مشکلات اقتصادی"، "نگرانی از آینده مبهم"، "اشتغال زنان" و "تجربیات منفی بارداری/زایمان قبلی" و ۳ طبقه تسهیلات فرزندآوری "ارزشها و ترجیحات فردی/خانوادگی"، "ایمان فردی" و "سیاستهای حمایتی دولت" بود.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های مطالعه و عدم تمایل اکثر شرکت کنندگان در مطالعه به فرزندآوری، آسیب شناسی عدم فرزندآوری قبل از ترغیب زوجین به این امر، ضروری می باشد. پیشنهاد می شود سیاست گذاران عرصه سلامت با شناسایی دلایل عدم فرزندآوری نسبت به رفع مشکلات مربوطه و اعمال سیاستهای حمایتی در ارتباط با فرزندآوری اقدام نمایند.

واژه های کلیدی: فرزندآوری، زوجین ایرانی، مطالعه کیفی، تحلیل محتوای قراردادی، تسهیل کننده ها، موانع

لیلا اسدی^۱، مجتبی فتاحی اردکانی^۲، مرادعلی زارعی پور^{۳*}، معصومه اکبربگلو^۴

۱. دکترای سلامت باروری، گروه مامایی و سلامت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران
۲. آموزش مداوم، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران
۳. استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران
۴. استادیار، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

مقدمه: باروری یکی از عناصر مهم رشد و تناسب جمعیت است. روند کاهش میزان باروری کل در ایران و رسیدن آن به پایین‌تر از حد جایگزینی باعث نگرانی در نهاد خانواده شده است با توجه به این واقعیت که تصمیم‌گیری برای باروری نیاز به اطلاعات دقیق دارد، مداخلات آموزشی هدفمند به ویژه از طریق مدل‌های آموزشی نیازمند است. هدف از این مطالعه بررسی کارایی و تاثیر برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مدل‌های آموزش بهداشت در فرزندآوری می‌باشد.

روش جستجو: پژوهش حاضر یک مطالعه مروری نظامند است. جهت جستجو مقاله‌های انگلیسی از پایگاه‌های داده، Science, Scopus, direct Web of science, PubMed, Embase و پایگاه داده فارسی انتشارات جهاد دانشگاهی (SID)، Magiran، برکت استفاده شد. کلید واژه‌های مورد استفاده انگلیسی: Education program, Educational, Intervention, Childbearing, Woman, systematc review Intention و کلید واژه‌های فارسی مورد استفاده مداخله آموزشی، برنامه آموزشی، فرزند آوری، زنان، قصد، مرور نظامند بودند.

یافته‌ها: در مجموع ۴۲۵ مقاله پیدا شد. با حذف مقالات مکرر یا نامربوط، ۲۲۶ مقاله باقی ماند. تجزیه و تحلیل چکیده و متن کامل مقالات نهایتاً ۱۲ مطالعه مداخله‌ای با مدل‌های آموزش بهداشت وارد مطالعه شد. نتایج مطالعات مداخله‌ای نشان داد پس از مداخله آموزشی در اکثر مطالعات میانگین نمره سازه‌های مدل‌های آموزشی افزایش معناداری داشت. و قصد فرزندآوری در گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل بعد از مداخله آموزشی افزایش یافت و از نظر آماری معنادار بود ($P=0/05$).

نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعات نشان داد مداخله آموزشی بر مبنای تئوری و مدل‌های آموزش بهداشت می‌تواند بر قصد فرزند آوری زنان اثرگذار باشد. به‌کارگیری این مدل در برنامه‌های آموزشی مرتبط با سیاست رشد جمعیتی و طراحی مداخلاتی برای تشویق زوجین به فرزندآوری پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مداخلات آموزشی، مدل‌های آموزش بهداشت، قصد فرزند آوری، ایران: مطالعه مرور نظامند

Analysis of Challenges and Prospects of Population Sustainability and Reproductive Rights in Iran



Rezvan Zarei¹, Farnaz Farnam², Elnaz Khayer^{*3}

1. MSc student in Midwifery, Department of Reproductive Health & Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2. PhD in Reproductive Health, Associate Professor of Midwifery and Reproductive Health & Midwifery, Department of Reproductive Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
3. PhD candidate in Reproductive Health, Department of Reproductive Health & Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Introduction: The decrease in the birth rate in Iran over recent decades has posed a significant challenge in social and healthcare domains, sparking concerns about their impacts on population balance and future needs. This study aims to explore the consequences of the declining birth rate on the country's population and emphasizes the importance and requirements of fertility rights as a fundamental factor in this field. The objective of this study is to analyze the challenges and prospects of population sustainability and underscore the significance of fertility rights in Iran.

Search strategy: this Study used descriptive-analytical method to attain its research objective. Articles were searched for in databases such as PubMed, Scopus, IRANMEDEX, MEDLINE, and ProQuest using keywords such as population sustainability, fertility rights, birth rate reduction, social challenges, and population management. Related articles from the years 2010 to 2023 were examined. Following content and data analysis, the results were described and analyzed in detail.

Results: The findings indicate significant challenges in Iran's population sustainability. Over two decades, fertility rate declined from 6.9 to below replacement. Birth rate decrease leads to workforce reduction, increased healthcare costs, and population structure changes. According to The United Nations estimates using the 2006 census data as a base year and considering a replacement rate of 2.0, Iran's population is projected to increase to 97 million by 2046, showing positive population growth. In this context, fertility rights' importance is evident. As per international documents, free decision-making about child numbers and spacing, without violence, coercion, or discrimination, and access to fertility-related medical services hold high importance, aiding women's well-being and alleviating economic and social burdens.

Conclusion: The effective implementation of population management measures and ensuring fertility rights, along with necessary coordination between institutions, can contribute to improving the economic, social, and health conditions of the country. This study can serve as a guide and a valuable source of information for policymakers and decision-makers in the field of population management and fertility rights in Iran.

Keywords: Population Sustainability, Reproductive Rights, Birth Rate Reduction, Challenges and Prospects, Iran Population Analysis

Empowerment and reproductive behavior of women: limitation or opportunity



Sanaz zangeneh

- PhD in reproductive health, Kermanshah University of medical science, Kermanshah, Iran.

Introduction: In recent decades, empowering women is one of the key challenges of most societies. The United Nations defines women's empowerment as equality in all economic and social spheres, including participation in the decision-making process and access to power. Fertility behavior is affected by factors such as women's employment status and literacy, so the purpose of this study is to investigate the effect of empowerment on women's fertility behavior.

Methodology: This is a review study using the analysis of available electronic resources in PUBMED, GOOGLE SCHOLAR, WEB OF SCIENCE (ISI), SCOPUS, PROQUEST, OVID, MAGIRAN databases. It was done using the keywords, women empowerment, empowerment, empowering challenge, fertility, reproductive behavior during the years ۲۰۰۰ to ۲۰۲۳.

Result: Women's empowerment has been widely declared as one of the key goals of the Millennium Development. Empowerment theories regarding women demand to give them as much power as possible, not in the sense of superiority of one person over another, but in the sense of increasing their ability to rely on themselves and expand the right to choose in life. Empowerment is a process during which women become aware of their inner needs and desires, strengthen the courage to achieve their goals, and gain the necessary abilities to implement their desires. Employment increases women's self-confidence, authority and independence it causes changes in the family. Although women's education has been reported as one of the reasons for postponing fertility, studies show that working women with higher education have more children than housewives, and given that they are economically independent, they do not have a sexual preference for their children and as a result, the rate of spontaneous abortion of these women is lower.

Conclusion: Empowerment of women has a significant relationship with positive attitude towards fertility. Implementing educational programs to improve women's attitudes by promoting positive mental norms can play a major role in increasing women's fertility intentions. Women's employment can increase women's willingness to have children by eliminating economic problems as the most important reason for reluctance to have children.

Keywords: Empowerment, fertility, reproductive behavior

مقدمه: اهمیت توانمندسازی زنان به حدی است که برنامه توسعه سازمان ملل «ارتقا برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان را یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره سوم اعلام کرده است. حقوق باروری و جنسی، در مرکز توجه موانع مرتبط با پیشرفت زنان، نائل شدن به اهداف بین المللی مورد توافق، تعهدات مرتبط با تساوی و عدالت جنسیتی قرار دارد و بسیاری از موانع موجود در تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان، به نادیده گرفتن این حقوق مرتبط می شود. علیرغم اهمیت و ضرورت مشارکت مردان در توانمندسازی زنان، به نظر می رسد آن ها از طرف جامعه و حتی زنان در خدمات مربوط به سلامت باروری نادیده گرفته می شوند. در حالی که نیاز به توجه بیشتر و حضور فعال مردان برای ارتقا سلامت خود و همسرانشان از نیازهای سلامتی مهم در حیطه بهداشت باروری می باشد. با توجه به این مهم، این مطالعه با هدف نقش مردان در توانمندسازی زنان انجام شد.

بررسی روش: این پژوهش یک مطالعه با رویکرد کیفی است. برای تبیین درک مردان از نقش خود در توانمندسازی همسرانشان در حوزه سلامت باروری و جنسی، شناسایی موانع، تسهیل کننده ها و راهکارهای ارتقاء مشارکت؛ مردان و سیاست گذاران خدمات سلامت باروری به طور هدفمند انتخاب شدند. داده ها با مصاحبه نیمه ساختار یافته ی عمیق جمع آوری، مکتوب و تحلیل گردید.

یافته ها: مطالعه نشان داد مردان درک خوبی از مشارکت در سطوح مدیریت خانواده، ایجاد بستر مناسب برای بارداری، اقدامات بهداشتی، پیشگیری، تربیتی و آموزشی دارند اما، طیف گسترده ای از موانع اقتصادی، روحی و روانی، فرهنگی و اجتماعی، آموزشی و سیاسی مانع از مشارکت آن ها شده بود؛ راهکارهای افزایش مشارکت مردان در توانمندسازی زنان در چهار طبقه اصلی، اصلاح و ارتقاء سیستم های آموزشی، اتخاذ سیاست های مناسب سیستم بهداشتی، حمایت و پشتیبانی دولت و سیاست های فرهنگی- اجتماعی قرار گرفت.

باروری برای مردان، بهسازی سیستم های آموزشی و بسیج کردن کل جامعه، آموزش ارائه دهندگان خدمات و حمایت سیاسی برای ارتقاء مشارکت مردان امری ضروری است. لذا لازم است با ارتقای آگاهی زنان و مردان توسط سازمانهای دولتی و غیردولتی راه نیل به این هدف را هموار نمود.

واژه های کلیدی: توانمند سازی، مشارکت مردان، سلامت باروری

بررسی تأثیر بعد خانوار پیش از ازدواج پرسنل شاغل در معاونت بهداشت و مرکز بهداشت استان اصفهان در تعداد فرزند آوری آنها پس از تشکیل

خانواده در سال ۱۴۰۱



نرگس سعیدی، مرجان مشکوتی*، امین اسماعیلی، اشرف منصوری، مه‌ری کاظمین

• معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه: در تعریف آماری، خانوار از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم‌خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. فردی که به تنهایی زندگی می‌کند نیز خانوار تلقی می‌شود. در آمار جمعیتی از تقسیم تعداد جمعیت به تعداد خانوار به عددی می‌رسند که بعد خانوار نام دارد. مثلاً سالنامه آماری سال ۱۳۶۴ ایران (ص ۵۲) به انواع خانوار (معمولی، معمولی ساکن، عشایری، متحرک و دسته‌جمعی) اشاره می‌کند و در تعریف خانوار معمولی، شرط خویشاوند بودن را معیار قرار نمی‌دهد، بلکه شرایط دیگری چون زندگی مشترک در یک اقامتگاه و هم‌خرج و هم‌سفره بودن افراد را دلیل وجود آنان در یک خانوار می‌داند. در این تعریف، خویشاوندی شرط نیست و ممکن است در یک خانوار افرادی وجود داشته باشند که خویشاوند نباشند. یک نفر به تنهایی می‌تواند یک خانوار باشد؛ اما اطلاق خانواده بر او مقدور نیست. بر اساس سرشماری‌های ۷ دهه اخیر با روند نزولی بعد خانوار رو به رو هستیم. به طوریکه از حدود ۵ عضو در سال ۱۳۳۵ به کمتر از ۳/۵ عضو در سال ۱۳۹۰ رسیده است. عمده کاهش میانگین بعد خانوار از سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ اتفاق افتاده است، و از ۵/۲ به ۳/۵ رسیده است. میانگین بعد خانوار از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ در مناطق شهری از ۴/۹ به ۳/۵ و در مناطق روستایی از ۵/۵ به ۳/۷ کاهش یافته است که تقریباً یک کاهش ۳۰ درصدی دارد. اگرچه میانگین بعد خانوار در تمام شهرستانهای ایران روندی کاهشی داشته است اما مقدار آن در میان شهرستانها متفاوت بوده است.

روش کار: جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق پرسشنامه می‌باشد. مطالعه از نوع مقطعی بوده است. جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق پرسشنامه می‌باشد و اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: در این مطالعه ۲۵۰ نفر از پرسنل مرکز بهداشت استان اصفهان و خانواده‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گرفتند که از این تعداد ۶۵.۳ درصد خانم و ۳۴.۷ درصد آقا بودند. ۵۲.۷ درصد از پرسنل در رنج سنی ۳۶ تا ۴۵ سال قرار داشتند. ۱۹.۸ درصد مجرد و ۷۹.۲ درصد متاهل که از این تعداد ۳۵ درصد مجردین آقا و ۶۵ درصد خانم بودند و ۷۵ درصد مجردین سن ۳۶ تا ۵۰ سال بودند که از این تعداد ۸۰ درصد خانم و ۲۰ درصد آقا می‌باشند. ۴۵.۵ درصد دارای مدرک تحصیلی لیسانس، ۲۶.۷ درصد فوق لیسانس و ۱۳.۹ درصد دکتری بوده که ۴۵ درصد مجردین لیسانس، ۴۰ درصد فوق لیسانس و ۱۰ درصد دکتری و ۵ درصد هم‌دیپلم می‌باشند. ۷۰.۳ درصد از افراد بچه نداشته یا یک بچه داشتند. ۱ درصد از پرسنل ۳ فرزند، ۱ درصد از پرسنل ۴ فرزند و ۲۷.۷ درصد ۲ فرزند داشتند. ۳.۷ درصد پرسنل مساوی والدین خود فرزند داشتند. (۲ فرزند) ۲.۴ درصد بیشتر از والدین خود فرزند داشتند. (خودشان تک فرزند بودند و در حال حاضر ۲ فرزند دارند) ۹۳.۹ درصد کمتر از والدین خود بچه داشتند. ۷۲.۳ درصد تمایل به فرزند آوری ندارند، ۱۲.۹ تمایل به فرزند آوری دارند و ۱۴.۹ درصد به این سؤال پاسخ ندادند.

بحث و نتیجه گیری: یافته‌های این مطالعه نشان داد ۳.۷ درصد پرسنل مساوی والدین خود و ۹۳.۹ درصد کمتر از والدین خود فرزند داشتند و تنها ۲.۴ درصد از افراد بیشتر از والدین خود فرزند داشتند که این افراد خود تک فرزند بودند. با اطلاعات به دست آمده می‌توان به این نتیجه رسید که بعد خانوار شخص تأثیر بسزایی بر روی تعداد فرزندآوری او خواهد داشت و می‌توان پیش‌بینی نمود که فرزندان نسل حاضر که در هر خانوار یا تک فرزند و یا ۲ فرزند هستند در آینده بیشتر یا مساوی والدین خود فرزندآوری خواهند داشت. لذا پیشنهاد می‌گردد با ایجاد شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسب برای کودکان حال حاضر و والدین آینده می‌توان شاهد جبران کاهش جمعیت بود.

کلمات کلیدی: بعد خانوار، فرزندآوری، جمعیت

مقدمه: بارداری و زایمان با باورها و اعمال مذهبی و سنتی در بسیاری از کشورها در ارتباط است. باورهای مذهبی به بهبود سلامتی، کیفیت زندگی و افزایش اتکا به خدا منجر می‌شود. رابطه ایمان و اعتقادات مذهبی با سلامت جسم و روان رابطه اثبات شده‌ای است. با توجه به این عقاید می‌توان به مادر کمک کرد تا با حداکثر سلامت در برابر اضطراب‌های دوران بارداری مقابله کند و دوران بارداری، زایمان و پس از زایمان ایمنی را پشت سر بگذارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش اسلام در سلامت زنان باردار صورت گرفته است.

روش کار: در این پژوهش مروری بعد از استخراج کلیدواژه‌هایی چون بارداری، سلامت زنان و اسلام سرچ در پایگاه‌های اطلاعاتی چون گوگل اسکالر انجام شد و تعدادی مقاله استخراج شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که شادمانی در بارداری موجب کاهش افسردگی می‌شود و هرچه مدت زمان انس با قرآن و فعالیت‌های مذهبی زنان باردار بیشتر باشد، سطح شادمانی بالاتری دارند. تلاوت و شنیدن صدای قرآن نیز موجب کاهش درد زایمان زنان باردار می‌شود. همچنین مادران بارداری که معنویت بالاتری داشتند، اضطراب کمتری را تجربه کردند.

بحث و نتیجه‌گیری: در جامعه ما دین از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی است و در جهت کاهش اضطراب و ترس از زایمان و موفقیت زایمان طبیعی می‌توان مراقبت‌های بارداری را همراه با رویکردهای اسلامی و با استفاده از عوامل قدرتمندی مانند ایمان به خدا، انس با قرآن، فعالیت‌های مذهبی و معنوی همراه کرد. معنویت عنصری مهم برای آماده‌سازی زن برای مراحل زایمان است. آموزش‌های دوران بارداری بر مبنای آموزه‌های دینی موجب بهبود آگاهی‌های مادران باردار درباره مراقبت‌های دوران بارداری، زایمان و شیردهی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، بارداری، زنان

دکتر حسین سلطان محمدی^۱، دکتر فاطمه سلطان محمدی^۲

۱. دانشگاه علوم انسانی مفید، قم، ایران

۲. موسسه آموزش عالی الزهراء، قم، ایران

این مقاله با عنایت و علم به کاهش رشد جمعیت در سالهای اخیر در کشور و اختلاف نظر نظریه پردازان در مسأله افزایش یا کاهش جمعیت و در پاسخ به این سوال اساسی [که حکم تکثیر موالید و افزایش جمعیت در صورت تضعیف اسلام و امنیت ملی چیست؟] در صدد تبیین موضوع فرزند آوری و تکثیر موالید مبتنی بر مبانی فقهی و اصولی و با اتکا بر نظامات فقه شیعه، برای وضوح هرچه بهتر موضوع به رشته تحریر درآمده است. از این رو سعی شد در این مقاله، با رویکردی بر آیات و روایات و قواعد فقهی و اصولی به این مسئله نگریسته شود تا توانسته باشیم با تبیین مبانی فقهی ناظر بر تکثیر نسل، در راستای سیاست تکثیر موالید در عصر کنونی و بجهت اشاعه‌ی ارزشهای دینی و بومی و ارتقای علمی جامعه‌ی فقهاتی در این عرصه بسیار مهم سهم کوچکی را ایفا نمائیم.

با تعمق در مجموعه آیات و روایات مرتبط با فرهنگ افزایش جمعیت و با توجه به تدابیر مرتبط با مقوله تزاید جمعیت در احادیث وارد از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام از جمله تشویق و ترغیب به ازدواج به هنگام و مذمت زیستن بدون همسر، تشویق و تمجید از انجام ازدواج آسان، پافشاری بر علاقه و دلبستگی فطری انسان به فرزند، و توصیه به تزاید کمی و کیفی جمعیت [می‌توان اذعان نمود منظومه فکری راهبردی جمعیت در شریعت اسلام همانا تکثیر جمعیت کمی و کیفی در مسیر افزایش قدرت و توان جامعه اسلامی با انگیزه استقرار سیاست «تحقق آرمان خلقت و افزایش یاران و پیروان دین حق» می‌باشد از این رو می‌توان گفت که شریعت مقدس اسلام راجع به تکثیر اولاد در تمامی اعصار و امصار اهتمام ویژه داشته؛ چراکه تعابیر و مفاهیم وارد در احادیث اهل بیت (ع) به شکل یک قضیه حقیقی و به صورت یک خط مشی دائمی و همیشگی در شریعت مقدس اسلام مطرح است و لذا، از منظر حکم اولی، از دید اولاد و تکثیر نسل مقوله‌ای است که موافق با معانی و مفاهیم کلام وحی می‌باشد و معصومین (ع) نیز به آن توصیه فراوانی نموده اند.

یافته‌های پژوهش که با روش اسنادی و با مراجعه به آیات و روایات و قواعد فقهی و اصولی سامان پذیرفته حاکمی از آن است علاوه بر دلالت برخی از نصوص بر تکثیر نسل، می‌توان به اقتضای درک قطعی عقل، مطلوبیت تکثیر نفوس را برداشت نمود. همچنین از جمیع آیات و روایات و قواعد عقلی، اصولی و فقهی ناظر بر تکثیر موالید چنین استنباط می‌گردد که تحدید نسل مؤمنین زمانی که موجب تضعیف اسلام گردد و امنیت ملی را به مخاطره اندازد، جایز نیست، بلکه تکثیر موالید ضروری و لازم می‌گردد.

واژگان کلیدی: مبانی فقهی، فرزند آوری، افزایش جمعیت، کنترل موالید

بررسی تاثیر آموزش تلفنی مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی (HBM) بر اقدام به سقط مادران متاهل و متمایل به سقط در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در شهر اصفهان

پرستو جهادی^۱، مرجان بیگی^۲، زهرا سهرابی^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

۲- عضو هیات علمی گروه مامایی و بهداشت باروری، مرکز تحقیقات علوم باروری و سلامت جنسی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه: سقط های غیر قانونی از مهمترین عوامل مرگ مادران باردار هستند. آموزش روش اساسی پیشگیری اولیه است. مدل اعتقاد بهداشتی یکی از مدل هایی است که برای برطرف کردن مشکلات بهداشتی وارد حیطه بهداشت شده است. با توجه به موانع آموزش حضوری در افراد متمایل به سقط، آموزش تلفنی انتخاب شد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش تلفنی مبتنی برمدل اعتقاد بهداشتی بر اقدام به سقط مادران متاهل و متمایل به سقط در شهر اصفهان انجام شد.

روش ها: در این پژوهش کارآزمایی بالینی (N166640221129022 IRCT) جامعه پژوهش کلیه زنان متاهل متمایل به سقط مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت بودند. از میان مراکز، ۴ مرکز به صورت تصادفی انتخاب شدند. از بین این ۴ مرکز، دو مرکز به صورت تصادفی برای گروه مداخله و دو مرکز دیگر برای گروه کنترل انتخاب شدند. ۷۲ نفر از مادران باردار دارای شرایط ورود به مطالعه به روش نمونه گیری تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه محقق ساخته بر اساس سازه های HBM با ۳۴ گویه بود. برای افراد در گروه مداخله ۳ جلسه آموزش تلفنی (با استفاده از خط تلفن آموزشی) در نظر گرفته شد. افراد گروه کنترل مراقبت های معمول را دریافت کردند. طول مدت آموزش هر جلسه ۲۰ دقیقه بود. پرسشنامه ها یک بار قبل از مداخله و بار دیگر ۱ هفته پس از آموزش (با توجه به امکان تصمیم آنی مادران در جهت اقدام به سقط) تلفنی تکمیل شد. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS۲۲ انجام شد.

نتایج: قبل از مداخله میانگین نمره دو گروه در متغیرهای حساسیت، شدت، منافع، موانع و خودکارآمدی درک شده در قصد اقدام به سقط مادران اختلاف معناداری نداشت. یک هفته پس از انجام مداخله، میانگین نمره متغیرهای حساسیت، شدت، منافع و خودکارآمدی در گروه مداخله افزایش معنادار ($P < 0.001$) داشت. بر اساس نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی، در گروه مداخله میانگین نمره موانع درک شده بعد از مداخله بطور معناداری کمتر از قبل از مداخله بود ($P < 0.001$). اما اختلاف معناداری در میانگین نمره موانع درک شده آزمودنی های گروه مداخله و گروه کنترل مشاهده نشد ($p = 0/517$).

نتیجه گیری: یافته ها بیانگر تاثیر آموزش تلفنی بر اساس HBM در پیشگیری از اقدام به سقط مادران متاهل و متمایل به سقط بود. بنابراین این الگو می تواند در طراحی و اجرای مداخلات آموزشی در پیشگیری از سقط مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه ها: مدل اعتقاد بهداشتی، آموزش، آموزش تلفنی، سقط، سقط القایی، مادر، متاهل

Pregnancy with IUD perforation: a case report



Shamsi Zare, M.D.^١, Rozbeh Sohrabi, M.D.^٢, Hana Sohrabi, M.Sc.^{٣*}

^١. Department of Obstetrics and Gynecology, Faculty of Medicine, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

^٢. Students Research Committee, Faculty of Medicine, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

^٣. Students Research Committee, Faculty of Nursing and Midwifery, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Introduction: While intrauterine devices (IUDs) are known for their low failure rate in preventing pregnancy, there are potential risks associated with their use, such as uterine perforation and migration through the abdomen. In this particular case, the patient experienced both IUD failure and perforation simultaneously, with the device becoming embedded in an omentum.

Case presentation: A ٢٨-year-old woman at ٣٩ +١ weeks of gestation presented for cesarean section. During the cesarean section, it was discovered that the IUD had entered the omentum through a hole in the posterior part of the uterus. The result of the birth was a boy who was alive.

Conclusions: In the present case, the co-occurrence of IUD embedment in the omentum and pregnancy posed a challenge due to the device's rapid and imprecise shift, which complicated its accurate localization. In such scenarios, ultrasonographic guidance can serve as a valuable tool to enhance accuracy and minimizing adverse outcomes.

Keywords: uterine rupture, intrauterine device, omentum

حمیدرضا سوداگر^{۱*}، موسی الرضا اسحاق پور رضایی^۲، حمیده رضایی^۳

۱. اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۲. اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، تهران، ایران

۳. اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان شمالی، بجنورد، ایران

چکیده

مقدمه: ازدواج و تشکیل خانواده آغازگر باروری و منشا تولد است و از دیدگاه جمعیت شناسی، باروری مهمترین پدیده تعیین کننده نوسانات جمعیت (ساخت جنسی و سنی جمعیت) شناخته شده است. در بیشتر کشورها اهتمام به خانواده به ویژه فرزندآوری، جزء راهبردها و برنامه های توسعه آن کشور محسوب می گردد.

مواد و روشها: روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است که با بررسی منابع، مقالات و مطالعات کتابخانه ای و با ابزار فیش برداری انجام شده است.

یافته ها: دولتها طرحهای تشویقی مختلفی جهت فرزندآوری به خانواده ها پیشنهاد می نمایند تا جامعه را جوان کرده و از پیری جمعیت جلوگیری نمایند. چون بیشتر مشکلات خانواده ها برای فرزند آوری به بخش اقتصادی مربوط می شود دولتها سعی می نمایند تا مشکلات اقتصادی فرزندآوری را برای خانوادهها تسهیل نمایند، ولی بودجه دولتها محدود بوده و وعده های بسته های تشویقی مالی یا محقق نمی گردد یا به تعداد کمی از خانواده ها تعلق می گیرد. بنابراین طرحها باید قابلیت اجرایی داشته باشند تا دغدغه خانواده ها از بابت وعده های دولت مطمئن گردد. طرح تعاملی دولت - خانواده جهت تشویق به فرزند آوری خانواده ها یک طرح تعاملی بین دولت و سرپرست خانوار می باشد که در صورت توافق قراردادی نوشته می شود و تعهدات دولت و خانواده در طی قرارداد ۶ ساله انجام می گیرد. در صورت اجرای این طرح دغدغه خانواده ها در خصوص مشکلات مالی فرزند آوری تا حدودی در آینده مرتفع می گردد.

نتیجه گیری: با بر طرف نمودن مشکلات اقتصادی تا حدودی می توان امیدوار بود اقشار و یا دهک های پایین جامعه از این طرح استقبال کرده و مشکلات اقتصادی جامعه تا حدودی بر طرف گردد و جامعه به سمت افزایش فرزندآوری حرکت نماید. ولی این مرحم کوتاه مدت است و برای علل کاهش جمعیت عوامل دیگری از جمله فرهنگی و اجتماعی را نیز بررسی نمود.

کلمات کلیدی: طرح تعاملی ، فرزندآوری ، تسهیلات ، قرارداد

خانواده اولین و کوچکترین واحد اجتماع است که از بهم پیوستن خانواده ها مجموعه های بزرگتر جمعیتی شکل می گیرد. ازدواج در بینش الهی پیمانی مقدس و نقطه آغاز تشکیل یک خانواده است که در سایه ی آن نه تنها به نیاز جنسی – که یک نیاز طبیعی و غریزی است پاسخ داده می شود بلکه منجر به ایجاد روابط عاطفی و رسیدن به اهداف والای زندگی می شود.

از موضوعات مهم جمعیت شناختی کشور در سال های اخیر بحث کاهش جمعیت و سالخوردگی آن است که مقام معظم رهبری (مدضله العالی) در بیانات مکرر خود به خطر کاهش جمعیت و لزوم تغییر سیاست های جمعیتی کشور تاکید کرده اند.

بالا رفتن سن ازواج و احیانا ازدواج گریزی جوانان کشورمان و تبلیغات غلط تجدید نسل تحت تاثیر کشورهای ظاهر متمدن غرب و اجرای نادرست سیاست های تنظیم خانواده در سال گذشته کشور را با بحران جمعیتی مواجه کرده و در صورت ادامه ی این روند با کمبود نیروی فعال پویا و بانشاط نسل جوان مواجه خواهیم شد.

کلید واژه : فرزند آوری . جمعیت. خانواده. سبک زندگی

۱. زهرا شاهرود دزفول ۲. حدیث منجزی حسینی ۳. فاطمه خیریت *

۱. گروه مامایی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران

۲. گروه مامایی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران

۳. گروه مامایی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه خیریت f.kheiriyat@gmail.com شماره تماس: ۰۹۱۰۶۰۷۱۰۰۴

مقدمه: ناباروری یکی از مشکلات مطرح در بین زنان جامعه است که بر سلامت روانی و عاطفی آن ها تأثیر بسزایی دارد. آرامش روانی اساس زندگی سالم است و ناباروری تأثیر مخربی بر آن دارد.

مواد و روش ها: مطالعه مروری موجود با استفاده از کلمات کلیدی ناباروری، سلامت روان و عوامل روانی در پایگاه های اطلاعاتی معتبر از جمله: Science direct, Iran medex, Iran doc, SID, Google Scholar, PubMed زنان و تأثیرات منفی ناباروری بر آن انجام شد. مقالات سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۳ بررسی شد و در نهایت از ۱۰۰ مقاله مطالعه شده ۵۱ مقاله که به صورت موثر و کاربردی در موضوع ناباروری و تأثیر آن بر سلامت روان زنان پرداخته بودند انتخاب و در این مطالعه مروری استفاده شدند.

یافته ها: علی رغم تمام پیشرفت های پزشکی، همچنان درصد قابل توجهی از زوجین نابارور موفق به درمان مشکل ناباروری خود نیستند. تأثیرگذاری ناباروری بر بعدهای روانی، عاطفی و حتی جسمانی به حدی است که فرد را از زندگی عادی خارج می کند و با انزوا و دوری گزینی از دیگران دچار اختلال های گوناگون روانی، عاطفی و جسمی می گردد. بر خلاف این که زنان و مردان به یک میزان در علت ناباروری دخیل هستند، اما به دلیل تعصبات اجتماعی، ناباروری یک مشکل زنانه تلقی می شوند.

نتیجه گیری: ناباروری زنان تهدیدی آشکار بر سلامت روان است و زندگی فردی و اجتماعی زنان را درگیر چالش های زیادی از جمله اضطراب، افسردگی، استرس، اختلال در زندگی زناشویی و احساس ناکارآمدی در جامعه می کند. طبق مطالعه انجام شده نیاز جامعه به بررسی بیشتر تأثیرات ناباروری بر سلامت روان زنان احساس می شود.

واژه های کلیدی: ناباروری زنان، عوامل روانی، سلامت روان

آنچه زنان باردار پرخطر می خواهند: یک مطالعه

کیفی در ایران

دکتر طلعت خدیوزاده^۱، دکتر زهرا شجاعیان^{۲*}، دکتر علی صاحبی^۳

۱. گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲. گروه مامایی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

۳. مربی ارشد و عضو هیات علمی موسسه گلستر، سیدنی، استرالیا

مقدمه: مادران در حاملگی پرخطر نیاز به پشت سر گذراندن مشکلات و انجام یکسری مراقبت‌های اضافه‌تر برای به سرانجام رساندن بارداری خود دارند. این مطالعه با هدف بررسی خواسته‌های زنان باردار پرخطر انجام شد.

روش کار: این مطالعه کیفی از تیرماه ۱۳۹۷ تا آذر ۱۳۹۸ در بیمارستان‌های آموزشی شهر مشهد به روش آنالیز محتوی هدایت شده (نثوری انتخاب گلستر) انجام شد. داده‌ها با استفاده از ۲۵ مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با مادران باردار پرخطر استخراج و تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت. ابتدا از مادران پرسیده شد به دنبال چه اطلاعاتی در بارداری پرخطر هستند و مصاحبه بر اساس راهنمای مصاحبه همزمان با استفاده از روش الو و کینگاس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد مادران برای تداوم فرزندآوری تا رسیدن به هدف و حفظ رویه طبیعی زندگی مصمم بوده و در این راستا خواستار تعامل بیشتر با تیم درمان برای مراقبت پزشکی همه جانبه و عاری از دغدغه بودند. داشتن فرزند سالم و جنسیت دلخواه در جهت حفظ ثبات در زندگی و تداوم رویه طبیعی زندگی روزمره و زناشویی مهمترین خواسته مادران بود. پاسخگو و خوش برخورد بودن، حمایت و مراقبت همه جانبه و به دور از سرگردانی و انگ بیماری خواسته مادران از کادر بهداشتی بود.

نتیجه گیری: دستیابی به هدف فرزندآوری و حفظ زندگی روزمره و زناشویی خواسته اصلی مادران است. یک رویکرد مادر محور و فردی، با زنان و برنامه ریزی مراقبت‌ها در راستای خواسته مادر میتواند در جهت انجام مراقبت‌های همه جانبه و رضایت مادر کمک کننده باشد.

کلمات کلیدی: حاملگی پرخطر، مراقبت همه جانبه، کیفی

الهام شریفیان^۱، دکتر محمدرضا اکبری^۲، زهرا حسینی خبوشان^۳، نازی شکراللهی*^۴

۱. اپیدمیولوژیست، معاونت آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. معاون بهداشتی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۳. معاون فنی، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۴. مدیر گروه آموزش و ارتقای سلامت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: سواد سلامت دربرگیرنده دانش، انگیزش و شایستگی های فرد برای دستیابی، درک، ارزشیابی و کاربرد اطلاعات سلامت است سازمان جهانی بهداشت (WHO) سواد سلامت را به عنوان یک ابزار برای دستیابی به چندین هدف کلیدی در اهداف توسعه پایدار پیشنهاد کرده است کمیت، کیفیت و توزیع بهینه جمعیت در پهنه سرزمین و مهم تر از آن رشد جمعیت یکی از شاخص های تاثیر گذار در فرآیند توسعه پایدار است. مطالعه بررسی سواد سلامت در جمعیت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی و شناسایی پیشرانهای جمعیتی و اجتماعی موثر بر آن گامی در جهت شناخت و تبیین بهتر سواد سلامت و توسعه جمعیت پایدار در جامعه مورد مطالعه می باشد..

مواد و روش: این مطالعه توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی، با حجم نمونه ۹۸۶ نفر از افراد ۱۸ تا ۶۵ سال دارای پرونده خانوار بهداشتی که به مراکز بهداشتی درمانی مراجعه نموده بودند تکمیل گردید. نمونه گیری بصورت خوشه ای و با توجه به موقعیت و عوامل اثرگذار بر سواد سلامت انتخاب شدند. ابزار مطالعه حاضر پرسشنامه سنجش سواد سلامت ایرانیان بوده Health Literacy for Iranian Adults (HELIA) مورد استفاده قرار گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار ۲۶ spss و آزمون آماری آنالیز واریانس یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل

قرار گرفت

وضعیت و سواد سلامت	سن	تحصیلات	تعداد	درصد	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
تاهل	± ۷۹/۱۱ ۲۱/۳۹	± ۷۸/۴ ۱۷/۱۰	زن	489	49.6	123.89	26.059	P-value = ۰.۰۰۱ t-test = ۳.۶۶
			مرد	497	50.4	117.83	25.86	
مجرد	± ۶۷/۹ ۷۱/۲۶	± ۹۲/۴ ۱۸/۱۰	گروه های شغلی	تعداد	درصد	میانگین	انحراف معیار	P-value = ۰.۰۰۸ F = ۲.۳۸
			شاغل	322	32.7	129.66	22.77	
			بیکار	61	6.2	116.81	26.61	
			خانه دار	367	37.2	120.20	26.2۲	
			بازنشسته	37	3.8	111.75	25.39	
آماره آزمون	۱۱/۱۲	-۰.۲/۰	محصل	45	4.6	125.82	17.75	سطح معناداری
سطح معناداری	۰۰۰/۰	۹۸۴/۰	سایر	154	15.6	106.24	26.79	

بحث و نتیجه گیری: با توجه به میانگین سنی، جمعیت مجرد استان در سنین نرم ازدواج و باروری قرار دارند و طبق درصد پایین اشتغال در استان برنامه ریزی توسعه ای در فراهم سازی زیر ساخت های اشتغال زایی که از شروط اساسی و ضروری تشکیل خانواده محسوب می شود صورت پذیرد و علاوه بر آن با توجه به توزیع فراوانی جمعیت مجرد استان تدابیر لازم از جمله توانمندسازی افراد جامعه و طراحی برنامه های متنوع در راستای اهمیت توسعه پایدار و جوانی جمعیت در مراکز آموزشی متوسطه و عالی و همچنین سازمان های اداری دولتی و غیر دولتی شهرستان های با آمار بالای مجرد اندیشیده شود. و برنامه ریزی و تامین زیر ساختهای مناسب با افزایش جمعیت و رشد توسعه پایدار توصیه می گردد.

کلمات کلیدی: بزرگسالان ۱۸ تا ۶۵ سال، سواد سلامت، توسعه جمعیت پایدار

چکیده

مقدمه: تدوین و ابلاغ منشور حقوق بیمار اقدامی ارزشمند در جهت ایفای حقوق بیمار است. اما زمانی که تمهیداتی جهت فرهنگسازی، توجه همه جانبه به حقوق کلیه ذیفعان، شناسایی موانع، راهکارهای اجرایی شدن منشور و لحاظ نمودن رعایت حقوق بیماران بعنوان یکی از شاخصهای ارزیابی مراکز ارائه خدمات سلامت فراهم گردد، می توان به رعایت آن امید بیشتری داشت. هدف مطالعه بررسی اثربخشی آگاهی از حقوق بیمار بر تعهد حرفه ای ماماها و خدمات دریافتی مادر باردار می باشد.

روش جستجو: مطالعه ای مروریست که جستجوی مقالات ده سال اخیر با استفاده از کلمات کلیدی به فارسی و انگلیسی در پایگاه های PubMed, Scopus, Google Scholar صورت گرفت.

یافته ها: جهت ارتقاء رعایت منشور حقوق بیمار و با هدف خدمات بالینی، توجه ویژه به آموزش و ارزیابی تعهد حرفه ای یک ضرورت و اولویت است، به ویژه آنکه در دهه های اخیر مراکز آموزشی درمانی با چالشهای مختلفی، از جمله رقابت شدید در نیروی کار و ورود فناوریهای متنوع جدید به حوزه های پزشکی مواجه شده اند که ضرورت توجه را به موضوع تعهد حرفه ای دو چندان می کند. بازنگری در برنامه آموزشی دانشجویان مامایی برای ارتقای آگاهی ایشان از حقوق بیمار و نهادینه سازی آن توصیه می شود. رعایت اصول اخلاق حرفه ای و اجرای رویکرد مراقبتهای اخلاق مدار و انسان محور در فرایند زایمان نسبت به رویکردهای طبی و پزشکی در ایجاد تجربه خوشایند برای زائو کاملاً اثرگذار می باشد. از این رو آموزش و تاکید جدی بر رعایت کدهای اخلاق حرفه ای به ارائه دهندگان خدمات سلامتی در امر زایمان به منظور ایجاد رضایتمندی در زنان زائو، کاری بس ارزشمند است.

امروزه، بیمار یکی از اعضای فعال گروه مراقبت بهداشتی-درمانی تلقی می شود و منحصراً یک دریافت کننده غیرفعال خدمات نیست. باید تلاش های مستمری برای اطلاع رسانی صحیح به بیماران در مورد حقوق خود و انتظارات از خدمات ارائه شده توسط بیمارستانها و ارائه دهندگان مراقبتهای بهداشتی صورت گیرد. ضمناً کمیته ای برای نظارت بر رعایت حقوق بیمار تشکیل شود.

نتیجه گیری: بر اثربخشی آگاهی از حقوق بیمار بر تعهد حرفه ای ماما و خدمات دریافتی مادر باردار تاکید می شود.

واژه های کلیدی: آگاهی ماما، حقوق بیمار، تعهد حرفه ای، مراقبت از بیمار، مادر باردار

الهام شیردل

• کارشناسی ارشد آموزش مامایی، مربی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

چکیده

مقدمه: جمعیت جوان و فعال برای هر کشوری یکی از ابزارهای مهم قدرت و مهمترین سرمایه ملی است. اما اکنون جهان با چالش کمبود جمعیت روبه‌روست و این به یک معضل بنیادی برای کشورها تبدیل شده است؛ در سقط انتخابی، مادر یا جنین در معرض خطر جسمی است و دلایل متعدد احساسی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و روانی در این تصمیم‌گیری مؤثر بوده و زن را به سمت سقط عمدی می‌کشاند. لذا، این مطالعه با هدف ارائه راهکار و کمک به جوانی جمعیت در زمینه پیشگیری از سقط انتخابی جنین انجام شد.

روش کار: نوع مطالعه مروری می‌باشد. جستجو برای جمع‌آوری مقالات مرتبط با استفاده از کلمات کلیدی در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۴۰۲ در پایگاه‌های اطلاعاتی از جمله Google Scholar, Scopus, PubMed, Cochrane انجام گرفت.

یافته‌ها: به لزوم فرهنگ‌سازی در راستای فرزندآوری و پیشگیری از سقط، تأکید می‌شود که ماماها و بهورزان نقش بسیار پررنگی در این زمینه دارند و لازمست آموزشهای لازم در این راستا به آنها ارائه شود. برخی از حاملگیهای ناخواسته بدلیل روشهای پیشگیری از بارداری خطاپذیر اتفاق می‌افتند. یکی از راه‌های مثبت برای کاهش سقط جنین، اطمینان مادران از امکانات کافی برای تربیت فرزند در سلامت و امنیت می‌باشد. کادر درمان نیز در طول دوران تحصیل خود رشد اخلاقی لازم را برای مواجهه با این موضوعات با آموزش قوانین، انواع توجیهات اخلاقی شرع، توجیهات اخلاقی افراد متقاضی سقط عمدی و فلسفه‌های موجود در این رابطه کسب نمایند تا بتوانند به درستی تصمیم بگیرند؛ و باید توجه داشت محدودیت‌های سقط جنین، مهارتهای مورد نیاز پزشکان برای مراقبت (بهداشت باروری) از بیماران، به‌ویژه در شرایط اضطراری را مختل می‌کند که این امر آنها را در معرض خطر قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری: جهت ایجاد اطمینان خاطر مادران از سلامتی و امنیت آینده فرزندان، تصویب مقررات ویژه و اختصاص بودجه کافی از طریق سازمانهای ذیربط امری مهم به شمار می‌آید. در رسانه جمعی در زمینه فرزندآوری و نقش جوانی جمعیت در تامین نیاز آینده خانواده و اجتماع فرهنگ‌سازی صورت گیرد. از دوران تحصیل به رشد اخلاقی کادر درمان تأکید شود. قانونگذار نیز در حل مسأله جمعیت، باید بر مداخلات غیرقهری و ترغیب‌کننده تمرکز نماید.

کلمات کلیدی: سقط جنین، جوانی جمعیت، پیشگیری از سقط. سقط انتخابی

The prevalence of domestic violence in pregnant women referring to Bentolhoda hospitals and relation of its with Adverse pregnancy outcomes in Conditions of of Covid-19 Pandemic Disease



Ashraf Saber (M.Sc) *^۱, Maryam Omidi (M.Sc)^۲, Fereshteh Eidy (M.Sc)^۳, Rahman panahi (Ph.D)^۴, Mahdis Mehrabi Bardar (M.Sc)^۵, Zahra Moghadasi (B.Sc)^۶, Shiva Pournaliroudbaneh (M.Sc)^۷, Ahmadrza Shamsabadi (Ph.D)^۸

۱. Instructor, Department of Nursing, Master of Midwifery, School of Medical Sciences, Esfarayen Faculty of Medical Sciences, Esfarayen, Iran
۲. Master of Midwifery, Bent Al-Hoda Hospital, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd, Iran.
۳. PHD Student of Biostatistics, School of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
۴. Research Center for Social Determinants of Health, Research Institute for Endocrine Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
۵. Master of Midwifery, Bent Al-Hoda Hospital, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd, Iran.
۶. Bachelor's degree in Midwifery, Bent Al-Hoda Hospital, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd, Iran.
۷. Ph.D. scholar, Psychosocial health and wellbeing research (emPoweR) Unit, Department of Obstetrics and Gynaecology, University of Melbourne, Australia.
۸. Assistant Professor, Department of Health Information Management, School of Medical Sciences, Esfarayen Faculty of Medical Sciences, Esfarayen, Iran.

Introduction: During the COVID-19 pandemic, pregnant women bear considerable physical and psychological stress because of their special conditions, which combined with other stress factors such as violence, makes their situation even more critical. This study aimed to investigate the The prevalence of domestic violence in pregnant women referring to Bentolhoda hospitals and relation of its with Home Quarantine in Conditions of of Covid-19 Pandemic Disease.

Materials and Methods: This analytical cross-sectional study was conducted in ۲۰۲۰-۲۱ on ۲۰۶ pregnant women between the ages of ۱۵ and ۴۱ years, who were referred to the Bentolhoda Hospital in Bojnord city for childbirth. Mothers were selected by convenience sampling method. The tools used included demographic and midwifery information questionnaires, violence against women questionnaire and Questionnaire to measure the level of home quarantine compliance. Data analysis was done using SPSS statistical software. A p-value of less than ۰,۰۵ was considered significant. **Results:** The average age of pregnant mothers was $۲۶,۹۳ \pm ۶,۲۲$ years. The prevalence rate of violence against pregnant women (experience of at least one type of domestic violence by the husband) was ۶۴,۶%. The most common violence was mental violence ۵۶,۳%. sexual violence ۳۰,۶%, economic violence ۲۵,۲%, physical violence ۱۸,۹% and psycho-social deprivation ۱۶% were in the next ranks. Observance of home quarantine and severity of domestic violence against women were at moderate levels. The results of the logistic regression test showed that the variables of baby's gender, women's education level and adherence to home quarantine were effective factors on the severity of domestic violence against women. There was no significant relationship between adverse pregnancy and neonatal outcomes, infant anthropometric indices and domestic violence ($P < ۰,۰۵$).

Conclusion: The findings of this study indicate a high prevalence of domestic violence and its relevance to home quarantine during the Covid-19 pandemic. Therefore, it is necessary to pay more attention to these women in the design and implementation of educational and support programs to prevent the occurrence of domestic violence and reduce its negative effects.

Keywords: pregnancy, violence, quarantine, Adverse pregnancy outcomes, Covid-19

قصد باروری و تاثیر آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی

شده بر زنان تک فرزند : یک مطالعه کارآزمایی در عرصه



علی عالمی^۱، معصومه اسمعیل زاده^۲، رضا اسماعیلی^۳، محمد مطلبی^۴، علی اکرامی نوقابی^۵، مریم صابری^{۶*}

۱. دانشیار اپیدمیولوژی، گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۲. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت

۳. استادیار گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۴. دانشیار گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۵. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، امور دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

۶. مربی گروه بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

چکیده

مقدمه: باروری یکی از عناصر مهم رشد و تناسب جمعیت می باشد. با توجه به روند کاهش میزان باروری کل در ایران و رسیدن آن به پایین تر از حد جایگزینی، مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر قصد باروری زنان همسر دار انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مداخله ای بر روی ۱۰۰ زن همسر دار در سن باروری تحت پوشش مراکز سلامت جامعه شهر گناباد انجام شد. آزمودنی ها از طریق نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه آزمون و شاهد (هر گروه ۵۰ نفر) تخصیص یافتند. داده ها وارد نرم افزار SPSS ۲۰ شده، با استفاده از آزمون های آماری تی مستقل، تی زوجی و کای دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بین ویژگی های دموگرافیک آزمودنی ها در دو گروه آزمون و شاهد تفاوت معنی داری مشاهده نگردید. همچنین پیش از مداخله، تفاوت معنی داری بین میانگین نمره سازه های تئوری مذکور بین دو گروه مشاهده نشد. در حالیکه پس از مداخله، میانگین نمره نگرش ($P=0/014$)، کنترل رفتار درک شده ($P=0/042$) و قصد رفتاری ($P=0/005$) دو گروه با یکدیگر تفاوت معنی داری داشت.

نتیجه گیری: یافته های مطالعه نشان داد مداخله آموزشی بر مبنای تئوری رفتار برنامه ریزی شده میتواند بر قصد باروری زنان تک فرزند اثرگذار باشد. به کارگیری این مدل در برنامه های آموزشی مرتبط با سیاست رشد جمعیتی و طراحی مداخلاتی برای تشویق زوجین به فرزندآوری پیشنهاد می شود.

واژه های کلیدی: قصد باروری، تک فرزندی، آموزش

Investigating the Effect of Synbiotic and Sperigen Supplementations on Spermatogram in Idiopathic Non-Obstructive Oligo/Astheno/Teratozoospermia: A Double - Blinded Randomized Clinical Trial



Fatemeh Saghafi¹, Ali Zarehoroki², Serajodin Vahidi^{3,4}, Adeleh Sahebhasaghi^{*4}

1. Department of Clinical Pharmacy, Faculty of Pharmacy and Pharmaceutical Sciences Research Center, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.
2. Department of Urology, Faculty of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.
3. Andrology Research Center, Yazd reproductive Sciences Institute, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.
4. Department of Internal Medicine, Clinical Research Center, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

Abstract

Background: Male infertility is influenced by a variety of etiologies, including quantitative and qualitative impairments in spermatogenesis. Antioxidants scavenge reactive oxygen species (ROS) which reduce sperm motility, damage to DNA, and subsequent apoptosis in sperm cells. In this study, we aimed to evaluate the effect of oral Synbiotic and Sperigen, as antioxidant agent, on spermatogram in idiopathic Oligo/Astheno/Teratozoospermia (iOAT).

Materials and Methods: This double-blind randomized clinical trial was conducted on infertile male with iOAT. Totally, 33 patients with iOAT were blindly randomized into two groups, one group received Sperigen, as an antioxidant agent. The second group, in addition to Sperigen, the patients received 300 mg Synbiotic (FamiLact) on a daily basis. They continued their treatments for 3 months. Semen parameters were measured before and after intervention.

Results: Supplementations with combination of Synbiotic and Sperigen compared with Sperigen alone significantly increased the average change of sperm progressive motility (P-value= 0.001), DNA fragmentation (P-value= 0.001), and diminished the levels of non-motile sperm (P-value= 0.018). Eventually, within-group analysis indicated that all parameters were significantly improved in both groups, except non-progressive motility in Sperigen group.

Conclusion: The combination of Synbiotic and Sperigen (an antioxidant supplement) appears to be much more effective than using antioxidant alone in improving the DNA fragmentation, count, and progressive motility of sperm.

Keywords: Sperigen, idiopathic Oligo/Astheno/Teratozoospermia, sperm, antioxidant, supplement

Evaluation of Therapeutic Effects of Crocin in Patients with Polycystic Ovary Syndrome: a Randomized Double-Blind Clinical Trial



Fatemeh Saghafi^۱, Atiyeh Javaher^۲, Farhad Mohammadi^۳, Nooshin Hatamizadeh^۴, Fatemeh Khanizadeh^۵, Mahdieh Safakish^۶, Adeleh Sahebhasagh^{۷*}

۱. Department of Clinical Pharmacy, Faculty of Pharmacy and Pharmaceutical Sciences Research Center, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.
۲. Department of Obstetrics and Gynecology, Faculty of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.
۳. Department of Pharmaceutics, School of Pharmacy, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences and health services, Yazd, Iran.
۴. Department of Obstetrics and Gynecology, Faculty of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran.
۵. Department of Obstetrics and Gynecology, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
۶. Department of Medicinal Chemistry, School of Pharmacy, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences and health services, Yazd, Iran.
۷. Clinical Research Center, School of Medicine, Department of Internal Medicine, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

Abstract

Background: Polycystic ovary syndrome (PCOS) is the most common endocrine-metabolic disorder that manifests itself in women of reproductive age. Crocin is known as the main and active component of saffron, which has antioxidant properties and has the ability to scavenge free radicals. In the present study, we investigated the therapeutic effects of crocin in patients with PCOS.

Methods: This study is a prospective and double-blind randomized controlled clinical trial. Fifty patients with PCOS and hirsutism were selected from Baqaipour Obstetrics and Gynecology Clinic in Yazd and randomly assigned into the two study arms of control group [metformin and placebo (n=۲۵)] or intervention group [metformin and crocin (n=۲۵)]. Patients used crocin ۱۵ mg tablets once a day for ۱۲ weeks to complete three full periods of the monthly cycle. The studied endpoints were evaluated at the beginning and end of the study.

Results: Crocin significantly improved the serum level of follicle-stimulating hormone (FSH) ($P = ۰,۰۴۸$) and Ferriman- Gallwey score ($P = ۰,۰۴۲$) at day ۹۰. Furthermore, crocin group had a significant improvement in terms of acne severity at the end of the study ($P = ۰,۰۳$), so that none of the patients in the crocin group had severe acne at the end of the study. However, the comparisons between the two interventions were not statistically significant for other evaluated outcomes including fasting blood sugar (FBS), dihydroepiandrosterone-sulfate DHEA-S, luteinizing hormone (LH), dermatology life quality index (DLQI), and blood pressure (BP) at the end of the study.

Conclusion: In the present study, concurrent use of crocin along with metformin was significantly effective in ameliorating the unpleasant side effects of PCOS, including hirsutism and acne, and increasing FSH sex hormone levels in patients with PCOS.

Keywords: polycystic ovary syndrome, metformin, crocin, saffron.

مقدمه: سیاست ها و برنامه های جمعیتی در هر کشوری به عنوان مبنایی از توسعه اقتصادی اجتماعی محسوب می شوند. سرشماری های اخیر از تحولات جمعیتی مهمی در آینده ایران خبر می دهد؛ به گونه ای که براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، میانگین نرخ رشد جمعیت در سال به ۱/۳ درصد کاهش یافته است در حالی که این نرخ در سال ۱۳۸۵ حدود ۱/۶ درصد بوده است. تبعات احتمالی کاهش شدید TFR، دولت مردان و سیاست گذاران جامعه را وادار به تجدید نظر در سیاست های جمعیتی، تصویب و اجرای برنامه هایی به منظور جلوگیری از پیر شدن جمعیت در سال های آینده و تشویق خانواده ها به زاد و ولد بیشتر نموده است.

روش جستجو: داده های مورد نیاز در این تحقیق از منابع الکترونیکی منتشر شده و مقالات منتشر شده در پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Scopus و Science Direct و SID و Google Scholar استخراج شده است. واژگان کلیدی زیر جستجو شدند: سیاست های جمعیتی، فرزندآوری، فرصت ها و چالش ها، تحلیل سیاست، در مجموع ۲۸ مقاله یافت شد. پس از حذف موارد تکراری، عناوین و چکیده های ۱۵ مقاله بر اساس معیارهای ورود بررسی شدند. در نهایت ۹ مقاله باقی ماند که به صورت متن کامل بررسی شدند و معیارهای ورود به مطالعه ما را داشتند و در این مطالعه قرار گرفتند.

یافته ها: فرصت ها و چالش های جمعیت همواره در حال تغییر و تحول هستند و تدوین سیاست ها و برنامه های جمعیتی در هر دوره ای مستلزم شناخت جهات آسیبزا و مساله آفرین روندهای جمعیتی از یک سو و فرصت های بر آمده از تحولات جمعیتی از سوی دیگر است، مطالعات متعدد نشان می دهد گذار جمعیتی در کشور برای همه مناطق یکسان و یکنواخت نبوده است، لذا توجه به تفاوت های منطقه ای، قومی و محلی در سیاست گذاری امری ضروری در تدوین و اجرای سیاست های جمعیتی در کشور است.

نتیجه گیری: سیاست های افزایش جمعیت به علت شرایط حاکم بر جامعه با چالش نارضایتی اجتماعی مواجه است. به نظر می رسد ضروری است نگرش افراد جامعه نسبت به فرزندآوری را در بستر نهاد خانواده مطالعه و تبیین نمود؛ به دلیل آنکه فرزندآوری همچنان امری اجتنابناپذیر و ضروری است. در مجموع، موفقیت سیاست های کلی جمعیت و افزایش باروری در کشور مستلزم برنامه ریزی جامع همراه با تلاش پیگیر و مستمر است، و در هر شرایطی ارائه برنامه های حمایتی برای افزایش فرزندآوری در آینده ضروری است. حتی اگر تاثیر سیاست ها بر افزایش باروری ناچیز باشد، باید در نظر داشت که ارائه حمایت های رسمی و غیررسمی حداقل از کاهش بیشتر باروری و رشد کاهنده جمعیت در آینده پیشگیری می نماید.

واژه های کلیدی: سیاست های جمعیتی، فرزندآوری، فرصت ها و چالش ها، تحلیل سیاست

بررسی تاثیر هاپتوتراپی بر دلبستگی مادر جنین در زنان

باردار با بارداری برنامه ریزی نشده



کبری صالحی^۱، فاطمه محمدی^۱، تهیمینه عطابخشی^۲

۱. استادیار گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان

۲. کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان

مقدمه: در دوران بارداری مادر با جنین خود ارتباط برقرار می کند. این ارتباط که تحت عنوان دلبستگی نامیده می شود، در خوشایندسازی تجربه بارداری، سلامت روان مادر و ارتباط مادر شیرخوار در دوران پس از تولد اهمیت زیادی دارد. عوامل زیادی از جمله تمایل زوجین به بارداری بر دلبستگی مادر جنین نقش دارند. به طوری که در بارداری های برنامه ریزی نشده این ارتباط تحت تاثیر قرار می گیرد. بنابراین، انجام مداخلاتی برای پذیرش و سازگاری با بارداری و افزایش دلبستگی به جنین در این مادران اهمیت فراوانی دارد. یکی از مداخلات موثر بر بهبود ارتباط و دلبستگی مادر به جنین هاپتوتراپی است. در این مطالعه به بررسی هاپتوتراپی و تکنیکهای آن (لمس و صحبت کردن با جنین، نقاشی مادر روی شکم خود و ترسیم شکل شماتیک جنین و توجه به مراحل تکاملی جنین) بر دلبستگی مادر- جنین پرداخته می شود.

مواد و روشها: در این کارآزمایی میدانی که از مرداد ماه تا بهمن ۱۴۰۱ در مراکز جامع سلامت شهر اصفهان انجام شد، ۶۶ مادر باردار کم خطر که در هفته ۲۴-۲۰ بارداری بودند، به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی با استفاده از قرعه کشی در دو گروه آزمون و مداخله قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه دموگرافیک و باروری و پرسشنامه دلبستگی مادر- جنین کرانلی بود. گروه آزمون در یک برنامه آموزشی حضوری به مدت ۳ جلسه در قالب گروههای کوچک ۳ تا ۵ نفره شرکت کردند. سپس در منزل بر اساس برنامه ای که به آنان داده شده بود، به انجام فعالیتهای مورد نظر پرداختند. در اولین جلسه آموزش حضوری (در هفته های ۲۸-۲۴ بارداری) با تاکید بر مکالمه و تعامل مادر با جنین، نحوه شمارش حرکات و صحبت کردن با جنین به مادر آموزش داده شد و از مادران خواسته شد در یک برنامه منظم روزانه، ۳ بار در هفته همزمان با شمارش حرکات جنین با او صحبت کنند. در جلسه دوم آموزش حضوری (در هفته ۳۲-۲۸ بارداری) متناسب با سن بارداری مادران، یک فیلم سه بعدی از جنین در حال تکامل نمایش داده شد و در مورد سیر تکاملی جنین نیز با آنها بحث و تبادل نظر صورت گرفت. در سومین جلسه آموزش حضوری (۳۴-۳۲ هفته بارداری) با تاکید بر لمس عاطفی، ابتدا از مادر خواسته شد درباره نحوه قرار گیری جنین در رحم خود، حدس بزند، سپس مانور اول و دوم لئوپولد توسط پژوهشگر با همراهی دست مادر و توضیح ساده این مانور، انجام شد. بر اساس مانور لئوپولد، شکل شماتیک قرارگیری جنین درون رحم با استفاده از رنگ انگشتی بدون ضرر بر روی شکم مادر نقاشی شد. در گروه کنترل، مراقبتهای روتین بارداری انجام شد. در هفته ۲۴ و پس از پایان مداخله در پایان هفته ۳۴ بارداری، پرسشنامه دلبستگی مادر جنین کرانلی توسط دو گروه تکمیل شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نسخه ۱۶ و در سطح معنی داری ۰/۰۵ انجام شد SPSS نرم افزار

یافته ها: اختلاف معناداری در ویژگی های فردی- باروری بین دو گروه مداخله و کنترل وجود نداشت. میانگین نمرات دلبستگی مادر به اما (P < ۰). آزمون: 10.01 ± 187.39 ، کنترل 10.20 ± 92.24 ، 0.56) جنین قبل از مداخله بین دو گروه تفاوت آماری معنی داری نداشت (P > ۰). آزمون 10.91 ± 6.46 ، کنترل 91.33 ± 9.60 ، 0.001) پس از پایان مطالعه اختلاف بین دو گروه معنی دار بود

نتیجه گیری: یافته ها نشان داد استفاده از تکنیکهای مرسوم در هاپتوتراپی از جمله لمس و صحبت با جنین، نقاشی روی شکم مادر و ارسال عکس های تکامل هفته به هفته جنین در بهبود دلبستگی مادر جنین موثر است. لذا با توجه به سهولت آموزش و تمرین و تکرار تکنیکهای مورد استفاده در مطالعه حاضر و اهمیت دلبستگی مادر به جنین در بارداریهای ناخواسته، استفاده از این تکنیکها در مراقبت از این مادران باردار توصیه می شود

The effect of couple counseling based on Cognitive emotion regulation on the fear of child birth in primigravida women: A randomized-controlled clinical trial



Mohaddesi H, Sabouri A

- Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Abstract

Background and Aim: The birth of a baby and childbirth is an important process in a woman's life. Although childbirth is a physiological process, pregnant women may experience it with fear And the memory of it will remain in his mind forever. And created adverse psychological effects. In addition, fear of childbirth has led women to cesarean delivery. Studies have shown that various interventions reduce this fear. Therefore, the present study aimed to determinethe effect of couple counseling based on Cognitive emotion regulation on fear of childbirth in first pregnant women.

Method: The present study is a clinical trial. of the general health service centers of salmas the three levels(high-income, low-income and suburban), were randomly selected three center as intervention and three centers as control. 60 pregnant women were selected based on available inclusion and exclusion criteria and assigned to two intervention and control groups. After selecting the samples, in addition introducing the aims of the study, written consent form was obtained and completing the demographic information questionnaires, Wijma delivery expectancy questionnaire(W-DEQ). The control group received routine cares of centers.but The intervention group In addition to routine care,received eight couples counseling sessions based on Cognitive emotion regulation of 60-70 minutes per week. At the end of the sessions, post-test questionnaires were completed by both groups. and the results were analyzed using SPSS 26 software.

Results: The mean scores of fear of childbirth in the intervention group ($06,33 \pm 9,91$) and the control group ($07,07 \pm 10,96$) before intervention were not statistically significant ($p = 0,66$), but After the intervention in the intervention group ($24,02 \pm 12,37$) and in the control group ($07,71 \pm 9,04$) were significantly different ($P < 0,001$).

Conclusion: According to the present study, couples counseling sessions based on cognitive emotion regulation is effective in reducing the fear of childbirth. Therefore, it is suggested that, couples counseling sessions based on cognitive emotion regulation is performed by midwifery consultants along with routine care, in health care centers.

Keywords: emotion regulation, couple counseling, fear of child birth, nulliparous



what is the main actors involved in population policy?- A review

Zahra toghiyani

- PhD candidate in reproductive health, Department of Midwifery and Reproductive Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Background: Population policies are highly complex and intensely political. The implementation of these policies should be done by employing different actors in a society. Thus the current study was conducted as a review to assess the main actors involved in population policy.

Material & Methods: The current study was conducted as a review in selected databases (PubMed, web of science, Scopus, magiran, sid, and google scholar) with keywords such as "Policy analysis", "Population policy", "Main actors", "Government" and "Society". At first, all articles published until september ۲۰۲۳ were searched and entered into the Endnote software (ver. ۱۸), after removing similar articles, at first the title and abstract of the articles and then the full text of articles are read, and if they are related to the topic, they are entered into the study.

Results: There are several main actors involved in population policy, including: ۱. Government play a crucial role in formulating and implementing population policies. They establish laws, regulations, and programs to address population issues, such as fertility rates, migration, and aging populations. Governments also allocate resources and funding for population-related initiatives. ۲. International Organizations such as the United Nations Population Fund (UNFPA) and the World Health Organization (WHO), play a significant role in shaping population policies globally. They provide technical expertise, research, and funding to support countries in developing and implementing effective population policies. ۳. Non-Governmental Organizations (NGOs), both local and international, often work alongside governments and international organizations to advocate for population-related issues. They provide support, resources, and services to communities, particularly in areas such as reproductive health, family planning, and gender equality. ۴. Academia and Research Institutions contribute to population policy by conducting studies, analyzing data, and providing evidence-based recommendations. Their research helps policymakers understand population dynamics, identify challenges, and develop effective strategies. ۵. Civil Society organizations, including advocacy groups, community-based organizations, and grassroots movements, play a crucial role in population policy. They raise awareness, mobilize communities, and advocate for the rights and needs of specific population groups. Civil society organizations often work to ensure that population policies are inclusive, equitable, and responsive to the needs of marginalized and vulnerable populations. ۶. Private Sector including businesses and corporations, can also play a role in population policy. They may contribute through corporate social responsibility initiatives, funding research and development of population-related technologies, or implementing workplace policies that support employees' reproductive health and family planning. ۷. Media plays a significant role in shaping public opinion and influencing population policy. Journalists and media outlets can raise awareness, provide information, and facilitate public discourse on population-related issues. They can also hold governments and other actors accountable for their population policies and actions.

Conclusion: There are several main actors involved in population policy such as Government, International Organizations, NGOs, Academia and Research Institutions, Civil Society, Private Sector and media. It is important to note that the main actors involved in population policy may vary depending on the country and context. Additionally, the involvement and influence of these actors can differ in terms of their roles, resources, and power dynamics.

Keywords: main actors, population policy, review

نگرش جوانان ایرانی به ازدواج و عوامل مرتبط با آن:

مروری بر مطالعات موجود



فرزانه ظاهری*، رویا کریمه، گلپهار قادرخانی، توار عبداللهی، مریم رضایی

* دانشکده پرستاری و مامایی سنندج، سنندج، استان کردستان، ایران

مقدمه: ازدواج یکی از رویدادهای مهم زندگی افراد و پایه تشکیل نهاد خانواده است. در ایران همانند برخی دیگر از کشورها، ازدواج تنها راه قابل قبول برای فرزندآوری است، بنابراین نگرش به آن یکی از متغیرهایی است که باید قبل از تصمیم گیری برای ازدواج مورد توجه ویژه قرار گیرد. در این مرور روایی نگرش جوانان ایرانی به ازدواج و عوامل مرتبط با آن بررسی شده است.

روش جستجو: این مرور روایی به بررسی مطالعات انجام شده در بازه زمانی سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ می پردازد. در ابتدا با استفاده از کلیدواژه ها و عبارات ازدواج، ازدواج جوانان، نگرش به ازدواج و نگرش جوانان ایرانی به ازدواج در پایگاه های معتبر علمی Pub Med ، ProQuest ، ISI ، Scopus ، Springer و همچنین SID و Magiran به جستجو پرداخته شد؛ سپس از تعداد ۲۶ مقاله یافت شده بعد از حذف خلاصه مقالات، مقالات کیفی، کتاب و مقالات مروری، در نهایت تعداد ۱۳ مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: براساس یافته ها، نگرش غلط به ازدواج و همسر، باورهای ناکارآمد، وجود خودسرگردانی ذهنی، چشم انداز زمان گذشته منفی، فردگرایی، مادی گرایی، شیوه استبدادی فرزندپروری و شیوه آزادگذاری مطلق فرزند از عوامل مرتبط با نگرش منفی به ازدواج و برون گرایی، کمال-گرایی، وجود جهت گیری مذهبی، دین داری و باورهای مذهبی درونی، وجود حمایت اجتماعی، مولفه عشق، اقتدار منطقی در فرزندپروری، چشم انداز زمان گذشته مثبت و حال لذت گرا، افزایش مطلوبیت رفتارهای مادر، بهبود الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ، افزایش تمایز یافتگی و گذراندن واحد بهداشت خانواده توسط دانشجویان از فاکتورهای مرتبط با نگرش مثبت جوانان ایرانی به ازدواج بوده است .

نتیجه گیری: با توجه به وجود عوامل مرتبط با نگرش منفی و بدبینانه در جوانان ایرانی به ازدواج و با عنایت به این نکته که کشور ما در گذار جمعیتی به سمت سالمندی بوده و ازدواج کماکان تنها راه قابل پذیرش فرزندآوری می باشد، تهیه و ارائه محتواهای آموزشی مناسب و مبتنی بر پیشگیری و بهبود رابطه، ارتقاء مهارت های ارتباطی برای جوانان و اجباری کردن مشاوره و آموزش برای زوج های در آستانه ازدواج، در کنار فراهم نمودن تسهیلات ضروری و پایه برای تشکیل زندگی، می تواند در افزایش نگرش مثبت به ازدواج و متعاقب آن موفقیت نهاد خانواده و فرزندآوری نقش موثر داشته باشد.

کلمات کلیدی: نگرش، جوانان، ازدواج

- سازمان تامین اجتماعی استان تهران، تهران، ایران

در تبیین رفتارهای باروری نظریه های متعددی مطرح و آزمون شده اند. در ابتدا نظریه های اقتصادی تبیین باروری از اهمیت زیادی برخوردار بود اما بعد نظریه های مرتبط با فرهنگ و تبیین ناهنجاری مطرح شد و امروزه نیز برخی نظریه های روانشناختی وارد حوزه باروری شده اند. در نظریه های روانشناختی عوامل جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی در نظر گرفته می شود. اما تاکید بر این است که در نهایت در مورد رفتار باروری زوجین تصمیم می گیرند و تصمیم فردی آن ها مهم تر از سایر عوامل است. تمایز آشکاری بین نیت مثبت (تمایل به داشتن فرزند/ فرزند دیگر) و نیت منفی (تمایل به بی فرزند ماندن یا نداشتن فرزند دیگر) وجود دارد.

خود کارآمدی یا self efficacy به معنای باور به توانایی های ذاتی به معنی ارزش گذاری مجموعه خاصی از نقاط قوت شناختی است. خودکارآمدی بر قدرت واقعی فرد در هنگام مواجهه با چالش ها و انتخاب هایی که فرد انجام می دهد تاثیر دارد. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا خود کارآمدی به عنوان باور شخص به موفقیت در یک موقعیت خاص یا انجام یک وظیفه است. بر اساس نظریه خود پنداره موفقیت ها و شکست ها ارتباط تنگاتنگی با نحوه دید افراد به خودشان و ارتباطشان با دیگران دارد.

خود کارآمدی: به معنای باور به توانایی های ذاتی به معنی ارزش گذاری مجموعه خاصی از نقاط قوت شناختی است. در این تحقیق از پرسشنامه خود کارآمدی عمومی ۱۷-GSE تالیف شرر، مادوکس، مرکاندانت، پرنیتیک- دون، جاکوبس و راجرز استفاده شده است. و با توجه به نتیجه بدست آمده از جواب فرد آزمون گیرنده به ۱۷ سوال ارائه شده در پرسشنامه تعیین می گردد .

گرایش به فرزند آوری: منظور گرایش و تمایل به داشتن فرزند از نظر اجتماعی و بیولوژیکی در بین خانواده ها است و با نتیجه بدست آمده از جواب فرد آزمون گیرنده به ۲۷ سوال ارائه شده در پرسشنامه **Toward Fertility And Childbearing Attitude (ATFC)** قصد یا نگرش به باروری و فرزند آوری که توسط سودبرگ و همکاران در سال ۲۰۱۳ ساخته شده است، تعیین می گردد .

جامعه آماری: مراجعین به مراکز درمانی بستر تابعه مدیریت درمان تامین اجتماعی استان تهران

روش نمونه گیری: نمونه با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران انجام شده است .

حجم نمونه: با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه ۲۷۷ نفر برآورد شده است .

نوع تحقیق: پژوهش از نگاه هدف کاربردی و از نظر چگونگی گردآوری داده ها، پژوهشی توصیفی همبستگی به شمار می رود.

تکنیک گردآوری داده ها: از روش کتابخانه ای برای گردآوری اطلاعات ادبیات تحقیق و روش میدانی برای جمع آوری داده های پژوهش

تکنیک تحلیل داده ها: از روش های موجود در آمار توصیفی و در بخش آمار استنباطی نیز از آزمون های آماری مرتبط

نتایج کاربردی: با توجه به اینکه اجرای مفاد مرتبط قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از وظایف و تکالیف سازمان ها و نهادها می باشد. رفع موانع فرزند آوری در میان مراجعین به مراکز درمانی تابعه و به ویژه تغییر باور و نگرش آنان، راهکار مناسبی جهت افزایش نرخ باروری و انجام تکالیف مرتبط می باشد

کلمات کلیدی: خودکارآمدی، فرزند آوری، گرایش به فرزند آوری



Exploring the neglected needs of abused pregnant women: A qualitative study in Iran

Malikeh Amel Barez^١, Raheleh Babazadeh^٢, Khadijeh Mirzaii Najmabadi^٣, Robab Latifnejad Roudsari^٤, Mojtaba Mousavi Bazaz^٥

^١PhD of Reproductive Health, Department of Midwifery, Faculty of Nursing and Midwifery, Mashhad Medical Sciences, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

^٢Assistant professor in Reproductive Health, Nursing and Midwifery Care Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

^٣Professor in Reproductive Health, Nursing and Midwifery Care Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

^٤Professor in Reproductive Health, Nursing and Midwifery Care Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

^٥MD, Professor, Department of Community Medicine, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Background: Domestic violence threatens maternal physical, psychological and emotional safety. Abused pregnant women need several interventions with the purpose of reducing domestic violence and its negative consequences that are not being considered.

Aim: The present study aimed to explore the neglected needs of abused pregnant women in Iran.

Methods: This qualitative study was performed from October ٢٠١٩ to August ٢٠٢١ in Mashhad, Iran. Semi-structured interviews and focus group discussion were conducted with ٢٤ abused pregnant women (١١ pregnant and ١٣ postpartum women) who were the victims of violence, and ٢٥ key informants (٢ husbands and ٢٣ specialist from various disciplines) until the data saturation was achieved. Participants were selected through purposive sampling. Qualitative data were analyzed based on the conventional content analysis adopted by Graneheim & Lundman.

Findings: The main concepts emerged from the data analysis were categorized into three major themes, comprising "need to empowering couples to reduce domestic violence during pregnancy", "demand for improved health care services", and "need to strengthen inter-sectoral, legal and social supports".

Conclusion: Abused pregnant women experienced several individual, interpersonal and inter sectoral needs. Awareness of policymakers and health system managers of these needs could be the basis for designing a supportive care program according to abused women's real needs. It is essential that supportive organizations cooperate with each other to provide integrated and coordinated services to abused pregnant women and strengthen and facilitate maternal access to supportive resources.

Keywords: Neglected needs, domestic violence, pregnancy, qualitative study



Comparative Study of Reproductive Behaviors in Two Ethnicities of Fars and Turkmen in North Khorasan, Iran

Zohreh Abasi (PhD)^۱, Zohreh Keshavarz (PhD)^۲, Mohammad Jalal Abbasi- Shavazi (PhD)^۳,
Abbas Ebadi (PhD)^۴, Habibollah Esmaily (PhD)^۵, Salar Poorbarat (BSc)^{۱*}

۱. Assistant Professor, Department of Midwifery, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۲. Associate Professor, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
۳. Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
۴. Professor, Behavioral Sciences Research Center, Nursing Faculty, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran
۵. Professor, Social Determinants of Health Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
۶. BSc of Nursing, Student Research Committee, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Background & aim: Cohesion and sense of ethnicity belonging can be effective in shaping reproductive behaviors. The aim of this study was to compare the reproductive behaviors in two ethnicities of Fars and Turkmen in North Khorasan, Iran.

Methods: This cross-sectional study was performed on ۴۰۶ Fars and Turkmen women using a self-structured reproductive behavior questionnaire between April and September ۲۰۱۷. Content validity and reliability of the tool was confirmed with Cronbach's alpha of ۰.۷۵. Data was collected on a self-report basis and analyzed using SPSS software (version ۲۱) and descriptive and analytical indices.

Results: Reproductive behaviors were significantly different between the two groups in terms of number of children ($P=۰,۰۰۱$), the timing of the first childbirth ($P=۰,۰۴۳$), interval between the first and second pregnancy ($P=۰,۰۰۲$), desire to re- childbearing ($P=۰,۰۰۲$), number of desired children ($P=۰,۰۲۵$), current method of contraception and decision to continue or terminate unwanted pregnancies ($P=۰,۰۷۴$). General linear test showed that with the introduction of demographic variables to measure the effect of the number of children in the analysis, the effect of ethnicity on the number of children was removed, but the variables of maternal age ($P=۰,۰۰۱$), husband's age ($P=۰,۰۰۱$), education of woman and husband ($P=۰,۰۰۱$) and the woman's job ($P=۰,۰۰۱$) remained as effective variables on the number of children. **Conclusion:** Today, the value of childbearing has changed more than other family values. In order to achieve the targets of population policies, population policy- making must be based on economic, social, cultural and demographic realities of the societies.

Key words: Ethnicity. Reproductive Behavior Childbearing

Fertility Issues among Young Cancer Survivors: A Systematic Review



Seyede Zahra Ghaemi (PhD)^{1*}, Abozar Javadipour (ASc)², Seyed Taghi Heydari (PhD)³, Zohreh Abassi (PhD)⁴

1. Assistant professor, Department of Midwifery, Estahban Branch, Islamic Azad University, Estahban, Iran
2. Associated Student in Prehospital Emergency care, Faculty of Paramedical Sciences, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran
3. Associate professor, Health Policy Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
4. Assistant Professor, Department of Midwifery, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Abstract

Background & aim: Fertility issues after cancer have recently received great attention. This study was designed to review the impacts of breast cancer treatment on fertility.

Methods: This study is a narrative review. Textbooks as well as electronic databases including ProQuest, Google Scholar, PubMed, Scopus, Web of Science, Science Direct, and MEDLINE were comprehensively searched for scientific literature. The search strategy was based on **keywords:** "Fertility", "Childbearing", "Breast Cancer Survivorship", "Reproductive Issues". A total of 270 titles and abstracts were recognized through searching. Studies, which focused on medical or biological consequences and included premenopausal women or subjects younger than 60 years, were eligible for review. After removing duplicates, studies focused on patients who were not in their reproductive age, and studies with stereotyped results, 30 articles met the inclusion criteria. The articles were screened with regard to their titles and types. The abstracts which best fitted the inclusion criteria were checked for eligibility, and then their full texts were read. To guarantee the consistency of the retrieved information, the data was independently extracted from each study by all the authors, and then was entered to the standardized tables.

Results: Long-term fertility dysfunctions happen in most patients under cancer treatment. Also, breast cancer survivors of the reproductive age suffered greater distress over cancer-related infertility.

Conclusion: Counseling methods to obtain information about the risk of treatment on fertility and ways to preserve fertility should be presented early in the treatment.

Key words: Breast Cancer Fertility Infertility. Reproductive Age Cancer Survivors

تبیین عوامل تاثیرگذار بر رفتار باروری از دیدگاه

متخصصین: یک مطالعه کیفی



زهرة عباسی^۱، زهرة کشاورز^{۲*}، محمدجالی عباسی شوازی^۳، عباسی عبادی^۴

۱. گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳. موسسه مطالعات جمعیتی اجتماعی، دانشگاه ملی استرالیا، استرالیا
۴. مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران

هدف: باروری، مسئول بقای بیولوژیک جامعه است، در نتیجه آگاهی از رفتارهای باروری و علل انتخاب این رفتارها، اهمیت بسیار دارد. لذا این مطالعه با هدف تبیین عوامل تاثیرگذار بر رفتار باروری از دیدگاه متخصصین، در سال ۹۵ طراحی شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه کیفی حاضر به روش تحلیل محتوا و با رویکرد استقرایی و به صورت مصاحبه فردی جهت جمع‌آوری نظرات گروه متخصصین بهداشت باروری و پرستاری و جمعی از بانوان فرهیخته خراسان شمالی با تخصص‌های متفاوت، در بیمارستان بنت‌الهدی و دانشکده پرستاری مامایی، و ستاد تبلیغات استان در رابطه عوامل تاثیرگذار بر رفتار باروری انجام گردید. مدت زمان هر مصاحبه‌ها بین ۳۰-۴۵ دقیقه بود. با تعداد ۴۰ نفر به اشباع رسید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، از نرم‌افزار MAXQDA ۱۰ استفاده گردید.

یافته‌ها: فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به پیدایش دو طبقه اصلی شامل عوامل زمینه‌ای (رفاه و دسترسی، فعالیت‌های اجتماعی، استقلال و اقتدار زن، عوامل قومی - مذهبی، بسته‌های تشویقی دولتی، تاثیرپذیری از فضای مجازی، وضعیت بهداشتی جامعه) و عوامل فردی شامل، رفتارهای سلامت باروری، خودحمایتی، تمایلات باروری زوجین و رجحان جنسیتی زوجین، قید و بندهای فرزندآوری، دغدغه سلامتی مادر و فرزند) می‌باشد. البته بعضی در هر دو حوزه اجتماعی و فردی می‌توانند قرار داده شوند.

نتیجه‌گیری: از آن‌جا که رفتار باروری به عنوان مهم‌ترین پدیده‌ی تعیین‌کننده نوسان‌های جمعیتی یک پدیده چندعاملی است و عوامل بسیار متنوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی، بیولوژیکی، روان‌شناختی و ... از طریق مکانیسم‌های پیچیده‌ای بر باروری اثر می‌گذارند، لذا شناخت عوامل تاثیرگذار بر رفتار باروری و سیاست‌گذاری متناسب با دیدگاه‌های مختلف و فرهنگ‌های متفاوت در کشور می‌تواند در اجرای سیاست‌های جمعیتی با رویکرد مثبت موثر باشد.

واژه‌های کلیدی: رفتار باروری، مطالعه کیفی، زنان



Postpartum care promotion based on maternal education needs: A mixed study

Sakineh Nazari^۱, Sepideh Hajian^۲, Zohreh Abbasi^۳, Hamid Alavi Majd^۴

۱. Department of Midwifery, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd
۲. Midwifery and Reproductive Health Research Center, School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
۳. Department of Midwifery, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd
۴. Department of Biostatistics, School of Allied Medical Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

BACKGROUND: The postpartum period can be considered as one of the most sensitive stages of life in different countries; however, it is inadequate in many developed and developing countries. We aimed to determine the educational needs of mothers in the postpartum period in Bojnourd.

MATERIALS AND METHODS: This study was conducted in Bojnourd ۲۰۱۹ with two parts: a qualitative part using the content analysis method and a quantitative part using the descriptive cross-sectional method. Data were collected ۴۰ interviews with women, spouses, and key informants. All content was recorded and fully transcribed on paper. MaxQda^۱ software was used for the data management. A simultaneous descriptive cross-sectional study was done including ۲۰ pregnant in the third trimester (۲۰,۶%), in the first ۴ h after delivery (۲۴,۴%), in the first ۶ months after delivery (۲۴,۴%), and in the second ۶ months after childbirth (۲۰,۶%) who referred to five health centers in Bojnourd to receive midwifery care. Quota sampling was performed for each center according to the population covered, and convenient sampling was done in each center.

RESULTS: In the qualitative study, educational needs were classified into four main categories, including “maintaining and restoring physical health,” “sexual health needs,” “mental health needs,” and “educational barriers.” In the quantitative study, according to the findings, the most educational needs among mothers were self-care and breastfeeding and the best time for teaching was during the pregnancy, and the best method was face-to-face training and the best source of information was midwives and gynecologists.

CONCLUSION: Attention to the educational needs of each region can be done through various training courses and continuous retraining to promote health provider and should be considered in the planning officials.

Keywords: Education need, mixed study, postpartum period

Investigating the diagnostic value of non-invasive prenatal test and amniocentesis for fetal screening



Fatemeh Arab^۱ PhD, Meisam Babaei^{۲*} MD, Ateeh Kalate^۳ MD, Vida Radi^۴ MD, Mahsa Jafarzadeh Hesari^۵

۱. Department of Medical Genetics, Faculty of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
۲. Department of Pediatrics, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۳. Department of Obstetrics and Gynecology, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۴. Department of Obstetrics and Gynecology, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
۵. Department of Research and Technology, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Introduction: Aneuploidy is one of the important fetal disorders. The diagnostic value and effectiveness of non-invasive prenatal test (NIPT) vs amniocentesis in pregnant women with abnormal results in biochemical tests of the first trimester and abnormal ultrasound findings are very important. Therefore, this study investigates the sensitivity and specificity of these two tests in the diagnosis of aneuploidy in pregnant women who have referred to Iran Farda Genetics Laboratory in a recent year.

Methods and Materials: This study was conducted on ۳۳۳ pregnant women who had intermediate/high risk of routine screening test and those with unusual findings in ultrasound. The results obtained from each group of patients were carefully examined and statistical analyzes were performed with SPSS software ۲۲.

Results: In this study, it was found that out of ۱۴۷ pregnant women who have done NIPT, ۶۸ (۴۶%) are intermediate risk, ۲۶ (۱۷,۶%) are high risk, ۲۳ (۱۵,۶%) are over ۳۵ or by personal request and ۲۸ people (۱۹%) had one or two soft markers in fetal ultrasound. Of these, two positive cases of sex chromosomes were identified, and normal results were obtained after amniocentesis. Also, out of ۱۸۶ pregnant women who have done the amniocentesis test, ۱۱۴ (۶۱%) are high risk, ۵۵ (۲۹,۵%) have abnormal fetal ultrasound findings, ۱۳ (۷%) are intermediate risk and ۴ (۲,۱۵%) have personal requests due to over ۳۵ or children who had family history of Down syndrome. Of these, ۷ cases of Down syndrome and one case of translocation ۱ and ۱۲ and one case of Robertsonian translocation ۱۳ and ۱۴ were obtained.

Conclusion: Obviously, in women with intermediate risk, NIPT is the best option compared to amniocentesis and has a very high diagnostic accuracy.

Keyword: Aneuploidy, NIPT, Amniocentesis

رویا نیکجو^۱، رومینا عربی^{۲*}

۱. هیات علمی گروه مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، ایران
۲. دانشجوی مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، ایران

پیش زمینه: خانواده اصلی ترین واحد اجتماعی است که تصمیم به باروری در آن واحد گرفته میشود. این تصمیمات خود در معرض روابط بین نسلی و بین جنسیتی قدرت در خانواده، مقتضیات اقتصاد خانواده و تفسیرهای فرهنگی است. این مطالعه به بررسی تاثیر توانمندسازی خانواده محور بر آینده جمعیت در قالب مروری پرداخته است.

روش کار: در این مطالعه مروری با کلید واژه های توانمندسازی، خانواده، جمعیت و کلمات مشابه در موتورهای جستجوگر و مطالعه کتب، مقالات خارجی و داخلی اطلاعات جمع آوری گردید.

یافته ها: خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی است که می تواند آئینه تمام نمایی از تحولات اجتماعی در سطح کلان جامعه باشد. گذار جمعیت یکی از تغییرات اساسی در جوامع است که به نوبه خود تاثیر زیادی در نظام خانواده داشته است. این تغییرات جمعیت شناختی در خانواده بستری را فراهم می کند که ساختار جامعه شناسی خانواده را تغییر می دهد. بنابراین مداخله در این امر برای تحکیم و ارتقای روابط درون خانواده لازم و ضروری است که این مسئله با باروری نیز مرتبط است. این موضوع در سیاستهای ابلاغی جمعیت توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تاکید قرار گرفته است. یکی از اصل های مورد تاکید در این ابلاغیه تاکید بر تحکیم بنیاد و پایداری خانواده است که در این راستا تاکید بر باروری طبق شرع اسلام و افزایش توانمندی خانواده ها از طریق برگزاری کارگاه ها و مشاوره در جهت تحکیم روابط خانواده است. مطالعات نشان میدهد که در تدوین سیاستهای جدید جمعیتی در راستای جوانی جمعیت صرفا نباید از طریق مشوق های مالی تاکید داشت، بلکه با توجه به ابعاد دیگر مسئله، خصوصا توانمندسازی خانواده محور توجه کرد.

نتیجه گیری: از آنجایی که روابط بین انسانها تا حدودی آموختنی است از این رو باید تربیت فرزندان طوری باشد که بر اساس احترام متقابل و گفتگو و مذاکره باشد، چرا که این امر در آینده تشکیل خانواده و ساختار آن برای فرزندان بازنمود می یابد. صاحبی در کتاب ازدواج بدون شکست مینوسد: شرط اثربخشی این آموزه ها این است که بپذیرند زندگی مشترک یک انتخاب است و این انتخاب هرگز بر روی ژن آدمیان برنامه ریزی نشده است و نیاز به آموزش و یادگیری است تا این سیستم پیچیده را بهتر بشناسند. برای این منظور برگزاری دوره های آموزشی و مشاوره ای در جهت توانمندسازی خانواده در راستای تحکیم بنیان خانواده مثر ثمر خواهد بود.

کلیدواژه ها: توانمند سازی، خانواده، جمعیت

The relationship between reproductive rights and reproductive health in women



Romina Arabi^۱, Roya Nikjou*^۲

۱. midwifery student Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran
۲. Department of Midwifery, School of Midwifery Nursing, Ardabil University of Medical Sciences, Iran

Abstract

Introduction: International human rights treaties require international and national laws to guarantee women's rights in the following areas: freedom from any form of discrimination; Freedom and security, marriage and family foundation, private and family life and information and education. and access to health care and the benefits of scientific progress. The challenge for feminists is to apply their methods of analysis to international human rights law to compensate for the legal neglect of women's reproductive health. Many of the ۳۰ million women and girls aged ۱۵-۴۹ requiring humanitarian assistance have inadequate access to the sexual and reproductive health (SRH) services to which they are entitled. Ensuring accountability is critical to realizing their SRH and reproductive rights (RR). This article argues that reproductive rights, health, and justice are based on human rights.

Search strategy: In this systematic review, online databases (Medline, EMBASE, Scopus, Web of Science, Cochrane Library, CINAHL, CIVILICA, and Google Scholar search engine) were searched with the keywords reproductive rights, reproductive health, women without time limit until ۲۰۲۲.

Results: Reproductive health (abortion, contraception, sex education, and assisted reproductive technologies) is being eroded by regressive laws and policies shaped by political conservatism, both domestically and internationally. Opponents of abortion, who view this aspect of women's health care as unethical, claim a moral high ground that commands the respect of reproductive health advocates who do not, unnecessarily, make moral arguments to refute these claims.

Conclusion: Over the past ۲۰ years, standards and guidelines and programmatic experiences related to accountability in humanitarian settings have increased. However, the emphasis on tools or mechanisms to respond to reproductive rights and reproductive health should be considered. This article argues that reproductive rights, health, and justice are based on human rights and, therefore, are ethical frameworks that can and should be used to effectively counter harmful reproductive health policies.

Keywords: reproductive rights, reproductive health, women

فاطمه عزیززاده^۱، زبیده رفعت^۲

۱. دانشجوی پرستاری، دانشکده پرستاری شیروان، دانشگاه علوم پزشکی بجنورد

۲. کارشناسی ارشد داخلی جراحی، مری، دانشکده پرستاری شیروان، دانشگاه علوم پزشکی بجنورد

مقدمه: کاهش باروری مضعلیست که جامعه در آینده با آن روبه رو میشود. با توجه به اهمیت موضوع برآینم که مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه نقش دین و جهت گیری های نگرش و ارزش افراد بر رفتار باروری بپردازیم. هدف اصلی پژوهش تبیین نحوه افزایش جمعیت و فرزندآوری مبتنی بر آموزه های دینی و کشف عوامل بازدارنده از فرزندآوری است .

روش: این پژوهش با روش مرور سیستماتیک و با استفاده از کتب مرتبط شامل فرزندآوری در سبک زندگی اسلامی (مسلم شو بکلایی)، کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین (آیه الله محمد حسین حسینی طهرانی) و مقالات مرتبط موجود در بانک های اطلاعاتی معتبر به زبان فارسی و انگلیسی شامل PubMed, Google Scholar, SID, Magiran, پر تال جامع علوم انسانی، بانک اطلاعات نشریات کشور و کلیدواژه های، دینداری، باروری، جمعیت، فرزندآوری خانواده و انگلیسی childbearing, Religiosity, Fertility, Family انجام شد پس از ارزیابی معیار های ورود و خروج در مقالات در نهایت ۳۰ مقاله که مناسبترین آنها از نظر پوشش موضوعی بودند از سال ۱۳۸۹_۱۳۹۹ یافت شدند و مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته ها: یافته ها نشان می دهند رابطه معناداری میان متغیر های فردگرایی، دینداری ارزشهای خانوادگی با نرخ باروری وجود دارد. در بعد فرزندآوری دین یک نیروی جمعگراست و انسان را از فردگرایی به جمع و جامعه میکشاند و آموزه های دینی بر سن ازدواج، تعداد فرزندان، استفاده از وسایل پیشگیری بر باروری اثر میگذارد، همچنین باروری مسلمانان ۸٪ از مسیحیان بیشتر است. زنان مسلمان مذهبی تراز زنان غیرمسلمان هستند و دینداری ارتباط مستقیمی با فرزندآوری دارد. با افزایش خانواده گرایی نگرش افراد به فرزندآوری مثبت میشود. با توجه به تاکید دین اسلام بر ارزش تشکیل خانواده و اینکه مذهب باعث وفاداری زوجین به یکدیگر میشود میتواند بر تمایلات به فرزندآوری تاثیرگذار باشد.

نتیجه: باتوجه به اثر بخشی قدرتمند دینداری و دغدغه های زوجین در مورد آینده و سبک زندگی بر فرزندآوری پیشنهاد میشود که برنامه های لازم برای اصلاح نگرش و باورهای زوجین در زمینه خانواده و فرزندآوری از طریق تقویت ارزش های معنوی و دینداری، کاهش دغدغه های والدمحور و فرزندمحور صورت گیرد.

کلید واژه : دینداری، جمعیت، فرزند آوری، گرایش به باروری

حمید علامه

• موسسه فرهنگی و هنری برگ زندگی پویا، فریمان، خراسان رضوی، ایران

با هدف کیفیت بخشی به جوانی جمعیت و با توجه به مشاهده و تجربیاتی که داشتیم و داریم، اقدام به نوشتن یک نامه به « مادران باردار » نمودیم و در این نامه به نکات مهم و ارزشمندی اشاره کردیم که در صورت انجام توسط مادر باردار، ما در یک چشم انداز ۵۰ ساله، انسان هایی باهوش، زیبا و نابغه خواهیم داشت. ان شاءالله.

کلمات کلیدی: مادران باردار ، جوانی جمعیت ، کیفیت بخشی به جوانی جمعیت

بررسی علل افزایش فاصله سنی بین فرزند اول و دوم زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله همسر دار شهرستان چادگان

لیلا علی محمدی^۱، دکتر سید ناصر حجازی^۲

۱. کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
۲. استادیار جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

مقدمه: باروری به عنوان یکی از مولفه‌های تاثیر گذار بر جمعیت اهمیت فراوانی در مطالعات جمعیتی دارد و مطالعه فاصله گذاری موالید به عنوان یک عامل تاثیر گذار بر میزان باروری نیز دارای اهمیت می‌باشد. در تحقیق حاضر به بررسی علل افزایش فاصله سنی بین فرزند اول و دوم زنان همسر دار ۱۵ تا ۴۹ ساله پرداخته شده است.

روش کار: جامعه آماری زنان دارای حداقل دو فرزند شهرستان چادگان که در سال ۱۳۹۶ به مراکز بهداشت این شهرستان مراجعه نموده‌اند (جمعاً شامل ۴۰۷۶ نفر) ، بر اساس فرمول کوکران ۳۵۲ نفر به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای از ۷ مرکز بهداشت شهری و روستایی این شهرستان انتخاب شده‌اند. بعد از تایید روایی و پایایی پرسشنامه (روایی از طریق روش اعتبار صوری و مقدار آلفا برای سوالات طیف لیکرت ۰/۷ و بیش از آن می‌باشد.) اطلاعات لازم جمع آوری شد

نتایج و یافته‌ها: استفاده از آزمون‌های آماری نتایج نشان داد بین حقوق مشترک بین زن و مرد ($P= ۰/۰۳۸$ و $r=۰/۱۱۱$)، مدت شیردهی فرزند اول ($P= ۰/۰۰۰$ و $r=۰/۲۲۴$)، میزان آگاهی و اطلاعات از وسایل و روش‌های پیشگیری از بارداری ($P= ۰/۰۱۸$ و $r=۰/۱۲۶$)، استفاده از وسایل و روش‌های پیشگیری از بارداری قبل از تولد فرزند دوم ($P= ۰/۰۲۲$ و $T=-۶/۴۴۴$)، تحصیلات زنان ($P= ۰/۰۱۲$) و $P= ۰/۱۳۳$)، تحصیلات همسر (مرد) ($P= ۰/۰۲۰$ و $r=۰/۱۲۴$)، سن زن در زمان ازدواج ($P= ۰/۰۴۹$ و $r=-۰/۱۰۵$)، سن مادر در اولین زایمان ($P= ۰/۰۳۲$ و $r=-۰/۱۱۴$) و وضعیت شغلی زنان ($P= ۰/۰۳۲$ و $f=۲/۹۶۶$) با افزایش فاصله سنی فرزند اول و دوم رابطه معناداری وجود دارد و بین نگرش به هزینه‌های ناشی از داشتن فرزند ($P= ۰/۷۵۷$ و $r=-۰/۰۱۷$)، وضعیت اقتصادی ($P= ۰/۱۱۹$ و $r=۰/۰۸۳$)، وضعیت شغلی همسر (مرد) ($P= ۰/۹۱۲$ و $T=۰/۱۱۱$)، مدت ازدواج ($P= ۰/۲۲۸$ و $r=۰/۰۶۴$) و محل سکونت ($P= ۰/۲۴۳$ و $T=۱/۱۶۹$) با افزایش فاصله سنی فرزند اول و دوم رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژه ها : فاصله گذاری موالید ، پیشگیری از بارداری ، وضعیت شغلی، مدت شیردهی ، هزینه‌های ناشی از داشتن فرزند و مدت ازدواج

بررسی میزان آگاهی پرسنل بهداشتی از مواد قانونی جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۲ در دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی



ربابه علی نیا کلاته^۱، مریم کامکار^۱، الهام منصوریان^۱، سحر سادات نظم بجنوردی^۱

^۱ بیمارستان امام رضا، بجنورد، خراسان شمالی، ایران

مقدمه: پرستاران بیمارستان یکی از مهم ترین اقدام کنندگان سلامت بیماران هستند. بخش های روانپزشکی نیازمند پرستاران خبره هستند که بتوانند علاوه بر اقدامات معمول پزشکی اقدامات ویژه ای برای بیماران روان عرضه کنند. این مطالعه به معرفی اقدامات پرستاری ویژه برای مادران پرخطر که در بخش اعصاب و روان بستری شده اند می پردازد.

روش کار: این مطالعه به روش کتابخانه ای با بررسی مقالات و کتاب های در دسترس اقدامات روانپرستاری در بخش های روانپزشکی به جمع آوری داده پرداخته است. همچنین چند مصاحبه کوتاه با پرستاران با سابقه که در بخش اعصاب و روان فعالیت داشته اند گردیده است. با توجه به اینکه مقالات فارسی و انگلیسی کمی درباره اقدامات روانپرستاری بخصوص برای مادران پرخطر وجود داشته ما به بررسی ۱۰ مقاله فارسی و انگلیسی از موتور جست و جوی گوگل scholar pubmed SID و نورومگز پرداخته ایم.

یافته: اقدامات مختلفی در حیطه ی پرستاری روان وجود دارد که بر خلاف سایر بخش های بیمارستاری کمتر دیده می شود. این اقدامات تناس بسیاری با تکنیک های روانشناسی دارد. همدلی با بیماران اعصاب روان یکی از تکنیک های مهم در روانپرستاری است که می تواند آرامش و اطمینان بیمار را برای ماندن در بخش خوردن دارو و سایر اقدامات را فراهم سازد. با توجه به خشم و احساسات سرکوب شده و بروز ناگهانی آن بویژه در مادران پرخطر روش های منحصر به فرد کنترل خشم (تکنک های کلامی پروتکل فیکس و تزریق دارو) می تواند نقش موثری داشته باشد. یکی از مهمترین کارهای روانپرستاران آموزش به بیماران از بدو بستری تا ترخیص به صورت مداوم است. که با پر کردن فرم های پرونده تا توضیحات کلامی نحوه مصرف دارو تا عوارض دارویی و زمان های مراجعه بعدی صورت می گیرد که می توان حتی خانواده بیمار را نیز درگیر فرایند درمان سازد. پیگیری سلامت مادر و فرزند و رژیم غذایی و خوردن مایعات از دیگر اقدامات پرستاری بخش روانپزشکی است.

نتیجه گیری: مادران پرخطر یکی از مراجعه کنندگان بخش اعصاب و روان هستند که به دلایل مختلفی چون اعتیاد نوسانات خلق و سایر خطرات روانی به بیمارستان مراجعه می کنند و به دلیل ارتباط ۲۴ ساعته که با پرستاران در بخش دارند نیازمند اقدامات ویژه روانپرستاری هستند. پرستاران بخش روانپزشکی یکی از گروه های کمک کننده به زنان هستند که ضمن خدمات بالینی می توانند نقش موثری در بهداشت روان زنان داشته باشند.

کلمات کلیدی: روانپرستاری، مادران پرخطر، سلامت زنان

راحله علیزاده^{۱*}، مریم قلی پور^۲، کریم علیزاده^۳

۲. کارمند علوم پزشکی خراسان شمالی
۳. دانشجوی دکتری تخصصی رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد
۴. کارمند علوم پزشکی خراسان شمالی

چکیده

زمینه: مسئله جمعیت و فرزندآوری از مسائل بنیادین در امر سیاست‌گذاری، نشاط اجتماعی و آینده‌نگری است که همواره مورد توجه صاحب‌نظران علوم مختلف بود است.

هدف: این پژوهش با هدف بررسی نقش فرزندآوری بر نشاط اجتماعی و امید به آینده می‌باشد.

روش تحقیق: روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد که با مرور منابع کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری انجام شده است.

یافته‌ها: بر اساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن متوسط رشد سالانه جمعیت کشور در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵، برابر ۱/۲۹ درصد بوده که در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ به ۱/۲۴ درصد تقلیل یافته است.

نتیجه‌گیری: در نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که موضوع جمعیت و تأثیر آن در تمامی برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی و ... موضوعی انکارناپذیر است. به تبع آن اگر فضای رفتاری حاکم بر جامعه و سبک زندگی در جهت رفتارهای مثبت فرزندآوری باشد، تأثیر بسزایی در ایجاد امید و انگیزه و نشاط برای فرزندآوری دارد. مهم‌ترین راهکارهای عملی افزایش جمعیت عبارت است از تشویق جوانان به ازدواج و کاهش سن ازدواج، برنامه‌های تحکیمی با هدف کاهش میزان طلاق، جلوگیری از وسایل ضدبارداری و عقیم کردن، درمان و معالجه ناباروران، افزایش امید به آینده، جلوگیری از بی‌بند باری و فساد اخلاقی. باید با برنامه‌ریزی‌های متعدد جمعیت کشور را افزایش داد در غیر این صورت کشور در آینده با معضل جمعیتی روبرو می‌شود و تأثیر منفی بر نشاط اجتماعی و امید به آینده می‌گذارد.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، نشاط اجتماعی، امید به آینده

بررسی تاثیر تنظیم کننده های مسیر PI³K به همراه انتی اکسیدانت ملاتونین بر روی تکوین جنین های متوقف شده

نازنین علیزاده

• دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

مقدمه: لقاح آزمایشگاهی از روش های کارآمد برای درمان ناباروری زوجین نابارور است. و از مشکلاتی که در این روش وجود دارد، توقف تکوین جنین ها در مرحله قبل از لانه گزینی است. جنین های متوقف شده را به سه دسته تقسیم بندی می کنند: نوع یک، با اختلال در فعال شدن ژنوم جنینی، نوع دوم و سوم با سطوح پایین گلیکولیز و بالا و اختلال در چرخه سلولی شناخته شده اند. با استفاده از کوچک مولکول ها و آنتی اکسیدانت ها و فاکتورهایی که مسیرهای پیام رسانی سلولی را تنظیم می کنند می توان بر اختلال توقف تکوین جنین ها غلبه کرد. از جمله مسیرهای فعال در پیشرفت چرخه سلولی مسیر PI³K است. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر تنظیم کننده های مسیر PI³K به همراه انتی اکسیدانت ملاتونین بر روی تکوین جنین های متوقف شده انسانی در آزمایشگاه است.

روش پژوهش: در این مطالعه با رضایت کامل و آگاهانه از بیماران، از جنین های متوقف شده ی ۷۲ ساعته انسانی موجود در بخش جنین شناسی کلینیک پژوهشگاه رویان، و بعد از اخذ کد اخلاق ۱۴۰۲،۰۰۸ IR.ACECR.ROYAN.REC. استفاده شد. پس از دوزیابی و انتخاب غلظت مناسب، جنین ها تحت تیمار گروه CHIR۹۹۰۲۱ در ترکیب با آنتی اکسیدانت ملاتونین گروه ملاتونین قرار گرفته در مقایسه با گروه کنترل و به مدت ۴۸ تا ۷۲ ساعت در انکوباتور کشت داده شدند. سپس جنین ها توسط میکروسکوپ اینورت از نظر مورفولوژی ارزیابی و بلاستوسیست های حاصله برای بیان ژن های OCT⁴، NANOG، SOX²، توسط تکنیک q-RT-PCR بررسی شد.

یافته ها: جنین ها در گروه های، + CHIR۹۹۰۲۱ ملاتونین و گروه ملاتونین از توقف خارج شدند و افزایش معناداری را نسبت به گروه کنترل نشان دادند. همچنین بیان ژن های پرتوانی SOX²، OCT⁴ در گروه های تیمار نسبت به گروه کنترل افزایش معناداری داشت پس میتوان گفت که آنتی اکسیدانت ملاتونین علاوه بر اینکه از طریق خواص آنتی اکسیدانتی خود که به تکوین جنین های متوقف شده حاصل از IVF کمک میکند از طریق تنظیم مسیر سیگنالینگ تنظیم کننده چرخه سلولی PI³K در ترکیب با کوچک مولکول ها هم میتواند در خروج جنین ها از توقف و رسیدن به بلاستوسیست نقش داشته باشد.

کلمات کلیدی: IVF، جنین، ناباروری، کوین

۱. کارشناس ارشد پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، ایران
۲. کارشناس پرستاری، شبکه بهداشت درمان قوچان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

مقدمه: سلامت معنوی یکی از ابعاد مهم سلامت است که می تواند باعث ایجاد معنا و مفهوم در زندگی، امید و آرامش درونی در فرد گردد. در سال های اخیر، کاهش باروری یک مسأله اجتماعی بوده است. انگیزه های فرزندآوری به عنوان محرک اولیه رفتار باروری و جزء مهم تصمیم گیری باروری در انسان ها است که تعداد دلخواه فرزند و زمان فرزندآوری متاثر از آن می باشد. با توجه به نقش زنان در فرزندآوری، این مطالعه با هدف تعیین میزان گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سلامت معنوی در زنان انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- همبستگی است بر روی ۲۲۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. آزمودنی ها با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه گرایش فرزند آوری و سلامت معنوی Paloutzian & Ellison بود که روایی آنها به روش تعیین ایندکس محتوا و پایایی به روش آلفای کرونباخ به ترتیب با ضریب ۰.۸۵ و ۰.۸۹ مورد تایید قرار گرفت. داده ها با استفاده از SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نمره گرایش به فرزندآوری 48 ± 6.3 و میانگین نمره سلامت معنوی 92.2 ± 7.8 بود. بین گرایش به فرزندآوری و سلامت معنوی ارتباط مستقیم و معنی داری وجود داشت ($p=0.03$) و ($r=0.32$).

نتیجه گیری: با عنایت به نقش و جایگاه زنان در جامعه و با توجه به نتایج مطالعه حاضر با تقویت سلامت معنوی زنان می توان گرایش به فرزندآوری را در این گروه افزایش داد.

کلمات کلیدی: گرایش به فرزندآوری، سلامت معنوی، زنان، مراکز جامع سلامت

The relationship between Self-Efficacy and empowerment of women in fertility: A Correlational Study



Maryam Fakhrbarati^۱, Abdolghaem Ghorbani^۲

۱. MSc Community Health nursing, Department of Nursing, Quchan Branch, Islamic Azad University, Quchan, Iran

۲. Undergraduate Nursing, Quchan health and treatment Network, Quchan, Iran

Introduction: Women all over the world have a very important and decisive role in managing family and society affairs. Self-efficacy is a person's judgment and confidence about the individual's abilities, which can affect a person's thought patterns in performing health behavior. Women's empowerment means the ability and the right to make free decisions in reproductive activities, which means women's access to resources and control over life, which makes them more independent. Considering the importance of this issue in women, this study was conducted with the aim of investigating the relationship between self-efficacy and empowerment of women in fertility.

Materials and Methods: A descriptive-correlation study was carried out in ۲۶۶ women attending health centers affiliated to Mashhad University of Medical Sciences. The subjects were recruited using cluster sampling. Three questionnaires were used to collect the data, including socio-demographic characteristics, women's empowerment in reproductive decision-making and the Sheeree's self-efficacy Scale. Data analysis was done in SPSS ۲۲.

Results: The mean self-efficacy score was $۶۸,۶۰ \pm ۷,۷۰$. The data showed that women had an average level of competence in fertility decision-making. Also, women's self-efficacy and empowerment of women in reproductive decision-making had a significant relationship ($p < ۰,۰۰۱$) ($r = ۰,۲۸$).

Conclusion: It seems that paying attention to improving self-efficacy in women will be useful in the ability of this group in fertility.

Key Words: Self-Efficacy, women empowerment, reproductive

بررسی تاثیر مشاوره فرزندآوری ماما-محور بر دانش، تمایل و قصد باروری در زوجین تازه ازدواج کرده، مراجعه کننده به مراکز

مشاوره قبل ازدواج

شمس الملوك فرامرزی^۱، میترا رحیم زاده^۲، راضیه لطفی^{۳*}

۱. کارشناسی ارشد مشاوره مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۲. دانشیار آمار و اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

۳. دانشیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

مقدمه: امروزه در بیشتر کشور های دنیا میزان باروری کلی رو به کاهش و سن اولین فرزندآوری رو به افزایش است. در کشور ایران نیز روند و الگو باروری نشان می دهد که تاخیر در فرزندآوری و تمایل به داشتن تعداد کم فرزند در کنار افزایش سن ازدواج از نگرانی های جدی محسوب می شود، از آنجایی که در مطالعات تاثیر ارتقا دانش باروری و تمایل و قصد باروری بر الگوی باروری موثر بوده است، مطالعه حاضر به بررسی تاثیر یک مداخله ماما محور بر دانش، تمایل و قصد باروری زنان و مردان در شرف ازدواج می پردازد .

مواد و روش ها : این یک مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی (IRCT20161230031662N12) که با مشارکت ۱۱۲ زن و مرد مراجعه کننده به مرکز مشاوره ازدواج در استان البرز در سال ۱۴۰۱ انجام شد. افراد ابتدا در دسترس وارد مطالعه شدند و سپس بر اساس بلوک های تصادفی چهار تایی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. گروه کنترل مشاوره روتین را دریافت نمود اما گروه مداخله علاوه بر مشاوره روتین، طی ۴ جلسه تحت مشاوره زوجی آنلاین با رویکرد ماما محور قرار گرفتند. هر دو گروه در ابتدا و انتهای مطالعه با استفاده از پرسشنامه های دانش باروری، تمایل باروری و قصد باروری مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار اس پی اس اس مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته ها : مقایسه میانگین نمرات دانش، تمایل و قصد باروری در دو گروه قبل از مداخله از نظر آماری با یکدیگر تفاوت معنا داری نداشتند اما پس از مداخله میانگین نمرات دانش، تمایل و قصد باروری در گروه مداخله به طور معنی داری نسبت به گروه کنترل افزایش یافته بود. ($p < 0.01$)

نتیجه گیری : مشاوره فرزندآوری ماما-محور می تواند به عنوان یک روش موثر در ارتقاء دانش، تمایل و قصد باروری در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره قبل ازدواج مورد استفاده قرار بگیرد.

واژگان کلیدی : مشاوره فرزندآوری ماما محور- دانش باروری- تمایل باروری- قصد باروری

رزیتا فیروزنیا*^۱، نسرین فرشلاف قاسمی راسخ^۲، نازیلا قیطرائی^۳، آرزو اصغری^۴، لیلا هاشمی^۵

۱. دکتر مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، کارشناس مادران معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز
۲. کارشناس مادران معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز
۳. کارشناس جوانی جمعیت دانشگاه علوم پزشکی تبریز
۴. کارشناس معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز
۵. کارشناس پایش و ارزشیابی معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: سلامت قبل از زمان بارداری به منظور حفظ جنین و سلامت مادر بسیار مهم است به همین دلیل با انجام مراقبت‌های پیش از بارداری می‌توان سلامت نوزاد و مادر را ارتقا بخشید. سقط جنین می‌تواند وابسته به عوامل مختلفی از جمله سن، ژنتیک، بیماری‌های زمینه‌ای مادر، مشکلات رحمی و... باشد. بررسی موارد خطر از جمله عوامل موثر در سقط در مراقبت پیش از بارداری به افزایش بهبود سلامتی فرد و انجام اقدامات لازم در این دوره منجر می‌گردد. مشاوره قبل از بارداری باعث می‌شود یک فرد حاملگی خود را با شرایط بهتری آغاز نماید و خطراتی که موجب عوارض و سقط در دوران حاملگی گردد در دوران قبل از بارداری اصلاح شود و سلامتی مادر و نوزاد تامین شود. لذا این مطالعه با هدف بررسی وضعیت مقایسه ای سقط جنین و انجام مراقبت پیش از بارداری در زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت دانشگاه تبریز براساس سامانه سیب در سالهای ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام گرفت.

روش مطالعه: این مطالعه توصیفی- تحلیلی است. داده‌ها از سامانه سیب استخراج شده است و در برنامه نرم افزاری Excel جمع بندی و تحلیل شده است و علت سقط جنین در زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: تعداد زنان واجد شرایط همسر دار در آذربایجان شرقی ۸۲۲۹۹۱ نفر بوده است. در سال ۱۴۰۱ تعداد زنانی که مراقبت پیش از بارداری دریافت نموده اند ۱۳۸۸۲۸ نفر و تعداد سقط ۳۷۵۴ نفر بوده است. در سال ۱۴۰۰ تعداد زنانی که مراقبت پیش از بارداری دریافت نموده اند ۸۴۴۶۷ نفر و تعداد سقط ۳۴۲۵ نفر بوده است که در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۱۱۹ نفر کاهش داشته ایم.

بحث و نتیجه گیری: بهبود سلامت قبل از بارداری موجب افزایش سلامت در دوران بارداری شده و در نتیجه پیش‌آگهی حاملگی را بهبود می‌بخشد. سقط جنین انواع مختلفی دارد که در یک حالت بعد از شروع بارداری، به دلایل جنینی یا مادری، پیش از بارداری می‌توان از سقط پیشگیری نمود همانطور هم که در نتایج بررسی این مطالعه مشاهده می‌گردد با افزایش مراقبت پیش از بارداری تعداد سقط کاهش پیدا کرده است. اما جهت بررسی ارتباط بین مراقبت پیش از بارداری و سقط نیاز به تعداد بیشتری مطالعه می‌باشد.

کلیدواژه: سقط، پیش از بارداری، زنان، مراکز جامع سلامت



Zahra Firouze^۱, Homa Firouze^۲, Salar Poorbarat^{*۳}

۱. Imam Jafar Sadiq University (AS), Bojnord, North Khorasan, Iran
۲. University of Bojnurd, Bojnord, North Khorasan, Iran
۳. Student research committee, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnord, North Khorasan, Iran

This article examines the demographic trends of world education in the second half of the ۲۰th century. The main emphasis of the article is on the trends of primary education in developing countries. Since the ۱۹۵۰s, the population growth in developing countries has seen an unprecedented increase, and after that, the number of people who are required to be educated in these countries has increased even faster than the population growth, which is partly related to the increase in enrollment coverage. In ۲۰۰۰, the world's compulsory education population was estimated to be about ۲ billion people, which is ۲,۳ times more than in ۱۹۵۰, and more than ۸۲% of them lived in developing countries. In the United Nations conferences, the goal of achieving "primary education for all" was determined by the year ۲۰۰۰, but many of the least developed countries failed to achieve it, and the time was changed to ۲۰۱۵. In developing countries, there is gender inequality in different educational stages, and the educational status of girls is worse than that of boys. The quality of education is very low and the rate of repetition and dropout is high. In some of these countries, the rate of completing the primary course was less than ۵۰%. Despite the increase in registration coverage, the number of illiterate adults increased due to the rapid growth of the population, and the share of the countries of sub-Saharan Africa, Arab and North African countries, and South and West Asia among the world's illiterate adults reached about ۷۰% in ۲۰۰۰. Today, among the developing countries, the education situation in Latin American and Caribbean countries is good and at the level of developed countries, in contrast to African countries, especially sub-Saharan African countries, they are in the worst situation. The possibility of reaching universal primary education for some countries of the latter category seems impossible for many years.

Keywords: Population, education, development, Primary education

پریسا فیضی، سید مرتضی موسوی جاجرمی، میترا صالحی

• دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: در سالهای اخیر یکی از مشکلات بسیار مهم در ایران کاهش باروری و فرزند آوری بوده است که تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی بسیاری به دنبال دارد. با گسترش فرایندهای مدرنیته بسیاری از جنبه های زندگی از جمله نگرش خانواده های ایرانی به فرزند آوری تغییر کرده و کاهش محسوس در میزان باروری، پدیده ی شایع در چند دهه اخیر بوده است. بررسی آیات و روایات نشان می دهد که به طور عموم نظر دین مبین اسلام نسبت به فرزندآوری مثبت است و برآن فواید و آثار مثبتی مترتب است، از جمله ی این آثار: کمک به والدین، ادامه دهنده راه والدین، فرزند به عنوان اعمال متأخر، نعمت الهی و سبب امتحان والدین، افزایش روزی، طلب آمرزش برای والدین و سپر آتش بودن فرزندان قابل ذکراند. همچنین زندگی با فرزند کم، آسیب هایی را در پی خواهد داشت که کاهش روزی، برکت و سخت تر شدن تربیت دیگر فرزندان از جمله ی این آسیبها است

کلمات کلیدی: زنان، باروری، اجتماع، تحصیلات، دین اسلام

تبیین درک و تجربه زنان مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس در خصوص راهکارهای توانمندسازی در ارتقای سلامت جنسی

دکتر ویدا قاسمی*^۱، دکتر معصومه سیمبر^۲، دکتر مژده بنایی^۳

۱. دکتری تخصصی بهداشت باروری، دانشکده علوم پزشکی اسدآباد، اسدآباد، ایران

۲. دکتری تخصصی بهداشت باروری، مرکز تحقیقات مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. دکتری تخصصی بهداشت باروری، مرکز تحقیقات مراقبت‌های مادر و کودک، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، بندرعباس، ایران

مقدمه: ابتلا به بیماری مزمن و درمان آن می‌تواند از راه‌های متعددی بر سلامت جنسی تأثیر منفی بگذارد. از میان این بیماری‌ها، زندگی جنسی افراد مبتلا به ام‌اس همواره چالش برانگیز بوده است. شناسایی راهکارهای توانمندسازی زنان برای غلبه بر تأثیر بیماری بر سلامت جنسی این افراد می‌تواند در ارتقای سلامت جنسی این بیماران مفید باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف درک و تجربه زنان مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس در خصوص راهکارهای توانمندسازی در ارتقای سلامت جنسی انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه یک پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی بود که بر ۱۵ زن مبتلا به ام‌اس واجد شرایط مراجعه کننده به انجمن ام‌اس ایران در تهران انجام شد. نمونه‌گیری بصورت هدفمند و با حداکثر تنوع بود و تا اشباع اطلاعات ادامه داشت. روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت مصاحبه و مدت هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود و تمام مصاحبه‌ها ضبط گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در MAXQDA ۱۰ با استفاده از رویکرد پیشنهاد شده توسط گرانهایم و لوندمن انجام شد.

یافته‌ها: نتایج تجربیات شرکت‌کنندگان را در سه طبقه‌ی خودمدیریتی بیماری و علائم آن (شامل زیر طبقات مدیریت علائم بیماری برای عدم تأثیر بر سلامت جنسی مانند استفاده از روان‌کننده‌های واژینال برای رفع خشکی واژن و مدیریت زمان و انرژی در رابطه‌ی جنسی مانند برنامه‌ریزی انجام رابطه جنسی در زمان مناسب با انرژی بیشتر)، خودمراقبتی (شامل زیر طبقات اصلاح سبک زندگی برای کنترل علائم بیماری مانند رعایت رژیم غذایی برای کنترل علائم بیماری و اجتناب از افکار منفی مانند فکر نکردن به موضوعات منفی در رابطه‌ی جنسی)، درمان‌جویی (شامل زیر طبقات کسب اطلاعات برای بهبود سلامت جنسی مانند جستجوی اطلاعات از منابع رسمی پزشک و مشاور و کاوش و تبعیت درمان برای بهبود سلامت جنسی مانند رعایت دستورات پزشک) نشان داد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد زنان مبتلا به ام‌اس برای غلبه بر تأثیر علائم بیماری بر سلامت جنسی به خودمراقبتی، خودمدیریتی و درمان‌جویی روی می‌آورند. شناسایی این راهکارها می‌تواند در طراحی مداخلات ارتقا دهنده سلامت جنسی در این بیماران موثر باشد.

واژگان کلیدی: مولتیپل اسکلروزیس، توانمندسازی، سلامت جنسی

معصومه قاسمیان*^۱، مریم میرزاعبداللهی^۲

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

مقدمه: باروری و گرایش به فرزند اوری از موضوعات مهم در حوزه جمعیت شناسی است. در طول چند دهه گذشته، نرخ باروری در کشورهای با درآمد کم و متوسط به طور قابل توجهی کاهش یافته است. توانمندسازی زنان به معنی قدرت بخشیدن به زنان برای تصمیم گیری مستقل درباره موضوعات اساسی زندگی است. فرض بر این است که زنان عامل اصلی فرزندآوری به شمار می آیند و توانمند شدن آن ها می تواند بر رفتار باروری شان تاثیر بگذارد و در صورت افزایش توانمندی، نقش آن ها در تصمیم گیری های مربوط به رفتارهای باروری پرنرنگ تر شده و منجر به بهبود آن می شود. باتوجه به اهمیت موضوع، مرور حاضر با هدف بررسی تاثیر توانمندسازی زنان بر نگرش آنان به باروری و فرزند اوری انجام شد.

روش جستجو: مطالعه حاضر از نوع مروری است. برای بررسی متون، ۱۷ مقاله مرتبط با هدف از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ با استفاده از کلیدواژه های "توانمند سازی"، "زنان"، "باروری"، "فرزند اوری"، بررسی شد. جستجوی منابع انگلیسی در پایگاه های اطلاعاتی بین المللی Pubmed, Google scholar و جستجوی منابع فارسی در پایگاه های داخلی SID, Magiran انجام شد.

یافته ها: در جستجوی اولیه ۲۳۵۴ مقاله یافت شد. پس از لحاظ کردن معیارهای ورود و خروج در نهایت ۱۷ مقاله وارد مطالعه شد. نتایج اکثر مطالعات حاکی از آن بود که افزایش سطح تحصیلات و آموزش زنان به عنوان یک مولفه اجتماعی، اشتغال، حضور آنان در اجتماع، عزت نفس و برابری جنسیتی از عوامل موثر بر توانمندسازی زنان می باشند

نتیجه گیری: با توجه به تاثیر توانمندسازی زنان بر نگرش آنان به باروری و فرزند اوری و با توجه به این که توانمندی زنان در جامعه وابسته به مولفه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است باید برای افزایش استقلال و توانمندسازی زنان بر اساس این مولفه ها اقدام کرد. و در نهایت از انجایی که تصمیم گیری در خصوص باروری و فرزند اوری در چارچوب خانواده و با توافق زوجین انجام می شود لذا اعمال سیاست های افزایش باروری و موفقیت آن، مستلزم بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه می باشد.

واژه های کلیدی: توانمندسازی زنان، باروری، فرزند اوری

Title: Empowering Women and Artificial Intelligence: A Review Study



Golnar Ghane^{1*}, Kamal Gharanjik² Asiye Soleimani³

¹Golnar Ghane, Assistant professor of nursing, Department of Medical Surgical Nursing; School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Emails: golnarghane@gmail.com. Tell: +989308389748 (Corresponding author).

²KamalGharanjik² Medical emergency expert, Tehran Emergency Center, Tehran, Iran.

³Asiyeh Soleimani³ Nursing expert, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnord

Abstract: The integration of artificial intelligence (AI) into various domains has the potential to empower women in numerous ways. This systematic review study explores the existing literature on how AI is being employed to empower women across different sectors. The study focuses on identifying the methodologies used, summarizing key findings, and providing insights into the implications and challenges of AI-driven empowerment for women.

Introduction: The advancement of artificial intelligence has brought about transformative changes in various aspects of society, including gender empowerment. This systematic review aims to provide an in-depth analysis of the current state of research on how AI is contributing to the empowerment of women. By examining the methods, results, and discussions of existing studies, this review intends to shed light on the multifaceted ways in which AI technologies are being harnessed to enhance opportunities for women.

Search Methods: In order to conduct this study, a comprehensive search was conducted in electronic databases including PubMed, MEDLINE and Google Scholar. The search terms used included "artificial intelligence", "women's empowerment" and "gender inclusion" and their related keywords. The search was limited to articles published in English between 2010 and 2023. A total of 86 related articles were found, after removing duplicates and applying inclusion and exclusion criteria, a total of 6 studies were reviewed. These studies were in the form of correlational and descriptive analytical and interventional designs.

Results: The systematic review identified a diverse range of studies that demonstrate the impact of AI on women's empowerment. Findings indicate that AI technologies have been applied in domains such as healthcare, education, entrepreneurship, and social support to address gender-specific challenges. These applications encompass personalized healthcare solutions, gender-inclusive educational platforms, AI-driven financial inclusion, and the mitigation of gender-based violence. Common themes emerging from the studies include improved access to resources, enhanced decision-making capabilities, and increased participation in the workforce for women.

Discussion: The discussion section of this systematic review delves into the implications and challenges associated with the use of AI in women's empowerment. While AI presents promising opportunities, it also raises concerns about biases in algorithms, data privacy, and equitable access to AI-driven solutions. Furthermore, the review highlights the importance of an inclusive and gender-sensitive approach in AI development to ensure that AI technologies genuinely empower women without perpetuating existing inequalities.

In conclusion, this systematic review reveals that artificial intelligence has the potential to significantly empower women across various sectors. However, it emphasizes the need for ethical considerations, ongoing research, and policy frameworks to harness the full potential of AI in promoting women's empowerment.

KEYWORDS: Artificial Intelligence (AI), Empowering Women, Gender Inclusivity, Social Support.

فائزه قنبری^{۱*}، ایمان هنرخواه^۲، فرزانه خدابنده^۳، الهه بهرامی وزیر^۴

۱. دانشجوی کارشناسی مامایی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. دانشجوی دکترای عمومی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
۳. کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۴. کارشناسی ارشد مامایی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

مقدمه: بیشتر تحقیقات در مورد افسردگی پس از زایمان بر روی مادران نخست‌زا متمرکز شده‌است، حال آنکه همسران آنها نیز می‌توانند افسردگی را در طول دوران پس از زایمان تجربه کنند که این مسیله احتمالا بر تمایل به فرزندآوری خانواده‌های تک فرزند تاثیرگذار باشد. لذا مطالعه مروری حاضر با هدف بررسی افسردگی پدران در دوران پس از زایمان انجام شد.

روش جست‌وجو: در راستای هدف مطالعه مروری حاضر، جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی ISC, Irandoc, Google Scholar, Pubmed, Proquest, Science Direct, Magiran و Scopus از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۴۰۲ با کلیدواژه‌های "افسردگی پدران"، "افسردگی پس از زایمان" و "فرزندآوری" انجام شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از مطالعات مختلف نشان داد که پایین بودن سطح تحصیلات پدر، عدم دریافت حمایت اجتماعی، افسردگی همسر، وضعیت اشتغال مرد (بیکاری مرد)، خانه دار بودن مادر باردار، درآمد ماهیانه کم، اختلال عملکرد اجتماعی، اختلالات جسمی، اختلالات اضطرابی، عدم وجود رابطه صمیمانه و وجود مشکلات با خانواده همسر، سابقه و تعداد سقط جنین، بارداری ناخواسته، ترس از زایمان، ترس از پروسه زایمان، ترس از محیط بیمارستان، زایمان طبیعی همسر و داشتن فرزندان کمتر با افسردگی پدران در دوران پس از زایمان مرتبط است. در واقع اضطراب و افسردگی در پدران که بیشتر از ۳ فرزند داشتند کمتر گزارش شده بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه عوامل مختلفی بر افسردگی پدران تاثیرگذار است و احتمالا افسردگی پدران بر تمایل به فرزندآوری آنها در آینده تاثیرات منفی خواهد گذاشت لذا گنجاندن برنامه‌های آموزشی و مراقبتی برای پدران در دوران بارداری و پس از زایمان همسر، جهت شناسایی، پیشگیری و درمان افسردگی پدران توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: افسردگی پس از زایمان، پدران، فرزندآوری

سمیه قیصری^{۱*}، مهدی حسن شاه‌ی^۲، کیمیا مومن زاده^۳

۱. گروه اتاق عمل، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س)، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
۲. گروه اتاق عمل، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س)، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه (س)، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

چکیده

مقدمه: پایداری جمعیتی در نتیجه رشد آگاهی در سطح جهانی در رابطه با مسائل گوناگون محیطی، اجتماعی، اقتصادی و نابرابری‌ها جهت برخورداری بشر از آینده‌ای سالم می‌باشد. حال اگر این روابط با برنامه‌ریزی صورت گیرد می‌تواند به پایداری جمعیت کمک کند. بنابراین، هدف این مطالعه مرور مطالعات انجام شده در زمینه مولفه‌های موثر در پایداری جمعیت نواحی روستایی با تمرکز بر فرصت‌ها و چالش‌ها بود.

روش جستجو: در این مطالعه، جستجوی مقالات انجام شده به زبان فارسی و انگلیسی در پایگاه‌های SID، google scholar، نورمگز و جهاد دانشگاهی با ترکیب کلید واژه‌های "Population stability"، "Rural population"، "Population development"، "Rural development"، "Rural migration"، "Demographic opportunities" و "Population challenges" صورت گرفت.

یافته‌ها: پس از جستجو و غربالگری مطالعات، در مجموع تعداد ۴۷ مقاله تمام متن مورد مرور نهایی قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که عوامل مختلفی همچون عوامل اقتصادی و زیربنایی (کمبود اشتغال زایی، درآمد، تسهیلات و ضعف ساختاری در بخش کشاورزی)، سیاست‌های جمعیتی دولت، نابرابری در توزیع خدمات، اصلاح و بهسازی مکان‌های نامطلوب، نبود بستر مناسب برای ازدواج جوانان و عدم اطمینان از آینده فرزندان، عوامل اکولوژیکی، هزینه‌های اعتبارات مصرفی در عمران و آبادانی روستاها و تمرکز سرمایه‌گذاری در مناطق شهری بر پایداری جمعیت روستایی تأثیرگذار بوده‌اند؛ بنابر نتایج مطالعات قبلی نسبت جمعیت روستایی از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۲/۵ درصد در ۱۴۱۰ کاهش پیدا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری: اگرچه مطالعات مورد بررسی با حجم نمونه‌های مختلف و در بافت فرهنگی متفاوت انجام شده‌اند، اما به طور کلی بر طبق یافته‌ها به نظر می‌رسد عوامل مختلفی مانند سیاست دولت در سرمایه‌گذاری متناسب با وضعیت اقلیمی، پتانسیل‌ها، محدودیت‌ها و همینطور ایجاد اشتغال در مناطق روستایی الزامی می‌باشد. اجرای سیاست‌هایی همچون محرومیت‌زدایی روستاهای کم‌جمعیت و دورافتاده سبب جلوگیری از مهاجرت جوانان گردیده و از سال‌خورده‌تر شدن ترکیب سنی روستاها جلوگیری خواهد نمود. بدیهی است که نیاز روستاها به توسعه و بازآفرینی اجتماعی-اقتصادی در کنار نیاز به تنوع پایه‌های اقتصادی آن‌ها برای پاسخگویی به تغییرات، امروزه بیش از هر زمان دیگری مورد لزوم است.

واژه‌های کلیدی: پایداری جمعیت، جمعیت روستایی، فرصت‌های جمعیتی، چالش‌های جمعیتی

احمد کاملی*^۱، هادی عباسپور^۲، لیلا کوچکی نژاد^۳

۱. مربی عضو هیات علمی، دپارتمان مراقبت‌های ویژه و فوریت‌های پزشکی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. استادیار عضو هیات علمی، دپارتمان پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۳. دانشجوی دکتری سلامت در حوادث و بلایا، دپارتمان سلامت در حوادث و بلایا، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: زنان در میان جوامع انسانی به‌ویژه جوامع فقیرتر نسبت به بلایا و حوادث آسیب‌پذیرتر هستند. زنان می‌توانند در تمام مراحل بلایا نقشی اساسی داشته باشند، اما بیشتر ظرفیت‌های آنها نادیده گرفته می‌شود. در اغلب موارد زنان به همراه گروه‌هایی مانند کودکان افراد مسن و بیماران به‌عنوان گروهی از افراد آسیب‌پذیر در مراحل پاسخ و بازیابی در برابر بلایا شناخته می‌شوند. دانستن عوامل تاب‌آوری در زنان می‌تواند به برنامه‌ریزی در برابر حوادث و بلایا با تمرکز بر زنان کمک نماید. هدف این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان در بلایا است.

مواد و روشها: در این مطالعه مروری داده‌ها از طریق جستجوی کلیدواژه‌های تاب‌آوری، زنان، دختران و بلایا به زبان انگلیسی به شرح زیر استفاده گردید. سرچ در پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed, Web of science, Scopus, Science direct بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ انجام گردید. در مرحله اول جستجو مقالات بر اساس کلیدواژه انتخابی و به کمک عملگرها به دست آمد. پس از بررسی مقاله‌ها توسط محقق اول و سوم مطالعه و در نظر گرفتن معیارهای ورود مقالات انتخاب شده وارد مطالعه گردیدند. از چک‌لیست پریسما برای هدایت مراحل مختلف انجام مطالعه استفاده گردید.

یافته‌ها: در مرحله اول جستجو ۲۰۵۸ مقاله به دست آمد که پس از بررسی چکیده و عنوان مقاله‌ها ۱۰۲ مقاله مرتبط شناخته شد. در انتها ۱۸ مقاله بر اساس ملاک‌های ورود مطالعه وارد مطالعه گردیدند. ارزیابی ۱۸ مقاله نهایی نشان داد که سلامت روانی جسمی، سطح سلامتی جامعه، حمایت‌گری، سطح دسترسی به خدمات، آگاهی و حاکمیت از اهم عوامل مرتبط با تاب‌آوری اجتماعی زنان در بلایا است و به‌عنوان شش طبقه اصلی از معیارهای تاب‌آوری زنان در بلایا مورد مطالعه بودند.

نتیجه‌گیری: عوامل مختلفی می‌تواند در تاب‌آوری اجتماعی زنان در بلایا نقش داشته باشد. دیده شدن زنان در تمام مراحل مدیریت بلایا و استفاده از زنان در پیشبرد برنامه‌های بلایا می‌تواند بر تاب‌آوری زنان مؤثر باشد و دولت‌ها و جامعه باید بتوانند با در نظر گرفتن عواملی که بر تاب‌آوری زنان تأثیر دارد و حذف عوامل کاهنده تاب‌آوری و تقویت عواملی که نقش مثبت در تاب‌آوری زنان دارند در بالابردن تاب‌آوری زنان در بلایا بکوشند. تا بتوانند از ظرفیت این نیروهای توانمند در مدیریت بلایا استفاده بهینه نمایند.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری اجتماعی، زنان، حوادث و بلایا

Exposure to Potentially Toxic Elements and Infertility in Men: A Systematic Review



Faezeh Karimi Moghaddam^١, Atefe Karimi Moghaddam^٢, Mohammad Miri^{*٣},

- ١- BSc, Student Research Committee, Department of Public Health, School of Public Health, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran.
٢- MD, School of Medicine, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran.
٣- Assistant Professor, Department of Environmental Health, School of Public Health, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran.

Abstract

Introduction: Infertility is a global health concern, affecting millions of couples worldwide, and a significant proportion of cases are attributed to male factors. Evidence suggests that environmental factors, including exposure to potentially toxic elements (PTEs), may contribute to male infertility. This systematic review aims to comprehensively assess and synthesize the existing literature on the relationship between PTE exposure and male infertility.

Search strategy: The review process involved a meticulous search of several electronic databases, including PubMed, Scopus, and Web of Science, to identify relevant studies published up to September ٢٠٢٣. The execution of this review followed the Meta-analyses Of Observational Studies in Epidemiology (MOOSE) guidelines. A systematic approach was employed to screen articles, assess their quality, and extract data for analysis. Studies investigating the association between PTE exposure and male infertility, as well as those reporting relevant outcomes such as sperm quality, hormonal disruptions, and reproductive function, were included.

Results: A total of ١٧٥٦ articles were retrieved, and ٤٩ articles were incorporated in our final review. The results of this systematic review reveal a substantial body of evidence suggesting a potential link between PTE exposure and male infertility. Multiple studies reported a negative impact of PTEs, including lead (Pb), cadmium (Cd), arsenic (As), and mercury (Hg), on various aspects of male reproductive health. Exposure to these elements was associated with reduced sperm count, motility, and morphology, all of which are crucial factors in achieving successful fertilization. Furthermore, PTE exposure was found to disrupt the delicate hormonal balance in the male reproductive system. Several studies documented alterations in hormonal profiles, such as disruptions in testosterone and follicle-stimulating hormone (FSH) levels, which are known to influence spermatogenesis and overall fertility.

Conclusion: This systematic review provides compelling evidence of the potential detrimental effects of PTE exposure on male infertility. Understanding the mechanisms by which PTEs impact male reproductive health is critical for developing preventive measures and interventions to mitigate their adverse effects.

Keywords: Fertility, Population, Environmental pollutants, Heavy metals

شیما کیا^۱، حمیده محدثی^{۲*}، حمید رضا خلخالی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران
۲. مرکز تحقیقات چاقی مادر و کودک، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران
۳. استاد گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

زمینه و هدف: در دوران بارداری مادران دستخوش تغییرات جسمی و روانی قابل توجهی می شوند که باعث تجربیات خوشایند و ناخوشایندی می شود به خصوص اگر اولین تجربه بارداری باشد. لذا در جهت افزایش تجربیات شادی و کاهش ناراحتی های این دوران می توان با انجام مشاوره و مداخلاتی همچون افزایش دلبستگی والدین با جنین، افزایش نقش معنویت، حمایت اجتماعی به خصوص از سوی همسر و کاهش مواردی همچون استرس و اضطراب در این دوران تجربه بارداری خوشایندی را برای مادران باردار رقم زد. لذا در این راستا مطالعه ای با هدف تعیین تاثیر مشاوره گروهی بر تجربه بارداری زنان شکم اول مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر ارومیه در سال ۹۸-۱۳۹۷ انجام گرفت.

روش کار: پژوهش حاضر یک کارآزمایی بالینی می باشد. ۸۰ مادر نخست باردار دارای معیارهای ورود و خروج به صورت در دسترس از مراکز بهداشتی- درمانی ارومیه به صورت تصادفی در سه سطح برخوردار، کم برخوردار و حاشیه شهر انتخاب شدند و در دو گروه کنترل (۴۰ نفر) و مداخله (۴۰ نفر) قرار گرفتند، در مرحله ی پیش آزمون پرسشنامه های دموگرافیک-طبی، سلامت عمومی (GHQ-۲۸)، تجربه بارداری (PES) توسط شرکت کنندگان تکمیل گردید، هر دو گروه مراقبت های روتین مرکز بهداشت را دریافت کردند، به گروه مداخله علاوه بر مراقبت های روتین، ۶ جلسه مشاوره گروهی دو ساعته طی شش هفته ارائه شد، در نهایت پس از گذشت دو هفته از اتمام مداخله پس آزمون تکمیل گردید. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۱ و آزمون های (شاپیروویلکس برای بررسی نرمال بودن داده ها، تی مستقل، تی زوجی، کای دو و آنالیز کوواریانس) با سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: دو گروه به لحاظ متغیرهای زمینه ای همسان بودند. بر اساس یافته های توصیفی میانگین تجربه کل بارداری، قبل از مداخله در گروه مداخله ۱۵/۸۳ و در گروه کنترل ۱۷/۲۸ می باشد که از لحاظ آماری تفاوت معنی داری نداشت ($P > 0/05$) ولی بعد از مداخله در گروه مداخله ۴۱/۸ و در گروه کنترل ۱۷/۹۵ می باشد که تفاوت معنی داری داشت ($P < 0/05$)؛ میانگین تجربه خوشایند بارداری قبل از مداخله در گروه مداخله ۲۷/۷۳ و گروه کنترل ۳۱/۴۷، که از لحاظ آماری تفاوت معنی داری نداشت ($P > 0/05$) ولی بعد از مداخله در گروه مداخله ۴۱/۹۵ و در گروه کنترل ۳۲/۹۲ می باشد که تفاوت معنی داری داشت ($P < 0/05$)؛ میانگین تجربه ناخوشایند بارداری در قبل از مداخله در گروه مداخله ۱۱/۹۰ و در گروه کنترل ۱۴/۲ که از لحاظ آماری تفاوت معنی داری نداشت ($P > 0/05$) ولی بعد از مداخله در گروه مداخله ۰/۱۶ و در گروه کنترل ۱۴/۹۸ می باشد که از لحاظ آماری تفاوت معنی داری داشت ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: مشاوره گروهی باعث کاهش ناراحتی ها و افزایش تجربیات خوشایند دوران بارداری می شود. بنابراین پیشنهاد می شود در مراکز بهداشتی- درمانی، مشاوره گروهی برای خوشایند سازی دوران بارداری توسط مشاورین مامایی همراه با مراقبت های روتین انجام پذیرد.

کلیدواژه ها: مشاوره گروهی، تجربه بارداری، مادران نخست باردار

زهرا محمد یوسفی^۱، معصومه محمد یوسفی^۲، طاهره اکبری^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
۲. حوزه علمیه فاطمیه شهرکرد، شهرکرد، ایران
۳. حوزه علمیه فاطمیه شهرکرد، شهرکرد، ایران

چکیده

مقاله حاضر با علم به کاهش رشد جمعیت در سالهای اخیر در کشور به بررسی نقش فرزند در خانواده قرآنی با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته است. تربیت و اجتماعی شدن فرزندان یک امر ضروری است و شناخت دین در همین راستا به عنوان تربیت دینی یکی از مسئولیت‌های سنگین خانواده (والدین) است. بنابراین برای رسیدن به الگوی زندگی اسلامی به آراء عالمان دینی نیازمندیم. آنهایی که سالها برای شناخت اسلام در تلاش بوده‌اند و روح حاکم بر مفاهیم دینی دست یافته‌اند و تجربیات طلایی چندین ساله‌شان را در اختیار عموم مسلمین قرار داده‌اند.

کلید واژه ها: قرآن، خانواده، فرزند، بیانات مقام معظم رهبری

وحیده معتمدالصنایع*^۱، مرضیه صاحب نسق^۲، بهنوش هرمز^۳، سعید نیکدلان^۴

۱. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، خراسان شمالی، ایران
۲. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، خراسان شمالی، ایران
۳. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، خراسان شمالی، ایران
۴. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، دانشکده دندانپزشکی، بجنورد، خراسان شمالی، ایران

مقدمه: امروزه دانش زیادی در حمایت از یک بارداری سالم و پایش مداوم مادر و جنین به لحاظ حفظ و ارتقا سلامت هر دو از آغاز بارداری وجود دارد تا با بالاترین درصد اطمینان از بیماریها و ناهنجاریها در مادر و کودک جلوگیری شود. همچنین دستورالعملهای بهداشتی و پروتکل‌های حمایتی زیادی در دسترس و همچنان در حال پیشرفت است اما حلقه گمشده یا مغفول مانده یک بارداری سالم، توجه به رشد و تکامل دهان و دندان در دوره جنینی است، در واقع دندانهای انسان نیز به عنوان عضو مهمی از بدن انسان دقیقا همان سیر تکاملی را از دوران جنینی تا پایان عمر یک فرد طی میکنند. در این مقاله سعی شده تا با بررسی متون مختلف و شواهد موجود لیستی از ریسک فاکتورهای تاثیر گذار بر سلامت دهان و دندان جنین و مادر بررسی شود.

روش جستجو: این مقاله با سرچ موضوعی در PubMed و تکسهای دندانپزشکی ترمیمی، ارتودنسی و کودکان بدون محدودیت زمانی تا آپریل ۲۰۲۳ برای بازیابی مقالات منتشر شده و کلیه شواهد پذیرفته شده در تکس بوکهای اصلی رشته های مرتبط انجام شده است یافته ها: یافته های این تحقیق تحت سه عنوان بیماریهای دهان و دندان در مادران باردار و دفورمیتی های سندرمیک سر و صورت و دفورمیتی های دندانی مورد گزارش قرار گرفته است. در مورد سلامت دهان و دندان مادر، تغییرات هورمونی این دوره معمولا علت ثانویه ای است که در کنار عدم رعایت بهداشت به عنوان علت اولیه میتواند مشکلاتی را به همراه داشته باشد که تقریبا با درصد بالایی از اطمینان میتوان گفت که همگی قابل پیشگیری هستند. فاکتورهای متعددی به عنوان اتیولوژی MIH مطرح می‌باشند. این فاکتورها به سه گروه اصلی مشکلات پزشکی (قبل، حین و بعد از تولد)، آلوده‌کننده‌های محیطی و عوامل ژنتیکی تقسیم می‌شوند. تغییرات جزئی در محیط مثل افزایش دما، هایپوکلسمی و تغییر در سطح PH نیز از عواملی هستند که می‌توانند فرآیند طبیعی آملوژنز را بر هم بزنند.

نتیجه گیری: به استناد شواهد موجود خود بارداری با وجود تغییرات هورمونی باعث کاهش وضعیت سلامت دهان و دندان و آسیب به دندانهای مادر نمیشود و در واقع تغییرات سبک زندگی و رژیم غذایی بیشترین علت مشکلات دهان و دندان مادران باردار میباشد، اما در مورد سلامت دهان و دندان جنین چون همچون سایر اعضای بدن این اعضا هم در حال رشد و تکامل هستند، هرگونه داروی مصرفی، ضربه، مواد غذایی خاص، مصرف الکل، سیگار کشیدن، آلودگی های محیطی، یکسری از بیماریهای مادر و عوامل ژنتیکی مستقیما بر شکل و فرم و میزان استحکام نواحی سر و صورت و دندانها تاثیر میگذارد.

کلمات کلیدی: بارداری سالم، سلامت دهان جنین، آنومالیهای سر و صورت، آنومالی دندان، هیپوپلازی دندان، سندرمهای صورت

Infertility Treatment and Its Impact on Population



Amene Molavi Vardanjani*

- M.A. of Midwifery, Shahid Iranpur Hospital, Health and treatment Organization, Aghajari Oil Industry, Omidyeh, Ir.

Introduction: The World Health Organization classifies infertility as a disease of the reproductive system which is defined by the failure to achieve a clinical pregnancy after 12 months or more of regular unprotected sexual intercourse. Up to 10% of the world's population has primary infertility, and secondary infertility reaches up to 30%. In fact, most of these couples live in developing countries [2,3].

Searching strategy: This study assessed infertility treatment and its impact on population by searching databases PubMed, Science Direct and Cochrane Library. Additional search strategies were snowballing literature search and citation tracking. This review only included the studies that focused on the infertile couples and infertility treatment in developing countries setting.

Results: Infertility is a complex and multi-faceted medico-socio-cultural problem associated with gender-based suffering. It may lead to suffering on many levels in society, including the psychological, social, or even economic aspects of the couples. Additionally, childlessness in developing countries may create other significant social issues such as stigmatization, isolation, even domestic violence, especially for women. This is despite the fact that female factors are not the sole cause of a couple's problems. In developing countries, the future child is the heir of a family and this is deeply rooted in socio-cultural norms. In some cases, the absence of a child triggers conflict in a family. Another challenge is the fact that most developing countries have a lack of well-trained professional gynecologists, embryologists and nurses who work in the infertility field.

Conclusion: Infertility treatments can have various impacts on population dynamics. Increase in fertility rates, delayed childbearing, population aging, ethical considerations, societal attitudes and norms. It's important to note that the impacts of infertility treatments on population dynamics can vary across different regions, cultures, and socioeconomic contexts. Additionally, the specific policies and regulations governing infertility treatments in a given country can also shape their effects on the population. In many developing countries, access to infertility treatments may be limited due to factors such as inadequate healthcare infrastructure, a shortage of specialized clinics, and high costs. The lack of insurance coverage or financial support for treatments further restricts access, making these options unattainable for many people. Policies and regulations regarding infertility treatments can evolve and change over time, so it's advisable to consult up-to-date sources and specific country legislation for the most current information, as Knowledge, skills and experience are required for assisted reproductive interventions.

Key word: infertility, infertility treatment, population, developing countries

Menstrual Leave Policies in EU Member States: A Systematic Review of Executive Challenges



Maryam Nezafat Firizi*

- North Khorasan University of Medical Sciences, Faculty of Medicine, Bojnord, North Khorasan, Iran

Introduction: Recently, the concept of menstrual leave has gained attention as a potential solution to address the challenges faced by women during their menstrual cycles. Menstrual leave refers to a policy that allows women to take time off from work or educational activities due to severe menstrual symptoms. While this concept has been implemented in some countries, its adoption and effectiveness vary across different regions. Menstrual leave policies have been implemented in some countries and companies, but there is a lack of research examining perceptions or effects of the policy. The aim of this systematic review is to examine menstrual leave laws and policies in EU member states and identify executive challenges.

Search strategy: A systematic search of literature was conducted using electronic databases including PubMed, Scopus, and Web of Science. Inclusion criteria were articles published in the English language, discussing menstrual leave laws and policies in EU member states, and identified executive challenges. Exclusion criteria were articles discussing policies outside of EU member states or policies not related to menstrual leave. Critical appraisal of included studies was conducted using the Cochrane Risk of Bias tool. Data extraction and management were performed using a standardized form. Analysis and interpretation of results were conducted using a narrative synthesis approach.

Results: A total of 12 articles met the inclusion criteria for this systematic review. The majority of the articles were from Italy (n=4) and Spain (n=3), followed by Germany (n=2), France (n=1), Belgium (n=1), and Ireland (n=1). Menstrual leave policies were found to be limited in EU member states, such as Italy and Spain, which have implemented such policies. However, even in these countries, the policies are not widely adopted by employers. The studies also identified several executive challenges, including the potential for abuse by employees, concerns about productivity, difficulty in tracking menstrual cycles, and increased workload for other employees.

Conclusion: This systematic review highlights the limited implementation of menstrual leave policies in EU member states and the executive challenges associated with such policies. Further research is needed to explore the potential benefits and drawbacks of menstrual leave policies and to develop strategies for addressing executive challenges.

Keywords: Menstrual Leave ,Policy ,Menstrual cycle, European Union

سحرسادات نظم بجنوردی^۱، آرزو نیستانی^{۱*}

۱. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، خراسان شمالی، ایران

مقدمه: مهارت های دیالوژیکی به معنای درک حضور دیگری و همدلی صمیمانه است. مادران برای برقراری ارتباط هوشمندانه و درک عمیق دنیای فرزندان و افزایش عزت نفس خویش به دانستن این مهارت نیازمند هستند. با توجه به شیوع معلولیت جسمی در جامعه و اثرات منفی آن بر عزت نفس و ارتباط مادران ضروری است مطالعاتی در جهت اثر بخشی مهارت های دیالوژیکی بر عزت نفس مادران دارای فرزند با معلولیت جسمی بررسی و انجام گردد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی که به صورت نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون است. روش نمونه گیری این مطالعه دردسترس و جامعه آماری آن تعداد ۶۰ نفر شامل ۳۰ نفر کنترل و آزمایش از مادران دانش آموزان دارای معلولیت جسمی در مدارس شهر مشهد است. آموزش مهارت های دیالوژیکی به مادران طی ۱۰ جلسه هفته ای یکبار انجام گرفت. پرسشنامه مورد استفاده مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت ۱۹۶۷ بود. برای تحلیل داده ها و فرضیه ها از روش آزمون آماری t دو گروه مستقل و نرم افزار spss استفاده گردید.

یافته ها: یافته ها نشان داد که آموزش مهارت های دیالوژیکی بر عزت نفس مادران دارای فرزند با معلولیت جسمی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه و سایر مطالعات مشابه آموزش مهارت های دیالوژیکی می تواند همانند چتری برای توانمند سازی مادران در جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: مهارت های دیالوژیکی، عزت نفس فرزندان، مادران

مقدمه: یکی از مهم ترین ارکان توانمندساز خانواده برای فرزندان مبتلا به بیماری روانی مادرشان هستند. نیازهای مراقبتهای اضافی و غیرمعمول فرزندان عامل مهم استرس در مادران است و کودکان با ناتوانیهای مختلف سطوح متفاوتی از استرس در مادرانشان ایجاد می کنند. وضعیت شغلی و درآمد می تواند تاثیر بسزایی در تشدید استرس مادران داشته باشد. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط میان استرس ادراک شده با وضعیت شغلی مادران دارای فرزندان مبتلا به اختلال روانی انجام گرفته است.

مواد و روش های: این پژوهش به صورت توصیفی-همبستگی با تعداد ۱۹۴ مادر دارای فرزند مبتلا به اختلال روانی به روش نمونه گیری مبتنی بر هدف از بیمارستان های شهر تهران انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استرس ادراک شده کوهن و همکاران و پرسشنامه وضعیت شغلی بود. پس از جمع آوری داده ها اطلاعات وارد نسخه ۲۲ نرم افزار SPSS شده و از آمار توصیفی و تحلیلی استفاده گردید.

یافته ها: یافته ها نشان می دهد استرس ادراک شده در سطح متوسط قرار دارد. در راستای تعیین همبستگی بین استرس ادراک شده و وضعیت شغلی مادران یافته ها نشان دهنده آن است که بین این متغیرها همبستگی مثبت و معنا داری وجود دارد بدین صورت که هر چه میزان استرس شغلی مادران افزایش یابد میزان استرس ادراک شده ی مادران افزایش می یابد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش حاضر در خصوص میزان استرس ادراک شده وجود همبستگی معنی داری بین متغیرها استرس ادراک شده با وضعیت شغلی مشهود است. توجه به اهمیت سلامت روان مادران دارای فرزند مبتلا به اختلال روان همچنین ارزیابی و تعیین سطح این گروه از مادران به لحاظ برنامه های آموزشی و معرفی و ارجاع به نهاد های حمایتی برای این دسته از مادران ضروری به نظر رسیده و می تواند موجب ارتقا سلامت روان و سایر فاکتورهای مرتبط با آن گردد

کلمات کلیدی: ترس ادراک شده ، وضعیت شغلی مادران، اختلال روانی

The effect of cognitive-behavioral group counseling on sexual satisfaction in women with endometriosis: A randomized clinical trial



Maryam Nikseresht¹, Leili Hafizi², Fatemeh Erfanian³, Jamshid Jamali⁴, Seyed Mohsen AsghariNeka⁵

1. Master student of counseling in midwifery, Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
2. Associate Professor, Department of Obstetrics and Gynecology, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
3. Assistant Professor, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
4. Associate Professor, Department of Biostatistics, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.
5. Associate Professor, Department of Educational and Counseling Psychology, School of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Abstract

Background and Aim: Endometriosis is one of the most common chronic inflammatory diseases of women, currently there is no definitive treatment for endometriosis, and treatment is only used to relieve symptoms. Endometriosis has destructive effects on sexual function. In this regard, the need for counseling about sexual health services is part of the treatment and needs of patients with endometriosis. Therefore, the present study was designed to investigate the effect of cognitive-behavioral counseling on the sexual satisfaction of women with endometriosis.

Methods: This clinical trial study was conducted on 96 women with endometriosis referring to the clinic of Imam Reza Hospital and gynecology clinic in 2022-2023. Patients were assigned to intervention and control groups using permutation blocks. The subjects in the intervention group received 9 online cognitive-behavioral group counseling sessions of 60-90 minutes weekly. The control group received routine care. The data were collected using the SSSW in the three stages of before, immediately and one month after the intervention. The data were analyzed by SPSS software (version 20).

Results: The mean age of the participants in the study was 30.3 ± 0.60 years. The mean total score of sexual satisfaction immediately after the intervention (102.6 ± 12.4) was significantly higher than the control group (81.0 ± 19.9) ($P < 0.001$). The mean total score of sexual satisfaction one month after the intervention (94.0 ± 17.3) was significantly higher than the control group (81.6 ± 19.4) ($P < 0.001$).

Conclusion: Considering the effect of cognitive-behavioral group counseling on increasing sexual satisfaction of women with endometriosis, also regarding to the benefits of this type of counseling, it is suggested this counseling approach be included in educational programs for reproductive health of women with endometriosis.

Keywords: Endometriosis, Cognitive-behavioral counseling, Group counseling

چکیده

مقدمه: خانواده به عنوان ارگان مقدس و اولین واحد اجتماعی است که با سازگاری اعضای خانواده خصوصا زن و شوهر کنار هم شکل میگیرد. بنابراین حفظ ثبات و استحکام بنیان خانواده بسیار حایز اهمیت است. عوامل مختلفی می تواند در این امر دخیل باشد که یکی از مهم ترین آن ها رضایت زناشویی است. رضایت زناشویی به عنوان میزان ادراک زوج از اینکه شریکشان نیازها و تمایلات آنها را برآورده میکند تعریف میشود. با توجه به اینکه بنیان خانواده مستلزم وجود سطح پایداری از رضایت زوج هاست؛ مطالعه حاضر در قالب مروری به اهمیت این موضوع پرداخته است.

روش جستجو: پژوهش حاضر یک مطالعه مروری می باشد اطلاعات مربوط به خانواده و رضایت زناشویی و پیامد های آن از طریق جستجو در پایگاه های داده های علمی با استفاده از کلیدواژه های خانواده، رضایت زناشویی، طلاق و... در محدوده زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ صورت گرفته است در نهایت داده های گرد آوری شده تحلیل، مقایسه و نتیجه گیری شده است.

یافته ها: نتایج بیانگر این است که رضایت زناشویی در زندگی زوجین مستلزم تلاش دو طرفه خصوصا در سال های اول زندگی است که روابط تا حدودی بی ثبات بوده و بیشتر در معرض خطر است. رضایت زناشویی بر احساس نزدیکی یا دوری همسران از یکدیگر مؤثر است. همسرانی که از کلیت رابطه خود رضایت دارند؛ احساس میکنند به اهدافشان در زندگی مشترک دست یافته اند، احساس نزدیکی و همدلی بیشتری داشته و در احساسات و دغدغه های یکدیگر مشارکت میکنند و در ارضای نیاز های خود هم حساسیت مطلوبی دارند. رضایت زناشویی بالا باعث کاهش خطر طلاق میشود زیرا رضایت زناشویی بالا باعث ثبات هیجانی زوجین که نقش مهمی در استحکام زندگی زناشویی و دوری از طلاق عاطفی دارد میشود.

نتیجه گیری: به طور کلی میتوان نتیجه گرفت که هرچه رضایت زناشویی بالا باشد عملکرد جنسی نیز مطلوب خواهد بود در نتیجه کیفیت زندگی جنسی نیز افزایش داشته و باعث استحکام بنیان مقدس خانواده ها خواهد شد. بنابراین تلاش متخصصان این حوزه جهت بررسی و ارائه راهکار های ارتقا رضایت زناشویی در خانواده ها از طریق ارائه مشاوره، آموزش و... ضروری است.

واژه های کلیدی: خانواده، رضایت زناشویی، طلاق

مژگان هاشم زاده

• دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: فرزندآوری متاثر از سیاستهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه است. هدف اصلی این مطالعه بررسی سیاستهای خانواده در کشورهایی است که هدف آنها در حمایت از تحقق تمایلات باروری زوجین متمرکز شده است، می باشد.

روش کار: در این مطالعه مروری که در سال ۲۰۲۱ انجام شد پایگاههای اطلاعاتی شام Web of Science, SCOPUS, GOOGLE SCHOLAR به زبان انگلیسی مورد جستجو قرار گرفتند. همچنین سایتهای دولتی کشورها نیز به صورت دستی مورد جستجو قرار گرفت. در جستجو سیاستها و برنامه های کشورهای مختلف از کلید واژه Family policies استفاده شد. سپس نتایج برای درک بهتر در مدل اکولوژیک برونفنبرنر نمایش داده شد.

یافته ها: بر اساس این مطالعه سیاستهای خانواده در چهار سطح میکروسیستم، مزوسیستم، اگزوسیستم و ماکروسیستم قرار گرفتند سیاستهای خانواده در سطح میکروسیستم شامل: هدیه تولد و کمک هزینه ماهیانه برای هر یک از والدین می باشد سیاستهای سطح مزوسیستم شامل: ارتقا روابط اجتماعی و زوجی، تامین مسکن و ازدواج آسان می باشد. سیاستهای سطح اگزوسیستم شامل: اعطای مرخصی زایمان، افزایش حقوق بازنشستگی، بازنشستگی پیش از موعد، شناورسازی ساعات کاری و فراهم کردن مهدکودک کودکان می باشد در سطح ماکروسیستم سیاستها شامل: فرهنگ سازی، برقراری عدالت جنسی و کاهش خشونت خانگی، تامین سلامت مادران و نوزادان، خدمات سلامت رایگان و آموزش رایگان می باشد.

نتیجه گیری: سیاستهای خانواده میتواند با فراهم کردن بستر مناسب برای زوجین به ایده الهای فرزندآوری آنان جامه عمل بپوشاند.

کلمات کلیدی: سیاستهای خانواده، فرزندآوری، مطالعه مروری

تبیین مؤلفه‌های اجتماعی تعیین‌کننده‌ی تصمیم‌گیری در خصوص فرزندآوری در زنان و مردان واجد شرایط باروری

خدیجه حاجی‌میری^۱، نادیا جلال‌رزاقی^۲، مینا هاشمی‌پرست^۳، *^۴،^۵

۱. استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران
۲. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران
۴. استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران
۵. استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

مقدمه: در طی سال‌های اخیر، تغییرات گسترده‌ای در روند فرزندآوری خانواده‌ها ایجاد شده؛ به طوری که تمایل به فرزندآوری و داشتن فرزندان بیش‌تر در میان خانواده‌های ایرانی با کاهش چشمگیری مواجه شده است. کاهش مستمر فرزندآوری، ساختار سنی جمعیت را دگرگون کرده و از وضعیت جوانی به سمت سالخوردگی سوق خواهد داد که این امر با افزایش شاخص وابستگی اقتصادی، کمبود نیروی کار فعال، بحران سازمان‌های بازنشستگی و نظام ارائه خدمات بهداشتی و درمانی همراه خواهد بود؛ لذا مطالعه حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های اجتماعی تعیین‌کننده‌ی تصمیم‌گیری در خصوص فرزندآوری در زنان و مردان واجد شرایط باروری انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی است. مشارکت‌کنندگان، ۱۹ نفر از زنان و مردان همسر دار سنین باروری ساکن شهر زنجان بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و با رعایت اصل حداکثر تنوع انتخاب و پس از کسب رضایت آگاهانه به شرکت در مطالعه دعوت شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انفرادی تا زمان رسیدن به اشباع نظری گردآوری و به طور همزمان تحلیل شد. برای مدیریت تحلیل داده‌های متنی از نرم افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ استفاده شد.

یافته‌ها: در طی فرایند استقرایی تحلیل داده‌ها، ۳ طبقه اصلی و ۱۱ زیر طبقه استخراج شدند که عبارت بودند از: الگوپذیری اجتماعی (اشاعه هنجارهای کم‌فرزندطلبی، تقبیح اجتماعی از دیاد نسل)، بازاندیشی مدرن در ساختار خانواده (دگرگونی انتظارات نسلی، تغییر الگوی ارتباطی در ساختار خانواده، رنگ باختن شبکه‌های حمایتی، تضاد نقش مادری و اشتغال، فرزندپروری آرمانگرایانه)، مقتضیات اجتماعی و اقتصادی (دغدغه‌های معیشتی، ناامیدی و ترس از آینده‌ای مبهم، نابسامانی مدنی و افول اعتماد اجتماعی، دشواری‌های تربیتی و تحصیلی).

نتیجه‌گیری: هنجار شدن کم‌فرزندی در جامعه و تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های افراد در راستای معنای فرزند از یک سو و معضلات اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر افراد را به سوی کم‌فرزندخواهی سوق داده است. همچنین کم‌فرزندخواهی پاسخی است به تغییر در شکل سنتی ساختار خانواده و عدم احساس نیاز به تداوم نسل.

واژه‌های کلیدی: باروری، فرزندآوری، جمعیت، مطالعه کیفی

زینب وطن پرست^۱، نوشین پیمان*^۲، حبیب الله اسماعیلی^۳، مهدی قلیان اول^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دکترای تخصصی آمار، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۴. دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: فرزندآوری در فرهنگ ایرانی اسلامی یک ارزش محسوب می شود. با توجه به کاهش میزان باروری کل در ایران طی سه دهه (۱۳۶۵-۱۳۹۵) به دنبال تغییر سیاست های جمعیتی در دهه ۷۰ تا ۹۰، تک فرزندی پدیده رایجی در کشور شده است. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر نظریه رفتار برنامه ریزی شده بر قصد فرزندآوری زنان تک فرزند شهرستان فاروج در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مداخله ای، ۹۰ خانم تک فرزند به صورت تصادفی انتخاب و به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند و با استفاده از پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه محقق ساخته نظریه رفتار برنامه ریزی شده و نیز پرسشنامه انگیزه های باروری میلر پیش از مداخله مورد ارزیابی قرار گرفتند. سپس بر اساس نیازهای آموزشی در گروه مداخله، ۴ جلسه آموزش ۶۰ دقیقه ای بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده در طول ۲ ماه اجرا شد و گروه کنترل هیچگونه آموزشی دریافت نکرد، بلافاصله بعد از آموزش و سه ماه پس از اجرای برنامه، مجدداً پرسشنامه ها در دو گروه مداخله و کنترل تکمیل گردیدند. داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار SPSS^{۲۴} با سطح معنی داری ۰/۰۵ آنالیز گردید.

یافته ها: بین دو گروه قبل از مداخله از نظر میانگین نمره کنترل رفتاری درک شده، قصد رفتاری، انگیزش مثبت و انگیزش منفی نسبت به قصد فرزندآوری و متغیرهای دموگرافیک، تفاوت آماری معناداری وجود نداشت ($P > 0/05$). بعد از مداخله آموزش بر مبنای نظریه رفتار برنامه ریزی شده تفاوت آماری معناداری را در نمرات نگرش، هنجار انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده بر قصد فرزندآوری زنان تک فرزند در دو گروه مداخله و کنترل نشان نداد ($P > 0/05$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که شرایط اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و به ویژه اقتصادی جامعه در بهبود نگرش فرزندآوری موثر می باشند، که بایستی در کنار مداخلات آموزشی مدنظر قرار گیرند، تا نتیجه بهتری از آموزش حاصل شود.

کلمات کلیدی: آموزش، نظریه رفتار برنامه ریزی شده، فرزندآوری، تک فرزند

The role of Non-governmental organizations in the dynamic of the population



Samaneh Youseflu*¹, Shahnaz Kohan*²

1. PhD candidate in reproductive health, Department of Midwifery and Reproductive Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
2. Professor of reproductive health, Department of Midwifery and Reproductive Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Background: Non-governmental organizations (NGOs) are recognized for their substantial contribution to the dynamics of population by addressing diverse factors associated with population growth, reproductive health, and family planning. This study adopts a systematic review approach to comprehensively assess the role of NGOs in shaping the dynamics of the population.

Material & Methods: The current study utilized a systematic review methodology, employing a range of databases (PubMed, Embase, Web of Science, Scopus, Magiran, Sid, and Google Scholar) to identify relevant literature. The search strategy incorporated keywords such as "NGO", "childbearing", "population dynamic", "TFR" and "population." All articles published until October 2022 were initially retrieved and imported into the EndNote software (ver. 20). Duplicate articles were then removed, and a two-step screening process was implemented, involving the evaluation of titles and abstracts, followed by a comprehensive assessment of the full-text articles. Only articles directly pertinent to the study's topic were ultimately included in the final analysis.

Results: NGOs play a significant role in the dynamic of population by collaborating with governments and other stakeholders to advocate for and implement programs and policies that promote reproductive rights, gender equality, and access to healthcare services. Through their efforts, NGOs contribute to the dynamic of population by conducting education and awareness campaigns on reproductive health, contraception, and family planning methods. Furthermore, NGOs play a crucial role in empowering marginalized communities, particularly women and girls, by equipping them with information, resources, and support to make informed decisions about their reproductive health. Moreover, NGOs often engage in partnerships with local communities to develop sustainable solutions to population-related challenges, including poverty and environmental degradation. By actively participating in these activities, NGOs contribute to shaping the dynamic of population by promoting reproductive rights, empowering individuals, and fostering sustainable development.

Conclusion: NGOs play a significant role in the dynamic of population by collaborating with governments and other stakeholders to advocate for and implement programs and policies that promote reproductive rights, gender equality, and access to healthcare services. Their efforts in conducting education and awareness campaigns on reproductive health, contraception, and family planning methods contribute to shaping the population dynamic.

Keywords: NGOs, Population dynamics, Systematic review



Relationship between childbearing behaviors and happiness among employed midwives, Isfahan. Iran, ۲۰۲۲

Ghazal naysanian^۱, shahla mohamadirizi^۲, shahnaz kohan^۳, soheila mohamadirizi^{۴*}

- ۱- Nursing and Midwifery Care Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
- ۲- Nursing and Midwifery Care Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
- ۳- Nursing and Midwifery Care Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
- ۴- Nursing and Midwifery Care Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Abstracts

Background: In recent years, the employment rate of Iranian women has increased and the total fertility index has also decreased significantly. On the other hand, fertility tendencies, the number and interval of childbearing of working women have also decreased under the influence of the job status, quality of life and happiness of these women. In addition, fertility in midwifery professionals as providers of reproductive health and childbearing services can be a model for other women. Therefore, the present study was conducted with the aim of determining the relationship between childbearing behaviors and happiness among working midwives in ۲۰۲۲.

Methods: The present descriptive and analytical study was conducted on ۱۱۰ married midwives working in public hospitals in Isfahan using multi-stage sampling method (available cluster). The information was collected using the questionnaire of personal-occupational information, childbearing behavior and happiness of Oxford. The collected data were analyzed using descriptive and inferential statistical tests.

Results: The results showed that the midwives were ۳۴ years old, and their desired number of children was ۱,۸ and the actual number of children was ۱,۶. The average happiness score of the participants was ۰۱,۹۰, ۸۱,۸% of the midwives had a low happiness score, and a significant and inverse correlation was observed between the happiness score and the number of children ($p=۰,۴۳$, $r=-۱,۲$). ($r =$).

Conclusion: The results showed that the number of children of midwives is less than the replacement rate and with the increase of the number of children, the happiness of midwives decreases. It seems that midwives working in public hospitals are not in a good condition and treatment managers should monitor and plan to improve the conditions.

Keywords: childbearing behaviors, happiness, fertility, midwives



مهلا سالارفرد^۱، معصومه رحیمی^{۱،۲}، کوثر حکمی شلمزاری^۳، طلعت خدیوزاده*^۴

۱. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. رئیس دانشکده پرستاری و مامایی رابعه بلخی کابل، کابل، افغانستان
۳. کارشناس ارشد مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۴. دانشیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: تکریم مادران و توجه به ارائه مراقبت‌های احترام‌آمیز، بمنزله پیشگیری از مشکلات بعد از زایمان و ایجاد تمایل به فرزندآوری در سایر مراحل زندگی از اولویتهای وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی است. زایمان یک لحظه خاص برای والدین، خانواده‌ها و جوامع است اما همچنین می‌تواند موقعیت آسیب‌پذیری باشد چرا که زنان در معرض رفتارهای توهین‌آمیز و سو استفاده قرار گیرند. برخی از مطالعات بروز اختلالات روانپزشکی در دوران نفاس، از جمله افسردگی پس از زایمان، را با عناصر مربوط به مراقبت‌های زایمان مرتبط دانسته‌اند.

روش جست و جو: در این مطالعه مقالات منتشر شده در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ در رابطه با ارتباط بی‌احترامی و بدرفتاری در هنگام زایمان در پایگاه‌های اطلاعاتی *scopus, PsycINFO, pubmed, Google scholar, web of science*، با استفاده از کلمات کلیدی *disrespect, disrespectful, abuse, violence, mistreatment, labour, childbirth, delivery, Postpartum depression* بررسی شدند. کلمات شناسایی شده با استفاده از عملگرهای بولی "AND" و "OR" و "NOT" مرتبط شدند.

یافته‌ها: در مطالعه مروری حاضر ۸ مطالعه مطابق با معیارهای ورود وارد مطالعه شدند. در مطالعات انجام شده بی‌احترامی و بدرفتاری نسبت به زنان در هنگام زایمان با افزایش خطر ابتلا به افسردگی پس از زایمان همراه بود. برخی از رایج‌ترین انواع بی‌احترامی و آزار در حین زایمان، ممانعت همراه در حین زایمان، عدم احساس امنیت در محیط زایمان و عمدتاً روابط نامناسب متخصصان و ماماها، معاینه‌های دردناک واژینال، تسکین ناکافی درد، عدم ارتباط و توضیح توسط متخصص در مورد اعمال مامایی انجام شده، وجود فشار فوندال، نداشتن حالت مطلوب زایمان و آزار جسمی و روانی بودند.

نتیجه‌گیری: با توجه به ارتباطات ذکر شده در مطالعات راهبردهایی برای ارتقای مراقبت‌های بهداشتی با کیفیت بالا و محترمانه برای پیشگیری از افسردگی بعد از زایمان مورد نیاز است.

بررسی عوامل موثر بر قصد رفتاری و انتخاب نوع زایمان توسط زنان باردار مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهرستان بجنورد بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده



ندا احمدزاده توری^۱، رضوان رجب زاده^۲، یاسمن جعفری^۳، نازی شکراللهی^۴، سید حمید حسینی^{۵*}

۱. دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی سلامت، پژوهشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
۲. دکتری اپیدمیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۳. دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت-دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۴. کارشناسی مامایی، کارشناس مرکز بهداشت بجنورد، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۵. دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

چکیده

اهداف: شیوع بالای سزارین یک نگرانی بهداشتی در سطح جهانی به ویژه در ایران است. سازمان بهداشت جهانی نرخ ایده آل سزارین را بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از کل تولدها اعلام کرده است. پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل موثر بر قصد رفتاری و انتخاب نوع زایمان توسط زنان باردار شهرستان بجنورد بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده صورت گرفت.

ابزار و روش ها: مطالعه مقطعی حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی در سال ۱۴۰۰ روی زنان باردار شکم اول مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهرستان (شهر-روستا) بجنورد انجام شد. روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده بود. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه ای محقق ساخته مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده بود. تحلیل داده ها در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ توسط آزمون های آماری رگرسیون لجیستیک، کای اسکوئر و من ویتنی و... انجام شد.

یافته ها: ۷۲/۶٪ شرکت کنندگان قصد انجام زایمان به روش طبیعی و ۲۷/۴٪ زایمان سزارین را داشتند. افرادی که قصد زایمان طبیعی داشته اند به طور معنی داری آگاهی بهتر، نگرش مثبت تر نسبت به زایمان طبیعی و کنترل رفتاری درک شده بهتری داشته اند ($P < 0/001$). سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده روی هم ۱۷/۲ واریانس قصد زایمان طبیعی در زنان باردار را پیشگویی می کردند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه، تئوری رفتار برنامه ریزی شده میتواند با شناسایی عوامل قصد زنان باردار درانتخاب زایمان به روش طبیعی موثر باشد. با آموزش و مداخلات جهت کاهش میزان سزارین به زنان باردار و دوستان یا بستگان آنها در دوران بارداری استفاده از این تئوری پیشنهاد می گردد.

کلیدواژه: زایمان طبیعی، سزارین، زنان باردار، تئوری رفتار برنامه ریزی شده

علی اکبر آشام^۱، محمد مجاهد^۲، طیبه سمیعی زاده طوسی^۳، محمد سعید جدگال^۴

۱. دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ایران، چابهار، ایران.
۲. استاد یار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه مامایی، دانشکده ی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ایران، چابهار، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ایران، چابهار، ایران.
۴. استاد یار آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده ی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ایران، چابهار، ایران.
- ۵.

چکیده:

سابقه و هدف: پیشینه کشورهای. مردان در کشورهای در حال توسعه تصمیم گیرندگان اصلی هستند که تعیین کننده دسترسی زنان به خدمات سلامت مادر و تأثیرگذاری بر نتایج سلامت آنها هستند جاییکه ۹۹ درصد از مرگ و میرهای جهانی جهانی مادران را به خود اختصاص می دهند. مشارکت مردان در سلامت مادر و بهداشت باروری می تواند تأثیر بگذارد و نتایج بارداری و زایمان را بهبود بخشد. این مطالعه با هدف، مروری بر نقش مشارکت مردان در ارتقای سلامت مادران انجام شده است.

مواد و روش ها: در این مطالعه با استفاده از کلید واژه های مشارکت مردان، سلامت مادر، بارداری، سلامت زایمان، پس از زایمان و شیردهی، جستجو در پایگاه های اطلاعاتی از قبیل Google scholar، Science direct، PubMed، Magiran، SID Cochrane، پایگاه داده الکترونیکی و منابع فارسی و انگلیسی ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۲۱، جستجو شد. دو بازبین به طور مستقل کیفیت مطالعات را بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده غربال و ارزیابی کردند.

نتایج: ۲۳ مقاله مورد استفاده قرار گرفت. نتایج ۱۴ مطالعه معیارهای ورود را برآورده کردند. مشارکت مردان در چند دسته تقسیم بندی شد: درگیر کردن مرد در دوران بارداری، حین زایمان، پس از زایمان و شیردهی. با بهبود استفاده خدمات سلامت مادران درگیری مرد در دوران بارداری و پس از زایمان مزایای بیشتری نسبت به درگیری وی در طول زایمان دارد. مشارکت مردان در برخی متون به طور قابل توجهی با کاهش احتمال افسردگی پس از زایمان همراه بود. تبعیض جنسیتی عمدتاً به دلیل هنجارهای فرهنگی وجود دارد و این زمینه به انحراف شاخص های مادری ایمن ممکن است بینجامد عدم آگاهی مردان از رفتارهای مناسب بهداشتی، دانش کم مردان در مورد مشکلات بارداری و نیاز های فیزیکی زن باردار، مانع مهم برای مشارکت مردان در امور منزل و توصیه های بهداشتی است.

نتیجه گیری کلی: طراحی استراتژی های نوآورانه برای مشارکت دادن مردان در مداخلات سلامت مادر و دادن استقلال بیشتر به زنان برای تصمیم گیری در مورد سلامت خود، به کاهش مرگ و میر و ناتوانی مادران ناشی از بارداری کمک می کند. ترویج مشارکت مردان در مراقبت های دوران بارداری و آموزش پدران در زمینه حمایت روحی از مادر، با محتوایی ویژه علائم خطر و تغذیه در این دوران به کمک رسانه ها و مشاوره مورد نیاز است. آموزش مردان از زمان نوجوانی و به طور خاص در کلاس های پیش از ازدواج، زمان بارداری و زایمان باید ترویج یابد.

کلمات کلیدی: مشارکت مردان، سلامت مادری، زایمان، بارداری

سندیکه
جمعیت مادران، آینده مطمئن
دوین حیات نواره در ماما

مولفه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نقش سازمان های مردم نهاد و پایداری جمعیت

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery

نقش جوانی جمعیت بر تحقق اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم اقتصادی

حبیبه ابراهیمی^۱ هادی نوری^۲

۱. کارشناسی ارشد اقتصادانرژی، دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناس برنامه و بودجه، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اسفراین
۲. دکتری حرفه ای پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه: حقایق بیانگر این مطلب است که از سال های پس از انقلاب اسلامی، ایران همواره از سوی برخی کشورهای دیگر تحریم شده و از سوی آنان تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است. این تحریم ها بر بخش های مختلف کشور اثرگذار است. مهمترین بخش که به طور مستقیم بر زندگی مردم اثر گذار است، اقتصاد می باشد. برای مقاوم شدن در برابر این فشارها، ترمیم نهادهای فرسوده و ناکارآمد، دفاع در مقابل تحریم های اقتصادی و همین طور مصون ماندن از بحران های جهانی و در نهایت دستیابی به رشد و شکوفایی در این شرایط راه حل اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری مطرح گشت. در مباحث اقتصادی، جمعیت، علیرغم برخی اختلاف نظرها، به عنوان یکی از عناصر قدرت سیاسی و اقتصادی کشورها قلمداد می شود. در عصر حاضر کشورهای مختلف به شدت روند تحولات جمعیتی خود را رصد می کند. یکی از دلایل این امر بروز مشکلات اقتصادی ناشی از سیاست های کنترل جمعیت از جمله مشکل کاهش نیروی کار، سالخوردگی جمعیت و مسائلی از این دست است.

این پژوهش سعی دارد تا نقش جوانی جمعیت بر تحقق اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم اقتصادی را توضیح و در انتها راهکارهایی به منظور تحقیق این اقتصاد بیان نماید.

کلمات کلیدی: جمعیت، اقتصاد مقاومتی، جوانی جمعیت، تحریم اقتصادی

نقش گرایش های فرهنگی در ایجاد جمعیت پایدار از دیدگاه آیات قرآن و روایات



غلامرضا ابراهیمی مقدم^۱

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان

مقدمه: به طور کلی احساس و رفتار هر انسانی نسبت به هر چیزی از شناخت و عقیده وی نشأت می گیرد به بیان دیگر، جهت گیری و میزان اهتمام هر انسانی نسبت به هر موضوعی تابع شناخت و عقیده او درباره آن موضوع است. از طرفی، عوامل و زمینه های فرهنگی هم خواسته یا ناخواسته، در شناخت و عقیده افراد تأثیرگذارند. از این رو، در تحریک و ایجاد انگیزه برای اقدام یا عدم اقدام نسبت به هر کاری، بر سایر عوامل مقدم هستند. اقبال یا ادبار شهروندان نسبت به تولید نسل و تکثیر جمعیت و ایجاد جمعیت پایدار نیز از این اصل کلی مستثنا نیست.

مواد و روش: نگارنده به روش کتابخانه ای و توصیف و تحلیل داده ها و استدلال منطقی به تبیین مسئله و اثبات مدعای خود می پردازد. بر این اساس، با مراجعه به منابع اصیل اسلامی مانند قرآن و روایات همچنین آثار عالمان دینی، واقعیت های آماری و میدانی مستند به مراکز آماری رسمی کشور مدعای نگارنده روشن می گردد.

یافته ها: برنامه ریزان و سیاست گذاران حوزه جمعیت باید ابتدا نگرش مردم را تغییر دهند. منابع دینی با درک این حقیقت که تغییر نگرش افراد منشأ اقدام یا عدم اقدام به کاری است، در پی تغییر نگرش کلی انسان نسبت به نوع بشر و فرزندآوری بودند. گرچه عوامل اقتصادی بر کاهش و افزایش جمعیت مؤثرند اما عوامل فرهنگی نقش مهمتری دارند.

بحث و نتیجه گیری: کاهش جمعیت و عدم تمایل مردم به فرزندآوری یا افزایش جمعیت، پدیده های اجتماعی هستند که عوامل گوناگونی از جمله اقتصاد در تحقق آن دخیل می باشند. اما مهمترین عامل و علت محدثه و مبقیه این پدیده، تغییر نگرش مردم نسبت به رفاه، آسایش، مسئولیت پذیری، فرزند و نسل آینده است.

غالباً طبقات اجتماعی یا مناطقی از کشور که باورهای دینی محکم تری دارند و یا به طور سنتی فرزندآوری را یک ارزش دارای منزلت اجتماعی می دانند، علی رغم مشکلات اقتصادی، تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند و در مقابل طبقات مرفه و برخوردار و کسانی که گرایش دینی آنها متأثر از فرهنگ بیگانه است، و یا تلقی مادی گرایانه و رفاه طلبانه دارند و بیش از حد نسبت به جنبه مادی فرزندان تأکید می کنند و نگران آینده فرزند خود هستند، تمایل کمتری به فرزندآوری دارند.

A Literature Review of the Socioeconomic and Health-related Determinants of Childbearing



Farahnaz Zangoei^{1*}, Parvaneh Rezasoltani²

¹MSc Student, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran,

²Assistant Professor of Reproductive Health, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

Introduction: Fertility is one of the natural events and important elements of population growth, and related studies are considered one of the most important categories of population science. Fertility behavior as the main phenomenon determining population fluctuations is multifactorial. This study aimed to review the socio-economic and health-related determinants of fertility behavior in Iran.

Search strategy: In this study, international databases and publications including Google Scholar, MEDLINE/PubMed, Science Direct, Scopus, Web of Science, Ovid, EMBACE, Magiran, Iran Medex, SID, BMJ Journals, Cambridge Journals, Nature, Oxford Journals, Sage Publications, JSTOR Journals, and Elsevier were used without time limitation. Thirty-three out of 82 relevant articles in English or Persian, original research or reviews, were selected.

Findings: The results of the studies show that socio-economic factors such as employment status, home ownership, economic stability, the gap between couples' expectations and incomes, concerns about providing for the child's future, the rising cost of living, imposing costs of education and upbringing of children, the lack of government support regarding fertility issues and the skyrocketing costs of infertility treatment and lack of access to insurance have had a significant impact on the reproductive behavior of married women. Age at marriage, education, number of children, ideal gender composition of children, modern lifestyles and changes in people's value systems, social attitudes, greater participation of women in social activities, lived experience of hardship, and fear of repetition have also influenced fertility behavior. Researchers consider other factors such as providing free medical care, more subsidies, food baskets and support for student mothers, more paternity leave, longer maternity leave, reducing compulsory working hours for pregnant mothers, early retirement for working mothers, or an increase in mothers' years of work and motivation as factors that encourage fertility. Other health-related determinants of fertility behavior mentioned in the available literature include parents' mental/emotional health, number of live births and stillbirths, unpleasant experiences during pregnancy and childbirth, and inadequate knowledge of fertility and aging processes.

Conclusion: It seems that the detailed study of these determinants of reproductive behavior in different social contexts can facilitate the improvement of reproductive behavior and the implementation of relevant policies.

Key Words: Reproductive behavior, Socioeconomic Factors, Women's Health

Understanding the Concept of Voluntary Childlessness



Syed Ebrahim Ahmadi*^۱, Homeira Sajjadi^۲, Toktam Paykani ^۳

^۱. Assistant Professor of Social Health and Welfare, Iranian Biological Resource Center (IBRC), Academic Center for Education Culture and Research. (ACECR), Tehran, Iran. e.ahmadi@acecr.ac.ir

^۲. Professor of Social Medicine, Social welfare Management Department. University of Social Welfare & rehabilitation Science, Tehran, Iran.

^۳. Assistant Professor of Social Health and Welfare, Social Development and Health Promotion Research Center, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

Introduction: Today, voluntary childlessness has increased among couples. Voluntary childlessness is recognized as a social issue in societies that have moved from a traditional family to a modern family. One of the reasons for declining population growth and decreasing fertility rates is voluntary childlessness.

Purpose: The purpose of this study was to identify the concept of childlessness in people who are not infertile, but have chosen a permanent childlessness.

Methods and Materials: The study was exploratory and qualitative using in-depth and key informant interviews. Twenty two persons who were married, childfree and were not infertile were theoretically sampled and interviewed using an in-depth interview guides. Collected data was transcribed, coded, sorted and analyzed for categories and themes.

Results: Findings of this study showed that Voluntary childless persons do not feel the necessity for a child and do not consider the lack of a child as a deficiency in life. They regard childlessness as healthy lifestyle. They are not ashamed of being childless and do not feel guilty, but they consider parents to be guilty because they will not be able to make their children happy and blissful.

Conclusion: It may be concluded that although fertility is very valuable in society having a child has no value for voluntary childless people. People who decide to be permanently childfree stand against pressures and stigmas. Therefore, the concept of fertility selection should include policies that enable couples to desire their children's numbers.

Keywords: Voluntary Childlessness, fertility, concept

Complementary medicine and population Sustainability



Maryam Soltani

1. Midwife in Canada

Introduction: The family is a small sample of a population. Undoubtedly, the role of women at the center of the family is particularly important and women's health has a significant impact on the stability of the population.. By connecting science and medicine, physicians gained the power to actively intervene in the disease process, cure, prevent and eradicate the disease. F. In the process, treatment, not care, became the primary goal of medicine, and the role of the physician was transformed “curer of disease” rather than “healer of the sick.”

Methods and Materials: In the other hand, complementary and alternative medicine do not include any healing practice in mainstream health care, because they have limited experimental and clinical studies. In this study, the role of complementary medicine in gynecology and obstetrics diseases has been investigated.

Result: Therefore, complementary medicine is one of the effective methods, which can be impact on body healing and it is helpful for health, especially women's health in society. Complementary medicine has many different branches. For instance, based on Traditional Chinese Medicine or TCM, Acupuncture is a kind of complementary medicine, which has thousand years history for healing the human. Acupuncture can affect the Extraordinary Vessels directly. For this reason, acupuncture is extremely effective in treating gynecological problems. In this regard, the role of two extraordinary vessels, the Directing and Penetrating Vessels (Ren and Chong Mai) are very important. Because these vessels influence all aspect of the woman body like menstruation, ovulation, conception, pregnancy, and childbirth.

Conclusion: To conclude, Obstetrics and gynecology are one of the most important and specific branches of medicine, that except of Western Medicine, has a very strong, and valuable foundation in TCM, which is very practical, in details. Therefore, as mentioned above, acupuncture, as one of the most practical treatments of the complementary medicine has significant effect on women’s body, Consequently, it causes to family and social well-being of women, then impacts on the population sustainability in society.

Key word: Obstetrics, gynecology, population Sustainability, Complementary medicine

تأثیر عوامل جمعیتی و نگرشی بر تمایل به تأخیر در فرزندآوری در زنان شهرستان گنبد کاووس

مهین ادیب^۱ - عابد نوری^۲

۱. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی - دانشگاه علوم پزشکی گلستان - موسسه آموزش عالی سلامت گنبد کاووس
۲. دکتری تخصصی (PhD) مدیریت - دانشگاه علوم پزشکی گلستان - موسسه آموزش عالی سلامت گنبد کاووس

مقدمه: تأخیر در فرزندآوری یکی از مشخصه‌های اصلی گذار دوم جمعیتی، موجب کاهش باروری و درنهایت کاهش حجم و رشد جمعیت می‌شود. مهم‌ترین علت کاهش باروری به تعویق انداختن تولد اولین فرزند و زیاد شدن فاصله بین موالید است. این پژوهش با تأکید بر نظریه‌های مهم جمعیت‌شناختی به تبیین عوامل مؤثر بر تأخیر در فرزندآوری از زمان ازدواج تا تولد فرزند اول در زنان ۱۵ تا ۳۵ ساله ساکن شهرستان گنبد کاووس می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی و جامعه آماری در این تحقیق، ۴۸۳ نفر از زنان ۱۵-۳۵ ساله متأهل که حداقل ۴ سال از ازدواج آن‌ها با تولد اولین فرزند فاصله وجود دارد و در سال ۱۴۰۱ جهت دریافت خدمات به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان گنبد مراجعه نموده‌اند، بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ساختمانده با آلفای کرونباخ ۰/۸۶ و توسط کارشناسان بهداشت جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری رگرسیون خطی، پی‌رسون و اسپیرمن در نرم‌افزار spss ۲۲ استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمره تمایل به تأخیر در فرزندآوری ۳/۴۶ و در بین متغیرهای مستقل، متغیر نگرش به هزینه فرزند، ۲/۷۵ بود. طبق یافته‌های توصیفی بیشترین گروه سنی زنان، ۲۰ تا ۲۴ سال (۴۲/۴ درصد) و بر اساس تحصیلات، (۴۲/۹ درصد) دانشگاهی بودند. بین تحصیلات در زمان ازدواج با شاخص تمایل به تأخیر در فرزندآوری، ارتباط مثبت و معناداری وجود داشت ($p < 0.05$). با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی، نگرش به هزینه فرزند، تحصیلات خانم در زمان ازدواج، به صورت معناداری تمایل به تأخیر در فرزندآوری را پیش‌بینی می‌کنند. از مقادیر سطح معناداری (P-Value) هریک از متغیرها مشخص گردید که نگرش به هزینه فرزند و تحصیلات خانم به صورت معناداری، تمایل به تأخیر در فرزندآوری را پیش‌بینی می‌کنند.

نتیجه‌گیری: از یافته‌های به‌دست آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شرایط جمعیتی و نگرشی (هزینه فرزند) در افزایش میزان به تأخیر انداختن تولد فرزند اول و بالتبع کاهش باروری فعلی جامعه تأثیر بسزایی دارد. بنابراین برای کاهش فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند در برنامه‌ریزی‌ها، باید به عوامل جمعیتی و نگرشی توجه ویژه‌ای را مبذول داشت.

واژه‌های کلیدی: عوامل جمعیتی، عوامل نگرشی، تأخیر در فرزندآوری، گنبد کاووس

نویسندگان: مریم ارزانی*، نادیا رحیمی، مرجان مشکوتی، راشین پور اشرف

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه: مادران نقش اساسی در حفظ سلامت خانواده داشته و حافظ سلامت جامعه محسوب می گردند. لذا تامین سلامتی آنها از اهمیت خاص برخوردار بوده و شناختن علل و عوامل مرگ های مادری همواره از دغدغه های دست اندرکاران حوزه سلامت بوده است. مرگ و میر مادران صرفاً یک معضل بهداشتی نبوده، بلکه یک معضل اجتماعی نیز محسوب می شود. بی تردید شاخص مرگ و میر مادران تابعی از وضعیت سواد زنان، قومیت، شبکه راههای روستایی، دسترسی به فوریتهای مامایی و زایمان، هزینه خدمات درمانی، وجود شبکه های مخابراتی ارتباطی، درآمد خانوار و ... می باشد. این مطالعه به بررسی برخی از عوامل اجتماعی فرهنگی در مرگهای مادری این بازه زمانی می پردازد.

مواد و روشها: در این مطالعه توصیفی همه زنان باردار تا ۴۲ روز پس از زایمان که در اثر عوارض ناشی از بارداری و زایمان، در طی سال های ۱۳۹۶-۱۴۰۱ فوت شدند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش جمع آوری اطلاعات، بررسی مستندات و پرسشنامه های استاندارد شده نظام مراقبت مرگ مادران می باشد. اطلاعات در نرم افزار SPSS وارد و عوامل موثر بر مرگ مادر با آمارهای توصیفی آنالیز گردیده است.

یافته ها: آمار استنباطی مولفه های تعداد بارداری، قومیت، شغل مادر، محل سکونت (از نظر شهری یا روستایی بودن)، تحصیلات مادر و محل فوت (بیمارستان، منزل، بین راه و مرکز بهداشتی)، بررسی و آزمون فرضیه های مختلف انجام گردید. مطابق با نتایج به دست آمده آزمون فریدمن، سطح معنا داری برابر با صفر رابطه میان تحصیلات و محل فوت زنان باردار را با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد معنا دار می داند. بین سایر مولفه های مورد بررسی با یکدیگر ارتباط معنا داری یافت نشد.

نتیجه گیری: سلامت رابطه تنگاتنگی با توسعه اجتماعی فرهنگی دارد. بهبود راه های مواصلاتی در مناطق دور از دسترس، فعال تر شدن سیستم های حمایتی در خصوص هزینه های درمانی در افراد کم بضاعت جامعه، بهبود کیفیت آموزش ها بویژه در افراد با سطح سواد پایین تر در خصوص مراجعه به موقع به مراکز درمانی و در پیشگیری از مرگهای مادری تاثیر گذار است.

واژگان کلیدی فارسی: مرگ مادری، مولفه های اجتماعی، فرهنگی، تحصیلات

دکتر عبدالرحیم افخم زاده^{۱*}، دکتر قباد مرادی^۲، دکتر محمود فرهادی^۳، محمد هادی افخم زاده^۴

۱- متخصص پزشکی اجتماعی، استاد دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

۲- اپیدمیولوژیست، استاد دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

۳- متخصص طب اورژانس، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

۴- دانشجوی پزشکی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

مقدمه: سیاست کلان جمعیتی در کشور ما، تشویق به فرزندآوری و افزایش جمعیت می باشد. این مطالعه با هدف تاثیر مولفه های فرهنگی زبان و مذهب و همچنین مولفه های دموگرافیک در افزایش فرزندآوری در شهرستان چند زبانه و چند فرهنگی قروه در استان کردستان طراحی و اجرا گردید.

مواد و روشها: در یک مطالعه مقطعی بر روی ۲۰۰ نفر از زنان متاهل شهرستان قروه با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه، داده ها جمع آوری و از طریق نرم افزار آماری مجذور کای و رگرسیون لجستیک نتایج بررسی گردید. انتخاب حجم نمونه براساس ترکیب جمعیتی قومیتی و مذهبی شهرستان قروه بود.

یافته ها: میانگین سن زنان مورد مطالعه ۶۴/۶+۵۲/۳۱ سال و همسران ۳۵/۷+۸۲/۳۶ سال بود. میانگین تعداد فرزندان ۱/۷۹ بود. بیشترین میزان تحصیلات مربوط به افراد زیر دیپلم بود ۵۳٪. میزان استفاده از روش های پیشگیری ۶۷٪ بود. بین تمایل به فرزندآوری با تحصیلات، تحصیلات همسر، شغل، شهری/روستایی بودن رابطه وجود داشت. در این مطالعه جمعیت کرد زبان ۱۳۰ نفر (۶۵٪)، و اهل تسنن ۱۲۴ نفر ۶۲٪ بود. مذهب، زبان و قومیت با فرزندآوری رابطه نداشت، به عبارت دیگر تفاوت معنادار بین کرد و ترک و یا کرد و فارس و یا شیعه و سنی از نظر نرخ باروری و فرزندآوری وجود نداشت. اما در همه گروه های زبانی و مذهبی تمایل به داشتن فرزند بیشتر در افراد مذهبی بیشتر بود.

نتیجه گیری: این بررسی نشان داد که سن پایین تر، داشتن تعداد فرزند کمتر، تحصیلات پایین تر، روستایی بودن و داشتن اعتقاد مذهبی باعث تمایل بیشتر به فرزندآوری می گردد.

کلمات کلیدی: فرزندآوری- مولفه فرهنگی- دموگرافیک- قروه کردستان

بررسی عوامل مرتبط با عدم تمایل به فرزندآوری در کارکنان متاهل دانشکده علوم پزشکی گراش



مریم اکبرزاده^۱، مسعود محمدی^۲

چکیده

زمینه و هدف: باروری، به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد جمعیت و یکی موضوعاتی است که در حوزه مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اهمیت بسزایی دارد، هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل مرتبط با عدم تمایل به فرزندآوری در کارکنان متاهل دانشکده علوم پزشکی گراش می باشد.

مواد و روش ها: در مطالعه توصیفی تحلیلی حاضر، جمعیت مورد بررسی شامل کلیه کارکنان متاهل شاغل در دانشکده علوم پزشکی گراش بود، از مجموع کل کارکنان متاهل دانشکده که ۴۰۰ نفر می باشند در نهایت تعداد ۱۳۴ نمونه برای بررسی مطالعه از بین کارکنان متاهل به صورت انتخاب تصادفی بر اساس فرمول در نظر گرفته شد. برای گردآوری داده ها و اطلاعات از پرسشنامه ای حاوی اطلاعات دموگرافیک و سوالات اختصاصی مرتبط با عدم فرزند آوری به صورت لیکرت پنج گزینه ای استفاده شد، پس از اخذ اطلاعات جمع آوری شده بر اساس پرسشنامه، این اطلاعات وارد نرم افزار SPSS ۲۲ شده و مورد تجزیه و تحلیل بر اساس آزمون کای دو قرار گرفت و روایی و پایایی آن نیز توسط آزمون الفای کرونباخ بررسی خواهد شد.

یافته ها: در ۹۴ نمونه مورد بررسی در مطالعه، میانگین سنی شرکت کننده گان در مطالعه $35/8 \pm 7/3$ ، میانگین سنی مردان $37 \pm 7/5$ و میانگین سنی زنان $34/8 \pm 7/1$ بود، ۴۶ مورد (۴۸/۹٪) مرد و ۴۸ نفر (۵۱/۱٪) زن بودند ۵۶/۴ درصد تحصیلات کارشناسی و ۳۱/۹ درصد دارای ۲ فرزند و ۲۸/۷ درصد دارای فرزند نبوده اند. بر اساس نتایج مطالعه وضعیت اقتصادی به منظور تامین درآمد خانواده و تامین مسکن مهمترین عوامل عدم فرزند آوری ذکر شدند و سوالات در بررسی سوالات به بچه دار شدن تمایل ندارم چون آوردن فرزند دیگر مشکلات اقتصادی زندگی ام را افزایش می دهد ($p=0/014$)، در حال حاضر به بچه دار شدن تمایل ندارم چون از نظر روحی و روانی برای بچه دار شدن آمادگی ندارم ($p=0/007$)، در حال حاضر به بچه دار شدن تمایل ندارم چون داشتن بچه دیگر با شغل و مسئولیت های اجتماعی ام تداخل دارد ($p=0/003$) و در حال حاضر به بچه دار شدن تمایل ندارم چون بچه دار شدن ادامه تحصیل را با مشکل مواجه می کند ($p=0/021$) بر اساس تحلیل کای دو تفاوت معناداری در دو جنس مرد و زن مشاهده شد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر گزارش می دهد که تاثیر وضعیت اقتصادی به منظور تامین درآمد خانواده و تامین مسکن به عنوان مهمترین عوامل عدم فرزند آوری ذکر شده است و این در حالی است که زنان در مورد سوال بهم خوردن تناسب اندام با زایمان نظر کاملا مخالف داشته اند و این نشان از میل زنان به فرزند آوری بیشتر و عدم تاثیر تحصیلات در فرزندآوری شرکت کننده گان در مطالعه می باشد، که اهمیت موضوع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را برای سیاست گذاری مناسب در طرح جوانی جمعیت گوشزد می کند.

کلمات کلیدی: فرزندآوری، جمعیت، جوانی جمعیت، سیاست‌گذاری، ایران

اثر بخشی اوریکولو تراپی بر مشکلات و عوارض بارداری:

مرور سیستماتیک

دکتر پیمان آل شیخ*^۱، اعظم زیبایی^۲، فاطمه حسین زاده^۳، حسین تیره^۴

۱. مرکز تحقیقات فرآورده‌های طبیعی و گیاهان دارویی، واحد توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان امام حسن(ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. کارشناس پژوهشی بیمارستان امام حسن(ع)، واحد توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان امام حسن(ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۳. دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۴. واحد توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان امام حسن(ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: اوریکولو تراپی یکی از تکنیک‌های درمانی غیر تهاجمی می‌باشد که در درمان بسیاری از بیماری‌ها کاربرد دارد. مطالعات اخیر نشان از اثرگذاری این روش بر مشکلات و عوارض بارداری مانند تهوع و استفراغ، کم‌درد، بی‌خوابی، خونریزی بعد از زایمان، استرس واضطراب و بی‌بوست دارد. این مطالعه مرور سیستماتیک با هدف بررسی اثربخشی اوریکولو تراپی بر مشکلات و عوارض بارداری انجام گردید.

روش جستجو: جستجو در پایگاه‌های Cochran، Web of Science، EMBASE، PubMed، Scopus، Google scholar تا تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۲۳ با استفاده از کلیدواژه‌های Auricular، Auriculotherapy، Pregnancy، low back pain، constipation، vomiting، nausea، Hyperemesis gravidarum، vaginal bleeding، sleep disorder، stress، anxiety، Infertility و ترکیب احتمالی آنها انجام شد. تمام مطالعات اصیل انگلیسی زبان شامل مطالعات مقطعی، مورد-شاهد و کوهورت و مقالات کارآزمایی بالینی که تاثیر این روش را در درمان حداقل یکی از عوارض و مشکلات بارداری را گزارش نموده بودند انتخاب شدند. پس از بررسی ۹۹۵ مطالعه توسط دو نفر از متخصصین جهت عدم تکراری بودن عناوین، کیفیت مقالات با استفاده از دستورالعمل STROBE برای مطالعات مشاهده‌ای و از دستورالعمل PRISMA برای مطالعات کارآزمایی بالینی مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت ۲۱ مطالعه مورد تایید نهایی قرار گرفت.

یافته‌ها: در مجموع ۲۱ مطالعه با جمعیت کل ۹۴۵۰ نفر شناسایی شدند. اثر بخشی این روش درمانی در بهبود و کنترل عوارض و مشکلات بارداری شامل تهوع و استفراغ، کم‌درد، بی‌خوابی، خونریزی بعد از زایمان، استرس واضطراب و بی‌بوست معنادار بوده است ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعات نشان از اثر گذاری اوریکولو تراپی بر برخی مشکلات و عوارض بارداری دارد و با توجه به اینکه این روش درمانی غیرتهاجمی، کم‌هزینه، بدون عارضه جانبی بوده و به دنبال آن باعث کاهش اشغال تخت‌های بیمارستانی و جلب مشارکت بیمار و خانواده و افزایش رضایتمندی آن‌ها می‌شود، توصیه می‌گردد مطالعات بیشتری در این زمینه با حجم نمونه‌های بیشتر و در ابعاد دیگر مربوط به مشکلات بارداری انجام گیرد.

واژه‌های کلیدی: اوریکولو تراپی، عوارض بارداری، تهوع، استفراغ، درد

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت زنان باردار

استان گلستان

مژگان باشقره (کارشناس سلامت مادران معاونت بهداشتی گلستان)، دکتر سمره خاری (رئیس اداره سلامت مادران گلستان)، رضا حسین پور، کارشناس ارشد اپیدمیولوژی گلستان، فاطمه مشکوتی (کارشناس سلامت مادران معاونت بهداشتی)،

مقدمه: کاهش میزان مرگ و میر مادران به دلیل عوارض بارداری و زایمان از مهمترین شاخصهایی است که نشان دهنده توسعه کشورهاست. با توجه به اینکه انتخاب این شاخص به عنوان نمایه توسعه، تاثیر عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی در کاهش یا افزایش آن است. بی تردید این شاخص تابعی از وضعیت سواد زنان، شبکه راه های روستایی، دسترسی به فوریتهای مامایی و زایمان، هزینه خدمات درمانی، درآمد خانوار و... می باشد. این مطالعه به منظور تعیین عوامل اجتماعی موثر بر سلامت زنان باردار در استان گلستان صورت گرفت.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی تحلیلی به شیوه مورد-شاهدی بر روی ۴۶۷ زن باردار زنده در سال ۹۷ و ۵۲ مادر باردار متوفی طی سالهای ۹۱ تا ۹۷ در استان گلستان صورت گرفت. داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن توسط اساید صاحب نظر علمی و پایایی آن بر اساس ضریب الفای کرونباخ ۰.۸۶ تعیین گردید جمع آوری و پس از اطلاعات حاصل در نرم افزار SPSS ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس اطلاعات استخراج شده میانگین سنی مادران متوفی ۲۹.۶۹ ± ۶.۷ و در مادران زنده ۲۶.۹۴ ± ۶.۰۴ بود. مقایسه متغیرهای محل دریافت خدمت، تعداد بارداری، تعداد فرزندان زنده، داشتن رفتار پرخطر، وضعیت بیمه، شاغل بودن مادر در گروه زنان متوفی با زنان در قید حیات ارتباط معنی داری مشاهده شد ($p.value < 0.05$). همچنین مولفه های اجتماعی شامل مانع بودن مادر یا خانواده، کم بضاعت بودن، بیکاری همسر، بدسرپرست بودن، مشکلات اجتماعی مثل چند همسری، فرزند طلاق بودن، ازدواج های غیر رسمی نیز در مادران متوفی به طور معناداری بالاتر مشاهده شد ($p.value = 0.001$).

نتیجه گیری و توصیه ها: کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی فقط بخش کوچکی از عوامل موثر در کاهش مرگ و میر زنان را به خود اختصاص می دهد و عوامل اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی در سلامت زنان باردار را دارد. لذا توجه به فاکتورهای اجتماعی و حمایتیهای اجتماعی با مشارکت سایر ادارات در ارتقاء سلامت زنان ضروری می باشد.

کلمات کلیدی: زنان باردار، عوامل اجتماعی، سلامت

پیش آینده‌ها، راهبردها و پس آینده‌های سبک زندگی سالم

با تاکید بر فعالیت ورزشی سالمندان: یک مطالعه



ایرج بیگلری^۱، حسن فهیم دوین^۲، محمدرضا اسماعیل زاده قندهاری^۳، حسین پیمانی زاد^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه تربیت بدنی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲. دانشیار، گروه تربیت بدنی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران،

۳. دانشیار، گروه تربیت بدنی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر شناسایی پیش آینده‌ها، راهبردها و پس آینده‌های سبک زندگی سالم با تاکید بر فعالیت ورزشی سالمندان بر اساس نظریه داده بنیاد بود.

روش کار: تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ نوع جستجوی داده‌ها از نوع کیفی و بر اساس نظریه داده بنیاد و به لحاظ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع اکتشافی می‌باشد که جمع آوری داده‌ها به صورت میدانی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه خبرگان علمی و تجربی با سابقه پژوهش و کار در زمینه سالمندان بودند که نمونه آماری به صورت گلوله برفی انتخاب که در نهایت با ۱۵ نفر مصاحبه به اشباع نظری داده‌ها منجر شد که همان به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شد. جمع آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته و اکتشافی با خبرگان صورت پذیرفت. جهت تحلیل داده‌ها از روش تحلیل داده بنیاد (استراوس و کوربین) استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که مفاهیم بدست آمده از کدگذاری نشانه‌ها در مقوله پیش آینده‌ها شامل ۱۴ مورد در سه دسته مفاهیم عوامل شخصی، سازمانی و فرهنگی-اجتماعی، در مقوله راهبردها شامل ۱۴ مورد در دو دسته راهبردهای سخت افزاری و نرم افزاری و مفاهیم بدست آمده در مورد پس آینده‌ها شامل ۱۸ مورد در سه دسته پس آینده‌های فردی، اجتماعی و سازمانی تقسیم شدند.

نتیجه گیری: مدیران ورزش کشور می‌توانند مدل بدست آمده را در جهت نهادینه سازی سبک زندگی سالم با تاکید بر فعالیت ورزشی سالمندان بکار گیرند.

واژه‌های کلیدی: راهبردها، سبک زندگی، سالمندان، نظریه داده بنیاد

تبیین الگوی سبک زندگی سالم با تاکید بر فعالیت ورزشی

سالمندان در کشور

ایرج بیگلری^۱، حسن فهیم دوین^۲، محمدرضا اسماعیل زاده^۳، حسین پیمانی زاده^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه تربیت بدنی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد ایران

۲. دانشیار گروه تربیت بدنی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد ایران

۳. دانشیار گروه تربیت بدنی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد ایران

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر تبیین سبک زندگی سالم با تاکید بر فعالیت ورزشی سالمندان در کشور بر اساس نظریه داده بنیاد بود.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه کاربردی کیفی آینده نگر که بر اساس نظریه داده بنیاد و به لحاظ روش تجزیه و تحلیلی دادهها از نوع تحلیلی-اکتشافی یم و باشد که جمع آوری دادهها به صورت میدانی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه خبرگان علمی و تجربی با سابقه پژوهش و کار در زمینه سالمندان بودند که نمونه آماری در سال ۱۳۹۹ به صورت گلوله برفی انتخاب که در نهایت با ۱۵ نفر مصاحبه به اشباع نظری دادهها منجر شد که همان به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شد. جمع آوری دادهها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته و اکتشافی با خبرگان صورت پذیرفت. جهت تحلیل دادهها از روش تحلیل نظریه داده بنیاد (استراوس و کوربین) استفاده شد.

یافته: یافته ها نشان داد که مفاهیم بدست آمده از کدگذاری نشانه ها در مقوله های اصلی، شرایط علی، شرایط زمینه، یا شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدهای سبک زندگی سالم با تاکید بر فعالیت ورزشی سالمندان در کشور تقسیم شدند.

نتیجه گیری: مدیران ورزش کشور یم توانند مدل بدست آمده را در جهت نهادینه سازی سبک زندگی سالم با تاکید بر فعالیت ورزشی سالمندان بکار گیرند.

کلمات کلیدی: زندگی سالم، سبک زندگی، سالمندان، فعالیت ورزشی

نرخ رشد جمعیت

امیرحسین نظری^۱، نجمه فیض^۲، مریم پاسبان^۳، منصور عنایت^۴، علی پاسبان^۵

مقدمه: جمعیت یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های پیشرفت کشور به شمار می‌رود. نیروی انسانی فعال، پیشران موتور کشور در مسیر رشد و توسعه به حساب می‌آید و تعالی کشور بدون وجود این مؤلفه میسر نخواهد بود. کاهش جمعیت پیامدهای ناگواری بر سلامت فرد، خانواده جامعه داشته و همچنین باعث ایجاد مشکلات بزرگ امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی برای کشور نیز خواهد شد. در ایران نیز نتایج کاهش جمعیت از ابعاد مختلف دورنمای نگران‌کننده‌ای دارد. ناباروری یکی از عواملی است که منجر به کاهش نرخ تولد و در پی آن کاهش نرخ رشد جمعیت می‌شود. ناباروری یک مشکل نسبتاً شایع جهانی می‌باشد. بررسی نشان می‌دهد که در ایران از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ میلادی، هر ساله نرخ ناباروری در حال افزایش بوده است. یکی از دلایل مهم ناباروری بیماری‌های مختلف دستگاه تولید مثلی زنان و مردان می‌باشد. در این مقاله سعی شده است مقوله ناباروری از جنبه پزشکی (به اختصاص مشکلات، بیماری‌ها و عملکردهای نادرست دستگاه تولیدمثلی) مورد بررسی قرار گرفته و سپس تاثیر طب سنتی ایرانی با رویکرد گیاهان دارویی بر بیماری‌هایی که از جمله عوامل ناباروری هستند پرداخته شود.

روش کار: این پژوهش از نوع مطالعات مروری است که بر اساس کلید واژه‌های مناسب از طریق جستجو در منابع معتبر و پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و لاتین (pubmed)، SID، سیولیکا، (Google scholar)، اطلاعات لازم جمع‌آوری، بررسی و توصیف شده است.

یافته‌ها: از جمله بیماری‌های مهم دستگاه تناسلی زنانه که موجب ناباروری میشوند میتوان عفونت و التهاب واژن و سندرم تخمدان پلی کیستیک (PCOS) را نام برد و از جمله بیماری‌های دستگاه تناسلی مردانه که موجب ناباروری میشود می‌توان اختلال در تنظیم هورمون تستوسترون، عفونت ادراری مردانه، سرطان و هایپرپلازی پروستات، واریکوسل و اختلال در پارامترهای عملکردی اسپرم سالم اشاره کرد. پژوهش‌های مختلفی اثر مثبت و بهبود دهنده گیاهان دارویی مختلف بر تمام بیماری‌هایی که در بالا اشاره گردید را نشان داده‌اند.

نتیجه‌گیری: بعضی از گیاهان دارویی می‌توانند با تاثیر مثبت و بهبود بخشیدن به بیماری‌های دستگاه تناسلی زنانه و مردانه که موجب ناباروری میشوند باعث افزایش میزان باروری و در نتیجه کمک به رشد جمعیت گردند.

کلمات کلیدی: ناباروری، گیاهان دارویی، رشد جمعیت

بررسی وضعیت مسئولیت اجتماعی بهروزان و ارتباط آن با

اجرای صحیح قوانین جوانی جمعیت

مجید پورخیاط، دکترسید رضا آل طه، یاسرخسروشاه، سالار پوربرات، خدیجه بهادری، محمود بهنیا، فاطمه ولیان پور

چکیده

این مقاله به بررسی وضعیت مسئولیت اجتماعی بهروزان و ارتباط آن با اجرای صحیح قوانین جوانی جمعیت می‌پردازد. مسئولیت اجتماعی بهروزان، به معنای تعهد و تلاش آنها برای ارائه خدمات بهداشتی و بهروزی به جوانان و نوجوانان است. اجرای صحیح قوانین جوانی جمعیت نیز به مجموعه اقدامات حاکمیتی اشاره دارد که جهت تنظیم و پیشرفت سلامت و رفاه جوانان انجام می‌شود.

روش پژوهش: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی-مقطعی است که در سال ۱۴۰۱ اجرا گردید. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه بندی نسبتی انجام گرفت و ۱۴۸ بهروز دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته مسئولیت اجتماعی بود. در این مطالعه روایی و پایایی پرسشنامه تایید شد و پایایی ۰/۸۶ محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل با نرم افزار SPSS۲۲ انجام شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌ها ۷۲٪ از بهروزان دارای مسئولیت پذیری کلی در سطح بالا بودند و میانگین مسئولیت پذیری کلی (۳/۸) بود. بین مسئولیت اجتماعی پرستاران با سن و وضعیت تاهل ارتباط معنی دار وجود دارد ($P < ۰/۰۵$). بین جنس و سطح تحصیلات با مسئولیت اجتماعی بهروزان ارتباط معنی داری یافت شد.

نتیجه گیری: از آنجا در این مطالعه ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و برخی مشخصات نشان داده شد مسئولیت اجتماعی بهروزان و اجرای صحیح قوانین جوانی جمعیت، دو عامل کلیدی برای بهبود وضعیت جوانان و ارتقای سلامت جامعه هستند. بهروزان باید تلاش کنند تا خدمات بهداشتی، آموزشی و پشتیبانی را به جوانان ارائه دهند و در اطلاع‌رسانی و اجرای قوانین جوانی جمعیت نقش مؤثری ایفا کنند.

کلمات کلیدی: مسئولیت اجتماعی، بهروز، قانون جوانی جمعیت

زمینه‌ها و تعیین‌کننده‌های ازدواج زودهنگام زنان در

شهرستان اهواز

شمسی پورعباسی، جعفر کرد زنگنه، منصور شریفی

دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات تهران)، تهران، ایران؛

چکیده

ازدواج زودهنگام مساله‌ای جهانی است که با طیف وسیعی از پیامدهای بهداشتی و اجتماعی برای دختران نوجوان همراه است. هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل تاثیرگذار بر ازدواج زودهنگام زنان شهرستان اهواز است. نمونه پژوهش شامل ۷۰۰ نفر (۳۱۵ نفر ازدواج بالای ۱۸ سال و ۳۸۵ نفر ازدواج زیر ۱۸ سال) است. روش تحقیق پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد. یافته‌ها نشان داد ازدواج زودهنگام در شهرستان اهواز، از ۲۹/۴ درصد کل ازدواج‌ها در سال ۱۳۹۰ به ۳۲/۱ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. نداشتن اختیار در انتخاب همسر، ازدواج با بستگان نزدیک و نگرانی والدین از دیر ازدواج کردن دختران و نگرانی از ارتباط پیش از ازدواج که ناشی از فرهنگ غالب و ازدواج‌های سنتی - خویشاوندی در شهر اهواز می‌باشد؛ ازدواج زودهنگام دختران را تشدید نموده است. براساس تحلیل چندمتغیره، بعد از متغیر تحصیلات، به ترتیب متغیرهای نوع ازدواج (اجباری / اختیاری)، نسبت خویشاوندی با همسر، و محل سکونت اهمیت بیشتری در پیش‌بینی احتمال ازدواج زودهنگام داشته‌اند. پایان دادن به ازدواج زودهنگام نیازمند یک استراتژی چندجانبه تمرکز بر دختران، خانواده‌های آنها، جامعه و... دولت است. بهبود آموزش، فرصت‌های اقتصادی، دسترسی به خدمات بهداشتی و چارچوب‌های سخت‌گیرانه‌تر قانون اساسی می‌تواند روند رو به افزایش ازدواج کودکان در ایران و خوزستان را متوقف کند.

واژگان کلیدی: ازدواج زودهنگام، تحصیلات زنان، نسبت خویشاوندی با همسر، بهبود آموزش، شهرستان اهواز

بررسی عوامل موثر بر فاصله بین ازدواج و فرزندآوری (مطالعه موردی زنان متأهل ۲۰-۴۹ ساله شهر اصفهان)

حمید کشاورز^۱، منصور حقیقتیان^۲، خدیجه توسلی دینانی^۳

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان
۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

چکیده: این تحقیق با هدف تعیین عوامل موثر بر فاصله بین ازدواج و فرزندآوری زنان متأهل ۲۰-۴۹ ساله شهر اصفهان صورت گرفته است. چارچوب نظری تحقیق بنا به تناسب موضوع، نظریه های جامعه شناسی و مکاتب مربوط به این حوزه قرار گرفت. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش بوده است و جامعه آماری ۴۱۳۷۳۹ نفر از زنان ۲۰ تا ۴۹ ساله شهر اصفهان بوده اند. حجم نمونه ۳۸۴ نفر بوده اند که با استفاده از فرمول کوکران با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به دست آمده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS است. مهم ترین یافته های تحقیق نشان داد که بین سن در هنگام ازدواج و تاخیر در فرزندآوری با مقدار $F(1, 28) = 0.000$ رابطه منفی و معناداری وجود دارد، با توجه به سطح معنی داری به دست آمده است فرضیه تایید می شود. در واقع، هرچه سن زنان در هنگام ازدواج بیشتر بوده است، تاخیر در فرزندآوری کمتر بوده است. فرضیه دیگری که اثبات گردید، تاثیر قدرت زن در خانواده $F(1, 19) = 0.000$ بوده که مهم ترین نقش را در تاخیر در فرزندآوری در خانواده داشته است.

واژه های کلیدی: ازدواج، سن ازدواج، تاثیر فرد در فرزندآوری، اصفهان

دکتر حسین جبّاری بیرامی^۱، فریبا بخشیان^۲، دکتر علیرضا فرشی^۳

۱. Phd مدیریت خدمات بهداشتی و درمان ،استاد دانشکده پزشکی

۲. کارشناس ارشد حوزه ریاست دانشگاه

۳. مدیر دفتر ریاست دانشگاه

مقدمه: سواد سلامت مادری، مهارتی است که توانایی زنان را در دسترسی مناسب، درک و استفاده از اطلاعات برای حفظ سلامت خود و فرزندانشان نشان می دهد. (Kohan S) از سوی دیگر در دو دهه اخیر میزان سزارین در ایران بالغ بر ۴۸٪ و در برخی بیمارستانها نزدیک ۹۰ درصد بوده که مهم ترین متغیرهای دخیل در آن تحصیلات مادر، سزارین قبلی و توصیه پزشک بودند. با این حال ارتباط بین سواد سلامت و سزارین و فرزند آوری (در این مطالعه رتبه حاملگی) در تبریز بررسی نشده و این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین سواد سلامت ، سزارین و فرزند آوری در شهر تبریز در سال ۱۴۰۲ انجام شده است.

روش کار: این بررسی توصیفی - تحلیلی با نمونه ۲۰۰ تایی زنان زایمان کرده در بیمارستانهای شهر اصلی تبریز در تیر ماه ۱۴۰۲ انجام گردید . ابزار مطالعه پرسشنامه روا و پایای سواد سلامت مادران باردار پیمان و همکارانش بود. داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ تحلیل شدند و سطح معنی داری ۰.۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: نمره سواد سلامت مادران برابر ۶۰/۵۳ بود . ۸۳/۳ درصد آنها به روش سزارین زایمان کرده بودند. ۳۹ درصد آنها بارداری اول ، ۳۸ درصد دوم و ۱۳.۵ درصد سوم را تجربه می کردند. درصد زایمان طبیعی در زایمان اولی ها برابر ۱۶ درصد ، در دومی ها برابر ۱۹.۲ درصد و در زایمان سومی ها برابر ۱۱ درصد بود . و نکته مهم اینکه ۸۱ درصد آنان در کلاسهای آموزشی کافی دوره بارداری شرکت نکرده بودند.

بحث و نتیجه گیری: میزان بالای سزارین در کشور ما که ۷۵ درصد آنها هم غیر ضرور انجام می شوند در این مطالعه هم بالا بود . سواد سلامت بالای مادران همانند تحصیلات معمول با میزان بالای سزارین همراه بود لذا انجام بررسی های با نمونه گسترده ، سیاستگذاری برای تقویت برنامه های آموزشی در این دوران با تاکید بر مزایای روش طبیعی زایمان ، بازنگری احتمالی در ابزار های سنجش سواد سلامت اجتناب ناپذیر بوده و توصیه می گردند .

کلمات کلیدی: فرزند آوری ، سواد سلامت مادر ، سزارین ، کلاس آموزشی

شیوا جگرگوشه^۱، نازیلا نژاد دادگر^۲، عزیز کامران^۳

۱. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
۲. دکتری آموزش و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
۳. گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

مقدمه: در جامعه کنونی گرایش ارادی خانواده ها به تک فرزندی بیشتر شده است. تک فرزندی موقعیتی است که در آن مرد و زن به داشتن یک فرزند اکتفا میکنند و ناشی از شرایط نامساعد بهداشتی و مرگ و میر بالا نیست بلکه والدین به طور ارادی و به دلخواه خود به داشتن یک فرزند اکتفا میکنند. از تک فرزندی در علم جامعه شناسی به امپراطوران کوچک یاد میشود که ناشی از خانواده هسته ای و تغییر در سبک زندگی افراد جامعه است. عوامل گوناگونی برای گرایش خانواده ها به تک فرزندی شناسایی شده است که عبارتند از: سختی کشیدن در برخورد با فرزند اول، مشکلات اقتصادی، تربیتی و امکانات رفاهی و ... می باشد. این تغییر در ساختار جمعیت خانواده ها باعث ایجاد یکسری چالش ها شده و کیفیت زندگی آن ها به طور کلی تحت تاثیر قرار گرفته است. لذا در این مطالعه هدف آن است که در قالب مروری به چالش های خانواده های تک فرزند پرداخته شود.

روش جستجو: پژوهش حاضر یک مطالعه مروری می باشد که بعد از جستجو کلیدواژه های تک فرزندی، چالش تک فرزندی، خانواده در پایگاه های اطلاعات علمی [Pubmed](#)، [Googlescholar](#) و ... حدود ۵۰۷ مقاله به دست آمد که بعد از بررسی های مکرر نهایتاً ۹۷ مقاله که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند وارد مطالعه شدند، در نهایت داده ها مقایسه و نتیجه گیری شدند.

یافته ها: نتایج مطالعات بیانگر این است که خانواده های تک فرزند با چالش هایی نظیر عدم رشد اجتماعی، فرزند سالاری، توجه افراطی والدین، کم شدن روابط اجتماعی، عدم جامعه پذیری، کاهش انسجام خانواده، محدودیت های ایفای نقش (خواهر یا برادر) در فرزندان، اختلالات روان شناختی مانند عزت نفس پایین، افسردگی، اختلالات اضطرابی، وابستگی، خودستایی، عدم خویشن داری، پرخاشگری، اعتیاد و احساس گناه در والدین و ... مواجه هستند.

نتیجه گیری: تک فرزندی نه تنها مورد تائید نیست بلکه یک آسیب شناخته شده که می تواند اساس یک جامعه را سست کرده و بنیان خانواده را متزلزل ساخته و به نابودی بکشاند. بنابراین صاحب نظران حوزه جمعیت و بهداشتی بایستی برنامه ریزی اساسی جهت بستر سازی در حوزه خانواده خصوصاً افزایش گرایش خانواده ها جهت فرزندآوری داشته باشند.

واژه های کلیدی: تک فرزندی، چالش تک فرزندی، خانواده

شیوا جگرگوشه^۱، محمد جعفرزاده^۲، نازیلا نژاد دادگر^{۳*}

- ۱- مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
- ۲- گروه بیماری‌های عفونی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
- ۳- دکتری آموزش و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

چکیده

مقدمه: شناسایی خطر و مشارکت گروه هدف تاثیر بسزایی در کیفیت خدمات بهداشتی دارد. هدف از انجام این مطالعه تعیین تاثیر به کارگیری استراتژی ارتباط خطر، مشارکت مردمی در کاهش موانع فرزند آوری خانواده‌های شهرستان اردبیل می باشد.

بررسی روش: مطالعه حاضر به روش اقدام پژوهی و به کارگیری استراتژی ارتباط خطر، مشارکت مردمی طی مدت ۹ ماه در سال ۱۴۰۱ انجام شد. مشارکت کنندگان مطالعه زنان ۵۴-۱۵ سال همسر دار در منطقه ۲ شهری بودند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته چهره به چهره صورت گرفت و از طریق تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: طبق نتایج بدست آمده دسته بندی‌ها انجام شد و در نتیجه دو مقوله اصلی و هفت زیر مقوله از جمله: موانع ذهنی، موانع اعتقادی، موانع آگاهی بخشی، موانع اجتماعی، موانع سیاسی، موانع مدیریتی و موانع مالی به دست آمد. **نتیجه گیری:** به طور کلی میتوان نتیجه گرفت که به کارگیری یک استراتژی مناسب باعث شناسایی و برنامه ریزی جهت کاهش موانع فرزند آوری در خانواده‌های تحت مطالعه میشود.

واژه‌های کلیدی: ارتباط خطر، مشارکت مردمی، فرزند آوری، اقدام پژوهشی

تحلیل مفهوم تعارضات نقش والدین با استفاده از روش

واکر و اوانت

۱. مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. دانشجوی دکتری تخصصی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: وقتی کودکی به دنیا می آید، والدین برای مسئولیت های خود، رهبران این جامعه می شوند. در طی این فرآیند، ساختار نقش شکل می گیرد. تعارضات نقش والدین یکی از عوامل خطر برای سلامتی روانی، مشکلات رفتاری و عاطفی کودکان است. وقتی کودکان در معرض تعارضات والدین قرار می گیرند؛ احساس ناامنی عاطفی دارند. این مطالعه با هدف بررسی و تحلیل مفهوم تعارض نقش والدین و تعیین پیشایندها و پیامدهای آن انجام شد.

روش کار: این مطالعه یک تحلیل مفهوم بود که در آن از روش ۸ مرحله ای تحلیل مفهوم واکر و اوانت استفاده شد. جستجوی گسترده در پایگاههای اطلاعاتی PubMed, Scopus و Science Web of با کلید واژه های family conflict, parents roles, family roles, mother roles در Parents در محدوده سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ انجام شد و ۱۰ مطالعه مرتبط استخراج شد .

یافته ها: تعارض والدین مسائلی مانند مشکلات سلامت عاطفی، مشکلات اجتماعی، مشکلات سلامت جسمی و روانی در کودکان ایجاد می کند. مفاهیمی مانند ابهام در نقش، انتظارات نقش، فشار نقش مادر، همسر ناکارآمد، اختلال در عملکرد سیستم خانواده، اختلال در فرایند خانوادگی مفاهیمی هستند که غالباً به جای تعارضات نقش والدین به کار می روند.

نتیجه گیری: پرستاران به تعارض والدین بایستی اهمیت دهند و راهکارهای مناسبی برای جلوگیری از ایجاد آن اتخاذ کنند. این مفهوم در برنامه درسی دانشجویان پرستاری گنجانده شود. همچنین این مفهوم با گذاشتن جلسات با کارکنان و کنگره های متعدد مطرح شود تا از عوارض طولانی مدت تعارض برای کودکان بستری در بیمارستان پیشگیری شود .

کلید واژه ها: خانواده، نقش والدین، تعارض خانواده، نقش مادر، نقش ها، والدین

شده در زنان نابارور تحت درمان IVF

ناهید جهانی شوراب^{۱*}، تکتیم سادات طاهری^۲، ملیحه عافیت^۳، ژاله فیضی^۴

۱-استادیار بهداشت باروری، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲-کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳-دانشیار گروه زنان و زایمان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۴-دانشیار، دکترای تخصصی روانشناسی سلامت، مرکز تحقیقات روانپزشکی علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

زمینه و هدف: بحران ناباروری با هیجانات و آسیب‌های روانشناختی و هیجانی همراه است. لذا مطالعه حاضر باهدف مشاوره مبتنی بر پذیرش و تعهد بر استرس درک شده در زنان نابارور تحت درمان IVF انجام شد.

مواد و روشها: در این کارآزمایی بالینی ۶۳ زن حائز شرایط پژوهش به مرکز ناباروری میلاد مشهد به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و بطور تصادفی از طریق بلوک جایگشتی به دو گروه مداخله (۳۰) و کنترل (۳۳) تخصیص داده شدند. گروه مداخله طی شش جلسه ۴۵-۶۰ دقیقه‌ای (هر ۶ روز مجازی) مشاوره اکت و گروه کنترل مراقبت‌های معمول مرکز را دریافت کردند. ابزار گردآوری داده‌ها فرم مشخصات فردی و اطلاعات ناباروری، پرسشنامه‌های حمایت اجتماعی کاسدی اصلاح شده، DASS-۲۱ و پرسشنامه روا و پایایی استرس ناباروری نیوتن بود. که قبل، دو هفته بعد از مشاوره (روز برداشت تخمک) و دو هفته بعد از انتقال جنین (روز آزمایش بارداری) در دو گروه توسط افراد هر دو گروه تکمیل شدند. داده‌ها با آزمون‌های آماری کای اسکوئر، تست دقیق فیشر، آمستقل، من ویتنی و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS.۲۵ داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند (سطح معنی داری $p < .05$).

یافته‌ها: میزان تغییرات نمره استرس درک شده زنان نابارور مورد مطالعه دو هفته بعد از مداخله در مقایسه با قبل از مداخله در گروه مداخله $16/3 \pm 25/1$ کاهش و در گروه کنترل $7/4 \pm 24/3$ افزایش داشت. دو هفته بعد از انتقال جنین در مقایسه با قبل از مداخله در گروه مداخله $15/5 \pm 24/0$ کاهش و در گروه کنترل $7/3 \pm 24/3$ افزایش داشت. آزمون من ویتنی این تفاوت را معنی‌دار نشان داد. ($P = .001$)

نتیجه‌گیری: مشاوره اکت، استرس درک شده ناباروری را کاهش می‌دهد..

کلمات کلیدی: مشاوره، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، استرس، ناباروری، لقاح خارج رحم

شاخصهای مرتبط با جمعیت در مناطق شهری و روستایی

شهرستان کلالة، استان گلستان در سال ۱۴۰۱

عزیزه چراپین^۱، عاطفه رحیمی^۲

مقدمه: با توجه به ضرورت و اهمیت اطلاع از آمارهای جمعیتی در راستای حفظ و ارتقاء سلامت جامعه این مطالعه با هدف تعیین شاخصهای مرتبط با جمعیت در مناطق شهری و روستایی شهرستان کلالة، استان گلستان در سال ۱۴۰۱ و برآورد افزایشی یا کاهشیی بودن جمعیت در سالهای آینده انجام شد .

مواد و روشها: در این مطالعه از اطلاعات درج شده در سامانه ناب دانشگاه علوم پزشکی گلستان استفاده شد. طوریکه اطلاعات مورد نیاز برای برآورد شاخصهای باروری عمومی، باروری اختصاصی سنی، باروری کلی، میزان تولد و میزان فوت از سامانه ناب دانشگاه استخراج و میزان این شاخصها برآورد گردید .

یافته ها: میزان باروری عمومی در جمعیت شهری برابر ۵۸.۲ و در جمعیت روستایی برابر ۵۷.۴۸، میزان باروری کلی و رشد طبیعی جمعیت در جمعیت شهری به ترتیب برابر ۲.۴۶ و ۱.۶۷ و در جمعیت روستایی برابر ۲.۵۹ و ۱.۳۸ برآورد گردید. میزان تولد در جمعیت شهری برابر ۲۰.۲۳ و در جمعیت روستایی برابر ۱۸.۹۴ و میزان فوت در جمعیت شهری برابر ۳.۵۱ و در جمعیت روستایی برابر ۵.۱۴ برآورد گردید .

نتیجه گیری: با توجه به اینکه میزان باروری کلی بدست آمده در جمعیت شهری و روستایی شهرستان کلالة بزرگتر از ۲.۱ است، می توان این نتیجه را گرفت که جمعیت شهرستان کلالة افزایشی است

کلمات کلیدی: شاخصهای جمعیتی، رشد جمعیت، گلستان

مهتاب حاجی محمدرضا^{۱*}، صغری خانی^۲، زهره شاه حسینی^۳

۱. دانشجوی ارشد مشاوره در مامایی، عضو کمیته تحقیق دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲. دانشیار، دکتری بهداشت باروری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۳. گروه سلامت باروری و مامایی، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: سندرم تخمدان پلی کیستیک در زنان یکی از شایعترین مشکلات هورمونی مطرح شده در سنین باروری است که علاوه بر شیوع قابل توجه، عوارض قابل توجهی نیز دارد، که می تواند بر کیفیت زندگی زنان موثر باشد. هدف از این مطالعه بررسی مداخلات انجام شده در زمینه تاثیر یوگا بر کیفیت زندگی زنان مبتلا به سندروم تخمدان پلی کیستیک، می باشد.

روش کار: این مطالعه مرور دامنه ای در سال ۲۰۲۳ با مراحل، طراحی سوال مطالعه، جستجو، که در پایگاه های SID، PubMed، Scopus، Science Direct، Iran doc، magiran و موتور جستجوی Google scholar با کلید واژه هایی مانند "یوگا"، "سندرم تخمدان پلی کیستیک"، "زنان"، "کیفیت زندگی" و معادل انگلیسی آنها انجام شد و پس از آن شناسایی مطالعات مرتبط از بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ (سیزده سال اخیر) انتخاب مطالعات، که بعد از غربالگری عنوان، چکیده و متن کامل از بین ۶۸ مطالعه، نهایتاً ۲ مطالعه، وارد این مرور شدند. پژوهش هایی که حجم نمونه و نحوه اجرای نامشخصی داشتند و متن کامل آنها در دسترس نبود، در ابتدا از روند مطالعه حذف شدند. غربالگری کیفیت مطالعات به وسیله چک لیست ارزیابی ریسک خطر مطالعات مداخله ای و چک لیست جداد انجام شد. سپس طبقه بندی یافته ها صورت گرفت.

نتایج: نتایج مطالعه حاضر از ۲ مقاله برگرفته شده است؛ که تأثیر یوگا بر ارتقای کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به PCOS را مورد بررسی قرار داد. جلسات مداخله در هر دو مطالعه به صورت گروهی بود. جلسات، در یک مطالعه به مدت ۱۲ هفته و هفتگی (هر جلسه ۱ ساعت) و مطالعه دیگر ۱۲ جلسه، دوبار در هفته، ۹۰ دقیقه برگزار شد. هر جلسه شامل صحبت و تعامل مشارکت کنندگان با یکدیگر (۳۰ دقیقه)، آرام سازی عضلانی (۱۰ دقیقه)، تمرین یوگا به همراه ۱۰-۵ تمرین تنفسی (۶۰ دقیقه)، آرام سازی عضلانی همراه با تکنیک های مدیتیشن و تکنیک های تنفسی (۱۰ دقیقه) و در انتها نیز پرسش و پاسخ (۱۰ دقیقه) بود. جلسات مداخله نیز در هر دو مطالعه توسط یک مربی یوگا صورت پذیرفت. نتایج مطالعه اول نشان داد که یوگا بر تمام خرده مقیاس های کیفیت زندگی موثر خواهد بود (اندازه اثر مطالعه از ۰/۲۴ تا ۰/۷۲ مغییر بود). نتایج مطالعه دوم نیز، مانند مطالعه قبل، نشان دهنده تاثیر یوگا بر تمامی خرده مقیاس های کیفیت زندگی زنان مبتلا PCOS به بود و ($p < 0,001$) total score گزارش شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه، یوگا میتواند موجب افزایش کیفیت زندگی در زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک شوند. از این رو توصیه می شود این نوع مداخله به تنهایی یا در کنار مداخلات دیگر در ارتقای کیفیت زندگی زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک مورد استفاده قرار گیرد. ولیکن لازم است، جهت رسیدن به شواهد قوی تر مداخلات بیشتری با حداقل سوگیری و پیگیری طولانی مدت و بررسی همه جانبه متغیر ها صورت گیرد.

کلید واژه: یوگا، کیفیت زندگی، زنان، سندرم تخمدان پلی کیستیک

ماهرخ اعلائی جنت مکان^۱، اکرم عزتی فرد^۲، گلرخ عنقیقه چیان^۳، نگار حاجی نسب^۴، ندا قهرمان زاده^۵، حسین درگاهی^{۶*}

۱. دکتری حرفه‌ای پزشکی، مرکز بهداشت غرب، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه سلامت در بلاياو فوریت‌ها، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۳. استادیار سلامت در بلاياو فوریت‌ها، گروه سلامت در بلاياو فوریت‌ها، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۴. کارشناسی مامایی، مرکز بهداشت غرب، معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۵. کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۶. استاد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، گروه علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، مرکز تحقیقات مدیریت اطلاعات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: سواد سلامت به ظرفیت کسب، پردازش، درک اطلاعات اساسی و خدمات مورد نیاز جهت تصمیم‌گیری‌های مناسب در زمینه سلامت اطلاق می‌گردد. ارتقاء سواد سلامت زنان باردار منجر به درک آنها از اطلاعات سلامت بارداری می‌شود و در طول سال‌های رشد و تکامل، به طور مستقیم بر سلامت کودک تاثیرگذار است. بنابراین با توجه به اهمیت سواد سلامت زنان باردار، هدف از انجام این مطالعه، مروری جامع بر وضعیت سواد سلامت در زنان باردار بود.

روش جستجو: مطالعه حاضر با هدف مرور نظام مند یافته‌های مقالات مرتبط با سواد سلامت در دوره بارداری پرداخته است. در این مطالعه با جستجوی مقالات انگلیسی و فارسی منتشر شده از ژانویه سال ۲۰۰۰ تا اکتبر سال ۲۰۲۳ در پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed، Web of Science، Google Scholar، و پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی ISC، Magiran و SID با استفاده از کلیدواژه‌های pregnant، women، pregnancy، health literacy، بارداری، سواد سلامت انجام گردید. پس از تکمیل جستجو و ارزیابی مقالات با استفاده از چک لیست در نهایت ۴۵ مقاله وارد مطالعه شدند. نگارش مقاله طبق چک لیست PRISMA صورت گرفت.

یافته‌ها: ارتباط معنی داری بین سواد سلامت مادران باردار با سطح تحصیلات، شغل و تعداد بارداری وجود داشت. بدین صورت که با افزایش سطح تحصیلات سواد سلامت در مادران افزایش می‌یافت همچنین سواد سلامت با مراقبت‌های دوران بارداری و نتیجه بارداری ارتباط مثبت معنی داری نشان داد. و با افزایش درآمد خانوار، سواد سلامت مادران باردار افزایش می‌یافت در بیشتر مطالعات، ارتباط منفی میان سن و سطح سواد سلامت گزارش شده است و در مادران بارداری که سن بالاتری داشتند سواد سلامت کمتری را داشتند.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت سواد سلامت در سلامت مادران و نوزادان و به منظور ارتقای سواد سلامت و به دنبال آن بهبود مراقبت‌های دوران بارداری و نتیجه بارداری، لازم است مسئولین بهداشتی کشور، برنامه‌های آموزشی بیشتری جهت ارتقای سطح سواد سلامت و توانمند سازی این قشر تدوین کنند.

کلیدواژه‌ها: Maternal health literacy، health literacy، pregnancy

بررسی تعیین جنسیت بارزیم غذایی در زنان مراجعه کننده به مرکز خدمات جامع سلامت

معصومه حسین زاده*، فغانه وحدت ۲

گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

یک مطالعه مقطعی در طی ۶ سال، ۴۵ خانم متاهل همسر دار مراجعه کننده به مرکز خدمات جامع سلامت مورد بررسی قرار گرفت پس از دادن اطلاعات لازم ورژیم غذایی در خصوص تعیین جنسیت، از بین ۴۵ نفر ۵ نفر رژیم دختر که هر ۵ نفر دختر و از ۴۰ رژیم پسر ۳۷ پسر، ۱۰ دوقلویی پسر، ۲ دختر بارزیم پسر و ۱ مورد مردزایی. بارعایت رژیم در خانم ها: لایه خارجی تخمک را بنحوی تغییر می دهد که اسپرم درشت و پرتحرک به طرف آن جذب می شود و باعث جنسیت پسر می شود. در مردان: این رژیم تعداد اسپرم را زیاد و تحرک آن را بیشتر می کند بطوری که اسپرم قوی و پرتحرک می گردد.

کلمات کلیدی: رژیم، جنسیت

مقدمه: کاهش رشد جمعیت در جهان امروزه، یکی از بزرگترین مشکلاتی است که کشورها را درگیر کرده است. کاهش نرخ باروری میتواند آسیب های جدی اقتصادی و اجتماعی بر دولتها وارد آورد. همینطور رشد جمعیت سبب توسعه و پیشرفت علمی و اقتصادی گردد. رشد جمعیت تحت تاثیر عوامل بسیاری است که یکی از مهمترین آنها، رفتار باروری افراد جامعه است. هدف این مطالعه مروری کوتاه بر عوامل موثر بر رفتار باروری میباشد.

روش جستجو: این مطالعه با بررسی مقالات چاپ شده در دیتابیس های ساینس دایرکت، پابمد، گوگل اسکولار، کاکرین، پروکوئست، SID، Magiran، IranDoc با استفاده از کلیدواژه های رفتار باروری، عوامل موثر، reproductive behavior، fertility behavior و childbearing انجام شد. از میان تمام مقالات فارسی و انگلیسی جستجو شده، ۲۳ مقاله با کیفیت وارد این مطالعه شدند.

یافته ها: یافته های مطالعه حاضر را میتوان به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول عواملی که دارای تاثیر مستقیم بر رفتار باروری هستند یعنی عواملی که با بیشتر شدن آنها، رفتار باروری نیز بیشتر میشود. و دسته دوم عواملی که تاثیر معکوس بر رفتار باروری دارند. یعنی عواملی که بیشتر شدن آنها باعث کاهش رفتار باروری میشود. دسته اول شامل توانمندی زنان، استفاده از رسانه خارجی، مذهب، تعداد سقط ها و تعداد مرگ و میر فرزندان است. دسته دوم نیز شامل سن ازدواج، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، سن، میزان تحصیلات، شغل، تفکرات فرهنگی قومی، رضایت از زندگی زناشویی و میزان استفاده از فضای مجازی میباشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های این مطالعه، عوامل متعددی بر رفتار باروری افراد موثر هستند که میتوان با کنترل این عوامل و آموزش به افراد جهت ارتقاء آگاهی و تصحیح نگرش ها، نرخ باروری را در جامعه بهبود بخشید.

واژه های کلیدی: عوامل موثر، رفتار باروری، باروری

رابطه بین سلامت معنوی با انگیزه فرزندآوری زنان متاهل

سنین باروری

میرالسادات حسینی طب‌دهی^۱، زهره شاه حسینی^۲، سیده فاطمه غفاری^۳

مقدمه: فرزندآوری یک ضرورت اجتماعی و بیولوژیکی است که تحت تاثیر عوامل متعددی از جمله عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می باشد. هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه بین سلامت معنوی با انگیزه فرزندآوری در زنان سنین باروری تحت پوشش مراکز بهداشتی شهر ساری در سال ۱۴۰۰ می باشد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی است که به منظور بررسی رابطه بین سلامت معنوی و انگیزه فرزندآوری بر روی ۳۱۵ نفر از زنان متاهل ۱۵ تا ۴۹ ساله مراجعه کننده به مراکز بهداشتی شهر ساری در سال ۱۴۰۰ انجام شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه انگیزه فرزندآوری و سلامت معنوی جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام شد. برای آنالیز داده ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج: در این مطالعه میانگین سنی مشارکت کنندگان $34/4 \pm 6/7$ سال، میانگین سنی همسران آن ها $38/9 \pm 7/3$ سال و مدت ازدواج زنان مشارکت کننده در پژوهش حاضر $11/39 \pm 7/21$ می باشد. میانگین نمره انگیزه فرزندآوری و سلامت معنوی بترتیب $53/25 \pm 9/48$ و $71/88 \pm 5/99$ بود. نتایج یک رابطه مثبت معنی داری بین انگیزه فرزندآوری و سلامت معنوی نشان داد $r = -0.30$ ، $p = 0.0001$.

نتیجه گیری: انگیزه باروری زنان سنین باروری ارتباط مهمی با سلامت معنوی آنان دارد. بنابراین با ارتقای سلامت معنوی زنان انگیزه فرزندآوری ارتقا می یابد.

کلمات کلیدی: انگیزه فرزندآوری، باروری، سلامت معنوی

مقدمه: کاهش نرخ باروری و فرزند آوری در سال های اخیر به مساله ای مهم تبدیل شده است. رفتار باروری همچون سایر رفتارها و کنش های انسانی متأثر از شرایط و تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر کشور بوده و متناسب با آن تغییر می کند. بنابراین با توجه به تغییرات ذکر شده در سال های اخیر، شناخت مهمترین دلایل رفتار باروری (به ویژه کم فرزندگی) جهت تنظیم بهینه سیاست ها و مشوق ها در باب فرزندآوری ضروری می نماید. لذا این مطالعه با هدف بررسی مهمترین علل کم فرزندگی در خانواده های ایرانی در طی دهه ۱۴۰۱-۱۳۹۱ انجام شده است .

روش: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است که مهمترین علل و عوامل مرتبط با کم فرزندگی در ایران را بررسی نموده است. برای دست یابی به مقالات مربوطه در پروتال جامع علوم انسانی، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه های مجلات تخصصی نور، پایگاه اطلاعاتی مقالات کنفرانسی (سیویلیکا)، مرکز آمار ایران و مرکز رصد کشور جستجو انجام شده و همچنین از نتایج پیمایش های ملی مانند "ارزش ها و نگرش های ایرانیان" (۱۳۹۴)، پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) و ... استفاده گردیده است. علل کم فرزندگی در ایران با استفاده از منابع، اطلاعات و طرح ها و گزارش های موجود در مقالات منتشر شده در مجلات علمی پژوهشی داخلی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ استخراج گردید و براساس اشتراکات و تفاوت ها دسته بندی و نهایتا تحلیل شد.

یافته ها: یافته های پژوهش حاکی از آن است که مهمترین علل کم فرزندگی در ایران به ترتیب ۱) نگرانی های اجتماعی و آینده پرمخاطره برای فرزندان، ۲) مخاطرات و مسایل فرهنگی و فرزندپروری حداکثری ۳) مخاطرات و ناامنی اقتصادی ۴) تعارضات اشتغال و روابط درون خانوادگی با فرزندآوری و ۵) حفاظت و حمایت از خود است .

نتیجه گیری: به نظر می رسد برنامه ها و مشوق های فرزند آوری در طرح جوانی جمعیت عمدتا متمرکز بر کاهش علل ۳ و ۴ است. این درحالی است که اگر برنامه هایی برای کاهش نگرانی های اجتماعی و مدیریت مخاطرات فرهنگی و فرزند پروری حداکثری به عمل نیاید، میزان موفقیت طرح جوانی جمعیت چشمگیر نخواهد بود.

کلمات کلیدی: کم فرزندگی، خانواده، باروری

فرحناز حشمت^{۱*}، سمیرا ابراهیم زاده ذگمی^۲، مریم ناجی ابهری^۳، نرگس سلطانی^۴

۱. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی، کمیته تحقیقات پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. استادیار، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۳. کارشناسی ارشد مشاوره مامایی، گروه مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۴. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، کمیته تحقیقات دانشجویی، کمیته تحقیقات پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: امروزه طب مکمل جایگاه ویژه‌ای در حفظ سلامت و پیشگیری و درمان بیماری‌ها دارد. با توجه به اهمیت این موضوع، این مطالعه با هدف تاثیر طب مکمل بر مشکلات سنین باروری انجام شد.

روش جستجو: در این مطالعه، ۱۵ مقاله منتشر شده تا سال ۲۰۲۳ در پایگاه‌های SID، MagIran، IranMedex، Google Scholar، ScienceDirect، Web of Science، PubMed مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: طب مکمل با گیاهان دارویی می‌تواند در درمان نازایی ناشی از نارسایی زودرس تخمدان و درمان سندرم تخمدان پلی کیستیک و بهبود باروری موثر باشد. میزان موفقیت در پیامد بارداری پس از درمان با روش‌های کمک باروری با استفاده از تکنیک تن آرامی افزایش می‌یابد. استفاده از طب سوزنی، گیاهان دارویی و ماساژ درمانی در درمان آندومتریوز و بهبود میزان باروری گزارش شده است. خاصیت آنتی اکسیدان خرما در حفظ سلامت باروری، درمان ناباروری زنان و مردان و گیاه خارخاسک در مردان با افزایش کیفیت پارامترهای اسپرم، همراه است. ژل رویال نیز با تاثیر مشابه باعث افزایش سطح تستسترون در مردان می‌شود. درمان‌های تحریک نقطه طب سوزنی و طب فشاری، یک مداخله موثر برای دیسمنوره اولیه است، علاوه بر این علائم سندرم پیش از قاعدگی با استفاده از داروهای گیاهی چون ویتاگنوس، گل مغربی، پرفوران، بابونه، سیاه دانه، جوانه گندم، اسطوخودوس، خوشاریزه، سنبل الطیب، عصاره گیاه بومادران، اسانس پوست پرتقال و زنجبیل و ماساژ با اسانس‌های روغنی اسطوخودوس، نعناع، روغن بادام کاهش می‌یابد. اسپند، خاکشیر، بابونه، روغن کرچک بر القای دردهای زایمان تاثیر مثبت دارد. عسل در بهبود زخم سزارین و اپی زیاتومی، کاهش میزان تهوع، استفراغ و سردرد همراه با دیسمنوره، پیشرفت زایمان و درمان عفونت کاندیدایی واژن مؤثر است. رایحه گل محمدی بر کیفیت خواب زنان شیرده در اوایل دوره نفاس و گیاه ویتاگنوس و بذر کتان نیز در کاهش درد پستان موثر است. ژل پوست انار و استنشاق اسانس گل سنجد به طور موثری می‌تواند از طریق بهبود دیسپارونیا، باعث افزایش رضایت جنسی زنان در سنین باروری شود.

نتیجه گیری: با توجه به کارایی و مقرون به صرفه بودن طب مکمل، میتوان از این روش جهت درمان مشکلات سنین باروری استفاده کرد.

کلمات کلیدی: طب مکمل، سلامت باروری، ناباروری

میزان باروری کلی در شهرستان کلاله، استان

گلستان در سالهای ۱۳۹۲-۱۴۰۱



فریده حیدری^{۱*}، عزیزه چرابین^۲، آیلر کنگری^۳، منیره چرابین^۴

مقدمه: میزان باروری کلی میانگین تعداد فرزندان است که به ازای هر زن ۱۵ تا ۴۹ سال متولد شده است. اگر این شاخص در حد ۲.۱ فرزند یا کمتر باشد به معنی کاهش تدریجی جمعیت و در نهایت انقراض نسل است. هدف از این مطالعه برآورد میزان باروری کلی در شهرستان کلاله، استان گلستان در سالهای ۱۳۹۲-۱۴۰۱ و برآورد افزایشی یا کاهش می بودن جمعیت در سالهای آینده بود.

مواد و روشها: در این مطالعه از اطلاعات درج شده در سامانه ناب دانشگاه علوم پزشکی گلستان استفاده شد. طوریکه تعداد تولد های زنده هر سال را در گروههای سنی مختلف زنان از سامانه ناب استخراج و به تعداد زنان در سن باروری (۱۵-۴۹ ساله) در همان گروههای سنی تقسیم و میزان باروری اختصاصی سنی (در هزار) را بدست آورده و با استفاده از اعداد بدست آمده در آن، شاخص میزان باروری کلی را در جمعیت تحت پوشش به دست آوردیم.

یافته ها: میزان باروری کلی شهرستان کلاله از سال ۱۳۹۲ لغایت ۱۴۰۱ به ترتیب برابر ۲.۲۶، ۲.۴۶، ۲.۴۷، ۲.۳۳، ۲.۸۳، ۲.۸۵، ۲.۳، ۲.۱۹، ۲.۵۳ و ۲.۵۵ به دست آمد. میانگین باروری کلی جمعیت در این سالها برابر ۲.۴۵ بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه میزان باروری کلی بدست آمده در جمعیت شهرستان کلاله برابر ۲.۴۵ و بزرگتر از ۲.۱ است، می توان این نتیجه را گرفت که جمعیت شهرستان کلاله افزایشی خواهد بود.

کلمات کلیدی: باروری، رشد جمعیت، گلستان

Investigating the effect of media and education on population stability



Shiva Khodarahmi^{1*}, Marzieh Otogara²

1. Ph.D, Mother and Child Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.
2. Department of Midwifery, Mother and Child Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

Introduction: Considering the increase in the average age of marriage, the decrease in the number of registered marriages compared to previous decades, the decrease in the desire of couples to have children in the country and the risk of population growth falling below the replacement level and its consequences, such as the risk of population aging, on the one hand, and paying attention to the population policies of the country in the necessity of encouraging couples to have children, on the other hand, there is a need to take measures to correct the current situation. Since the media is effective as a powerful tool in transferring the message to the audience and education is also associated with acquiring knowledge and modifying beliefs, therefore, the present study was conducted with the aim of determining the impact of media and education on the stability of the population.

Search strategy: In order to carry out this research, we conducted a systematic review by checking these databases: Google Scholar, PubMed, IRANMEDEX, SID, margin, UpToDate and searched for articles through the keywords: population, population stability, education, media and their Latin equivalents and only selected articles that had these keywords in their titles. Prisma checklist was also used to extract relevant and suitable articles.

Results: Media and education are very effective in informing and increasing people's knowledge about population issues and are a suitable and beneficial way to optimally contribute to population stability.

Conclusion: Considering the positive impact of education and media on the stability of the population, in the current situation of the country, which is below the replacement level of fertility, it is necessary to pay attention to them and interventions and trainings should be carried out in this field, and it is better to consider face-to-face and online training courses through the media in order to achieve the goal of population stability.

Attitude toward Governmental Incentives on Childbearing and its Relationship with Fertility Preferences in Couples Attending Premarital Counseling Clinic in Health Centers in Mashhad



Talat Khadivzadeh¹, Elham Arghavani², Mohammad Taghi Shakeri³

1. Assistant Professor, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
2. MSc in Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
3. Associate Professor, Department of Social Medicine, Medical School, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Abstract

Background and purpose: Since last three decades a rapid reduction was seen in the total fertility rate in Iran. Therefore, the government's policy on childbearing has changed and some incentives have been offered in ۲۰۱۲ to increase the rate of childbearing. This study aimed at determining the relationship between governmental incentives on childbearing and the attitude of couples attending premarital counseling clinics in health centers in Mashhad in ۲۰۱۳ towards fertility preferences. **Materials and methods:** The participants were ۴۵۰ couples who referred to the health centers for premarital counseling. Demographic information was collected and the Miller's Childbearing Questionnaire (۱۹۹۵) was used. Data was then analyzed using Pearson correlation and independent t-test. **Results:** The couple's desire for childbearing was calculated based on a numerical rating scale (۱ to ۱۰). The mean score for the desire for childbearing was $۵,۵۸ \pm ۲,۸۸$. The mean number of desired children was $۲,۳۷ \pm ۱,۱۱$ and the mean of desired interval between marriage and the birth of first child was $۳۱,۰۱ \pm ۲۰,۶۴$ months. Inverse relationship was seen between the attitude toward governmental incentives on childbearing and the desire for childbearing and desired number of children ($P < ۰,۰۰۱$). However, significant correlation was observed between the attitude toward governmental incentives on childbearing and the desired interval between marriage and the birth of first child ($P < ۰,۰۰۱$). **Conclusion:** The results showed that the majority of couples were interested in having two children. Also, an increase was seen in the interval between marriage and the birth of first child. This study showed a positive effect of governmental incentives for childbearing in couples who tend to have lower fertility rate and delayed onset of childbearing .

Keywords: Attitude, Couples, Fertility preferences, Governmental incentives on childbearing

علیرضا حیدری^۱، محمدجواد کبیر^۱، زهرا خطیرنامنی^۱، ناهید جعفری^۱، موسی الرضا شبیهی^۲، سید مهدی صداقت^۲

۱. مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گلستان، گرگان، ایران
۲. معاونت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گلستان، گرگان، ایران

چکیده

مقدمه: کاهش تمایلات فرزندآوری و تغییر در رفتار و ایده آل‌های باروری زنان، علاوه بر تاثیر قاطعی که بر میزان رشد جمعیت دارد، بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تاثیر خواهد گذاشت. این مطالعه با هدف برآورد شاخص‌های جمعیتی استان گلستان در طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ انجام شده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه مقطعی و به صورت توصیفی انجام شد. شاخص‌های مورد بررسی از داده‌های معاونت بهداشتی و سازمان ثبت احوال در قالب یک فایل اکسل به دست آمد. جهت توصیف و برآورد داده‌ها به روش ریاضی از روش‌های آمار توصیفی (رسم جداول، تعداد، درصد فراوانی برای داده‌های کیفی و میانگین، انحراف معیار برای داده‌های کمی) در نرم افزار Excel استفاده شد.

یافته‌ها: جمعیت استان گلستان در طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۰ با نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۰/۰۱ افزایش می‌یافته است. رشد سالانه جمعیت از ۰/۸۳ در سال ۱۴۰۰ به ۰/۴۵ در سال ۱۴۰۴ کاهش خواهد یافت. نرخ باروری کلی در استان گلستان، در سال ۱۴۰۰ به ۱/۷۵ و در سال ۱۴۰۴ به ۱/۴۳ فرزند خواهد رسید. میانگین باروری در طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، ۱/۵۹ فرزند خواهد بود. بالاترین میزان باروری اختصاصی سنی در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله و سپس ۲۵-۲۹ ساله خواهد بود. میانگین سن ازدواج در پسران، در استان گلستان، در طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ روندی صعودی خواهد داشت به طوری که از ۲۹/۰۹ در سال ۱۴۰۰ به ۳۰/۲۷ در سال ۱۴۰۴ خواهد رسید. میانگین سن ازدواج در دختران، در استان گلستان، در طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ روندی صعودی خواهد داشت به طوری که از ۲۴/۲۴ در سال ۱۴۰۰ به ۲۵/۲۲ در سال ۱۴۰۴ خواهد رسید.

نتیجه‌گیری: با توجه به برآورد روند کاهشی نرخ باروری کلی و نیز برآورد روند افزایشی سن ازدواج در استان گلستان باید تدابیر ویژه‌ای جهت افزایش رشد جمعیت و کاهش تبعات ناشی از وضعیت موجود در نظر گرفته شود. برای این منظور راهکارهایی شامل آموزش و تاکید بر ازدواج در سنین مناسب برای جوانان، آموزش و تاکید بر فرزندآوری در سنین مناسب، آموزش و فرهنگ‌سازی مناسب برای ایجاد تفاهم در زندگی مشترک پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: رشد جمعیت، برآورد، شاخص‌های جمعیتی، گلستان

بررسی تاثیر عوامل اقتصادی و روانی در فرزندآوری زنان

یک مطالعه مروری نقلی

ندا خلجی

• دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه: فرزندآوری، به عنوان یکی از برجسته‌ترین پدیده‌های اجتماعی و زندگی انسانی، از جهات متعددی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. در این میان، عوامل اقتصادی و روان‌شناختی در شکل‌گیری نگرش‌ها و افعال مرتبط با فرزندآوری نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. تحقیقات نشان داده است که عوامل اقتصادی نقش مهمی در تصمیم‌گیری افراد در مورد تشکیل خانواده و تعداد فرزندان دارند. علاوه بر عوامل اقتصادی، عوامل روانی نیز اهمیت دارند. این مقاله به بررسی نتایج تحقیقات مختلف در این زمینه می‌پردازد و تاثیر عوامل اقتصادی و روانی بر فرزندآوری را به طور دقیق مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، به ارائه توصیه‌هایی برای تحقیقات آتی در این حوزه می‌پردازد و اهمیت بررسی همزمان هر دو نوع عامل را در تفهیم بهتر فرایند تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری تأکید می‌کند.

مواد و روشها: جهت نگارش این مقاله، پژوهشگر جستجوی کامپیوتری را در پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus، Pubmed و Google Scholar با استفاده از کلمات کلیدی فارسی وضعیت اقتصادی، وضعیت روانی، فرزندآوری، ایران و کلمات انگلیسی Reproduction, economic status, income, mentality در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲ شمسی انجام داد. در نهایت پس از شناسایی ۲۱۸ مقاله مرتبط با کلید واژه‌ها، ۴۲ مقاله که بیشترین ارتباط را با موضوع تحقیق داشتند، جهت نگارش مقاله مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها: تحقیقات نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی افراد به طور معناداری بر تصمیمات مرتبط با تشکیل خانواده و تعداد فرزندان تأثیر می‌گذارد. افراد با درآمد بالا و توانایی مالی مناسب، به احتمال بیشتری تصمیم به داشتن تعداد فرزندان بیشتر می‌گیرند. همچنین، هزینه‌های مرتبط با فرزندآوری و نگرانی از آینده فرزندان نیز به تصمیم‌گیری‌های فردی در این زمینه تأثیر دارند. با این حال، عوامل روانی نیز اهمیت دارند. انگیزه‌ها، انتظارات و ترس‌های فردی نقش مهمی در تعیین نگرش و تصمیمات فرزندآوری افراد ایفا می‌کنند. افرادی که تعهد به تربیت فرزندان را بیشتر دارند و از ترس از والدینی کمتری رنج می‌برند، به احتمال بیشتری به فرزندآوری می‌پردازند. همچنین، تأثیر اجتماعی و تغییرات در الگوهای زندگی نیز به تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری تأثیر می‌گذارد.

نتیجه‌گیری: با مطالعه یافته‌های این تحقیق، به این نتیجه می‌رسیم که وضعیت اقتصادی و عوامل روانی هر دو نقش مهمی در تصمیم‌گیری افراد در مورد فرزندآوری ایفا می‌کنند. درک کامل از تأثیر این عوامل بر فرزندآوری ضروری است و برای مدیریت بهتر این فرآیند، لازم است که هر دو نوع عامل به طور همزمان در نظر گرفته شوند. این مطالعه نیز نیاز به توجه بیشتر به سیاست‌ها و تدابیر اجتماعی دارد تا فرزندآوری منطبق با نیازهای جامعه و کشور تضمین شود.

کلمات کلیدی: وضعیت اقتصادی، فرزندآوری، وضعیت روانی، ایران

آرش خلیلی^۱، زهره فاتح^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری پرستاری، گروه پرستاری کودکان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

مقدمه: در دنیای امروز، به دلیل رشد روز افزون جمعیت جهانی و نگرانی‌های مرتبط با تأثیرات منفی آن بر محیط زیست و منابع طبیعی، مفهوم پایداری جمعیت به عنوان یکی از موارد حیاتی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، در این راستا، ضرورت استفاده از راهکارهای متنوعی برای حفظ تعادل بین جمعیت و منابع طبیعی احساس می‌شود. یکی از این راهکارها، استفاده از طب مکمل و جایگاه آن در ارتقاء سلامت جمعیت و ایجاد توازن میان عوامل مختلف جامعه است.

روش کار: در این مطالعه مروری که در سال ۲۰۲۳ انجام شد، کلیدواژه‌های طب مکمل، افزایش جمعیت، پایداری جمعیت و ایدئولوژی انسانی در پایگاه‌های داده داخلی و نیز PubMed, CINAHL, Web of Science, Scopus به منظور بررسی نقش طب مکمل بر پایداری جمعیت بدون محدودیت زمانی جستجو شدند. مقالات تکراری حذف و سایر مطالعات دارای معیارهای ورود به مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: نقش طب مکمل در پایداری جمعیت را می‌توان در ابعاد زیر مورد توجه قرار داد. ارتقاء سلامت روانی: استفاده از روش‌های طب مکمل مانند مدیتیشن، یوگا و آروماتراپی می‌تواند به کاهش استرس و اضطراب در جامعه کمک کرده و بدین ترتیب، تعادل روانی افراد را حفظ کند. این امر می‌تواند به کاهش نرخ تولید جمعیت نیز کمک کند. تنظیم هورمون‌ها: تعدادی از روش‌های طب مکمل مانند آروماتراپی و تغذیه بهینه می‌توانند به تنظیم هورمون‌های جنسی در بدن کمک کرده و از طریق ایجاد تعادل در فرآیندهای تولید مثلث نسل، به کنترل پایدار جمعیت کمک نمایند. افزایش آگاهی: اطلاع‌رسانی صحیح و آگاهی‌بخشی در زمینه تناسب اندام، تغذیه سالم و سبک زندگی بهینه از طریق طب مکمل می‌تواند به افزایش آگاهی جامعه نسبت به تأثیرات تعداد جمعیت و نیازهای منابع کمک کرده و تصمیم‌گیری‌های مسئولانه‌تر را ترویج دهد. تسهیل درمان‌های بهداشتی: طب مکمل می‌تواند به عنوان یک الگوی بهبود در ترکیب با درمان‌های بهداشتی مورد استفاده قرار گیرد. این ترکیب می‌تواند به بهبود بهره‌وری در درمان بیماری‌ها و کاهش نیاز به درمان‌های پرهزینه و داروهای شیمیایی منجر شود. **نتیجه‌گیری:** طب مکمل با تأکید بر ارتقاء سلامت جسمانی و روانی افراد، تنظیم هورمون‌ها، افزایش آگاهی و تسهیل درمان‌های بهداشتی، می‌تواند نقش مهمی در حفظ پایداری جمعیت با دستیابی به تعادل میان جمعیت و منابع طبیعی ایفا نماید. با انجام تحقیقات بیشتر و ترویج آگاهی در جامعه، امکان بهبود وضعیت سلامت و پایداری جمعیت از طریق این رویکرد تقویت خواهد شد.

کلمات کلیدی: طب مکمل، افزایش جمعیت، تکنولوژی، پایداری

نسترن دژگام

• دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

مقدمه: باروری به عنوان مهم‌ترین عامل تغییر در ساخت و اندازه جمعیت اهمیت بسیاری دارد. در سال‌های اخیر کاهش میزان باروری در کشور به یکی از مشکلات جمعیتی تبدیل شده که مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان قرار گرفته است. هدف از این مطالعه مروری بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر باروری می‌باشد.

روش جستجو: این مطالعه مروری در سال ۱۴۰۲ انجام شد. پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed، Google scholar و Scopus با استفاده از کلیدواژه‌های عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، باروری جستجو شد. مقالاتی که در فاصله زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ به چاپ رسیده بودند، استخراج گردید. مجموعاً ۲۰ مقاله جمع‌آوری شد و با حذف مقالات غیرمرتبط و تکراری، نهایتاً اطلاعات ۱۷ مقاله در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: براساس مطالعات انجام شده عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متعددی بر باروری تاثیر داشته‌اند. سیاست‌های جمعیتی، برنامه‌های تنظیم خانواده، پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان، ناامنی اقتصادی، طبقه شغلی، بار مالی و هزینه‌های مربوط به فرزندان، رفاه اجتماعی، عدالت محیطی، ترجیح جنسیتی، فاصله سنی بین فرزندان، فاصله ازدواج با تولد اولین فرزند، رضایت از زندگی زناشویی و شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله عواملی می‌باشند که با نگرش به فرزندآوری ارتباط داشته و بر میزان باروری تاثیر دارند. نیاز عاطفی به فرزند عامل دیگری است که بر باروری تاثیرگذار است، به این معنی که هر چقدر والدین معتقد باشند که فرزند بیشتر باعث می‌شود در سنین بالاتر تنها نباشند یا احساس زنده بودن کنند تعداد فرزندان آنها نیز افزایش می‌یابد. عواملی شامل سطح تحصیلات بالا، افزایش سن ازدواج، و برابری جنسیتی باعث کاهش باروری شده‌اند. همچنین مذهب و اعتقادات مذهبی، قومیت، هنجارها، و فشار فرهنگی از عوامل فرهنگی مؤثر بر باروری در نظر گرفته شده‌اند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌ها انجام اقدامات و مداخلاتی در راستای دستیابی به میزان باروری موردنظر جهت تعدیل یا افزایش جمعیت ضروری به نظر می‌رسد. این مداخلات باید از طریق بهبود وضعیت اقتصادی و اشتغال و درآمد، ایجاد تغییراتی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جهت تسهیل فرزندآوری زوجین جوان، کاهش سن ازدواج جوانان، تسهیلاتی برای زنان در جهت ترکیب نقش مادری و نقش اجتماعی، ارائه تسهیلات رفاهی و کالاهای حمایتی انجام گیرد.

واژه‌های کلیدی: عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، باروری

بررسی میزان گرایش به فرزندآوری زنان شاغل شهرستان بجنورد و شناسایی عوامل مؤثر در کاهش و یا افزایش آن

مبارکه رجایی لطف آبادی*^۱ مهدی بولاغی^۲ امیر سنخواستیان^۳ مهدی حمیدی فر^۴

- ۱- کارشناسی ارشد، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، شهرستان بجنورد
- ۲- کارشناسی ارشد، پژوهش علوم اجتماعی
- ۳- کارشناسی ارشد، غیر انتفاعی اشراق، شهرستان بجنورد
- ۴- کارشناسی ارشد، جامعه شناسی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان گرایش به فرزندآوری زنان شاغل شهرستان بجنورد و شناسایی عوامل مؤثر در کاهش و یا افزایش آن می باشد. تحقیق حاضر یک پژوهش کمی از نوع پیمایش می باشد که ابزار جمع آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه می باشد. جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه زنان شاغل بالای ۱۸ سال شهرستان بجنورد در سال ۱۴۰۲ می باشند که به همین منظور ۱۴۰ نفر از زنان شهر بجنورد به عنوان نمونه آماری به شیوه تصادفی مورد ارزیابی قرار گرفتند. مهمترین یافته توصیفی در این پژوهش حاکی از آن است که میزان گرایش به فرزندآوری در بین نمونه مورد مطالعه به این صورت بوده است که (۱۲/۹ درصد) گرایش به فرزندآوری کم، (۸۰/۰ درصد) گرایش به فرزندآوری متوسط و (۷/۱ درصد) گرایش به فرزندآوری زیادی داشتند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه بین متغیرهای مستقل افول ارزش های سنتی، دگرگونی نقش های جنسیتی و احساس ناامنی با متغیر گرایش به فرزندآوری دارد. اما وجود رابطه بین دو متغیر رضایت زناشویی با گرایش به فرزندآوری مورد تایید قرار نگرفت.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، بی فرزندی، زنان شاغل، بجنورد

بازشناسی باورهای بازدارنده باروری

(مورد مطالعه: جوانان شهر بجنورد)

مریم رحمانی

• استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

چکیده

مقدمه: کاهش باروری در ایران و پیامدهای اجتماعی- فرهنگی ناشی از آن باروری را به مسئله‌ای اجتماعی بدل ساخته است.

مواد و روشها: این پژوهش کیفی، در پارادایم تفسیرگرایی با هدف شناسایی موانع نگرشی باروری، از طریق مصاحبه نیمه ساختمند با ۲۵ جوان ساکن در شهر بجنورد در بهار ۱۴۰۲، طرح ریزی شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش بر اساس تحلیل مضمون نشان می‌دهد موانع نگرشی در دو مضمون کلی موانع ذهنی و موانع عینی تقسیم می‌شود؛ موانع ذهنی باروری در پنج دسته دشواری نقش والدینی، پایان خوشایندیهای زندگی (پایان صمیمیت زوجین، پایان مسیر موفقیت بویژه برای مادران، تضعیف سلامتی مادر)، تضعیف باور به همیار بودن و مفید بودن فرزند، باور به عدم ثبات زناشویی و باور به نیستی به از هستی پردرد، تقسیم می‌گردد؛ باورهای عینی متمرکز بر باورهای مانع اقتصادی و شرایط دشوار زندگی اقتصادی متمرکز است.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش، بیشترین مضامین مانع باروری متمرکز بر غلبه نگرشهای فردگرایانه و همچنین بطور متناقضی دغدغه جمع‌گرایانه برای هستی دادن به موجودی است که نیستی اش به از هستی پردرد اش است. شناسایی باورهای بازدارنده باروری می‌تواند مسیر سیاستگذاری در حوزه باروری را با فراهم کردن زمینه علمی و بیان مستندات علمی و تجربیات زیسته در راستای رفع ابهامات نگرشی باروری به سوی سیاستگذاری‌های فرهنگی و بسترسازی نگرشی پویاتر نماید.

کلمات کلیدی: باروری، نگرش، تفسیرگرایی، تحلیل مضمون، بجنورد.

بررسی تاثیر گیاه خرنوب بر پارامترهای مایع منی و توان باروری مردان در مطالعات تجربی انسانی و حیوانی: یک مطالعه مروری



سیده عادلہ رحمانیان^۱، مروارید ایرانی^{۲*}، مهین کیانی مسک^۳، فاطمه سادات موسوی^۴

۱. کارشناس ارشد مامایی، شبکه بهداشت و درمان شهرستان شیروان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. دکتری بهداشت باروری، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران
۳. کارشناس ارشد مامایی، گروه مامایی، دانشکده علوم پزشکی تربت جام، تربت جام، ایران
۴. کارشناس ارشد مامایی، مربی گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

چکیده

مقدمه: ناباروری یکی از مشکلات شایع جهانی می باشد که تقریباً نیمی از موارد آن به علل مردانه مربوط می شود. از آنجایی که درمان ناباروری در رشد و توسعه جمعیت نقش به سزایی دارد و همچنین از طرفی امروزه داروهای مکمل و طب جایگزین برای درمان ناباروری مورد توجه واقع شده است، مطالعه مروری حاضر با هدف بررسی تاثیر گیاه خرنوب بر پارامترهای مایع منی و توان باروری مردان در مطالعات تجربی انسانی و حیوانی انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مروری که بر اساس گایدلاین PRISMA نگارش شده است، تمامی کارآزماییهای بالینی و مطالعات تجربی از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر Science PubMed, Magiran, Medlib, Web of Science, SID, IranMedex Scopus Direct, با کلیدواژه‌های انگلیسی مبتنی بر MeSh از جمله Ceratonia siliqua, Carob, Sperm, Testis, seminal fluid و معادل فارسی آنها بدون محدودیت زمانی تا آوریل ۲۰۲۳ جستجو شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل مطالعات مداخله‌ای (کارآزمایی بالینی تصادفی و مطالعات حیوانی) منتشر شده به زبان انگلیسی و فارسی و مرتبط بودن عناوین مطالعات با موضوع مطالعه حاضر بود. **یافته‌ها:** از مجموع ۱۷۶ مطالعه بدست آمده، تعداد ۱۷ مطالعه، معیارهای مطالعه را دارا بودند (۱۴ مطالعه حیوانی و ۳ مطالعه انسانی) وارد مطالعه شدند. نتایج این مطالعات نشان می دهد، گیاه خرنوب باعث بهبود پارامترهای اسپرم مانند تحرک، تعداد، زنده ماندن و همچنین باعث افزایش توان باروری و حفاظت از بافت بیضه در برابر شرایط استرس زا می گردد.

نتیجه گیری: گیاه خرنوب بر پارامترهای اسپرم و توان باروری مردان مؤثر است و می تواند به عنوان طب مکمل در کنار درمان‌های دیگر، در افراد مبتلا به ناباروری با علت مردانه استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: باروری، ناباروری مردان، مایع منی، خرنوب

(Fertility, Male infertility, carob, Ceratonia siliqua, semen)



Systematic review of the fertility reflective status to subsequent childbearing decisions in mothers with disabilities children

Zahra rastegari

- Assistant professor, PhD in Reproductive and sexual Health, Department of Midwifery and Reproductive Health, School of Nursing and Midwifery, shiraz University of Medical Sciences,

Background

The fertility desire plays an important role in healthy reproductive programs. The birth of a child with an disability is a common traumatic event that parents may experience. We conducted a systematic review to determine the fertility reflective in mothers with disabled children.

Search strategy:

We conducted a broad literature search, which included grey literature, such as dissertations and unpublished conference presentations, to identify all relevant prospective studies reporting on our study objective. Articles were selected for inclusion using predefined criteria and data. were extracted onto a purposely designed data extraction form. A comprehensive search strategy was carried using eleven electronic databases. Included studies were assessed for quality and their results summarized and tabulated. twenty articles met our search criteria. We extracted fertility desire women with child disability, and performed a meta-analysis. We also conducted a risk of bias assessment for all the included studies. Only eleven studies fully met the inclusion criteria. All were published after ۲۰۰۰.

Results:

Resulted in a statistically significant decrease in childbearing decisions in mothers with disabilities children . Parents of children with disability demonstrated the highest increase in levels of reluctance subsequent childbearing. Factors such as stress and emotional problems, psychological concerns, costly care , hazard of a second birth, lack of support Mechanisms and motivations, limiting family resources, economic problems, welfare concerns, disability to adapt to another life events, lack of achievement of goals and life satisfaction might affect psychological well-being and the tendency to have more children . Furthermore, this review showed that psychologists and other healthcare practitioners are successfully able to implement training programmes that enhance fertility reflective to subsequent childbearing decisions in mothers with disabilities children.

Conclusion:

Apparently the awareness of fertility desire in mothers with disabled children may be helpful in healthy fertility counseling. Parent training programmes are effective in increasing reflective in parents of children with disabilities. More research is required to evaluate interventions to improve outcomes for women with disability and their families.

Key words : fertility , reflective, childbearing decisions, mothers with disabilities children

Examining maternal health literacy with child bearing attitude: A systematic review



Maliheh Rahimi¹, Mina Iravani², Fatemeh Razavinia^{3*}

1. Reproductive Health Promotion Research Center, Midwifery Department, Nursing and Midwifery School, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.
2. Reproductive Health Promotion Research Center, Midwifery Department, Nursing and Midwifery School, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.
3. Midwifery Department, Reproductive Health Promotion Research Center, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

Introduction: Fertility decline has occurred throughout the world and Iran, which has changed the structure of the country's population and can eventually turn the country's young structure into an old structure. The purpose of this study was to investigate the tendency to childbearing and its relationship with health literacy.

Search strategy: To conduct this research, a systematic of descriptive observational studies by review was conducted searching databases, i.e PubMed, Iran Medex, SID and Google Scholar up to ۲۰۲۳, using the related keywords. The quality of the extracted articles was evaluated based on the STORBE checklist of contents and finally ۳۰ articles were analyzed.

Results: A number of studies have shown that there is a statistically significant relationship between maternal health literacy and the tendency to have children. So that with the increase in the level of health literacy of mothers, a positive attitude towards childbearing was created and the desire to have children increased. Also, there was a relationship between mothers' spiritual health and desire to have children. But other studies did not find a relationship between the level of maternal health literacy and the attitude towards childbearing.

Conclusion: This review study showed that maternal health literacy and spiritual health of mothers are related to childbearing attitude. Therefore, in order to increase the tendency to have children, interventions should be made to increase the level of maternal health literacy and spiritual health.

Keyword: maternal health literacy, child bearing attitude, spiritual health

بررسی عوامل موثر بر تمایل به فرزند آوری در بین زنان

شاغل در دانشکده علوم پزشکی اسفراین

سکینه رعنائی*^۱ - علیرضا اکرمی^۲ - طلعت رگبار^۳

۱- مسئول ارتقاء سلامت دانشکده علوم پزشکی اسفراین

۲- کارشناس HSR دانشکده علوم پزشکی اسفراین

۳- کارشناس سلامت خانواده دانشکده علوم پزشکی اسفراین

مقدمه: در ایران در چند دهه اخیر افت شدیدی را در میزان باروری کل داشته است. کاهش باروری از حدود ۷ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۵۹ به ۱.۹ فرزند در سال ۱۳۸۵ موید این مطلب می باشد. افزایش سطح بهداشت و امکانات بهداشتی، توسعه شهرنشینی، افزایش میزان تحصیلات و اشتغال زنان، کاهش مرگ و میر کودکان و افزایش اقتدار و بهبود موقعیت زنان را میتوان از دلایل این تغییرات برشمرد. در این مطالعه عوامل موثر در تمایل خانواده ها به فرزند آوری از دیدگاه زنان شاغل در ستاد دانشکده علوم پزشکی اسفراین مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مواد و روشها: این مطالعه با استفاده از یک پرسشنامه کیفی خود ساخته با ده سوال که توسط زنان در سنین باروری و شاغل در ستاد دانشکده علوم پزشکی تکمیل گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت انجام شده است.

نتایج: بر اساس نتایج بدست آمده ثبات اقتصادی و امنیت مالی در ۶۵٪ موارد به عنوان عامل اولیه موثر بر تمایل خانواده ها به بچه دار شدن میباشد. همچنین بنا بر نظر ۵۹٪ سوال شوندگان، حمایت های اجتماعی نقش تعیین کننده ای در افزایش میل به فرزند آوری دارد. بعلاوه ۶۰٪ درصد پاسخ دهندگان اظهار داشته که از شیوه های صحیح فرزندپروری و تربیت فرزند آگاه نبوده و یا دانش محدودی در مورد فرزند پروری را دارا می باشند. که در ۴۱ درصد موارد برنامه ها و کارگاه های آموزشی و در ۲۹ درصد موارد دوستان و شبکه های اجتماعی را از عوامل مهم در افزایش میزان آگاهی در مورد شیوه های فرزند پروری ذکر نمودند.

بر اساس این نتایج افزایش حمایت های دولتی و مشوق های مالی و اجتماعی در ۴۱ درصد موارد میتواند خانواده های بیشتری را به بچه دار شدن تشویق نماید و در ۲۵ درصد موارد به طور بالقوه بر تصمیمات برخی خانواده ها نه تمام تاثیر گذار میباشد و در ۲۴ درصد حمایت های دولتی را در تصمیم گیری خانواده ها بی تاثیر دانسته اند.

بر اساس نتایج این تحقیق از بین ۶۱ درصد شرکت کنندگان که دارای دو فرزند بودند کمتر از ۵ درصد تمایل به افزایش تعداد فرزندان داشتند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد اقتصاد و تامین مالی بیشترین تاثیر را در بین دلایل به فرزند آوری داشته و همچنین نا آگاهی و یا کم آگاهی خانواده ها از اصول تربیتی و فرزند پروری میتواند باعث ایجاد ترس و نگرانی از آینده فرزندان و کاهش میل به فرزند آوری باشد. که ارتقا دانش و آگاهی خانواده ها در این زمینه از طرق مختلف میتواند کمک شایانی در این امر نماید همچنین این تحقیق نشان داد که با وجود تمکن مالی و اقتصادی همچنان خانواده های این پژوهش تمایلی به داشتن بیشتر از ۲ فرزند ندارند.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.
۲. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
۳. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

مقدمه: زنان در طول دوران پس از زایمان به خصوص در یک ماه اول پس از آن احتمالاً بالاترین میزان استرس را در طول زندگی خود تجربه می‌کنند. در این دوره ارتباط بین مادر در روابط با همسر یا افراد مهم دیگر دچار مشکلات فراوانی می‌شود. درمان شناختی-رفتاری نوعی از درمان است که به بیمار کمک می‌شود تا الگوهای تفکر تحریف شده و رفتارهای ناکارآمد خود را تشخیص داده و برای تغییر این افکار از بحث‌های منظم و تکالیف رفتاری دقیق سازمان یافته استفاده نماید. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی درمان شناختی-رفتاری گروهی بر افسردگی پس از زایمان زنان شهر کرمان بود.

روش پژوهش: روش پژوهشی از نوع آزمایشی بود که به صورت پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری ۳ ماهه همراه با گروه آزمایش و گروه گواه از فروردین ۱۴۰۲ تا تیر ماه ۱۴۰۲ صورت پذیرفت. به منظور انجام این پژوهش، ۴۰ بیمار زن مبتلا به افسردگی پس از زایمان به شیوه تصادفی ساده و از بین ۲۶۰ بیماری که در سال ۱۴۰۱ پس از زایمان به بیمارستان ارجمند شهر کرمان مراجعه کرده بودند و پس از پر کردن پرسشنامه افسردگی پس از زایمان (EPDS) انتخاب شدند و به صورت تصادفی در ۲ گروه آزمایش (۲۰ نفر) و گروه گواه (۲۰ نفر) قرار داده شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارت از پرسشنامه افسردگی پس از زایمان، ادینبورگ (EPDS) بود. گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه هفتگی دو ساعت تحت درمان شناختی-رفتاری گروهی قرار گرفتند. پرسشنامه در سه مرحله قبل، بعد و یک ماه پس از مداخله (مرحله پیگیری)، در دو گروه مورد استفاده قرار گرفت. داده‌های حاصل با استفاده از آزمون‌ها توسط نرم افزار SPSS ۲۴ تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های به دست آمده از مراحل پس‌آزمون و پیگیری نشان داد درمان شناختی-رفتاری گروهی می‌تواند افسردگی پس از زایمان را به شکل چشمگیری کاهش دهد. با توجه به نتایج این پژوهش، استفاده از درمان شناختی-رفتاری مبتنی بر گروه به منظور کاهش افسردگی پس از زایمان پیشنهاد می‌گردد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که می‌توان از درمان شناختی-رفتاری گروهی جهت درمان، کاهش افسردگی پس از زایمان در مادران استفاده نمود. همچنین می‌توان با رویکرد درمان شناختی-رفتاری گروهی در بسیاری از مشکلات ارتباطی مادران در دوران پس از زایمان مداخله با درصد اثربخشی بالایی انجام داد.

واژگان کلیدی: درمان شناختی رفتاری، افسردگی پس از زایمان، مادران، شهر کرمان

The effect of nurses' performance in the youth of the population



Salar Poorbarat^{۱*}, Alireza Yazdani^۲, Amin Hosseinzadeh^۳, Homa Firoozeh^۴

۱. Student Research Committee, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۲. Student Research Committee, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۳. Student Research Committee, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۴. Student Research Committee, Bojnurd University, Bojnurd, Iran

Background: One of the most important current problems in Iran and the world is the phenomenon of population aging. To deal with this phenomenon, it is necessary to use the capacities and talents of different classes and professions. Nursing is one of the most effective and leading professions in promoting the health of society. With an increase in the life expectancy index, the aging population in Iran and the world has grown and taken into consideration as an effective factor on socio-economic system of societies. The present research provides an overview the status of aging in the Iranian population as well as it tries to analyze this indicator from both geographic and spatial distribution perspectives.

Methods and Materials: In a cross-sectional descriptive analytical study using a researcher-made questionnaire with validity and reliability confirmed by experts, the number of ۲۴۰ people was sampled by sampling method based on the Karjesi and Morgan table. The type of descriptive and inferential statistics and the software used for data analysis was SPSS version ۲۱.

Results :The findings showed that there is a significant relationship ($P < 0.05$) between the knowledge and skills of nurses and the youth of the population. A significant relationship was observed between the level of medical and nursing services in a region and the rate of fertility and population growth.

Conclusion :Nurses, as the majority of people working in the health sector, have remarkable abilities in improving the health of the society. Taking advantage of the ability of the nursing community at different levels of prevention, care and treatment in the direction of implementing the family and youth protection law. The public, including information and consultation, treatment, management, support and research is a necessary thing that requires more attention from the authorities

Fertility and Women's Employment in Iran



Salar Poorbarat^{*١}, Alireza Yazdani^٢, Amin Hosseinzadeh^٣, Homa Firoozeh^٤

١. Student Research Committee, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
٢. Student Research Committee, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
٣. Student Research Committee, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
٤. Student Research Committee, Bojnurd University, Bojnurd, Iran

Background: The study analyzes the effect of female employment on fertility rate in Iran. Using panel fertility regression specification with Prais-Winsten regressions procedure, panel-corrected standard errors, and autoregressive errors over the period ٢٠١٥-٢٠٢٢ based on data provided by National Statistics Center of Iran, the study estimates the effect of female labor participation on fertility rate.

Methods: To pick up specific factors, using the principal component analysis, the study estimates a family policy index that consists of three important family policy variables including: Duration of paid leave for mothers (weeks), wage replacement of paid leave for mothers (%), and length of breast feeding coverage (years). Furthermore, to pick up fixed effects and time effects, the study includes geographic location (latitude) and time effects.

Results and conclusion: The empirical results confirm the finding of Engelhardt and Prskawetz (٢٠٠٥) that the increase in female labor force participation rate has a negative impact on fertility and that this negative effect is decreasing over time. Also, the results suggest that more flexible policies toward family planning such as longer duration of paid leave for mothers, higher percentage of wage replacement of paid leave for mothers, and longer breast feeding coverage help in increasing fertility. Finally, in line with Pampel (٢٠٠١), Kogel (٢٠٠٤) and Engelhardt and Prskawetz (٢٠٠٥) the study finds that time trend affects this negative relationship between female labor participation and fertility where the negative impact of the former on the latter decreases over time.

A Review of the Role of Social Factors in Gender-Related Fertility Decisions



Elnaz Khayer ^۱, Farnaz Farnam ^۲, Rezvan Zarei ^{۳*}

۱. PhD candidate in Reproductive Health, Department of Reproductive Health & Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
۲. PhD in Reproductive Health, Associate Professor of Midwifery and Reproductive Health & Midwifery, Department of Reproductive Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
۳. MSc student in Midwifery, Department of Reproductive Health & Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Introduction: When couples contemplate parenthood, a set of considerations originating from their social environment significantly shapes their decisions. Fertility-related decisions, including key matters within demographic and sociological studies, encompass determining the number and spacing of children, impacting population composition. These decisions entail a complex and multifaceted process influenced by diverse social factors. This study investigates the vital role that social factors play in fertility-related decisions. The objective of this study is to examine the role of social factors in fertility and gender-related decisions within society.

Search strategy: For conducting this systematic review study published articles in both Persian and English were examined using reputable databases including PubMed, Scopus, IRANMEDEX, MEDLINE, and ProQuest. The search was conducted using keywords such as "Fertility Decision-Making," "Social Factors," "Gender and Fertility," "Social Impacts on Population," "Population Policies," and "Fertility Measures." Subsequently, through an examination of titles, abstracts, and full-text articles, ۳۰ relevant articles within the time span of ۲۰۱۵ to ۲۰۲۳

Results: Numerous factors influence individuals' fertility-related decisions, encompassing gender, economics, culture, and social factors like education level, occupation, income, culture, and societal expectations. Moreover, gender plays a fundamental role in fertility decisions due to its multifaceted influence, including cultural and social impacts on individuals' attitudes and expectations.

Conclusion: The decision to have a child is a complex process in which personal desires and the social environment interact. Understanding the impact of these factors on creating environments that align with couples' aspirations and life paths is crucial. With knowledge of these multidimensional interactions, a more empowered and successful approach to fertility decision-making can be pursued. By identifying influential social factors in fertility decisions, measures can be devised to mitigate the negative impacts of societal and economic factors on fertility choices. Promoting gender equality principles and empowering the youth can lead to informed and rational decisions in this realm. The outcomes of this study can contribute to enhancing population policies, fertility-related programs, and effective measures, thereby improving overall outcomes.

Keyword: Fertility Decision-Making, Social Factors, Gender and Fertility, Social Impacts on Population, Population Policies, Fertility Measures

مروری سیستماتیک بر تصمیم گیری باروری در زنان مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس و عوامل موثر بر آن

مهلا سالار فرد^۱، معصومه رحیمی^۲، طلعت خدیوزاده^{۳*}

۱. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲. رئیس دانشکده پرستاری و مامایی رابعه بلخی کابل، کابل، افغانستان

۳. دانشیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: اکثر افراد مبتلا به ام اس در سنین باروری هستند، بنابراین تنظیم خانواده یک موضوع مهم برای زنان و مردان مبتلا به ام اس است. نگرانی های مربوط به خود بیماری، عوارض ناشی از داروها، آسیب به جنین در اثر مصرف دارو در دوران بارداری ممکن است تاثیرات سوء بر جنبه های مختلف باروری زنان داشته باشد. مطالعه حاضر با هدف مروری سیستماتیک بر تصمیم گیری باروری در افراد مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس (MS) انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقالات منتشر شده در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ در رابطه با باروری و تصمیم گیری در زمینه آن در افراد مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس در پایگاه های اطلاعاتی Web of sciences, Google scholar, Pubmed, scopus با استفاده از کلمات کلیدی Childbearing, Reproductive, Fertility, pregnancy, decision making, Multiple sclerosis انجام شد.

یافته ها: براساس نتایج به دست آمده تعداد زنانی که پس از تشخیص بیماری باردار میشوند اندک است و در تعدادی از مطالعات این رقم را چیزی حدود یک سوم تا یک پنجم گزارش میکنند. این بیماری با درجات مختلف تأثیر بر تصمیم گیری تنظیم خانواده آنها تأثیر می گذارد (در یک مطالعه ۵۶٪، در مطالعه دیگر ۷۹٪). در یک مطالعه دیگر نیز از ۲۷۴۸ زن مبتلا به ام اس در سنین باروری، ۱۵۱ زن ۱۵۶ نوزاد به دنیا آوردند. بسیاری از زنان مبتلا تمایل اندک خود برای بارداری را به نگرانی هایی نسبت داده اند که این نگرانی ها از خود بیماری و علائم و عوارض بعدی آن نشأت میگیرد. آسیب به جنین در اثر مصرف دارو در دوران بارداری، خطر انتقال بیماری به جنین، چالشهایی در ارتباط با مراقبت از نوزاد و علائمی که با فرزندپروری تداخل دارند، از نگرانی های این زنان در زمینه بارداری و مادری بود.

نتیجه گیری: نتایج مطالعات نشان داد که ام اس به طور قابل توجهی بر تصمیم گیری تنظیم خانواده تأثیر می گذارد.

کلیدواژه ها: مولتیپل اسکلروزیس، زنان، تصمیم گیری، بارداری

Fertilities Acceleration (Tempo) and Factors affecting the first birth interval in



Mojtaba Soltani Kermanshahi¹, Rahab Ghorbani¹, Mehdi Kahoui¹

¹. Social Determinants of Health Research Center, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

Background: A short pregnancy interval (long fertility acceleration (Tempo)) is associated with adverse health and perinatal outcomes, including maternal, child, and neonatal mortality.

Objectives: We aimed to investigate the duration and determining factors of first birth intervals among women of reproductive age in Semnan, Iran.

Methods: In this cross-sectional study, the fertility history of 700 married women aged 10 to 49 years old in Semnan (Iran) was investigated from the list of Health Centers. Individuals were selected using multistage sampling method in 2018. Finally, a married woman (10-49 yr) was selected randomly within each household. Data were obtained by interview questionnaire, calculated tempos, and analyzed with Cox proportional hazard model.

Results: The median (1st – 3rd quartile) time of 1st birth intervals and age of women and men at the 1st marriage were estimated to be 24.0 (12-44) months, 20 (18-23), and 20 (22-28) years, respectively. The lowest estimated tempo was for 3rd births (68, 63 months), and the highest was for the 1st births (26 months). Among explanatory variables of interest, the number of children expected, the age of the father at the 1st marriage, the mother's occupation, and the desire to have children were significant predictors of the 1st birth intervals.

Conclusions: Due to the decrease in the number of births in the past several years and also the prediction of a decrease in the coming years, one of the ways to reduce the birth interval and as a result increase the fertility rate is to reduce the age of marriage among young people and in general to marry on time among young people, as well as to control inflation and reduce the cost of having children.

Keywords: First birth interval, Tempo, Cox, Women, Child

حمیدرضا سوداگر*^۱، سید حمید حسینی^۲، سیدرضا آل طه^۳، حمیده رضایی^۴، مریم قلی پور^۵

۱. دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۲. دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، عضو هیات علمی گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
۳. دانش آموخته دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
۴. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان، شیروان، ایران.
۵. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

چکیده

مقدمه: پدافند مردم محور در واقع تقویت انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و امید اجتماعی است. چنانچه امید اجتماعی تقویت شود تاب‌آوری اجتماعی بالا خواهد رفت و همین تاب‌آوری در مواقع بحرانی به کمک سیستم خواهد آمد و آن را از گردنه‌های سخت عبور خواهد داد .

مواد و روشها: روش تحقیق توصیفی – تحلیلی است که با بررسی منابع، مقالات و مطالعات کتابخانه ای و با ابزار فیش برداری انجام شده است.

یافته ها: مشارکت مردمی، به معنای همکاری داوطلبانه مردم در برنامه‌ریزی جوامع است و زمینه توسعه را در تمامی ابعاد فراهم می‌کند. در مجموع می‌توان گفت دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران همه توان خود را به مدد امپراطوری رسانه‌ای خود برای ضربه‌زدن به باور و اعتماد مردم به نظام به کار گرفته‌اند. تغییر ساختار جمعیتی کشور در آینده منشا بحران های بسیاری از جمله کاهش جمعیت پویا خواهد بود که کمترین عارضه آن کاهش نرخ رشد اقتصادی و درآمد ملی کشور است. مدیریت این فرآیند و آگاه سازی مردم و فراخواندن آنها به صحنه، همان پدافند مردم محور است .

نتیجه گیری: در این مقاله بررسی خواهیم نمود دولت از چه راههایی می تواند پدافند مردم محور (همراه نمودن مردم) در مبحث جوانی جمعیت را اجرا نماید. نتایج تحقیق نشان خواهد داد که اگر دولت بتواند از ظرفیت پایگاههای مردمی در مبحث جمعیت و جوانی استفاده نماید در دفاع کارآمد در جامعه در برابر تهدیدات داخلی و خارجی پیروز خواهد گردید .

کلمات کلیدی : پدافند مردم محور، جمعیت و جوانی، تشکل های اجتماعی

Investigating factors affecting women's attitude towards childbearing



Marzieh Seif^{*۱}, Azam Sharifi^۲, Mohammad Mehdi Daraee^۳

۱. Instructor of Pediatric Nursing, Nahavand School of Allied Medical Sciences, Hamadan University of Medical Science, Hamadan, Iran.
۲. Assistant Professor of Nursing, Nahavand School of Allied Medical Sciences, Hamadan University of Medical Science, Hamadan, Iran.
۳. MSc, Master of Pediatric Nursing, School of Nahavand Paramedical, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

Abstract

Introduction: Having children is an important phenomenon in population movements for countries that have a low level of succession and is a serious challenge for couples in the current era. Therefore, the present study is designed with the aim of determining the factors affecting women's attitude towards childbearing.

Search Strategy: This review study in ۱۴۰۲ using keywords and using English databases (Scopus web of science, PubMed) and Persian databases (SID, Magiran and Irandoc) and Google Scholar search engine in the period of ۲۰۲۳ - ۲۰۱۵ was done. Screening and selection of documents was done according to the guidelines (Prisma).

Results: A total of ۲۰ articles were reviewed. The results showed that issues such as modern lifestyle, women's employment, changes in the structure of families and less support from those around them, existence of negative policies during pregnancy and after, unstable economic situation, extensive media advertisements and tendency towards pets are among the factors. They are effective in women's negative attitude towards childbearing. On the other hand, family friendly, religiousness, having children, age of marriage are mentioned as less factors influencing positive attitude towards having children.

Conclusion: The challenges facing the issue of having children and the youth of the population are divided into ۴ general categories of cultural, economic, social and political factors. Therefore, the promotion of timely childbearing, economic facilities, attention to social dignity, increasing the quality of life, passing laws to protect working women, informing the society about the individual and social effects of population aging and paying attention to the importance of media and social networks are factors that should be taken into account.

Keyword: Childbearing, Reproductive, Factors, Iran

مقدمه: ارتقای کیفیت سلامت باروری گامی در جهت توسعه جمعیت سالم و پایدار است. با توجه به استفاده گسترده مادران از موتورهای جستجو برای یافتن اطلاعات مرتبط با حاملگی و اهمیت سواد سلامت در استفاده موثر از اینترنت پژوهشگران را بر آن داشت که سطح سواد سلامت والکترونیک مادری را مورد بررسی قرار دهد.

مواد و روش ها: این پژوهش یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی-تحلیلی دو گروهی بر روی ۱۵۰ زن باردار مراجعه کننده به دو مطب شخصی مامایی در مرکز وحاشیه شهر مشهد در بین سالهای ۱۴۰۱-۱۴۰۲ به روش نمونه گیری مبتنی بر هدف انجام شد. از پرسشنامه محقق ساخته ارزیابی جمعیتی و پرسشنامه نحوی استفاده از اینترنت و پرسشنامه سواد سلامت بارداری MHLAP استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ انجام شد.

یافته ها: میانگین سن بارداری مادران در مرکز شهر ۲۶۱ ± ۳۱٫۷۵ و در حاشیه شهر ۴۰۱ ± ۳۰٫۲۳ که با ($p < ۰٫۰۰۱$) اختلاف معنی دار نبود. اما بارداری زیر ۱۸ سال ($۱۴٫۶\%$) vs ($۲۹٫۳\%$ ، $۱۷٫۳\%$ vs $۱۷٫۳\%$) در حاشیه شهر در مقایسه با مرکز شهر اختلاف معنی دار داشتند. بیش از ۸۰٪ مادران در هر دو منطقه گوشی هوشمند داشته و قادر به استفاده از اپلیکیشن های داخلی و خارجی موبایل بودند اما از نظر میزان استفاده آنها از اینترنت برای یافتن اطلاعات مرتبط با حاملگی اختلاف معنی دار داشتند. سواد سلامت ناکافی (۲۰٪) vs (۶۶٪) مرزی (۳۳٪) vs (۱۶٪) (کافی) (۴۶٫۶٪) vs (۷۷٫۳٪) محاسبه گردید. سواد سلامت با تحصیلات مادر، سن، تعداد بارداری، نحوی مراقبت دوران بارداری، طبقه اجتماعی و محل زندگی ارتباط معنی دار داشت. اما بین استفاده از منابع الکترونیک و سطح سواد الکترونیک ارتباط معنی دار نبود.

نتیجه گیری: سواد سلامت مادران و میزان استفاده آنها از اینترنت برای یافتن اطلاعات حاملگی در حاشیه شهر در حد ناکافی و مرزی است. دولت می بایست در جهت دستیابی به اهداف سیاست جمعیت و توسعه پایدار و ارتقای سلامت باروری همزمان با ارائه خدمات بهداشتی مناسب به عدالت اجتماعی و محرومیت زدایی در مناطق حاشیه شهر بپردازد.

کلمات کلیدی: جمعیت و توسعه پایدار، سواد سلامت مادران باردار، سواد سلامت الکترونی

مقدمه: یکی از عوامل حیاتی در توسعه و پیشرفت هر جامعه، موضوع جمعیت است. کشور ما در دو دهه اخیر با اثرپذیری از اعمال برخی سیاست ها و بروز برخی تغییرات در سبک های زیستی، تحولات جمعیتی سریع و غیرمنتظره ای را تجربه نموده است. مقام معظم رهبری و اغلب اندیشمندان اجتماعی با خطرناک خواندن وضعیت کنونی و پدیده های موجود جمعیتی، خواستار بازنگری جدی در سیاست گذاری های جمعیتی می باشند و این مهم بدون بررسی مولفه های فرهنگی امکان پذیر نخواهد بود. فرهنگ نیز امری پیچیده، چند لایه و دارای مؤلفه های پرشمار است که گاه به صورت مستقیم و آشکار و گاه با یک یا چند واسطه بر پدیده ها و واقعیت های محیطی تأثیر می گذارد. دین و اعتقادات مذهبی، نقش زنان در جامعه، ارزش های خانوادگی و ساختار خانواده، سیاست ها و قوانین جمعیتی، نظام تربیتی و آموزشی، آداب و رسوم اجتماعی، مسائل مرتبط با بهداشت و سلامت عمومی و رسانه و فناوری ارتباطات از جمله این مولفه به شمار می رود. با توجه به اهمیت فرهنگ و تأثیر آن بر جمعیت، این مقاله به بررسی مولفه های فرهنگی موثر بر جمعیت و تأثیر این مولفه ها بر نرخ رشد جمعیت، ترکیب سنی جمعیت و توزیع جمعیتی پرداخته است.

روش جستجو: با توجه به گستردگی مبحث و شمول مقالات فارسی و انگلیسی، جستجو در google scholar انجام پذیرفت. واژگان کلیدی استفاده شده «دین»، «زنان»، «مادران»، «ارزش های خانوادگی»، «سیاست ها و قوانین جمعیتی»، «نظام آموزشی»، «ارزش های اجتماعی»، «بهداشت و سلامت عمومی»، «جمعیت»، «فرزندآوری»، «فرهنگ»، به همراه معادل انگلیسی آنها بودند.

یافته ها: مولفه های موثر بر فرهنگ از قبیل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی می توانند به طور مستقل یا ترکیبی تأثیرگذار بر تعداد و نرخ تولد و ترکیب سنی و توزیع جمعیتی باشند. به عنوان مثال، فرهنگ و باورها درباره فرزندآوری و نقش زنان در جامعه می توانند تعیین کننده تعداد فرزندان و جمعیت جوان تری باشند. همچنین، تصمیم گیری فرد درباره فرزندآوری و عوامل اقتصادی و اجتماعی می تواند به توزیع نامتوازن جمعیت در جوامع مختلف منجر شود.

نتیجه گیری: با تحلیل و بررسی مولفه های فرهنگی موثر بر جمعیت، می توان چگونگی تاثیر فرهنگ بر جمعیت را بهتر درک کرد و از آن برای برنامه ریزی جمعیتی بهره برداری نمود.

کلمات کلیدی: مولفه های فرهنگی، جمعیت، فرزندآوری، سیاستگذاری جمعیتی

ایوب صوفی زاده^۱، فریده حیدری^۲، ابراهیم فدائی^۳

مقدمه: ناباروری در اصل ناتوانی در بارداری بعد از ۱۲ ماه رابطه جنسی محافظت نشده است که به دو صورت اولیه و ثانویه تقسیم می شود. وقتی زوجی که تابحال بچه دار یا باردار نشده اند، دچار ناباروری می شوند، به آن ناباروری اولیه می گویند در حالیکه اگر زوجین بعد از یک بار تجربه ی بارداری، که ممکن است موفق یا ناموفق بوده باشد، برای بار دوم قادر به بارداری نباشند ناباروری ثانویه اطلاق می شود. هدف از این مطالعه تاثیر درمان ناباروری بر رشد جمعیت در شهرستان کلاله، استان گلستان سال ۱۴۰۲ بود .

مواد و روشها: در این مطالعه از اطلاعات ثبت شده در سامانه ناب (نرم افزار اطلاعات بهداشتی) دانشگاه علوم پزشکی گلستان استفاده شد. طوریکه تعداد زنان متاهل با نازایی اولیه و ثانویه را به تفکیک از این سامانه استخراج و با تقسیم آن به کل زنان متاهل ۱۰-۵۴ ساله واجد شرایط میزان ناباروری اولیه و ثانویه را محاسبه و با فرض درمان ناباروری آنها و داشتن یک فرزند، تاثیر درمان ناباروری آنها را بر روی رشد جمعیت شهرستان محاسبه نمودیم.

یافته ها: در کل تعداد ۲۸۱۴۲ زن ۱۰-۵۴ سال همسر دار در شهرستان کلاله ثبت شده اند که ۷۴۳ نفر آنها دارای مشکل ناباروری بوده اند. ۴۰۹ نفر دارای ناباروری اولیه و ۳۳۴ نفر ناباروری ثانویه که با درمان ناباروری آنها و به دنیا آوردن یک فرزند تعداد ۷۴۳ نوزاد به جمعیت شهرستان کلاله افزوده خواهد شد که با محاسبه میزان باروری عمومی (۲۶.۴) و به دنبال آن میزان باروری کلی به این نتیجه رسیدیم که این تعداد تولد جدید میزان باروری کلی را در شهرستان کلاله به میزان ۰.۱۳ افزایش خواهد داد .

نتیجه گیری: درمان زنان نابارور تاثیر زیادی روی رشد جمعیت در شهرستان کلاله خواهد داشت.

بررسی نگرش به باروری و فرزند آوری در زنان و مردان

متاهل شهرستان ساوه در سال ۱۴۰۱

سحر طالب*^۱، مولود میاهی^۲، زاهده خوش نظر^۳، ندا دوستی^۴، فائزه موسوی^۵، فاطمه مسجدی^۶

۱. کارشناسی ارشد، گروه مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ایران
۲. کارشناسی ارشد، گروه آمار، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی، بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ایران
۴. دانشجوی کارشناسی، بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ایران
۵. دانشجوی کارشناسی، بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ایران
۶. دانشجوی کارشناسی، بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ساوه، ایران

مقدمه: امروزه گرایش به فرزندآوری جز چالش های جوامع محسوب می شود که ایران هم از این امر مستثنی نیست. در همین راستا مطالعه ای با هدف تعیین میزان نگرش زنان و مردان متاهل شهرستان ساوه در زمینه باروری و فرزندآوری طراحی گردیده است.

بررسی و روش: این پژوهش یک مطالعه مقطعی در سال ۱۴۰۱ بود که بر روی ۵۰۰ زن و مرد متاهل مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر ساوه انجام شده است. نمونه های واجد شرایط بعد از کسب رضایت، به طور تصادفی در چند مرحله انتخاب و پرسشنامه به آنها تحویل داده شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه نگرش به باروری و فرزندآوری (AFCS) جمع آوری شد، این ابزار ۴ خرده مقیاس و ۲۳ گویه دارد که به صورت لیکرت ۵ درجه ای نمره گذاری میشود. میانگین نمرات نگرش باروری و فرزندآوری در ۴ حیطه در هر دو جنس و با مولفه های دموگرافیک به تفکیک بررسی و مقایسه شد. تمامی داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲، با کمک آزمون های آماری من ویتنی و کروسکال والیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: از میان ۴۹۳ نفر شرکت کننده، ۵۶/۶ درصد پاسخ دهندگان زن و ۴۳/۴ درصد مرد بودند. نمره کل نگرش به باروری و فرزندآوری در مجموع ۷۸/۳۵ محاسبه شد که نشان از نگرش مثبت شرکت کنندگان پژوهش به این مقوله می باشد. بالاترین (۳۲/۲۶) و پایین ترین (۱۲/۴۹) میانگین نمره، به ترتیب مربوط به گویه های فرزندآوری به عنوان رکن زندگی و مستلزم تحقق پیش زمینه ها بود. نمره کلی نگرش باروری و فرزندآوری با سن پاسخ دهندگان، سن همسرانشان، سطح تحصیلات همسر، درآمد خانوار، تعداد فرزندان در حال حاضر و تعداد فرزندان ایده آل به طور معنی داری اختلاف داشت ($P < 0.05$) و در مورد سایر متغیرها مانند جنسیت، محل سکونت، سطح تحصیلات پاسخ دهنده، وضعیت اشتغال خود و همسر اختلاف معنی دار مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با شناخت نگرشها، ارزش ها و ایده آل های فرزندآوری می توان یک الگوی مناسب و توانا به منظور تغییر شرایط فرهنگی، بینش و نگرش اجتماعی طراحی و بستر مناسبی برای تغییر رفتارهای باروری افراد فراهم نمود.

هادی عباسپور^{۱*}، احمد کاملی^۲، حسن عباسی^۳، علی عابدی^۴، سیده ریحانه داودی^۵

۱. استادیار، دکتری تخصصی آموزش پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. کاندید دکترای سلامت در بلایا و فوریتها، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۳. مربی، کارشناس ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۴. مربی، کارشناس ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۵. مربی، کارشناس ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: بحران جمعیتی، واقعیت انکارناپذیر جوامع کنونی است. با کاهش نرخ باروری و رشد جمعیت، حفظ و ارتقای سلامت سالمندان یکی از مهمترین و پرچالش ترین ابعاد فعالیت سیستم بهداشتی خواهد بود. این درحالی است که شواهد جاری نشان می دهد که سیستم کنونی بهداشتی درمانی در اکثر کشورهای دنیا و از جمله کشور ایران با نیازهای پیچیده بیماران سالمند که از ناتوانی های مختلفی رنج می برند مطابق ندارد. حرفه پرستاری به دلیل گستردگی فعالیت در حوزه های مختلف می توانند در ارتقای سلامت جامعه نقش ایفا کند. لذا مطالعه حاضر به بررسی نقش و جایگاه حرفه پرستاری در بحران جمعیتی کشور می پردازد.

مواد و روش: در این مطالعه مرور سیستماتیک تلفیقی با جستجو در پایگاه داده های MEDLINE, Embase, CINHAL, Web of sciences, Google Scholar, Ovid, Iran Medex, Magiran, SID, Ovid, "population geriatrics", "profession" بدون محدوده زمانی جستجو انجام شد. با استفاده از فلوجارت PRISMA از مجموع ۱۰۷۸ مطالعات بازیابی شده، پس از حذف مقالات بدون ارتباط و یا فاقد متن کامل ۱۴ مطالعه وارد مرور گردید

یافته ها: نتایج نشان داد پرستاری به عنوان یک حرفه تاثیرگذار در بحران جمعیتی کشور و پدیده سالمندی در ابعاد گوناگون آن می تواند نقش بسزایی داشته باشد. این ابعاد استخراج شده شامل: پرستاران به عنوان محققین و دانشمندان، پرستاران به عنوان تئوری پردازان، پرستاران به عنوان ارائه دهندگان مدل مراقبت در جامعه، پرستاران به عنوان درمانگران، پرستاران به عنوان مراقبین سلامت در سطح جامعه، پرستاران به عنوان مدیران و رهبران و همچنین نقش پرستاران در سیاست گذاری در سطوح بالای مدیریتی می باشد.

بحث و نتیجه گیری: حرفه پرستاری به دلیل گستردگی فعالیت در حوزه های مختلف می تواند نقش های متعددی را در ارتقای سلامت جامعه در بحران جمعیتی ایفا کند. با شناخت کامل حوزه های فعالیت پرستاران در ابعاد گوناگون آن می توان در برنامه ریزی به چالش های مراقبت بهداشتی در سالمندان به عنوان یک موضوع بین رشته ای فائق آمد. افزایش متخصصان آموزش دیده در پرستاری بهداشت جامعه، رفع کمبود اعضای هیئت علمی، افزایش بودجه تحقیقاتی، افزایش ارتباطات بین رشته ای، استفاده از فناوری های نوین، توجه به پرستاری سالمندی به عنوان یک تخصص از راهکارهای ارایه شده است. این تغییر رویکرد به توانمندی و ظرفیت دیسپلین پرستاری در حل مشکلات جمعیتی جامعه در آینده می تواند بسیار راهگشا باشد.

زهرا قاسم پور^۱، ریحانه عباسی^{۲*}، ثمینه اسکندری^۳

۱. کارشناسی ارشد، مربی بالینی هیئت علمی، دانشکده پرستاری شیروان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
۲. کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران.
۳. دپارتمان روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

پیش زمینه: زایمان از خاص ترین تجربه زندگی زنان به شمار می آید، اکثر زنان در طی بارداری نگران نوع زایمان خود هستند که اگر این نگرانی ها به درستی مدیریت نشود می تواند به شدت آسیبزا باشد. این مطالعه، با هدف بررسی اثر بخشی مشاوره ذهن آگاهی بر ترجیح نوع زایمان زنان باردار نخستزا انجام شد.

روش کار: این مطالعه به صورت کارآزمایی بالینی تصادفی با کد IRCT20190206042641N1 می باشد. که در مراکز درمانی شهرستان مشهد انجام شد. ۶۰ مادر باردار واجد شرایط بصورت تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. گروه مداخله (n= ۳۰) ۶ جلسه حضوری مشاوره ی گروهی مبتنی بر ذهن آگاهی را دریافت نمودند درحالیکه گروه کنترل (n= ۳۰) فقط تحت مراقبت های روتین دوران بارداری قرار گرفتند. هر دو گروه پرسشنامه ی ترجیح نوع زایمان را قبل، بلافاصله و یک ماه بعد از مداخله تکمیل نمودند. آنالیزها با استفاده از نرم افزار spss انجام شد و در تمامی موارد، میزان p کمتر از ۰/۰۵ معنادار در نظر گرفته شده است. آنالیز داده ها با استفاده از آزمون تی مستقل و اندازه گیری های مکرر انجام شد.

یافته ها: در مورد اطلاعات دموگرافیک اختلاف معنی داری بین متغیرها وجود نداشت. اختلاف میانگین نمرات ترجیح نوع زایمان قبل از مداخله در دو گروه کنترل و مداخله اختلاف معنی داری نداشت، هم چنین اختلاف معنی داری بین میانگین نمرات ترجیح نوع زایمان بلافاصله بعد از مداخله و یک ماه بعد از مداخله مشاهده نشد.

نتیجه گیری: استفاده از مشاوره ی گروهی مبتنی بر ذهن آگاهی روشی آسان، کاربردی و مؤثر برای بهبود اضطراب های مربوط به زایمان و بارداری می باشد اما در انتخاب نوع زایمان تاثیری ندارد و تحقیقات بیشتر در این زمینه، مورد انتظار است.

واژه های کلیدی: ترجیح نوع زایمان، ذهن آگاهی، مشاوره، بارداری

The Effect of Effleurage Massage Therapy on Symptoms of Osteoarthritis in Elderly Women with Osteoarthritis: A Cross- Clinical Trial



Zohreh Abbasi^{*}, Seyedeh Mahboobeh Rezaeean¹, Raheleh Asali¹, Mahbobeh Hakimi NajafAbadi², Reza Ganji³, Seyed Hamid Nabavi⁴, Salar Poorbarat⁵

1. Department of Midwifery, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
2. Master of Geriatric Nursing, North Khorasan University of Medical Sciences, Imam Hassan Hospital, Bojnurd, Iran
3. Department of Orthopedic Surgery, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
4. Department of Public Health, School of Health, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
5. Student Research Committee, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Abstract

BACKGROUND: Osteoarthritis is the main and most common cause of pain and disability in older people. It affects women 3.0 times more than men.

AIM: Therefore, the present study aimed to determine the effect of effleurage massage therapy on symptoms of osteoarthritis in elderly women with osteoarthritis.

MATERIALS AND METHODS: The present study was a cross-sectional clinical trial with a control group on 60 elderly women with mild to moderate osteoarthritis in 2018. At the first stage of the study, we give a massage on each knee every day for 10 min a week by the Effleurage method with standard treatment (100 mg diclofenac) and the control group only received standard treatment. At the second stage, the intervention was shifted in groups according to the study type after 3 weeks of washout. The research instrument was a native questionnaire (The Knee Injury and Osteoarthritis Outcome Score [KOOS]). We analyzed data using the SPSS20.

RESULTS: The research results indicated that knee massage techniques could reduce the severity of symptoms at both stages of the study in the intervention group. At the first stage, the severity of symptoms in Group A (intervention group) significantly decreased after the intervention compared to the pre-intervention and also decreased after washout in Group B (intervention group) after the intervention compared to the pre-intervention ($p < 0.0001$).

CONCLUSION: Given the effect of massage on reducing symptoms of knee osteoarthritis (morning dryness, stiffness, and swelling,) in elderly women with osteoarthritis, massage therapy is recommended as an effective intervention to reduce symptoms of knee osteoarthritis in these patients.

Keywords: Massage therapy; Osteoarthritis; Older people

بررسی علل تفاوت استفاده از روش های

پیشگیری از بارداری در اقوام مختلف

زهرة عباسی^۱، زهرة کشاورز^۲، محمدجواد عباسی شوازی^۳، حبيب الله اسماعیلی^۴، محبوبه قربانی^۵، افسانه گرشاد^۶

۱. استادیار، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
۲. دکترای تخصصی سلامت باروری
۳. عضو هیئت مدیره انجمن جمعیت شناسی ایران
۴. دانشیار گروه زیستی، دانشکده بهداشت، دانشکده علوم پزشکی مشهد
۵. مربی گروه مامایی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
۶. مربی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

مقدمه: با توجه به اینکه یکی از مولفه های تاثیر گذار بر انتخاب روش پیشگیری از بارداری، قومیت افراد می باشد و عوامل فرهنگی اجتماعی و مذهبی موثر بر این انتخاب در اقوام مختلف متفاوت باشد، لذا مطالعه حاضر باهدف شناسایی تفاوت های روش های پیشگیری از بارداری در یک جامعه موزائیک چند قومیتی انجام شد.

روش کار: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۶ بر روی ۱۰۰۰ زن متاهل واقع در سنین باروری (۴۹-۱۵ سال) از ۵ گروه قومیتی فارس، ترک کرد، ترکمن و تات خراسان شمالی انجام گرفت. گردآوری داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته رفتار باروری (با استفاده از روش قیاسی و بر اساس مرور متون و تلفیق سوالات پرسش نامه های موجود) انجام گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۲۱) و آزمون های تی و آنالیز واریانس دوطرفه انجام شد. میزان P کمتر از ۰/۰۵ معنادار در نظر گرفته شد.

یافته ها: در تمام اقوام قرص ها الویت اول روش پیشگیری از بارداری معرفی شدند (با بیشترین فراوانی، در قوم کرد) در قوم فارس، کرد و ترک با اختلاف اندک کاندوم و IUD به عنوان الویت دوم استفاده از روش های پیشگیری از بارداری و در قوم تات و ترکمن با اختلاف واضح، کاندوم الویت دوم و IUD الویت سوم زنان در انتخاب روش پیشگیری از بارداری می باشد.

نتیجه گیری: انتخاب روش های جلوگیری از بارداری متاثر از ویژگی های افراد است. لذا باید تمامی برنامه ریزی ها به ویژه برنامه های تنظیم خانواده که در ارتباط مستقیم با باروری قرار دارد، مبتنی بر شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی و شناخت شرایط آن جامعه باشد.

کلمات کلیدی: پیشگیری از بارداری، رفتار باروری، قومیت

چکیده: فرزندآوری در کشور ما نسبت به چند دهه اخیر کاهش زیادی داشته است به گفته مصطفی امانی پورمدیرکل ثبت احوال خوزستان مجموع ولادت‌های ثبت شده در خوزستان در سال ۱۴۰۱، ۸۸ هزار و ۲۰۴ نفر بوده که نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۰ این میزان ۹۱ هزار و ۲۰۴ نفر بوده و به عبارتی کاهش سه درصدی داشته ایم

روش تحقیق: پژوهش حاضر به روش کتابخانه ای صورت گرفته است

هدف: هدف از این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به فرزندآوری در استان خوزستان است. کاهش نرخ باروری به زیر سطح جانشینی نگرانی‌هایی را در مورد آثار بلندمدت این کاهش در کشور برانگیخته است. یکی از دلایل این کاهش تغییر رفتار زوجین در فرزندآوری در دو دهه اخیر بوده است. مطالعه حاضر به روش کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساخت یافته انجام شد.

نتیجه گیری: به نظر می‌رسد؛ مسائل فرهنگی در حوزه فرزندآوری مهم است چراکه برخی از خانواده‌های ما از نظر اقتصادی مشکلی ندارند، اما از نظر فرهنگی علاقه‌ای به فرزندآوری ندارند؛ و براساس پیش بینی کارشناسان متاسفانه در حال حاضر و در چند قرن آینده بستگان نزدیک خانواده‌ی ایرانی وجود نخواهند داشت. همچنین نباید از این نکته غافل شد؛ آفت فرهنگ غربی در بحث کاهش جمعیت بسیار موثر است و ما نیازمند فرهنگ سازی در کنار مشوق‌های فرزندآوری هستیم

کلمات کلیدی: فرزندآوری، خانواده، کاهش جمعیت، هویت فرزند داری، سلامت روان، طلاق، خوزستان، مشکلات اقتصادی، باورهای غلط، فرهنگ سازی

Marrubium vulgare and polycystic ovarian syndrome: A review study



Reza Ataee Disfani¹

¹ medical student, Student Research Committee, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran

Introduction: Polycystic Ovarian Syndrome (PCOS) is a common endocrine disorder among women of reproductive age, characterized by hormonal imbalances, ovarian cyst formation, and menstrual irregularities. There is growing interest in exploring herbal remedies as alternative or complementary therapies. This systematic review aims to evaluate the effects of Marrubium vulgare, a medicinal plant commonly used in traditional medicine, on the treatment of PCOS.

Search strategy: A comprehensive literature search was conducted using electronic databases, including PubMed, Google Scholar and Web of Science. The search strategy employed a combination of keywords related to PCOS, Marrubium vulgare, and herbal medicine. Data extraction and synthesis followed a predefined protocol, focusing on efficacy, safety, and potential mechanisms of action.

Results: After screening and applying eligibility criteria, 14 Articles were included in this systematic review. Overall, the findings showed that Marrubium vulgare demonstrated potential beneficial effects on various PCOS-related parameters, including menstrual regularity, hormonal profile (e.g., reduced androgen levels), insulin resistance, lipid profile, and ovarian morphology. Adverse effects were generally reported as minimal, with no serious adverse events reported across the included studies.

Conclusion: This systematic review suggests that Marrubium vulgare may have potential benefits in the treatment of PCOS. Further well-designed RCTs with larger sample sizes, longer durations, and standardized interventions are necessary to elucidate the effectiveness and safety of Marrubium vulgare in PCOS treatment. Additionally, more research is needed to understand the underlying mechanisms of action and potential drug interactions.

Keyword: PCOS, Marrubium vulgare, herbal medicine, treatment

Vitex agnus-castus and poly cystic ovarian syndrome: A review study



Reza Ataee Disfani¹

¹. medical student, Student Research Committee, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran

Introduction: Poly Cystic Ovarian Syndrome (PCOS) is a common endocrine disorder in women, characterized by hormonal imbalances, ovarian cysts, and insulin resistance. The complex nature of PCOS necessitates a multimodal approach to treatment, including lifestyle modifications, medications, and herbal remedies. Vitex agnus-castus, also known as chasteberry, has been traditionally used to manage menstrual irregularities and hormonal imbalances. This systematic review aims to evaluate the effects of Vitex agnus-castus on PCOS treatment.

Search strategy: A comprehensive search of electronic databases including PubMed, Web of Science and Google Scholar was conducted to identify relevant studies published up to ۲۰۲۳. The following inclusion criteria were applied: Articles evaluating the efficacy of Vitex agnus-castus in PCOS. Keywords used included “PCOS”, “Vitex agnus-castus” and “Treatment”.

Results: After screening and applying eligibility criteria, 14 Articles were included in this systematic review. Majority of the studies reported significant improvements in menstrual regularity, reduction in hyperandrogenism symptoms and modulation of hormonal imbalances with the use of Vitex agnus-castus in PCOS patients. Ovulation induction rates were found to be increased in intervention groups compared to control groups.

Conclusion: The results from this systematic review suggest that Vitex agnus-castus may offer potential benefits in the treatment of PCOS. It appears to improve menstrual regularity, reduce hyperandrogenism symptoms, and modulate hormone levels. Further well-designed randomized controlled trials with larger sample sizes are warranted to validate these findings and provide more definitive conclusions about the efficacy of Vitex agnus-castus in PCOS treatment.

Keyword: PCOS, Vitex agnus-castus, Treatment, Ovulation

عدم تمایل به باروری زوجین

راحله علیزاده^{۱*}، سارا محمدی مقدم^۲، کمیل قدوسی^۳

۱. کارمند علوم پزشکی خراسان شمالی
۲. دبیر آموزش و پرورش شهرستان بجنورد
۳. کارمند علوم پزشکی خراسان شمالی

هدف: فرزند آوری از موضوعات مهم در حوزه مسائل اجتماعی است و محور توسعه پایدار برای کشورهایی که سطح جانشینی پایینی دارند، محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع فرزندآوری در رابطه با رشد جمعیت به‌ویژه در ایران که به تدریج در حال سالخوردگی است، این پژوهش به تحلیل زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دخیل در عدم تمایل به باروری زوجین (مطالعه موردی: ۱۰ زوج بجنوردی) می‌پردازد.

روش مطالعه: در این پژوهش که در سال ۱۴۰۲ در شهر بجنورد انجام گرفت، نمونه‌ها (۱۰ زوج بجنوردی) که از زندگی مشترکشان چند سالی گذشته بود و تمایل به فرزندآوری نداشتند (به‌صورت گلوله برفی انتخاب گردیدند و داده‌ها از طریق مصاحبه، روایی (فردی و زوجی) و با استفاده از روش کیفی تحلیل روایت گردآوری شدند.

یافته‌ها: از تجزیه و تحلیل مضمونی داده‌ها هفت مضمون اصلی پدیدار شد که دامنه‌ی آن‌ها بدین قرار بود: چالش‌های اقتصادی، مشکلات مالی فرایند بارداری، عدم حمایت اجتماعی، نگرانی‌های تربیتی، خودمحوری، ترس از آینده و عدم اطمینان به دولت. یافته‌های حاصل از تحلیل ساختاری روایت نشان داد که زوجین با مسائل، نگرانی‌ها و مشکلاتی که در رابطه با باروری وجود دارد، روبه‌رو هستند و داشتن فرزند را مانعی جهت رسیدن به اهدافشان می‌دانند که باعث عدم تمایل آن‌ها به باروری می‌شود.

نتیجه‌گیری: وضعیت اقتصادی و اجتماعی، نگرانی در رابطه با آینده و تربیت فرزند، و عدم اطمینان به دولت، اهداف و انگیزه‌های شخصی زوجین، نقش قابل‌ملاحظه‌ای در عدم تمایل زوجین به باروری داشته است.

کلید واژه‌ها: وضعیت اقتصادی و اجتماعی، نگرانی‌های تربیتی، خودمحوری، ترس از آینده و عدم اطمینان به دولت

مقدمه: مولتیپل اسکلروزیس (MS) یک بیماری سیستم عصبی است که می‌تواند از راه‌های متعددی بر سلامت باروری افراد تاثیر منفی بگذارد. یکی از مهمترین این اثرات، چالش‌های مادری است. آنچه اهمیت توجه به این بیماری به‌ویژه در کشور ما را دوچندان می‌کند، روند رو به رشد مبتلایان به ام‌اس به‌خصوص در سال‌های اخیر است. در این میان، غالباً زنان ۲۰ تا ۴۰ ساله، زنانی که در اوج فعالیت‌های باروری خود قرار دارند، درگیر این بیماری می‌شوند. با این حال، مطالعات بسیار کمی برای ارزیابی تجربیات بارداری و مادری این بیماران انجام شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی است که روی زنان مبتلا به ام‌اس مراجعه‌کننده به انجمن ام‌اس ایران انجام شده است. مشارکت‌کنندگان ۲۵ زن متاهل سنین باروری بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند وارد مطالعه شدند. آنها با مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختارمند مورد مطالعه قرار گرفتند و داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA و به روش تحلیل محتوا مورد آنالیز قرار گرفتند.

یافته‌ها: با تجزیه و تحلیل داده‌ها ۷۹۶ کد از مصاحبه‌ها استخراج شد که در ۱۵ طبقه و ۳ درون‌مایه سازماندهی شدند. این درون‌مایه‌ها شامل «بارداری به عنوان یک نگرانی»، «ترس از شکست به عنوان یک مادر» و «احساس تهدید باروری» بود. نتایج نشان داد که مشارکت‌کنندگان به دلیل تأثیر داروهای ام‌اس بر چرخه قاعدگی و محدودیت درمان‌های ناباروری به دلیل مبتلا بودن به ام‌اس، نگران ناباروری احتمالی هستند. این نگرانی‌ها آنها را به تعویق انداختن بارداری و از دست دادن زمان و در نتیجه از دست دادن تجربه مادر شدن سوق می‌داد.

نتیجه‌گیری: ام‌اس ممکن است برای زنانی که قصد باردار شدن دارند چالش جدی داشته باشد. مراقبین بهداشتی و متخصصین باید با ارائه اطلاعات و مشاوره مناسب از این بیماران برای غلبه بر نگرانی‌ها و بلاتکلیفی خود حمایت کنند.

کلمات کلیدی: مادری، باروری، ام‌اس

زنان مجرد و تاثیر ازدواج آنها بر شاخص های باروری و رشد

جمعیت در شهرستان کلاله، استان گلستان، ۱۴۰۲

میترا فرهمند^۱، منیره چرابین^۲، عزیزه چرابین^۳

۱. HSR شرق گلستانف مرکز بهداشت شهرستان کلاله، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران
۲. آموزش و پرورش شهرستان کلاله، کلاله، ایران
۳. HSR شرق استان گلستان، مرکز بهداشت شهرستان کلاله، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

مقدمه: ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه ی روابط پایای جنسی موجب می شود و مستلزم انعقاد قرارداد اجتماعی است تا مشروعیت روابط جسمانی را موجب گردد^۱ (ساروخانی، ۱۳۷۵). در جوامع ابتدایی و سنتی فرد به محض احساس نیاز، اقدام به تشکیل خانواده می نمود. ولی به تدریج با افزایش آزادی و استقلال فردی، سن ازدواج افزایش یافت (احمدی، ۱۳۸۲) و ازدواج به منزله ی یک نهاد دچار تغییر و تحول شد. طوریکه در حال حاضر حدود ۱۲ میلیون مجرد (پسر ۲۰-۴۵ سال و دختر ۱۵-۴۵ سال) در کشور داریم. هدف از این مطالعه تعیین تعداد زنان مجرد و تاثیر ازدواج آنها بر باروری کلی و رشد جمعیت در شهرستان کلاله، استان گلستان در سال ۱۴۰۲ بود.

مواد و روشها: در این مطالعه از اطلاعات ثبت شده در سامانه ناب (نرم افزار اطلاعات بهداشتی) دانشگاه علوم پزشکی گلستان استفاده شد. در ابتدا تعداد زنان در سن باروری و مجرد شهرستان کلاله را محاسبه کرده و با فرض ازدواج و به دنیا آوردن یک فرزند در یکسال آینده تاثیر آن را بر روی شاخص های باروری عمومی و باروری کلی جمعیت محاسبه نمودیم. سپس تاثیر آن را بر رشد جمعیت نتیجه گیری نمودیم.

یافته ها: تعداد زنان مجرد در گروههای سنی ۱۵-۱۹ سال، ۲۰-۲۴ سال، ۲۵-۲۹ سال، ۳۰-۳۴ سال، ۳۵-۳۹ سال، ۴۰-۴۴ سال، ۴۵-۴۹ سال و ۵۰-۵۴ سال به ترتیب برابر ۴۱۴۴ نفر، ۱۳۲۹ نفر، ۶۲۳ نفر، ۵۱۹ نفر، ۴۴۵ نفر، ۳۶۹ نفر، ۱۹۸ نفر و ۷۷ نفر و در کل برابر ۷۷۰۴ نفر بود. با فرض ازدواج همه این زنان و به دنیا آوردن یک فرزند تعداد ۷۷۰۴ نفر به جمعیت شهرستان افزوده خواهد شد. میزان باروری عمومی را به میزان ۲۷۳ و میزان باروری کلی را به میزان ۱.۳۶ افزایش خواهد داد.

نتیجه گیری: ازدواج زنان مجرد شهرستان کلاله تاثیر زیادی در رشد جمعیت شهرستان خواهد داشت.

کلمات کلیدی: ازدواج، باروری، رشد جمعیت، گلستان

طراحی رو انداز زن باردار با رویکرد نماد شناسی ایزد بانوان اساطیر ایران: کاربرد هنر در خوشایند سازی بارداری

زینب حمزه گردشی^۱، فروغ نجفی تیر تاشی^۲، نسترن فلاح^۳، بهنود فلاح^۴، مسعود فلاح^۵، مریم بریمانی^۶

۱. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری
۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری
۳. دانشگاه فنی حرفه ای قدسیه
۴. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری
۵. آموزش و پرورش ساری
۶. دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری

مقدمه: اسطوره در حقیقت فشرده ای از آرمان ها عقاید و ایده های انسانهای عصر خویش است. اساطیر تنها برای داستانگویی و قصه بوجود نیامده اند بلکه این نیاز جامعه و فرهنگ و ملت ماست به آنها در زمانی که انسان آشفته و خسته از محیط و کارهای خود بود بوجود آمده است و در حال حاضر نیز این نیاز احساس می شود. در این پژوهش با استفاده از نمادشناسی نقوش و نگاره ها و تصویر سازی ایزد بانوان اساطیر ایران، جهت طراحی روانداز زن باردار با هدف خوشایند سازی بارداری به تجزیه و تحلیل فرم ها و معناها پرداخته می شود. هدف کلی این مطالعه تبیین ایزدبانوان اساطیر ایران و کاربرد آن در هنرهای وابسته به طراحی نقوش در کالاهای ویژه زنان باردار بود.

مواد و روش ها: روش تحقیق پژوهش به صورت مروری جامع بر منابع موجود در دسترس و تحلیل محتوا می باشد.

یافته ها: تحلیل محتوای موجود حاکی از این بود که در تحقیقات مربوط به نماد شناسی و تحلیل داستان های اساطیری، شخصیت های اسطوره، ایزد بانوان و کهن الگو ها و همچنین بن مایه های اساطیری مورد تحقیق قرار گرفته اند؛ اما نماد شناسی به این منظور خاص صورت نپذیرفته است. یافته های این مطالعه نشان داد که زندگی اجتماعی بشر بدون نماد و نشانه امکان تداوم ندارد. به طور کلی عرصه ای از زندگی بشر را نمیتوان سراغ گرفت که نمادین و رمز آلود نباشد.

نتیجه گیری: رو اندازها به فراخور منطقه جغرافیایی و آب و هوای هر محیط و تناسب با جنس پوست و همچنین دوره ای که تولید می شوند. نقوش روی این رواندازها میتواند در ایجاد شوق و احساس خوب داشتن نسبت به دوران بارداری روی شخص باردار تاثیر گذار بوده و رغبت تداوم دار را در طی زمان استراحت در او بوجود بیاورد.

کلمات کلیدی: اساطیر ایران، طراحی، روانداز، نگاره، نماد

زهرا فیروزه^{۱*}، سالار پوربرات^۲

۱. کارشناس علوم تربیتی، دانشگاه امام جعفر صادق(ع)، بجنورد، ایران
۲. کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: امروزه چاقی به یکی از مشکلات جدی سلامت در جهان و همچنین ایران تبدیل شده است. کودکان دارای اضافه وزن غالباً دچار کاهش تصویر ذهنی از بدن و همچنین اعتماد به نفس پایین می باشند این مطالعه مروری بر پژوهش های مرتبط با شیوع چاقی و اثرات آن بر دانش آموزان می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر مروری بر مطالعات مرتبط با شیوع چاقی و اثرات آن بر دانش آموزان در سال های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ می باشد. جهت جستجو در پایگاه های SID، مگیران، سیولیکا و Google scholar و منابع کتابخانه ای با استفاده از کلید واژه های چاقی، افسردگی، دانش آموزان، اعتماد به نفس، body image انجام شد.

یافته ها: بر اساس نتایج جستجو ۱۱۰ مقاله مرتبط یافت شد که پس از بررسی براساس شیوع چاقی در دانش آموزان مقطع ابتدایی به ۱۹ مقاله کاهش یافت و در نهایت ۴ مقاله به تاثیر مدارس و چاقی دانش آموزان پرداخته که مورد بررسی قرار گرفتند.

نتیجه گیری: پژوهش انجام شده نشان می دهد که مدرسه، می تواند محیط بسیار مناسبی برای اجرای مداخلات مرتبط با سلامت با هدف رشد سلامتی دانش آموزان و به دنبال آن در پیشرفت تحصیلی آن ها موثر باشد. چاقی موجب اختلال هایی برای کودکان، همچون اختلال در تنفس هنگام خواب که در مواردی موجب اختلال در یادگیری و حافظه میشود، بروز مشکلات ارتوپدی، افزایش دیابت نوع دو، بیماری کبد، آسم و زمینه ساز سرطان د رآینده نیز خواهد بود. از این رو با توجه به نقش حائز اهمیتی که مدارس در رفتار های تغذیه ای و فعالیت های جسمانی دانش آموزان ایفا می کند، به بررسی راهکار های مطلوب برای جلوگیری از اضافه وزن و رهنمود های سلامت مدرسه به منظور ترویج تغذیه مناسب و فعالیت های جسمانی پرداخته شده.

کلید واژه: چاقی، مدارس، اختلالات روانی - تنی

سندروم پلی کیستیک تخمدانی (PCO)

زکيه کشاورزی^۱، موسی الرضا حاج زاده^۲، زهرا غلام نژاد^۳، فائزه مرادی^۴

۱. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد
۲. دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۳. دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۴. دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مقدمه: سندروم پلی کیستیک تخمدانی شیوع نسبتاً بالایی در زنان دارد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی اثرات دوزهای مختلف ترانس آنتول بر یکسری از فاکتورهای بیوشیمیایی در موش‌های صحرایی ماده می باشد.

مواد و روش‌ها: موش‌های صحرایی ماده به صورت تصادفی به شش گروه شامل گروه‌های کنترل، PCO، PCO + متفورمین (۳۰۰ میلی گرم بر کیلوگرم)، PCO + ترانس آنتول (۲۰، ۴۰ و ۸۰ میلی گرم بر کیلوگرم) تقسیم شدند. سندروم تخمدان پلی کیستیک بوسیله تزریق داخل پریوتئنی تستوسترون به مدت ۳۵ روز با دوز ۱ میلی گرم بر کیلوگرم القا شد. بعد از القا PCO، ترانس آنتول و متفورمین بصورت خوراکی به مدت ۳۰ روز داده شد. بعد از آن، قند خون، انسولین، پروفایل لیپید، تستوسترون، دی هیدرو اپی آندروسترون، و وزن حیوان بررسی گردید.

یافته‌ها: در تمام گروه‌های PCO درمان شده و درمان نشده، سطوح تستوسترون سرمی بطور قابل توجهی افزایش یافت. ($p < 0.001$) درمان موش‌های صحرایی با متفورمین یا ترانس آنتول بطور قابل توجهی سطوح سرمی کلسترول، انسولین، تری گلیسرید، تستوسترون و DHEAS را نسبت به گروه PCO کاهش داد. ($p < 0.001$)

نتیجه‌گیری: این نتایج نشان می دهد که ترانس آنتول باعث تغییرات بیوشیمیایی و هورمونی در موش‌های صحرایی واجد PCO می شود که می تواند به عنوان درمان مفیدی در بیماران PCO شود.

کلمات کلیدی: سندروم پلی کیستیک تخمدانی، ترانس آنتول، متفورمین، انسولین

کاربرد عوامل جمعیت‌شناختی در تبیین قصد فرزندآوری

و تعداد فرزندان در زوجین ساکن منطقه سیستان

مجتبی کندی^۱، غلامرضا مسعودی^۲، معصومه رهدار^۳، حسینعلی ستوده^۴

۱-ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زابل، زابل، ایران.

۲. عضو هیئت‌علمی مرکز ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳. دانشجوی دکتری رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی و رئیس گروه آموزش و ارتقای سلامت علوم پزشکی زابل، زابل، ایران

زمینه و هدف: فرزندآوری از شاخصهای اصلی جمعیتی و بهداشت باروری می‌باشد. بقای جامعه و حفظ ثبات جمعیت به فرزندآوری بستگی داشته که در سالهای اخیر در اثر تغییر در سبک زندگی با چالش مواجه شده است. بررسی عوامل موثر در فرزندآوری خانواده‌ها یکی از موضوعات مهم مورد بحث در جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی است.

روش کار: در مطالعه مقطعی (توصیفی تحلیلی) ۳۵۰ نفر از والدین ساکن شهرستان زابل که بصورت تصادفی ساده انتخاب شده بودند از شهریور ۱۴۰۱ تا مرداد ۱۴۰۲ با استفاده از یک پرسشنامه دو بخشی شامل سئوالات جمعیت‌شناختی و تخصصی حاوی سازه قصد رفتاری فرزندآوری مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های پژوهشی با استفاده از نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی و آزمونهای تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفتند. سطح معنی‌داری در آزمونهای آماری کمتر از ۵ صدم در نظر گرفته شده بود.

یافته‌ها: در این مطالعه ۱۷۵ زن و مرد (زوج) با میانگین سنی ۲۸/۵ و ۳۷/۹ سال شرکت کردند. ۸/۳ درصد زنان سابقه سقط جنین داشتند. میانگین فرزندآوری در این خانواده‌ها 1.42 ± 0.18 بود. نمره قصد رفتاری فرزندآوری زوجین معادل ۲۱/۲ از ۳۰ نمره بود. تفاوت معنی‌داری بین قصد زنان و مردان وجود نداشت. قصد رفتار فرزندآوری در افراد ساکن روستا نسبت به شهرها بیشتر بود. بین تعداد فرزندان و قصد فرزندآوری رابطه مستقیم آماری وجود داشت. ($P=0.04$)

نتیجه‌گیری: مطالعه نشان داد که بین قصد فرزندآوری و تعداد فرزندان خانواده رابطه مستقیم آماری وجود دارد. قصد رفتاری تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار داشت. انجام مداخلات مختلف که منجر به افزایش قصد رفتاری شود میزان فرزندآوری را بهبود خواهد بخشید

کلمات کلیدی: قصد رفتاری، زوجین، فرزند، خانواده

۱. کارشناس ارشد فیزیک شیمی، معلم، آموزش و پرورش نیشابور، ایران.
۲. گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران
۳. گروه اتاق عمل، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، ایران.

مقدمه: زایمان فرآیندی است که از نظر جسمی و احساسی نیاز دارد که می تواند با سطوح بالایی از استرس همراه باشد. استرس می تواند تأثیر منفی بر نتایج زایمان داشته باشد، مانند افزایش خطر زایمان سزارین و افسردگی پس از زایمان. یوگا یک تمرین ذهن و بدن است که نشان داده شده است در کاهش استرس در جمعیت های مختلف موثر است.

روش کار: در این مرور سیستماتیک از کارآزمایی های تصادفی سازی و کنترل شده (RCT) انجام دادیم که اثرات یوگا را بر استرس زایمان ارزیابی می کردند. ما PubMed، Embase و CINAHL را برای مطالعات منتشر شده بین ژانویه ۲۰۰۰ و دسامبر ۲۰۲۲ جستجو کردیم.

نتایج: ما ۲۲ کارزمایی بالینی را شناسایی کردیم که معیارهای ورود ما را داشتند. این مطالعات شامل ۲۴۵۶ زن بود. اکثر مطالعات در ایالات متحده، هند یا بریتانیا انجام شده است. مدت مداخلات یوگا از ۴ تا ۱۲ هفته متغیر بود. نتایج بررسی نشان داد که یوگا در کاهش استرس زایمان موثر است. زنانی که در یوگا شرکت کردند، سطوح پایین تری از اضطراب، افسردگی و درد در حین زایمان گزارش کردند. آنها همچنین احتمال بیشتری برای گزارش یک تجربه مثبت کار داشتند.

نتیجه گیری: یافته های این بررسی نشان می دهد که یوگا یک مداخله امیدوارکننده برای کاهش استرس زایمان است. یوگا ممکن است راهی ایمن و موثر برای کمک به زنان برای مقابله با چالش های فیزیکی و عاطفی زایمان باشد

کلمات کلیدی: یوگا، استرس زایمان

Burden of Breast cancer and association to Human Development Index (HDI) in Iran , ۲۰۰۹-۲۰۱۹: a systematic analysis of observational data from the global burden of disease study ۲۰۱۹



Elham Goodarzi^۱

^۱.Social Determinants of Health Research Center, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran

Abstract

Objective: Breast cancer is the first type of malignancy and the leading cause of cancer-related deaths in women worldwide. The purpose of this study is to investigate the epidemiology of breast cancer in Iran and its relationship with the human development index.

Materials and Methods: The present study is a descriptive analytical study. Data related to the incidence, mortality, years of life with disability (YLDs), YLLs and DALYs of breast cancer in Iran were extracted from the World Burden of Disease ۲۰۱۹ website. Correlation tests are used to check the relationship between these indicators and the human development index.

Result: The highest incidence rate of breast cancer in ۲۰۱۹ is related to the provinces of Gilan (۲۹ per ۱۰۰,۰۰۰) and Tehran (۲۸,۰۰ per ۱۰۰,۰۰۰) and the highest rate of death from breast cancer is related to the provinces of Gilan (۱۰,۷۱ per ۱۰۰,۰۰۰). and Semnan (۹,۹۷ in ۱۰۰,۰۰۰). The results showed that there is a positive and significant correlation between DALY ($r=۰,۶۲۶$, $P<۰,۰۰۰۱$), YLL ($r=۰,۶۱۱$, $P<۰,۰۰۰۱$) and YLD ($r=۰,۷۷۳$, $P<۰,۰۰۰۱$) breast cancer with HDI index. There is a positive and significant correlation between the incidence ($r=۰,۷۹۴$, $P<۰,۰۰۰۱$) and mortality ($r=۰,۵۰۳$, $P=۰,۰۰۳$) of breast cancer with the HDI index.

Conclusion: Considering that the incidence and mortality rate of breast cancer in the country is increasing, in the fight against breast cancer, an appropriate strategy should be adopted with universal health coverage and, finally, approaches Screening and treatment of breast cancer can reduce the burden caused by this cancer in the country.

Key words: Breast cancer, Incidence, Mortality, DALY, HDI, Iran

بررسی علل مرگ و میر مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و

خانواده در افراد تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی

پروین محمدی

دکتری عمومی، مرکز بهداشت سامان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

زمینه: در زندگی شهر نشینی کنونی، فشردگی زیاد جمعیت در شهرها و عدم تجانس افراد با هم و احساس تنهایی و کم شدن افراد خانواده و کاهش یافتن محبت خانوادگی، باعث ایجاد انواع آسیب‌های اجتماعی می‌شود. این مطالعه با هدف بررسی علل مرگ و میر مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و خانواده در افراد تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سالهای ۹۸-۱۴۰۰ طراحی شد.

روش: این پژوهش براساس بررسی علل ثبت شده در سامانه ثبت علل مرگ و میر دانشگاه مشهد، مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی در افراد، طی سالهای ۹۸-۱۴۰۰ انجام شد.

در سال ۱۳۹۸ تعداد ۱۸۸۵۶ مورد مرگ ثبت شده که از این تعداد، مرگ مردان (۵۸/۰۸٪) و مرگ زنان (۴۱/۰۹٪) می‌باشد. سال ۱۳۹۹ تعداد ۱۸۷۹۹ مورد که، مرگ مردان (۵۷/۶٪) و مرگ زنان (۴۲/۳٪) را شامل می‌شود و سال ۱۴۰۰ تعداد ۱۹۵۶۴ مورد که، مرگ مردان (۵۸/۴۵٪) و مرگ زنان (۴۱/۵٪) می‌باشد.

نتایج: بیشترین علت مرگ مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی: خشونت بوسیله دیگران (۱/۵٪)، خودکشی (۱/۲٪)، بیماری‌های روانی و اختلال رفتاری (۱٪) است. خودکشی منجر به فوت در مردان (۷۸/۴٪) از زنان (۲۱/۵۸٪) بیشتر است. مرگ به علت خشونت در مردان (۸۷/۴٪) از زنان (۲۷/۹٪) بیشتر است. مرگ به علت اختلال روانی نیز در مردان (۶۹/۵٪) از زنان (۳۷/۶٪) بیشتر است.

نتیجه گیری: نتایج نشان می‌دهد که مرگ در اثر خشونت، خودکشی و بیماری‌های روانی و اختلال رفتاری در افراد مورد مطالعه، بیشترین شیوع را دارد. فقر از راه خشونت خانوادگی و اجتماعی تاثیر زیادی بر خودکشی دارد و فرد به سبب احساس حقارت در ستیز با نقش‌های اجتماعی ترجیح می‌دهد نه نقش، بلکه خود را از سر راه بردارد. برای مقابله با این علل به عنوان چالش‌های اجتماعی جامعه، بایستی آگاهی افراد را در مورد حقوق خود در مقابل هم افزایش داد و حمایت از گروه‌های آسیب پذیر و ایجاد محیط‌ها و مراکز مشاوره و روان درمانی برای افراد مذکور در اولویت قرار گیرد.

کلید واژه: خشونت، خودکشی، مرگ

Challenges of Iranian family members in decision making to put elderly people with chronic diseases in nursing homes: a qualitative study



Hamid Peyrovi^۱, Hamed Mortazavi^{*۲}, Soodabeh Joolae^۳

۱. Associate Professor of Nursing, Center for Nursing Care Research, Department of Critical Care Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
۲. MSc in Nursing, Ph.D Candidate, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Department of Doctoral Students, School of Nursing and Midwifery, Nosrat St., Tohid Sq
۳. Associate Professor of Nursing, Center for Nursing Care Research, Department of Nursing Education and Management, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

With the growing number of elderly people in the Iranian society, the role of nursing homes in provision care is highlighted. The aim of this study was to explore the challenges family members face in decision making to put elderly people with chronic diseases in nursing home. Regarding sampling, ۱۱ family members of elderly people living in nursing homes were selected through purposive sampling. Semi-structured interviews were held to collect data. Constant comparative analysis was used to analyze the data. Three main categories were identified during data analysis: “struggling to reach the decision,” “coming to a consensus about the decision,” and “abiding the concern.” Understanding issues faced with families in decision making to assign the duty of elderly care to nursing homes helps healthcare team members to provide support and consultation to the family members. This study illustrates the necessity of modifying the attitudes of society regarding provision of care to elderly people in nursing homes.

Keywords: family caregiver, decision making, elderly, chronic disease, nursing home

The Relationship between Spiritual Intelligence and Quality of Life in Elderlies



Hamed mortazavi^۱, Mohammadreza Armat^۲, Mahbubeh Tabatabaeichehr^۳, Ebrahim Golmakani^۴, Ebrahim Hasanzadeh^۵

- ۱- Assistant Professor, Department of Geriatric Nursing, Gerontological Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
- ۲- Associate Professor, Department of Anesthesiology, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
- ۳- Faculty Member, Department of Geriatric Nursing, Gerontological Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
- ۴- Faculty Member, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Gerontological Care Research Center, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
- ۵- MSc Student, Department of Geriatric Nursing, Gerontological Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Abstract

Introduction: Spiritual intelligence is a dimension of spiritual health, which facilitates human adaptation to his/her environment. Since beliefs, culture and spiritual commitments can be associated with positive outcomes such as physical and psychological health, satisfaction with life, favorable interpersonal performance and better quality of life, the present study was conducted to determine the relationship between spiritual intelligence and quality of life of older people covered by health centers in the city of Kashmar in ۲۰۱۵-۱۶.

Methods: This was a cross-sectional study in which ۴۳۰ eligible elderlies living in urban and rural areas of the city of Kashmar were selected through stratified random sampling. Research instruments were spiritual intelligence questionnaires of Abdullah Zadeh et al. and quality of life questionnaire LEIPAD. For data analysis, test and Spearman's correlation coefficient were used.

Results: According to the results, the average score of elderlies' spiritual intelligence in Kashmar city ($۱۱۴,۷۹ \pm ۶,۱۵$) was at an optimum level and the qualities of their lives ($۵۲,۹۴ \pm ۶,۵۶$) were assessed as medium. In addition, there was a significant negative correlation between the mean score of spiritual intelligence level and the quality of life among elderlies in Kashmar city ($P = ۰,۰۱$, $r = -۰,۲۴$).

Conclusions: The present study results showed that despite the inverse and significant relationship found between the mean score of spiritual intelligence and the mean score of quality of life in elderlies of Kashmar, the results obtained showed the need for further studies in other parts of the country with different cultural, economic and social backgrounds, and with different sample sizes (smaller or larger), given the mutual effects of spiritual intelligence and quality of life of elderlies as a factor affecting positive outcomes such as physical and mental health, satisfaction with life and favorable performance among them.

The Effect of Self-Management Educational Program on Pain Intensity in Elderly Patients with Knee Osteoarthritis: A Randomized Clinical



Reza Ganji¹, Azadeh Pakniat², Mohammad Reza Armat³, Mahbubeh Tabatabaeichehr⁴, Hamed Mortazavi^{5*}

- ¹- Department of Orthopedic Surgery, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran;
- ²- Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, North Khorasan University of Medical Sciences, Geriatric Care Research Center, Bojnurd, Iran;
- ³- Geriatric Care Research Center, Department of Medical-Surgical Nursing, School of Nursing and Midwifery, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran;
- ⁴- Geriatric Care Research Center, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran;
- ⁵- Geriatric Care Research Center, Department of Geriatric Nursing, School of Nursing and Midwifery, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Abstract

BACKGROUND: Osteoarthritis is one of the chronic diseases that greatly affect the health and life quality of individuals.

AIM: This study aimed to determine the effect of self-management educational program on the pain intensity of the elderly patients with knee osteoarthritis.

METHODS: In a randomised clinical trial, a total of 82 elderly patients with knee osteoarthritis were randomly divided into intervention and control groups. The intervention group received six sessions of self-management group education, while the control group received only the routine care during this period. In both groups, patients' pain intensity, with a visual analogue scale (VAS), were assessed before, immediately after and eight weeks after the start of the study.

RESULTS: The mean pain intensity scores of the intervention and control groups were not significantly different before the intervention ($P = 0.9$), but after the intervention, the mean pain intensity score in the intervention group (3.61 ± 2.36) was significantly lower than that of the control group (4.93 ± 2.00), ($P < 0.0001$).

CONCLUSION: Implementation of a self-management program for the patients with knee osteoarthritis is useful in reducing their pain intensity and can be used as one of the effective methods for their empowerment.

Keywords: Self-management; Pain; Osteoarthritis; Knee; Elderly; Aged

بررسی سطح پایداری جمعیت روستایی، مطالعه موردی بخش چندار شهرستان ساوجبلاغ

اردشیر مصباح^۱، اسماعیل کرمی دهکردی^{۲*}، محمد بادسار^۳

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
- ۲- دانشیار ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

چکیده

مقدمه: مهاجرت روستا - شهری پدیده‌ای است که در فرایند صنعتی شدن کشورها ظاهر شده و بسیاری از تحولات اجتماعی و فضایی جوامع نیز ناشی از آن است. بنیان‌های زیستی و اقتصادی اولیه غالب در همه کشورها که بر اساس زیست روستایی و معیشت کشاورزی بوده است، به تدریج با ورود امواج مدرنیته و با گذار از انقلاب صنعتی، جای خود را به زندگی شهری و معیشت صنعتی و خدماتی می‌دهد به طوری که آمارهای سرشماری‌های ایران نشان می‌دهند که در طول نیم قرن گذشته، سهم جمعیت روستایی از ۶۸/۵ درصد در سال ۱۳۳۵، به ۲۵ درصد در سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است. از این رو هدف از این پژوهش، بررسی عوامل موثر بر پایداری جمعیت روستایی بخش چندار شهرستان ساوجبلاغ می‌باشد.

بخش اول در زمینه‌ی مبانی نظری و پیشینه پژوهش تحقیقات انجام شده که با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای انجام پذیرفت و بخش دوم به صورت جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق ساخت صورت پذیرفت. جامعه آماری این تحقیق را روستاییان بخش چندار شهرستان ساوجبلاغ استان البرز تشکیل می‌دادند که نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران، ۱۱۲ خانوار تعیین گردید.

یافته‌ها: طبق یافته‌های پژوهش، ۱۸/۳ درصد از جمعیت منطقه‌ی مورد مطالعه، ناپایدار بوده، ۳۲/۸ درصد جمعیت نیمه پایدار و ۴۸/۹ درصد جمعیت، از پایداری مناسب جمعیتی بهره‌مند هستند.

نتیجه‌گیری: ناپایداری‌های موجود در ابعاد مختلف پایداری جمعیت، باعث گردیده توانمندی‌های این نواحی حتی در حفظ ظرفیت فعلی خود یعنی جمعیت نیز مغفول واقع شود. در این زمینه، برنامه‌ریزی جهت بهبود سطح پایداری جمعیت در سطوح خرد و کلان، در ابعاد مختلف در روستاهای کم‌توان جمعیتی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، جوامع روستایی، معیشت، ظرفیت، بنیان‌های زیستی

Fatalism in breast cancer and performing mammography on women with or without a family history of breast cancer



Maryam Molaei Zardanjani¹

¹. Faculty of Nursing and Midwifery, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

Background: Breast cancer is the most prevalent cancer in women, and in those with a positive family history, it is important to perform mammography. One of the probable barriers in doing mammography is fatalism.

Methods: This is a descriptive/cross-sectional study conducted on 400 women residing in Isfahan, Iran, randomly selected in 2017. Sampling was done randomly among the enrolled women in Health Integrity System. The data collection tool was a questionnaire regarding the demographic-fertility information and fatalism. The data analysis was done by SPSS software. A P-value $< 0,05$ was considered statistically significant.

Results: The results showed that the mean rate of fatalism was $09,5 \pm 23,2$ in women with the experience of mammography, and $10,9 \pm 18,7$ in women without the experience. Moreover, the mean rate of fatalism was $13,1 \pm 10,2$ in subjects with a family history of breast cancer, and $09,3 \pm 22,0$ in those no family history related to this condition. Accordingly, fatalism was statistically significant associated ($P < 0,001$) with a family history of breast cancer and experience of mammography. There was no significant relationship between demographic information and fatalism ($P > 0,05$).

Conclusion: The results indicated that fatalism in women with no experience of mammography was higher than in those with a positive history. Regarding the necessity of mammography in women with a family history of breast cancer, the required interventions seem to be essential to changing the viewpoints of women regarding the importance and effect of mammography as a screening method for breast cancer. Electronic supplementary material

Keywords: Breast cancer, Family history, Fatalism, Mammography

تاثیر سالمندی جمعیت در ایران بر روی مولفه‌های اجتماعی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی: یک مطالعه مروری

حمید مهدوی فرد^۱، فرامرز شیرازی^۲، هادی حسین زاده^۳

- ۱- دکتری تخصصی آموزش پزشکی - گروه آموزش و ارتقاء سلامت - دانشگاه علوم نیشابور
- ۲- کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی - مسئول گروه گسترش دانشگاه علوم پزشکی نیشابور
- ۳- پزشک عمومی - معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور

زمینه و هدف: سالخوردگی جمعیت پدیده‌های جدید در بسیاری از کشورهای جهان است، هر چند که بین مناطق مختلف جهان در این زمینه تفاوت‌هایی وجود دارد. به طوری که شدیدترین میزان کاهش باروری و سریع‌ترین نرخ‌های سالخوردگی جمعیت در کشورهای در حال توسعه در حال رخ دادن است. تغییر ساختارهای جمعیت در بسیاری از کشورها سبب ایجاد مسیر توسعه فرصتها و چالشها می‌شود. در حالی که کهنسالی مسئله نگرانی در اقتصادهای با درآمد بالا و متوسط است، رشد سریع جمعیت در دهه‌های آینده در فقیرترین کشورها ادامه‌دار خواهد بود. در ایران نیز کاهش چشمگیر نرخ باروری در دهه هفتاد و تداوم و تشدید آن در دهه هشتاد ترکیب سنی جمعیت را در آینده نزدیک سالخورده می‌کند. با توجه به تغییر ساختار جمعیت در کشورهای مختلف جهان و در کشور ایران، لزوم بررسی دقیق پدیده سالخوردگی جمعیت به منظور توجه بیشتر برنامه‌ریزان به روند و پیامدهای منفی ناشی از سالخوردگی ضروری به نظر می‌رسد.

مواد و روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است که سالخوردگی جمعیت در ایران را بررسی کرده است. در این مطالعه مقالات مرتبط با سالخوردگی جمعیت با کلید واژه‌های سالخوردگی، جمعیت، کاهش جمعیت، اثرات کاهش جمعیت و یا ترکیبی از این واژه‌ها پایگاه‌های اطلاعاتی جهت دستیابی به مقالات انگلیسی و پایگاه‌های اطلاعاتی جهت دستیابی به مقالات فارسی مرتبط با موضوع و موتور جستجوی google scholar مورد جستجو قرار گرفت و مقالات با کلید واژه‌های ذکر شده استخراج گردید. پس از استخراج مقالات مطالعه مقالات جهت گزینش مقالات مرتبط و حذف مقالات تکراری انجام شد.

یافته‌ها: در مجموع از ۱۱۲ مقاله بدست آمده در جستجوی متون تعداد ۳۶ مقاله به علت تکراری بودن و عدم ارتباط با موضوع از مطالعه خارج شد از تعداد ۷۶ مقاله باقی مانده بعد از انتخاب و غربالگری تعداد ۳۲ مقاله حذف شد و ۴۴ مقاله مورد مطالعه قرار گرفت و در نهایت تعداد ۳۱ مقاله وارد مطالعه گردید.

نتیجه‌گیری: با مرور مقالات مرتبط در رابطه با موضوع سالمندی جمعیت و تاثیرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن مشخص گردید که بحران سالمندی جمعیت در کشور یک بحران ملی است و در صورتی که سیاست‌های درست در جهت خروج از این بحران اتخاذ نگردد در سالهای آینده کشور دچار مشکلات عدیده‌ای در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، نظامی و غیره خواهد گردید. ایران با سرعت و وسعت غیرمعمول در کمتر از سه دهه آینده به سمت سالخوردگی جمعیت پیش می‌رود، در حالی که آمادگی‌های لازم برای مقابله با این پدیده را ندارد. در بین کارشناسان هیچ مناقشه‌ای درباره افزایش تعداد سالخوردگان وجود ندارد. صحبت اصلی افزایش سهم نسبی جمعیت سالخوردگان است.

کلمات کلیدی: سالمندی - جمعیت - اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی

مقدمه: باروری و گرایش به فرزند آوری از موضوعات مهم در حوزه جمعیت شناسی است. در طول چند دهه گذشته، نرخ باروری در کشورهای با درآمد کم و متوسط به طور قابل توجهی کاهش یافته است. توانمندسازی زنان به معنی قدرت بخشیدن به زنان برای تصمیم گیری مستقل درباره موضوعات اساسی زندگی است. فرض بر این است که زنان عامل اصلی فرزندآوری به شمار می آیند و توانمند شدن آن ها می تواند بر رفتار باروری شان تاثیر بگذارد و در صورت افزایش توانمندی، نقش آن ها در تصمیم گیری های مربوط به رفتارهای باروری پررنگ تر شده و منجر به بهبود آن می شود. باتوجه به اهمیت موضوع، مرور حاضر با هدف بررسی تاثیر توانمندسازی زنان بر نگرش آنان به باروری و فرزند آوری انجام شد.

روش جستجو: مطالعه حاضر از نوع مروری است. برای بررسی متون، ۱۷ مقاله مرتبط با هدف از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ با استفاده از کلیدواژه های "توانمند سازی"، "زنان"، "باروری"، "فرزند آوری"، بررسی شد. جستجوی منابع انگلیسی در پایگاه های اطلاعاتی بین المللی Pubmed, Googel scholar و جستجوی منابع فارسی در پایگاه های داخلی SID, Magiran انجام شد.

یافته ها: در جستجوی اولیه ۲۳۵۴ مقاله یافت شد. پس از لحاظ کردن معیارهای ورود و خروج در نهایت ۱۷ مقاله وارد مطالعه شد. نتایج اکثر مطالعات حاکی از آن بود که افزایش سطح تحصیلات و آموزش زنان به عنوان یک مولفه اجتماعی، اشتغال، حضور آنان در اجتماع، عزت نفس و برابری جنسیتی از عوامل موثر بر توانمندسازی زنان می باشند

نتیجه گیری: با توجه به تاثیر توانمندسازی زنان بر نگرش آنان به باروری و فرزند آوری و با توجه به این که توانمندی زنان در جامعه وابسته به مولفه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است باید برای افزایش استقلال و توانمندسازی زنان بر اساس این مولفه ها اقدام کرد. و در نهایت از انجایی که تصمیم گیری در خصوص باروری و فرزند آوری در چارچوب خانواده و با توافق زوجین انجام می شود لذا اعمال سیاست های افزایش باروری و موفقیت آن، مستلزم بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه می باشد.

مقدمه: اهمیت باروری به عنوان مهمترین عامل تغییر در ساخت و اندازه جمعیت موجب شده تا مطالعات مربوط به باروری و عوامل تأثیرگذارنده بر آن، جایگاه ویژه‌ای را در مطالعات جمعیت‌شناسی به خود اختصاص دهد. باروری متأثر از عوامل زیستی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. ارزش‌ها و باورهای فرهنگی از عوامل موثر بر جمعیت است، اما عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی موجب دگرگونی در رفتار باروری می‌شوند. هدف از این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موثر بر جمعیت است.

روش کار: تحقیق حاضر یک مطالعه مروری می‌باشد. بررسی داده‌ها از طریق بانک‌های اطلاعاتی Google ، Proquest، Pub Med ، Cochrane ، Science، SID، Magiran ، Ovid، Scholar در بین سالهای ۲۰۲۳-۲۰۰۹ با استفاده از کلید واژه عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، باروری و جمعیت جمع‌آوری شده است.

یافته‌ها: بررسی مطالعات مختلف نشان داد از عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر، که با باروری رابطه عکس دارند، شامل متغیرهای شکل ازدواج(نوبن)، سن ازدواج، مجرد قطعی(افرادی که در سن ۵۰ سالگی مجرد باقی مانده‌اند)، نازایی، مرگ‌ومیر زنان، نوع جوامع (شهری)، مذهب، وضع مسکن، میزان درآمد، پیشگیری ارادی از حاملگی و خواستگاه اجتماعی می‌باشند. و از عوامل موثر، که با باروری رابطه مستقیم دارند می‌توان به متغیرهای شکل ازدواج(سنتی)، نوع جوامع(روستایی)، آگاهی زنان از وسایل و خویشاوندی با شوهر اشاره کرد. در گذشته جمعیت‌شناسان بیشتر بر عوامل اقتصادی و اجتماعی تاکید می‌کردند و نسبت به عوامل فرهنگی بی‌توجه یا کم‌توجه بودند. در سال‌های اخیر توجه به فرهنگ افزایش یافته است. فرهنگ مشخص کننده این است که چرا افراد یا جوامعی که به ظاهر از نظر اقتصادی در شرایط یکسان به سر می‌برند، از نظر آداب و زبان متفاوت هستند، در زمینه‌های دموگرافیک متفاوت عمل می‌کنند. از جمله عوامل فرهنگی موثر بر باروری شامل ترجیح جنسی، تامین اجتماعی، علاقه به داشتن فرزند، احترام اجتماعی، تقدیرگرایی، رضایت از زندگی زناشویی و تعداد مطلوب فرزندان اشاره نمود.

نتیجه گیری: عوامل متعددی در جهت تعدیل جمعیت وجود دارند که عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از بقیه عوامل موثرترند. لذا دولت‌ها با معطوف کردن سیاست‌های افزایش جمعیت بر تعدیل این متغیرها احتمالاً بتوانند گامی مؤثر در راستای ارتقای افزایش جمعیت بردارند.

کلید واژه: عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، باروری، جمعیت



A review on the causes of vaginitis in fertile women.

Abozar Nasiri-Jahrodi*• Mehdi Barati*

•Department of Pathobiology and Medical Laboratory Sciences, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

introduction: One of the most prevalent infections in women, particularly in those who are pregnant, is vulvovaginal candidiasis, or VVC. Most women of reproductive age experience this mucosal infection of the vaginal area, which is one of the causes for going to the doctor. The primary pathogenic culprits are recognized to be bacteria, papillomaviruses, *Trichomonas vaginalis*, and *Candida albicans*.

Search strategy: Using the terms candida and trichomonas, vaginitis, as well as the search engines PubMed and Google Scholar, as well as a visit to the websites of Iranian traditional medicine journals, Iran Doc, relevant papers were gathered for this common review study. The impacts of bacterial, viral, parasitic, and fungal vaginitis were retrieved after careful examination of the papers.

Results: Although vaginitis can occasionally go away on its own, it's critical to understand the causes and consequences of this condition because it can have a significant impact on a woman's ability to conceive and carry a child, as well as the health of the fetus. Pregnant women should prioritize early detection of vaginitis and prompt, appropriate treatment. When these infections are not treated promptly and appropriately, it can result in major side effects like pelvic inflammatory diseases, infertility, chronic pelvic pain, preterm birth, cervical cancer, and finally fetal complications and both maternal and fetal death.

Conclusion: it is critical for expectant mothers to receive an early diagnosis of vaginitis and prompt treatment for the infection. Failure to do so can result in serious complications like pelvic inflammatory diseases, infertility, chronic pelvic pain, preterm birth, cervical cancer, and ultimately fetal complications and the death of both the mother and the fetus.

Keywords: trichomonas vaginalis, candida, papillomaviruses, vaginitis

تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر تأخیر در فرزندآوری در زنان شرق استان گلستان

عابد نوری^۱، مهین ادیب^۲

۱. دکتری تخصصی (PhD) مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان - موسسه آموزش عالی سلامت گنبد کاوس

۲. کارشناس ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان - موسسه آموزش عالی سلامت گنبد کاوس

مقدمه: شناخت عوامل مؤثر در افزایش فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد برای جامعه و سیاست‌گذاران اهمیت دارد، زیرا تأخیر در تولد اولین فرزند در بستر کاهش باروری، افزایش می‌یابد و زمینه استمرار کاهش باروری را فراهم می‌آورد. از این رو اگر افزایش تأخیر در تولد فرزند اول به واسطه‌ی جبران تعداد فرزندان دلخواه در سال‌های آینده، تأثیری روی باروری کل نداشته باشد، باعث بروز تفاوت‌هایی در میزان‌های باروری مقطعی می‌شود؛ این مطالعه به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر تأخیر در فرزندآوری در زنان ساکن شرق استان گلستان می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و جامعه آماری زنان همسر دار ۱۵-۳۵ ساله ساکن شرق استان گلستان در سال ۱۴۰۱ به تعداد ۶۲۱ نفر بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ساختمان با آلفای کرونباخ ۰/۸۶ توسط کارشناس ماما جمع‌آوری گردید. جهت آنالیز داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ۲۲ و آزمون‌های رگرسیون خطی و ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن استفاده گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۲۷/۹۵ با انحراف معیار ۴/۲۵ سال و میانگین سن ازدواج زن، ۲۳/۰۱ با انحراف معیار ۴/۱۵ سال بود. میانگین زمان اقدام به اولین بچه‌دار شدن ۵/۰۱ با انحراف معیار ۱/۳۳ سال بعد از ازدواج بود. میانگین نمره تمایل به تأخیر در فرزندآوری ۳/۴۶ با انحراف معیار ۰/۶۶ بود. در بین متغیرهای مستقل بیشترین میانگین مربوط به عوامل اقتصادی با نمره ۳/۸۲ بود. ۷۲ درصد شرکت‌کننده‌ها موافق تأثیر عوامل اقتصادی در تأخیر فرزندآوری بودند. بین سن افراد با شاخص کلی تمایل به تأخیر همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت، به طوری که با افزایش سن و درآمد شاخص کلی تمایل به تأخیر افزایش می‌یافت.

نتیجه‌گیری: یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که تأثیر شرایط اقتصادی در افزایش میزان به تأخیر انداختن تولد فرزند اول و بالتبع کاهش باروری فعلی جامعه، به مراتب بیشتر از شرایط اجتماعی می‌باشد. بنابراین برای کاهش فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند در برنامه‌ریزی‌ها، باید به عوامل اقتصادی و همچنین اجتماعی (فرهنگ‌سازی) بیشترین توجه را نمود.

واژه‌های کلیدی: عوامل اقتصادی - عوامل اجتماعی - تأخیر در فرزندآوری - شرق استان گلستان

۱. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مراقب سلامت، مدیریت آموزش و پرورش شهرستان آق قلا، گلستان، ایران
۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزش، کارشناس سلامت و تربیت بدنی آموزش و پرورش شهرستان آق قلا، گلستان، ایران
۳. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، مراقب سلامت، مدیریت آموزش و پرورش شهرستان گناباد، خراسان رضوی، ایران

مقدمه: مسئله رشد جمعیت یکی از مهمترین مسائل پیشروی کشورهای در حال توسعه است. رشد جمعیت از عناصر بنیادی در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شمرده می‌شود بطوریکه جمعیت و تحولات آن (که ناشی از برآیند تغییر دگرگونی عوامل شکل دهنده آن است)، محور همه سیاستگذاری‌های کلان است و غفلت از آن، پیامدی جز نابسامانی در ساحت‌های مختلف جامعه نخواهد داشت. این تحولات متأثر از عوامل گوناگونی هستند که هر کدام فراز و نشیب‌هایی را برای جمعیت تولید می‌کنند لذا مطالعه با هدف، بررسی مروری بر عوامل مؤثر بر رشد جمعیت در ایران انجام شد.

روش جستجو: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری بود که عوامل مرتبط بر جمعیت در ایران تا سال ۱۴۰۱ بررسی شد برای دستیابی به مقالات مربوطه در پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus, Google scholar, Magiran, SID, Scindirect, Pubmed و با استفاده از کلمات کلیدی "رشد جمعیت، ایران، عوامل مؤثر" مورد جستجو قرار گرفت. هیچ محدودیتی در شهر انجام مطالعه، جامعه مورد مطالعه (شهری، روستایی، اقلیت قومی و مذهبی) لحاظ نشد. جهت ارزیابی کیفیت مقالات در ابتدا عناوین و چکیده مقالات ارزیابی شد و معیارهای واجد شرایط بودن آن‌ها بررسی شد.

یافته‌ها: در نتیجه جستجوی اولیه ۱۵۰ مقاله وارد مطالعه شدند که بعد از حذف مقالات تکراری ۲۸ مقاله تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که در سال‌های اخیر رشد جمعیت، تحت تاثیر عوامل بسیاری قرار گرفته است که مجموعه عوامل اقتصادی بیشترین تاثیر را بر رشد جمعیت داشته است و مجموعه عوامل فرهنگی و اجتماعی، زیرساختی و امکانات و محل جغرافیایی در جایگاه‌های بعدی هستند. علاوه بر این زیرمعیارهای مانند سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، دینداری، تبه‌شغلی، قومیت، سن ازدواج، نگرش والدین، خانواده‌گرایی و دسترسی به روش‌های پیشگیری از بارداری، اپیدمی کووید ۱۹، وضعیت تاهل زنان، اضطراب زوجین، ناباروری، فرهنگ جامعه، عوامل محیطی، افزایش رفاه و آموزش زنان و تغییر نگرش، تمایل به نگهداری حیوانات خانگی دارای بیشترین وزن در بین زیرمعیارها داشتند.

نتیجه‌گیری: جوانی جمعیت شاخصی است که باید در برنامه‌ریزی‌های کشور مدنظر مسئولان ذیربط قرار گیرد تا در آینده کشور با آسیب کمتری از پیامدهای کاهش جمعیت و سالخوردگی ناشی از آن مواجه شود. سیاست‌های مناسب دولت باید مبتنی بر تامین امنیت شغلی زنان در صورت بارداری و ثبات اقتصادی باشد تا احساس امنیت برای فرزندآوری زوج‌ها و برنامه‌ریزی برنامه‌های حمایتی ایجاد شود.

واژه‌های کلیدی: عوامل مؤثر، جمعیت، ایران

مریم نیک پور^۱، فاطمه غلامی^۲، ثریا قادی^۳، طاهره منفرد نیاکی^۴، عذرا بابکی^۵

۱. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل
۲. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۳. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۴. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۵. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

مقدمه: قصد فرزندآوری همان انتخاب افراد برای داشتن فرزند است. قصد فرزندآوری به عنوان متغیری اساسی در رفتار باروری شناخته شده است. لذا این مطالعه مروری با هدف تعیین قصد و عوامل موثر بر فرزندآوری در زنان ایرانی انجام شده است.

موارد و روش ها: این مطالعه بصورت مروری سیستماتیک با جستجو در پایگاههای اطلاعاتی 'پایگاه مجلات تخصصی نور'، 'بانک مطالعات نشریات کشور'، 'پرتال جامع علوم انسانی'، 'مرکز مطالعات علمی جهاد دانشگاهی' با کلید واژه های 'قصد فرزندآوری'، 'قصد باروری'، 'فرزندآوری' و 'باروری' انجام شد. و کلیه مقالات به زبان فارسی مرتبط با فراوانی قصد و عوامل موثر بر فرزندآوری در زنان ایرانی تا ۳۰ فروردین ۱۴۰۱ جستجو و استخراج شدند.

نتایج: در ابتدا ۷۴۷۴ مطالعه از پایگاههای مختلف استخراج شدند. مطالعات تکراری، غیرمرتبط و عدم دسترسی به متن کامل حذف و در انتها ۷ مقاله با ۴۵۴۳ نمونه انتخاب شدند. فراوانی قصد فرزندآوری در ۴۵۴۳ زن ایرانی از ۷ مطالعه، در مجموع ۵۹.۲۵ درصد بود که در زنان بدون فرزند ۹۶.۹ درصد، با یک فرزند ۷۶.۳ درصد، با دو فرزند ۲۹.۷۵ درصد و با سه فرزند و بیشتر ۶.۹ درصد بود. نتایج این مطالعه مروری نشان داد که عواملی چون تعداد فرزندان، سن مادر، تحصیلات مادر، امنیت اقتصادی اجتماعی، نگرش برابری جنسیتی، کیفیت زندگی زنانشویی، جهت گیری مذهبی بر قصد فرزندآوری تاثیر معنی داری داشته است.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که اکثر زنان ایرانی بدون فرزند، و دارای یک فرزند عمدتاً قصد فرزندآوری دارند، اما باروری خود را به تاخیر می اندازند. فراهم شدن شرایط مطلوب برای فرزندآوری در کشور موجب افزایش قصد و گرایش به فرزندآوری می شود.

کلمات کلیدی: قصد فرزندآوری، فرزندآوری، باروری، زنان ایرانی

شیوا جگر گوشه^۱، رویا نیکجو^{۲*}

۱. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران
۲. گروه مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

مقدمه: ناباروری به معنای ناتوانی در بارداری پس از یک سال مقاربت منظم بدون استفاده از روش های جلوگیری تعریف شده است. شیوع جهانی ناباروری ۰/۹ درصد است. علل ناباروری و شیوع آن ها شامل علل اصلی از قبیل نقایص یا اختلال عملکرد اسپرم (۳۰ درصد)، نارسایی در تخمک گذاری (۲۵ درصد)، آسیب عفونی لوله های رحمی (۲۰ درصد)، نازایی بدون توجیه (۲۵ دصد)، آندومتریوز (۵ درصد)، مقاربت نادرست یا بدون تداوم (۵ درصد)، نقص یا اختلال عملکرد موکوس سرویکس (۰/۰۳) و ناهنجاری های رحمی مانند فیبروم می باشد. درسال های اخیر روش های تشخیص و درمان نازایی در طب نوین پیشرفت های چشمگیری داشته است اما به کارگیری این درمان ها نیازمند بررسی های کارشناسانه از منظر روانشناسی و جامعه شناسی است تا آثار و تبعات منفی اجتماعی در پی نداشته باشد به همین دلیل در این مطالعه سعی بر آن است که به درمان ناباروری در طب مکمل در قالب مروری پرداخته شود.

روش جستجو: این مقاله یک مطالعه مروری است اطلاعات بر اساس جستجو در مقالات بالینی منتشر شده در پایگاه های داده های علمی نظیر جهاد دانشگاهی، سیلویکا، pubmed و google scholar بدون محدودیت زمانی با استفاده از کلمات کلیدی صورت گرفته است. در نهایت داده های گردآوری شده تحلیل، مقایسه و نتیجه گیری شده است.

یافته ها: درمان طب مکمل روش های مختلفی مانند اصلاح مزاج، تغذیه و سبک زندگی سالم، بادکش و حجامت و... همچنین گیاهان متنوعی بر اساس خاصیت درمانی منحصر به فرد خود در درمان ناباروری ذکر شده اند که در این مطالعه تعداد متعددی از گیاهان و نحوه استفاده از آنها ذکر شده است که عبارتند از: سیر، بابونه آلمانی، زردچوبه، فلفل، زعفران، دانه شوید، پنج انگشت و رازیانه، شاهتره، مرزنجوش، دانه هویج و گیاهان سیاه، بومادران، پنجه گربه.

نتیجه گیری: به طور کلی میتوان نتیجه گرفت که به دلیل تاثیرات منفی داروهای شیمیایی موثر در درمان ناباروری و کم بودن موفقیت های سایر روش ها و تهاجمی بودن آن، به کار بردن طب مکمل در درمان ناباروری به دلیل عارضه و هزینه کم و در دسترس بودن و غیر تهاجمی بودن پیشنهاد میگردد؛ لذا همکاری بین متخصصان طب سنتی و زنان وزایمان را می طلبد.

واژه های کلیدی: طب مکمل، ناباروری، گیاه درمانی

Effects of aromatherapy with *Rosa damascena* on nulliparous women's pain and anxiety of labor during first stage of labor



Sepideh Hamdamian* ^۱, Soheila Nazarpour ^۲, Masoumeh Simbar ^۳, Sepideh Hajian ^۴, Faraz Mojab ^۵, Atefeh Talebi^۶

۱. MSC Midwifery of North khorasan University of Medical Sciences. Bojurd. Iran.
۲. Professor, Midwifery and Reproductive Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Tehran. Iran
۳. Professor, Midwifery and Reproductive Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Tehran. Iran
۴. Professor, Midwifery and Reproductive Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Tehran. Iran
۵. Professor, Department of Pharmacognosy, Faculty of Pharmacy, Pharmaceutical Sciences Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Tehran. Iran
۶. PhD of biostatistics. Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Tehran. Iran

Abstract

Introduction: Reducing labor pain and anxiety is one of the most important goals of maternity care. This study aimed to assess the effects of aromatherapy with *Rosa damascena* on pain and anxiety in the first stage of labor among nulliparous women.

Material and methods: This was a randomized clinical trial of 110 nulliparous women. The eligible participants were randomly assigned to two groups of aromatherapy and control in an Iranian maternity hospital. The participants received 100 mL of *Rosa damascena* essence in the aromatherapy group and 100 mL of normal saline in the control group, every 30 min. Pain was measured 3 times, once each at three stages of cervical dilation (4-5, 6-7, and 8-9 cm). Anxiety was measured twice, once each at two stages of cervical dilation (4-5 and 8-9 cm). The tools for data collection were the Spielberger anxiety questionnaire, numerical pain rating scale, demographic and obstetric questionnaire, and an observational checklist. Data analyses included the *t*-test, Mann-Whitney *U* test and Chi-square test. Severity of labor pain and severity of anxiety were used as primary outcome measures. Labor and delivery characteristics (including number of contractions, duration of contractions in second stage, Bishop score, augmentation by oxytocin, Apgar score, and mode of delivery), demographic characteristics, and fertility information were used as secondary outcome measures.

Results: Pain severity in the group receiving aromatherapy with *R. damascena* was significantly lower than in the control group after treatment at each pain assessment (cervical dilation of 4-5, 6-7, and 8-9 cm; $P < 0.05$). Anxiety levels were also significantly lower in the treatment group than in the control group after treatment at each time of measurement (cervical dilation of 4-5 and 8-9 cm; $P < 0.05$).

Conclusion: Aromatherapy with *R. damascena* reduced the severity of pain and anxiety in the first stage of labor. Aromatherapy with *R. damascena* is a convenient and effective method for pain and anxiety reduction during the first stage of labor.

Keyword: aromatherapy, *Rosa damascena*, pain, anxiety, labor

موانع و تسهیل کننده های زایمان پیش بیمارستانی:

تجربه پرسنل فوریت های پزشکی

سلام وطن دوست^۱، سیروان عباسی قوچم^۲، سارینا رشیدی^۳

۱. مرکز تحقیقات مراقبت بالینی، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران
۲. مرکز تحقیقات مراقبت بالینی، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران
۳. بیمارستان کوثر، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

مقدمه: با توجه به اینکه در ایران پرسنل فوریت های پزشکی اکثریت مذکر هستند یکی از ماموریت های مهم و متفاوت آن ها ماموریت زایمان پیش بیمارستانی می باشد و می تواند با چالش های بیشتری برای پرسنل و بیمار همراه باشد. از این رو جهت دستیابی به داده های عمیق و واقعی مطالعه ی حاضر با هدف تبیین موانع و تسهیل کننده های ماموریت خارج بیمارستانی بر اساس تجربه پرسنل فوریت های پزشکی انجام شد.

یافته ها: همه ی مشارکت کنندگان دارای جنسیت مذکر، بازه سنی بین ۲۴ تا ۴۱ سال و دارای تجربه بین یک تا شش ماموریت زایمان بودند. نتایج دارای در بخش موانع شامل دو طبقه اصلی "موانع جنسیتی" و "موانع پرسنلی" بود. همچنین "ارتباط مناسب" و "تلاش برای حفظ حریم" طبقات اصلی تسهیل کننده ها را تشکیل دادند.

مواد و روش: مطالعه با روش کیفی و با رویکرد انالیز محتوای مرسوم در سال ۲۰۲۳ انجام شد. مشارکت کنندگان با روش نمونه گیری هدفمند از پرسنل فوریت های پزشکی متمایل به شرکت در مطالعه و تجربه مأموریت منجر به زایمان انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند عمیق کسب با مشارکت ۱۴ نفر داده ها به اشباع رسید. دقت و اعتبار داده ها بر اساس شاخص Lincoln & Guba تایید شد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان داد که تفاوت جنسیت ارائه دهنده و گیرنده خدمت، موانع مربوط به پرسنل به خصوص عدم تجربه و مهارت کافی پرسنل مانع جدی در زایمان های پیش بیمارستانی می باشند. با توجه به عوامل تسهیل کننده که نقش مثبت برقراری ارتباط مناسب بین پرسنل با بیمار و خانواده بیمار را نشان می دهد و همچنین تلاش حداکثری برای حفظ حریم بیمار از طریق مواردی از قبیل ایجاد خلوت، با استفاده از همراه با جنسیت همسان با بیمار تا حد امکان پیشنهاد می شود از این راهکارهای مثبت برای کاهش موانع استفاده شود تا فرآیند زایمان پیش بیمارستانی با استرس کمتر برای بیمار، خانواده و همچنین پرسنل ارائه دهنده خدمت انجام شود.

سندھ کے علمی و ادبی مراکز اور تنظیموں کی مدد سے
جمعیت ماہرین، آئندہ مطمئن
میں سہ ماہی اور ماہی پروری اور
دوسرے شعبوں کے ماہرین اور ماہرات

رسانہ، ہوش مصنوعی و فناوری های نوین و جمعیت

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery

کاربرد هوش مصنوعی در مطالعات جمعیت‌شناسی

نصیبه اسمعیلی

• استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده:

امروزه استفاده از هوش مصنوعی به عنوان یک رویکرد نوین و قدرتمند در تحلیل مسائل جمعیتی مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار گرفته و جایگاه جمعیت‌شناسی را در شناخت عمیق‌تر پدیده‌های جمعیتی ارتقاء بخشیده است. یکی از دلایل این موضوع، توسعه ریاضیات و تولید نرم‌افزارها و پردازنده‌های قوی در این حوزه بوده است. استفاده از هوش مصنوعی در جمعیت‌شناسی به کاربرد تکنیکها و الگوریتمهای هوشمند در تجزیه و تحلیل داده‌های جمعیتی، پیش‌بینی روند تغییرات جمعیت و درک پویایی‌شناسی جمعیت شتاب قابل توجهی بخشیده است که این موضوع خود فرصتهای جدیدی را برای جمعیت‌شناسان فراهم می‌نماید. هوش مصنوعی با استفاده از الگوریتم‌ها و مدل‌های پیشرفته، امکان تحلیل داده‌های جمعیتی بزرگ و پیچیده را فراهم نموده و به محققان کمک می‌کند تا الگوها و روندهای جمعیتی را با دقت بیشتر پیش‌بینی و تحلیل نمایند. از کاربردهای مهم هوش مصنوعی در جمعیت‌شناسی، پیش‌بینی رشد جمعیت با استفاده از شبکه‌های عصبی و الگوریتم‌های یادگیری ماشین است. با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، می‌توان با دقت قابل قبولی رشد جمعیت را در آینده پیش‌بینی نموده و از نتایج آن در برنامه‌ریزی منابع و خدمات عمومی در سطح کلان سیاست‌گذاری‌ها بهره برد. همچنین، این ابزار قدرتمند میتواند در تحلیل الگوهای جمعیتی و شناخت روابط بین عوامل مختلف مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. با استفاده از این الگوریتم‌های هوشمند و فرا ابتکاری میتوان داده‌های مربوط به سن، جنس، تحصیلات و سایر ویژگیهای جمعیتی را تحلیل کرده و درک بهتری از روابط و الگوهای موجود بین این عوامل به دست آورد. هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف جمعیت‌شناسی نظیر: پیش‌بینی رشد جمعیت، الگوهای مهاجرت، باروری، ازدواج، سالخوردگی، تجزیه و تحلیل تاثیر رسانه‌های اجتماعی بر تغییرات جمعیتی، تجزیه و تحلیل سلامت و مرگ و میر و یکپارچه‌سازی و مدلسازی داده‌ها استفاده شده است. در نهایت استفاده از هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار ریاضی و مبتنی بر ساختارهای برنامه نویسی جهت رویت نتیجه یک سیاست جمعیتی و خروجی آن مبتنی بر پیش‌بینی‌های دقیق و بلند مدت می‌تواند به عنوان یک تابلوی اولیه با کاهش میزان ریسک، اطمینان سیاست‌گذاران را در برنامه‌هایی که ارائه می‌دهند افزایش دهد.

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، مطالعات جمعیتی، الگوریتم‌های هوشمند و فرا ابتکاری، پیش‌بینی

Designing and implementing team or co-teaching to increase achievement in learning English for special purposes in midwifery students at the MSc level: A qualitative study



Mostafa Amiri^{1*} and Narjes Bahri Binabaj²

- ¹. PhD in Teaching English as a Foreign Language (TEFL), Department of General Courses, School of Medicine, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran, also, Department of English Language and General Courses, School of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.
- ². PhD in Reproductive Health, Department of Midwifery, School of Medicine, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran.

Introduction: The English for special purposes (ESP) materials at the MSc level at universities include textbooks and articles. The content is presented in English and mostly taught by lecturers in the same field. At some universities, the job is sometimes assigned to English language lecturers, but in some universities, the course is divided between someone experienced in the field of teaching English and somebody specialized in the content. However, the cooperation of two lecturers in teaching the materials together simultaneously has not received any attention. The study presents an ESP course in midwifery at the MSc level via a co-teaching procedure by a lecturer majoring in midwifery and another one majoring in the English language.

Method of Evaluation: An ESP course for midwifery students was co-taught by two lecturers, one specialized in midwifery, and the other one specialized in teaching English. An article was assigned to the students to read critically. They were required to attend classes and discuss the content paragraph by paragraph. If the students had difficulty understanding the content, the lecturer who specialized in the content would help them. If the problem was related to the structure, the English lecturer would assist. The course continued for 12 sessions, and the students were interviewed regarding the kind of teaching during each session orally and at the end of the course orally and in written form.

Results: The results of the interviews were transcribed and four important themes emerged, namely, overall satisfaction, the understanding of the content, lecturers' cooperation, and new experience. The themes showed that the students' impressions and attitudes were positive regarding co-teaching, and they approved of the procedure. They stated that it was quite a new experience through which they were able to grasp the content easily while they had two lecturers in class at hand at the same time, something which they had never experienced before.

Conclusion: It is recommended that our educational system and lecturers accept group or co-teaching and use it in ESP courses. In co-teaching, each lecturer plays his role and maintains his reputation. Co-teaching creates an atmosphere that helps learners overcome obstacles in learning and understanding the content as the language lecturer can solve their problems with English, and the specialized lecturer helps them with the specialized content.

Keywords: Co-teaching, English lecturer, ESP courses, Midwifery

چکیده

سالخوردگی جمعیت به معنی افزایش میانه جمعیتی به دلیل کاهش نرخ باروری یا افزایش امید به زندگی در جمعیت یک منطقه است. اکثر کشورها امید به زندگی و سالخوردگی جمعیت را افزایش داده‌اند (روندهایی که برای اولین بار در کشورهای توسعه یافته پدید آمده‌است و اکنون تقریباً در همه کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود). این موضوع در مورد تمام کشورها در جهان به جز ۱۸ کشور صادق است. آن ۱۸ کشور توسط سازمان ملل به عنوان «مناطق دموگرافیک» تعیین شده‌اند. جمعیت مسن در حال حاضر در بالاترین سطح خود در تاریخ بشر است. سازمان ملل میزان پیر شدن جمعیت را در قرن بیست و یکم فراتر از قرن گذشته پیشبینی می‌کند. تعداد افراد ۶۰ ساله و بالاتر از سال ۱۹۵۰ به سه برابر رسیده‌است. این عدد در سال ۲۰۰۰ به ۶۰۰ میلیون نفر و در سال ۲۰۰۶ از ۷۰۰ میلیون نفر رسید. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت سالمندان و سالمندان پزشکی تا سال ۲۰۵۰ به ۲٫۱ میلیارد نفر برسد کشورها از نظر میزان و سرعت پیری بسیار متفاوت هستند و سازمان ملل متحد پیشبینی می‌کند که جمعیت‌هایی که بعداً پیر خواهند شد، زمان کمتری برای انطباق با پیامدهای آن داشته باشند. کانادا بالاترین نرخ مهاجرت سرانه در جهان را دارد که بخشی از آن برای مقابله با پیری جمعیت است. مؤسسه سی.دی.هاو، که یک اتاق فکر محافظه کار است، پیشنهاد کرده‌است که مهاجرت نمی‌تواند به عنوان یک روش مناسب برای مقابله با پیر شدن جمعیت استفاده شود. این نتیجه‌گیری در پژوهش‌های سایر دانشمندان نیز مشاهده می‌شود. جمعیت‌شناسانی چون پیترو مک دونالد و ربکا کیپن اظهار داشتند: «وقتی میزان باروری به زیر سطح جایگزینی می‌رود، سطح بالایی از مهاجرت خالص سالانه برای حفظ هدف رشد جمعیت صفر جمعیت لازم خواهد بود.» نهاد جمعیت‌شناسی بین‌رشته‌ای هلند (NIDI) مسئله را اینگونه شرح می‌دهد: «بیشتر کودکانی که امروز در کشورهای توسعه یافته متولد می‌شوند ممکن است ۹۰ سالگی یا حتی ۱۰۰ سالگی خود را جشن بگیرند. در عین حال، تعداد نوزادان متولد شده بسیار پایین‌تر از «سطح جایگزینی» ۲٫۱ کودک به ازای هر زن است. در نتیجه جوامع به سرعت پیر می‌شوند.»

کلمات کلیدی: پدیده پیر شدن، جامعه، جامعه صنعتی، جمعیت، جمعیت جهان، حکومت، خانواده، مشکلات اقتصادی

بهبود تشخیص بیماری با استفاده از یادگیری ماشین و

داده‌های چندوجهی سلامت

حامد جمالی وحید^۱، حمزه وحیدی فر^۲، مهدی جمالی وحید^۳

۱. دانشگاه صنعتی شاهرود

۲. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

۳. بهزیستی جاجرم

مقدمه: تشخیص دقیق و زودهنگام بیماری‌ها در حوزه سلامت اهمیت بسیاری دارد. استفاده از هوش مصنوعی و داده‌های چندوجهی سلامت به عنوان ابزارهای پیشرفته‌ای برای بهبود تشخیص بیماری‌ها مطرح شده است. این رویکرد با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی مانند یادگیری ماشین و شبکه‌های عصبی، داده‌های متنوع سلامت را تجزیه و تحلیل می‌کند و الگوها و روابط مهم بین فاکتورهای مختلف را شناسایی می‌کند. این روش قادر است به صورت دقیق و سریع بیمارانی را که در خطر بیشتری از بیماری مورد نظر هستند، شناسایی کرده و اقدامات پیشگیرانه و درمانی را بهبود بخشد. همچنین، این رویکرد می‌تواند به پیش‌بینی نتایج درمانی و تعیین رژیم‌های درمانی شخصی‌سازی شده کمک کند.

مواد و روش‌ها: داده‌های چندوجهی سلامت از منابع مختلفی مانند پرونده الکترونیک سلامت، دستگاه‌های پوشیدنی و سیستم‌های اطلاعات بیمارستانی جمع‌آوری می‌شوند. این داده‌ها شامل اطلاعات بالینی، نتایج آزمایش‌ها، سوابق درمانی و سایر عوامل مرتبط با سلامتی بیماران است. با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی مانند یادگیری ماشین و شبکه‌های عصبی، داده‌ها تحلیل و الگوها و روابط بین عوامل مختلف شناسایی می‌شوند. در این پژوهش از مجموعه داده‌های بیماران سرطان سینه استفاده شده است.

یافته‌ها: استفاده از هوش مصنوعی و داده‌های چندوجهی سلامت منجر به بهبود قابل توجهی در تشخیص بیماری‌ها می‌شود. این روش قادر است به صورت دقیق و سریع بیمارانی را که در خطر بیشتری از بیماری مورد نظر هستند، شناسایی کند و تشخیص زودهنگام را فراهم کند. علاوه بر این، این روش بهبود در پیش‌بینی نتایج درمانی و تعیین رژیم‌های درمانی شخصی‌سازی شده نیز به همراه دارد.

نتیجه‌گیری: با استفاده از هوش مصنوعی و داده‌های چندوجهی سلامت، تشخیص بیماری‌ها می‌تواند بهبود قابل توجهی را در حوزه سلامت و درمان ایجاد کند. این روش قابلیت تشخیص دقیق‌تر، تشخیص زودهنگام‌تر و توصیه‌های درمانی شخصی‌سازی شده را فراهم می‌کند که می‌تواند به بهبود نتایج درمان، کاهش خطاها و بهبود کیفیت خدمات سلامتی منجر شود.

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، داده‌های چندوجهی سلامت، تشخیص بیماری، یادگیری ماشین

Reducing post-pregnancy mortality based on artificial intelligence: A systematic review



Golnar Ghane^١, Amir Mohammad Chekeni^٢, Fatemehzahra Vafaeinezhad^٣

١. PhD in Nursing, Assistant Professor, Medical Surgical Department, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

٢. dent, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

٣. MSc student in Medical-Surgical Nursing, Department of Medical-Surgical Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran,

Introduction: Pregnancy has its natural physiological path for a healthy baby to have its life started. However, when this path is discontinued due to a stillbirth, it may impact negatively on the quality of life of all individuals related to the misfortune, involving physical, psychological, economic and/or social aspects. In ٢٠٢٠, an estimated two million pregnancies were not completed due to stillbirths. proposed by the Organization of the United Nations (UN) predicts the reduction of neonatal mortality and mortality of children under ٥ years of age in its Sustainable Development Goals (SDGs). public policies for maternal and child health are essential to prevent these deaths. Recent studies demonstrate that Artificial Intelligence (AI), particularly through machine learning and deep learning models, offers considerable potential to predict prematurity, birth weight, mortality, hypertensive disorders, postpartum depression, among others. The aim of this study is to systematically investigate the use of artificial intelligence in reducing post-pregnancy mortality.

Search strategy: A review was conducted independently by two individuals based on PICO criteria and aligned with the research aim using Google Scholar, PubMed, CINAHL, Medline, Web of Science and SID databases and Boolean operators. The time limitation was set between ٢٠١٨ and ٢٠٢٣, using the MESH keywords "post-pregnancy", "mortality", and "Artificial Intelligence". After checking the inclusion and exclusion criteria and critically evaluating the quality of the selected articles, a total of ٨ articles were included in the study.

Results: The findings indicated that the use of predictive models to estimate the risk of stillbirth may benefit women during prenatal testing. Computational models are offered as a low-cost (implementation and maintenance) but high-accuracy solution, especially for low- and middle-income countries, as such solutions can be available online. Also, the findings indicate that artificial intelligence plays an important role in decision-making in order to improve the final result of interventions, save diagnosis time, reduce treatment costs and the physical and mental complications of the mother in post pregnancy mortality.

Conclusion: Conclusion: Artificial intelligence in medicine has gained a lot of momentum in the last decades and has been applied to various fields of medicine. AI-based tools are poised to become valuable assets with abilities to support and aid in reducing post-pregnancy mortality, and in improving the accuracy of patient care. Due to its feasible operational cost, utilizing AI to assist medical professionals during and after pregnancy has shown to be a powerful ally for enhancing both public health and the quality of prenatal care. Building trust and developing infrastructures is the solution to use more artificial intelligence in the reducing post-pregnancy mortality.

KeyWords: Post-pregnancy, Mortality, Artificial Intelligence, Deep learning

s: Post-pregnancy, Mortality, Artificial Intelligence, Deep learning

New ways to diagnose infertility: A systematic review on the use of artificial



Golnar Ghane^۱, Amir Mohammad Chekeni^۲

۱- PhD in Nursing, Assistant Professor, Medical Surgical Department, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

۲- .Nursing Student, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Introduction: Infertility is a global health issue affecting women and men of reproductive age with increasing incidence worldwide. Over the past few decades, there have been significant advances in infertility, particularly in the development of novel diagnostic tools. An effective and new way has been the use of Artificial Intelligence (AI) in the diagnosis of infertility. Advances in computer science, medical informatics, robotics, and the need for personalized medicine have facilitated the role of artificial intelligence in modern healthcare. In this study, we systematically examine new methods for diagnosing infertility using artificial intelligence.

Search strategy: A review was conducted independently by two individuals based on PICO criteria and aligned with the research aim using Google Scholar, PubMed, CINAHL, Medline, Web of Science and SID databases and Boolean operators. The time limitation was set between ۲۰۱۰ and ۲۰۲۳, using the MESH keywords " Diagnosis", "Infertility", and "Artificial Intelligence". After checking the inclusion and exclusion criteria and critically evaluating the quality of the selected articles, a total of ۱۰ articles were included in the study.

Results: The results of studies have shown that artificial intelligence is used in many diagnostic methods, such as ultrasound monitoring of folliculogenesis, endometrial receptivity, embryo selection based on quality and viability, and prediction of post implantation embryo development, in order to eliminate potential contributing risk factors. Oocyte morphology assessment is highly relevant in terms of successful fertilization rate, as well as during oocyte freezing for fertility preservation, and substantially valuable in oocyte donation cycles. AI has great implications in the assessment of male infertility, with computerized semen analysis systems already in use and a broad spectrum of possible AI-based applications in environmental and lifestyle evaluation to predict semen quality.

Conclusion: Artificial intelligence in medicine has gained a lot of momentum in the last decades and has been applied to various fields of medicine. AI-based tools are poised to become valuable assets with abilities to support and aid in diagnosing and treating infertility, and in improving the accuracy of patient care. AI will not replace human presence, but it will help with making the decision process in order to improve the final outcome and save time in the infertility treatment; also, it reducing the costs of the treatment. Building trust and developing infrastructures is the solution to use more artificial intelligence in the diagnosis of infertility.

KeyWords: Diagnosis, Infertility, Artificial Intelligence

Methods of artificial intelligence's contribution to achieving sustainable population growth: a systematic review

Hajimirza Arefe^۱, Naghavi Alhosseini^۲, Shima Sadat^۳

۱- Student committee of medical education development, education development center, Qazvin university of medical science, Qazvin, Iran.

۲- Student committee of medical education development, education development center, Qazvin university of medical science, Qazvin, Iran.

Introduction: Population decline is an alarming phenomenon that causes crises in everything from the economy to politics. Some of the most important problems can be mentioned, such as the economic slowdown, increased independence ratio, labor shortages, and strain on social services. Artificial intelligence (AI) has revolutionized vast aspects of our lives, from healthcare to subcultures, and has the potential to help us address these challenges. This article presents a systematic review that explores AI's contribution to achieving sustainable population growth.

Search method: A comprehensive search was conducted using PubMed, Scopus, Cochrane Library, and Web of Science databases. Keywords used in the search included "artificial intelligence," "sustainable population growth," "population management," "environmental sustainability," and "AI applications." The search was limited to January ۲۰۱۰ and August ۲۰۲۳. In our initial search, ۶۰۳ articles were found. After removing duplicate articles, the titles and abstracts were read, irrelevant articles were removed, and ۱۲۲ articles were extracted. The articles were divided into three quality levels. Finally, articles with high and medium quality groups, totaling ۵۴ articles, were included in this review.

Results: The results yield several ways that AI can help achieve population growth:

- healthcare: enhancing healthcare access, diagnosis, treatment, and personalized medicine.
- education platforms that provide information on family planning and reproductive health and train a skilled workforce.
- Analyze data such as birth rates, mortality rates, and fertility rates for policymakers.
- optimize the management of finite and infinite resources
- enhancing disaster response and management
- facilitating smart governance
- urban planning and making smart cities
- agriculture and improving the efficiency of food production
- influencing public opinion
- Climate change mitigation
- promoting economic development in various ways, including creating new jobs.
- encouraging empowering women and girls

Conclusion: In this systematic review, several cases where artificial intelligence can contribute to achieving sustainable population growth were mentioned. However, it is essential to ensure ethical AI implementation, data privacy, and equitable access to technology to avoid exacerbating existing social disparities. Further research and collaboration between policymakers, researchers, and industry stakeholders are crucial for harnessing AI's full potential. Hopefully, these methods will revolutionize population growth.

Keywords: artificial intelligence, sustainable population growth, population management, environmental sustainability, AI application

رسانه، آموزش و زن توانمند

مریم حیدری*

* کارشناس ارشد مامایی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، مجتمع آموزشی، پزشکی و درمانی امام علی (ع)، البرز، ایران

مقدمه: توانمندسازی زنان مقدمه ای لازم برای حضور آنها در جریان توسعه و ایجاد جمعیت پایدار است. یکی از مهمترین گام های اساسی برای دستیابی در کسب جایگاه واقعی زنان در فرآیند توسعه، استفاده از رسانه برای آموزش و ایجاد فرهنگ سازی درست و اساسی است که می تواند تعاریف درستی از رفاه، برابری، کارآیی، فقرزدایی و توانمندسازی این قشر ارزشمند را فراهم کند.

روش کار: در این مطالعه مروری سیستماتیک جهت یافتن مقالات مرتبط بانک های اطلاعاتی معتبر علمی نظیر PubMed, SID, Web of Science, Magiran, Google Scholar و با استفاده از کلمات کلیدی مرتبط جستجو انجام شد.

یافته ها: از آنجا که زنان نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می دهند، رسانه قادر است شکاف های موجود را با افزایش آگاهی پر کند و نسلی از زنان توانمند و آگاه به نقش و قدرت خود را ایجاد کند. از آنجا که جمعیت هر کشور سرمایه اجتماعی آن کشور است بنابراین با افزایش نسل جوان می توان یکی از ابزارهای اقتدار در کشور را از این طریق کسب کرد. به نظر می رسد با بهبود وضعیت زنان، توان تصمیم گیری آنها در مراحل مختلف به خصوص در ارتباط با زندگی زناشویی و انگیزه تولیدمثل آنها افزایش می یابد. این انگیزه فرزندآوری نقطه شروع و مقدم به خواسته ها، تعداد فرزندان و زمان فرزندآوری می باشد. زنان توانمند با داشتن اعتماد به نفس و تقویت بعد مثبت فرزندآوری خود را آماده پذیرش نقش و مسئولیت مادری می کنند و با این دانش نهادینه شده تمام مراحل رشد و نمو فرزندان خود را به درستی مدیریت کرده و باعث انتقال این اندوخته ها به فرزندان خود می شوند و می توانند آنان را نیز آماده پذیرش فرزندان خود در دوران جوانی کنند و به این ترتیب می توان جمعیتی پایدار را انتظار داشت.

نتیجه گیری: توانمندسازی زنان موضوعی حیاتی در دنیای امروز و در تمام جوامع است، به نظر می رسد آموزش از طریق رسانه عامل کلیدی برای توانمندسازی، شکوفایی، توسعه و رفاه زنان است که با ایجاد این قشر توانمند می توان توسعه پایدار جامعه را محقق کرد.

کلید واژه ها: نقش رسانه، زنان توانمند، جمعیت پایدار

سطح سواد رسانه جامعه مقدمه ای بر پیاده سازی راهبردهای جمعیتی

مهدی خان کلابی^۱، علیرضا افشاری^۲، علی مهري^۳، حمید توکلی قوچانی^۴، سکینه رعنائی^۵

۱. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد
۲. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
۳. دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
۴. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
۵. دانش آموخته ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: یکی از موفق ترین راهبردهای توسعه جمعیتی رسانه ها و اثرگذاری آنها بر جامعه می باشد، بطوریکه حجم بالای اطلاعات و دانش به راحتی از طریق شبکه های اطلاعاتی در سطح جامعه مبادله می شود. برای اینکه رسانه ها بتوانند نقش خود را ایفاء کنند، باید افراد جامعه در کنار بهره گیری آگاهانه و فعالانه از این رسانه ها خود را در برابر چالش ها و پیامدهای مخرب آن ها نیز محافظت کنند که نیازمند سطح سواد رسانه بالای جامعه می باشد. لذا این پژوهش با هدف تعیین سطح سواد رسانه افراد و برخی عوامل مرتبط با آن در شهر اسفراین انجام گرفت.

مواد و روش ها: پژوهش بصورت تحلیلی - مقطعی بود. که بر روی ۴۰۰ نفر از ساکنین شهر اسفراین انجام گرفت. روش نمونه گیری به صورت غیر احتمالی و در دسترس بود. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته، در دو بخش اطلاعات دموگرافیک و حیطه های سواد رسانه استفاده گردید. جهت ارزیابی روایی از پانل خبرگان و بررسی دو شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) و جهت پایایی پرسشنامه از روش آلفاکرونباخ (جهت سازگاری درونی) و test-retest استفاده گردید. ارتباط بین متغیرها با سواد سلامت از طریق مدل خطی تعمیم یافته (GLM) به انجام رسید. نتایج پس از جمع آوری داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ورژن ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: از ۴۰۰ نفر شرکت کننده در مطالعه ۲۲۳ نفر (۵۵/۸ درصد) مرد بودند و میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۶/۱۹ سال (انحراف معیار = ۱۰/۷۱) بود. همچنین میانگین نمره سواد رسانه شرکت کنندگان ۶۸/۵۳ (انحراف معیار = ۱۱/۴۲) بدست آمد. نمره سواد رسانه ارتباط معناداری با تحصیلات دانشگاهی ($B=۸/۸۳, p<۰/۰۰۱$)، شغل کارمندی ($B=۹/۳۱, p<۰/۰۰۱$)، کسانی که بیش از دوساعت از اینترنت ($B=۸/۹۳, p<۰/۰۰۱$)، و بیش از دو ساعت از شبکه اجتماعی ($B=۷/۸۳, p=۰/۰۰۱$) استفاده می کردند، نشان داد. نتیجه گیری: سطح سواد رسانه افراد از سطح بالایی برخوردار نمی باشد، لذا جهت اثرگذاری بهینه رسانه ها در زمینه راهبردهای توسعه جمعیتی، بهبود و افزایش سطح سواد رسانه افراد جامعه از طریق انجام مداخلات آموزشی ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: سواد رسانه، توسعه جمعیتی، راهبردها

آرش خلیلی^۱، زهره فاتح^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی همدان

۲. دانشگاه علوم پزشکی همدان

مقدمه: هوش مصنوعی به عنوان یکی از فناوری‌های نوین، تأثیر عمیقی بر زندگی انسان‌ها و جوامع داشته است. به تازگی، تعاملات بین هوش مصنوعی و افزایش جمعیت به دلیل پیشرفت‌های تکنولوژیکی در دسترس و تغییرات در الگوهای زندگی جامعه اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در این مقاله مروری، ما به بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر افزایش جمعیت و تعاملات دوسویه آنها می‌پردازیم.

روش کار: در این مطالعه مروری که در سال ۲۰۲۳ انجام شد، کلیدواژه‌های هوش مصنوعی، افزایش جمعیت، تکنولوژی نوین و رشد جمعیت در پایگاه‌های داده داخلی و نیز PubMed, CINAHL, Web of Science, Scopus به منظور بررسی ابعاب تأثیر هوش مصنوعی بر افزایش جمعیت بدون محدودیت زمانی جستجو شدند. مقالات تکراری حذف و سایر مطالعات دارای معیارهای ورود به مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج در سه حیطة گنجانده شد. حیطة اول: تأثیر هوش مصنوعی بر افزایش جمعیت: در زمینه بهداشت، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند با تحلیل داده‌های پزشکی، پیش‌بینی انتشار بیماری‌ها را تسهیل کنند و به مدیران بهداشتی کمک کنند تا منابع را بهینه تخصیص دهند. این امکانات منجر به کاهش نرخ مرگ و میر و بهبود سلامت جمعیت می‌شود که در نهایت می‌تواند به افزایش جمعیت منجر گردد.

بخش دوم: چالش‌ها و مخاطرات: استفاده از هوش مصنوعی در برخی زمینه‌ها می‌تواند به چالش‌ها و مخاطراتی منجر شود که تأثیر مستقیمی بر افزایش جمعیت خواهد داشت. به عنوان مثال، افزایش بهره‌برداری از ربات‌ها و خودروهای خودران ممکن است منجر به از بین رفتن شغل‌های انسانی در برخی صنایع شود. این مسئله می‌تواند منجر به بیکاری افزایش یافته و در نتیجه کاهش درآمد و توانمندی اقتصادی برخی افراد شود که ممکن است تأثیر منفی بر روی نرخ تولد و افزایش جمعیت داشته باشد.

بخش سوم: تعامل هوش مصنوعی و افزایش جمعیت: تعاملات بین هوش مصنوعی و افزایش جمعیت به دلایل مختلفی اهمیت دارد. از یک سو، هوش مصنوعی می‌تواند به بهبود مدیریت منابع و خدمات عمومی کمک کند که بهبود شرایط زندگی جمعیت را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، باید توجه داشت که اثرات هوش مصنوعی بر بخش‌های مختلف اقتصاد و اجتماع می‌تواند تعادل اجتماعی را تخریب کند و در نتیجه تأثیر منفی بر جمعیت داشته باشد.

نتیجه‌گیری: استفاده از هوش مصنوعی در تأثیر بر افزایش جمعیت امری پیچیده است که نیازمند توازن و هماهنگی میان تکنولوژی، اقتصاد، اجتماع و سیاست است. این تعاملات باید با هدف بهبود شرایط زندگی و افزایش سطح سلامت و اقتصاد جامعه صورت گیرد. همچنین، باید از مخاطرات احتمالی همچون بیکاری و عدم تعادل اجتماعی نیز پیش‌بینی و مراقبت شود تا تأثیرات منفی بر جمعیت کاهش یابد.

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، افزایش جمعیت، تکنولوژی، سیاست

A review of the impact of social media on fertility and childbearing intentions of couples



Zahra Rezaei Koopaei ^١, Mahshid Bokaie ^{٢*}

^١- Master's student in Midwifery counseling, School of Nursing and Midwifery, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

^٢- Associate Professor, PhD in Reproductive Health, Research Center for Nursing and Midwifery care, School of Nursing and Midwifery, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

Abstract

Introduction: Demographic changes caused by fertility and childbearing can affect the dimensions of human life and the world around it. The issue of fertility and childbearing is considered one of the most important global events that is influenced by many factors (social, economic, cultural). Media information plays an important role in fertility intentions of couples so that social media can change people's behavior.

Method: Narrative research in medical databases (PubMed, Google Scholar, and SID) with the following keywords in Persian and English equivalents was performed: Social media, fertility intentions, Childbearing. The search was conducted from ٢٠١٠ to ٢٠٢٣ and among ٢٠ relevant articles, after review ^٨ articles were selected.

Results: Social media are considered as a very useful example in the field of technology to expand communication and information. Since social media can be effective in reducing or increasing the population by changing the attitude of couples and then changing their behavior, it is necessary to pay attention to their quality and quantity. In general, women spend more time on social media than men. For this purpose, by empowering women, effective changes can be made in attitude and decision-making regarding fertility and childbearing. Among the benefits of social media, we can mention (empowering women in the field of childbearing, fertility and breastfeeding, increasing self-confidence, sharing feelings and experiences, expressing opinions, asking and answering anonymously and correcting wrong behavior).

Conclusion: Fertility and childbearing is a very important issue in the Lives of couples. Nowadays, due to the fading away of local and face-to-face educational groups, people spend more of their time on social media and acquire a large part of their information in this way. For this purpose, social media should be presented to couples in a format that suits their needs. One of the most important issues in any society is culture, which determines the behavior of the people of that society, which must be observed in the content of media information. The health system, especially the midwifery community, plays an important role in promoting women's health. Therefore, by means of social media and forming groups with people with common characteristics, they can provide information and counseling approaches and become effective in the direction of population growth.

Keyword: Social media, fertility intentions, Childbearing

طیب رمیم^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی ایران

رشد پایدار برای رسیدگی به تغییرات جمعیتی، به ویژه مسئله پیری جمعیت که پیامدهایی برای اقتصاد، مراقبت های بهداشتی و رفاه اجتماعی دارد، بسیار مهم است. دولت ها و سازمان ها در حال توسعه سیاست های چند وجهی برای پاسخگویی به نیازهای متنوع شهروندان، سرمایه گذاری در زیرساخت های مراقبت های بهداشتی و ارتقای نیروی کار سالم و مولد هستند. هوش مصنوعی فرصتی منحصر به فرد برای رسیدگی به چالش های ناشی از پیری جمعیت، بهبود زندگی سالمندان و بهره مندی جامعه را فراهم می کند. استفاده از هوش مصنوعی در خدمات بهداشتی و رفاهی اجتماعی این پتانسیل را دارد که بهبودهای قابل توجهی در کیفیت زندگی افراد ایجاد کند. یکی از روش هایی که می توان از هوش مصنوعی استفاده کرد، از طریق دستگاه های مجهز به هوش مصنوعی است که به طور مداوم بر سلامت افراد نظارت می کنند. این دستگاه ها می توانند علائم حیاتی را ردیابی کنند، بی نظمی ها را تشخیص دهند و در مواقع اضطراری به پرسنل پزشکی هشدار دهند. هوش مصنوعی می تواند به مراقبت های پزشکی به موقع کمک کند و در نتیجه نتایج سلامتی را بهبود بخشد. روش دیگری که هوش مصنوعی می تواند برای مراقبت های بهداشتی مفید باشد، تجزیه و تحلیل داده های پزشکی است. هوش مصنوعی می تواند الگوها را شناسایی کرده و با تجزیه و تحلیل مقادیر زیادی از داده های بیمار، شروع شرایط پزشکی را پیش بینی کند. هوش مصنوعی می تواند به تشخیص و درمان زودهنگام بیماری ها کمک کند و منجر به نتایج سلامت بهتر و کاهش هزینه های مراقبت های بهداشتی شود. همچنین می تواند خدمات بهداشتی و رفاه اجتماعی را با بهینه سازی تخصیص منابع و خودکارسازی وظایف تکراری متحول کند. هوش مصنوعی می تواند منجر به نتایج بهتر سلامت، بهبود کارایی و بهبود کیفیت زندگی شود. در این مقاله به تفصیل در مورد این موارد توضیح داده خواهد شد.

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، جمعیت سالمند، کیفیت زندگی، سلامت

An overview of the role of the media on the future of Iran's population



Ali Reyhanian*^{١,٢,٣}, Somaye Nickhah^٤

- ١- Department of e-Learning in Medical Education, Center of Excellence for e-Learning in Medical Education, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
- ٢- Department Medical Education, school of Medical Education & Learning Technologies, Shahid beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
- ٣- Health policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
- ٤- Department of e-Learning in Medical Education, Virtual School, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Introduction :Media is an objective and practical mediator in the communication process. The future of all countries depends on the intelligent and correct use of these networks due to the role of media and virtual social networks in all dimensions. Recent studies show that in less than a hundred years, the population of Iran will decrease dramatically and reach ٤٢ million people. With the rapid growth of technology in Iran, the media can play a very effective role in the emergence of social issues in the present era and cause change. values and social norms of the society. In line with the increase in population in countries that have a significant elderly population or population decline is predicted for them in the future, culture building is the most important thing that a media should do. This review study was conducted with the aim of investigating the role of the media on the future of the population of Iran.

Search strategy: This research was carried out as a systematic review by searching the words media role, population, Iran, childbearing in pubmed, google scholar, sid, proquest databases in the period from ٢٠١٥ to ٢٠٢٣ with the inclusion criteria of access to the original articles in English and Persian. Accordingly, among the ٣٠ articles obtained, ١١ articles were included in the study for the final analysis.

Results: In the country of Iran, the media, benefiting from the Iranian-Islamic way of life, explain policies to encourage population growth and raise awareness of the dangers of population decline for the future of the country, show the correct methods of having children, teach the correct upbringing of children, teach economic issues and encourage self-sufficiency of parents, training related to low-risk and healthy pregnancy and childbirth, etc., will encourage childbearing, which will have a significant impact on the growth of Iran's population.

Conclusion: The role of the media on having children and increasing the population is very important and it can have different effects depending on the way of presenting information and different cultural concepts.

Keywords: media role, population, Iran, childbearing

Comprehensive Overview of the Impact of Artificial Intelligence Technology (AI) on the Youth Population: Challenges and Prospects for Fertility



Rezvan Zarei ^١, Farnaz Farnam ^٢, Elnaz Khayer ^{٣*}

^١- MSc student in Midwifery, Department of Reproductive Health & Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

^٢- PhD in Reproductive Health, Associate Professor of Midwifery and Reproductive Health & Midwifery, Department of Reproductive Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

^٣- PhD candidate in Reproductive Health, Department of Reproductive Health & Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Introduction: Artificial Intelligence Technology (AI) as one of the prominent advancements, plays a significant role in the decision-making of individuals. The impacts of this technology on the youth, as an impressionable population, hold special importance. This study evaluates the influence of AI on future perspectives of procreation and its aim is to examine the attitudes and viewpoints of the young community toward this technology.

Search strategy: For conducting this systematic review study published articles in both Persian and English were examined using reputable databases including PubMed, Scopus, IRANMEDEX, MEDLINE, and ProQuest. The search was conducted using keywords such as "Artificial Intelligence technology," "youth population," "attitudes," "procreation," "challenges," and "outlooks." Subsequently, through an examination of titles, abstracts, and full-text articles, ٣٠ relevant articles within the time span of ٢٠١٥ to ٢٠٢٣.

Results: The young population holds diverse attitudes towards the procreation of AI in the realm of procreation. Some Youth consider AI as an effective tool for reproductive decision-making due to its capabilities and opportunities, however, others are concerned about the undesirable social and ethical effects of AI in the realm of procreation. Decisions regarding procreation are not only contingent upon technological aspects, but also ethical, social, and cultural dimensions. For effective utilization of this technology in the realm of procreation, it is essential to strike a balance between the benefits of the technology and ethical considerations in family-related decisions.

Conclusion: The positive and negative impacts of AI on procreation and the lives of youth are subjects that require more attention in order to make the best use of this technology in the field of procreation. Consequently, further efforts towards researching and examining the diverse effects of AI on procreation and enhancing the awareness of the young community about its benefits and limitations are essential. These endeavors contribute to better and more intelligent decision-making in the realm of procreation, ultimately leading to a more effective utilization of the abundant potentials of AI in this domain.

keyWord: Artificial Intelligence Technology, Youth Population, Perspectives, Fertility, Challenges, Prospects



Media and Education for Population Sustainability: A Systematic Review of Current Evidence

Akbar Solati (PhD)

North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

Abstract

Population sustainability is a global challenge that requires innovative and effective approaches to achieve. This systematic review aimed to synthesize the current evidence on the role of media and education in promoting population sustainability. A comprehensive search of PubMed, Scopus, Web of Science, and Google Scholar was conducted using a combination of controlled vocabulary terms and relevant keywords related to media, education, population, sustainability, and outcome measures.

The review identified 30 studies that met the inclusion criteria, including randomized controlled trials, observational studies, and reviews. The results indicate that media and education interventions can have a positive impact on population sustainability, with a range of approaches and strategies showing promise. For example, family planning programs have been found to reduce unmet need for contraception and demand for family planning services. Additionally, higher education levels have been associated with lower fertility rates in some contexts, and education can be a key factor in promoting pro-environmental behavior.

However, limitations and challenges also emerged in the studies, particularly related to the need for sustained efforts and the need for more research to better understand the effectiveness of different approaches. For instance, despite China's efforts to promote sustainable development and control population growth through education and policy interventions, challenges remain due to issues such as uneven regional development and lack of access to education in some areas.

The findings of this systematic review have important implications for policy and practice, highlighting the need for investment in media and education initiatives to promote sustainable population growth. As studies showed, green media can play a key role in promoting sustainability transitions, by raising awareness and facilitating knowledge sharing and dialogue. In addition, the United Nations emphasizes the importance of education in achieving the Sustainable Development Goals, including Goal 3 (Good Health and Well-being) and Goal 12 (Responsible Consumption and Production).

In conclusion, this systematic review provides evidence that media and education interventions can have a positive impact on population sustainability. However, further research is needed to address gaps.

Key words: Population sustainability, Media, Education, Family planning, Systematic review

what is the impact of artificial intelligence (AI) on population dynamics? -A review



Zahra toghiyani^{1*}

- ¹ PhD candidate in reproductive health, Department of Midwifery and Reproductive Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Background: Artificial intelligence (AI) can have both direct and indirect impacts on population dynamics. Thus the current study was conducted as a review to assess the impact of artificial intelligence (AI) on population dynamics.

Material & Methods: The current study was conducted as a review in selected databases (PubMed, web of science, Scopus, magiran, sid, and google scholar) with keywords such as "artificial intelligence", "population dynamics", "Healthcare", and "Social Impact". At first, all articles published until september ۲۰۲۳ were searched and entered into the Endnote software (ver. ۱۰), after removing similar articles, at first the title and abstract of the articles and then the full text of articles are read, and if they are related to the topic, they are entered into the study.

Results: Artificial intelligence (AI) can have both direct and indirect impacts on population dynamics. Here are a few ways AI can influence population:

- ^۱. Healthcare: AI has the potential to revolutionize healthcare by improving diagnostics, treatment, and patient care. AI-powered systems can analyze large amounts of medical data, identify patterns, and provide accurate diagnoses. This can lead to better healthcare outcomes, reduced mortality rates, and improved population health.
- ^۲. Aging Population: Many countries are experiencing an aging population, with a higher proportion of elderly individuals. AI can help address the challenges associated with this demographic shift. For instance, AI-powered robots can assist in elderly care, providing companionship, monitoring health conditions, and performing tasks to support independent living.
- ^۳. Workforce Automation: AI and automation technologies have the potential to disrupt the labor market, leading to changes in employment patterns and workforce dynamics. While this can increase productivity and efficiency, it may also result in job displacement and unemployment. Governments and policymakers need to consider the potential impact of AI on population dynamics, including income inequality and social welfare.
- ^۴. Data Analysis and Planning: AI can assist in analyzing vast amounts of data related to population trends, demographics, and resource allocation. This can help policymakers make informed decisions and develop effective population policies. AI can provide insights into population growth, migration patterns, and resource distribution, enabling governments to plan and allocate resources more efficiently.
- ^۵. Social Impact: AI technologies can also have social impacts on population dynamics. For example, AI-powered chatbots and virtual assistants can provide information and support on reproductive health, family planning, and sexual education. AI can also be used to address gender biases and promote gender equality by identifying and mitigating biases in algorithms and decision-making processes.
- ^۶. Ethical Considerations: As AI becomes more integrated into various aspects of society, including population-related policies and programs, ethical considerations become crucial. Issues such as privacy, data security, algorithmic bias, and transparency need to be addressed to ensure that AI is used in a responsible and equitable manner.

Conclusion: It is important to note that the impact of AI on population dynamics is complex and multifaceted. The extent to which AI influences population will depend on various factors, including the adoption and implementation of AI technologies, regulatory frameworks, and societal attitudes towards AI.

Keywords: artificial intelligence, population dynamics, review

The role of artificial intelligence in sustainable development: A Systematic Review



Samaneh Alizadeh^{۱*}, Shahriar Ostovar^۲

- ۱- PhD, Department of Medical-Surgical Nursing, Faculty of Nursing & Midwifery, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.
- ۲- MSc, Mardani Azar Children's Hospital, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

Background and Objective: The emergence of artificial intelligence and its wider impact on many sectors requires an assessment of its impact on the achievement of the sustainable development goals. The purpose of this study was to systematic synthesis of existing literature on the role of artificial intelligence in sustainable development.

Methods: A systematic review was performed by PRISMA guidelines. Five electronic databases were systematically searched: PubMed, Embase, MEDLINE (OVID), CINAHL and the Cochrane Library with restricting the languages to only English and year (January ۲۰۰۱ to May ۲۰۲۳). The retrieved articles were screened at the title, abstract, and full text stages. The Mixed-Methods Appraisal Tool (MMAT) was used to evaluate the quality of quantitative and mixed-method studies. Then, two reviewers extracted the quantitative data of the included studies.

Findings: A total of ۴۰۰۴ studies were identified after a comprehensive search, and ۱۴ studies were included after removing duplicates and screening. We found that the progress achieved in the field of artificial intelligence increases the need to examine not only the economic, but also the cultural and social consequences of the use of intelligent systems. Most of the developing economies recognize the revolutionary nature of artificial intelligence and with more or less significant investments, they have tested the variable steps that take into account their political, economic, cultural and social systems.

Conclusion: The results show that the literature has only focused on some aspects involved in sustainable development through artificial intelligence. However, there are still some gaps regarding the underlying link between these concepts.

Keywords: Artificial Intelligence, Sustainable Development, Systematic Review

The effectiveness of app-based interventions on sexual health among breast cancer survivors: a systematic review of clinical trials



Negin Gholampour¹, Zohra Shah Hosseini¹, Zeinab Hamza Rohamedi¹, Marzieh Azizi¹

¹ Mazandaran University of Medical Sciences

Introduction and purpose: Sexual dysfunction is prevalent among breast cancer survivors as a result of surgery, radiation, and chemotherapy which negatively impact the quality of life of these women. Sexual disorders in these women include vaginal atrophy, stenosis, and pain. Today, mobile applications play an important role in the treatment of physical and mental symptoms of cancer, like daily examination of annoying symptoms and training on how to control them. This systematic review aimed to investigate the effectiveness of mobile applications on sexual health among breast cancer survivors.

Methods: In this systematic review study, researchers conducted their comprehensive computer search in databases such as Google Scholar and more specifically in PubMed, Cochrane Library, UpToDate in the period 29 July 2023 until 16 August 2023. The keywords selected by the MeSH strategy were included [(‘mobile-based intervention’ OR ‘application-based intervention’ OR ‘mobile application’) AND (‘sexual health’ OR ‘sexual dysfunction’ OR ‘psychosexual health’) AND (‘breast cancer’ OR ‘breast cancer survivors’)]. The inclusion criteria were published articles in Persian or English and published in valid scientific journals. According to these criteria, articles from “2010 to 2023” were selected. Overall, 43 articles have been searched initially. After screening the abstract and full text of all retrieved articles, ultimately 11 articles were used to write this study.

Result: A total of 11 clinical articles met the inclusion criteria. The systematic review of the included studies showed that among the users of mobile phone applications, programs included improvement in quality of life, less prevalence of stress and depression, and symptom burden, and it has also been reported to improve sexual health compared to the control group. all of 11 studies showed that mobile phone applications improved sexual health through teaching information regarding fatigue and sleep management, how to deal with mood changes and stress and sexual issues such as vaginal dryness and sexual enrichment education, regular physical activity, and having a healthy diet.

Conclusion: Due to all of studies that have shown that app-based programs have led to the improvement of sexual health among women with breast cancer or breast cancer survivors, it can be used as a cost-effective method in this field.

Keyword: Sexual health, psychosexual health mobile-based intervention, mobile application, breast cancer survivors

The impact of artificial intelligence on population dynamics and sustainability: a systematic review



Sonia Fathi¹, Azam Oroji¹

¹ North Khorasan University of Medical Sciences

Abstract

This systematic review investigates the relationship and mutual influence between artificial intelligence (AI) and global population dynamics, with a particular emphasis on population growth and aging. As our world faces mounting population numbers, effective resource allocation emerges as an essential challenge, while the demographic trend towards a more aged population introduces unique issues in healthcare and social services sectors. AI, with its potent predictive modeling and data analysis capabilities, could serve a crucial part in resolving these problems. When properly utilized, AI can aid in planning and managing resources to accommodate population growth, offering valuable insights on urbanization, employment, and environmental trends that can guide infrastructural and policy decisions. This review extensively explores how AI can inform the management of an aging population's challenges. With machine learning and robotic advancements, AI offers the potential to transform elderly care, providing solutions from personalized healthcare to social companionship. AI can also offer predictive analytics for health risks and individualized treatment plans enhancing life quality and reducing healthcare costs. This systematic review provides a comprehensive analysis of AI's potential, its implementation challenges and ethical considerations in population dynamics. It aims to stimulate further research on how AI capabilities can contribute to devising sustainable solutions for the shifting demographic landscape – making AI a critical tool for future population dynamics.

Keywords: Systematic Review; Artificial Intelligence; Population Dynamics; Resource Allocation; Aging Population; Elderly Care; Ethical Considerations

عقیل فرزانه^۱، سید مرتضی موسوی جاجرمی^۲، پریسا فیضی^۳، فاطمه عروجعلیان^۴

۱. دانشگاه صنعتی قوچان، ایران

۲. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد

۳. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد

۴. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد

یکی از معضلات و مشکل هایی که زوج های مختلف با آن سروکار دارند، مساله ناباروری است. درمان های بسیاری برای این معضل وجود دارد که از جمله ی آن مساله ی بکارگیری سلول های بنیادی در ناباروری است که اخیراً بشدت مورد توجه قرار گرفته است. علل ناباروری ، سندرم تخمدان پلی کیستیک، اندومتريوز، انسداد لوله فالوپ، سندرم آشرمن، (POF) در زنان عبارتند از نارسایی زودرس تخمدان است. درحالیکه علل اصلی ناباروری مردان شامل فقدان اسپرم در انزال (آزواسپرمی)، کاهش کمیت و تحرک اسپرم (الیگواسپرمی) (۱، ۲) کیفیت ضعیف اسپرم (عدم وجود اسپرم فعال با مورفولوژی طبیعی) است

سلول های بنیادی به آن دسته از سلول های بدن اطلاق می شوند که هنوز تمایز نیافته و برای کار ویژه ای در نظر گرفته نشده دارای قدرت خود تکثیری بوده و قابلیت تمایز و تبدیل به انواع دیگر سلول های بدن را دارند. دو نوع سلول بنیادی وجود دارد. سلول های بنیادی جنینی (که "پرتوان" نیز نامیده می شود) می توانند به تمام انواع سلول های بدن تبدیل شوند و رشد کنند. از بلاستوسیست های باقی بدست می آیند و به همین دلیل چالش های اخلاقی نسبت IVF مانده از لقاح آزمایشگاهی در آزمایشگاه از جنین های سقط شده و مازاد به آنها وجود دارد. نوع دوم: سلول های بنیادی بالغ که کمتر تطبیق پذیر هستند و شناسایی، جداسازی و خالص سازی آنها دشوارتر است. سلول های بنیادی در خون، مغز استخوان، چربی، کبد، کلیه، قرنیه، پالپ دندان، بند ناف، مغز، پوست، ماهیچه، غدد بزاقی یافت شده است. دو مشخصه مهم در همه ی سلولهای بنیادی وجود دارد که شامل خود نوسازی (تکثیر) - توانایی یک سلول بنیادی برای شبیه سازی خود به طور نامحدود با تقسیم سلول. و جابجایی و تمایز است. توانایی سلول های بنیادی برای «مهاجرت» به قسمتهای دیگری از بدن که مورد نیاز است و تبدیل شدن به انواع خاصی از سلول های بالغ بسیار مهم است. به دلیل ملاحظات اخلاقی و مذهبی (در ادیان بزرگ الهی همچون: عدم حفظ کرامت انسانی، سود جویی مالی احتمالی، ودیعه بودن جسم انسان، استعمار زنان جهت دریافت تخمک بیشتر و ...) که در استفاده از سلول های بنیادی جنینی وجود دارد دانشمندان به دنبال استفاده از سلول های بنیادی با مشکلات اخلاقی کمتر هستند که سلولهای مشتق از چربی هم از نظر کم تهاجمی بودن نمونه گیری و هم کمتر بودن ملاحظات اخلاقی بسیار چشم انداز مناسبی دارند. را می توان در درمان بالینی (ADSCs سلول های بنیادی مشتق شده از چربی یا سلول های بنیادی مزانشیمی مشتق از بافت چربی ها بازسازی عروقی و بازبایی ADSC آینده به کار برد، زیرا به وفور پس از لیپوساکشن یا لیپکتومی در دسترس است، به نظر می رسد بافت را به طور غیرمستقیم از طریق ترشح سیتوکین های پاراکرین یا مستقیماً با تمایز به سلول های آسیب دیده بهبود می بخشند. علاوه بر این، سلول های بنیادی اتولوگ، استراتژی های امیدوارکننده برای مهندسی بافت آینده، نسبت به جایگزین های آلوگرافت مربوط به استفاده بالینی، سازگاری ایمنی بیشتری دارند

سلول های بنیادی جنینی به دلیل پرتوانی خود دارای پتانسیل درمانی بسیار زیادی هستند. با این حال، استفاده از این سلول ها چالش های فنی بزرگی را به همراه دارد. اولاً، محققان باید دانش لازم برای تنظیم تمایز سلول های بنیادی جنینی به انواع مختلف سلول های بدن را کسب کنند. ثانیاً، استفاده از سلول های تحقیقاتی فعلی ممکن است منجر به طرد توسط سیستم ایمنی گیرنده شود (۳-۵). علاوه بر این، مناقشات اخلاقی پیرامون استفاده از سلول های بنیادی جنینی انسان یا بافت جنینی، مخالفت بسیاری را برانگیخته است. در نتیجه، استفاده از سلول های بنیادی بالغ نظیر سلول های بنیادی مشتق شده از چربی یا سلول های بنیادی خون بند ناف برای سلول درمانی ضروری است. انجام تحقیقات بر روی انسان دو چالش مهم را به همراه دارد: تهیه نمونه بیوپسی و کشت سلول های بنیادی در محیط کشت. بسیار مهم است که اطمینان حاصل شود که فرآیند نمونه برداری هیچ آسیبی به فرد وارد نمی کند. این محدودیت، مقدار سلول های بنیادی را که می توان برای کشت به دست آورد، محدود می کند. علاوه بر این، هنگامی که سلول ها جمع آوری شدند، باید منجمد شوند و متعاقباً به بیمار پیوند داده شوند، بنابراین نیاز به توسعه تکنیک های انجماد بهبود یافته است. تا به امروز، محققان شواهد کمی از (۶, ۷) تغییر فاز سلول های بالغ و توانایی آنها در رسیدگی به طیف گسترده ای از بیماری ها و اختلالات ارائه کرده اند

کلید واژه: اخلاق، سلول، بنیادی، درمان، ناباروری

The Role of Artificial Intelligence (AI) in Enhancing the Reproductive Health and Outcomes of Women with Chronic Diseases



Golnar Ghane ^{۱*}, Kamal Gharanjik ^۲ Sahar Eghbali ^۳

- ^۱- Golnar Ghane, Assistant professor of nursing, Department of Medical Surgical Nursing; School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
- ^۲- Kamal Gharanjik Medical emergency expert, Tehran Emergency Center, Tehran, Iran.
- ^۳- Sahar Eghbali, Master of Nursing, Haft Tir Hospital, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Introduction: Women with chronic diseases, such as diabetes, hypertension, and autoimmune disorders, face unique challenges when it comes to family planning and childbearing. Managing their health conditions while ensuring safe pregnancies and healthy babies is paramount. Artificial intelligence has emerged as a promising tool in healthcare, with the potential to optimize decision-making, predict complications, and improve outcomes. This systematic review aims to synthesize existing literature on the intersection of AI and childbearing among women with chronic diseases.

Methods: A comprehensive literature search was conducted in major academic databases, including PubMed, Scopus, and Web of Science, using a combination of keywords related to chronic diseases, pregnancy, artificial intelligence, and reproductive health. The search was limited to articles published in English between January ۲۰۰۰ and September ۲۰۲۱. After an initial screening of titles and abstracts, relevant full-text articles were assessed for inclusion based on predetermined criteria.

Results: The review identified a total of ۳۰ articles that met the inclusion criteria. These articles covered a range of AI applications, including predictive models for maternal and fetal risk assessment, decision support systems for healthcare providers, and mobile health apps for self-management. The results indicate that AI has shown promise in improving the management of chronic diseases during pregnancy, enhancing personalized care, and reducing adverse outcomes.

Discussion: The integration of AI into maternal healthcare for women with chronic diseases presents several opportunities and challenges. AI-driven risk prediction models can assist healthcare providers in early identification of complications, allowing for timely interventions. However, concerns related to data privacy, bias in AI algorithms, and the need for validation in diverse populations must be addressed. Additionally, the accessibility and affordability of AI-based healthcare solutions remain critical considerations.

Conclusions: This systematic review highlights the potential of artificial intelligence to strengthen childbearing among women with chronic diseases by improving risk assessment, decision-making, and overall care. However, further research is needed to validate AI models, address ethical and equity concerns, and ensure widespread accessibility. As AI technologies continue to evolve, they hold the promise of enhancing reproductive health outcomes and empowering women with chronic diseases to make informed family planning decisions.

KEYWORDS: Artificial Intelligence (AI), Reproductive Health, Women with Chronic Diseases, Childbearing

بکارگیری هوش مصنوعی در لقاح آزمایشگاهی (IVF): مروری بر منابع



فاطمه خوشوقت^۱، حوریا قاضی نژاد^۱، سکینه داداشقلی زاده جلودار^۱، فرزانه کرمانی^{۲*}

۱ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

۲ استادیار انفورماتیک پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

مقدمه: لقاح آزمایشگاهی (IVF) به عنوان یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای درمان زوج‌های نابارور شناخته می‌شود. با توجه به افزایش استفاده از این روش‌ها، استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی جهت پیش‌بینی نتایج کمک‌کننده خواهد بود. در این مطالعه مروری، به بررسی کاربردهای استفاده از هوش مصنوعی در زمینه لقاح آزمایشگاهی پرداخته شده است.

روش: این مطالعه مروری با ترکیب کلیدواژه‌های "In Vitro Fertilization"، "IVF"، "artificial intelligence" و "AI" با عملگرهای بولی در پایگاه اطلاعاتی pubmed در طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ انجام گرفت. در بررسی اولیه بعد از حذف موارد تکراری با نرم‌افزار اندنوت ۲۰۶ مطالعه یافت شد که پس از غربالگری اولیه با چکیده و عنوان ۱۵۰ مقاله مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت متن کامل ۸۰ مقاله مطالعه شد.

یافته‌ها: بکارگیری هوش مصنوعی در حوزه لقاح آزمایشگاهی در زمینه‌هایی چون انتخاب جنین و پیش‌بینی لانه‌گزینی، پیش‌بینی تشخیص، ارزیابی و کارآمدی و وضعیت جنین قبل از لانه‌گزینی، پیش‌بینی بلاستوسیت انسانی، ارزیابی کیفیت تخمک، ارزیابی لقاح، بهبود نتایج بالینی و کارایی آزمایشگاهی، نظارت بر فولیکول‌ها، ارزیابی پذیرش آندومتر، کاهش خطرات بارداری چندقلویی، بهینه‌سازی دوز و زمانبندی دارو، تشخیص زایمان زودرس، عوارض بارداری، خودکارسازی و بهبود نتایج IVF، کاهش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی، افزایش دقت تشخیصی بوده است. پراستفاده‌ترین الگوریتم‌ها در این زمینه شامل الگوریتم‌های یادگیری ماشین، یادگیری عمیق مبتنی بر شبکه‌های عصبی، درخت تصمیم، جنگل تصادفی، الگوریتم ژنتیک، رگرسیون لجستیک و موارد دیگر بوده است.

نتیجه‌گیری: هوش مصنوعی به سبب کارایی در بهبود نتایج بالینی، تسهیل در روش‌های پزشکی، بهبود در پیش‌بینی تشخیص، کاهش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و حجم کار برای پزشکان در ارتقاء فرایند درمانی ناباروری نقش بسیار موثری ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، الگوریتم، باروری آزمایشگاهی، IVF

سکینه داداشقلی زاده جلودار^۱، حوریا قاضی نژاد^۱، فاطمه خوشوقت^۱، فرزانه کرمانی^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

۲. استادیار انفورماتیک پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

مقدمه: پیشرفت های حاصل شده در زمینه فناوری منجر به روی کار آمدن برنامه های کاربردی موبایل به منظور ارائه خدمات به مادران باردار شده است. در این مطالعه مروری، به بررسی کاربردهای مختلف استفاده از این برنامه های کاربردی در حوزه مراقبت از زنان باردار پرداخته شده است .

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه مروری است که با ترکیب کلیدواژه های "application", "mobile application", "app", "smartphone", "mobile", "prenatal care", "pregnancy" و "care" در پایگاه اطلاعاتی pubmed در بازه زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ انجام شد. پس از بررسی اولیه تعداد ۱۱۵ مطالعه یافت شد که با بازبینی موارد براساس عنوان و چکیده ۶۳ مورد باقی ماند و در نهایت متن کامل ۳۲ مقاله مورد بررسی کامل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج حاصل از بررسی مطالعات نشان داد که اکثر برنامه های کاربردی طراحی شده در زمینه مراقبت از زنان باردار براساس سیستم عامل اندروید بودند. بعلاوه تلفن همراه در این زمینه در حوزه های مختلفی چون پیشگیری و کنترل بیماری های شایع دوران بارداری (فشار خون، کرونا، HIV، ارتقای سطح سلامت زنان باردار، افزایش آگاهی در رابطه با شیوه های خود مراقبتی برای مادران شاغل یا ساکن در مناطق محروم، بهبود پیامدهای بارداری، کاهش مرگ و میر مادران، کاهش مشکلات حمل و نقل، کنترل استرس و افسردگی و عوامل اجتماعی نامطلوب، مدیریت تغذیه، مدیریت خواب، یادآورهای قرار ملاقات با پزشک، مدیریت دارو، کاهش عوارض زایمان و موارد دیگر استفاده می شود. همچنین، در برخی از موارد استفاده از برنامه های کاربردی و به خصوص شبکه های اجتماعی به دلیل مقایسه شرایط بارداری در زنان باردار منجر به بروز افسردگی شده بود که این امر در مناطق محروم و کم درآمد بیشتر دیده شده بود .

نتیجه گیری: بکارگیری برنامه های کاربردی در زمینه مراقبت از زنان باردار منجر به بهبود خودمراقبتی، تعامل مناسب بین مادر و تیم مراقبت، ارتقای کیفیت مراقبت و بهبود رضایت در زنان باردار می شود که در مواردی که امکان مراجعه حضوری به دلیل شرایط فیزیکی نامناسب برای زنان باردار وجود ندارد پررنگ تر می شود .

کلیدواژه ها: برنامه های کاربردی، تلفن همراه، دوران بارداری، مراقبت

The effect of media art on the motivation to have children



Mohammad Ali Dashti ¹, Azam Gazrani ², Akram Gazrani* ³

¹- Senior expert in chemical physics, teacher, Neyshabur Education, Iran.

²- Department of Nursing, Neyshabor University of Medical Sciences, Neyshabor, Iran

³- Operating Room Department, Neyshabur Faculty of Medical Sciences, Iran.

Abstract:

Introduction: The motivation to have children is one of the most important factors influencing people's decision to start a family. This motivation can be influenced by various factors including individual, social, economic and cultural factors. Media art, as one of the most important tools for shaping culture and values, can have a significant impact on the motivation to have children. The purpose of this study is to investigate the effect of media art on the motivation to have children.

Methods: In this systematic review, we conducted a randomized controlled trial (RCT) that evaluated the effect of media art on childbearing motivation. We searched PubMed, Embase and CINAHL for studies published between January 2000 and December 2023.

Results: The effects of media art on the motivation to have children: Media art can have a significant effect on the motivation to have children by showing different patterns of having children, presenting positive or negative images of families and children, and conveying valuable messages about the role of having children in human life. Showing different child bearing patterns: Media art can show different child bearing patterns. These patterns can be positive or negative. Showing positive patterns of having children can increase the motivation to have children. For example, showing happy and successful families can show people that having children can be an enjoyable and rewarding experience. Presenting positive or negative images of families and children: Media art can present positive or negative images of families and children. Positive images of family and children can increase the motivation to have children. Showing children as beautiful, lovable and energetic beings can show people that having children can be a worthwhile experience. Transmitting valuable messages about the role of having children in human life: Media art can convey valuable messages about the role of having children in human life. These messages can be positive or negative. Positive messages about the role of having children can increase the motivation to have children.

Conclusion: Media art can have a significant effect on the motivation to have children. This effect can be done by showing different patterns of childbearing, presenting positive or negative images of family and children, and conveying value messages about the role of childbearing in human life.

Keywords: media, motivation, childbearing

یلدا مددی^۱

۱. سازمان تامین اجتماعی، تهران

چکیده

تغییرات جمعیت یک مساله مهم و بحث برانگیز در عصر حاضر می باشد. افزایش جمعیت می تواند چالش هایی در زمینه های مختلف از جمله غذا، آب، محیط زیست، کار، درمان و بهداشت به همراه داشته باشد. از طرفی دیگر کاهش جمعیت منجر به کاهش شدید نیروی کار و تحمیل ضررهای اقتصادی می گردد. با توجه به افزایش جمعیت مسن، نگهداری از افراد سالمند مشکل می باشد و نیازمند برنامه ریزی های مناسب است. عصر حاضر، عصر تغییرات تکنولوژی، دیجیتال سازی و استفاده از فناوری های نوین است. هوش مصنوعی و یادگیری ماشین از طریق افزایش استانداردهای زندگی سبب توسعه پایدار در جوامع می گردد. ظهور هوش مصنوعی فرصت ها و چالش های هیجان انگیزی را به همراه دارد. در پژوهش حاضر، از روش فراترکیب (متاسنتز) و مرور سیستماتیک مقالات جهت بررسی هوش مصنوعی و جمعیت استفاده شده است یک روش سیستماتیک برای جمع آوری داده ها و انجام تجزیه و تحلیل دنبال شده است. ، که فرآیند پنج مرحله ای ارائه شده توسط دنیور و ترانفیلد (۲۰۰۹) اتخاذ گردیده است. داده های این تحقیق از پایگاه های اطلاعاتی مختلفی مانند Scopus، Science Direct، Google Scholar، Taylor & Francis، Wiley Online Library، هوش مصنوعی و غیره با کلمات کلیدی، عناوین و چکیده های خاص، از جمله یک دوره خاص، جمع آوری شده است. در مرحله بعد، مقالات مرتبط با موضوع را انتخاب گردیده. دو مرحله آخر شامل بخش تحلیلی و یافته ها و همچنین نتایج می باشد. مقالات مبتنی بر زبان انگلیسی را انتخاب و از ENDNOTE برای رفرنس دهی استفاده شده است. و نتیجه بیانگر آن است که استفاده از تکنولوژی های نوین تاثیرات شگرفی در توسعه پایدار و جوامع دارد.

کلید واژه: هوش مصنوعی، جمعیت، توسعه پایدار

اهمیت فناوری‌های نوین در چالش بزرگ سالمندی کشور با تکیه بر فعالیتهای ارتقاء سلامت

حمید مهدوی فرد * - فرامرز شیرازی

• نیشابور - معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور

سالمندی جمعیت یک پدیده جهانی است. بیشتر کشورها با افزایش نسبت جمعیت مسن روبرو هستند. پیش بینی سازمان جهانی بهداشت، افزایش جمعیت افراد ۶۵ سال و بیشتر در دنیا، از ۹٪ در سال ۲۰۱۹ به ۱۶٪ در سال ۲۰۵۰ میلادی می‌باشد. در بسیاری از جوامع از جمله ایران، جمعیت سالمندان رو به افزایش است. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، تعداد افراد بالای ۶۵ سال در سال ۲۰۱۰ معادل ۵۲۶ میلیون نفر بوده است که این تعداد در سال ۲۰۵۰ به ۵/۱ میلیارد نفر خواهد رسید که به طور عمده در کشورهای توسعه یافته قابل مشاهده خواهد بود. امید به زندگی مردم در ۱۵۰ سال گذشته افزایش چشمگیری داشته و از حدود ۳۰ سال در سال ۱۸۷۰ میلادی به ۷۲ سال، در سال ۲۰۱۶ میلادی رسید.

در کشور ما، دسترسی بیشتر به درمان بیماری‌های شایع واگیر و غیر واگیر، از یک سو باعث افزایش طول عمر سالمندانی که حتی دچار ناتوانی‌های حاصل از ابتلای به بیماریها و شرایط سنی شده، گردیده و از سوی دیگر با توجه به تغییرات قابل توجه شیوه‌های زندگی (Life style) شامل سوء تغذیه و سوء مصرف مواد غذایی، کاهش فعالیت های بدنی و تحرک فیزیکی و افزایش استرسورهای روحی و روانی متأثر از مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باعث پائین آمدن سن ابتلا به بیماری های قلبی و عروقی بخصوص فشارخون و بیماری های متابولیک با اولویت دیابت در سنین کودکی، نوجوانی و میانسالی و بالطبع عوارض کوتاه مدت و دراز مدت آن شده است.

سالمندی، یکی از مراحل اجتناب ناپذیر زندگی هر انسانی است که می‌توان از طریق مداخلات آموزشی مؤثر، از عوارض و مشکلات آن کاست. توجه به امر آموزش که منجر به تغییر نگرش و رفتار مردم گردد، بسیار مهم و حیاتی خواهد بود و استفاده از فناوری‌های نوین نیز به تسریع این امر کمک خواهد کرد.

پیشرفت چشمگیر در فناوری‌های نوین و امید به زندگی طی قرن گذشته بخش مهمی از این تغییرات می باشد که منجر به کاهش مرگ و میر و بیماری‌ها در سنین بالا می‌باشد. آموزش بهداشت، ابزاری ضروری در جهت ارتقای سلامت سالمندان می‌باشد، زیرا دانشی را برای پیشگیری و کاهش بیماریها فراهم می‌کند، فرد را در تحولات زندگی فعال می‌کند، خودمراقبتی و طلب استقلال را بر می‌انگیزاند و به عبارت دیگر نقش مهمی در کاهش سرعت زوال عملکردی، افزایش کیفیت زندگی، طول عمر سالم و مشارکت اجتماعی دارد. از این رو، ارتقای فعالیتهای آموزشی

سالمندان، هم از منظر فردی و هم از منظر اجتماعی حائز اهمیت است
به نظر می‌رسد در صورت توجه به موقع سیاست‌گذاران کلان کشور به حوزه سلامت با اولویت سالمندی، دیری نخواهد پائید که کلیه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی، از اثرات مفید توجه به این حوزه منتفع خواهند شد.

کلمات کلیدی: سالمندی - جمعیت - سلامت - سالمندی - آموزش

Diagnostic Value of Non-stress Test Interpreted by Smart Interpretive Software



Sakine Nazari^۱, Einoalah Hatami^۲

^۱. Department of Midwifery, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd

^۲. Phd of artistical intelligent, Kusar University, Bojnurd, Iran

Abstract

Introduction: Using appropriate methods for the assessment of fetal health including non-stress test during high-risk pregnancies due to possible placental insufficiency is of paramount importance. Due to complexity in medical decisions, using information systems is being increased to support complex medical decisions. We conducted this study to measure the diagnostic value of non-stress test interpreted by smart interpretive software.

Materials and Methods: This study was carried out on ۴۰۰ non-stress tests obtained from patients' records regardless of the results of tests in Bent-UI-Hoda Hospital, Bojnord, Iran. Then, to increase the accuracy of tests, they were interpreted by two specialists with Master's degree in Midwifery. Finally, the tests were interpreted by the given software. The diagnostic test accuracy was measured using sensitivity and specificity of the software.

Results: Out of ۴۰۰ selected tests, experts interpreted ۱۲۶ tests with reaction and ۲۷۴ cases without reaction. The diagnostic accuracy, sensitivity, and specificity of the software were ۹۲,۴۵%, ۹۴,۰۷, and ۸۸,۴۰, respectively.

Conclusion: According to the results, the use of this software for interpreting non-stress test results, reduce false- positive and false-negative diagnoses.

Keywords: Artificial intelligence, Non-stress test, Diagnostic value, Smart Interpretive Software

حمزه وحیدی فر

• دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: سیستم‌های آرشیو تصاویر پزشکی (PACS) در بیمارستان‌ها نقش بسیار مهمی در ذخیره و مدیریت تصاویر پزشکی ایفا می‌کنند. با افزایش حجم تصاویر پزشکی و نیاز به تشخیص دقیق و سریع‌تر بیماریها، ایجاد یکپارچگی بین سیستم‌های مختلف آرشیو تصاویر پزشکی و استفاده از یادگیری ماشین به منظور تشخیص خودکار بیماریها اهمیت بیشتری پیدا کرده است. این مقاله به بررسی یکپارچگی چندین سیستم آرشیو تصاویر پزشکی بیمارستانی و کاربردهای یادگیری ماشین در تشخیص خودکار بیماریها می‌پردازد.

مواد و روشها: در این مقاله، از روش تحقیق کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. ابتدا، منابع مرتبط با یکپارچگی سیستم‌های آرشیو تصاویر پزشکی و کاربردهای یادگیری ماشین در تشخیص بیماریها جستجو شد. سپس، مطالب مرتبط جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: یکپارچگی چندین سیستم آرشیو تصاویر پزشکی بیمارستانی می‌تواند به بهبود دقت و سرعت تشخیص بیماریها کمک کند. با این روش، تصاویر پزشکی بیماران به صورت خودکار و به طور همزمان از سیستم‌های مختلف آرشیو تصاویر پزشکی دریافت و تحلیل می‌شوند. با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین، این تصاویر مورد بررسی قرار می‌گیرند و بیماریها به صورت دقیق‌تر و سریع‌تر تشخیص داده می‌شوند. از طریق یادگیری ماشین، الگوریتم‌ها می‌توانند الگوها و ویژگی‌های مهم در تصاویر پزشکی را شناسایی کنند و با استفاده از این اطلاعات، بیماریها را تشخیص دهند. این روش باعث افزایش دقت و قدرت تشخیص می‌شود و به پزشکان کمک می‌کند تشخیص صحیح بیماریها و تصمیم‌گیری‌های درمانی بهتری منجر می‌شود.

نتیجه گیری: یکپارچگی چندین سیستم آرشیو تصاویر پزشکی بیمارستانی و استفاده از یادگیری ماشین در تشخیص خودکار بیماریها پتانسیل بالقوه‌ای در بهبود دقت و سرعت تشخیص بیماریها دارد. با این روش، تصاویر پزشکی به صورت خودکار از سیستم‌های مختلف آرشیو تصاویر پزشکی دریافت و تحلیل می‌شوند و با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین، بیماریها به صورت دقیق‌تر و سریع‌تر تشخیص داده می‌شوند. این روش می‌تواند به پزشکان کمک کند تا تصمیمات درمانی بهتری بگیرند و بهبود بخشیدن به مراحل درمان بیماران را تسهیل کند. با ادامه تحقیقات در این حوزه و بهبود الگوریتم‌های یادگیری ماشین، می‌توان از این روش برای بهبود سیستم‌های تشخیص بیماریها در بیمارستان‌ها بهره برد. به طور کلی، یکپارچگی سیستم‌های آرشیو تصاویر پزشکی و استفاده از یادگیری ماشین در تشخیص خودکار بیماریها به عنوان یک رویکرد نوآورانه می‌تواند در بهبود مراحل تشخیص و درمان بیماران موثر باشد و نتایج بهتری

کلمات کلیدی: PACS، یادگیری ماشین، تشخیص خودکار بیماریها

تجزیه و تحلیل کلان داده‌های سلامت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی با استفاده از یادگیری ماشین

حمزه وحیدی فرا^۱، حامد جمالی وحید^۲، بابک قهرمانی^۳

۱. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

۲. دانشگاه صنعتی شاهرود

۳. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: در حوزه سلامت، دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز برای مدیران و تصمیم‌گیران ضروری است. تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها و استفاده از یادگیری ماشین می‌تواند به مدیران در ارائه تصمیمات هوشمندانه کمک کند. در این مقاله، تحلیل کلان داده‌های سلامت با استفاده از یادگیری ماشین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مواد و روش‌ها: برای انجام این تحلیل، از داده‌های سلامت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی استفاده می‌کنیم که شامل اطلاعات مربوط به بیماران، سابقه درمان، نتایج آزمایش‌ها، و سایر اطلاعات مهم است. ابتدا، این داده‌ها را پیش‌پردازش می‌کنیم و نواقص آنها را برطرف می‌کنیم. سپس، از روش‌های یادگیری ماشینی مانند شبکه‌های عصبی و الگوریتم‌های تحلیل پیش‌بین استفاده می‌کنیم تا الگوها و ارتباطات پنهان در داده‌ها را شناسایی کنیم. با استفاده از این اطلاعات، داشبورد مدیریتی طراحی می‌کنیم که به مدیران امکان مشاهده و تجزیه و تحلیل داده‌های سلامت را می‌دهد.

یافته‌ها: با تجزیه و تحلیل داده‌های سلامت، با استفاده از یادگیری ماشین و تکنیک‌های تحلیل پیش‌بین، ما توانستیم الگوها و روندهای مهم در داده‌های سلامت دانشگاه را شناسایی کنیم. این الگوها می‌توانند به مدیران کمک کنند تا عوامل موثر در بهبود سلامت جامعه را شناسایی کرده و تصمیم‌گیری‌های بهتری انجام دهند. علاوه بر این، با طراحی داشبورد مدیریتی، مدیران قادر خواهند بود به‌صورت زنده داده‌های سلامت را مشاهده کرده، روندها را پیگیری کنند و تصمیم‌های مبتنی بر اطلاعات دقیقتری بگیرند.

نتیجه‌گیری: تجزیه و تحلیل کلان داده‌های سلامت با استفاده از یادگیری ماشین و داشبورد مدیریتی، الگوها و روندهای مهمی در داده‌های سلامت را شناسایی می‌کند. این الگوها به مدیران در تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه و بهبود سلامت جامعه کمک می‌کنند. با داشبورد مدیریتی، مدیران می‌توانند به‌صورت زنده داده‌های سلامت را مشاهده و روندها را پیگیری کنند. این داشبورد مدیریتی امکان مشاهده و تجزیه و تحلیل دقیق‌تر داده‌های سلامت را برای مدیران فراهم می‌کند و در تصمیم‌گیری بهینه کمک می‌کند. استفاده از یادگیری ماشین و ابزارهای مدیریت اطلاعات در تجزیه و تحلیل کلان داده‌های سلامت، رویکردی قدرتمند و مؤثر برای بهبود سیستم سلامت است.

کلمات کلیدی: تجزیه و تحلیل کلان داده سلامت، داشبورد مدیریتی، یادگیری ماشین

محمد امین یونسی هروی، یاسمن باستانی پور، مریم توکلی، غزل نورنهاد، عماد خوشدل، محدثه حسین زاده

دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

سرطان پستان، شایع ترین سرطان در زنان و دومین سرطان شایع بعد از سرطان ریه است. به دلیل افزایش خطر ابتلا به سرطان سینه پیش بینی و شناسایی صحیح آن بسیار مهم و موثر در درمان خواهد بود. هدف از این مطالعه پیش بینی درجه سرطان سینه با استفاده از ویژگی های استخراجی از تصاویر سونوگرافی و ماموگرافی مبتنی بر شبکه عصبی مصنوعی است .

پژوهش حاضر به صورت گذشته نگر و کاربردی به منظور پیش بینی سرطان پستان انجام شد. بدین منظور از داده های بیماران مبتلا به سرطان پستان در بیمارستان امام علی (ع) بجنورد در ۵ سال اخیر استفاده شد. ویژگی های اصلی مورد استفاده شامل سایز توده، شکل توده، مورفولوژی توده، اندازه توده، حاشیه توده، دانسیته توده، موقعیت توده، کلسیفیکاسیون و نوع بافت شناسی توده می باشد. سوابق پزشکی از نظر سن، وضعیت یائسگی، وضعیت زیر بغل بالینی و شاخص توده بدن، محل و موقعیت تومور در پستان، آسیب پوستی، هماتوم، ضخیم شدگی، به هم ریختگی ظاهری، تورفتگی و انقباض نوک سینه، تورفتگی و انقباض پوستی، عدم قرینه بودن پستان ها، اتساع مجاری بودند. پس از ارزیابی ویژگی ها مدلی براساس یک شبکه عصبی مصنوعی ELMAN ارائه و خروجی مدل مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۳۵۰ داده سرطان سینه استان خراسان شمالی مورد آزمون قرار گرفت. این داده ها توسط دو متخصص نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج ارزیابی شبکه عصبی نشان می دهد معیارهای ارزیابی شبکه دارای حساسیت ۹۷٪، ویژگی ۹۵٪، صحت ۹۶٪ درصد می باشد. با مقایسه این نتایج با مقادیر به دست آمده از متخصصین مشاهده می شود که صحت شبکه عصبی در پیش بینی سرطان بالاتر از دو متخصص بوده و می تواند به عنوان یک ابزار کمکی در کنار نظر تشخیصی مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: سرطان پستان، شبکه عصبی مصنوعی، سونوگرافی، ماموگرافی

محمد امین یونسی هروی^۱، قاسم بیانی^۱

^۱ دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

دستگاه تشخیصی و درمان آپنه نوزادان وسیله ای است که بر اساس شناسایی حرکات تنفسی و درصد پاشباع اکسیژن خون نوزاد عمل کرده و در صورت کاهش هردو از میزان تعریف شده ابتدا شروع به هشدار دادن نماید و سپس از طریق ماساژ پوستی و ایجاد لرزش های مختلف پشت و کف پای نوزاد درمان را با سرعت بیشتر دنبال نماید. در طراحی این سیستم از یک سیستم نوری گیرنده و فرستنده استفاده می شود (قرمز و مادون قرمز). این سیستم قادر به تشخیص درصد اشباع اکسیژن خون خواهد بود. همچنین یک سیستم آلام صوتی و یک سیستم تحریک کننده پوستی (ماساژ پوستی) اجزا اصلی سخت افزار سیستم هستند. نرم افزار سیستم نیز ارتباط بین سخت افزار و کاربر را فراهم می آورد.

کلمات کلیدی: آپنه نوزادان، اشباع اکسیژن خون، ماساژ پوستی

قاسم بیانی^۱، محمد امین یونسی هروی^۱، زیبا یزدانی^۱

^۱ دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: زردی شایعترین علت بستری نوزادان در ماه اول پس از تولد می باشد. اگرچه معمولاً زردی در نوزادان ترم و پره ترم خوش خیم می باشد، با وجود این، هیپر بیلی روبینمی شدید یک اورژانس طبی است زیرا بیلیروبین غیرمستقیم بالقوه نوروتوکسیک بوده و ممکن است سبب نقص نورولوژیک حتی در نوزاد ترم گردد. بنابراین درمان هیپر بیلی روبینمی در نوزادان هنوز یک مسئله جدی تلقی می گردد. از آنجایی که نوزادان پره ترم با احتمال بیشتری دچار هیپوناترمی، سپسیس و تشنج می شوند لذا درمان در آنها باید در درون انکیباتور باشد. این امر استفاده از روش مرسوم فوتوتراپی برای آنها را دچار مشکل می نماید به گونه ای که ناچار به استفاده از فوتوتراپ های از خارج از انکیباتور خواهیم بود. استفاده از فوتوتراپی خارج از انکیباتور باعث کاهش دوز بیمار و افزایش زمان درمان خواهد شد. بر این اساس در این نوع نوزادان نیازمند استفاده از بلنکت ها درون انکیباتور خواهیم بود که به علت هزینه زیاد و مشکل تهیه بلنکت ها در تمامی مراکز درمانی استفاده از آن ها مقدور نیست. هدف از این پایان نامه، طراحی و ساخت فوتوتراپی است که در داخل انکیباتور قرار گرفته و بتواند تسریع در فرآیند فوتوتراپی موثر را مخصوصاً در نوزادان پره ترم ایجاد نماید .

روش کار: در حال حاضر دستگاه فوتوتراپی که در بخش مراقبت های ویژه نوزادان استفاده می شود به صورت صفحاتی متشکل از لامپ های فلوروسنت یا ال ای ای است که بر روی یک پایه جداگانه از این دستگاه نصب می شود و قابلیت جا به جایی و قرارگیری در بالا و یا کنار انکیباتور را دارد. برای سرعت بخشیدن به کاهش بیلی روبین خون نوزاد نیازمند روشی هستیم که با حفظ ایمنی های لازم برای نوزاد (قرار داشتن در انکیباتور)، شاهد افت هر چه سریعتر مقادیر بیلی روبین خون نوزاد شود. دستگاه طراحی شده در این پایان نامه شامل ۴ لامپ فلوروسنت ۱۲ وات است که در پایین انکیباتور تعبیه شده است. همچنین با ۴ پایه قابلیت تنظیم ارتفاع و فاصله نوزاد تا صفحات لامپ را در محدوده ۱۵-۲۵ سانتی متر فراهم می آورد. در این طراحی به جای استفاده از صفحه قرارگیری نوزاد که در دستگاه فوتوتراپی معمولی استفاده می شود از توری نصب شده بر روی پایه های قابل تنظیم استفاده شده است .

یافته ها: دستگاه ساخته شده در این مطالعه از نظر بازده و قابلیت اطمینان همچون لامپهای ۱۲ وات در فوتوتراپ های معمولی بوده و از نظر میزان روشنایی در حالت با و بدون فیلتر ابی به ترتیب ۱۸۹ و ۲۷ لوکس را در می باشد. ضمن اینکه به دلیل قرار گیری در درون انکیباتور ضمن ایجاد محیط مناسب برای نوزاد ، تسریع در فرآیند درمان را ایجاد خواهد نمود .

نتیجه گیری: از این رو دستگاه حاضر می تواند نوزادان، مخصوصاً نوزادان پره ترم را در داخل انکیباتور تحت فوتوتراپی قرار داده و در نبود حایل شیشه ای تاثیر درمان سریعتر و بیشتر داشته باشد.

هوش مصنوعی و روش های یادگیری ماشینی در غربالگری پره

کلمات کلیدی: فوتوتراپ، انکیباتور، نوزادان پره ترم، زردی

اکلامپسی

امیرحسین دهقان^{۱*}، گلنار قانع^۲، امیرمحمد چکنی^۳، ندا رحیمی^۴

- (۱) دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
- (۲) استادیار پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
- (۳) دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
- (۴) دانشجوی کارشناسی تکنولوژی پر تو شناسی، دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مقدمه

هوش مصنوعی مطالعه مفاهیمی است که می تواند برای ساخت ماشین هایی با قابلیت تفکر و قضاوت مبتنی برسیستم های نرم افزاری قدرتمند با الگوریتم های مشخص به پردازش و پیش بینی اطلاعات برسد. یکی از شاخه های هوش مصنوعی یادگیری ماشینی (ML^۲) و یادگیری عمیق (DL^۳) است که به سیستم ها این امکان را می دهد تا به صورت خودکار و بدون نیاز به کمک انسان ها یادگیری و پیشرفت داشته باشند، استفاده از این فناوری ها در جهت پیش بینی و غربالگری بیماری می تواند کارساز باشد، از جمله اختلالات، پره اکلامپسی است که اختلال شایع و در عین حال خطرناک حاملگی است که بعد از هفته ۲۱ حاملگی با افزایش فشار خون و پروتئین ادرار مشخص می شود و حدود ۵-۸٪ بارداری ها را عارضه دار می کند. با نظارت دقیق بر پارامتر های سلامتی مادران در دوران بارداری میتوان در کاهش عوارض و مرگ و میر پری ناتال مادر کمک بسزایی داشت. موفقیت آمیز بودن درمان در مراحل نخست بیماری نوید آن را می دهد که با غربالگری و شناسایی سریع مادران از عوارض بلند مدت آن پیشگیری کرد. در این مطالعه مروری بر پژوهش ها با هدف شناسایی و استفاده از هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی در غربالگری پره اکلامپسی انجام گرفت.

روش جستجو

در مطالعه ای مروری حال حاضر مقالاتی به زبان انگلیسی و فارسی مرتبط با هدف مطالعه از سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ توسط دو نفر و بصورت جداگانه انجام شد. این جستجو با کلیدواژه های هوش مصنوعی، پره اکلامپسی، زنان باردار و یادگیری ماشینی و معادله انگلیسی آن از طریق Boolean PubMed، Google Scholar، Medline، CINAHL، Web of Science و پایگاه های داده SID و اپراتورهای Boolean همسو گشت. معیار ورود انواع مقالات مربوط به این بود که فایل کامل مقاله در دسترس باشد و بقیه انواع مقالات از مطالعه حذف شدند و از بین ۹ مقاله مورد بررسی ۶ مقاله براساس معیار های ورود، نتایجشان طبقه بندی، خلاصه و در مطالعه قرار گرفتند.

^۲ Machine Learning

^۳ deep learning

یافته ها: نتایج مطالعات نشان داده است که با استفاده از هوش مصنوعی و الگوریتم های آن از جمله یادگیری عمیق (DL) و یادگیری ماشینی (ML) می توان به پیش بینی پره اکلامپسی در زنان پرداخت، بطوریکه که داده های مورد استفاده برای پیش بینی پره اکلامپسی از الگوریتم هایی پیروی میکنند که داده ها و محدودیت های این الگوریتم ها طی مطالعات گوناگون ارزیابی و بدست آمدند. بررسی مطالعات مختلف نشان داد که می توان از منابع اطلاعاتی از جمله: داده های بالینی، پرسشنامه ها، داده های آزمایشگاهی مختلفی همچنین برای افزایش دقت پیش بینی از اطلاعات بالینی فرد از جمله: سن بارداری، فشار خون، قد، وزن و سابقه پره اکلامپسی مادر استفاده کرد. بهترین این مطالعات از میانگین فشار شریانی، پروتئینوری و وجود کراتین در ادرار، استفاده از نتایج سونوگرافی داپلر و نسبت sFlt-1/PIGF نیز در الگوریتم خود نیز استفاده کردند. از این الگوریتم ها میتوان به الگوریتم شبکه عصبی (DNN)، رگرسیون لجستیک (LR^۴)، ماشین برداری پشتیبانی (SVM^۵)، درخت تصمیم (DT^۶) و جنگل تصادفی (RF^۷) نام برد که از میان این الگوریتم ها مدل RF دقت بالاتری را نشان داده است، بنابراین از روش های هوش مصنوعی می توان برای تفسیر این اطلاعات و ارائه ی غربالگری آن استفاده کرد.

نتیجه گیری: با توجه به پیشرفت های قابل توجه هوش مصنوعی و تاثیر روز افزون فناوری های نوین در زندگی جوامع بشری، هوش مصنوعی به بخشی از زندگی روزمره انسان ها تبدیل شده است و می توان با افزایش اعتماد آن در بین جامعه و ایجاد زیر ساخت های مناسب از آن به بهترین شکل استفاده نمود. از مزیت های اصلی استفاده از هوش مصنوعی این است که خروجی ذهنی فردی نیست و به دلیل این که بر اساس داده ها و نتایج دنیای واقعی تفسیر و تحلیل می شوند، پتانسیل تحول در حوزه ی مراقبتی و غربالگری را دارند، می توان با قرار گیری این فناوری ها در مسیر جمع آوری داده و تفسیر آنها در غربالگری های روتین مادران باردار به غربالگری اختلال پره اکلامپسی نیز با بیشترین دقت پرداخت، استفاده از این فناوری ها این الگوریتم ها با ارائه ی تشخیص های دقیق، کاهش هزینه های مراقبتی، کاهش بار کاری پزشکان و ارائه تجزیه و تحلیل آزمایشات میتوانند تاثیر بسزایی در سلامت مادران کمک کند.

واژه های کلیدی: هوش مصنوعی، پره اکلامپسی، زنان باردار، یادگیری ماشینی

^۴ Logistic regression

^۵ Support vector machines

^۶ Decision Tree

^۷ Random Forest

سندھ کے لیے
جمعہ ماہ ۱۴۴۱ھ
۱۰ دسمبر ۲۰۱۹ء

رویکردہای نوین در نازایی و پیشگیری از سقط

The 1st International Congress on Sustainable Population & Secure Future
and The 2nd Festival of Art in Midwifery

The relationship between food insecurity and pregnancy outcomes: A review



Shiva Ahrari^{1, 2}, Fatemeh Izadfar¹, Maryam Fayaz Pasandideh-Belghan¹, Simin Alizadeh¹, Maryam Mohammadzadeh¹, Mehrara Hashempor¹, Masoumeh Pormohammadi¹, Zohreh Sadat Sangsefidi^{1*}.

¹Department of Nutrition, School of Public Health, North Khorsan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

²Student Research Committee, Department of Nutrition, Faculty of Public Health, North Khorsan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

Corresponding author: Zohreh Sadat Sangsefidi, Department of Nutrition, School of Public Health, North Khorsan University of Medical Sciences, * Bojnurd, Iran. E-mail: sangsefidi.zsadat@gmail.com

Abstract

Introduction: Undesirable nutrition can adversely affect maternal and fetal as well as infant health. However, studies examining relationship between maternal food insecurity and pregnancy outcomes have yielded conflicting results. Thus, this study aimed to review and discuss related studies in this field.

Search strategy: Various keywords such as “food security, food insecurity, pregnancy outcomes, and pregnancy” were applied using multiple databases such as PubMed, SID, and Google Scholar.

Results: Based on the results of numerous studies, food insecurity may be associated with an increased risk of outcomes such as preterm birth, and unfavorable effects on maternal weight gain or weight of baby. For other outcomes like gestational diabetes, hypertension, preeclampsia, anemia, and etc., some studies reported significant associations with food insecurity, while others failed to find significant results.

Conclusion: Although some studies reported that food insecurity may have some adverse effects on health of mother and her baby, there are many inconsistencies in this area yet. Thus, additional studies particularly cohort studies are required to establish robust and precise evidence in this field.

Keywords: Food insecurity, Food security, Pregnancy, Pregnancy outcomes.

بررسی شاخص های آلودگی هوا و تاثیر آن بر روی ناباروری

زنان (مطالعه مروری)

سیده نسترن اسدزاده^۱، علی پاسبان^۱ رضوان رجب زاده^۲، مدینه پناهی^۳

۱. استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. استادیار، گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۳. دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: از دلایل عمده مرگ و میر نوزادی و ناتوانی در سایر دوران زندگی، نقایص مادرزادی، تولد زودرس و تاخیر رشد داخل رحمی می باشد. با توجه به اینکه عوامل موثر بر سلامت دوران بارداری اهمیت بالایی دارد هدف مطالعه حاضر بررسی شاخص های آلودگی هوا بر روی ناباروری زنان و سقط جنین می باشد.

روش کار: در این مطالعه مروری سیستماتیک، از کلمات کلیدی فارسی گرد و غبار، آلودگی هوا، ناباروری زنان و سقط جنین و سلامت انسان و معادل آن ها در انگلیسی استفاده و مقالات منتشر شده از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ موجود در پایگاه های جستجو Iran Medex و Science Direct، Magiran، Springer، Google Scholar، Pubmed جمع آوری شدند.

یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان داد که آلاینده های شاخص هوا می تواند بر روی ناباروری و سقط جنین اثرگذار باشد. ذرات ۲.۵ میکرومتر (PM_{2.5}) و ذرات ۲/۵-۱۰ میکرومتر (PM_{10-2.5}) با کاهش باروری و ذرات ۱۰ میکرومتر (PM₁₀) با افزایش سقط جنین همراه بود. آلاینده دی اکسید نیتروژن و اوزون با کاهش تولد زنده همراه بود. در حالی که دی اکسید گوگرد، مونوکسید کربن و دی اکسید نیتروژن ممکن است باعث سقط جنین و مرده زایی شود.

نتیجه گیری: محدودیت یافته های ما در این واقعیت است که طراحی مطالعات شامل مشاهده و گذشته نگر است. علاوه بر این، ناهمگونی گسترده ای در بین مطالعات وجود داشت. نتیجه گیری قطعی، به نظر می رسد آلودگی هوا می تواند موضوعی نگران کننده برای ناباروری زنان باشد.

بررسی نقش سلامت همراه در آموزش خودمراقبتی افراد مبتلا

به ناباروری: یک مرور نظام مند

آیناز اسماعیل زاده، علیرضا رسولیان، محمدرضا مظاهری حبیبی*

دانشگاه علوم پزشکی وارستان

مقدمه: ناباروری به عنوان عدم موفقیت در بارداری پس از ۱۲ ماه رابطه جنسی منظم محافظت نشده تعریف می‌شود. تقریباً ۸۵٪ از زوج های نابارور علت قابل شناسایی دارند. شایع ترین علل ناباروری اختلال در تخمک گذاری، ناباروری با عامل مردانه و بیماری لوله های رحمی است. ۱۵٪ باقی مانده از زوج های نابارور "ناباروری غیرقابل توضیح" دارند. سبک زندگی و عوامل محیطی مانند سیگار کشیدن، چاقی، استرس و فرسودگی کاری می توانند بر باروری تأثیر منفی بگذارند. اختلالات تخمک گذاری حدود ۲۵٪ از تشخیص های ناباروری را تشکیل می دهند. ۷۰٪ زنان مبتلا به عدم تخمک گذاری به سندرم تخمدان پلی کیستیک مبتلا هستند. ناباروری همچنین می تواند نشانگر یک بیماری مزمن زمینه ای مرتبط با ناباروری باشد. از طرف دیگر برای بهبود کیفیت زندگی افراد مبتلا به ناباروری و پیشگیری از ابتلا به آن می توان از فناوری سلامت همراه و آموزش خودمراقبتی استفاده کرد.

هدف: هدف از انجام این مطالعه بررسی نقش سلامت همراه در آموزش خودمراقبتی افراد مبتلا به ناباروری بود.

روش: این مطالعه به صورت مرور نظام مند با جستجو در پایگاه داده های معتبر PubMed و Web of Sciences و موتور جستجوی Google Scholar انجام شد. کلیدواژه های infertility، self-care، mobile health در مطالعات مرتبط بین سال های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ بررسی گردید. مطالعات انگلیسی زبانی که به بررسی نقش سلامت همراه در درمان ناباروری پرداخته بودند معیار ورود را برآورده کردند. عناوین و چکیده ها به طور مستقل مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس متن کامل مقالات بررسی شد و یک فرم یکسان با فیلدهای عنوان مطالعه، سال انتشار، کشور، تعداد شرکت کنندگان، اهداف مطالعه و یافته های اصلی مطالعه برای مرحله استخراج داده ها استفاده شد.

یافته ها: تعداد ۱۸ مقاله از پایگاه های اطلاعاتی مذکور بازبایی شد. بعد از مطالعه عنوان و چکیده مقالات و در نظر گرفتن معیار های ورود و خروج مطالعه، در نهایت ۸ مقاله وارد مطالعه شد. یافته های این مطالعات نشان داد که سلامت همراه می تواند در حیطه آموزش، خودمراقبتی، توانمندسازی و ارتقای سطح کیفیت زندگی در افراد مبتلا به ناباروری مفید باشد. رعایت بهداشت جنسی و مدیتیشن تاثیر بسزایی بر درمان ناباروری دارد. افراد مبتلا به ناباروری نیاز به ارتقای دانش خود در مورد این بیماری و روش های خودمراقبتی دارند تا بتوانند بیماری خود را مدیریت کنند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که استفاده از سلامت همراه در آموزش خودمراقبتی افراد مبتلا به ناباروری باعث افزایش کیفیت زندگی این بیماران خواهد شد. هرچند که هنوز مطالعات بیشتری باید در این زمینه در جهت افزایش آگاهی افراد نابارور انجام شود.

مهديه زاهدي^۱، مرتضى اسماعيل زاده کواکي^۲

۱. دانشجو مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۲. مربی گروه مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه: از آنجا که با گذشت زمان و با گسترش صنایع مختلف و فعالیت های انسانی، میزان آلاینده های در هوا افزایش یافته است، مقالات و مستندات مرتبط با اثرات این آلاینده ها بر سلامت افراد به ویژه ریسک ناهنجاری های مادرزادی - که یکی از علل اصلی مرگ و میر زودرس در نوزادان شناخته می شود- بیشتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. در این نوشتار با بررسی شواهد موجود و انتخاب موارد مرتبط در قالب یک مقاله مروری ارتباط بین آلودگی هوا با ریسک ناهنجاری های مادرزادی، مورد ارزیابی قرار گرفت

روش جستجو: در این مطالعه مروری تاثیر آلودگی هوا بر ناهنجاریهای مادرزادی، جستجوی مقالات با استفاده از کلید واژه های SID، Iranmedx، آلودگی هوا، ناهنجاریهای مادرزادی و معادل انگلیسی آنها در مجلات فارسی و انگلیسی زبان نمایه شده در و در فاصله سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ انجام شد Scopus، Pubmed، Google scholar.

یافته ها: از بین ۵۰ مقاله یافت شده تعداد ۱۰ مقاله مورد بررسی قرار گرفت که نتایج مطالعات نشان می دهد مواجهه مادران با آلودگی هوا در سه ماه اول بارداری باعث افزایش ناهنجاری های جنینی می شود. ارتباط بین آلودگی هوا با ناهنجاری های قلبی و با ناهنجاریهایی قلبی، لب NO_۲ و NO_۳، CO، SO_۲، PM_{۱۰}، PM_{۲.۵}، فک-دهان تأیید شده است. سطوح بالای آلاینده های شکری با یا بدون شکاف کام همراه است

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد مواجهه با آلودگی هوا در دوران بارداری باعث افزایش میزان ناهنجاریهای قلبی و فک-دهان میشود

Disrespectful and Abusive Behaviors Experienced by Women during Labor and Childbirth: A review



Seyede Zahra Ghaemi¹

¹. Assistant professor of sexual and reproductive health. Department of Midwifery, Estahban Branch, Islamic Azad University, Estahban, Iran

Introduction: One of the main violations of the basic rights of women and their unborn children is performing disrespectful and abusive behaviors during childbirth and maternity care. So, the current study aimed to provide current conditions of Respectful maternity care (RMC) and related factors by a systematic review design.

Materials and Methods: Studies that assessed the situation of RCM and influential factors were included. A comprehensive literature searches were conducted from online databases including; PubMed, Elsevier, Embase, Scopus, WHO RHL, ProQuest, ongoing ISRCT and ICTRP registers, and also the White Ribbon Respectful Maternity Care Repository.

Results: There was a considerable heterogeneity associated with methods applied by available investigations in this field of study, which did not implement standard sequels in order to evaluate RCM or other related factors. RCM has twelve fields with specific definitions derived from the women's rights. According to the evidence, maternity care is associated with respectful behaviors, non-confidentiality, inappropriate verbal behaviors, carelessness, and demission; In addition, researchers found that D&A accelerators could lead to the failure of health systems. These factors included the gender gaps, bullying hierarchies, lack of settlement, sources, and improvement opportunities. therefore, RMC is highly required to increase the proportion of satisfaction and outcomes.

Conclusion: RCM guidelines with multiple elements would decrease the experiences of disrespectful and abusive (D&A) behaviors among women. There are various factors that lead to a sustainable increase in institutional delivery including the assurance of quality, sympathetic, and clinical services.

Keywords: Respectful maternity care, Quality of care, maternal health, Childbirth, health facility.

گزارش یک مورد بارداری موفق حاصل ای وی اف در خانمی

باهیپوگنادیسم-هیپوگنادوتروپیسم

- ۱-مریم امیدی کارشناس ارشد آموزش مامایی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
- ۲-سپیده همدیمان کارشناس ارشد آموزش مامایی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
- ۳-طوبی فرازند، فلوشیپ نازایی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
- ۴-فاطمه تنهایی کلاته سبزو، دکترای بیولوژی تولیدمثل، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
- ۵-مریم حسن زاده، دکترای بهداشت باروری، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: هیپوگنادیسم-هیپوگنادوتروپیسم یک اختلال نادر می باشد که عامل نازایی ۵-۱۰ درصد از خانم های بدون تخمک گذاری است و می تواند منجر به اختلالات بلوغ و ناباروری گردد. در این مطالعه یک بیمار با اختلال فوق و بارداری موفق گزارش می گردد.

معرفی بیمار: گزارش خانمی ۲۷ ساله با تشخیص هیپوگنادیسم هیپوگنادوتروپیک، با سلبقه دو سال و نیم نازایی و آمنوره اولیه و یکبار آی وی اف ناموفق، تحت درمان با گنادوتروپین ها جهت تحریک تخمک گذاری قرار داده شد که منتهی به یک بارداری موفق گردید.

جهت شروع سیکل آی وی اف، تحریک تخمک گذاری با سه آمپول اچ ام جی معادل ۲۲۵ واحد، در روز ۲ سیکل بعد از انجام سونوگرافی واژینال شروع شد و در روز ۶ سیکل ۷۵ واحد دیگر به علت عدم پاسخ تخمدانها اضافه شد. سپس در روز ۱۱ سیکل به دلیل پاسخ نامناسب تخمدانها، ۷۵ واحد دیگر به دوز قبل اضافه گردید و در مجموع به ۳۸۵ واحد روزانه رسانده شد و تا روز ۱۲ سیکل نیز ادامه یافت. روز ۱۳ سیکل که سلیز فولیکولها در هر دو تخمدان به ۲۰-۱۸ م م رسیده بود، قرص واژینال گابروکولین هر ۱۲ ساعت شروع و ساعت ۹ شب دو آمپول اچ سی جی ۵۰۰۰ عضلانی با هم تزریق شد. روز ۱۵ سیکل در تاریخ ۰۱/۱۱/۲۳ ساعت ۹ صبح عمل تخمک کشی انجام گردید که حاصل آن ۸ اووسیت بود و در مجموع سه جنین تشکیل و فریز شد. جهت انتقال جنین دو سیکل بعد در روز ۳ سیکل بعد انجام سونوگرافی واژینال، آندومتر با تجویز قرص استرادیول ۲ میلی گرمی (سه روز اول روزانه ۴ میلی گرم و سپس روزانه ۶ میلی گرم) آماده سازی شد. همچنین روز ۱۵ سیکل شیاف پروژسترون و قرص دوفاستون هر ۱۲ ساعت تجویز شد و در نهایت روز ۰۲/۲/۴ معادل روز ۱۷ سیکل، دو جنین گرید ۱ و یک جنین گرید ۲ انتقال داده شد. روز بعد انتقال جنین ها، تست بارداری بیمار مثبت شد و در تاریخ ۰۲/۰۳/۷ تحت سونوگرافی واژینال دو جنین زنده دارای ضربان قلب دی کوریون، دی آمنیون با سن حاملگی ۷ هفته گزارش گردید.

نتیجه گیری: تشخیص مناسب و درمان به موقع با گنادوتروپین ها و استفاده از تکنیکهای کمک باروری مانند ای وی اف در درمان ناباروری بیماران با اختلال فوق موثر می باشد.

The Role of Regulatory Cells and Effective Molecules in Safeguarding Gametes and Fetal



Bahram Bibak¹, Mehdi barati^{2,3}, Sara Ghasem³, Abozar Nasiri Jahrodi³

¹ Department of Physiology and Pharmacology, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

² Vector-borne Diseases Research Center, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

³ Department of laboratory and hematology, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Introduction: Regulatory cells are a crucial component of the immune system, known for their vital role in protecting gametes, including oocytes and sperm. These cells, through their interactions with specific molecules, contribute to the regulation and balance of the immune system, preventing attacks on gametes and the irreversible complications that may arise. This paper delves into the intricate role of regulatory cells in protecting gametes and emphasizes their significance in maintaining immune homeostasis during the maternal-fetal interface. Additionally, we highlight the utilization of up-to-date research articles obtained from reputable sources such as Scopus, Google Scholar, and ISI Web of Science to inform our investigation.

Methods: In this research, we employed advanced methodologies that incorporated the analysis of the most current research articles from databases including Scopus, Google Scholar, and ISI Web of Science. These sources allowed us to comprehensively examine the role of regulatory cells and effective molecules in maintaining immune balance during pregnancy.

Result:

A group of immune molecules play a significant role in safeguarding gametes as a novel connective tissue in the mother's body. TGF-B plays a critical role in regulating regulatory cells and has a substantial impact on immune system balance. They assist in regulating the immune system's interactions with gametes. IL-10 acts as a regulatory molecule in the immune system, reducing the threat to gametes and decreasing anti-gamete antibodies. CTLA-4, a protein found in regulatory cells, contributes to immune system regulation and minimizes detrimental interactions with gametes

Conclusion:

The role of regulatory cells and their interactions with various molecules significantly contribute to the regulation of immune interactions with gametes, preventing unwarranted attacks. This crucial role ensures the health and well-being of gametes and protects against the complications associated with harmful antibody production. This review paper provides a comprehensive insight into the role of regulatory cells and effective molecules in preserving gametes and fetal health within the maternal-fetal interface. It serves as a vital foundation for future research in this area, emphasizing the importance of immune tolerance for successful pregnancy development and fetal well-being

The Role of NK Cells in Eliminating Unhealthy Oocytes



Mehdi barati^{1,2}, Bahram Bibak², Sara Ghasem², Abozar Nasiri Jahrodi²

¹Vector-borne Diseases Research Center, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

²Department of Physiology and Pharmacology, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

³Department of laboratory and hematology, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Introduction : Natural Killer (NK) cells play a vital role in the body's specific immune system and are essential in pursuing and eliminating unhealthy oocytes. In this study, we investigate the role of these self-destructing cells in detecting and destroying unhealthy oocytes

Methods: Using the terms Natural Killer cells , Oocytes, Pregnancy, as well as the search engines PubMed and Google Scholar, as well as a visit to the websites of Iranian traditional medicine journals, Iran Doc, relevant papers were gathered for this common review study.

Result: The results of this research indicate that NK cells possess Killer-Activating molecules that interact with unhealthy oocytes. This interaction allows NK cells to identify and eliminate unhealthy oocytes. Furthermore, Killer-Inhibitory molecules also support healthy oocytes and prevent conflicts.

Conclusion: This study confirms the critical role of NK cells in preserving reproductive health and preventing the production of unhealthy embryos. The interaction of Killer-Activating and Killer-Inhibitory molecules in maintaining the balance between unhealthy and healthy oocytes is crucial. This research provides a starting point for future studies in this field.

Mehdi barati^{1,2}, Bahram Bibak², Sara Ghasem³, Abozar Nasiri Jahrodi³

¹ Vector-borne Diseases Research Center, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

² Department of Physiology and Pharmacology, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran.

³ Department of laboratory and hematology, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Introduction : Probiotics are a group of microorganisms that reside in the digestive system and the body's immune system, playing a crucial role in maintaining the health of the digestive system and the balance of the microbiome. These microorganisms contribute to the balance of the immune system and the well-being of the mother and fetus during pregnancy.

Methods: Using the terms probiotics , pregnancy, bacteria, prebiotics as well as the search engines PubMed and Google Scholar, as well as a visit to the websites of Iranian traditional medicine journals, Iran Doc, relevant papers were gathered for this common review study.

Result: Probiotics assist in maintaining the balance of the gastrointestinal microbiome, which is of great importance in nutrient absorption, the production and regulation of cytokines, and the prevention of inflammation. During pregnancy, the mother's immune system becomes weaker, increasing the risk of gastrointestinal and urinary tract infections. Probiotics can help strengthen the local immune system of the digestive system and prevent pregnancy-related infections. Some gastrointestinal issues like constipation and diarrhea are common during pregnancy

Conclusion: Probiotics can aid in regulating stomach-intestine transit and preventing gastrointestinal problems. Some studies have indicated that the consumption of probiotics may have a positive impact on fetal growth and development. These microorganisms may contribute to providing the necessary nutrients for the fetus and enhancing nutrient absorption by the mother. Probiotics during pregnancy can help maintain the health of both the mother and fetus by regulating the microbiome, preventing infections, reducing gastrointestinal problems, and ensuring the necessary nutritional support. However, it is always recommended to consult with a healthcare professional or nutrition specialist before using probiotics during pregnancy

Sexual dysfunction in the shadow of vaginismus



Mojdeh Banaei^۱, Nasibeh Roozbeh^۲, Vida Ghasemi^۳

۱. Mother and Child Welfare Research Center, Hormozgan University of Medical Sciences, Bandar Abbas, Iran

۲. Department of Public Health, Asadabad School of Medical Sciences, Asadabad, Iran

Background: Sexual health encompasses physical, emotional, mental, and social aspects of sexuality, which faces many challenges and issues. Vaginismus are one of the types of women's sexual problems that affect their sexual health and fertility, and are often misdiagnosed. Vaginismus leads to physical pain, depression, as well as feelings of frustration and sexual inefficiency, which may gradually cause problems in the sexual desire of most diagnosed women. Therefore, the present study was carried out with the aim of explaining sexual dysfunction in Iranian women with vaginismus.

Materials and Methods: This qualitative study was conducted through the participation of ۱۰ women with vaginismus (۲۰-۴۰ yr) in ۲۰۲۲, Iran. The samples were selected using purposive sampling method and considering the maximum variation. For data collection, in-depth semi-structured individual interviews were conducted and continued until data saturation was reached. The collected data were analyzed in MAXQDA ۱۰ software using conventional content analysis approach based on the criteria proposed by Graneheim and Lundman.

Result: In this study, the average of age and duration of marriage were $۳۰,۱۸ \pm ۴,۰۹$ and $۷,۱۳ \pm ۳,۷۰$ years, respectively. Data analysis led to the emergence of three main themes: ۱) "negative effect of vaginismus on sexual function" with four subcategories of sexual arousal disorder, sexual desire disorder, orgasm disorder and the effect of vaginismus on the occurrence of sexual disorder in the spouse, ۲) "impairment of the couple's sexual role" with two subcategories of failure in sexual relationship and void in sexual life and ۳) "low sexual self-efficacy" with two subcategories of couple's sexual deficiency and feeling of sexual inadequacy

Conclusion: The results of this study have shown that the affected women experience a series of physical and mental sufferings that are specific to this sexual problem during marital intercourse and vaginal examination, which leads to sexual frustration of the couple through a negative effect on sexual function and a decrease in sexual self-efficacy. And their sexual role has been violated. Therefore, based on the findings of the current research, in the process of treating this sexual problem, the treatment team should have a special focus on improving all aspects of the sexual function of these people (both the woman and her husband) so that they can help improve the sexual health of these couples.

محبوبه فرامرزی^۱، هاجر پاشا^{۱*}، صدیقه اسماعیل زاده^۱، فرزانه خیرخواه^۳، کریم الله حاجیان تیلکی^۲، هاجر ادیب راد^۱

^۱مرکز تحقیقات بهداشت باروری و ناباروری، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

^۲مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

^۳دپارتمان روان پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

نویسنده مسئول، دکتری بهداشت باروری *

E-mail: dhajarpasha@gmail.com

مقدمه: ناباروری به عنوان یک چالش حیاتی بهداشتی است که پیامدهای روانی اجتماعی نامطلوبی بر زنان نابارور دارد. هدف ما بررسی نقش خودکارآمدی ناباروری بر سلامت رفتار در زنان نابارور بود.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی بر روی ۸۹ زن نابارور تحت درمان باروری در بیمارستان ناباروری فاطمه زهرا (س) بابل، ایران انجام شد. خودکارآمدی با استفاده از پرسشنامه (ISE) و مقیاس های رفتاری سلامت با استفاده از پرسشنامه های افسردگی بک (BDI)، مقیاس اضطراب کنترل (CAS)، شاخص مشکل باروری (FPI) و پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) مورد ارزیابی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن انجام شد. P-value کمتر از ۰/۰۵ از نظر آماری معنی دار در نظر گرفته شد.

نتایج: میانگین خودکارآمدی ناباروری $1/39 \pm 6/18$ بود. بیش از نیمی از زنان نابارور اعتماد به نفس بالایی داشتند (۵۳/۹٪). بین ISE با ویژگی های جمعیت شناختی از جمله شغل (۶۲/۷٪ در مقابل ۳۷/۹٪، $p=0/016$) و محل اقامت (۷۵٪ در مقابل ۳۵٪، $p=0/016$) زنان نابارور رابطه معنی داری وجود داشت. زنان نابارور با تحصیلات بالاتر، سن بالاتر و مدت زمان ناباروری بیشتر از خودکارآمدی کمتری برخوردار بودند. بین ISE با اضطراب آشکار ($P=0/011$)، افسردگی ($P=0/018$)، اضطراب کنترل ($P=0/018$)، نگرانی اجتماعی ($P=0/003$)، و نگرانی زناشویی FPI ($P=0/025$) رابطه معکوس معنی داری وجود داشت. بین ISE با سلامت عمومی همبستگی مستقیم و معنی داری وجود داشت ($P=0/004$).

نتیجه گیری: خودکارآمدی ناباروری در زنان مبتلا به ناباروری تحت تأثیر سلامت رفتاری قرار گرفت. بنابراین، در مداخلات روان شناختی که بهبود خودکارآمدی را در زمینه ناباروری هدف قرار می دهند، در نظر گرفته شود

اختلال عملکرد جنسی و عوامل مرتبط با آن در زنان نابارور

زهرا بصیرت^۱، هاجر پاشا^۲، صدیقه اسماعیل زاده^۳، محبوبه فرامرزی^۴

۱. مرکز تحقیقات بهداشت باروری و ناباروری، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

۲. مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

مقدمه: اختلال عملکرد جنسی در زنان نابارور شایع است و به عنوان یک مشکل بهداشتی جهانی به شمار می رود. ناباروری اثرات نامطلوبی بر عملکرد جنسی زناشویی دارد. این مطالعه با هدف بررسی اختلال عملکرد جنسی و عوامل مرتبط با آن در زنان نابارور انجام گرفت.

مواد و روشها: این مطالعه مقطعی بر روی ۲۰۸ زن نابارور مراجعه کننده به مرکز ناباروری و باروری فاطمه زهرا(س) بابل، ایران انجام شد. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه دموگرافیک و باروری، و شاخص عملکرد جنسی زن (FSFI) بود. نمره کمتر از ۲۶/۵۵ "در معرض خطر" برای اختلال عملکرد جنسی در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری توصیفی، آزمون t مستقل، کای دو، رگرسیون خطی و لجستیک استفاده شد. سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ بود.

یافته ها: میانگین (\pm انحراف معیار) نمره کل عملکرد جنسی $26/18 \pm 4/14$ و در زیرمقیاسهای عملکرد جنسی شامل میل ($3/72 \pm 0/73$)، برانگیختگی ($3/77 \pm 0/94$)، لغزندگی ($4/54 \pm 0/86$)، ارگاسم ($4/58 \pm 1/05$)، رضایت ($4/75 \pm 1/11$) و درد جنسی ($4/83 \pm 1/07$) بود. کمترین میانگین خرده مقیاس‌های شاخص عملکرد جنسی مربوط به میل و سپس برانگیختگی در شرکت کنندگان بود. ۴۶/۶ درصد از زنان نابارور دچار اختلال عملکرد جنسی بودند. ارتباط آماری معنی داری بین عملکرد جنسی و همه حیطه‌های عملکرد جنسی مشاهده شد. مقادیر استاندارد شده بتا نشان داد که ارگاسم به بیشترین مقدار واریانس منحصر به فرد در مدل عملکرد جنسی در زنان نابارور شرکت می کند و سپس بوسیله رضایت جنسی، برانگیختگی جنسی، لغزندگی، میل جنسی، و درد جنسی دنبال می شود ($P < .0/001$). بین تمامی خرده مقیاس‌های عملکرد جنسی (به جز میل و درد جنسی) همبستگی معنی داری وجود داشت. قوی ترین مقدار همبستگی بین خرده مقیاس‌های ارگاسم و رضایت جنسی، و سپس ارگاسم با برانگیختگی مشاهده شد. پس از تعدیل سایر متغیرها، رگرسیون چندگانه ارتباط آماری معنی داری را بین اختلال عملکرد جنسی و تحصیلات ($P < .0/007$)، تحصیلات شوهر ($P < .0/041$)، و علت ناباروری ($P < .0/023$) نشان داد.

نتیجه گیری: بررسی بالینی روتین و غربالگری زودهنگام عوامل خطر برای تشخیص اختلال عملکرد جنسی در مراکز ناباروری پیشنهاد می شود.

زهرا بصیرت^۱، هاجر پاشا^۲، صدیقه اسماعیل زاده^۳، محبوبه فرامرزی^۴

^۱ مرکز تحقیقات بهداشت باروری و ناباروری، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
^۲ مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

مقدمه: اختلال عملکرد جنسی در زنان نابارور شایع است و به عنوان یک مشکل بهداشتی جهانی به شمار می رود. ناباروری اثرات نامطلوبی بر عملکرد جنسی زناشویی دارد. این مطالعه با هدف بررسی اختلال عملکرد جنسی و عوامل مرتبط با آن در زنان نابارور انجام گرفت.

مواد و روشها: این مطالعه مقطعی بر روی ۲۰۸ زن نابارور مراجعه کننده به مرکز ناباروری و باروری فاطمه زهرا(س) بابل، ایران انجام شد. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه دموگرافیک و باروری، و شاخص عملکرد جنسی زن (FSFI) بود. نمره کمتر از ۲۶/۵۵ "در معرض خطر" برای اختلال عملکرد جنسی در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های آماری توصیفی، آزمون t مستقل، کای دو، رگرسیون خطی و لجستیک استفاده شد. سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ بود.

یافته ها: میانگین (± انحراف معیار) نمره کل عملکرد جنسی ۲۶/۱۸±۴/۱۴ و در زیرمقیاس های عملکرد جنسی شامل میل (۳/۷۲±۰/۷۳)، برانگیختگی (۳/۷۷±۰/۹۴)، لغزندگی (۴/۵۴±۰/۸۶)، ارگاسم (۴/۵۸±۱/۰۵)، رضایت (۴/۷۵±۱/۱۱) و درد جنسی (۴/۸۳±۱/۰۷) بود. کمترین میانگین خرده مقیاس های شاخص عملکرد جنسی مربوط به میل و سپس برانگیختگی در شرکت کنندگان بود. ۴۶/۶ درصد از زنان نابارور دچار اختلال عملکرد جنسی بودند. ارتباط آماری معنی داری بین عملکرد جنسی و همه حیطه های عملکرد جنسی مشاهده شد. مقادیر استاندارد شده بتا نشان داد که ارگاسم به بیشترین مقدار واریانس منحصر به فرد در مدل عملکرد جنسی در زنان نابارور شرکت می کند و سپس بوسیله رضایت جنسی، برانگیختگی جنسی، لغزندگی، میل جنسی، و درد جنسی دنبال می شود (P<. ۰/۰۰۱). بین تمامی خرده مقیاس های عملکرد جنسی (به جز میل و درد جنسی) همبستگی معنی داری وجود داشت. قوی ترین مقدار همبستگی بین خرده مقیاس های ارگاسم و رضایت جنسی، و سپس ارگاسم با برانگیختگی مشاهده شد. پس از تعدیل سایر متغیرها، رگرسیون چندگانه ارتباط آماری معنی داری را بین اختلال عملکرد جنسی و تحصیلات (P<. ۰/۰۰۷)، تحصیلات شوهر (P<. ۰/۰۴۱)، و علت ناباروری (P<. ۰/۰۲۳) نشان داد.

نتیجه گیری: بررسی بالینی روتین و غربالگری زود هنگام عوامل خطر برای تشخیص اختلال عملکرد جنسی در مراکز ناباروری پیشنهاد می شود.

Identifying the Effects of AZFc Micro-deletions on Gene Expression Profiles of Infertile Men with AZFc Deletions vs Fertile Men's Testicular Biopsies



Zahra Torki ^{1*}, Mohammad Reza Alivand ¹

¹ Department of Genetics, Faculty of Medicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

Introduction: Y chromosome microdeletions account for 10% cases of male infertility. Normal development of spermatogenesis and testis tissue require the expression of genes present on Y chromosome. Besides Klinefelter syndrome, the microdeletions on Y chromosome are among the genetic factors that underlie infertility in men. The q arm of Y chromosome may harbor microdeletions in AZF (Azoospermia Factor) areas including AZFc in infertile men. In order to attain better understanding of disrupted pathways after the AZFc microdeletions, we conducted a survey on two of the publically available microarray studies concerning this issue.

Materials and Methods: We searched gene expression omnibus (GEO) database using the keyword “male infertility” in homo sapiens. Two datasets including GSE14310 and GSE21113 were detected. We performed microarray data analysis based on limma package with using GEO2R tool comparing testis samples with AZFc deletions to the normal testis tissues. On EnrichR data base, we performed pathway as well as gene ontology analyses, and protein networks were detected using Networkanalyst data base.

Results: For each dataset, the detected gene list was filtered (adjusted pvalue < 0.05 and |LogFC| > 1.5) in order to define the differentially expressed genes (DEGs). GSE14310 had a total of 179 DEGs and GSE21113 had 450 DEGs altogether. The two datasets shared 11 common DEGs including GSTP1, CSNK2A2, P11, PPP1R1A, BAT2, SH2D3A, HK2, MTHFS, KHSRP, GPM1B, and NUP12, which might be marker genes in infertile male with azoospermia, suitable for future studied in this field. The results from KEGG pathway showed Neutrophil Degranulation as the deregulated pathway with the most statistically significance, gene ontology-biological process (GO-BP) results showed Humoral Immune Response Mediated by Circulating Immunoglobulin as the most important one.

Conclusion: This study provided information on signaling cascades and DEGs that affect male infertility in men with AZFc microdeletions.

Evaluation of The Association Between Endometrial Cancer and Recurrent Implantation Failure: Signaling Pathways and



Zahra Turki ¹*, Mohammad Reza Alivand ¹

¹ Department of Genetics, Faculty of Medicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

* zahratorki⁹⁴@gmail.com

Introduction: Infertility and endometrial cancer are both among gynecologic diseases. Successful pregnancy and a healthy reproductive system in female are tied to each other as embryonic development requires suitable condition such as proper implantation. Recurrent implantation failure (RIF) during IVF is one of the causes of infertility in women suffering from endometrial malignancies, although the underlying molecular cascades remain to be detected. Aiming to tackle this issue, we conducted a bioinformatics study.

Materials and Methods: On Gene Expression Omnibus GEO database, we searched for microarray gene expression studies on RIF during IVF as well as endometrial tumor. Using the selected datasets (GSE¹¹¹⁹⁷⁴ and GSE¹³⁶⁷⁸) that are available publicly, differentially expressed genes (DEGs) were screened out with limma package employing GEO²R online tool. Venn diagram construction detected the DEGs consistent in both studies. Then, we entered the list of common DEGs in EnrichR as well as GeneMANIA online tools to detect deregulated pathways and protein networks.

Results: GSE¹¹¹⁹⁷⁴ which is a microarray study on detection of RNA expression endometrial in tissue in RIF vs. control and GSE¹³⁶⁷⁸ studied expression data from endometrial carcinoma tissue. In total, we detected 6 common down expressed DEGs and 10 common up regulated DEGs among both datasets. KEGG pathway analysis results showed that Hippo signaling pathway was the most significantly deregulated pathway in endometrial cancer and RIF. KDR, SNCA, MUC¹, SORBS¹, KRT¹⁷, CTSZ, SRC, FYN, BL, and HSPA¹⁷ were among the detected hub genes.

Conclusion: The findings of this bioinformatics research revealed the shared increased and decreased DEGs among RIF and endometrial cancer. We also identified the critical genes and the altered protein network associated with these two disorders, presenting further in-depth research topics on the association between female infertility and endometrial cancer

The Impact of Assisted Reproductive Technology on Population Growth: Challenges and Opportunities



Fatemeh Tanhaye Kalate Sabz^۱, Sonia Fathi-karkan^۲

۱. Department of Anatomical Sciences and Pathology, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۲. Department of Advanced Sciences and Technologies in Medicine, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd ۹۴۱۴۹۷۴۸۷۷, Iran
۳. Department of Advanced Sciences and Technologies in Medicine, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd ۹۴۱۴۹۷۴۸۷۷, Iran

Assisted Reproductive Technology (ART) represents a collection of medical procedures developed to address infertility, a condition that poses a significant burden on the mental health and well-being of affected couples. The alleviation of stress, anxiety, and depression associated with infertility through ART can greatly improve the quality of life of these individuals, thereby indirectly contributing to societal health metrics. Beyond the individual level, ART has a wider implication on demographic trends. It has the potential to influence population growth, a dimension that is contingent on factors such as the accessibility and success rates of fertility treatments. Recent years have witnessed an escalation in the usage of ART, propelled by the increasing prevalence of infertility and the trend of delayed childbearing, especially in high-income countries. ART can serve as a compensatory mechanism to counteract the aging population phenomenon by facilitating childbirth among older women. This is particularly pertinent in nations grappling with low fertility rates and an aging demographic. However, while ART can bolster birth rates, it may also engender health repercussions for offspring conceived through these methods, underscoring the need for comprehensive evaluation of the risk-benefit ratio of ART when considering its effects on population growth. Evidence suggests that an aging population can jeopardize future living standards and societal cohesion. In this context, ART plays a crucial role in mitigating declining fertility rates, and hence, it could significantly impact economic and demographic facets. Consequently, ART should be integrated into the broader population policy framework. However, the multifaceted influence of ART on population growth is complex and further complicated by existing barriers to its utilization. These include the limited availability of ART, prohibitive costs, and prevailing societal perceptions of these technologies. Future research should aim to address these obstacles, thereby maximizing the potential benefits of ART on both individual and societal levels

The Tobacco and male fertility parameters: a narrative review



Tanhaye Kalate Sabz^۱, Sonia Fathi-karkan^۲

۱. Department of Anatomical Sciences and Pathology, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
۲. Department of Advanced Sciences and Technologies in Medicine, School of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences
۳. Natural Products and Medicinal Plants Research Center, North Khorasan University of Medical Sciences

Abstract: Tobacco is a highly addictive substance that has many negative effects on various human organs and can cause various health problems. This narrative review assessed the effect of tobacco use on male fertility parameters. The terms "Tobacco, male fertility, semen quality" were searched in PubMed, Science Direct, and Google Scholar, and selected articles were reviewed. Tobacco contains several chemicals, such as nicotine and cadmium, which can directly affect reproductive health, especially sperm quality in men. Studies have shown that nicotine can cause a decrease in the most important parameters of sperm; For example, it can reduce sperm count, impair sperm motility and sperm count, and increase abnormal sperm morphology. Nicotine can damage sperm DNA, causing abnormalities in the offspring. Tobacco use has also been associated with increased oxidative stress, inflammation and apoptosis, which may further reduce sperm quality. In addition, smoking increases the viscosity of semen, which makes it difficult for sperm to move through the genitals. Chemicals in tobacco can also affect hormone levels, reducing testosterone production, sperm production and erectile dysfunction. Many studies have highlighted that the mutagenic effects of tobacco cause sperm DNA fragmentation, genetic mutations and aneuploidy in the germ line. All these factors contribute to a decrease in sperm parameters, which affect male fertility. The adverse effects of tobacco on sperm quality can ultimately lead to impaired reproduction. Therefore, reducing or abstaining from tobacco is crucial for optimal sperm quality and general reproductive health.

حسین تیره^۱، دکتر پیمان آل‌شیراز^۲، مرتضی غفوری فر^۳، اعظم زیبای^۴

۱. واحد توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان امام حسن(ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
۲. مرکز تحقیقات فرآورده‌های طبیعی و گیاهان دارویی، واحد توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان امام حسن(ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
۳. دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.
۴. کارشناس پژوهشی بیمارستان امام حسن(ع)، واحد توسعه تحقیقات بالینی بیمارستان امام حسن(ع)، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

مقدمه: مطالعات اخیر ارتباط بین ابتلا به عفونت هلیکوباکتر پیلوری با بیماری‌های زنان و عوارضی مانند نازایی، سقط‌های مکرر، دیابت بارداری و پره‌اکلامپسی را نشان داده‌اند به طوری که این عفونت به‌عنوان دومین عامل نازایی با علت ناشناخته می‌باشد. این مطالعه مرور سیستماتیک با هدف بررسی ارتباط بین عفونت هلیکوباکتر پیلوری و پیامدهای دوران بارداری انجام گردید.

روش جستجو: جستجو در پایگاه‌های Google scholar، Scopus، PubMed، EMBASE، Web of Science، Cochran library تا تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۲۳ با استفاده از کلیدواژه‌های Pregnancy، Abortion، H Pylori، HP.Helicobacter pylori، Infertility، Hyperemesis gravidarum، Preeclampsia و ترکیب احتمالی آنها انجام شد. تمام مطالعات اصیل انگلیسی زبان شامل مطالعات مقطعی، مورد-شاهد و کوهورت که حداقل یکی از پیامدهای بارداری را گزارش نموده بودند انتخاب شدند. پس از بررسی ۱۳۶۷ مطالعه توسط دو نفر از متخصصین جهت عدم تکراری بودن عناوین، کیفیت مقالات با استفاده از دستورالعمل STROBE مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت ۳۵ مطالعه مورد تایید نهایی قرار گرفت.

یافته‌ها: در مجموع ۳۵ مطالعه با جمعیت کل ۱۹۸۶۶ نفر شناسایی شدند. رابطه بین هلیکوباکتر پیلوری با پیامدهای سقط خودبخودی، پره‌اکلامپسی، تهوع و استفراغ شدید بارداری، دیابت بارداری، آنمی فقر آهن، اختلالات رشد جنینی، نارسایی و کم‌وزنی هنگام تولد نوزاد معنادار گزارش شد ولی ارتباط معناداری بین عفونت هلیکوباکتر پیلوری با زایمان زودرس و مرده زایی گزارش نشده بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه نتایج مطالعه حاضر رابطه بین ابتلا به عفونت هلیکوباکتر پیلوری و پیامدهای بارداری را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد غربالگری و درمان عفونت هلیکوباکتر پیلوری قبل از بارداری بعنوان یک سیاست در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور می‌تواند این پیامدها و عوارض را کاهش دهد.

مشاوره ماما محور بر اساس بهترین شواهد در مردان نابارور مراجعه کننده به کلینیک ناباروری: یک مطالعه مروری

دکتر زهره شاه حسینی^۱، دکتر زینب حمزه گردشی^۲، فائزه حبیب نژاد روشن^۲

۱. استاد، گروه بهداشت باروری و مامایی، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه، ساری، ایران.

مقدمه: برای دستیابی به هدف تأمین، حفظ و ارتقاء سلامت مردم، نظام سلامت باید مداخلاتی را طراحی، اجرا و ارزشیابی کند. ماما در عرصه مشاوره توانسته سهم بزرگی در جامعه داشته باشد. مهارت ها و درک مامایی بالینی به طور مداوم در راستای شواهد تحقیقاتی و نوآوری های خدماتی در حال تغییر است. تحقیقات اخیر حاکی از این است که از هر چهار زوج، یکی با مشکلات باروری گریبانگیر است. مامای مشاوره به عنوان مشاور در حیطه های ناباروری با مشاوره دقیق و علمی نقش مهمی را در حفظ سلامت خانواده و جامعه خواهند داشت. لذا مطالعه حاضر با هدف مشاوره ماما محور بر اساس بهترین شواهد در مردان نابارور مراجعه کننده به کلینیک ناباروری می باشد.

روش جست و جو:

مطالعه حاضر، مطالعه مروری نقلی (Narrative review) بوده که پژوهشگران جهت تدوین آن از پایگاه های اطلاعاتی همچون google scholar, pubmed science direct, scopus, ISI, واز کلمات کلیدی male reproductive, male fertility, midwifery, counseling, سلامت باروری استفاده شد. مجموعه مقاله بررسی شده شامل ۲۰ مقاله ی مروری مداخله بوده است که نهایتاً ۷ مطالعه مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها: ارتقای سلامت در امور باروری یک هدف جهانی است که میتواند با افزایش آگاهی مردان در مورد مسئولیت هایشان به هدف در این زمینه نزدیک شد. ۴۰-۵۰٪ ناباروری ها علت مردانه دارند که تحت تاثیر عوامل بیولوژیک، سایکولوژیک، شخصیتی هستند. که با آگاهی در این زمینه ها میتوان به کاهش ناباروری مردانه کمک کرد.

نتیجه گیری: با توجه به این که مراجعه به کلینیک ناباروری در سال های اخیر افزایش یافته و مراجعین آگاه تر شده اند بنابراین نیاز است تا بطور دقیق و علمی به سوالها و خلاهای ذهنی آنان پاسخ داده شود تا در مسیر درمان به درستی قرار بگیرند. بنابراین اجرای شیوه های مبتنی بر شواهد برای ارتقای کیفیت مراقبت ها و خدمات بهداشتی، توسط ماما مقرون به صرفه است

طوبی فرازمنند^۱ - مریم حسن زاده بشتیبان^۲ - الهام شریفیان^۳ - فاطمه رحیمی نژاد^۴ - هانیه معصومی^۵

دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، در کشورهای در حال توسعه، ۱۵ درصد زوجین سن باروری تحت تاثیر ناباروری هستند. از آنجا که آگاهی از الگو و میزان ناباروری، یکی از شاخص های مناسب برای برنامه ریزی جهت فرزندآوری و سلامت خانواده می باشد. هدف از مطالعه حاضر تعیین فراوانی علل ناباروری در مراجعین به کلینیک ناباروری بود.

روش کار: این مطالعه مقطعی گذشته نگر با استفاده از پرسشنامه پژوهشگر ساخته از پرونده های موجود سالهای ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ کلینیک ناباروری بیمارستان بنت الهدی شهر بجنورد، اطلاعات لازم را استخراج و در صورت نبود داده ای با شماره تماس موجود در پرونده تماس گرفته و پس از معرفی خود و اهداف طرح اقدام به اخذ اطلاعات کرده و در مورد محرمانه بودن اطلاعات به نمونه ها اطمینان داده شد. معیار خروج: در صورت نقص در اطلاعات پرونده و عدم امکان دسترسی به آنها نمونه از مطالعه شد. پس از جمع اوری اطلاعات داده ها جهت تجزیه و تحلیل آماری وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ شده و از آمار توصیفی مرکزی و پراکندگی استفاده شد. یافته ها: از مجموع ۵۳۵ پرونده ۸۶ مورد به دلیل نبود اطلاعات کامل، حذف شدند. از ۴۴۹ پرونده بررسی شده ۸۹/۸٪ زنان غیر شاغل، ۵۸/۴٪ مشغول همسرشان آزاد و ۲۸/۷٪ زنان تحصیلات دبیرستان داشتند. ۶۳٪ در شهر سکونت داشتند. ۷۳/۵٪ فرزندى نداشتند. ۵۷/۷٪ نازایی اولیه و ۲۲/۵٪ نازایی از نوع تخمدانی داشتند. ۷۳/۹٪ سابقه هیچ بیماری نداشتند.

نتیجه گیری: طبق نتایج به دست آمده، شایعترین علت نازایی مراجعین به کلینیک ناباروری بنت الهدی، نازایی اولیه و از نوع تخمدانی در زنان بود

بررسی ارتباط بین اختلال خواب و مشخصات دموگرافیک در زنان نابارور و نتیجه درمان از طریق تلقیح داخل رحمی

زهرا وفائیان^۱، مریم حسن زاده بشتیان^۲، طوبی فرازمنند^۳، علیرضا افشاری صفوی^۴، سیدکاوه حجت^۵، سپیده همدیمان^۶

۱. دانشجوی پزشکی (کارورز) . دانشکده پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. بجنورد. ایران
۲. استادیار. مرکز تحقیقات اعتیاد و علوم رفتاری. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. بجنورد. ایران. ایمیل: bashatian@yahoo.com
۳. استادیار. گروه زنان و زایمان. دانشکده پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. بجنورد. ایران
۴. استادیار. مرکز تحقیقات اعتیاد و علوم رفتاری. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. بجنورد. ایران
۵. دانشیار. مرکز تحقیقات اعتیاد و علوم رفتاری. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. بجنورد. ایران
۶. MSC مامایی. بیمارستان بنت الهدی. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. بجنورد. ایران

مقدمه : زندگی بشر سرشار از تجارب مثبت و منفی است. یکی از این تجارب ناباروری است که مشکلات بهداشتی و اجتماعی جدی به وجود می آورد (۱). ناباروری یک چالش پزشکی منحصر به فرد است (۲). ناتوانی در فرزندآوری به عنوان وضعیت تهدیدکننده ای که می تواند در زوجین نابارور استرس ایجاد کند، تجربه شده است (۲، ۳). زنان ناباروری که درمان کمک باروری دریافت می کنند ممکن است تغییرات هورمونی زیادی را تجربه کنند. این تغییرات هورمونی موجب شکایتهای جسمی، پریشانی روان شناختی و اختلالات خواب می شوند (۴) از طرفی، عوامل اصلی ناباروری به عامل مردانه و عامل زنانه شامل اختلال عملکرد تخمدانی، عامل لوله ای، عامل لگنی و موارد غیر قابل توجیه تقسیم بندی می شوند. (۵). برخی از خصوصیات ذاتی افراد از قبیل استعداد برای ابتلا به افسردگی یا اضطراب از عواملی هستند که توانایی آنان را برای سازگاری با استرس ناشی از ناباروری و ادامه یا قطع درمان تعیین می کنند (۶). یکی از روشهای رایج مورد استفاده برای درمان ناباروری تلقیح داخل رحمی اسپرم می باشد IUI. معمولاً یک استراتژی درمانی خط اول برای ناباروری خفیف مردان است، اگرچه هیچ تعریف رسمی برای ناباروری با عامل مردانه خفیف وجود ندارد. (۷)

یکی از مولفه های بحرانی برای سلامتی و بهزیستی، خواب است (۸). خواب تقریباً یک سوم حیات انسان را شامل می شود و فرایندی است که مغز برای کارکرد صحیح به آن احتیاج دارد زیرا محرومیت طولانی از خواب به تخریب شدید جسمی و شناختی و نهایتاً مرگ می انجامد (۹). زنان هر گونه اختلال خواب اعم از اشکال در شروع خواب، خواب سبک در شب و بیدار شدن مکرر را بیشتر از مردان گزارش می کنند (۱۰). به طور خاص در زمینه تولید مثل زنان، اختلال خواب با افسردگی پس از زایمان، انتقال به یائسگی و احساس ملالت پیش از قاعدگی همراه است (۱۱). در مطالعه (۲۰۱۶) white به سه مسیر که از طریق آنها خواب بر باروری اثر می گذارد، اشاره شده است. این مسیرها شامل موارد ذیل بودند؛ ۱- فعال سازی محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال-۲. (HPA) تغییر مدت زمان خواب و یا تداوم آن ممکن است با ناباروری مستقل از فعال سازی محور (HPA) یا از طریق تقویت محور (HPA) تداخل داشته باشد. ۳- ریتمهای شبانه روزی غیرطبیعی (۱۲). در مطالعه Lin و همکاران، کیفیت خواب اندازه گیری شده با استفاده از شاخص کیفیت خواب پیتسبورگ (PSQI) در ۳۵٪ از خانم هایی که تحت درمان ناباروری با لقاح داخل رحمی قرار داشتند، ضعیف بود (۴). با توجه به اینکه تا کنون مطالعه مشابهی انجام نشده و به دلیل لزوم توجه به این مقوله به جهت اهمیت آن در باروری و درمان ناباروری، لذا هدف از مطالعه حاضر تعیین ارتباط بین مشخصات دموگرافیک و اختلال خواب در زنان نابارور تحت IUI بود.

روش کار : پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی بر روی ۱۳۱ زن نابارور ۱۸ تا ۴۵ ساله مراجعه کننده به کلینیک نازایی بیمارستان بنت الهدی شهر بجنورد، اولین کلینیک ناباروری در استان خراسان شمالی و یک کلینیک ناباروری خصوصی بجنورد در فاصله سالهای ۱۴۰۲-۱۳۹۹ انجام شد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های دموگرافیک و اختلال خواب پیتسبورگ و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری Spss نسخه ۱۶ استفاده شد. پرسشنامه ها در سه بازه زمانی ۰-۱۴-۳۰ روز نسبت به زمان انجام IUI توسط بیماران تکمیل

گردیدند. جهت مقایسه متغیرهای کیفی بین گروه‌ها از آزمون کای دو و برای بررسی و مقایسه متغیرهای کمی در جمعیت مورد مطالعه از آزمون آماری ANOVA با اندازه‌گیری‌های تکراری (repeated measurement) استفاده شد. سطح معنی‌داری داده‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. جهت جمع‌آوری مشخصات فردی و اجتماعی از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک استفاده شد که حاوی اطلاعاتی در مورد سن، تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، مدت، علت و نوع ناباروری، داروهای مورد استفاده برای IUI، سابقه بیماری‌های زنان و مامایی، مصرف هر گونه داروهای سنتی و گیاهی بود.

پرسشنامه کیفیت خواب پیترزبورگ وضعیت خواب فرد را بررسی مینماید و دارای ابعاد هفتگانه کیفیت ذهنی خواب، تأخیر در به خواب رفتن، مدت زمان خواب، میزان بازدهی خواب، اختلالات خواب، استفاده از داروهای خواب‌آور و اختلالات عملکردی روزانه است و همچنین یک نمره کلی به دست میدهد. نمره هر یک از زیر مقیاسها بین ۰ تا ۳ در نظر گرفته میشود که به ترتیب بیانگر وضعیت نبود مشکل خواب، مشکل خواب متوسط، مشکل خواب جدی و مشکل خواب بسیار جدی میباشد. نمره کل کیفیت خواب از مجموع نمرات تمام زیر مقیاسها به دست می‌آید که عددی بین ۰ تا ۲۱ میباشد و نمره بالاتر از ۵ نشان دهنده وجود اختلال خواب در فرد میباشد. روایی و پایایی این پرسشنامه در مطالعات قبل به ترتیب برابر ۰/۸۶ و ۰/۸۹ بوده است (۱۳، ۱۴).

یافته‌ها: میانگین سن خانم‌های شرکت‌کننده ۲۹/۸۵ با انحراف معیار ۵/۷۵ سال بود. اکثر خانم‌ها تحصیلات غیر دانشگاهی (۵۴/۲ درصد) و غیر شاغل (۸۳/۱ درصد) بودند. جدول شماره ۱ اطلاعات توصیفی شرکت‌کنندگان در مطالعه را بصورت کلی و به تفکیک نتیجه IUI نشان می‌دهد. همچنین اختلاف آماری معناداری بین دو گروه در شاخص‌های گزارش شده مشاهده نشد.

شاخص‌ترین علت و نوع ناباروری به ترتیب اختلالات تخمک‌گذاری با ۳۷/۳ درصد و ناباروری اولیه با ۷۲/۹ درصد بود. میانگین مدت ناباروری ۴/۸۵ سال (انحراف معیار ۳/۳۹) برآورد گردید. سایر اطلاعات مربوط به شاخص‌های ناباروری در جدول شماره ۲ بصورت کلی و به تفکیک نتیجه IUI نشان داده شده است. همچنین اختلاف آماری معناداری بین دو گروه در شاخص‌های گزارش شده مشاهده نشد. مقایسه نمرات کیفیت خواب در سه مرحله به تفکیک نتیجه تست IUI در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. بر اساس نتایج آزمون اندازه‌های تکراری تغییرات نمره کیفیت خواب (اثر درون‌گروهی) در گروه با نتیجه مثبت IUI بصورت افزایشی و معنادار بوده است ($p=0.02$). در حالیکه در گروه با نتیجه منفی IUI ابتدا به سرعت افزایش و سپس کاهش یافته است، که در این گروه هم تغییرات نمره (اثر درون‌گروهی) معنادار بوده است ($p=0.01$). در مقایسه اثرات درون‌گروهی، بین دو گروه در هیچ یک از زمان‌ها، اختلاف قابل توجه و معناداری در نمره کیفیت خواب مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: طبق نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر ارتباط آماری معنی‌دار بین اختلال خواب و نتیجه درمان ناباروری با IUI در گروه با نتیجه مثبت وجود داشت در حالیکه در زنان با نتیجه منفی IUI ابتدا افزایش اختلال خواب و سپس کاهش آن مشاهده شد. که در این گروه هم تغییرات نمره (اثر درون‌گروهی) معنادار بود. در مجموع اختلاف قابل توجه و معناداری در نمره کیفیت خواب مشاهده نشد. توصیه می‌شود مشاوره‌های روانشناختی در کنار درمان‌های ناباروری برای زوجین نابارور به ویژه زنان در نظر گرفته شود. پیشنهاد می‌گردد مطالعات بیشتر در زمینه تاثیر اختلال خواب بر نتیجه درمان‌های ناباروری انجام شود.

کارآزمایی بالینی تصادفی شده

رقیه سلیمانی ۱، فاطمه حمزه گردشی ۲، فاطمه انصاری ۳، دکتر زینب حمزه گردشی ۴

۱. کارشناس ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی مازندران

۲. کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران،

۳. کارشناس ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی مازندران،

۴. استاد بهداشت باروری، مرکز تحقیقات سلامت جنسی و باروری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

مقدمه: ناباروری در سراسر جهان و در همه فرهنگ ها به عنوان یک تجربه استرس زا در زوجین شناخته شده است. مطالعه حاضر با هدف تاثیر برنامه مربی ناباروری بر استرس درک شده و پیامد درمان در زنان تحت درمان باروش های کمک باروری طراحی شد.

مواد و روش: این مطالعه کارآزمایی بالینی شاهد دار تصادفی شده بر روی ۶۰ زن نابارور تحت درمان با روش های کمک باروری در مرکز ناباروری حضرت مریم ساری در سال ۱۳۹۷ انجام شد. نمونه ها پس از تخصیص تصادفی (قرعه کشی) به دو گروه مداخله ۳۰ نفر و گروه کنترل ۳۰ نفر تخصیص داده شدند. برنامه مداخله ای براساس پروتکل مشاوره ای مربی ناباروری در شش مرحله اجرا گردید. گروه کنترل تنها مشاوره مرسوم بخش را دریافت کردند. برای سنجش استرس درک شده ناباروری از نسخه فارسی پرسشنامه استرس ناباروری نیوتون، ابتدا قبل از مداخله و سپس در روزهای برداشت تخمک، انتقال جنین و آزمایش بارداری استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نسخه ۲۴ نرم افزار آماری SPSS و آزمون های آماری شاپیرو-ویلک، کای اسکوئر، من ویتنی، تی تست مستقل، آزمون فریدمن، ویلکاکسون، آزمون (GEE) و اندازه اثر کوهن انجام شد. همچنین رویکرد آنالیز ما بر اساس آنالیز تحلیل به قصد درمان (ITT) بوده است. سطح معنی داری $p < 0.05$ بوده است

یافته ها: میانگین نمرات استرس درک شده ناباروری قبل از مداخله؛ در گروه کنترل $146/16 \pm 16/90$ و در گروه مداخله $156/53 \pm 9/31$ ، بعد از مداخله؛ روز برداشت تخمک در گروه کنترل $165/36 \pm 8/98$ و در گروه مداخله $155/83 \pm 10/70$ ، روز انتقال جنین در گروه کنترل $156/35 \pm 14/45$ و در گروه مداخله $123/58 \pm 22/92$ ، روز آزمایش بارداری در گروه کنترل $185/76 \pm 26/56$ و در گروه مداخله $127/61 \pm 21/57$ ، بوده است. بر اساس آزمون فریدمن میانگین استرس در سه موقعیت بعد از مداخله تفاوت معنی داری را در جهت کاهش میانگین استرس نشان می داد ($p < 0.001$). در گروه کنترل نمره استرس نمونه ها روند افزایشی داشته است که این روند افزایشی بر اساس نتایج آزمون فریدمن معنا دار بوده است ($p < 0.001$). در گروه مداخله؛ نتایج حاصل از آزمون تی زوجی نشان داد که میانگین نمره استرس ناباروری نیوتن در موقعیت قبل و بعد از روز برداشت تخمک ($p = 0.711$)، معنادار نبود. اما مقایسه میانگین استرس قبل و بعد در روز انتقال جنین بر اساس آزمون ویلکاکسون ($p < 0.001$) و مقایسه میانگین استرس قبل و بعد در روز انجام آزمایش بارداری برحسب آزمون تی زوجی ($p = 0.003$) تفاوت آماری معنا داری را نشان می دهد. بر اساس نتایج آزمون GEE؛ تغییرات نمره استرس در طول زمان بین دو گروه معنی دار بوده است ($p < 0.001$). همچنین میزان اندازه اثر استرس روز برداشت تخمک (0.41)، روز انتقال جنین ($1/69$)، روز آزمایش بارداری ($2/46$) بوده که این میزان در روز انتقال جنین و روز آزمایش بارداری چشمگیر بود. همچنین از نظر پیامد درمان،

میزان اندازه اثر تعداد اووسیت (۰/۲۹) و اندازه اثر میزان لقاح (۰/۳۳) بوده است که بین دو گروه مداخله و کنترل تفاوت آماری معنا دار بوده است.

مقایسه میانگین، انحراف معیار و اثر درمان، نمره استرس ناباروری نیوتن با استفاده از آزمون های تی زوجی، ویلکاکسون، GEE در زنان نابارور قبل و بعد از مداخله در گروه مداخله و کنترل

سطح معنی داری مقایسه تغییرات نمره استرس در طول زمان بین دو گروه (آزمون GEE)		effect size	سطح معنی داری مقایسه بین دو گروه (تست مستقل من وییتی)	گروه کنترل		گروه مداخله		میانگین فسترس
				میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
+/+++	+/+++	-	*+/+۰	۱۶/۹۲	۱۴۶/۱۶	۹/۳۱	۱۵۶/۵۳	فسترس کل قبل
		-/۴۱	*+/+++	۸/۹۸	۱۶۵/۳	۱۰/۷۰	۱۵۵/۸۳	فسترس کل روز برداشت تخمک
		۱/۶۹	**+/+++	۱۴/۴۵	۱۶۵/۳۵	۲۲/۹۲	۱۲۲/۵۸	فسترس کل روز انتقال جین
		۲/۴۶	*+/+++	۳۶/۵۶	۱۸۵/۷۶	۳۱/۵۷	۱۳۷/۶۱	فسترس کل روز آزمایش بارداری
				+/+++		+/۷۱۱		سطح معنی داری مقایسه نمره استرس کل روز برداشت تخمک با نمره استرس قبل از مداخله (آزمون تی زوجی)
				+/+۲۱		+/+++		سطح معنی داری مقایسه نمره استرس کل روز انتقال جین با نمره استرس قبل از مداخله (آزمون ویلکاکسون)
				+/+++		+/+++		سطح معنی داری مقایسه نمره استرس کل روز آزمایش بارداری با نمره استرس قبل از مداخله (آزمون تی زوجی)

•• من وییتی

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه؛ برنامه مربی ناباروری می تواند موجب کاهش استرس درک شده ناباروری و بهبود نتایج درمان شامل تعداد اووسیت و نتایج مثبت بارداری در زنان نابارور تحت درمان با روش های کمک باروری شود. می توان از پروتکل مداخله ای مطالعه حاضر جهت کاهش استرس و بهبود نتایج درمان در زنان تحت درمان روش های کمک باروری در مراکز نازایی استفاده نمود.

لیلا حیدری ۱. آرزو پیرک* ۲. منصوره یزد خواستی ۳. فریده حیدری ۴

پژوهشکده دانشگاه تهران

مقدمه: در سالهای اخیر شیوع نازایی افزایش پیدا کرده است. که در این میان نازایی مردانه ۴۱ درصد موارد را به خود اختصاص داده است کاهش کیفیت اسپرم یکی از دلایل نازایی در مردان است که شامل کاهش تعداد و حرکت اسپرم، اشکال نامناسب اسپرم و کاهش حجم اسپرم میباشد. عوامل متعددی در کاهش کیفیت اسپرم موثر هستند که میتوان به بیماریهای مزمن، سبک زندگی فاکتورهای محیطی مانند سیگار، الکل، چاقی، لسترس، فلزات سنگین و آلودگی هوا اشاره نمود. ما در این مطالعه اثرات آلودگی هوا بر کیفیت اسپرم را بررسی میکنیم.

روش کار: این مطالعه مروری بر ۲۱ مطالعه منتشر شده در فاصله سالهای ۲۰۱۵-۲۰۰۹ پیرامون آلودگی هوا و ناباروری مردان می باشد یافته ها: نتایج مطالعات مختلف نشان داد که آلودگی هوا باعث کاهش کیفیت اسپرم میگردد. آلودگی هوا بطور معنی داری باعث افزایش اشکال غیر طبیعی اسپرم میشود. از طرفی تعداد و تحرک اسپرم نیز با آلودگی هوا کاهش مییابد. آلاینده های هوا همچنین اسپرم گردند. که تمام این موارد باعث نازایی در مردان میشوند.

البته الزام به ذکر است که در دی ان ای میتوانند باعث شکسته شدن اسپرم گردند

بوده است CO , SO_2 , O_3 , NOX اکثر مطالعات انجام شده آلاینده هایی که مورد بررسی قرار گرفته بودند شامل: گازهای

بحث و نتیجه گیری: شناخت عوامل ایجاد کننده میتواند در درمان آن با توجه به میزان بالای ناباروری با علت مردانه ذنقش بسزایی داشته باشد. فاکتورهای محیطی مانند آلودگی هوا از عوامل مهم تاثیر گذار در کیفیت پارامترهای اسپرم است که در اکثر موارد مورد توجه قرار نمیگیرد. بنابراین پیشنهاد میشود در برنامه ریزی برای درمان ناباروری محل زندگی افراد و همچنین میزان آلاینده های هوا نیز مورد توجه قرار دارد

فرزانه خدابنده ۱. الهه بهرامی وزیر ۲. راحله عسلی ۳

۱- کارشناس ارشد مامایی، هیئت علمی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۲- کارشناس ارشد مامایی، هیئت علمی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

۳- کارشناس ارشد مامایی، هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

مقدمه و هدف: ناباروری یک مسئله جهانی است که تأثیرات منفی عمیقی بر زوجها، خانواده‌ها، جوامع و افراد می‌گذارد. زنانی که ناباروری را تجربه می‌کنند، بیشتر از زنان دیگر دچار افسردگی و علائم اضطراب شدید می‌شوند بطوری که هرچه مدت ناباروری طولانی‌تر شود، احتمال بروز علائم افسردگی در بیمار بیشتر خواهد بود، که به نوبه خود می‌تواند باروری را کاهش داده و در موفقیت در درمان، اختلال ایجاد کند. معنویت و دین منابع مهمی برای آرامش بیشتر افراد است و از آنجایی که معنویت با سلامت عمومی نیز رابطه مثبت دارد و می‌تواند به عنوان نیرویی قوی فرد را برای مقابله با اوضاع تنش‌زا آماده کند، لذا در این مطالعه بر آن شدیم تا تاثیر معنویت بر ناباروری را مورد بررسی قرار دهیم.

روش: مطالعه به صورت مروری با بررسی مقالات لاتین و فارسی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ انجام شد. از موتور جستجو PubMed، Google scholar و بانک‌های اطلاعاتی SID و MEDLINE با کلیدواژه‌های سلامت معنوی، معنویت درمانی، ناباروری و درمان ناباروری استفاده شد.

نتایج: نتایج حاصل از مطالعات نشان داد که معنویت و معنویت درمانی می‌تواند کیفیت زندگی و سلامت جسمی زوجین را ارتقاء داده و با کاهش ناامیدی، استرس، اضطراب، نگرانی و افسردگی زوجین و ایجاد آرامش در آنها روند درمان ناباروری را تسهیل کند.

بحث: معنویت را باید از ابتدا تا انتهای زندگی افراد در نظر گرفت. تدوین و ارائه برنامه‌های آموزشی پیشرفته معنویت درمانی در حمایت و بهبود درمان زوجین نابارور برای پزشکان، پرستاران و ماماها می‌تواند که با زوجین نابارور در ارتباط هستند مفید به نظر می‌رسد.

فرزانه خدابنده^{۱*} سمیرا امامی^۲ زینب خدابنده

۱. عضو هیات علمی گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

۲. عضو هیات علمی گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه آزاد تبریز، تبریز، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران.

مقدمه: تأخیر در فرزندآوری یک گرایش جهانی است که می تواند پیامدهای بیشماری داشته باشد. تقریباً یک نفر از هر شش نفر از افراد سنین باروری در طول زندگی خود ناباروری را تجربه می کنند. تا چندی پیش عوامل پدری چندان اهمیتی نداشتند و بنظر می رسید زنان به تنهایی بار ناباروری و سلامت فرزندان خود را به دوش می کشیدند، لذا مطالعه مروری حاضر با هدف بررسی سلامت باروری مردان انجام شد.

روش جست و جو: پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Embase، Cochrane، Google scholar و سایت سازمان بهداشت جهانی برای شناسایی مطالعات مرتبط از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ با کلید واژه های سن پدر، سن شوهر، ناهنجاری جنین، ناباروری، مراقبت قبل از بارداری جست و جو شدند.

یافته ها: مطالعات انجام شده در زمینه سلامت جنسی و باروری مردان بسیار کم است، با این حال، مطالعات موجود تأثیر تغذیه و سبک زندگی پدر بر سلامت فرزندان و میزان بروز بیماری از طریق مکانیسم های ژنتیکی و اپی ژنتیکی در فرزندان را تأیید می کند. تمایل مردان به فرزندآوری در سنین بالا با افزایش احتمال ناهنجاری های مادرزادی (عمدتاً ناهنجاری های کروموزومی)، سقط خودبه خود، خطر زایمان زودرس، وزن کم هنگام تولد، بستری شدن نوزاد، اوتیسم، اسکیزوفرنی، اختلالات دوقطبی، لوسمی در کودکان و نیز کاهش موفقیت لقاح آزمایشگاهی مرتبط بود. سن بالای ۳۵ سال و شاخص توده بدنی بالای 24.9 kg/m^2 مادر در همراهی با افزایش سن پدر، احتمال بروز موارد فوق را تشدید می کرد. متأسفانه آگاهی مردان در مطالعات مختلف در زمینه سلامت قبل از بارداری ضعیف بود. بنابراین نیاز به توجه کافی به سلامت باروری مردان از این واقعیت ساده ناشی می شود که ناباروری بار سنگینی است که زنان اغلب به تنهایی حمل می کنند، با وجود اینکه فاکتور مردانه را می توان در ۴۰ درصد موارد یافت. طبق آخرین سند منتشر شده سازمان بهداشت جهانی مطالعات بر روی مردان در زمینه ناباروری و تأثیر سن پدر بر نسل آینده بسیار کم است.

نتیجه گیری: مطالعات اخیر، نیاز به تمرکز بر سلامت باروری مردان و گنجاندن آن در سیاست و دستورالعمل های مربوط به مراقبت های بهداشتی قبل از بارداری و ناباروری و تحقیقات بیشتر روی مردان را نشان می دهند. محرومیت مردان از مراقبت های اولیه اثرات نامطلوبی بر سلامت مادر، نوزاد، کودکان و نوجوانان دارد و راه ما را به سمت برابری جنسیتی و پایداری جامعه با مشکل مواجه خواهد کرد، بنابراین ارائه مراقبت های باروری مردان امری حیاتی و جزء جدایی ناپذیر سلامت حقوق جنسی و باروری برای دستیابی به جمعیت پایدار است.

Effect of Maternal Exposure to Mobile Waves during Pregnancy on Inflammation and Oxidative Stress: Assessing Blood and Brain Tissue Markers in rats



Samira Khayat^{1*}, Hamed Fanaei¹

Pregnancy Health Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

Introduction: This study aimed to investigate the effect of maternal exposure to mobile waves during pregnancy on inflammation and oxidative stress.

Method of Evaluation: Pregnant rats were exposed to mobile waves for 12 hours a day during pregnancy, while the control group was not exposed. The concentration of inflammatory factors (C-reactive protein; CRP and tumor necrosis factor-alpha; TNF-alpha) in the blood and brain tissue of the mother rat, as well as oxidative stress (malondialdehyde; MDA) levels in the blood and brain tissue, were assessed.

Results: The results demonstrated no significant difference in the concentration of inflammatory factors (CRP and TNF-alpha) in the blood and brain tissue of the mother rats between the group exposed to mobile waves and the control group. This indicates that maternal exposure to mobile waves did not significantly affect the inflammatory response in the mother rats. Additionally, no significant difference in oxidative stress levels (MDA) in the blood was observed between the two groups. Interestingly, the study revealed that oxidative stress levels in the brain tissue of the group exposed to mobile waves were significantly higher than those in the control group.

Conclusion: Understanding the potential effects of maternal exposure to mobile waves during pregnancy is of great importance due to the widespread use of mobile devices and concerns about their potential health effects. While the present study did not observe significant differences in inflammatory factors in blood or brain tissue, the increased oxidative stress within the brain tissue highlights a potential avenue for further investigation. Future research is warranted to elucidate the underlying mechanisms and potential long-term consequences of increased oxidative stress in the brain tissue exposed to maternal mobile wave exposure during pregnancy. It is essential to continue exploring the impact of this environmental factor on maternal and neonatal health, optimizing prevention strategies, and ensuring the well-being of pregnant individuals and their offspring.

مروری بر ابعاد حقوقی سقط جنین در مراقبت مامایی

معصومه رحیمی^۱، مهلا سالار فرد^۲، کوثر حکمی شلمزاری^۳، طلعت خدیوزاده^۴*

۱. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. رئیس دانشکده پرستاری و مامایی رابعه بلخی کابل، کابل، افغانستان
۳. دانشجوی دکتری بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۴. کارشناس ارشد مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۵. دانشیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه: سقط جنین یکی از موضوعات چالش برانگیز در بسیاری از جوامع است. امروزه سقط جنین به عنوان معضل سلامت زنان، موضوع اصلی سلامت عمومی و کیفیت مراقبت های بهداشتی و یکی از مهم ترین مسائل مطرح شده در حوزه حقوق باروری و جنسی زنان ذکر می شود لذا این مطالعه باهدف مروری بر ابعاد حقوقی سقط جنین در مراقبت مامایی انجام شد.

روش کار: این مطالعه در پایگاه های اطلاعاتی معتبر شامل Google Scholar, Scopus, PubMed و SID بدون محدودیت زمانی و با واژگان کلیدی *Legal dimensions, Abortion, Midwifery care* و معادل فارسی آن ها مورد جستجو قرار گرفتند. مقالات مرتبط به جنبه های حقوقی سقط قانونی حاصل از تحقیقات کمی و کیفی به زبان های انگلیسی و فارسی در این زمینه بررسی شدند. داده های جمع آوری شده حاصل از مرور مطالعات، طبقه بندی شده و به صورت یک تفسیر جامع از ابعاد حقوقی مراقبت مامایی در سقط ارائه گردید.

یافته ها: پس از تکمیل جستجو و بررسی مقالات از مجموع ۲۳۰ مقاله، ۱۵ مطالعه تمام متن مورد مروری نهایی قرار گرفت. در این مطالعه، ابعاد حقوقی سقط در شش بعد کیفیت خدمات در مراقبت مامایی شامل در دسترس بودن، دسترس پذیری، مقرون به صرفه بودن، کفایت، مقبولیت، کیفیت استخراج گردید. ابعاد حقوقی سقط ایمن به صورت مولفه حفظ شأن ذاتی و حق زندگی (حیات) مادر و احترام به وی؛ حفظ عزت نفس مادر از هر رنگ و جنس و نژاد اعم از قوی و ضعیف، کوچک و بزرگ؛ دسترسی به خدمات ایمن در مراکز درمانی و موجود بودن خدمات سقط ایمن و قابل پذیرش بودن آن برای مادر؛ ارائه خدمات درمانی مطلوب و جلوگیری از سقط غیر ایمن و درمان عوارض ناشی از آن و عدم به کارگیری سقط جنین به عنوان یک روش تنظیم خانواده بیان شده است.

نتیجه گیری: نتایج مرور حاضر بیانگر اهمیت توجه به ابعاد حقوقی سقط در مراقبت مامایی می باشد که خود بیان کننده اهمیت کیفیت مراقبت مامایی در جهت ارتقای سلامت زنان در راستای حفظ کرامت و حقوق آنان در زمینه سقط قانونی و ایمن می باشد هر چند در اغلب اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر به طور صریح به مسئله سقط جنین پرداخته نشده است، موضوع حق جنین برای زندگی قابل استنباط است.

Approaches in preventing intentional abortions: a review study



Authors: Arezoo kordian^۱, Fatemeh rezaei^{۲*}

۱. Bachelor of Nursing student , Islamic Azad University of Babol , Mazandaran , Iran

۲. Assistant Professor, school of Nursing and Midwifery, Islamic Azad University of Babol , Mazandaran , Iran

Introduction: Unintended pregnancy is the main reason for performing induced abortions. Approximately ۲۰ million abortions are performed under unsafe conditions, leading to serious physical and psychological consequences. Every year, nearly ۷۰,۰۰۰ women worldwide lose their lives due to unsafe abortions and suffer from various severe complications.

Approaches Search strategy: In this review study, articles were searched using the Persian keywords " (intentional abortion), and their combinations in the Scientific "سقط عمدی" (prevention), "پیشگیری" Information Database (SID), national medical journals, reputable international databases such as PubMed, and a manual search on Google Scholar from ۲۰۱۹ to ۲۰۲۳. A total of ۱۱ relevant articles were included for analysis.

Results: A review of related studies indicates that legal restrictions not only fail to provide a useful solution to reducing the rate of induced abortions but also lead to an increase in clandestine abortions, which themselves have significant personal and societal consequences. The first approach to address this issue is to reduce unintended pregnancies. Actions such as comprehensive sexual education, which includes accurate medical information about abstinence and pregnancy prevention, insurance coverage, public budget allocation for family planning services, and broader access to contraception methods, can be effective strategies in preventing abortions.

Conclusion: Due to the fallibility of contraception methods, some unintended pregnancies will inevitably occur. Therefore, when a woman faces an unexpected pregnancy, the best way to reduce fetal abortion is to ensure that she is assured that if she chooses to keep the baby, she will have sufficient resources for child upbringing in terms of health and safety. In this case, with the necessary resources to fulfill her responsibilities as a guardian, she will be discouraged from resorting to fetal abortion.

مراقبت موفق در بارداری دوقلو با سرویکس خیلی

کوتاه: گزارش مورد

محمد زارعی^{۱*}، طاهره زاهدی فرد^۲، آمنه ابراهیمی^۳

۱. هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
۲. هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، قوچان، ایران
۳. بیمارستان رضوی، مشهد، ایران

مقدمه: حاملگی دوقلویی بطور مشخصی در دهه اخیر افزایش پیدا کرده است که اکثراً به دلیل استفاده از تکنیکهای کمک باروری می باشد. حاملگی های دوقلویی با خطر زایمان زودرس همراه هستند (۲و۱). تقریباً نیمی از افراد با بارداری دوقلویی قبل از هفته ۳۷ بارداری زایمان می کنند که این میزان ۷ برابر بیشتر از زایمانهای تک قلویی است. زایمان زودرس علت اصلی افزایش عوارض و مرگ و میر نوزادی در دوقلویی محسوب می شود و موجب موربیدیتی در طولانی مدت، دیسترس تنفسی و عفونت در نوزادان می شود (۳).

یکی از عوامل خطر زایمان زودرس سرویکس نارسا می باشد که با دیلاتاسیون بدون درد سرویکس همراه با پرولاپس پرده های جنینی به داخل واژن در سه ماهه دوم یا سوم بارداری مشخص می شود. درمان جراحی نارسایی سرویکس سرکلاژ است و خونریزی، انقباض رحمی، پارگی پرده های جنینی و دیلاتاسیون بیشتر از ۴ سانتیمتر سرویکس از کنتراندیکاسیون های انجام سرکلاژ می باشند. هرچه سن بارداری بیشتر باشد احتمال اینکه جراحی سبب تحریک زایمان زودرس شود بیشتر می گردد و معمولاً بعد از هفته بیست و سوم بارداری بهتر است سرکلاژ انجام نشود (۴).

اگر اندیکاسیون بالینی سرکلاژ مورد تردید باشد باید به این زنان توصیه شود فعالیت فیزیکی خود را کاهش داده و از فعالیت جنسی پرهیز کنند و معاینه سرویکس هر ۱ تا ۲ هفته برای بررسی دیلاتاسیون سرویکس انجام شود (۵).

آگویرا و همکاران (۲۰۱۳) و اسکوپسکی و همکاران (۲۰۱۴) و کوزینسکا و همکاران (۲۰۱۲) بیان می کنند که سرکلاژ برای درمان سرویکس نارسا در نیمه دوم بارداری بهتر از استراحت در بستر است و بطور معنی داری موجب افزایش سن بارداری و کاهش زایمان زودرس و عوارض آن می گردد (۷و۸).

هرچند عقیده بر این است که ارتباطی بین فعالیت فیزیکی مادر و خطر زایمان زودرس وجود دارد، مدرکی که نشان دهد استراحت در بستر برای این بیماران مفید است وجود ندارد. هدف از ارائه این گزارش معرفی یک مورد بارداری دوقلویی با سرویکس خیلی کوتاه در نیمه دوم بارداری است که با نوع خاصی از استراحت در منزل بارداری را با موفقیت به پایان می رساند.

معرفی مورد: بیمار خانمی ۳۴ ساله PG (پرایمی گراوید) بود که اولین بار بعد از تست بارداری مثبت مراجعه کرد. بعد از انجام سونوگرافی در ۹ هفته مشخص شد که بارداری دوقلویی دی زیگوت می باشد، با توجه به پرخطر بودن بارداری از نظر زایمان زودرس و سرویکس نارسا توصیه می شود در هفته ۱۴ بارداری سونوگرافی بررسی طول سرویکس انجام شود. سونوگرافی انجام شده در این زمان، بارداری ۱۴ هفته و طول سرویکس (توسط سونوگرافی شکمی) ۴۷ میلیمتر را گزارش می نماید.

در سونوگرافی بعدی که در هفته ۲۲ بارداری انجام شد طول سرویکس ۲۶ میلیمتر گزارش شد. به بیمار توصیه می شود برای جلوگیری از زایمان زودرس سرکلاژ انجام دهد که بیمار موافقت نمی کند و با اصرار بیمار مجدداً سونوگرافی بررسی طول سرویکس در ۲۶ هفته انجام شد که در سونوگرافی انجام شده سن بارداری ۲۶ هفته و ۳ روز و طول سرویکس ۱۱ میلیمتر به همراه هرنیاسیون کیسه آمنیون به داخل سرویکس گزارش می شود. به بیمار توضیح داده می شود که سرکلاژ در این مرحله از بارداری و با توجه به خطرات آن انجام نمی شود و

توصیه شد که در منزل استراحت کند و تصمیم گرفته شد برای جلوگیری از خطرات ترومبوآمبولی به بیمار هپارین تجویز شود که بیمار ممانعت می کند و در نتیجه به بیمار آموزش هایی در مورد عوارض و خطرات ترومبوآمبولی داده شد و توصیه شد هر روز به دفعات مکرر پاها و دستها و بدن خود را ماساژ داده و در وضعیت ترندلنبرگ استراحت کند و با پوزیشن چهاردست و پا در داخل منزل حرکت کند و فقط روزی یکبار برای رفتن به دستشویی به حالت ایستاده قرار گیرد. رژیم غذایی صحیح برای جلوگیری از یبوست به بیمار آموزش داده شد (فشار کمتر بر روی سرویکس در موقع اجابت مزاج) و بصورت دوره ای کنترل بیمار از نظر وزن و فشارخون و FHR و بررسی ارتفاع رحم در منزل انجام شد. برای جلوگیری از دپرسیون و بی حوصلگی و داشتن روحیه مطلوب آموزشهایی به همسر و خانواده و بیمار داده شد.

برای کمک به بلوغ ریه جنین دو دوز بتامتازون به فاصله ۲۴ ساعت بصورت عضلانی در هفته ۲۸ بارداری تجویز شد. با این پروتکل استراحت در منزل بارداری تا ۳۶ هفته و ۴ روز ادامه یافت و بیمار با پارگی کیسه آب به بیمارستان مراجعه کرد، در معاینه دیلاتاسیون ۴ سانتیمتر و افسمان ۷۰ درصد و عضو پوزانته بریج گزارش شد و بیمار برای سزارین آماده شد. دو نوزاد پسر با آپگار ۹، سالم و بدون نیاز به NICU متولد شدند. پس از ویزیت توسط متخصص نوزادان و اطمینان از سلامتی آنها مادر و نوزادان مرخص شدند. در مراجعات بعدی مادر و نوزادان با حال عمومی خوب مراجعه کردند و هیچکدام مشکلی نداشتند.

بحث: در حاملگی های دوقلویی سرعت کاهش طول سرویکس نسبت به حاملگی های تک قلوئی بیشتر است. برگلین و همکاران (۲۰۰۳) بیان می کنند که سرعت کاهش طول سرویکس از ۲۴ هفته به بعد در حاملگیهای دوقلویی (۱/۸-۲/۹ میلیمتر در هفته) نسبت به تک قلوئی (۱ میلیمتر در هفته) بطور معنی داری بیشتر است (۹). در مورد بیمار این مقاله سرعت کاهش طول سرویکس حدود ۳ میلیمتر در هفته بود که در انتها در ۲۶ هفته به ۱۱ میلیمتر می رسد.

در صورت تشخیص نارسایی سرویکس و تهدید به زایمان زودرس دو رویکرد درمانی سرکلاژ و استراحت در بستر وجود دارد. در مطالعه ای که اسکوپسکی و همکاران (۲۰۱۴) انجام دادند به این نتیجه رسیدند که سرکلاژ برای درمان سرویکس های خیلی کوتاه در نیمه دوم حاملگی بهتر از استراحت در بستر است (۷). کراودر و همکاران (۲۰۱۰) بیان می کنند که شواهد کافی برای اینکه بگوییم استراحت مطلق برای پیشگیری از زایمان زودرس در دوقلویی موثر است وجود ندارد و موجب کاهش عوارض و مرگ و میر پری ناتال نمی شود به استثنا رشد جنین که بهبود می یابد (۱۰). در مطالعه دیگری گالانود و همکاران (۲۰۱۵) و دریف و همکاران (۲۰۱۵) گزارش کردند که استراحت در بستر به مدت طولانی با افزایش احتمال بروز ترومبوآمبولی همراه است (۱۱ و ۱۲). در مورد بیمار این مقاله با توجه به اینکه به بیمار توصیه شده بود هر روز به صورت متوالی پاها و دستها و بدن را ماساژ دهد و همچنین با توجه به اینکه بیمار دارای انقباض رحمی نبود توصیه به حرکت در منزل با پوزیشن چهاردست و پا شد، این پوزیشن در مقایسه با حالت ایستاده با توجه به اینکه فشار نیروی جاذبه زمین و همین طور وزن سنگین رحم و محتویات آن بر روی سرویکس وارد نمی شود بیمار می تواند بصورت آزادانه در منزل حرکت داشته باشد و بدین طریق تا حدودی از عوارض استراحت مطلق از جمله ترومبوآمبولی، خستگی، تحلیل عضلات و ... کاسته می شود (۱۳) و به عنوان یک پیشنهاد می توان این پوزیشن را برای بیمارانی که انقباض ندارند و فقط سرویکس نارسا دارند استفاده کرد.

گئوفری و همکاران بیان می کنند که پوزیشن های ایستاده در زنان دارای سرویکس نارسا موجب دیلاته شدن بیشتر سرویکس و پرولاپس پرده های جنینی به داخل کانال سرویکس می شود ولی بر روی زنان با سرویکس نرمال تاثیری ندارد (۱۴). نکته دیگری که در مراقبت از

این بیمار به عمل آمد این بود که برای استراحت بیمار از تخت استفاده نشد. بهتر است مکان استراحت بیمار بجای تخت بر روی زمین باشد که بیمار برای حرکت و جابجایی از روی تخت کمتر ایستاده قرار گیرد و در نتیجه فشار کمتری بر روی سرویکس وارد می شود. رافائل و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه ای که به صورت مرور سیستماتیک انجام شده بود بیان می کنند که شواهد کافی برای اینکه بگوییم سرکلاژ می تواند موجب کاهش خطر زایمان زودرس در دوقلویی می شود وجود ندارد (۱۵). ساکونه و همکاران (۲۰۱۵) بیان می کنند که سرکلاژ را نباید بصورت رایج در موارد دوقلویی با طول سرویکس کوتاه در نیمه دوم بارداری توصیه کرد و برای انجام این کار نیاز به کارآزماییهای بالینی بیشتری است (۱۶). آگویرا و همکاران (۲۰۱۳) بیان می کنند برای اینکه بتوانیم بیماران دوقلویی با سرویکس نارسا را درمان کنیم اطلاعات و کارآزماییهای بالینی بیشتری لازم است (۴).

نتیجه گیری: با وجود مطالعات متعدد در رابطه با اداره نارسایی سرویکس در مورد بهترین درمان بر اساس وضعیت بیمار و نظر پزشک همچنان اختلاف نظر وجود دارد با این وجود در مراحل پیشرفته و سن بالاتر بارداری با توجه به خطرات سرکلاژ اورژانسی مبنی بر افزایش خطر عفونت و از دست رفتن بارداری، درمان انتظاری به صورت استراحت در بستر، قرار گرفتن فرد در وضعیت ترندلنبرگ در زمان استراحت و حرکت در محیط اطراف با پوزیشن چهار دست و پا و ماساژ پاها و بدن جهت کاهش خطر ترومبوآمبولی و تجویز کورتیکواستروئید برای بلوغ ریه جنین و تجویز آنتی بیوتیک در صورت نیاز راهکاری مناسب و بی خطر به نظر می رسد.

: Shaping the Future of Fertility: A Systematic Review on the Role of CRISPR-Cas⁹



Reza Salarinia¹, Sonia Fathi¹

¹. North Khorasan University of Medical Sciences.

Abstract

This systematic review expounds on the profound role of CRISPR-Cas⁹ biotechnology in contemporary fertility treatment and abortion prevention schemes, hence addressing a problem of anthropogenic and medical concern: Infertility. Infertility, a rising global concern, has driven the pursuit for innovative solutions - one of them being the revolutionary CRISPR-Cas⁹ biotechnology. Its utilization presents a groundbreaking approach, promising a vast potential in transforming the fertility landscape. The review delves into the methodologies employed in applying CRISPR-Cas⁹ in fertility treatment, including an outline of the genetic manipulation processes key in diagnosing and rectifying genetic abnormalities linked to infertility. The study extrapolates how this technology maps a trajectory towards significant mitigation or elimination of genetic infertility. Resultantly, CRISPR-Cas⁹ has been found to contribute substantially in infertility treatment, as demonstrated in analyzed case studies. Importantly, it offers an alternative route to traditional treatments, providing solutions for cases earlier deemed hopeless. Furthermore, it brings forth an ethically accepted and medically safe avenue for abortion prevention. In conclusion, the review supports the assertion that CRISPR-Cas⁹ biotechnology stands as a pillar in shaping the future of fertility. Although there are still challenges to address like potential off-target effects and ethical considerations, its adoption in infertility treatment and abortion prevention structures heralds an era of advanced reproductive health solutions.

Keywords: CRISPR-Cas⁹, fertility, infertility treatment, abortion



The effect of L-carnitine on female reproductive health and fertility

Dr. Fatemeh Yaghoubi¹, Dr. Atena Pasban², Amir hossien Shokri³, Dr. Zohreh Sadat Sangsefidi^{2*}

¹Department of Nursing, Shirvan Faculty of Nursing, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

²Department of Nutrition, School of Public Health, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

³Student Research Committee, Department of Nutrition, Faculty of Public Health, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

*Corresponding author: Zohreh Sadat Sangsefidi, Department of Nutrition, School of Public Health, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran. E-mail: sangsefidi.zsadat@gmail.com

Abstract

Introduction: Oxidative stress can led to various reproductive disorders such as endometriosis, polycystic ovary syndrome (PCOS), recurrent pregnancy loss, and unexplained infertility. Supplementation with antioxidants such as L-carnitine may have beneficial effect on female reproductive health and fertility. Some studies reported that L-carnitine may have some beneficial effects on female fertility. This review aimed to summarize and discusse relevant studies about effect of L-carnitine on female reproductive health and fertility.

Search strategy: Various databases such as pubmed, google scholar, and SID were searched using different keywords such as L-carnitine, fertility, infertility, reproductive health, female to identify relevant studies.

Results: Although several studies showed that L-carnitine as an adjuvant treatment may have some benefit effects on female reproductive health and fertility improvement, more research is needed to achieve robust and more precise evidence in this field.

Conclusion: Although several studies showed that L-carnitine as an adjuvant therapy may have some useful effects on female reproductive health and fertility improvement, more research is needed to achieve robust and more accurate evidence in this area.

Keywords: L-carnitine, fertility, infertility, reproductive health, female.



The Effect of Myo-Inositol Supplementation on Oocyte Quality in Infertile Women Undergoing Intracytoplasmic Sperm Injection: A Systematic Review

Fatemeh Shoja¹, Sanam Borji-Navan^{2,3,*}

¹ Student Research Committee, School of Health, Larestan University of Medical Science, Larestan, Iran.

² Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Shahroud University of Medical Sciences, Shahroud, Iran.

³ Shahid Nourani Hospital, Guilan University of Medical Sciences, Talesh, Iran

Introduction: Intracytoplasmic sperm injection (ICSI) is a promising assisted fertilization technique that may benefit women who have not become pregnant by conventional methods. The success of ICSI is significantly influenced by oocyte quality. A naturally occurring substance called Myo-inositol has been hypothesized to have favorable effects on female fertility. This study was performed to investigate the effect of Myo-inositol supplementation on oocyte quality in infertile women undergoing intracytoplasmic sperm injection.

Search Strategy: This systematic review was done by a systematic search across the search engines and databases of PubMed, Web of Science, Google Scholar, Civilica, SID, Magiran, Elmnet in English and Persian with the keywords "Infertility, Female", "Sperm Injections, Intracytoplasmic" selected by MeSH and "oocyte quality", "Myo-inositol" and their Persian equivalents, from ۲۰۰۰ To ۲۰۲۳. Out of ۸۹ initial records, the full text of ۶ papers used for writing this article.

Results: Myo-inositol has shown promising effects on oocyte quality and fertility outcomes in infertile women undergoing intracytoplasmic sperm injection (ICSI). Two studies found that Myo-inositol supplementation can alter gene expression in granulosa cells, leading to enhanced oocyte and embryo quality in polycystic ovary syndrome (PCOS) patients undergoing ICSI.

One study reported that Myo-inositol improved fertilization rates and embryo quality and has no effect on the quality of oocytes, while another study showed that combining Myo-inositol with high doses of D-Chiro-inositol (DCI) improved the quality of oocyte cytoplasm compared to DCI alone. Additionally, Myo-inositol consumption increased the total number of pregnancies compared to DCI use in one study. Moreover, a separate study indicated that the combination of Myo-inositol and folic acid improved the quality of oocytes.

Conclusion: Overall, these findings highlight the potential benefits of Myo-inositol supplementation in improving fertility outcomes in women undergoing ICSI, particularly those with PCOS. However, further research is required to establish the ideal dosage.

Key words: Myo-inositol, Oocyte Quality, Intracytoplasmic Sperm Injection, ICSI, Female Infertility.

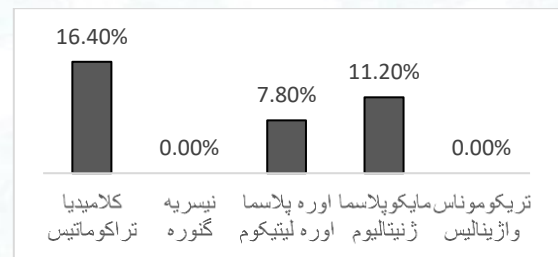
بررسی میزان شیوع عفونتهای باکتریایی و انگلی در زوجین مبتلا به ناباروری در خراسان شمالی

رضا شفیعی^۱، رضا بشارتی^۱، امیر عظیمیان^۱

^۱. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

مقدمه. نازایی یکی از مشکلات عمده امروزه است که باعث بروز مشکلات فراوان روحی روانی و مالی در زوجین در سراسر دنیا و بویژه ایران می شود. طبق تعریف نازایی به عدم بارداری بعد از حداقل یک سال رابطه جنسی بدون پیشگیری گفته می شود. عوامل مختلفی از جمله عوامل عفونی نظیر باکتریها و انگلها و ویروسها در ایجاد نازایی دخیلند. علائم بالینی مختلفی در زنان و مردان مرتبط با عفونتهای ناحیه تناسلی هستند که در زنان شامل ترشحات واژینال، خونریزی واژینال، درد پایین شکم، درد در هنگام دفع ادرار، اورتریت، سرویسیت، اندومتریوت و بیماری التهابی لگن و در مردان شامل ترشحات مجرای ادراری، اورتریت و اپیدیدیمیت هستند.

روش کار. در این مطالعه بررسی بر روی نمونه های ۱۳۴ زوج (به عبارتی ۲۶۸ نمونه) با تشخیص اولیه ناباروری که در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ نمونه آنها به آزمایشگاه بیمارستان امام رضا (ع) بجنورد ارسال گردیده اند تست PCR برای بررسی حضور باکتریهای منتقله از طریق جنسی شامل کلامیدیا تراکوماتیس، اوره پلاسما اوره لیتیکوم، نیسریه گنوره، مایکوپلاسما ژنیتالایوم و تریکوموناس واژینالیس انجام گردید. طبق تعریف، زوجینی که حداقل به مدت یک سال رابطه بدون پیشگیری داشته اند و حاملگی صورت نگرفته است به عنوان نابارور طبقه بندی می گردند. از این تعداد ۴۴ نمونه (۱۶.۴٪) از نظر کلامیدیا تراکوماتیس و ۲۱ نمونه (۷.۸٪) از نظر حضور اوره پلاسما اوره لیتیکوم مثبت گردید. هیچ نمونه ای دارای نیسریه گنوره نبود. نمونه (۱۱.۲٪) از نظر حضور مایکوپلاسما ژنیتالایوم مثبت بود و هیچ نمونه های دارای تریکوموناس واژینالیس نبود.



میزان شیوع ارگانیسماهای مختلف در نمونه های زوجین باردار

بحث:

در مطالعه حاضر کلامیدیا تراکوماتیس نسبت به مطالعات مشابه در ایران و سایر نقاط دنیا شیوع بالاتری داشته و سایر ارگانیسماهای مورد بررسی شیوع نسبتاً پایینتری داشتند. برای تصمیم گیری بهتر در مورد ارگانیسماهای در گردش و اتخاذ روشهای صحیح پیشگیری و درمانی پیشنهاد می شود مطالعاتی از این دست در سطح گسترده تر در سایر نقاط کشور انجام گردد و همچنین مقاومتهای آنتی بیوتیکی نیز بررسی شود.

زهرا طالب زاده*

۱. اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان شمالی

چکیده: مطالعات نشان داده‌اند که عوامل محیطی می‌توانند از جمله عوامل مؤثر بر ناباروری باشند، البته در هر منطقه این عوامل متفاوت هستند و بررسی اثرات هریک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. یکی از مباحثی که در حیطه ناباروری توجه صاحب نظران را به خود جلب کرده است، تأثیر عوامل محیطی آسیب‌رسان بر سلامت تولیدمثل انسان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دستکم، ۵٪ از ناباروری در مردان ناشی از آثار زیانبار عواملی نظیر پرتوهای با فرکانس فوق العاده بالا، فنولها، حلالهای آلی، فلزات سنگین، علف کشها و سایر موارد است. فلزات سنگین از جمله کروم و کادمیوم رایجترین آلاینده‌هایی هستند که معمولاً در غلظت‌های بالا در فاضلاب صنایع یافت می‌شوند و موجب آسیب به محیطهای آبی و به مخاطره افتادن سلامت موجودات زنده به خصوص انسان می‌گردند. مرور نظاممند متون عبارت است از اقدام هماهنگ برای شناسایی سیستماتیک کلیه پژوهشهای اولیه در دسترس، ارزیابی نقادانه این پژوهشها و ساخت داده‌های مطالعات با کیفیت مطلوب (و در بعضی موارد آنالیز کمی آنها) با یک روش استاندارد و نظاممند که برای پاسخ دادن به یک سوال مرتبط انجام می‌شود. تعریف سازمان جهانی بهداشت از ناباروری، ناتوانی در بارورسازی و یا بارداری متعاقب یکسال مقاربت طبیعی و مداوم است. این رقم در مناطق مختلف جغرافیایی جمعیت‌های بشری میان ۱۵ درصد تا ۱۷ درصد گزارش شده است. تاکنون عوامل مختلف تأثیرگذار بر قدرت باروری مردان همچون سن، نوع تغذیه و سموم شیمیایی طبیعی و یا ساخت دست بشر (سنتتیک) توسط محققین مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند. کروم و کادمیوم رایجترین آلاینده‌هایی هستند که معمولاً در غلظت‌های بالا در فاضلاب صنایع یافت می‌شوند و موجب آسیب به محیطهای آبی و به مخاطره افتادن سلامت موجودات زنده به خصوص انسان می‌گردند. طی تحقیقات متعدد از میان عناصر فلزی مختلف موجود در جدول مندلیف (جدول تناوبی عناصر)، عنصر کادمیوم برای سلولهای دودمان جنسی موجود در لوله‌های منی‌ساز بیضه، سمی اعلام گردیده است.

واژه های کلیدی: فلزات سنگین، ناباروری، محیط زیست

Emerging Technologies in Infertility Treatment: A Comprehensive Review



Ali Abbaszade-cheragheali¹

¹. Torbat Heydarieh University of Medical Sciences

Introduction: Infertility is an important global health issue that affects individuals and couples alike. Recent advances in medical science have fueled interest in exploring emerging technologies to combat infertility. This comprehensive review aims to provide an in-depth overview of these technologies, outline the search strategy, key findings and their implications.

Search Strategy: A systematic literature search of major scientific databases, including PubMed, Scopus, and Web of Science, using keywords such as 'infertility,' 'emerging technologies,' 'assisted reproductive technologies,' 'genetic screening,' 'Rebuild' done. Medicine' and 'Artificial Intelligence'. The review focused on articles published in the past decade to ensure inclusion of the most recent research.

Results: This search identified a large number of studies on emerging technologies for infertility treatment. Key areas explored included assisted reproductive technologies, genetic screening techniques, regenerative medicine applications, and the use of artificial intelligence in diagnosis and treatment. Each section of this review addresses the latest research and developments in these areas and provides a comprehensive understanding of their potential impact on infertility treatment.

Conclusion: This comprehensive review emphasizes the importance of emerging technologies in changing the shape of infertility treatment. By embracing these innovative approaches, there is the potential for improved outcomes and a higher success rate in overcoming the challenges of infertility. The combination of assisted reproductive technology, genetic screening, regenerative medicine, and artificial intelligence offers new ways to understand and address the complexities of infertility, bringing hope to those trying to start a family.

Key words: infertility, emerging technologies, assisted reproductive technologies, genetic screening, regenerative medicine, artificial intelligence

تأثیر مدل مراقبت پیگیر بر تاب آوری زنان مراجعه کننده به کلینیک ناباروری بیمارستان بنت الهدی بجنورد

علی عباس زاده، نرگس سفیدی، طوبی فرازمند، حسن سعادت، مریم احمدی، آیدا نیازی

۱. خراسان شمالی، بجنورد

مقدمه: ناباروری در واقع یک بحران پیچیده زندگی و یک نگرانی اجتماعی است که از لحاظ روان شناختی تهدیدکننده و از لحاظ هیجانی فشارآور است و بر جنبه های مختلف کیفیت زندگی موثر است. یکی از عوامل مهمی که می تواند در بهبود کیفیت زندگی افراد تأثیر مثبت داشته باشد، تاب آوری است. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر مدل مراقبت پیگیر بر تاب آوری زنان مراجعه کننده به زنان نابارور انجام شد.

مواد و روش ها: در این مطالعه نیمه تجربی ۹۰ زن نابارور مراجعه کننده به کلینیک ناباروری بیمارستان بنت الهدی بجنورد در سال ۱۴۰۲ به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و وارد مطالعه شدند. اطلاعات به کمک پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد مقیاس تاب آوری کونور و دیودسون جمع آوری شد. برای اجرای مدل مراقبت پیگیر در گروه آزمون، جلسات آموزشی بسته به نیاز مددجویان برگزار شد. پرسشنامه تاب آوری یکبار قبل از آموزش، در هر دو گروه کنترل و آزمون تکمیل شد. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ و با آزمون های آماری کای دو، آزمون دقیق فیشر، تی مستقل، تی زوج و آنالیز کوواریانس انجام شد. سطح معنی داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. کد اخلاق به شماره ۱۴۰۱، ۰۸۸، IR.NKUMS.REC. و کد IRCT به شماره IRCT۲۰۲۳۰۱۲۶۰۵۷۲۳۵N۱ اخذ شد.

یافته ها: میانگین نمرات تاب آوری قبل و بعد از مداخله در گروه آزمون به ترتیب ۷۰.۱۳ (۱۰.۶۱) و ۸۰.۸۸ (۱۱.۶۳) و در گروه کنترل به ترتیب ۵۱.۲۲ (۲۰.۶۹) و ۵۰.۷۴ (۲۰.۵۴) به دست آمد. تفاوت آماری معنی داری بین دو گروه آزمون و کنترل از نظر نمره کلی تاب آوری و همه ی ابعاد آن مشاهده شد. ($p: ۰/۰۰۰$) همچنین مطابق ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای دموگرافیک و تاب آوری ارتباط معنی دار وجود نداشت. ($p > ۰/۰۰۵$)

نتیجه گیری: اجرای مدل مراقبت پیگیر، باعث ارتقای سطح ابعاد مختلف تاب آوری در زنان نابارور گردید و پیشنهاد می شود از این مدل به عنوان یک مدل مراقبتی آسان، کم هزینه و در دسترس استفاده گردد.

کلیدواژه: مدل مراقبت پیگیر، تاب آوری، ناباروری

زهرة عباسی^۱، زهرة کشاورز^۲، محمدجلال عباسی شوازی^۳، عباس عبادی^۴، الهه سالاری^۵

۱. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
۲. دکترای تخصصی سلامت باروری
۳. عضو هیئت مدیره انجمن جمعیت‌شناسی ایران
۴. دکتری پرستاری دانشگاه تربیت مدرس
۵. کارشناس ارشد مشاوره مامایی، بیمارستان بنتالهدی، بجنورد، ایران.

زمینه و هدف: قومیت و فرهنگ مراحل مختلف باروری و بارداری را به عنوان یک پدیده زیستی تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدون دانش و درک ناکافی در مورد مشکلات زنان، سیاست‌های جهت ارتقاء سلامت مادران عقیم خواهد ماند. لذا این مطالعه با هدف کنکاش در رسوم مربوط به زنان باردار اقوام مختلف خراسان شمالی انجام گردید. مواد و روش کار: این مطالعه کیفی با شیوه قوم‌نگاری به روش مشاهده، مصاحبه فردی یا گروهی با سوالات باز بر روی زنان اقوام مختلف خراسان شمالی در رابطه با سنت‌های مختلف مربوط به مراحل قبل از بارداری، بارداری و زایمان و مرحله پس از زایمان و مراقبت از نوزاد پس از پذیرش و شناسایی آگاهان و منابع اطلاعاتی شامل مادران باردار، همراهان مخصوصاً مادران و مادر بزرگ‌ها به گردآوری داده‌ها می‌پردازد. مصاحبه و مشاهده تا زمان اشباع نتایج و تکرار آنها ادامه یافت. شیوه ثبت داده‌ها به صورت یادداشت برداری انجام شد.

یافته‌ها: باورهای فرهنگی اقوام به دلیل مدرنیته شدن زایمان و زایمان در بیمارستان و حضور ماماهاى تحصیل کرده کمرنگ شده یا به فراموشی سپرده شده است ولی هنوز هم باورهای مفید که جنبه حمایتی و کمک‌کننده دارند مانند (حمایت عاطفی و روانی از مادر و نوزاد و یا استفاده از وضعیت‌های مناسب در زایمان در منزل)، باورهای منفی مانند (عدم تغذیه نوزاد با کلستروم جهت جلوگیری از زردی نوزادی و باورهای خنثی مانند (چله بریدن) در بین اقوام و مخصوصاً افراد ساکن در روستاها دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری: برای تغییر رفتار باروری، باید نگرشها و عقاید مربوط به باروری شناسایی گردد و با اصلاح رفتارهای مربوط به باروری زنان و جهت ارتقاء سلامت آنان گام برداشت.

واژه‌های کلیدی: عادات، باورها، فرهنگ، اقوام، بارداری و زایمان

The relationship between acupuncture and psychological and social messages in the treatment of infertile women



Roya Nikjou¹, Romina Arabi^{2*}

1. Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran

2. Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Ardabil University of Medical Sciences, Iran

Introduction: Infertility is a very distressing experience for many women and is associated with psychological complications such as anxiety, depression and chronic stress. Infertility is a priority in the national women's health policy in Iran. Many studies have shown a positive correlation between the use of acupuncture during in vitro fertilization (IVF) treatment at the time of embryo transfer. The purpose of this study was to investigate the effectiveness of acupuncture in reducing stress caused by infertility and treating infertility.

Search strategy: In this systematic review, online databases (Medline, EMBASE, Scopus, Web of Science, Cochrane Library, CINAHL, CIVILICA, and Google Scholar search engine) were searched with the keywords acupuncture, treatment of infertile women, psychological and social messages without time limit until 2023.

Results: Although the understanding of acupuncture is based on ancient medical theory, studies have shown that certain effects of acupuncture are mediated through endogenous narcotic peptides in the central nervous system, particularly β -endorphin. Since these neuropeptides influence gonadotropin secretion through their effect on GnRH, it is reasonable to hypothesize that acupuncture may influence the menstrual cycle through these neuropeptides. In addition to its central effect, the sympathoinhibitory effects of acupuncture may affect uterine blood flow. Women described the experience and impact of acupuncture as positive, related to a sense of relaxation and relaxation, interaction with the practitioner, and an intervention with very few side effects.

Conclusion: Acupuncture may be a useful intervention to help reduce the stress associated with infertility. Acupuncture can play an important role in women's health promotion strategies. Although the definitive role of acupuncture in the treatment of female infertility has not yet been established, its potential effect centrally on the hypothalamic-pituitary-ovarian axis and peripherally on the uterus requires systemic investigation. Prospective randomized controlled studies are needed to evaluate the effectiveness of acupuncture in the treatment of female fertility.

Keywords: acupuncture - psychological and social messages - treatment of infertile women

فرحناز عزتی^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

زمینه و هدف: در ایران، سالانه نزدیک به ۵۳۰ هزار سقط عمدی صورت می‌گیرد؛ در واقع سقط عمدی یا جنایی نزدیک به یک سوم کل سقطها را تشکیل می‌دهد که رقم بالایی است. به منظور بهبود میزان مرگ و میر مادران باردار و کاهش سقط جنین‌های نایمن، استخراج علل کلیدی سقط جنین ضروری می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مرور حیطه ای انجام شد. مقالات مرتبط با علل سقط القایی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ میلادی از پایگاه‌های اطلاعاتی انگلیسی زبان Scopus, Science Direct, Emerald, Springer, PubMed, Web of Science و پایگاه‌های داده الکترونیک فارسی Magiran و SID هم‌چنین موتور جستجوی Google scholar جستجو شد. در نهایت ۳۳ مقاله انتخاب و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میزان تحصیلات زنان، سن کم، حاملگی ناخواسته، عدم استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری، استفاده نادرست از وسایل پیشگیری از بارداری، باور اجتماعی- فرهنگی و مذهبی، تحصیلات همسران، اشتغال زنان و تعداد فرزندان پر تکرارترین علل انجام سقط القایی در زنان بود. مدل مفهومی عوامل سقط جنین القایی که شامل عوامل مستعد کننده، عوامل توانمندساز و عوامل نیاز بود، طراحی شد. **نتیجه‌گیری:** عوامل مؤثر در باروری در حقیقت فرهنگ جامعه، عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی است که باروری و سقط جنین را در جامعه تعیین می‌کنند. در سطح خرد، انگیزه‌های شخصی، نگرش‌های افراد و طرز تلقی آنها می‌تواند روی رفتارهای افراد اثر بگذارد.

واژه‌های کلیدی: سقط القایی، زنان

نقش گیاهان دارویی و طب سنتی در باروری و جوانی

جمعیت

دکتر رامین عطایی^۱، سمیه بشتام^۲

۱. مرکز تحقیقات گیاهان دارویی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری ایران
۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری ایران

سابقه و هدف: باروری یک مشکل مورد توجه در تمام دنیا است. بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، نرخ ناباروری از سال ۱۹۹۰ تاکنون روندی افزایشی داشته است. طبق تعریف، منظور از ناباروری عدم آستن شدن پس از یک دوره یک ساله آمیزش جنسی مداوم و بدون پیشگیری در زنان کمتر از ۳۵ سال و یا پس از یک دوره شش ماهه در زنان بالاتر از ۳۵ سال است. ناباروری ممکن است ناشی از اختلالات مردانه یا زنانه باشد. از جمله اصلی ترین اختلالات زنانه که عامل ناباروری اند عبارتند از مشکلات تخمک گذاری، اندومتریوز، چسبندگی لگن، گرفتگی و ناهنجاری لوله های رحمی و هیپرپرولاکتینمی. از جمله اختلالات مردانه عامل ناباروری که اتفاقا درمان آن نیز بسیار مشکل است عبارتند از نقایص ژنتیکی، نارسایی فیزیولوژیکی و غدد درونریز و مشکلات مربوط به بیضه. درمان ناباروری به علت زمینه ایی آن بستگی دارد. تقریبا از جدیدترین روش های درمان ناباروری می توان (fertilization (IVF in vitro را نام برد. میزان موفقیت در این روش که یک درمان بسیار پرهزینه نیز می باشد به عواملی مانند سن، عملکرد دستگاه تناسلی و ذخیره تخمدان بستگی دارد. این مطالعه مروری به بررسی نقش داروهای گیاهی و طب سنتی در پیشگیری و درمان باروری می پردازد.

روش مطالعه: با مراجعه به موتورهای جستجوی داخلی و خارجی از جمله Direct Science, Google Scholar, PubMed, Medline و پایگاه مجلات داخلی به بررسی برخی مقالات مروری و مروری سیستماتیک در خصوص نقش طب سنتی و گیاهان دارویی پرداختیم.

نتایج: عوامل مختلفی می توانند عملکرد دستگاه تناسلی را تحت تاثیر قرار دهند از جمله انجام فعالیت ورزشی، چاقی، استرس، مشکلات روانی، مصرف سیگار و الکل. بر اساس مطالعات انجام شده بنظر می رسد مصرف غذاهای کم کالری با شاخص گلیسمی پایین، مصرف پروتئین بیشتر، چربی های غیراشباع خصوصا امگا-۶، فیبر، کربوهیدرات های با شاخص گلیسمی پایین، لبنیات پرچرب، مواد غنی از آهن، غذاهای گیاهی، و کاهش مصرف چربی های ترانس و کاهش مصرف پروتئین های حیوانی می تواند در افزایش شانس باروری مفید باشد. به عنوان مثال مشاهده شده است که مصرف حبوبات می توانند تأثیر مثبتی بر سیستم تولید مثل، چرخه قاعدگی و ناباروری در زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک داشته باشد. در این مورد گزارش شده است که مصرف لوبیا قبل از روش IVF در افزایش ضخامت بافت اندومتریوز و شانس لانه گزینی زیگوت موثر است. مصرف این حبوبات، میوه و سبزیجات برای سلامت جنین مفید و مصرف سیگار و الکل مضر هستند.

در طب سنتی با قدمتی چند هزار ساله، ادعاهایی مبنی بر درمان بعضی از انواع ناباروری ها وجود دارد. این ادعاها عمدتا بر مبنای تغییر سبک زندگی و رژیم غذایی استوار هستند. در طب سنتی چینی معمولا از انواع گیاهان دارویی در کنار سایر روش های سنتی برای درمان استفاده شده است از جمله این گیاهان عبارتند از Semen Cuscutae • Semen Lantaginis • Herba Leonuri Japonici • Fructus Ligustri Lucid

کلمات کلیدی: طب سنتی، گیاهان دارویی، ناباروری، جین سینگ، جینکوبیلوبا، خارخسک، سیگار و باروری

High prevalence of ST ϵ and ST \wedge , Chlamydia Trachomatis in infertile couples in North Khorasan Iran



Amir Azimian¹, Reza Besharati¹, Reza Shafiei¹

¹ North Khorasan University of Medical Sciences

Background. Chlamydial infection can lead to ectopic pregnancy and infertility. because of the high prevalence of infertility in Iran, in this study, we have evaluated bacterial infections of urogenital tract of infertile couples in North Khorasan.

Methods. We have tested 268 samples of infertile couples for *Chlamydia trachomatis*. samples included cervical or urethral swabs of infertile patients between 2017-2021. These specimens were evaluated using PCR. We performed Multi Locus Sequence Typing on positive samples.

Results. Of the 268 samples tested, 44 (16,4%) samples were found to be positive for *C. Trachomatis*. Of 44 positive samples, 30 cases were obtained from women, and just nine samples were related to men. Of 44 *C. trachomatis*-positive samples, 10 cases were not typable. Interestingly, we had two Sequence types in our 30 typeable isolates. Of the 30 typable samples, 20 isolates (66,6%) belonged to ST \wedge , and the rest nine samples (30,0%) belonged to ST ϵ .

Conclusion. The high prevalence of only ST ϵ and ST \wedge in the majority of symptomatic infertile patients may be attributed to the higher pathogenicity of these types for the urogenital tract. However, it should be noted that our sample size is insufficient to draw such a conclusion and further extensive investigation.

Keywords. Chlamydia trachomatis, infertility, molecular typing

سمانه علی‌زاده^{۱*}، شهریار استوار^۲

۱. دکتری پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران
۲. کارشناس ارشد پرستاری، مرکز آموزشی درمانی کودکان مردانی آذر، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

مقدمه: داشتن فرزند جزء اساسی زندگی هر فرد به عنوان یک انسان است. شکست در امر باروری به طور عمیقی زوج‌ها را متأثر می‌سازد و مساله‌ای فردی و خانوادگی و اجتماعی است، که با عوامل تنش‌زای متعددی همراه است. این اختلال همچون بحرانی تنش‌زا بر جنبه‌های مختلف فرد نابارور اثر می‌گذارد. مطالعه اثر پدیده نازایی و تشخیص چگونگی ارتباط این پدیده بر اضطراب و افسردگی زنان، تأثیری عمیق در بهبود کیفیت زندگی آنان خواهد داشت، لذا این مطالعه مروری با هدف بررسی اثرات نازایی بر کیفیت زندگی، اضطراب و افسردگی زنان انجام شد.

روش جستجو: در بررسی متون در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳، کلیه سایت‌های Chochran, Pubmed, Google Scholar

, Magiran و Proquest, Scopus, Scinedirect, CINAHL, SID, با واژه‌های کلیدی نازایی، ناباروری، کیفیت زندگی،

اضطراب، افسردگی، زنان و ترکیب آنها جستجو شد. نسخه اصلاح شده مرور یکپارچه پنج مرحله‌ای کوپر برای مرور و ترکیب دانش موجود در زمینه اثرات نازایی بر کیفیت زندگی، اضطراب و افسردگی زنان مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مروری بر متون موجود نشان داد که سطح اضطراب، افسردگی و دیگر مشکلات روانشناختی در زنان نابارور بالاتر بوده و این مشکلات، کیفیت زندگی این زنان را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان نابارور اغلب ناباروری را تنش‌زاترین حادثه زندگی دانسته و دوره‌های مکرر و متوالی درمان را به عنوان دوره‌های مکرر بحران توصیف می‌کنند.

نتیجه‌گیری: ناباروری تأثیر قابل ملاحظه‌ای روی عوامل روانی مانند ایجاد اضطراب و افسردگی و ... می‌گذارد و علاوه بر این، اختلالات ایجاد شده می‌تواند طول مدت ناباروری را افزایش دهد، لذا مسئولین باید با اعمال سیاست‌های تشویقی، زوجین را به سمت روش‌های درمان ناباروری سوق داده و در این راستا حمایت‌های لازم از زوجین نابارور را به عمل آورند.

واژه‌های کلیدی: نازایی، ناباروری، کیفیت زندگی، اضطراب، افسردگی، زنان

بررسی شیوع عفونت کلامیدیا تراکوماتیس با روش الایزا و عوامل مرتبط با آن در زنان دارای سابقه سقط جنین مراجعه کننده به بیمارستان بنت الهدی بجنورد

سپیده غلامی^۱، رضا بشارتی^{۲*}

۱. دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، هیئت علمی گروه اتاق عمل و بیهوشی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

۲. دانشجوی دکترای میکروبیولوژی، هیئت علمی گروه پاتوبیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران.

مقدمه: عفونت کلامیدیایی، یک عفونت شایع است. این باکتری می تواند باعث ایجاد عوارضی از قبیل: عفونت التهابی لگن، حاملگی خارج رحمی، ناباروری و سقط جنین شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی شیوع عفونت کلامیدیا تراکوماتیس در زنان دارای سابقه سقط جنین مراجعه کننده به بیمارستان بنت الهدی بجنورد انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی در سال ۱۳۹۸ بر روی ۹۰ نفر از زنانی که با سابقه سقط جنین به بیمارستان بنت الهدی مراجعه کرده بودند، انجام گرفت. ابزار تحقیق پرسشنامه و نمونه مورد مطالعه خون بود که جهت انجام آزمایش الایزا به آزمایشگاه میکروب شناسی منتقل گردید. اطلاعات دموگرافیک بیمار و تاریخچه پزشکی شامل سن، تعداد بارداری، تعداد سقط، محل زندگی و تعداد زایمان موفق جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۹) و آزمون های کای اسکور و فیشر انجام شد. میزان P کمتر از ۰/۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته ها: شیوع عفونت در نمونه مورد بررسی ۱۱ نفر (۱۲/۲٪) به دست آمد. در مطالعه حاضر بین نتیجه آزمایش (عفونت کلامیدیایی) با سن بیماران ارتباط معناداری مشاهده نشد ($P=0/92$). میانگین سن در افراد با عفونت مثبت کلامیدیا $27/7 \pm 7/8$ و در افراد با عفونت منفی $27/9 \pm 7/6$ سال بود. همچنین بین سن بارداری، تعداد حاملگی، محل زندگی، تعداد سقط و تعداد زایمان های موفق با نتیجه آزمایش (عفونت کلامیدیایی) ارتباط معناداری مشاهده نشد ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: از آنجایی که در مطالعه حاضر شیوع عفونت کلامیدیا در زنان با سابقه سقط ۱۲/۲٪ بود، به منظور کاهش بار بیماری در جامعه و پیشگیری از عوارض آن می توان غربالگری کلامیدیا با روش الایزا را به عنوان بخشی از برنامه های روتین قبل و حین بارداری در کلیه مراکز درمانی در نظر گرفت.

کلمات کلیدی: زنان، سقط جنین، شیوع، کلامیدیا تراکوماتیس

زهره فاتح^۱

۱. دانشگاه علوم پزشکی همدان

مقدمه: نازایی و سقط در جوامع مختلف به عنوان یک مسئله به‌ویژه حساس و پیچیده مورد بحث قرار گرفته‌اند. با پیشرفت‌های علمی و پزشکی، رویکردهای نوینی در زمینه نازایی و پیشگیری از سقط ارائه شده است. این مقاله مروری، به بررسی این رویکردهای نوین پرداخته و آن‌ها را از نظر علمی، اجتماعی، و اخلاقی مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

روش کار: در این مطالعه مروری که در سال ۲۰۲۳ انجام شد، کلیدواژه‌های رویکرد نوین، نازایی، پیشگیری و سقط در پایگاه‌های داده داخلی و نیز PubMed, CINAHL, Web of Science, Scopus بدون محدودیت زمانی جستجو شدند. مقالات تکراری حذف و سایر مطالعات دارای معیارهای ورود به مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: طبق تحلیل مطالعات بررسی شده، رویکردهای نوین در نازایی و پیشگیری از سقط که مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از ترکیب روش‌ها: استفاده از ترکیب متدهای مختلف مانند آموزش‌های تربیت جنسی، توزیع رایگان وسایل بهداشتی، و ارتقاء دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی، به منظور کاهش نازایی و سقط. فناوری اطلاعات و ارتباطات: استفاده از فناوری‌های نوین، مانند اپلیکیشن‌ها و وبسایت‌ها برای ارائه آگاهی به جوانان در زمینه بهداشت جنسی و جلوگیری از نازایی. تغییرات در سیاق قانونی و اجتماعی: تغییرات در سیاق قانونی با هدف افزایش دسترسی به خدمات جنسی، تسهیل در اخذ وسایل بهداشتی، و حمایت از زنان در مواقع نازایی.

ارزیابی: رویکردهای نوین می‌توانند در جلوگیری از نازایی و سقط مؤثر باشند، اما در عین حال نیاز به مدیریت دقیق دارند. ارزیابی علمی، اجتماعی، و اخلاقی این رویکردها ضروری است.

نتیجه‌گیری: بر اساس بررسی رویکردهای نوین در نازایی و پیشگیری از سقط، به‌نظر می‌رسد که ترکیب تلاش‌های متعدد، استفاده از فناوری، و تغییرات در سیاق اجتماعی و قانونی می‌توانند به جلوگیری از نازایی و سقط کمک کنند. اما نیازمند هماهنگی دقیق و مدیریت کامل‌تری در عرصه‌های علمی، سیاق اجتماعی و حقوقی هستند.

کلمات کلیدی: رویکرد نوین، نازایی، سقط، پیشگیری

The effectiveness and safety of nanomedicine for clomiphene citrate delivery in polycystic ovary syndrome and infertility: a systematic review



Sonia Fathi¹, Fatemeh Tanhaye Kalate Sabz¹

¹ North Khorasan University of Medical Sciences

In the context of rapid technological evolvment, the systematic review elucidates the potential of medical nanotechnology, specifically within fertility treatments, with focus on its use in mitigating Polycystic Ovary Syndrome (PCOS). As PCOS affects approximately 10% of women during their reproductive years, leading to potential fertility complications and associated health risks, nanotechnology presents an innovative approach to traditional therapeutic methods. This review thoroughly presents the recent advancements in nanotechnology-based treatments and their potential in addressing and possibly preventing PCOS. Significant strategies involve the development of nanoparticles tailored to deliver Clomiphene Citrate, a commonly administered drug for PCOS, pinpointing ovarian cysts, thereby minimizing adverse effects while improving overall treatment efficiency. Concurrently, novel advancements within nanotechnology-based biosensors reveal potential in early PCOS detection and continuous monitoring, allowing for prevention and personalized treatment interventions. This systematic review synthesizes current studies on nanotechnology applications in PCOS, extending from nanoparticle-assisted drug delivery systems to nanoscale diagnostic devices. Further studies are paramount to address safety and ethical considerations and to ensure public acceptance. As we approach a future where population sustainability is crucial, integrating inventive technologies such as medical nanotechnology is indispensable.

The role of nanotechnology in improving sperm quality and fertility outcomes: a systematic review



Sonia Fathi¹, Fatemeh Tanhaye Kalate Sabz¹

¹ North Khorasan University of Medical Sciences

As infertility rates globally rise, the call for innovative solutions is increasingly urgent. This systematic review highlights the potential of nano-formulated systems on infertility advancements, with a focus on the potential to improve sperm motility. Articles from PubMed and Google Scholar were sourced to survey an assortment of nano-formulated drugs, vitamins, and naturally occurring products such as saffron. Nanotechnology has displayed demonstrated potential in enhancing drug delivery systems for infertility treatments, providing targeted delivery, enhanced bioavailability, and minimized side effects. This review discusses various nano-drugs and their potential clinical applications for improving sperm quality and addressing infertility in both genders. Critical to fertility is the role of vitamins, particularly antioxidants. Notably, nano-encapsulated forms of vitamins E and C have shown improved bioavailability, facilitating efficient delivery to reproductive organs. These nano-vitamins could foster protection against oxidative stress, a key factor impacting sperm quality, motility, and female reproductive health. In addition, natural products have a proven history in augmenting fertility. Saffron, with its antioxidant and anti-inflammatory properties, when nano-formulated, has shown potential in enhancing both sperm motility and overall fertility. To conclude, nano-formulated systems present a novel approach to infertility treatment, potentially overcoming the limitations of traditional drugs, vitamins, and natural products by enhancing absorption, targeted delivery, and reducing side effects. Future research endeavors should focus on optimizing these nano-systems and embark on comprehensive clinical trials to attest their safety and efficacy in human subjects.



Investigating the effect of educational intervention on the effects of second-hand smoke in pregnancy on the knowledge,

Zohreh Karimiankakolaki¹

¹ Department of Health, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

Introduction: Contact with second-hand cigarette smoke includes inhalation of cigarette smoke caused by the burning of the cigarette itself and inhalation of smoke exhaled by the smoker. Wife's pregnancy can be a motivating factor to change the behavior of men who smoke. Therefore, this study was conducted with the aim of designing, implementing and evaluating an educational program regarding the effects of second-hand smoke in pregnancy on the knowledge, attitude and performance of male smokers.

Methodology: The present study is an interventional type of pre-test and post-test. In this phase, sampling from health centers in Isfahan was done randomly between March and July ۲۰۱۹, the participants were ۱۴۰ smoking spouses of pregnant women, who visited health centers to receive pregnancy care, and were divided into two intervention groups and control were divided. The data collection tool was a researcher-made questionnaire on men's awareness, attitude and performance regarding second-hand smoke. All data were analyzed with SPSS^{۱۸} software and Chi-score, Fisher, t-test.

Results: The average age of the participants was ۳۴ years. There was no significant difference between the comparison of demographic variables in the intervention and control groups ($p > 0.05$). The results of the paired t-test for comparing before and after the training showed that the average score of the emotional dimension of attitude in the two groups of intervention ($p < 0.001$) and control ($p < 0.001$), awareness ($p < 0.001$) and behavior ($p < 0.001$) was significantly increased in the intervention group after the training, and according to the independent t-test, the average score of the items mentioned after the training in the intervention group was higher than the control group ($p < 0.05$). Regarding perceived sensitivity ($p = 0.066$) and perceived severity ($p = 0.065$), no significant difference was observed.

Conclusion: The awareness, emotional aspect of men's attitude and behavior regarding secondhand smoke increased, but the perceived sensitivity and severity in this regard was not significant despite the increase, so the current training package is effective in training, but considering more training sessions It is necessary with more concrete training with model or training videos in order to improve the sensitivity and perceived intensity of men.

Trial registration: Registration of this randomized control trial has been completed with the Iranian Registry of Clinical Trials, IRCT۲۰۱۸۰۷۲۲۰۴۰۵۵۵N۱

خودپیوند بافت تازه تخمدان در بیماران مبتلا به نارسایی زودرس تخمدان

محبوبه کفایی عطریان^۱

۱. استادیار، مرکز تحقیقات تروما، گروه مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

مقدمه: بیماران مبتلا به نارسایی اولیه تخمدان (POI) عمر باروری کوتاه تری دارند. اخیراً فعال‌سازی فولیکول‌های خفته با استفاده از کشت آزمایشگاهی قطعات تخمدان انجام شده است. هدف این مطالعه بررسی منابع موجود در مورد خودپیوند بافت تازه تخمدان در بیماران مبتلا به نارسایی زودرس تخمدان است.

روش جستجو: این مطالعه مروری به بررسی مطالب موجود در Pubmed, googlescholar و Uptodate پرداخته است. کلیه مقالات مداخله‌ای، توصیفی و گزارش موردی ۱۰ سال اخیر برای انسان در مطالعه وارد شد. برای جستجوی مطلب از کلمات کلیدی 'Autograft/In Vitro Activation primary ovarian insufficiency/premature ovarian failure' در عنوان/چکیده مقالات استفاده شد. در ابتدا ۷ مقاله استخراج شد. پس از حذف مقالات مروری و غیر مرتبط در نهایت تعداد ۴ رفرنس مورد مطالعه قرار گرفت.

نتایج: در یک مطالعه بیمار ۳۲ ساله مبتلا به POI پیوند قطعات تخمدان در تخمدان طرف مقابل و پاکت صفاقی نزدیک به تخمدان منجر به رشد ۳ فولیکول قبل از تخمک‌گذاری و بازیابی دو تخمک بالغ و یک حاملگی تک قلو شد.
در یک بیمار ۳۵ ساله مبتلا به POI تحت In Vitro Activation (IVA) بارداری حاصل شد. متأسفانه زایمان زودرس با مرگ اتفاق افتاد. مجدداً تخمک بالغ ۲۰ ماه پس از IVA بازیابی شد و بارداری بعدی نشان داد IVA بدون دارو می‌تواند منجر به عملکرد طولانی مدت تخمدان شود.

در یک مطالعه با درمان IVA در ۱۴ بیمار مبتلا به POI، در شش بیمار ۱۵ موج رشد فولیکول و تولید شش تخمک صورت گرفت. چهار جنین اولیه استخراج شد. یک بیمار باردار شد و یک نوزاد پسر سالم به دنیا آورد و سه جنین دیگر تحت انجماد قرار گرفتند.
در یک مطالعه IVA در ۱۴ زن POI انجام و رشد فولیکول در هفت نفر از ۱۴ بیمار شناسایی شد. پنج زن به بازیابی تخمک دست یافتند. شش انتقال جنین در پنج زن منجر به چهار حاملگی شد.

نتیجه‌گیری: علیرغم نتایج محدود موجود، می‌توان خودپیوند بافت تازه تخمدان را برای دستیابی به فرزند در نارسایی زودرس تخمدان در نظر گرفت. IVA همچنین برای درمان بیماران مبتلا به اختلال عملکرد تخمدان از جمله زنان مسن و بازماندگان سرطان مفید باشد.
واژه‌های کلیدی: نارسایی، تخمدان، خودپیوند

محبوبه کفایی عطریان^۱

۱. استادیار، مرکز تحقیقات تروما، گروه مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

مقدمه: نارسایی زودرس تخمدان (POI) یک بیماری جدی برای زنان جوانی است که هنوز فرزندآوری خود را کامل نکرده اند. یکی از گزینه های درمانی نوآورانه در این بیماران، تزریق سلول های بنیادی به منظور حفظ عملکرد تخمدان است. این مطالعه نتایج تحقیقات موجود در مورد تزریق سلول های بنیادی به تخمدان را ارائه می کند.

روش جستجو: این مطالعه مروری به بررسی مطالب موجود در Uptodate و Pubmed , googlescholar پرداخته است. کلیه مقالات مروری، مداخله ای، توصیفی و گزارش موردی ۱۰ سال اخیر برای انسان در مطالعه وارد شد. برای جستجوی مطلب از کلمات کلیدی ، stem cell ، primary ovarian insufficiency/premature ovarian failure، infertility، therapy/management در عنوان مقالات استفاده شد. پس از حذف مقالات غیر مرتبط در نهایت تعداد ۲۱ رفرنس مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته ها: سلول های بنیادی می توانند جوان سازی بافت تخمدان را تسریع کنند، سطح هورمون های جنسی را تنظیم کنند و در نهایت میزان باروری را افزایش دهند. انواع مختلفی از سلول های بنیادی در درمان POI استفاده می شوند از جمله: سلول های بنیادی مشتق از مغز استخوان با قابلیت تمایز به استخوان، غضروف و سلول های چربی، سلول های بنیادی مزانشیمی با خواص آنتی اکسیدانی شدید، سلول های بنیادی برون جنینی (Extra-embryonic) با اثر مهار آترزی فولیکول و حفظ فولیکول های سالم، سلول های بنیادی جنینی انسان ، سلول های گرانولوزای تخمدان انسان با کاهش فولیکول های آترتیک و افزایش استرادیول، سلول های بنیادی مزانشیمی بند ناف با قابلیت تمایز به رده های سلولی متعدد، سلول های بنیادی آمینوتیک انسانی مشابه سایر سلول های بنیادی مزانشیمی چند توان ، سلول های بنیادی مزانشیمی مشتق از جفت انسانی با پتانسیل تمایز و تکثیر بالا، سلول های بنیادی خون قاعدگی انسان با اثر ترمیم آسیب و بهبود عملکرد تخمدان و سلول های بنیادی مشتق از چربی زیر جلدی در بازو، ران یا شکم

نتیجه گیری: کاربرد بالینی سلول های بنیادی مزانشیمی نویدبخش درمان ناباروری یا نارسایی تخمدان برای مبتلایان است. مطالعات اولیه نتایج اطمینان بخشی را نشان می دهد. برای تایید این نتایج دلگرم کننده، مطالعات دیگر مورد نیاز است.

واژه های کلیدی: سلول های بنیادی، نارسایی، تخمدان

مقدمه: ناباروری به عنوان یک مشکل جدی در جامعه شناخته شده و برای پیشگیری و درمان آن، تغذیه سالم و مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به این موضوع، پژوهشگران بسیاری در زمینه بررسی ارتباط بین تغذیه و ناباروری فعالیت می‌کنند. در این مقاله، به بررسی این ارتباط و راهکارهای پیشگیری از ناباروری از طریق تغذیه پرداخته می‌شود.

روش جستجو: در این پژوهش، از روش تحقیقات میدانی و بررسی ۱۲ مقاله با کلید واژه‌های مطالعه استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها، از منابع مختلف از جمله پایگاه‌های داده علمی (مانند PubMed، Scopus، Web of Science) استفاده شد. همچنین، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده خواهد شد. در این پژوهش، نمونه‌گیری به صورت تصادفی از بین جامعه هدف (زوجین نابارور) صورت گرفت.

یافته‌ها: ناباروری به عنوان یک مشکل جدی در جامعه شناخته شده است و برای پیشگیری و درمان آن، تغذیه سالم و مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقاله، به بررسی ارتباط بین تغذیه و ناباروری پرداخته شده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، مصرف مواد غذایی با کمبود ویتامین D، اسید فولیک، روی و سلنیوم می‌تواند باعث کاهش تولید اسپرم و عدم تخمک‌گذاری شود. همچنین، مصرف زیاد قند، چربی و نمک می‌تواند باعث اختلال در هورمون‌های جنسی و در نتیجه منجر به ناباروری شود. به علاوه، مصرف الکل و سیگار نیز با کاهش تولید اسپرم و تخمک‌گذاری مرتبط است. بنابراین، تغذیه سالم و مناسب با مصرف مناسب ویتامین‌ها، مواد معدنی و مواد غذایی حاوی آنتی‌اکسیدان‌ها می‌تواند به عنوان یک راهکار پیشگیری از ناباروری مطرح شود. همچنین، مصرف الکل و سیگار و همچنین محدود کردن مصرف قند، چربی و نمک نیز به عنوان راهکارهای پیشگیری از ناباروری مطرح می‌شود.

نتیجه: با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش، می‌توان راهکارهایی برای پیشگیری از ناباروری ارائه داد. به عنوان مثال، ترویج تغذیه سالم و مناسب، مصرف مناسب ویتامین‌ها، مواد معدنی و آنتی‌اکسیدان‌ها، کاهش مصرف الکل و سیگار و همچنین محدود کردن مصرف قند، چربی و نمک می‌تواند به عنوان راهکارهای پیشگیری از ناباروری مطرح شود. همچنین، برای افزایش آگاهی جامعه درباره این مسئله، برگزاری کارگاه‌ها و سخنرانی‌های آموزشی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه: ناباروری، تغذیه، ویتامین‌ها، مواد معدنی، آنتی‌اکسیدان‌ها، الکل، سیگار، قند، چربی، نمک

مقدمه: امروزه به دلیل تغییرات جوامع و صنعتی شدن آن ها، سبک های زندگی افراد دچار تغییراتی نسبت به گذشته شده است. تحقیقات نشان می دهد این تغییرات در افزایش شیوع ناباروری مردان در سال های اخیر نقش داشته است. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط سبک زندگی و ناباروری در قالب یک مطالعه مروری انجام شده است.

روش جستجو: کلیدواژه های مناسب، طبق مش ترم استخراج شدند. علاوه بر کلیدواژه های اصلی، مترادف های آنها نیز برای ساخت روش های جست و جوی مناسب هر پایگاه مورد استفاده قرار گرفتند. پایگاه های بین المللی (PubMed, Cochran library, Web of sciences, Scopus, Embase, PsyINFO, SID, Marginal) و موتور جست و جو گر google scholar مورد بررسی قرار گرفتند جست و جو توسط دو پژوهشگر به طور مستقل انجام شد. بعد از ارزیابی عنوان و چکیده مقالات و همچنین معیار ورود و خروج مطالعه، ارزیابی کیفیت مقالات با چک لیست STROB انجام شد و مقالات مرتبط انتخاب شدند.

یافته ها: در بررسی اولیه ۱۲۵۰ مقاله به دست آمد که بعد از غربالگری نهایی توسط دو پژوهشگر به طور جداگانه، ۲۵ مقاله مورد بررسی قرار گرفت. سیگار کشیدن، مصرف الکل و مواد مخدر، مصرف هورمون تستوسترون، چاقی، استرس، افزایش سن، تغذیه نامناسب، مصرف کافئین بیش از حد، اختلالات خواب، افزایش دما، امواج الکترومغناطیسی، مواد آلاینده و سموم شیمیایی از جمله مهمترین و پرتکرار ترین عوامل در مطالعات بودند.

نتیجه گیری: با توجه به تغییرات سبک زندگی در جوامع کنونی، اثرات آن بر ناباروری مردان به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد و در سطوح مختلف پیشگیری، برنامه های مناسبی برای مردان نابارور طراحی، اجرا و ارزشیابی شود.

کلمات کلیدی: ناباروری، مردان، سبک زندگی

زهرا مقدسی^۱، طوبی فرازمند^۲، مهدیس مهرابی^۳، عیسی برجی^۴، مسعود شمشیریان^۵

۱. کارشناس مامایی- مسئول طرح نفس بیمارستان بنت الهدی
۲. متخصص زنان و زایمان-فلوشیپ ناباروری
۳. کارشناس ارشد مامایی
۴. کارشناسی ارشد روانشناسی- مسئول طرح نفس درمانگاه جوادالائمه
۵. دکتری داروسازی- مسئول بسیج جامعه پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: یکی از مهمترین متغیرهای تاثیرگذار بر سقطهای عمدی جنین، بارداری‌های ناخواسته می‌باشد که امروزه این معضل از مهم‌ترین مباحث علوم پزشکی ایران و جهان است. سقط‌های عمدی، عمدتاً " غیر ایمن می‌باشند و لذا به عنوان تهدیدی برای سلامت زنان در جوامع در نظر گرفته می‌شوند.

گزارش: خانم ۳۰ ساله، $G4L3$ ، سابقه سه بار زایمان طبیعی (با تجربه زایمان سخت و پارگی درجه ۳ در بارداری سوم و عفونتهای راجعه واژینال پس از زایمان با مراجعات مکرر به پزشکان، تشخیص آسیب اسفنکتر خارجی مقعد و شلی عضلات پوبورکتالیس و فیستول رکتوواژینال، توسط متخصص جراحی کولون و رکتوم گذاشته شده بود و توصیه اکید به پیگیری از بارداری مجدد و انجام فیزیوتراپی عضلات کف لگن و سپس جراحی به ایشان داده شده بود)، متأسفانه ایشان توصیه‌های پزشک را به دلیل سهل‌انگاری و مشکلات مالی انجام نداده بودند و با حاملگی ناخواسته ۸ هفته به مرکز نفس مراجعه نموده و متقاضی سقط فرزند سالم خود بودند. پس از بررسی مستندات پزشکی ایشان و مشاوره‌ها و حمایت‌های مرکز، پیگیری پزشکی در مورد نحوه درمان و امکان ادامه بارداری و نحوه زایمان با پزشکان متخصص انجام شد، مادر از سقط جنین خود منصرف گردید و بارداری با مراقبت‌های لازم ادامه یافت و با ارائه مستندات مادر به کمیته توبکتومی با نظر پزشکان متعهد، بارداری به روش سزارین همراه توبکتومی در موعد مقرر با تولد فرزند سالم خاتمه یافت و به مادر تاکید شد پیگیر درمان، پس از زایمان باشد.

نتیجه‌گیری: با مشاوره صحیح، آموزش، آگاه‌سازی، حمایت و پیگیری مناسب می‌توانیم شاهد بهترین نتیجه حتی در بارداری‌های ناخواسته باشیم و نفسی را احیا نمائیم که خود مولد نسل‌های آینده کشور عزیزمان ایران خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: بارداری ناخواسته، نجات فرزند سالم، نفس

زینب میرزایی مقصور^۱، اعظم میرزایی مقصود^۲

۱. دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲. دانشگاه علوم پزشکی کرمان

مقدمه: به ناتوانی زوجین در باردار شدن پس از یک سال رابطه جنسی نازایی اطلاق می شود. علل ناباروری می تواند مربوط به زن یا مرد یا هر دو باشد. با پیشرفت دانش و تکنولوژی و روش های ارزیابی پیچیده خصوصاً در طی دو دهه اخیر شیوع این مسئله کاهش یافته و در حال حاضر به حدود ۱۲.۵ درصد در زنان می رسد. یکی از دلایل کاهش نرخ باروری می تواند شیوع نازایی باشد. تعداد بسیار

زیادی روش درمان برای ناباروری وجود دارد که بسته به علت در زن و مرد متفاوت است. از این روش ها می توان به IUI, DONATION, ICSI, IVF اشاره کرد که این روش ها کمک شایانی به افزایش جمعیت کرده است لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر درمان های نوین نازایی بر پایداری جمعیت ایران انجام شده است.

روش جست و جو: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری بود که تاثیر درمان های نوین نازایی بر پایداری جمعیت ایران را بررسی کرده است.

برای دستیابی به مقالات مربوطه در پایگاه های اطلاعاتی Science Direct, Google Scholar, PubMed and Web of

Science و با استفاده از کلمات کلیدی فارسی نازایی، پایداری جمعیت، درمان نازایی نوین و کلمات انگلیسی IUI, ICSI, IVF

Infertility, population stability, modern infertility treatment, جستجو انجام شد.

یافته ها: در نتیجه جست و جو ۴۷ مقاله وارد مطالعه شدند. بعد از حذف مقالات تکراری ۲۸ مقاله باقیمانده تجزیه و تحلیل شدند.

مطالعات انجام شده بر روی مردان و زنان نشان داد که عواملی مانند نازایی می تواند منجر به بروز افسردگی و مشکلات روانی و رفتاری شود و به دنبال آن با وجود نازایی و کاهش نرخ باروری در ایران نرخ رشد جمعیت کاهش می یابد لذا با بهره گیری از روش های نوین درمان نازایی می توان پایداری جمعیت را پیش بینی کرد.

نتیجه گیری: درمان نازایی شامل روش های فارماکولوژیک و تکنیک های کمکی می باشد. استفاده از این روش ها به خصوص در سال

های اخیر روند فزاینده ای داشته است که پایداری جمعیت را به دنبال خواهد داشت لذا از یافته های این مطالعه می تواند در حیطه

سیاست های افزایش جمعیت استفاده کرد.

حسن نامدار احمدآباد^{۱*}، شاهین مافی نژاد^۲

۱- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

۲- گروه اطفال، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

مقدمه: زایمان زودرس یکی از علل مهم مرگ و میر و اختلال رشد در نوزادان است. برخی مطالعات نشان دادند که کمبود ویتامین D سطوح فاکتور التهابی بدن را تنظیم می کند که باعث افزایش هورمون های انقباض رحمی مانند پروستاگلاندین می شود و در نتیجه باعث زایمان زودرس می شود. این مطالعه با هدف بررسی سطح سرمی ۲۵-هیدروکسی ویتامین D در آندسته از زنانی که بدون علت شناخته شده ای دچار زایمان زودرس می شوند، انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه مورد شاهدهی در شهرستان بجنورد و بیمارستان بنت الهدی انجام شد. جمعیت مورد مطالعه شامل ۳۰ زن مبتلا به زایمان زودرس بدون علتهای شناخته شده و ۳۰ زن با زایمان طبیعی بودند. افراد با روش سرشماری انتخاب شدند و با رضایت آگاهانه و داوطلبانه از آنها خواسته شد پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی و بالینی را تکمیل کنند. سپس از آنها نمونه خون وریدی تهیه شد و سرم آن تهیه شد. سطح سرمی ۲۵-هیدروکسی ویتامین D با استفاده از روش ساندویچ الایزا اندازه گیری شد.

یافته ها: بیشترین محدوده سنی زنان شرکت کننده در مطالعه مربوط به بازه ۲۹-۲۴ سال بود. از ۳۰ خانم مبتلا به زایمان زودرس با علت شناخته ۵ نفر آنها سابقه قبلی بستری شدن در بیمارستان و ۶ نفر از آنها سابقه قبلی سقط داشتند. خانم هایی که اولین تجربه حاملگی خوئند را داشتند هشت برابر شانس بیشتری برای بروز زایمان زودرس داشتند. هیچ کدام از اینها سابقه زایمان زودرس قبلی یا مرده زایی قبلی نداشتند. بیش از ۹۰ درصد از مادران شرکت کننده درجاتی از کمبود ویتامین D را داشتند. میانگین ۲۵-هیدروکسی ویتامین D در زنان با زایمان زودرس و بدون علل ناشناخته بیشتر از گروه کنترل بود (۱۹/۸±۸/۹ در مقابل ۱۴/۵۲±۵/۴ نانوگرم بر میلی لیتر، P = ۰/۰۰۷) بود. نتیجه گیری: درجاتی از کمبود ویتامین D در هر دو گروه خانم ها با زایمان طبیعی و خانم های با زایمان زودرس بدون علل شناخته شده وجود دارد که لزوم ارزیابی های پیش از بارداری برای این ویتامین را برای هر دو گروه ضروری می سازد. ولی این مطالعه نمی تواند بطور قطع ویتامین D را به عنوان فاکتور خطر زایمان های زودرس بدون علت اعلام نماید.

واژه های کلیدی: ویتامین D، زایمان زودرس، حاملگی، الایزا، سقط

Challenges of medical ethics in modern assisted reproductive methods



Aliyeh Niazi moghani^{1*}, Nasrin Ahangari²

¹-MSC of Midwifery, kashmar faculty of medical sciences, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran. niazima2@mums.ac.ir-9153326613

²- Gynecologist,kashmar faculty of medical sciences .Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Introduction: Pregnancy is the natural right of every person. The development of modern assisted reproductive methods has had an increasing impact on the demand for infertility treatment for all infertile people worldwide. The need to pay attention to the principles of medical ethics and its challenges for service providers in the use of these technologies in facing special cases, including the special conditions of couples as patients, a child that is born, and society has made it necessary. Therefore, the current study was conducted with the aim of investigating the challenges of medical ethics in modern assisted reproductive methods.

Search strategy: In order to conduct this research, a general review was done by the search engine in Pub Med, Science Direct, Library of Cochrane, and Google Scholar databases. Then, a systematic search was conducted with the keywords of infertility, medical ethics, assisted reproduction, from ۲۰۰۰ to ۲۰۲۳. Finally, ten articles were used to write this review article.

Results: The conducted studies showed that paying attention to the four principles of medical ethics, i.e. respect for autonomy, beneficence, non-maleficence, human dignity from a moral point of view, in respecting the rights of infertile patients with special conditions such as chronic viral diseases such as HIV and HBs- advanced malignancies of couples. Maternal mental illness - severe disability such as multiple sclerosis - true and false bisexual person, and from the point of view of the child and embryo, maintaining the right to human dignity of the fetus in the stage of removal of the fetus and paying attention to the reasonable well-being of the child, from the point of view of the society, maintaining the principle of confidentiality and lineage in the methods of assistance Fertility with a third party has made the use of this technology a moral challenge.

Conclusion: Service providers in modern assisted reproductive methods can resolve many ethical dilemmas by compiling a medical ethics document in this field and fully familiarizing themselves with the principles of bioethics and adhering to them. In case of conflicts, the therapist can work as a moral agent based on moral beliefs and evaluating the validity of the principles of bioethics with each other in a reasonable, consistent and concerned manner in solving conflicts.

Keyword: Infertility, assisted reproduction, medical ethics

Effective factors and outcomes related to induced abortion in Iran



Aliyeh Niazi moghani^{*۱}, Hoda Zabihi^۲, Maliheh Sistani^۳

۱- MSC of Midwifery, kashmar faculty of medical sciences, Mashhad University of Medical Sciences, Mashad, Iran niiazimar۲@mums.ac.ir-۰۹۱۵۳۳۲۶۶۱۳

۲- Gynecologist, kashmar faculty of medical sciences .Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

۳- MSC of Clinical Psychology, kashmar faculty of medical sciences, Mashhad University of Medical Sciences, Mashad, Iran

Introduction: When women face an unwanted pregnancy, both in developed and developing countries, they decide to have an abortion for similar reasons. Induced abortions are mostly unsafe, so it is considered a serious threat to the physical, mental and social health of women and their families. Therefore, the present study was conducted with the aim of investigating the effective factors and consequences related to intentional abortion in Iran.

Search strategy: In order to conduct this research, a general review was first conducted by the search engine in Pub Med, Science Direct, Library of Cochrane from Google Scholar. Then a systematic search was conducted using the keywords induced abortion, consequences of abortion, causes of abortion from ۲۰۱۲ to ۲۰۲۳. Finally Ten articles were used to write this review article.

Results: Studies have shown that in Iran, the most important factors in carrying out abortion are the job - the mother's education - the pressure of the spouse or sexual partner to abort - the sexual preference of the children - respecting the age of the children - sexual relations with incest - economic and financial reasons - Having enough children - temporary marriage - wife's addiction and considering the fetus dead in the first month of pregnancy and lack of awareness of the complications of abortion and the religious beliefs of families are related, on the other hand, studies show the consequences of intentional abortion to severe bleeding - infection - shock Infectious - acute kidney failure - mental disorders and maternal death - cancer of the cervix - ovary, liver and breast - ectopic pregnancy - premature birth - ectopic pregnancy - endometriosis - infertility.

Conclusion: Abortion is a health problem that imposes a huge cost on society as a social harm with its physical-psychological and social consequences, therefore changing the attitude of women and society about the factors affecting intentional abortion and its consequences should be apart from the macro-policies of the country, so that we can see the reduction of intentional abortion and its consequences in the country.

Keyword: induced abortion, consequences of abortion, causes of abortion

Evaluation of Ovary rejuvenate in women with premature ovarian failure with intra-ovarian infusion platelet-rich autologous plasma (PRP)



Mahsa Niyazi¹, Fatemeh Tanhaye Kalate Sabz^{1*}, Tooba Farazmand²

¹- Master of Anatomical Sciences, Department of Anatomical Sciences, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

²- Assistant Professor, Department of Anatomical and Pathological Sciences, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

³- Department of Gynecology, Faculty of Medicine, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran

Introduction: Premature ovarian failure (POF) is described as a loss of ovarian activity and affects 1% of women. It is identified by oligomenorrhea in women under the age of 40. Intra-ovarian platelet-rich plasma (PRP) infusion has attracted a lot of attention as a potential treatment for ovarian fatigue in women with POF. Patient-derived PRP comprises growth factors, proteins, and hormones that promote tissue regeneration and healing. This study aims to examine the possible therapeutic effects of PRP on patients diagnosed with POF.

Material and method: The search keywords were “ovary rejuvenate”, “premature ovarian failure” and “Intra-ovarian infusion platelet-rich autologous plasma” in search databases including Scopus, PubMed, and Google Scholar.

Results: Studies found that PRP treatment improved follicle-stimulating hormone (FSH), anti-Müllerian hormone (AMH), and antral follicle count (AFC) and increased clinical pregnancy rates. PRP therapy could potentially activate folliculogenesis in late-reproductive women in assisted reproductive technology (ART) programs. Patients who received autologous PRP showed better embryo quality and ovarian vascularization. Studies have shown that the advantages of autologous PRP intraovarian infusion include brief immunogenicity and stress-free handling. However, inflammation, cancer, and unidentified harmful effects on the embryo are possible risks connected to PRP therapy.

Conclusion: PRP therapy appears to have the potential to improve reproductive outcomes in POF women. However, additional research is needed to assess the long-term safety and efficacy of PRP therapy.

Keywords: Premature ovarian failure, Ovary rejuvenate, Intra-ovarian infusion, Platelet-rich plasma

سیده طاهره میرمولایی^۱، فاطمه عباس زاده^۲، ملوک جعفرپور^۳

۱- گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران.

۲- گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، ایران.

۳- گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایران.

چکیده:

از جمله مسائلی که قدمتی تقریباً طولانی دارد مسأله سقط جنین می باشد، که در زمان ها، مکان ها و شرایط مختلف با آن برخوردهای متفاوتی شده است. سقط جنین دربرگیرنده مسائلی در حوزه های مختلف فلسفه، دین، اخلاق، حقوق، فمینیسم، بهداشت و سلامت است. در هر یک از این حوزه ها رویکردهای متفاوتی در خصوص ، مسأله سقط جنین در نظامهای مختلف وجود دارد اگرچه برخی معتقدند که سقط جنین در اخلاق به عنوان یک ضد ارزش و در روانشناسی و جامعه شناسی و حتی اقتصاد به عنوان یک پدیده ناهنجار شناخته میشود گروهی دیگر با تکیه بر اصول آزادی رفتاری ، دادن این اختیار را به نوعی تجلی حمایت از زن در جامعه میدانند. در این مقاله ابتدا به توصیف مباحثی پیرامون سقط در رابطه با حقوق جنین و حقوق مادر باردار از نظر اخلاقی و قانونی میردازیم و سپس به بررسی دیدگاههای زیر در مورد سقط می پردازیم؛ موافقان آزادی سقط که عمدتاً به اولویت حقوق زن مانند حق تصمیم گیری برای تولیدمثل، حق کنترل بر بدن خویش اشاره می کنند؛ مخالفان آزادی سقط که به حق حیات جنین توسل می جویند و میانه روها که جواز سقط را منوط به اموری چون عدم سلامت و نقص جنین، تاثیر بارداری زن بر سلامت خویش و خانواده و میزان مسوولیت زن در بارداری منوط می کنند.

کلید واژه ها: سقط جنین ، اخلاق ، حقوق.